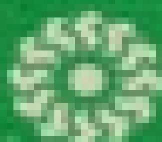
۹۴

# ترجمه

# بحار الأنوار

## الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار

از محدث کبیر شیعه علامه محمد باقر مجلسی



ترجمه بحار الأنوار

# ترجمه بحارالانوار جلد 94: کتاب روزه

مشخصات کتاب


سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.1 : 978-600-7150-67-2 ؛ ج.2 : 978-600-7150-68-9 ؛ ج.3 : 978-600-7150-69-6 ؛ ج.4 : 978-600-715070-2 ؛ ج.5 978-600-7150-71-9 : ؛ ج.6 978-600-7150-72-6 : ؛ ج.7 978-600-7150-73-3 : ؛ ج.8 : 978-600-7150-74-0 ؛ ج.10 978-600-7150-76-4 : ؛ ج.11 978-600-7150-83-2 : ؛ ج.12 978-600-7150-66-5 : ؛ ج.13 978-600-7150-85-6 : ؛ ج.14 978-600-7150-86-3 : ؛ ج.15 978-600-7150-87-0 : ؛ ج.978:16-600-7150-88-7 ؛ ج.978:17-600-7150-89-4 ؛ ج.18: 978-600-7150-90-0 ؛ ج.978:19-600-7150-91-7 ؛ ج.978:20-600-7150-92-4 ؛ ج.21: 978-600-7150-93-1 ؛ ج.978:22-600-7150-94-8 ؛ ج.978:23-600-7150-95-5

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.2. کتاب توحید.- ج.3. کتاب عدل و معاد.- ج.4. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. 5. تاریخ پیامبران.- ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.7. کتاب امامت.- ج.8. تاریخ امیرالمومنین.- ج.9. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.11. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.12. کتاب آسمان و جهان - 1.- ج.13. آسمان و جهان - 2.- ج.14. کتاب ایمان و کفر.- ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.16. کتاب مواعظ و حکم.- ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.18. کتاب ادعیه.- ج.19. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.20.

کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP135/م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ترجمه

بحار الانوار

جلد94

کتاب روزه

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار،جلد 94

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور



آدرس نهاد: تهران - بلوارکشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری

ص: 4

فهرست

{ادامه بابها از جلد 93}

باب پنجاه و سوم: شب قدر و فضیلت آن و فضیلت شب هایی که احتمال می رود شب قدر باشد...................................................................................... 7

باب پنجاه و چهارم: وداع ماه رمضان و کیفیت آن................................ 36

باب پنجاه و پنجم: فضیلت های ماه رجب و روزه و احکام آن و فضیلت برخی از شب ها و روزهای آن.................................................................... 37

باب پنجاه و ششم: فضیلت های ماه شعبان و روزه آن و فضیلت اولین روز آن.................................................................................................. 68

باب پنجاه و هفتم: فضیلت شب نیمه شعبان و اعمال آن.........................102

باب پنجاه و هشتم: صدقه و استغفار و دعا در شعبان، اضافه بر آنچه گذشت و إن شاءالله در باب اعمال ماه شعبان از باب های اعمال سال خواهد آمد........... 110

باب پنجاه و نهم: روزه سه روز در هر ماه و ایام البیض و روزه پیامبران علیهم السلام................................................................................ 111

باب شصتم: فضیلت روز غدیر و روزه آن.........................................132

باب شصت و یکم: فضیلت روزه دیگر روزها.................................... 144

باب شصت دوم: روزه دهم ذی حجه و دعا در آن روز....................... 145

باب شصت و سوم: روزه روز دحو الارض....................................... 148

باب شصت و چهارم: روزه روز جمعه و روز عرفه.............................. 149

باب شصت و پنجم: ثواب کسی که برای اجابت درخواست برادر مؤمن خویش روزه خود را بشکند.................................................................... 152

باب شصت و ششم: فضیلت اعتکاف، به ویژه در ماه رمضان و احکام آن............................................................................................ ............ 155

ص: 5

باب های اعمال سال ها، ماه ها، روزها و مطالب و مفاهیم شریف مرتبط با آن

باب های اعمال مربوط به ماه های عربی و احکام مرتبط به آن

باب اول: اعمال و دعاهای روزها و شب های ماه به طور کلی................159

باب های اعمال ماه رمضان و دعاها و نمازها و غیره و دیگر مطالب مربوط به آن

باب اول: تحقیق در این که ماه رمضان در اول سال واقع شده.................414

باب دوم: دعا به هنگام دخول ماه رمضان و سایر اعمال و آداب آن و موارد مربوط به آن.......................................................................................... 415

باب سوم: نوافل ماه رمضان و سایر نمازها و دعاها و اعمال مربوط به آن و موارد مناسب با آن ..........................................................................454

{ادامه بابها از جلد 93 }

## باب پنجاه و سوم : شب قدر و فضیلت آن و فضیلت شب هایی که احتمال می رود شب قدر باشد

### اشاره

مؤلف: در باب های اعمال ماه رمضان از باب های عمل سال، موارد مناسب با آن ذکر خواهد شد.

### آیات:

- شَهرُ رَمَضان الذی أُنزِلَ فیه القرآن.(1)

{ماه رمضان همان ماه است که [در آن] قرآن فرو فرستاده شده است. }

- یُنزِّلُ الْمَلائکَهَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلیَ مَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنذِرُواْ أَنَّهُ لاَ إِلهَ إِلاَّ أَنَا فَاتَّقُونِ.(2)

{فرشتگان را با «روح»، به فرمان خود، بر هر کس از بندگانش که بخواهد، نازل می کند، که بیم دهید جز من معبودی نیست. پس از من پروا کنید. }

- حم * وَ الْکِتَابِ الْمُبِینِ * إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فیِ لَیْلَهٍ مُّبَارَکَهٍ إِنَّا کُنَّا مُنذِرِینَ * فِیهَا یُفْرَقُ کلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ * أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا کُنَّا مُرْسِلِینَ.(3)

{حاء، میم. سوگند به کتاب روشنگر. [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم؛ [زیرا] که ما هشدار دهنده بودیم. در آن [شب] هر [گونه] کاری [به نحوی] استوار فیصله می یابد. [که] کاری است [این] از جانب ما [صورت می گیرد]. ما فرستنده [پیامبران] بوده ایم. }



---

1- . بقره / 185
2- . نحل / 2
3- . دخان / 1-5

- إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ * وَ مَا أَدْرَئکَ مَا لَیْلَهُ الْقَدْرِ * لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیرٌ مِّنْ أَلْفِ شهْرٍ * تَنزَّلُ الْمَلَئکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبهِّم مِّن کلُ ِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِیَ حَتیَ مَطْلَعِ الْفَجْرِ.(1)

{ما [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم. و از شب قدر چه آگاهت کرد. شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقدر شده است]، فرود آیند. [آن شب] تا دمِ صبح، صلح و سلام است. }

1. تفسیر عیاشی: از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: در نوزدهم ماه رمضان دو گروه با هم ملاقات می کنند. گفتم: معنای «دو گروه با هم ملاقات می کنند» چیست؟ فرمود: آنچه را بخواهد، مقدم بدارد یا مؤخر بدارد و اراده و قضای خویش را گرد می آورد.(2)

2. تفسیر عیاشی: از عمرو بن سعید روایت شده که گفت: مردی از اهالی مدینه در مورد شب فرقان یعنی شبی که دو گروه با یکدیگر روبرو می شوند، با من مجادله می کرد. مدنی گفت: این شب، شب هفدهم رمضان است. من نیز به خدمت حضرت امام صادق علیه السلام رسیدم و حضرت را از ماجرا آگاه نمودم. پس



---

1- . قدر / 5-1

2- . تفسیر عیاشی 2 : 64، از اسحاق بن عمار روایت شده است که گفته است: شنیدم که حضرت سخن می گفت و عده ای از او این سؤال را می پرسیدند که آیا روزی ها در شب نیمه شعبان تقسیم می شود؟ گوید: حضرت در پاسخ فرمود: نه، به خدا سوگند این امر تنها در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان صورت می گیرد. در شب نوزدهم دو گروه با هم ملاقات می کنند، در شب بیست و یکم هر گونه کاری به نحوی استوار فیصله می یابد و در شب بیست و سوم خداوند هر چه را از آن اراده فرماید جاری سازد، این همان شب قدر است که خداوند عزوجلّ فرموده است: {بهتر از هزار ماه است. } گوید: عرض کردم: معنای سخن «دو گروه با هم ملاقات می کنند» چیست؟ فرمود: خداوند هر آنچه را از پیش افتادن یا به تأخیر انداختن و اراده و تقدیر خویش مشیت فرموده است، گرد می آورد. گوید عرضه داشتم: این که در شب بیست و سوم آن

را جاری می سازد، به چه معناست؟ فرمود: خداوند در شب بیست و یکم آن را فیصله می دهد و اجرای اراده او در این شب با بدا همراه است. چون شب بیست و سوم فرا رسید، آن را به عنوان سرنوشت حتمی جاری گرداند که حضرت تبارک و تعالی در آن بدایی حاصل نسازد. ر. ک: کافی 4 : 158

فرمود: مدنی انکار کرده است، تو ضربت خوردن امیر المؤمنین علیه السلام را اراده میکنی. حضرت در شب نوزدهم ماه رمضان ضربت خورد، یعنی همان شبی که عیسی بن مریم علیه السلام در آن عروج کرد.

3. تفسیر عیاشی: از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: اجلی که در شب قدر مقدر می شود، همان اجلی است که خداوند در مورد آن فرموده است: «فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعةً و لا يستقدمون»(1)، {چون

اجلشان فرا رسد، نه [می توانند] آن را ساعتی پس اندازند و نه پیش. } (2)

4. مجالس الشيخ: على گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که ابو بصیر به حضرت عرض کرد: شبی که در آن انسان هر آن چه خواهد آرزو کند چه شبی است؟ فرمود: شب بیست و یکم یا بیست و سوم است. عرضه داشت: اگر بر دو شب توان نداشته باشم؟ حضرت فرمود: طلب حاجت در دو شب چه آسان است!

- گوید: - عرض کردم: چه بسا ما هلال را در منطقه خود ببینیم، ولی فردی دیگر بیاید و خلاف آن را در سرزمینی دیگر خبر دهد؟ فرمود: چقدر آسان است چهار شب که در آنها حاجت بخواهی. گفتم: جانم به فدایت! شب بیست و سوم شب جُهنی است؟ فرمود: یقیناً این گونه گفته می شود(3).

گفتم: سلیمان بن خالد روایت کرده است که شب نوزدهم نام کاروان حج گزاران نوشته می شود، حضرت فرمود: ای ابا محمد، نام گروه حج گزاران، مرگ ها، مصیبت ها و رزق و روزی ها و مواردی از این قبیل تا شب قدر آینده در



---

1- . اعراف / 34

2- . تفسیر عیاشی 2 : 262 و 123

3- . او عبد الله بن انیس جهنی، ابو یحیی مدنی، هم پیمان بنی سلمه از انصار است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله در خصوص شب قدر سؤال کرد و گفت: من از خانه ام دور هستم، شبی را به من امر فرما تا به

خاطر آن شب، اطراق کنم. فرمود: شب بیست و سوم فرود آی. ر.ک: اسد الغابه 3 : 120، صدوق نیز در کتاب خود الفقیه 2 : 103 این گونه روایت کرده است: در روایتی از زراره از یکی از دو امام [صادق یا باقر] علیهما السلام آمده است که گفت: از حضرت در مورد شب هایی در ماه رمضان که غسل در آن مستحب است، پرسیدم، حضرت فرمود: شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم و فرمود: شب بیست و سوم لیله الجهنی است.

شب قدر نوشته می شود، پس این شب را در شب بیست و یک یا بیست و سه جستجو کن و در هر یک از این دو شب صد رکعت نماز بگذار و اگر توانستی این دو شب را بیدار باش [تا سپیده دم و در این دو شب غسل کن، گوید: عرض کردم: اگر نتوانستم ایستاده نماز به پا دارم چه؟ فرمود: نشسته نماز بخوان. عرضه داشتم: اگر آن را هم نتوانستم چطور؟ فرمود: در بستر خویش بخوان]. (1)

گفتم: و اگر نتوانستم؟ فرمود: باکی نیست که اول شب سرمه از خواب در چشم کشی، یعنی اندکی بخوابی. به درستی که در های آسمان در ماه رمضان گشوده شوند و شیاطین در زنجیر گردند و اعمال مؤمنان مورد قبول درگاه حق واقع شود. آری! در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله ماه رمضان «مرزوق» نامیده می شد.(2)

از امالی طوسی: با همین اسناد از سماعه روایت شده که گفته است: به من فرمود: اگر توان آن را داشتی، در هر یک از شب های بیست و یک و بیست و سه ماه رمضان، صد رکعت منهای سیزده (هشتاد و هفت رکعت) نماز به پا دار و تا صبح شب زنده داری کن. مستحب است این شب زنده داری با نماز و دعا و تضرع همراه باشد؛ چرا که امید می رود شب قدر یکی از این دو شب باشد و شب قدر بهتر است از هزار شب.

به او گفتم: چگونه بهتر از هزار شب است؟ فرمود: هر عمل [شایسته ای] در این ماه بهتر است از عمل در هزار ماه که در آن ها شب قدر وجود ندارد و این شب فقط در ماه رمضان قرار دارد و در این شب هر کاری به طور استوار فیصله مییابد، گفتم: چگونه؟ فرمود: هر اتفاقی که در آن سال رخ می دهد، در این شب مقدر می شود و در آن گروه حج گزاران برای مکه نوشته می شود.(3)

از کتاب امالی طوسی: با همین اسناد از زراره از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که گوید: از حضرت در مورد شب قدر پرسیدم، فرمود: یکی از دو



---

1- . مطالب میان قلاب از منبع اضافه شده است، این مطلب را در التهذیب 1 : 263 نیز ذکر کرده است. همچنین در کافی 4 : 156 و الفقیه

2 : 103 آن را می بینید.
2- . امالی طوسی 2 : 301
3- . امالی طوسی 2 : 301

شب بیست و یک یا بیست و سه ماه رمضان است. گفتم: آیا این شب، فقط یک شب نیست؟ فرمود: آری، گفتم: پس مرا از آن شب آگاه کن، فرمود: آنچه بر عهده توست این است که در دو شب عمل نیک انجام دهی.(1)

از کتاب امالی طوسی: به نقل از یحیی بن علا روایت شده: امام صادق علیه السلام سخت بیمار بود. حضرت دستور داد تا او را به مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله ببرند، چنین کردند و ایشان تا صبحگاه شب بیست و سوم ماه رمضان در آنجا بود.(2)

5. دعوات راوندی: امام صادق علیه السلام فرمود: در سه شب از ماه رمضان مصحف شریف را برمی داری و می گشایی و در مقابلت می گیری و می گویی:

«خداوندا! به حق کتابی که فرو فرستاده ای و هر آنچه در آن است و در آن اسم اعظمت و اسماء حسنایت است، و به آنچه از آن بیم و امید می رود، از تو می خواهم که مرا در زمره نجات یافتگانت از آتش جهنم قرار دهی.» و هر حاجتی که خواستی می خواهی.

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که شب بیست و سوم ماه رمضان شب جهنی است که در آن هر کاری به طور استوا فیصله مییابد و گرفتاری ها و مرگ ها و عمر ها و روزی ها و قضا و قدر و هر آنچه از این قبیل که خداوند در آن شب برای یک سال رقم می زند، مشخص می شود. پس خوشا به حال بنده ای که آن شب را با رکوع و سجود احیا کند و گناهان خویش را روبروی چشمانش حاضر کند و بر آن ها بگرید. پس اگر چنین کند، امید آن دارم دست خالی باز نگردد ان شاء الله.

همچنین فرمود: در ماه رمضان خداوند به فرشته ای دستور می دهد که هر روز در آسمان ندا دهد: به بندگانم بشارت دهید، گناهان گذشته شما را بخشیدم و برخی از شما را در شب قدر شفیعان برخی دیگر قرار دادم، مگر کسی را که با شراب افطار کند یا به برادر مسلمان خود کینه داشته باشد.

1- . امالی طوسی 2 : 301
2- . امالی طوسی 2 : 289

روایت شده است که خداوند هر گونه بدی و زشتی و تمام انواع بلا را در شب بیست و پنجم از روزه داران ماه رمضان برطرف میکند. سپس به گوش و چشم آنان روشنایی می بخشد و بهشت در آن روز و آن شب آراسته می شود.

6. مؤلف: ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه از ابن عراده نقل کرده است: به امیر المؤمنین علیه السلام گفته شد ما را از شب قدر آگاه کن؟ فرمود: بعید نیست که من از آن آگاه باشم و آن را پنهان دارم و تردیدی ندارم که خداوند به سبب لطف خود بر شما آن را از شما پنهان می دارد؛ زیرا اگر شما را از آن آگاه گرداند، فقط در آن شب دعا و مناجات می کنید و شب های دیگر را وامی گذارید و امیدوارم که این شب از دست شما نرود إن شاء الله.

7. کتاب الغارات: نوشته ابراهیم بن محمد ثقفی به نقل از اصبع بن نباته آورده است که مردی از علی علیه السلام در مورد «روح» پرسید، آیا او جبرئیل نیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: جبرییل از ملائکه است و روح غیر از جبرئیل است. آن مرد در تردید بود و سخن حضرت بر وی شگفت آمد، گفت: سخنی عجیب گفتی، هیچ یک از مردم نپندارد که روح غیر از جبرئیل باشد. علی علیه السلام فرمود: تو مردی گمراهی و از گمراهان نقل سخن می کنی، خدای تعالی به پیامبرش می فرماید: «أَتى أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ* يُنَزِّلُ الْمَلائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلى مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ»،(1) {[هان] امر خدا در رسید، پس در آن شتاب مکنید. او منزه و فراتر است از آنچه [با وی] شریک می سازند. فرشتگان را با «روح»، به فرمان خود، بر هر یک از بندگانش که بخواهد نازل می کند.}. پس روح غیر از ملائکه است. و نیز فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ* تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ»،(2) {شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان برای هر کاری[که مقدر شده است] فرود می آیند.} و فرموده است: «يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِكَةُ صَفًّا»،(3)

{روزی که «روح» و فرشتگان به



---

1- . نحل / 2-1

2- . قدر / 3-4
3- . نبأ / 38

صف می ایستند.} نیز در چنین روزی به حضرت آدم و جبرییل و ملائکه فرمود: «إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ طِینٍ * فَإِذا سَوَّیْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی فَقَعُوا لَهُ ساجِدِینَ»، (1) {من بشری را از گل خواهم آفرید. پس چون او را[کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده کنان، برای او [به خاک] بیفتید.} [این خطاب به ملائکه بود و جبرئیل نیز از ملائکه بود.] پس جبرئیل با ملائکه بر روح سجده کردند و درباره مریم فرموده است: «فَأَرْسَلْنا إِلَیْها رُوحَنا فَتَمَثَّلَ لَها بَشَراً سَوِیًّا»، (2) {پس روح خود را نزد او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد.} و در حق محمد صلی الله علیه و آله فرموده است: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ * عَلی قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ الْمُنْذِرِینَ * بِلِسانٍ عَرَبِیٍّ مُبِینٍ * وَ إِنَّهُ لَفِی زُبُرِ الْأَوَّلِینَ»، (3) {«روح الأمین» آن را بر دلت نازل کرد، تا از [جمله] هشداردهندگان باشی. به زبان عربی روشن و [وصف] آن در کتاب های پیشینیان آمده است.} «زبر» به معنی «ذکر» یعنی کتاب است. اما «اولین»، رسول خدا صلی الله علیه و آله هم جزء ایشان است. پس روح یکی است و صورت ها گوناگون.

سعد گوید: آن مرد که در تردید افتاده بود، سخن امیر المؤمنین را در نیافت جز این که گفت: روح غیر از جبرئیل است. پس از علی علیه السلام در مورد لیله القدر پرسید و گفت: می بینم که از «لیله القدر» یاد می کنی، شبی که ملائکه و روح در آن شب فرود می آیند، علی علیه السلام فرمود: اگر مشروح آن بر تو روشن نشد، ظاهر مطلب را برای تو خواهم گفت، تا تو داناترین مردم سرزمین خود به معنی «لیله القدر» باشی.

آن مرد گفت: اگر چنین کنی مرا نعمتی بخشیده ای. علی علیه السلام گفت: خدا یکتاست و فرد را دوست دارد. خدا بی همتاست و فرد را برگزیده است. و قاعده هفت را بر تمام اشیاء جاری ساخت: خدای عزّ و جلّ فرموده است: «خَلَقَ سَبْعَ



---

1- . ص / 71-72
2- . مریم / 17
3- . شعراء / 193-196

سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَ»، (1) {هفت آسمان و همانند آن ها هفت زمین آفرید.} و «خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ طِباقاً»، (2) {هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید.} و در مورد جهنّم فرموده: «لَها سَبْعَةُ أَبْوابٍ»، (3) {[دوزخی] که برای آن هفت در است.} و فرموده: «سَبْعَ سُنْبُلاتٍ خُضْرٍ وَ أُخَرَ یابِساتٍ»، (4) {هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر.} و فرموده: «سَبْعَ بَقَراتٍ سِمانٍ یَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجافٌ»، (5) {هفت گاو فربه [را دیدم] که هفت [گاو] لاغر آن ها را می خورند.} و «حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ»، (6) {(همانند) دانه ای است که هفت خوشه برویاند.} و فرموده: «سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیم»، (7) {سبع المثانی [سوره فاتحه] و قرآن بزرگ (را عطا کردیم)}.

پس سخن مرا به یارانت برسان، شاید خداوند در میان آن ها فرد ستودهای قرار داده باشد که وقتی سخن ما را بشنود دلش به محبت ما گراید و برتری علم ما و مثل هایی را که می زنیم بداند، مثل هایی که معنی آن ها را جز کسانی که به برتری ما آگاهند، در نمی یابند.

مرد سئوال کننده گفت: به من بگو این شب را در چه شبی جستجو کنم؟ فرمود: در هفت شب آخر، به خدا سوگند اگر آخر این هفت شب را بشناسی نخستین شبِ آن را شناخته ای و اگر اولین را دریابی به شب قدر پی برده ای. مرد گفت: نمی فهمم چه می گویی. فرمود: خداوند متعال بر دل های قومی مهر زده و در حق آنان فرموده است: «إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَی الْهُدی فَلَنْ یَهْتَدُوا إِذاً أَبَداً»، (8) {اگر آن ها را به سوی هدایت فرا خوانی، باز هرگز به راه نخواهند آمد.} اما اگر نخواستی بفهمی و فهم سخن بر تو دشوار آمد، پس بنگر: چون شب بیست و سوم ماه رمضان به سر



---

1- . طلاق / 12
2- . ملک / 3
3- . حجر / 44
4- . یوسف / 46
5- . یوسف / 43
6- . بقره / 261
7- . حجر / 87
8- . کهف / 57

آید، آن را در شب بیست و چهارم بطلب و آن شب هفتم است و در مورد شناخت هفت شب، هر کس به این هفت شب پی برد، تمام دین را کامل کرده و این شب ها رحمت و عذابی است برای بندگان. این شب ها دروازه هایی هستند که خداوند می فرماید: «لِکُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُوم»(1)، {از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می شوند]. } در هر در جزیی هلاک می شوند و [کلید] تمام درها در ولایت است.

8. از کتاب غارات: از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: یک سال رسول خدا صلی الله علیه وآله دهه اول ماه رمضان را اعتکاف فرمود، سال بعد دهه میانی را اعتکاف کرد، سال سوم وقتی از غزوه بدر بازگشت اعتکاف به جای آورد و به خواب رفت. در خواب دید که شب قدر در ده شب پایانی است و خود را دید گویی که در آب و گل و لای سجده می کند. چون از خواب برخاست، همان شب به همراه همسران و جمعی از صحابه بازگشت و در شب بیست و سوم باران در گرفت و پیامبر صلی الله علیه و آله نماز به جای آورد. چون صبح شد، بر سیمای حضرت گِل دیده شد. از آن پس همواره ده شب آخر را اعتکاف می فرمودند تا روزی که خداوند جان حضرت را باز پس گرفت.

9. کتاب المقتضب نوشته احمد بن محمد بن عیاش از امام صادق از پدرانش علیهم السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند از میان روزها، روز جمعه، از بین ماه ها، ماه رمضان و از میان شب ها، شب قدر را برگزید، ادامه روایت.

همین روایت با واسطه از جابر بن عبد الله به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است.

10. مجالس الشیخ: از مفید از ابن قولویه از کلینی(2)

به اسناد خود از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید پس از او بنی امیه از منبرش بالا می روند و مردم را از راه راست به قهقرا و گمراهی می کشانند. صبح اندوهگین و افسرده از خواب برخاست. جبرییل بر او فرود

1- . حجر / 44
2- . کافی 4 : 159 و سند آن را صحیح آوردیم.

آمد و گفت: ای رسول خدا! چه شده که تو را افسرده و محزون می بینم؟ فرمود: ای جبرییل! امشب در خواب دیدم بنی امیه بعد از من از منبرم بالا می روند و مردم را از راه راست دور می کنند. جبرییل گفت: سوگند به کسی که تو را به حق فرستاد، من از این واقعیت بی خبر بودم. سپس به آسمان عروج کرد و طولی نکشید که با آیاتی از قرآن بر او فرود آمد و با این آیات به او آرامش و الفت بخشید: « أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْناهُمْ سِنِينَ، ثُمَّ جاءَهُمْ ما كانُوا يُوعَدُونَ، ما أَغْنى عَنْهُمْ ما كانُوا يُمَتَّعُونَ»،(1) {مگر نمی دانی که اگر آنان را سال ها برخوردار کنیم، آن گاه آنچه که [بدان] بیم داده می شوند بدیشان برسد، آنچه از آن برخوردار می شدند، به کارشان نمی آید [و عذاب را از آنان دفع نمی کند]؟} و خداوند این آیات را بر وی نازل کرد: « إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَيْلَةِ الْقَدْرِ* وَ ما أَدْراکَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ* لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»،(2) {ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم. و از شب قدر، چه آگاهت کرد. شبِ قدر از هزار ماه ارجمندتر است.} خداوند شبی را برای پیامبر خویش قرار داد که از هزار ماه حکومت بنی امیه برتر بود.(3)

11. الهدایه: امام صادق علیه السلام فرمود: در شب نوزده، بیست و یک و بیست و سه ماه رمضان غسل کن و بکوش تا شب را بیدار بمانی و فرمود: احتمال می رود شب قدر، شب بیست و یکم و بیست و سوم باشد. نیز فرمود: شب بیست و سوم شبی است که در آن هر امر محکمی تقسیم می شود و نام گروه حاجیان و هر آنچه از این سال تا سال دیگر واقع می شود، ثبت می گردد. مستحب است که در این شب صد رکعت نماز خوانده شود که در هر رکعت، یک حمد و ده بار سوره توحید خوانده می شود.



---

1- . شعراء / 205
2- . قدر / 1-3
3- . آن را در منبع چاپی نیافتیم و همین روایت را از امام صادق علیه السلام در ج 2 ص 300 و در التهذیب : ج 1 ص 263 روایت کرده است. در الفقیه : ج 2 ص 101 نیز آن را می بینید.

12. دعائم الإسلام: از امام باقر علیه السلام در مورد این فرمایش خدای متعال: «تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها»، (1) روایت شده است که فرمود: در این شب فرشتگان و کاتبان به آسمان دنیا فرود می آیند و هر آنچه را از امر پروردگار در این سال رخ می دهد و آنچه به بندگان می رسد، می نویسند. این امر نزد پروردگار است و خواست پروردگار در آن است. هر آنچه را بخواهد مقدم میدارد و هر آنچه را خواهد به تأخیر می اندازد و «يَمْحُوا اللَّهُ ما يَشاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتابِ»، (2) {خداوند آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند و اصل کتاب نزد اوست. }

از امام علی علیه السلام نیز روایت شده است که فرمود: شب هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان از خدا حج بخواهید که نام گروه حاجیان هر سال در شب قدر نوشته می شود و در این شب هر امر محکمی تقسیم می گردد.

از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: نشانه شب قدر این است که بادی بوزد، اگر این باد سرد باشد، گرم می شود و اگر گرم باشد، سرد می گردد.

از همان حضرت از پدرانش علیهم السلام روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله منع فرموده از این که از شب بیست و یکم و بیست و سوم غفلت شود یا این که کسی در چنین شبی بخوابد.

نیز از او روایت شده که فرمود: کسی که شب قدر را دریابد و آن شب برای عبادت به پاخیزد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد. (3)

از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده: مردی از جُهینه به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا من گله ای شتر و گوسفند و چندی غلام دارم، می خواهم شبی از ماه رمضان را به من دستور فرمایی تا به مدینه داخل و در نماز حاضر شوم. رسول خدا او را نزد خود خواند و در گوشش رازی را گفت. وقتی شب بیست و سوم شد جُهنی با شتران و گوسفندان و اهل و



---

1- . قدر / 4

2- . رعد / 39
3- . دعائم الإسلام 1 : 281

فرزندان و غلامان خویش وارد مدینه شد و وقتی صبح شد با همانان که وارد شهر شده بود آنجا را ترک گفت و به وطن خویش بازگشت.

از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده است که از او در خصوص شب قدر پرسیده شد و حضرت در پاسخ فرمود: این شب در ده شب آخر ماه رمضان واقع است.

از امام علی علیه السلام روایت شده: از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد شب قدر سؤال شد، حضرت پاسخ داد: این شب را در ده شب آخر ماه رمضان جستجو کنید، من این شب را در خواب دیدم سپس فراموش کردم، ولی با این وجود دیدم که آن شب میان آب و گل نماز می گزارم و چون شب بیست و سوم فرارسید، باران شدیدی بر ما بارید و (سقف مسجد چکه کرد. رسول خدا به امامت ما نماز گزارد و نوک بینی حضرت گل آلود شد.

از حضرت علی علیه السلام روایت شده: آن [شب] را در ده شب پایانی جستجو کنید؛ چرا که مشاعر هفت تاست و آسمان ها هفت تا و زمین ها هفت تا هستند و هفت گاو و هفت خوشه سبز وجود دارد.(1)

نیز از حضرت علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ده شب آخر ماه رمضان بستر خویش را در هم می پیچید و کمر خود را برای عبادت می بست و شب بیست و سوم اهلش را بیدار می فرمود و در آن شب بر صورت خفتگان آب می پاشید.

[حضرت فاطمه سلام الله علیها نیز نمی گذاشت هیچ یک از اهالی خانه در آن شب بخوابد](2) و با طعام اندک آنان را مهیا می نمود و از روز برای آن شب آماده می شد و می فرمود: محروم کسی است که از خیر این شب بی بهره گردد.

از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: شب هفدهم ماه رمضان، شبی است که در آن دو گروه با هم برخورد می کنند، و نام صف حاجیان آن سال در شب نوزدهم نوشته می شود. شب بیست و یکم شبی است که جانشینان

1- . در منبع اضافه شده است: و انسان بر هفت چیز سجده می کند.
2- . ما بین کروشه در نسخه اصل ذکر نشده است و ما آن را از منبع اضافه کردیم.

پیامبران علیه السلام در آن به دیدار حضرت حق شتافتند و در این شب حضرت عیسی علیه السلام عروج نمود و حضرت موسی علیه السلام قبض روح شد و امید می رود شب بیست و سوم، شب قدر باشد.(1)

13. امالی شیخ صدوق: از امام صادق علیه السلام روایت شده: « إِنَ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فی کِتابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْض»،(2) {در حقیقت، شماره ماه ها نزد خدا، از روزی که آسمان ها و زمین را آفریده، در کتاب [علمِ] خدا، دوازده ماه است. } گلچین ماه ها، ماه خدای عزوجلّ و آن، ماه رمضان و قلب ماه رمضان، شب قدر است. قرآن در اولین شب ماه رمضان نازل شد، پس با قرآن به پیشواز این ماه برو.(3)

14. امالی شیخ صدوق: حفص می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در مورد این سخن خداوند عزوجلّ: «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی أُنْزِلَ فیهِ الْقُرْآن»(4) {ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است. } به من خبر ده که چگونه قرآن در ماه رمضان نازل شده در صورتی که قرآن طی بیست سال از اول تا آخرش فرو فرستاده شده است. حضرت علیه السلام فرمود: همه قرآن به یک باره در ماه رمضان بر بیت المعمور نازل شده و در مدت بیست سال از بیت المعمور [بر پیامبر] نازل شده است.(5)

تفسیر قمی: مثل همین روایت را آورده است. (6)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: همانند این روایت را آورده است.

مؤلف: در باب فضیلت ماه رمضان روایات بسیاری ذکر شد.

15. امالی صدوق: امام حسن علیه السلام در خطبه ای که پس از وفات پدر گرامیاش ایراد نمود، فرمود: ای مردم! در این شب قرآن نازل شد و عیسی بن مریم



---

1- . دعائم الإسلام 1 : 282
2- . توبه / 36

3- . امالی صدوق : 38
4- . بقره / 185
5- . امالی صدوق : 38
6- . تفسیر قمی : 56

علیه السلام عروج کرد و در این شب یوشَع بن نون کشته شد و در این شب پدرم امیر المؤمنین علیه السلام از دنیا رفت.(1)

16. امالی صدوق: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: صبح شب قدر همانند شب آن است، پس عبادت کن و بکوش.(2)

17. قرب الإسناد: ابن بکیر گفته است: از امام صادق علیه السلام در باره غسل در ماه رمضان پرسیدم و این که در چه شبی غسل کنم؟ فرمود: شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم. در شب نوزدهم اسامی حاجیان نوشته می شود و در این شب امیر المؤمنین علیه السلام ضربت خورد و در شب بیست و یکم به لقاء خدا پیوست. غسل باید اول شب باشد. به حضرت عرض کردم: اگر بعد از غسل بخوابد. فرمود: آیا این غسل مانند غسل جمعه نیست که اگر بعد از طلوع فجر غسل کردی، کفایت می کند؟(3)

18. تفسیر قمی: از امام صادق علیه السلام روایت شده: وقتی شب قدر فرا رسید، فرشتگان و روح و کاتبان الهی به آسمان دنیا فرود می آیند و هر آنچه را که از قضای خدای متعال در آن سال رخ می دهد می نویسند، پس اگر خداوند اراده کرده باشد که امری را به پیش و یا به تأخیر اندازد یا از چیزی بکاهد یا به آن بیفزاید، به فرشته دستور می دهد تا هر آنچه را او می خواهد محو گرداند و هر چه را اراده کرده ثبت کند. گفتم: همه چیز در نزد خداوند در کتابی ثبت و ضبط شده است؟ فرمود: آری. عرض کردم: و چه چیزی پس از آن رخ می دهد؟ فرمود: سبحان الله! پس از آن نیز هر آنچه خداوند تبارک و تعالی بخواهد ایجاد می کند.(4)

19. تفسیر قمی: «حم * وَ الْکِتابِ الْمُبِینِ * إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهٍ مُبارَکَهٍ إِنَّا کُنَّا مُنْذِرِینَ» {حاء، میم. سوگند به کتاب روشنگر، [که] ما آن را [یعنی قرآن را] در شبی



---

1- . امالی صدوق : 192
2- . امالی صدوق : 388
3- . قرب الإسناد : 102

4- . تفسیر قمی : 343، نیز در همین کتاب ذکر شده: «و همه چیز در نزد او به مقداری ثابت، در کتاب وجود دارد».

فرخنده نازل کردیم؛ [زیرا] که ما هشداردهنده بودیم. } این شب، شب قدر است که خداوند در آن، قرآن را یکباره بر بیت المعمور نازل کرد و سپس از بیت المعمور در طول بیست سال بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرو فرستاد. {در این شب}، یعنی شب قدر، {هر امر محکمی تقسیم می شود}(1)؛ یعنی خداوند هر امری را از حق و باطل و هر آنچه را در آن سال رخ می دهد، مقدر می فرماید و بدا و مشیت از آن اوست. هر آنچه از مرگ و رزق و روزی، مصیبت ها و اعراض و امراض که بخواهد، مقدم میدارد و هر آنچه را اراده کند، به تأخیر اندازد و هر آنچه را بخواهد می افزاید. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به امیر مؤمنان علیه السلام میسپارد و امیر مؤمنان نیز آن را به امامان علیه السلام میسپارد تا این که در پایان به حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه می رسد و بدا و مشیت و پیش انداختن و به تأخیر افکندن را برای او شرط می کند.

ابو المهاجر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که به وی فرمود: ای ابو المهاجر! شب قدر بر ما پوشیده نیست، فرشتگان در این شب گرداگرد ما می چرخند.(2)

20. تفسیر قمی: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه: «ما أَصابَ مِنْ مُصِیبَهٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی أَنْفُسِکُمْ إِلَّا فِی کِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها»،(3) {هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس های شما [به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. } روایت شده است که خداوند راست گفت و پیامبرانش ابلاغ کردند و کتاب او که در آسمان است، حاوی علم اوست و کتابی را که در زمین است، اعلام ماست در شب قدر و سایر شب ها. «إِنَّ ذلِکَ عَلَی اللّهِ یَسِیرٌ.»،(4) {این [کار] بر خدا آسان است. }(5)



---

1- . دخان / 4
2- . تفسیر قمی : 615 در مورد سوره دخان.
3- . حدید / 22
4- . حدید / 22
5- . تفسیر قمی : 665

21. تفسیر قمی: از امام باقر علیه السلام در شأن این قول خداوند روایت شده است: «وَ لَنْ یُؤَخِّرَ اللّٰهُ نَفْساً إِذا جاءَ أَجَلُها.»، (1) { و[لی] هر کس اجلش فرا رسد، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی افکند.} در نزد خداوند نوشتهای است نگهداشته شده که خداوند هر کدام را بخواهد پیش میدارد و هر یک را بخواهد به تأخیر اندازد، و در شب قدر هر چیزی از این قبیل را که قرار است رخ دهد، نازل می کند. این است معنای فرموده خداوند: «وَ لَنْ یُؤَخِّرَ اللّٰهُ نَفْساً إِذا جاءَ أَجَلُها» وقتی اجل فرود آید و نویسندگان آسمان ها آن را ثبت کنند، آن را به تأخیر نیندازد.(2)

22. تفسیر قمی: در شأن این فرموده خداوند: «سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ.»، (3) {پرسنده ای از عذاب واقع شونده ای پرسید.} از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است: مردی در خصوص اوصیا و منزلت شب قدر و این که در آن شب چه چیزی به آن ها الهام می شود، سؤال کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او از عذابی واقع شونده پرسید، سپس کفر ورزید و تصور کرد که این عذاب واقع نخواهد شد، پس چون به وقوع پیوست: «لَیْسَ لَهُ دافِعٌ * مِنَ اللّٰهِ ذِی الْمَعارِجِ»،(4){آن را بازدارنده ای نیست.[و] از جانب خداوندِ صاحب درجات [و مراتب] است.} و خداوند فرمود: «تَعْرُجُ الْمَلائِکَةُ وَ الرُّوحُ»،(5) {فرشتگان و روح بالا می روند.} در صبح لیله القدر به سوی او از جانب پیامبر و وصی صلی الله علیه و آله.(6)

23. تفسیر قمی: «إِنّٰا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ»،(7) {ما آن را در شب قدر نازل کردیم.} یعنی همان قرآن که به یکباره بر بیت المعمور و در طول بیست سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. «وَ ما أَدْراکَ ما لَیْلَةُ الْقَدْرِ»،(8) {و از شب قدر،



---

1- . منافقون / 11
2- . تفسیر قمی : 682
3- . معارج / 1
4- . معارج / 2-1
5- . معارج / 4
6- . تفسیر قمی : 695
7- . قدر / 1
8- . قدر / 2

چه آگاهت کرد.} خداوند در آن شب اجل ها و رزق و روزی ها و هر امری که رخ می دهد؛ از مرگ و زندگی گرفته تا حاصلخیزی و خشکسالی یا خیر و شر را مقدر میکند، همان طور که خداوند فرموده است: «فِیها یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ»،(1) {هر امر محکمی در این شب تقسیم می شود.} تا یک سال. این سخنش: «تَنَزَّلُ الْمَلائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیها»،(2) {در آن [شب] فرشتگان، با روح، فرود آیند.} بدین معناست که فرشتگان و روح القدس بر امام زمان علیه السلام فرود می آیند و آنچه را که از این امور نوشته اند به او تحویل می دهند. در شأن این فرموده اش: «لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»،(3) {شب

قدر بهتر است از هزار ماه.} گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید بوزینه هایی از منبرش بالا می روند و از این خواب اندوهگین شد. پس خداوند سوره «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» را نازل فرمود. این سخنش «لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: {شب قدر برتر است از هزار شب} حکومت بنی امیه که شب قدری در آن ها نیست. در شأن این سخن « کُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ » گفته است: سلامی که با آن به امام تحیت گفته میشود تا زمانی که سپیده دمیده شود. به امام باقر علیه السلام عرض شد: شب قدر را می شناسید؟ فرمود: چگونه نشناسیم، در حالی که فرشتگان در آن شب گرداگرد ما حلقه می زنند؟(4)

24. عیون اخبار الرضا علیه السلام: سلیمان مروزی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: آیا در مورد آیه «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» به من خبر نمی دهی که چه چیزی در این شب نازل شد؟ فرمود: ای سلیمان! خداوند عزوجلّ در شب قدر تمام رخدادهای آن سال را از زندگی یا مرگ یا خیر یا شر یا روزی را تا سال دیگر مقدر می فرماید. هر چیزی هم خداوند در آن شب مقدر کند حتمی است.(5)

مؤلف: برخی روایات در خصوص فضیلت نیمه شعبان ذکر شده است.(6)



---

1- . دخان / 4
2- . قدر / 4
3- . قدر / 3
4- . تفسیر قمی : 732- 731

5- . عیون اخبار الرضا 1 : 182
6- . بلکه در قسمت بعدی باب 57 ذکر خواهد شد.

25. الخصال: از امام جواد علیه السلام روایت شده که امیر مؤمنان علیه السلام به ابن عباس فرمود: شب قدر در هر سالی هست. در این شب فرمان سالیانه فرود می آید و این امر پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله والیانی دارد. ابن عباس گفت: آن ها کیستند؟ فرمود: من و یازده تن از نسل من، امامانی که محدَّث هستند - حدیث به آن ها القا می شود -(1).

26. الخصال: از امام جواد علیه السلام روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و سلم به اصحابش فرمود: به شب قدر ایمان بیاورید. آن شب پس از من به علی بن ابی طالب و یازده فرزند او تعلق دارد.(2)

27. إکمال الدین: با واسطه از حسن بن عباس همین حدیث روایت شده است.(3)

مؤلف: اخبار غسل در ابواب غسلها گذشت.

28. الخصال: از امام باقر علیه السلام روایت شده است: غسل در هفده مورد است. شب هفدهم ماه رمضان که همان شب برخورد دو گروه و شب بدر است. شب نوزدهم که در آن نام واردین به بیت الله الحرام نوشته می شود. شب بیست و یکم که در آن شب اوصیای پیغمبران علیهم السلام از دنیا رفته اند و عیسی بن مریم عروج یافته و موسی علیه السلام قبض روح شده است، شب بیست و سوم که امید است شب قدر باشد.

عبد الرحمن بن ابی عبد الله بصری روایت می کند: امام صادق علیه السلام به من فرمود: شب بیست و چهارم غسل کن. عیب ندارد که در هر دو شب غسل کنی، ادامه روایت.(4)



---

1- . الخصال 2 : 79
2- . الخصال 2 : 79
3- . کمال الدین 1 : 397 و 422 و همین روایت در کتاب الغیبه شیخ طوسی ص 100 آمده است.
4- . الخصال 2 : 95

29. الخصال: روایت شده وقتی شب بیست و یک و بیست و سه فرا می رسید، امام باقر علیه السلام شروع به مناجات می فرمود تا این که شب سپری می شد و آن گاه نماز می گزارد.(1)

30. الخصال: از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است: شب بیست و یک و بیست و سه صد رکعت نماز به جای آور و در هر رکعت یک حمد و ده توحید بخوان.(2)

31. الخصال: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: شب قدر اول سال [آینده] و آخر سال [گذشته] است.

شیخ صدوق رحمه الله گفته است: بزرگان ما - که خدا از آنان خوشنود باشد - اتفاق نظر دارند که شب قدر، شب بیست و سوم ماه رمضان است و غسل آن از اول شب است و تا آخر شب کفایت میکند.(3)

32. الخصال: حسّان بن مهران گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد شب قدر پرسیدم، فرمود: در شب بیست و یک و بیست و سه آن را جستجو کن.(4)

33. امالی شیخ طوسی: از امام محمد باقر علیه السلام در مورد شب قدر پرسیده شد. فرمود: فرشتگان و روح و کاتبان به آسمان دنیا فرود می آیند و هر آنچه را که در دستور سالیانه وجود دارد و در آن سال به بندگان می رسد، می نویسند. و امر بستگی به مشیت پروردگار دارد. هر آنچه بخواهد پیش می فرستد و هر چه بخواهد به تأخیر می اندازد. این همان معنای قول خدای متعال است: «یَمْحُوا الله ما یَشاءُ وَ یُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ»(5) {خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب نزد اوست. }(6)



---

1- . الخصال 2 : 101
2- . الخصال 2 : 101
3- . الخصال 2 : 102
4- . الخصال 2 : 102
5- . رعد / 39

6- . امالی طوسی 1 : 60 و 59

34. امالی شیخ طوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این ماه، رمضان است، ماهی مبارک که خداوند در آن روزه داری را واجب فرمود. درهای بهشت در این ماه گشوده و شیاطین در زنجیر می شوند. شبی در این ماه است که برتر از هزار ماه است. هر که از این شب بی نصیب گردد، محروم می شود. این جمله را سه بار تکرار کرد.(1)

35. امالی شیخ طوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی که از روی ایمان و برای ثواب در ماه رمضان روزه بگیرد، خداوند گناهان گذشته اش را می آمرزد. هر کسی هم شب قدر را از روی ایمان و برای ثواب نماز بخواند، خداوند گناهان گذشته اش را می آمرزد.(2)

36. علل الشرایع: داود بن فرقد گوید: شنیدم مردی از امام صادق علیه السلام پرسید، به من خبر ده آیا شب قدر هر سال بوده یا هست؟ حضرت فرمودند: اگر شب قدر برداشته شود، قرآن هم برداشته می شود.(3)

37. علل الشرایع: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: هر کسی که در آن شب، یعنی شبی که تمام امور از روی حکمت فیصله مییابد و آن شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است، نامش در صف حاجیان نوشته نشود، آن سال به حج نخواهد رفت؛ چرا که در آن شب نام حاجیان آن سال نوشته می شود و همچنین ارزاق و عمرها و آنچه در سال پیش می آید مقدّر می گردد. راوی می گوید: عرض کردم: پس کسی که در شب قدر نامش نوشته نشود به حج نخواهد رفت؟ فرمود: خیر. عرض کردم: چطور چنین می باشد؟ حضرت پاسخ داد: من با شما جر و بحثی ندارم، واقع امر چنین است.(4)

38. معانی الاخبار: از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی! می دانی لیله القدر به



---

1- . امالی طوسی 1 : 71
2- . امالی طوسی 1 : 149 و همچنین است حدیث اول.
3- . علل الشرایع 2 : 75
4- . علل الشرایع 2 : 105

چه معناست؟ عرض کردم: خیر ای رسول خدا! حضرت فرمود: خداوند تبارک و تعالی در آن شب، تقدیر و سرنوشت تمام موجودات را تا روز قیامت مقدر می کند و در آنچه خدای عزّ و جلّ مقدر فرموده، ولایت تو و ولایت امامان از نژاد تو، تا روز قیامت نیز هست.(1)

39. معانی الاخبار: فضل بن عثمان گوید: در محضر امام صادق علیه السلام آیه «إنّا أنزلناهُ فی لیلهِ القدر» تلاوت شد، حضرت فرمود: چه واضح است برتری این سوره بر سایر سوره ها. گوید: عرضه داشتم: برتری آن در چیست؟ فرمود: ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در آن شب نازل شده است. عرض کردم: در شب قدری که ما در ماه رمضان امید درک آن را داریم؟ فرمود: آری. شبی که در آن، آسمان ها و زمین مقدّر شده و ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام در آن مقدَّر و معیّن شده است.(2)

40. ثواب الاعمال: از امام باقر علیه السلام روایت شده، وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از عرفات بازگشت و رهسپار منی شد وارد مسجد گردید و مردم گرد حضرت حلقه زدند و از او در مورد شب قدر پرسیدند. حضرت برای ایراد خطبه برخاست و پس از حمد و ثنای پروردگار فرمود: اما بعد، شما از من درباره شب قدر پرسیدید. من آن را از شما پنهان نداشته ام؛ چرا که به آن علمی نداشتم، ای مردم! بدانید کسی که ماه رمضان را دریابد و سالم و تندرست باشد و روزش را روزه بگیرد و پاسی از شبش را به دعا مشغول گردد و بر نماز خویش مداومت نماید و به نماز جمعه برود و در نماز عید فطر شرکت کند، شب قدر را درک کرده و به پاداش پروردگار نائل شده است. راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند به پاداشی دست یافته است که همانند پاداش بندگان نیست.(3)



---

1- . معانی الاخبار : 315
2- . معانی الاخبار: 316
3- . ثواب الاعمال : 59

41. ثواب الاعمال: حُمران گوید: از امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند عزوجل پرسیدم: «إنَّا أنزَلناهُ فی لیلهٍ مبارکهٍ»،(1) { ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم. } فرمود: آری ! این شب، شب قدر است و هر سال در ده روز آخر ماه رمضان است. قرآن فقط در شب قدر نازل شد. خداوند عزوجلّ فرموده: «فیها یُفرَقُ کلُّ أمرٍ حکیم»،(2) {هر امر محکمی در این شب تقسیم می شود. } فرمود: در شب قدر هر آن چیزی که باید تا سال بعد اتّفاق افتد از خیر یا شر، طاعت یا معصیت، ولادت یا مرگ و یا روزی مقدّر می گردد. و هر آنچه در آن شب مقدّر شد و اراده حضرت حق بر انجام آن تعلّق گرفت، از امور قطعی و حتمی است؛ چرا که مشیّت خدا در آن است.

راوی گوید: به حضرت عرضه داشتم: «لیلهُ القدرِ خیرٌ من ألفِ شَهر»، {شب قدر بهتر است از هزار شب. } مقصود خداوند چه چیزی بوده؟ حضرت فرمود: انجام عملی شایسته همچون نماز و زکات و هر نوع کار خیری در این شب بهتر است از انجام همین عمل در هزار ماه دیگر که شب قدری نداشته باشد. اگر چنین نبود که خداوند پاداش عمل مؤمنان را چند برابر کند، هرگز بدان نمی رسیدند، ولی خداوند حسنات آنان را چندین برابر می کند.(3)

42. ثواب الاعمال: ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: ای ابا محمد ! هر کسی در شب بیست و سوم ماه رمضان سوره عنکبوت و روم را بخواند، به خدا سوگند که اهل بهشت است. کسی را استثنا نمی کنم و خوف آن را ندارم که خداوند به سبب این سوگند گناهی در نامه اعمالم ثبت کند. به راستی که این دو سوره نزد خداوند از جایگاهی والا برخوردارند.(4)

43. بصائر الدرجات: محمد بن عمران از امام صادق علیه السلام چنین روایت می کند: به حضرت عرض کردم: مردم می گویند در شب نیمه شعبان عمر ها نوشته



---

1- . دخان / 3
2- . دخان / 4
3- . ثواب الاعمال : 61

4- . ثواب الاعمال : 99

می شود و رزق و روزی تقسیم می گردد و سند حاجیان ثبت می شود. فرمود: در این مورد چیزی پیش ما نیست، ولی در شب نوزدهم مرگ ها نوشته می شود و روز ی ها تقسیم می شود و سند حاجیان صادر می شود و خداوند بر بندگانش نظر می افکند. مؤمنی نمی ماند مگر این که خداوند گناهانش را می آمرزد، مگر باده خوار. وقتی شب بیست و سوم فرا رسید، در آن هر امر محکمی فیصله یافته و آن را قطعی و نهایی میگرداند. می گوید: عرض کردم به چه کسی فدایت شوم؟ حضرت پاسخ داد: به صاحب شما. و اگر چنین نشود، پی نخواهد برد که چه اتفاقاتی در آن سال رخ می دهد.(1)

44. بصائر الدرجات: حسن بن عباس بن حریش گوید: کتابی را به امام باقر علیه السلام عرضه داشتم، حضرت به آن اقرار نموده و فرمود: امام حسین علیه السلام فرمود: در صبح اولین شب قدر پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام فرمود: از من سؤال کنید که به خدا سوگند از عالم ذر به شما خبر می دهم، آنچه را که در سیصد و شصت روز و روزهای پیش و پس از آن رخ می دهد. در مورد چیزی از آن با تکلف یا تفسیر به رأی یا ادعای دانستن چیزی به شما خبر نمی دهم، مگر به واسطه علمی که خداوند به من بخشیده و با تعلیم او. به خدا سوگند که اهل تورات یا انجیل یا زبور یا قرآن از من پرسشی نمی کنند، مگر این که میان تمام پیروان هر کتاب، با حکمی که در کتاب خود آن هاست تفاوت قائل شوم. فرمود: به امام حسین علیه السلام عرض کردم: آیا به نظر شما آنچه در شب قدر از آن آگاه می شوید، بعد از سپری شدن آن سال، چیزی در مورد آن می ماند که از آن سخن نگفته باشید؟ فرمود: سوگند به کسی که جانم در دست اوست نه! اگر در آنچه در شب قدر بدان علم یافتیم امر شده بود که در برابر دشمنانتان سکوت اختیار کنید، قطعاً سکوت می کردیم که سکوت سخت تر از سخن گفتن است.(2)

45. بصائر الدرجات: حسن بن عباس بن حُرَیش گوید: آن را به امام باقر علیه السلام عرضه داشتم، حضرت به آن اقرار فرمود و گفت: امام حسین علیه



---

1- . بصائر الدرجات : 222
2- . بصائر الدرجات : 223 و 222

السلام فرمود: قلبی که بر آنچه در شب قدر فرود می آید ناظر باشد، منزلتی والا دارد. عرض کردم: چطور یا ابا عبد الله! فرمود: [دل آن مرد باز شده و به قلب او راه یافته می شود](1) بر قلب آن مرد با قلمی از نور نوشته می شود و آن تمام علم است. سپس قلب کتابی برای چشم و زبان مترجمی برای گوش می شود و وقتی آن مرد بخواهد به چیزی علم پیدا کند، با چشم و دل خویش به آن می نگرد، گویی او به کتابی نگاه می کند. پس از آن پرسیدم: علم در شب های دیگر چطور است؟ آیا قلب در آن باز میشود یا خیر؟ فرمود: خیر قلب گشوده نمیشود ولی خداوند با افکندن در دل، به آن مرد الهام می کند تا جایی که به گوش چنین القا می شود که گویا به واسطه دانشی که خداوند اراده کرده، سخن گفته است «واللهُ واسعٌ عَليمٌ »،(2) {و خداوند گشایشگر داناست. } (3)

46. بصائر الدرجات: عمر بن زید روایت می کند: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نظر شما در مورد کسی که به آنچه در شب قدر بر شما فرود می آید آنچنان که گفته شده، اقرار نکند و آن را انکار هم نکند، چیست؟ فرمود: اما اگر از سوی افرادی که در علم ما مورد اطمینان هستند بر او اقامه دلیل شود، ولی به او اطمینان نکند کافر است. اما کسی که اقامه دلیل از فرد مورد وثوق را نشنود معذور است تا زمانی که آن را بشنود. سپس فرمود: «یُؤمِنُ باللهِ و یُؤمِنُ للمُؤمِنین»،(4) {به خدا ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور می کند. }(5)

47. بصائر الدرجات: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: علی بن ابی طالب علیه السلام بسیار می فرمود: در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله با تیمی [ابوبکر] و همراهش ملاقات کردم و حضرت سوره إنا أنزلناه فی لیله القدر را با خشوع و گریه تلاوت می فرمود. آن دو به حضرت عرض می کردند: چه بسیار است



---

1- . این قسمت از نسخه چاپی اضافه شده است.
2- . بقره / 247
3- . بصائر الدرجات : 224 و 223
4- . توبه / 61
5- . بصائر الدرجات : 224

رقت و دل نازکیت نسبت به این سوره! حضرت به آنها می فرمود: دلم رقت یافت به سبب آنچه چشمانم دید و قلبم دریافت و به سبب آنچه قلب این فرد پس از من خواهد دید. مقصودش امام علی علیه السلام بود. آن دو گفتند: تو می دانی او چه می بیند؟ و او این سخنان را بر زبان می آورد: «تَنَزَّلُ الْمَلائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْر»، (1) {در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقرّر شده است] فرود آیند؛ [آن شب] تا دَمِ صُبح، صلح و سلام است.} امام علی علیه السلام فرمود: سپس فرمود: آیا بعد از سخن خداوند تبارک و تعالی «کُلَّ أَمْرٍ» حرفی باقی ماند؟ گفتند: نه. پیامبر فرمود: آیا می دانید این آیه بر چه کسی نازل شده است؟ گفتند: نه به خدا سوگند نمی دانیم ای رسول خدا! فرمود: آری! و آیا این شب پس از من نیز خواهد بود؟ عرضه داشتند: آری. فرمود: و آیا فرمان الهی در آن شب نازل می شود؟ گفتند: آری. فرمود: به چه کسی نازل می شود؟ گفتند: نمی دانیم. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله سر مرا گرفت و فرمود: اگر نمی دانید او کیست باید بگویم که این فرد بعد از من، علی است. فرمود: اگر آن دو نفر پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن شب را تشخیص می دادند، به سبب شدت هراسی که بر جانشان می افتاد. (2)

48. بصائر الدرجات: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: در شب قدر تمام وقایع یک سال از خیر و شر و مرگ و حیات و باران و نام گروه حاجیان نوشته می شود و به اهل زمین اعلام می گردد. گفتم: به کدام یک از زمینیان؟ فرمود: به کسی که می بینی. (3)

49. بصائر الدرجات: داود بن فرقد روایت می کند: از حضرت درباره این فرمایش خداوند عزوجل سؤال کردم: «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ * وَ ما أَدْراکَ ما لَیْلَهُ الْقَدْرِ» {ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم. و از شب قدر، چه آگاهت کرد.} فرمود: تمام وقایعی که از این سال تا سال آینده رخ می دهد؛ از مرگ یا میلاد در



---

1- . قدر / 4-5

2- . بصائر الدرجات : 224

3- . بصائر الدرجات : 220

این شب نازل می شود. عرض کردم: به چه کسی؟ فرمود: به چه کسی می تواند نازل شود؟ مردم در این شب مشغول نماز و دعا و نیایش و طلب حاجت هستند و صاحب این فرمان مشغول به فرود آمدن فرشتگان به او در مورد امور سالیانه، برای هر کاری که مقدر شده است، می باشد. آن شب تا دمِ صبح، صلح و سلام است.(1)

50. بصائر الدرجات: عبد الله بن سنان روایت می کند: از حضرت درباره نیمه شعبان پرسیدم. فرمود: در این مورد چیزی نمی دانم، ولی در شب نوزدهم روز ی ها تقسیم می شود و مرگ ها نوشته می شود و قرارداد حاجیان امضا می شود و خداوند بر بندگانش نظر رحمت می افکند و گناهانشان را می آمرزد مگر باده خوار مست. وقتی شب بیست و سوم فرا رسید، یعنی شبی که در آن هر امر محکمی تقسیم می شود، این حکم امضا می شود و سپس به اطلاع می رسد. می گوید: عرض کردم به چه کسی فدایت شوم؟ حضرت پاسخ داد: به صاحب شما و اگر چنین نشود، پی نخواهد برد که چه اتفاقاتی در آن سال رخ می دهد.(2)

51. بصائر الدرجات: هشام روایت می کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: غرض باری تعالی از این آیه در کتابش چیست: «فیها یُفرَقُ کُلُّ أمرٍ حکیمٍ» فرمود: مقصود شب قدر است که در آن نام گروه حاجیان نوشته می شود و در هر آن چیزی که باید تا سال بعد اتّفاق افتد از طاعت یا معصیت، ولادت یا مرگ مقدّر می گردد و خداوند در آن شب و روز، هر آنچه خواهد ایجاد کند و سپس آن را به صاحب زمین الهام کند. حارث بن مغیره بصری گوید: عرض کردم: صاحب زمین کیست؟ فرمود: صاحب شما.(3)

52. بصائر الدرجات: ابو هذیل از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود: ای ابو هذیل! آگاه باش که شب قدر از ما پنهان نیست. فرشتگان در آن شب گرداگرد ما می چرخند.(4)



---

1- . بصائر الدرجات : 220
2- . بصائر الدرجات : 220
3- . بصائر الدرجات : 221
4- . بصائر الدرجات : 221

53. بصائر الدرجات: داود بن فرقد روایت می کند، از امام صادق علیه السلام درباره شب قدر پرسیدم که فرشتگان در آن پیوسته فرود می آیند. حضرت فرمود: «تَنَزَّلُ الْمَلَائكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِهِّم مِّن كلُ‏ِّ أَمْرٍ* سَلَامٌ هِىَ حَتىَ مَطْلَعِ الْفَجْرِ»(1) {در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقدر شده است]، فرود آیند. [آن شب] تا دمِ صبح، صلح و سلام است.} سپس امام صادق علیه السلام به من فرمود که چه چیزی، از چه کسی و به چه کسی نازل می شود.(2)

54. بصائر الدرجات: سعید بن یسار گوید: نزد مُعلَّی بن خُنَیس بودم که فرستاده امام صادق علیه السلام آمد. به او گفتم: از او در مورد شب قدر سؤال کن. وقتی بازگشت به او گفتم: پرسیدی؟ گفت: آری! از هر آنچه می خواستم و نمی خواستم خبر داد. گفت: خداوند در آن شب مقادیر آن سال را مقرر می کند و سپس آن را به سوی زمین می فرستد. گفتم: به چه کسی؟ گفت: به کسی که می بینی ای عاجز (یا ضعیف)!(3)

55. بصائر الدرجات: معلّی بن خُنَیس از امام صادق علیه السلام روایت می کند: در شب قدر خداوند هر آنچه را رخ می دهد ثبت می کند سپس آن را به سوی زمین می فرستد. معلی گوید: گفتم به که؟ فرمود: به کسی که می بینی ای احمق!(4)

بصائر الدرجات: از حسن بن موسی همین حدیث روایت شده است.(5)

56. بصائر الدرجات: بُرَیده گوید: محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم و علی علیه السلام همراه ایشان بود، پیامبر فرمود: ای علی، آیا تو را در هفت موقعیت به همراه خویش حاضر نکردم؟ موقعیت پنجم، شب قدر است. ما به برکت این شب مخصوص شده ایم و نه غیر ما.(6)



---

1- . قدر / 5-4
2- . بصائر الدرجات : 221
3- . بصائر الدرجات : 221
4- . بصائر الدرجات : 222
5- . بصائر الدرجات : 222
6- . بصائر الدرجات : 222

57. فقه الرضا علیه السلام: در شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت نماز بخوان که در هر رکعت یک حمد و ده سوره خوانده میشود. سی رکعت از این صد رکعت را به شمار آورید. اگر نتوانستی ایستاده بخوانی نشسته به جای آور. اگر خواستی، در هر رکعت یک مرتبه قُل هُوَ اللهُ أحَد بخوان و اگر توانستی این دو شب را تا صبح احیا کنی چنین کن؛ چرا که در این دو شب فضیلت بسیاری نهفته است و نجات از آتش دوزخ در آن است. شب زنده داری دو شب در مقابل چیزی که تو بدان امید داری زیاد نیست. روایت شده است که شب زنده داری در رمضان در سه شب است: شب نوزدهم که با ذکر تسبیح و دعا و مناجات است و نماز ندارد. در این دو شب بسیار ذکر خداوند عزوجل را بگویید و در شب فطر بر رسول گرامیش بسیار صلوات بفرستید؛ که در این شب هر کس عمل نیکو انجام داده باشد پاداش خویش را می ستاند. در شب های نوزده، بیست و یک و بیست و سه غسل کن و اگر فراموش کردی نیازی نیست دوباره آن را انجام دهی.

58. السرائر: حُمران گوید: از امام صادق علیه السلام درباره شب قدر سؤال کردم. فرمود: شب سوم یا چهارم است. عرض کردم: یکی از این دو شب را به من بگو. فرمود: آنچه بر توست این که هر دو شب را عبادت کنی. شب قدر یکی از این دو شب است.(1)

59. السرائر: عبد الواحد انصاری گوید: از امام صادق علیه السلام درباره شب قدر پرسش کردم. حضرت فرمود: به تو خبر می دهم و آن را از تو پنهان نمی دارم. و آن شب، اولین شب از هفت شب است که شب بیست و چهارم با آن اشتباه گرفته می شد.(2)

60. تفسیر عیاشی: حمران گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این فرمایش خداوند متعال پرسیدم: «ثُمَّ قَضی أَجَلاً وَ أَجَلٌ مُسَمًّی عِنْدَهُ»،(3) {آنگاه مدّتی را [برای شما عمر] مقرّر داشت. و اَجَل حتمی نزد اوست. با این همه، [بعضی از] شما



---

1- . السرائر : 463
2- . السرائر : 463
3- . الأنعام / 2

[در قدرت او] تردید می کنید. } فرمود: اجل مسمی آن چیزی است که در آن شب برای ملک الموت نام برده شده و این همان اجلی است که خداوند در مورد آن می فرماید: «فَإِذا جاءَ أَجَلُهُمْ لا یَسْتَأْخِرُونَ ساعَةً وَ لا یَسْتَقْدِمُونَ»، (1) {پس چون اجلشان فرا رسد، نه [می توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش. } و همان اجلی است که در شب قدر برای ملک الموت نام برده شده و اجل دیگر، مشیت الهی در آن دخیل است، اگر بخواهد آن را پیش اندازد و اگر بخواهد به تأخیر افکند. (2)

61. تفسیر عیاشی: ابراهیم از امام صادق علیه السلام روایت می کند: در رابطه با فرمایش خدای متعال: «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآن»، (3)

{ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است. } از حضرت پرسیدم: چگونه در ماه رمضان نازل شده است، در صورتی که قرآن در بیست سال از اول تا آخرش فرو فرستاده شده است؟ حضرت علیه السلام فرمود: همه قرآن به یک باره در ماه رمضان بر بیت المعمور فرود آمده و در مدت بیست سال از بیت المعمور [بر پیامبر] نازل گشته است. سپس فرمود: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: صحف ابراهیم در شب اول ماه مبارک رمضان نازل شد و تورات شش روز از رمضان گذشته بود، انجیل سیزده شب از ماه مبارک سپری شده بود، زبور هجده روز و قرآن بیست و چهار روز از ماه رمضان گذشته بود که نازل شدند.



---

1- . یونس / 49
2- . تفسیر عیاشی 1 : 354
3- . بقره / 185

باب پنجاه و چهارم : وداع ماه رمضان و کیفیت آن

مؤلف: إن شاء الله بسیاری از ادعیه وداع و آداب آن در ابواب دعاهای ماه رمضان از باب های اعمال سال ذکر خواهد شد.

1. الإحتجاج: حمیری خطاب به حضرت قائم عجلّ الله تعالی فرجه الشریف نامه نوشت و از حضرت سؤال کرد که وداع ماه رمضان در چه زمانی صورت می گیرد؛ چرا که یاران ما بر سر آن اختلاف نظر پیدا کرده اند؛ برخی می گویند در آخرین شب ماه مبارک خوانده می شود و برخی می گویند در آخرین روز.

توقیع حضرت بیرون آمد که: «اعمال ماه مبارک در شب های آن است و وداع در آخرین شب ماه انجام می شود. اگر بیم از آن باشد که ماه ناقص شود، در دو شب آخر خوانده شود.(1)

2. فقه الرضا علیه السلام: وداع ماه مبارک در آخرین شب آن است و دعای وداع را می خوانی.

ص: 36

---

1- . الإحتجاج : 269. در «غیبت» شیخ طوسی ص 246 نیز آن را می بینی.

مؤلف: برخی از مطالب مرتبط به این باب در باب اعمال ماه رجب از ابواب اعمال سال خواهد آمد. پس غافل نشو.

1. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه، ثواب الاعمال(1) و أمالی صدوق: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدانید و آگاه باشید که رجب ماه «اصمّ» الهی است. ماه بزرگی است. بدین جهت «اصمّ» نامیده شده که هیچ یک از ماه ها در احترام و فضیلت و برتری به پای این ماه نمی رسد. اهل جاهلیت در دوران جاهلی این ماه را تکریم می کردند و وقتی هم که اسلام آمد، جز بزرگی و برتری چیزی به آن افزوده نشد.

بدانید و آگاه باشید که رجب و شعبان ماه من هستند(2)

و ماه رمضان ماه امت من است، بدانید کسی که روزی را در ماه رجب از روی ایمان و برای رضای خدا روزه گیرد، مستوجب رضوان بزرگ خداوند می شود و روزه آن روز او آتش خشم خدا را خاموش می گرداند و یکی از درهای جهنم را به روی او می بندد. اگر به قدر تمام زمین به او طلا بخشند، از پاداش روزه او گران مایه تر نیست و اگر او با نیتی خالص این عمل را انجام دهد، اجر او را چیزی از امور دنیایی را بدون حسنات کامل نمی کند. شب هنگام ده حاجت او برآورده می شود. اگر برای دنیا دعا کرده



---

1- . ثواب الاعمال : 53-49 و کتاب فضائل نسخه خطی است.
2- . در ثواب الاعمال آمده است که رجب ماه خداست و شعبان ماه من است و رمضان ماه امت من است.

باشد خداوند عزوجلّ به او می بخشد، در غیر این صورت خیری را برای او ذخیره می کند که بهتر از دعاهای دوستان، عزیزان و یاران باوفای اوست.

کسی که دو روز از رجب را روزه بگیرد، هیچ کس از اهل آسمان و زمین نمی تواند کرامتی را که نزد خداوند دارد توصیف کند و پاداشی مانند پاداش تمام عمر ده تن از راستان، هر چه عمرشان طولانی باشد، برایشان نوشته میشود و در روز قیامت نیز به مانند آنان شفاعت می شود و همراه آنان محشور می گردد تا این که وارد بهشت شود و از دوستان آنان باشد.

کسی که سه روز از رجب را روزه بگیرد، خداوند عزوجل میان او و آتش دوزخ خندق یا حائلی به فاصله هفتاد سال سیر کردن قرار می دهد و خداوند عزوجل به هنگام افطار به او می فرماید: حق تو بر من واجب و محبت و ولایت من برای تو لازم شد. ای فرشتگان! شما را گواه می گیرم که حقیقتاً گناهان گذشته و آینده او را آمرزیدم.

و هر کس چهار روز از رجب را روزه گیرد، از تمام بلایا مصون می گردد؛ از دیوانگی گرفته تا جذام و پیسی و فتنه دجال و از عذاب قبر ایمن است و پاداش خردمندان توبه پیشه و روی آورنده به خدا برای او نوشته می شود و نامه عملش پیشاپیش صف عبادت کنندگان، به دست راست او سپرده می شود.

هر کس پنج روز از رجب را روزه بگیرد، بر خداست که در روز قیامت او را خوشنود گرداند و با سیمایی فروزان همچون ماه شب چهارده محشور گردد و به تعداد شن های صحرای عالج(1) برای او حسنات نوشته میشود و بی حساب وارد بهشت شود و به او گفته می شود: هر چه آرزو داری از پروردگارت بخواه.

هر کس شش روز از ماه رجب را روزه بگیرد، در حالی از قبرش بیرون می آید که فروغ سیمایش از پرتو آفتاب درخشنده تر است و به غیر از آن نوری به او بخشیده می شود که اهل محشر از پرتو آن بهره مند می شوند. و در زمره کسانی برانگیخته می شود که از آتش دوزخ در امانند تا این که بدون حساب از صراط عبور می کند و از ناخشنودی پدر و مادر و قطع صله رحم در امان می ماند.

1- . عالج شامل بخش وسیعی از صحرای جزیره العرب است. (مترجم)
[1]

هر کسی که هفت روز از رجب را روزه بگیرد، به ازای هر روز روزه، خداوند یکی از دروازه های هفتگانه جهنم را به روی او می بندد و بدن او را بر آتش دوزخ حرام می کند.

و کسی که هشت روز از رجب روزه بگیرد، خداوند به ازای هر روز روزه، یکی از درهای هشتگانه بهشت را به روی او می گشاید و به او می فرماید: از هر کدام از درهای بهشت که خواستی وارد شو.

و کسی که نه روز از رجب را روزه بگیرد، در حالی از قبر خارج می شود که ندای «لا إلهَ إلاَّ الله» بر زبانش جاری است و جز به سوی بهشت رو نمی کند. با چهره ای نورانی از قبر خارج می شود که بر اهل محشر می تابد، تا این که می گویند: این پیامبری است برگزیده. کمترین چیزی که به او بخشیده می شود این است که بی حساب وارد بهشت می گردد.

کسی که ده روز از رجب را روزه بگیرد، خداوند دو بال سبز مزین به مروارید و یاقوت به او عنایت فرماید که با آن دو بال با سرعتی برق آسا از صراط به سوی بهشت پرواز می کند و خداوند زشتی های او را به نیکی ها بدل کند و نام او در زمره مقربین درگاه الهی که برای رضای خدا در میان مردم به عدالت رفتار می کنند، نوشته می شود. گویی او با استقامت و شکیبایی، هزار سال برای خدا عبادت کرده است.

و کسی که یازده روز از رجب را روزه بگیرد، هیچ بنده ای در روز قیامت با خدا ملاقات نخواهد کرد که پاداشش از او بهتر باشد، مگر کسی که به اندازه او یا بیشتر از او روزه بگیرد.

و کسی که دوازده روز از رجب را روزه بدارد، دو جامه سبز رنگ از سندس و استبرق بر او پوشانند و او را با آن آراسته کنند. اگر یکی از این دو جامه را در دنیا به تماشا بگذارند، شرق تا غرب عالم را روشن گرداند و دنیا خوش عطرتر از مشک گردد.

کسی که سیزده روز را روزه بگیرد، در روز قیامت خوانی از یاقوت سبز در سایه عرش الهی مهیا سازند که پایه های آن از مروارید و هفتاد برابر از دنیا گسترده تر است. بر روی آن طبق هایی از مروارید و یاقوت است و در هر طبقی

هفتاد هزار رنگ غذاست. نه رنگشان مانند هم است و نه عطرشان. در حالی از آن سفره بهره مند می شود که مردم در ناراحتی سخت و اندوهی عظیم به سر می برند.

و کسی که چهارده روز از رجب را روزه بگیرد، خداوند عزوجل پاداشی از قصرهای بهشتی که با مروارید و یاقوت ساخته شده، آنقدر به او عنایت فرماید که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به ذهن کسی خطور کرده است.

کسی که پانزده روز از رجب را روزه بدارد، در روز قیامت در جایگاه کسانی که از عذاب الهی در امانند، می ایستد. هر فرشته مقرب یا پیامبری و رسولی که از او بگذرد به او می گوید: خوشا به حالت! تو در امانی و به جوار قرب الهی مشرف شده ای و همه حسرت این جایگاه تو را می خورند و خوش و شادمان در باغ های بهشت مأوی خواهی گزید.

و کسی که شانزده روز از رجب را روزه بدارد، طلایه دار کسانی است که سوار بر مرکبی از نور در عرصه بهشت به سوی سرای رحمت بی نهایت حضرت حق به پرواز در می آیند.

کسی که هفده روز از رجب را روزه بگیرد، روز قیامت هفتاد هزار چراغ از نور بر سر راه او در صراط گذاشته می شود تا با پرتو آن چراغ ها از صراط عبور کند و به سوی بهشت رهسپار شود و فرشتگان با درود و خوش آمدگویی او را همراهی می کنند.

کسی که هجده روز از رجب را روزه بگیرد، در بهشت جاوید بر تخت هایی از مروارید و یاقوت در قصر حضرت ابراهیم علیه السلام همنشین او خواهد بود.

کسی که نوزده روز از رجب را روزه گیرد، خداوند قصری از مروارید تر در جوار قصر حضرت آدم و حضرت ابراهیم علیهما السلام در بهشت عدن برای او بنا می کند. او به آن دو بزرگوار سلام می دهد و آن دو نیز با احترام و به منظور ادای حقش، سلامش را پاسخ می دهند. به ازای هر روزی که روزه می گیرد پاداش روزه هزار سال برای او نوشته می شود.

کسی که بیست روز از رجب را روزه بدارد، گویی که بیست هزار سال خداوند عزوجلّ را عبادت کرده است.

کسی که بیست و یک روز از رجب را روزه گیرد، شفاعت او در روز قیامت درباره بسیاری از مردم همچون خطاکاران و گنهکاران دو طایفه «ربیعه» و «مضر» پذیرفته می شود.

کسی که بیست و دو روز از رجب را روزه بدارد، منادی از آسمان ندا در می دهد: ای دوست خدا! از جانب خدا تو را بشارت میدهم به کرامتی بزرگ و همراهی با پیامبران و راستگویان و شهدا و بندگان شایسته که خداوند بر آنان نعمت بخشید و چه نیکو دوستانی هستند آن ها.

کسی که بیست و سه روز از رجب را روزه بدارد، از آسمان ندا می آید: خوشا به حالت ای بنده خدا! اندکی زحمت کشیدی و نعمتی بسیار به دست آوردی. خوشا به حالت آن هنگامی که پرده از پیش رویت برداشته شود و به سوی پاداش عظیم پروردگار بخشنده خویش رهنمون گردی و در دارالسلام با ابراهیم خلیل علیه السلام هم جوار گردی.

کسی که بیست و چهار روز از رجب روزه بگیرد، فرشته مرگ در تمثال جوانی زیبا با جامه ای سبز و سوار بر یکی از اسب های بهشتی و با حریری سبز در دست و معطر به مُشکی بسیار خوشبو و با قدحی زرین و لبریز از شراب بهشتی بر او هویدا گردد و هنگام خروج جانش آن را به او می نوشاند تا سختی های مرگ بر او آسان گردد، سپس روح او را در آن حریر قرار می دهد و بوی عطری از آن برمی آید که به مشام اهل هفت آسمان می رسد. او در قبر سیراب و شاداب می ماند تا این که به حوض پیامبر صلی الله علیه و آله وارد گردد.

کسی که بیست و پنج روز از رجب را روزه بگیرد، به هنگام خروج از قبر هفتاد هزار فرشته با پرچمی از درّ و یاقوت و با زیور آلات و لباس های زیبا و کم نظیر به پیشواز او می شتابند و می گویند: ای دوست خدا! بشتاب به سوی پروردگار خویش. و او از اولین کسانی است که به همراه مقربینی که خدا از آن ها خوشنود است، در بهشت های جاودان وارد می شوند و آن ها نیز از او خوشنودند. این است رستگاری بزرگ.

و کسی که بیست و شش روز از رجب را روزه بدارد، خداوند در سایه عرش برای او صد قصر از درّ و یاقوت بنا نهد که بر سر هر قصری خیمه ای سرخ از حریر بهشتی است و در ناز و نعمت در آنجا ساکن می شود، در حالی که باقی مردم در حال حساب و بازخواست به سر می برند.

کسی که بیست و هفت روز از رجب را روزه بگیرد، خداوند قبر او را به اندازه مسافت چهارصد سال گسترش می دهد و تمام این فاصله را با مشک و عنبر آکنده می سازد.

کسی که بیست و هشت روز از رجب را روزه بدارد، خداوند عزوجل میان او و آتش هفت گودال قرار می دهد که وسعت هر گودالی به اندازه مسافت میان آسمان و زمین - که پانصد سال است - می باشد.

کسی که بیست و نه روز از رجب را روزه بگیرد، خداوند او را می آمرزد؛ گر چه کسی باشد که به دستور ظالم یک دهم اموال مردم را می گرفته و یا زنی بدکاره باشد که هفتاد زن را به فساد کشانده باشد. البته اگر هدفش از این روزه داری، جلب خشنودی خداوند و رهایی از آتش دوزخ باشد، خداوند یقیناً گناهانش را می آمرزد.

و کسی که سی روز از ماه رجب را روزه بدارد، منادی از آسمان ندا می دهد که ای بنده خدا! امّا گناهانی که در گذشته مرتکب شده ای آمرزیده شد، اینک عمل خود را در باقی عمر از نو شروع کن. و خداوند عزوجلّ در تمام بهشت های خویش جایگاهی را به او ارزانی می دارد که در هر بهشتی چهل هزار شهر [از طلا] وجود دارد و در هر شهری چهل میلیون قصر، در هر قصری چهل میلیون خانه، در هر خانه چهل میلیون خوان زرین، بر هر خوانی چهل میلیون قدح [کاسه]، در هر قدحی چهل میلیون نوع غذا و نوشیدنی، هر غذا و نوشیدنی رنگی جداگانه دارد و در هر خانه ای چهل میلیون تخت زرین است که اندازه هر کدام از این تخت ها دو هزار ذراع در دو هزار ذراع است. بر هر تختی دختری از حوران بهشتی آرمیده است که سیصد هزار گیسو از نور دارد، هر کدام از این زلف ها را یک میلیون کنیزک حمل می کنند و با مشک و عنبر خوشبو می نمایند تا این که روزه دار ماه رجب پیش او بیاید. این برای کسی است که کل ماه رجب را روزه بگیرد.

عرض کردند: ای رسول خدا! اگر کسی از روی ناتوانی یا بیماری یا زنی که پاک نباشد و نتواند روزه بگیرد، چه کاری انجام دهد تا به آنچه فرمودی برسد؟ فرمود: هر روز گرده نانی به مساکین صدقه بدهد. سوگند به کسی که جانم در دست اوست اگر هر روز این صدقه را بدهد، به آنچه گفتم یا بیشتر از آن می رسد. اگر تمام مخلوقات آسمان و زمین گرد آیند تا مقدار ثواب او را اندازه بگیرند، به یک دهم فضائل و درجاتی که در بهشت بدان ها دست می یابد نمی رسند.

عرض شد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! کسی که نتواند این مقدار صدقه را بپردازد چه کند تا به آنچه بشارت دادید دست یابد؟ فرمود: هر روز صد مرتبه خدای عزوجل را این چنین تسبیح گوید تا سی روز تمام شود: سبحان اللّه الإله الجلیل، سبحان من لا ینبغی التّسبیح إلّا له، سبحان الأعزّ الأکرم، سبحان من لبس العزّ و هو له أهل.

پاک و منزه است خداوند بزرگ، منزه است کسی که تسبیح تنها شایسته ذات اوست، منزه است خدایی که عزیزترین و گرامی ترین است. منزه است کسی که لباس عزت پوشیده و تنها اوست سزاوار آن.(1)

2. امالی الشیخ: به آوردن دعای ذکر شده در آخر سند اکتفا کرده و به طور خلاصه به فضائل اشاره کرده است.

3. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و مجالس صدوق: از امام باقر علیه السلام روایت شده است: هر کس یک روز از رجب را، از اول یا وسط یا آخر آن روزه بگیرد، خداوند بهشت را بر او واجب می کند و روز قیامت او را همراه ما و هم رتبه با ما قرار می دهد.

و کسی که دو روز از رجب را روزه بگیرد به او گفته می شود: گناهان گذشته ات آمرزیده شد! اینک عمل خود را [در باقی عمر] از سر گیر. پس هر که را از برادران و آشنایان گنهکارت می خواهی شفاعت کن. کسی که هفت روز از رجب روزه بگیرد، دروازه های هفتگانه دوزخ بر او بسته می شود و کسی که هشت روز



---

1- . امالی صدوق : 319-323

روزه بگیرد، دروازه های هشتگانه بهشت بر او گشوده می شود، پس از هر کدام که بخواهد وارد آن می شود.(1)

4. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و مجالس صدوق: انس گوید: شنیدم که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می فرمود: کسی که یک روز از رجب را از روی ایمان با نیت خالص و برای خشنودی خدا روزه بگیرد، خداوند تبارک و تعالی میان او و آتش هفتاد گودال قرار می دهد که عرض هر گودال به مقدار مسافت میان آسمان و زمین است.(2)

5. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و مجالس صدوق و العیون: از امام رضا علیه السلام روایت شده است: کسی که روز اول رجب را به اشتیاق ثواب خدای عزوجل روزه بگیرد بهشت بر او واجب می شود. و کسی که روز وسط رجب را روزه بگیرد، گنهکارانی مانند دو طایفه ربیعه و مضر را شفاعت کند و کسی که روز آخر را روزه بدارد، خداوند او را از پادشاهان بهشت قرار می دهد و او را شفیع پدر و مادر و پسر و دختر و برادر و خواهر و عمو و عمه و دایی و خاله و آشنایان و همسایگانش قرار می دهد، هر چند که در میان آنان کسی مستحق آتش جهنم باشد.(3)

6. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و مجالس صدوق: سالم روایت می کند: چند روزی از ماه رجب مانده بود که به محضر امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت به من نظری افکند و فرمود: ای سالم! آیا در این ماه روزه ای گرفتی؟ عرض کردم: به خدا سوگند نه ای پسر رسول خدا. فرمود: ثوابی را از دست داده ای که مقدار آن را فقط خدا می داند. این ماه، ماهی است که خداوند عزوجلّ آن را فضیلت بخشیده و حرمت بسیاری برای آن قائل شده و کرامت خویش را برای روزه دارانش واجب نموده است. گوید: عرضه داشتم: ای پسر رسول خدا! اگر در روزهای باقی مانده اندکی روزه بگیرم آیا بعضی از ثواب روزه داران آن را به دست می آورم؟ فرمود: ای



---

1- . امالی صدوق : 4

2- . امالی صدوق : 7

3- . نسخه خطی فضائل الاشهر الثلاثه، این حدیث در امالی صدوق : ص 7 و عیون الاخبار : ج 1 ص 291 نیز آمده است.

سالم ! کسی که یک روز از آخر این ماه را روزه بگیرد، این روزه او را از سختی های مرگ و هراس از مردن و عذاب قبر در امان می دارد. و هر که دو روز از آخر این ماه را روزه بدارد، این روزه، وسیله گذر او از پل صراط می شود و کسی که سه روز از آخر این ماه را روزه بگیرد، از هول و هراس و سختی های روز قیامت مصون شود و آزادی از عذاب دوزخ به او داده شود.(1)

7. اقبال الاعمال: امام باقر علیه السلام از پدر گرامی اش از امام علی علیه السلام روایت فرموده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس اولین روز رجب را روزه بگیرد بهشت بر او واجب می شود.(2)

8. امالی صدوق: از امام علی علیه السلام روایت شده است: کسی که یک روز را از اول یا وسط یا آخر رجب روزه بگیرد، گناهان گذشته او بخشوده می شود. و کسی که سه روز را از اول رجب، سه روز از وسط و سه روز را از آخر آن روزه بگیرد، گناهان گذشته و آینده او آمرزیده می شود. کسی که یک شب از آن را احیا دارد، خداوند او را از آتش برهاند و شفاعت او برای هفتاد هزار گنهکار پذیرفته شود. کسی که در ماه رجب برای خدا صدقه ای دهد، خداوند روز قیامت در بهشت پاداشی به او کرامت دهد که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به ذهن بشری خطور کرده است.(3)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از سعد بن عبدالله همین روایت آمده است.

9. امالی صدوق: مالک بن انس فقیه می گفت: به خدا کسی را در زهد و فضل و عبادت و پارسایی برتر از امام جعفر صادق علیه السلام ندیده ام. نزد او می رفتم مرا گرامی می داشت و مورد عنایت قرار می داد. روزی به او گفتم: ای پسر رسول خدا ! ثواب کسی که یک روز از ماه رجب را از روی ایمان و خلوص نیت و برای خدا روزه بگیرد چیست؟ حضرت که هرچه می گفت به خدا راست بود، فرمود: پدرم از پدرش از جد خویش برایم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که



---

1- . امالی صدوق : 11
2- . الاقبال : 634

3- . امالی صدوق : 323

یک روز از ماه رجب را از روی ایمان و خلوص نیت و برای خدا روزه بگیرد گناهانش آمرزیده می شود. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! ثواب کسی که یک روز از شعبان را روزه بگیرد چیست؟ به همان سند فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که یک روز از ماه شعبان را از روی ایمان و خلوص نیت و برای خدا روزه بگیرد گناهانش آمرزیده می شود.(1)

10. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از موسی بن عمران نخعی مثل همین حدیث روایت شده است.

از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است: کسی که هفت روز از رجب را روزه بگیرد، خداوند او را از صراط عبور می دهد و از آتش دوزخ مصون می دارد و اتاق های بهشتی را بر او واجب می کند.

11. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که روز بیست و هفتم ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند ثواب روزه هفتاد سال را برای او می نویسد.(2)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: همین روایت را نقل کرده است.

12. الخصال: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: حضرت نوح علیه السلام اولین روز ماه رجب بر کشتی سوار شد و به همراهانش دستور فرمود تا آن روز را روزه بگیرند و فرمود: هر که آن روز را روزه بگیرد آتش دوزخ به اندازه مسافت یک سال از او دور می شود. و کسی که هفت روز از آن را روزه بگیرد، درب های هفتگانه دوزخ به روی او بسته می شود و کسی که هشت روز روزه بگیرد، درب های هشتگانه بهشت به رویش گشوده می گردد و کسی که پانزده روز روزه بگیرد حاجتش برآورده می شود و کسی که بیشتر روزه بگیرد خداوند عزوجل بر او فزونی می دهد.(3)



---

1- . امالی صدوق : 324
2- . امالی صدوق : 349
3- . الخصال 2 : 92 و به سندی دیگر 93

کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و ثواب الاعمال: از امام حسن علیه السلام همین روایت ذکر شده است.(1)

ثواب الاعمال: از ابن عیسی همین روایت آمده است.(2)

امالی شیخ طوسی: از احمد بن محمد بن عیسی همین روایت نقل شده است.(3)

13. امالی شیخ طوسی: از کثیر همین روایت آمده و در آخر آن افزوده شده است: فرمود: روز بیست و هفتم این ماه بود که نبوت بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و کسی که این روز را روزه بگیرد، ثواب روزه او همچون ثواب کسی است که شصت ماه را روزه بگیرد.(4)

14. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: روزه روز بیست و هفتم ماه رجب را ترک نکن؛ چرا که این روز، روزی است که نبوت بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و ثواب روزه این روز، برابر با ثواب شصت ماه روزه است.

15. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از امام رضا علیه السلام روایت شده است: سه شب از ماه رجب گذشته بود که خداوند محمد را مبعوث کرد و روزه آن روز مثل روزه هفتاد سال است.

پدرم رحمه الله گفته است: سعد بن عبدالله گفت: این اشتباهی از سوی کاتب است و درست آن است که سه شب از رجب باقی مانده بود.

الخصال: با سندی دیگر مثل همین روایت از امام موسی کاظم علیه السلام آمده است.

16. عیون اخبار الرضا علیه السلام: امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام روایت می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: رجب ماه «اصبّ» خداست. از این جهت «اصب» نامیده شده که خداوند در آن ماه،



---

1- . در ثواب الاعمال آن را نیافتیم.

2- . ثواب الاعمال : 48
3- . در نسخه چاپی وجود ندارد.
4- . امالی طوسی 1 : 44

رحمت خویش را بر بندگان خویش فرو می ریزد. ماه شعبان ماهی است که خیرات در آن منشعب و پراکنده می شود و در اولین روز ماه رمضان لشکرهای شیاطین در زنجیر می شوند و در هر شب ماه مبارک هفتاد هزار بنده آمرزیده می شود. وقتی شب قدر رسید، خداوند به اندازه تعداد کسانی که در ماه رجب و شعبان و رمضان تا آن روز آمرزیده است، بیامرزد، مگر مردی که میان او و برادرش عداوتی باشد، پس خداوند عزوجل بفرماید: به این ها مهلت دهید تا خود را اصلاح کنند.(1)

17. قرب الإسناد: از امام علی علیه السلام روایت شده: برای ایشان جالب بود که انسان چهار شب از سال را از کار دنیایی فارغ شود: اولین شب رجب، شب عید قربان، شب عید فطر و شب نیمه شعبان.(2)

18. الإحتجاج: حمیری به حضرت قائم عجّل الله تعالی فرجه الشریف نامه نوشت که در اطراف ما مردان و زنان سالخورده ای هستند که بیش از سی سال است که ماه رجب را روزه می دارند و آن را به ماه شعبان و رمضان وصل می کنند. یکی از اصحاب ما ضمن نقل حدیثی گفته است که روزه آن ها معصیت است.

در پاسخ گفت: فقیه (امام موسی کاظم علیه السلام) می فرماید: روزهایی از آن را روزه بدارد تا پانزده روز، سپس آن را قطع کند، جز این که آن سه روز آن را برای روزه های قضای خود قرار دهد؛ بنابر حدیثی که فرموده: «بهترین ماه برای قضای روزه های واجب، ماه رجب است.»(3)

19. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و ثواب الاعمال: از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده: رجب نام رودی در بهشت است که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است. کسی که روزی را از رجب روزه بدارد، خداوند عزوجل از آن رود به او می نوشاند.(4)



---

1- . عیون الاخبار 2 : 71
2- . قرب الإسناد : 37
3- . الإحتجاج : 273
4- . ثواب الاعمال : 48

20. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و ثواب الاعمال: با همین اسناد امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: رجب ماهی عظیم است که خداوند در آن اعمال نیک را چند برابر می کند و زشتی ها را محو می گرداند. کسی که یک روز از رجب را روزه بگیرد، آتش به مسافت صد سال از او دور می شود و کسی که سه روز را روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می شود.(1)

21. ثواب الاعمال: از امام رضا علیه السلام روایت شده: خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در شب سوم رجب مبعوث فرمود، ثواب روزه داری آن روز مثل روزه هفتاد سال است.

سعد بن عبدالله گوید: بزرگان ما می گویند این اشتباه از جانب نویسنده است و این امر سه شب از رجب مانده بود، رخ داد.(2)

22. ثواب الاعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده: روزه روز بیست و هفتم رجب را ترک نکن؛ چرا که این روز، روزی است که نبوّت بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شد و ثواب آن روز مانند ثواب شصت ماه روزه داری شماست.(3)

23. تفسیر الإمام علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که حرمت رجب و شعبان را بشناسد و آن دو را به ماه رمضان، ماه بزرگ خداوند متصل کند، این سه ماه روز قیامت برای او گواهی می دهند و ماه رجب و شعبان و رمضان به واسطه احترامی که برای آن ماه ها قائل شده، گواهان او هستند و هاتفی ندا دهد: ای رجب! ای شعبان! و ای ماه رمضان! عمل این بنده در شما چگونه بوده و طاعت او در حق خدای عزوجل چطور بود؟ ماه های رجب و شعبان و رمضان می گویند: توشه ای از ما برنگرفت مگر در طلب یاری برای اطاعت تو و درخواست کمک از فضل و کرم تو. با کوشش خود را در معرض خشنودی تو قرار داد و با توان خویش محبت تو را درخواست کرد.



---

1- . ثواب الاعمال : 49

2- . ثواب الاعمال : 53

3- . ثواب الاعمال : 68، در ذیل حدیثی آمده است.

خداوند نیز به فرشتگان گماشته شده بر این ماه ها می فرماید: شما درباره این گواهی در خصوص این بنده چه می گویید؟ می گویند: ای پروردگار ما! رجب و شعبان و رمضان راست گفتند. ما او را نشناختیم مگر متعهد در طاعت تو، کوشا در طلب خشنودی تو، روی آورنده به نیکی و احسان. شادمان و خوشحال این ماه ها را به هم متصل می کرد. در این ماه امیدوار به رحمت تو و آرزومند عفو و بخشش و آمرزش تو بود. در این ماه از آنچه او را منع کرده بودی، اجتناب می کرد و به آنچه محول کرده بودی کوشا بود. با شکم و دامن و گوش و چشم و سایر اعضایش روزه بود. روز هنگام تشنه و به وقت شب در زحمت و کوشش بود. در این ماه ها بسیار بر فقرا و بیچارگان انفاق می کرد و بخشش و احسانش بر بندگانت فزونی می یافت. به بهترین وجه با این ماه ها همراهی کرد و به بهترین صورت با آن ها وداع نمود. پس از بیرون آمدن از این ماه ها بر طاعتت باقی ماند و پس از سپری گشتن آن ها پرده محرمات تو را ندرید، چه نیکو بنده ای است، این بنده.

در این هنگام خداوند متعال دستور می فرماید تا این بنده را به بهشت برند. پس فرشتگان خدا با کرامت و بخشش به دیدار او می شتابند و مرکب هایی اصیل از نور و اسبانی ماهر او را حمل می کنند و به سوی نعمت بی پایان و خانه ای نابود نشدنی می برند. ساکنان آن بیرون نمی آیند و جوانان آن سالخورده و کودکان آن پیر نگردند. شادی و سرور آن پایانی ندارد و تازه آن کهنه نمی شود. خوشی آن به غم تبدیل نمی گردد. نه سختی به آن ها می رسد و درد و رنجی. از عذاب در امانند و از حسابرسی سخت مصون. جایگاه انتقال و استقرار آنان گرامی است.(1)

24. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: رجب ماه استغفار امت من است. در این ماه بسیار استغفار کنید که خداوند آمرزنده و مهربان است. شعبان ماه من است. در رجب ذکر «استغفر الله» را بسیار بگویید و از خدا بخواهید از خطایتان بگذرد و توبه شما را از گناهان گذشتهتان بپذیرد و برای باقی عمر از خدا طلب پرهیزکاری و



---

1- . تفسیر الإمام : 298-297

پاکی کنید. ماه رجب ماه «اصبّ» نامیده شده؛ زیرا در این ماه رحمت بر امت من پیوسته فرو می ریزد و به آن « اصمّ » گفته می شود؛ زیرا خداوند در این ماه از پیکار با مشرکین نهی کرده و آن از ماه های حرام است.

25. فقه الرضا علیه السلام: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت می کند که برای امام علی علیه السلام جالب بود از این که مردی چهار شب از سال را از امور دنیایی فارغ شود: اولین شب رجب، شب عید قربان، شب فطر و شب نیمه شعبان.

26. اقبال الاعمال: روایت شده فردی از کنار مردی نابینا و زمینگیر عبور می کرد، پرسید آیا این مرد از خدا طلب عافیت نمی کند؟ گفتند: آیا این مرد را نمی شناسی؟ این همان کسی است که بُرَیق نفرینش کرد. اسم بُرَیق، عیاض بود. گفت عیاض را بگویید نزد من آید، او هم چنین کرد. گفت: سزاوارتر است تا با ما در این موضوع سخن بگویی. گفت: بنی ضیعا ده نفر بودند که خواهرشان در اختیار من بود، بر آن شدند تا او را از من بگیرند. آن ها را به خدا و به نزدیکی و خویشاوندی مان قسم دادم، ولی آن ها زیر بار نرفتند و فقط می خواستند او را از من بگیرند، من نیز به آنان مهلت دادم تا این که رجب مضر(1) ماه حرام خدا فرا رسید، گفتم: خداوندا! از تو می خواهم تا بنی ضیعا را هلاک کنی و یکی از آن ها را پاشکسته باقی بگذاری و زمین گیر و کور و دربند رها کنی.

مؤلف: در روایت دیگری به جای «اللهم» «یاربی» دیدم.

گفت: پس همه به جز این یکی هلاک شدند.

آن مرد گفت: به خدا قسم تا به امروز سخنی عجیب تر از این نشنیده بودم. مردی دیگر از میان جمع گفت: آیا می خواهی عجیب تر از این را به تو بگویم؟ گفت:



---

1- . در خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال حجه الوداع آمده است که: ... تعداد ماه ها نزد خدا دوازده ماه است: چهار ماه از این ماه ها حرام هستند که سه ماه متوالی است و یکی هم رجب مضر است که بین

جمادی [الثانی] و شعبان قرار دارد. این نامگذاری به علت آن است که با رجب ربیعه اشتباه گرفته نشود؛ زیرا این قبیله ماه رمضان را حرام می دانست و آن را رجب می نامید. حضرت صلی الله علیه و آله مشخص کرد که مقصود او رجب مضر است که بین جمادی و شعبان واقع است، نه رجب ربیعه که بعد از شعبان قرار دارد.

بگو تا همه بشنوند. گفت: من از یکی از قبایل عرب بودم که همگی از دنیا رفتند و ارثشان به من رسید. من به یکی از طوایف عرب به نام بنی مؤمل پناه بردم. مدتی طولانی میان آن ها بودم تا این که آن ها بر آن شدند تا اموال مرا غصب کنند. آن ها را به خدا قسم دادم، ولی زیر بار نرفتند مگر این که مالم را به زور از من بگیرند. مردی از آنان که نام او رباح بود، گفت: ای بنی مؤمل! این همسایه و پناهنده شماست. شایسته شما نیست که مال او را بگیرید. گوید: پس مالم را از من گرفتند. من نیز به آن ها مهلت دادم تا این که رجب مضر، ماه حرام خدا رسید، دعا کردم: خدایا اموالم را از بنی مؤمّل بگیر و تکهای صخره یا لشکری عظیم بر سر آن ها نازل کن، به جز رباح که او با من چنین نکرد.

مؤلف: در روایتی دیگر دیدم به جای «اللهم» «یا رب! بنی مؤمل مرا بدبخت کردند پس نازل کن... » آمده و سپس تمام ماجرا را ذکر کرده بود.

گفت: [یک روز] در حالی که آن ها در کوهپایه یا دامنه کوه راه می رفتند، کوه بر سرشان فرو ریخت و همه به جز رباح نابود شدند و خداوند تعالی حقیقتاً او را نجات داد.

گفت: به خدا سوگند که تا امروز سخنی شگفت تر از این نشنیده بودم که یکی از میان جمع گفت: می خواهی عجیب تر از آن را به تو بگویم؟ گفت: بگو تا همه بشنوند. گفت: پدرم و عمویم از پدرشان ارث بردند، عمویم به سرعت حق خود را برداشت و حق من باقی ماند. پسرانش بر آن شدند تا مالم را بگیرند. آن ها را به خداوند متعال و به قوم و خویشی مان قسم دادم، ولی آن ها زیر بار نرفتند، جز این که آن را از من بگیرند، من نیز آنان را به خداوند تعالی قسم دادم و به آن ها مهلت دادم تا این که رجب مضر، ماه حرام خداوند فرا رسید، پس گفتم:

خداوندا، ای پروردگارِ هر ایمن و بیمناک و ای شنونده فریاد هر فریادبرآورنده! آیا خناعی را در هم نمی شکنی و نابود نمی کنی، با این که او در مورد من انصاف نکرد و حق مرا نداد؟

گفت: ده پسر او در چاهی بودند که چاه بر سر آن ها فرو ریخت و به گورستان آنان تبدیل شد.

آن مرد گفت: به خدا سوگند تا امروز سخنی شگفت تر از این نشنیده بودم. آنان به او گفتند: اهل جاهلیت این گونه عذاب می شدند، مسلمانان به این امر سزاوارتر هستند. گفت: خداوند با اهل جاهلیت چنین می کرد تا مانع از آزار آنان به یکدیگر شود و خداوند قیامت را میعادگاه مسلمانان قرار داده و قیامت [بسی] سخت تر و تلخ تر است.

راوی این حدیث گفته است: این داستانی عجیب است که به صورت های مختلف نقل می شود و گفته: معنای [واژه] «بَهَلَه» [که در مورد نفرین بریق آمده] به معنای «لَعَنَهُ» است، همانند فرمایش خداوند:«ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكاذِبِينَ»، (1) {سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.} غیر از این روایات نیز نقل شده، ولی ما در این جا به روایاتی که به عنوان نمونه برای اجابت دعاها ذکر کردیم، اکتفا می کنیم.

27. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: ابو رمحه حضرمی گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: در روز قیامت هاتفی از درون عرش ندا در دهد: کجایند رجبیون؟ مردمانی برمی خیزند که از سیمایشان بر اهل محشر نورانیت می بارد. بر سرهایشان تاج های پادشاهی است که به دُرّ و یاقوت مزین شده است. به همراه هر یک، هزار فرشته در سمت راست و هزار فرشته در سمت چپ است و می گویند: ای بنده خدا! گوارا باد بر تو عزت و کرامتی که از جانب خدای عزوجلّ به تو بخشیده شده است. پس از جانب خداوند بلند مرتبه ندایی بیاید که ای بندگان و کنیزان من! به عزت و بزرگیم سوگند که جایگاهتان را نیکو گردانم و عطایایتان را بزرگ قرار دهم و از بهشت به شما ارزانی می دارم: {غرفه هایی از بهشت را که از زیر آن ها رود ها روان است، در آنجا جاودان خواهند بود و چه خوب است پاداش عاملان.} (2) شما با میل خود برای من روزه گرفتید، در ماهی که حرمت آن را بزرگ گردانیدم و حق آن را بر گردن فرشتگانم واجب گردانیدم. فرشتگان من! بندگان و کنیزان مرا به بهشت وارد کنید. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: این برای



---

1- . آل عمران / 61
2- . عنکبوت / 58

کسی است که اندکی از رجب را و لو یک روز از اول یا وسط یا آخر آن را روزه بگیرد.

28. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است: کسی که اولین روز رجب را روزه بگیرد، خداوند در روز ملاقات از او خوشنود خواهد بود و کسی که دو روز از رجب را روزه بگیرد، در روز دیدار، خداوند از او راضی است. کسی که سه روز از رجب را روزه بگیرد، روز ملاقات هم خداوند از او خوشنود می شود، هم او را خوشنود می کند و هم مخالفانش را از او راضی می گرداند. کسی که هفت روز از رجب را روزه بگیرد، چون بمیرد، درهای آسمان های هفتگانه به روح او گشوده می شود تا این که به ملکوت اعلی برسد و کسی که هشت روز از رجب را روزه بگیرد، درهای هشتگانه بهشت به روی او گشوده می شود و کسی که پانزده روز از رجب را روزه بدارد، خداوند تمام حاجات او را برآورد، مگر این که حاجت او برای گناهی یا قطع رحمی باشد و کسی که تمام رجب را روزه بگیرد، به مانند روزی که از مادر زاده شده از گناهانش به در آید و از آتش دوزخ خلاصی یابد و همراه با {برگزیدگان و نیکان}(1) وارد بهشت گردد.

29. اقبال الاعمال: محمد بن یعقوب کلینی از یکی از دو امام باقر یا صادق علیهما السلام روایت می کند: صدقه به مقدار یک مد طعام به مسکین همانند یک روز روزه مستحبی است و روایت شده، یک درهم جایگزین یک روز روزه می شود.

شاید تفاوت بر اساس وسعت دارایی و میزان توانایی است. روایتی در مورد اواخر رجب خواهد آمد که به جای هر روز روزه شریف، یک قرص نان صدقه دهد. شاید این به منظور تخفیف در تکلیف برای تنگ دستان باشد و در روایت ابو سعید خدری در مورد تسبیحات، [صدقه] به عنوان جایگزین [روزه] برای تنگ دستان آمده است و [برای کسی که توان مالی دارد، شایسته نیست که احتیاط را در اطعام



---

1- . ص / 47

مسکین در ازای هر روز روزه مستحبی ترک کند و به ذکر تسبیحات بسنده نماید] ، بلکه باید صدقه دهد و محض احتیاط، برای عبادت های خود تسبیح هم بگوید.

مؤلف: برخی از روایات در خصوص فضیلت های ماه شعبان ذکر خواهد شد.

30. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از فاطمه دختر عبدالله بن ابراهیم بن حسین پس از قتل دو پسر او محمد و ابراهیم روایت شده است که پسرم داود بن حسین به همراه پسر عمویان حسینی با غل و زنجیر آهنین از مدینه به عراق برده شد و مدتی از دیدگانم پنهان شد و در آن جا زندانی بود و از او بی خبر شدم و اثری از او نبود. من پیوسته به درگاه خدا دعا و ناله و زاری می کردم و رهایی پسرم را از او می خواستم و برادران پارسا و عابد و اهل جهد و تلاش خویش را به یاری می طلبیدم و از آن ها می خواستم تا برای من به درگاه خدا دعا کنند تا قبل از مرگم پسرم را نزد من بازگردانند. آن ها نیز چنین می کردند و در این کار کوتاهی نمی کردند.

خبر می رسید که او کشته شده و عده ای می گفتند: نه، بر روی او و پسر عموهایش ستونی ساخته شده است. پس مصیبتم عظیم و اندوهم شدید شد و می دیدم که نه دعایم مستجاب می شود و نه حاجتم برآورده می گردد. در کارم فرو ماندم و عاجز شدم، پیر شدم و استخوان هایم سست شد و به سبب ناتوانیم و به سر رسیدن عمرم، از جستجوی پسرم ناامید شدم.

گوید: سپس به محضر امام جعفر صادق علیه السلام رفتم که در بستر بیماری بود، وقتی حال حضرت را جویا شدم برایش دعا کردم و قصد خروج کردم که فرمود: چه خبری از داود به تو رسیده است، ای ام داود؟ من امام صادق علیه السلام را با شیر او شیر داده بودم. وقتی حضرت اسم او را بر زبان آورد گریستم و عرض کردم: فدایت شوم، داود کجاست؟ او در عراق زندانی است و خبری از او به من نمی رسد و از رسیدن به او ناامید شده ام، ولی بسیار مشتاق دیدار او هستم و از حسرت دیدار او به سوز و گداز افتاده ام. از تو می خواهم تا برای او دعا کنی که او برادر رضاعی توست.

گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: چرا دعای گشایش و استجابت و کامیابی را نمی خوانی؟ و آن دعایی مستجاب است که از خدای عزوجلّ پوشیده نیست و صاحب این دعا در درگاه خداوند پاداشی به غیر از بهشت ندارد. گوید: عرض کردم: چگونه به آن دست یابم، ای فرزند پاک زادان راستگو؟

فرمود: ای ام داود! این ماه حرام نزدیک است، (منظور حضرت علیه السلام ماه رجب بود) این ماه، ماهی مبارک است که حرمت آن بزرگ است و دعای آن مستجاب. سه روز از آن را روزه بگیر؛ روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم که أیام البیض است، روز نیمه رجب به هنگام ظهر غسل کن و هشت رکعت نماز با تأنی به جای آور و رکوع و سجود و قنوت آن را به خوبی ادا کن. در رکعت اول سوره حمد و «قل یا أیها الکافرون» و در رکعت دوم «قل هو الله احد» را می خوانی و در شش رکعت باقی مانده یکی از سوره های کوتاه را که دوست داشتی می خوانی. سپس نماز ظهر را می خوانی و پس از نماز ظهر هشت رکعت نماز می گذاری و رکوع و سجده و قنوت آن را به خوبی به جای می آوری. باید نمازت را با پاکیزه ترین لباس هایت و در خانه ای تمیز و بر روی حصیری پاکیزه بخوانی. از عطر استفاده کن که فرشتگان دوست دارند. سعی کن کسی بر تو وارد نشود تا با تو سخن بگوید یا تو را مشغول سازد. - گردآورنده یا رونویس دعا را از قلم انداخته اند. -

سپس فرمود: وقتی از دعا فارغ شدی سر بر سجده بگذار و گونه هایت را به خاک بمال و بگو: بر تو سجده کردم و به تو ایمان آوردم، پس به خواری و فقر من و به رو در افتادنم رحم کن. بکوش تا اشکی از چشمانت جاری سازی؛ هر چند به مقدار یک مگس. حقیقتاً سوز دل و ریختن اشک نشانه استجابت دعاست. پس آنچه را به تو آموختم حفظ کن و بر حذر باش از این که این دعا از دست تو به کسی برسد که برای غیر حق دعا می کند؛ چرا که این دعایی شریف است که اسم اعظم خداوند در آن است و اگر کسی به اسم اعظم او دعا کند، مستجابش گرداند و به او ببخشد؛ هر چند که آسمان ها و زمین و به غیر از آن ها تمام دریاها نیز بسته باشد و تمام این ها بین تو و خواسته ات فاصله کند، خداوند دستیابی به خواسته ات را برای تو آسان می گرداند و درخواستت را به تو می بخشد و حاجتت را برآورده می سازد و

تو را به آرزوهایت می رساند. هر کسی که این دعا را بخواند، چه مرد باشد و چه زن، خداوند متعال آن را مستجاب گرداند و اگر جن و انس دشمن پسر تو باشند، خداوند سختی و سنگینی آن ها را از تو دور و زبان آنان را در مورد تو لال می کند و آن ها را رام تو می سازد إن شاء الله.

ام داود گوید: پس دعا را برای من نوشت و به منزل رفتم تا این که ماه رجب رسید، در آن روزها قصد روزه کردم و روزه گرفتم و همان طور که دستور فرموده بود دعا کردم و نماز مغرب و عشا را خواندم و افطار کردم. سپس پاسی از شب را به مقداری که توانستم نماز خواندم. شب فرا رسید، خوابیدم و تمام فرشتگان و پیامبران و شهدا و صالحان و عابدانی را که برایشان درود فرستاده بودم، در خواب دیدم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیدم که به من می فرمود: ای دخترکم، ای مادر داود! بر تو بشارت باد. تمام کسانی که می بینی یاوران و شفیعان تو هستند و همه اینان که می بینی برای تو طلب آمرزش می کنند و برآورده شدن حاجتت را به تو بشارت می دهند. پس بشارت باد تو را به آمرزش و خشنودی پروردگار. تو به پاداشی نیک نائل گشتی و تو را بشارت باد به این که خداوند فرزندت را حفظ کند و او را به نزدت بازگرداند إن شاء الله.

ام داود گوید: از خواب بیدار شدم و به خدا سوگند پس از این خواب طولی نکشید مگر به اندازه طی مسافت عراق تا این جا توسط یک سوار کوشا و سریع، تا این که داود سر رسید و گفت: مادرم! من در تنگ ترین زندان عراق زندانی بودم و آهنی سنگین بر جسمم بود. دیگر از نجات ناامید شده بودم تا این که در شب نیمه رجب خوابیدم و در خواب دیدم که دنیا بر من سر تعظیم فرود آورده است، و تو را در حصیری در حال نماز دیدم و در اطرافت مردانی بودند که سرهاشان در آسمان بود و پاهاشان در زمین. جامه هایی سبز بر تن داشتند و در گرد تو تسبیح می گفتند. یکی از آن ها که زیبارو و زیورش، زیور پیامبر صلی الله علیه و آله و پیراهنش پاکیزه، خوش عطر و خوش زبان بود، گفت: ای فرزند پیرزن نیکو کار! شادمان باش که خداوند عزوجل دعای مادرت را برآورد. پس از خواب برخاستم و به ناگه فرستاده ابو الدوانیق را دیدم. شبانه مرا نزد او بردند. او دستور داد تا زنجیرم را

بگشایند و به من نیکی کنند. دستور داد تا ده هزار درهم به من دهند و بر اسبی اصیل سوار کنند و از من خواستند تا با سرعت هر چه تمام تر حرکت کنم و من به سرعت راه پیمودم تا این که به مدینه رسیدم.

ام داود گوید: پس او را به محضر امام جعفر صادق علیه السلام بردم و به او سلام کرد و ماجرا را برای حضرت بازگو کرد. امام علیه السلام فرمود: ابوالدوانیق در خواب علی علیه السلام را دیده بود که به او می گفت: فرزندم را آزاد کن، در غیر این صورت تو را به آتش می اندازم و دیده بود که گویی در زیر پایش آتش است. پس از خواب بیدار شده و از کرده خویش پشیمان شده و تو را آزاد کرد.

31. کتاب النوادر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که ماه رجب را درک کند و در اول و وسط و آخر آن غسل کند، همچون روزی که از مادر زاده شده، از گناهانش پاک شود.(1)

32. از کتاب النوادر: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: در بهشت قصری است که تنها روزه داران رجب به آن داخل می شوند.

33. از کتاب النوادر: از عبد الله بن عباس روایت شده: وقتی ماه رجب فرا رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان را به گرد خود جمع کرد و خطبه ای در میان ایشان ایراد فرمود. پس از حمد و ثنای پروردگار، از پیامبران قبل از خود علیهم السلام یاد کرد و بر آنان درود فرستاد و فرمود: ای مسلمانان! ماهی بزرگ و مبارک بر شما وارد شده است. این ماه، ماه « اَصبّ » است که در آن ماه، خداوند رحمت خویش را بر هر کسی که او را عبادت کند فرو می ریزد، مگر بنده مشرک یا آورنده بدعت در اسلام. بدانید و آگاه باشید که در ماه رجب شبی وجود دارد که هر کسی در آن شب، خواب را بر چشمانش حرام کند و به عبادت برخیزد، خداوند جسم او را بر آتش حرام می کند و هفتاد هزار فرشته با او دست میدهند و برای او طلب آمرزش می کنند تا [دوباره] چنین روزی فرا رسد. پس اگر دوباره چنین کند،



---

1- . نسخه خطی کتاب النوادر

فرشتگان نیز دوباره برایش طلب آمرزش می کنند. سپس فرمود: کسی که یک روز از رجب را روزه بگیرد، از دلهره عظیم در امان خواهد بود و از آتش نجات یابد.

34. از کتاب النوادر: از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده: خداوند تعالی از میان سخنان چهار سخن، از میان فرشتگان چهار نفر، از میان پیامبران چهار تن، از بین راستگویان چهار نفر، از میان شهدا چهار نفر، از زنان چهار تن، از روزها چهار روز و از مکان ها، چهار مکان را برگزیده است؛ اما چهار کلام برگزیده او عبارت است از: سبحانَ اللهِ و الحمدُ للهِ و لا إلهَ إلاّ اللهُ و اللهُ أکبرُ. هر کسی که بعد از هر نماز آن را بخواند، خداوند برای او ده حسنه می نویسد و ده گناه را از او محو می کند و ده درجه او را بالا می برد. اما فرشتگان برگزیده او: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزراییل هستند. اما پیامبران برگزیده او: ابراهیم را به عنوان دوست خود اختیار کرد و موسی را به عنوان هم سخن خویش، عیسی را روح خود و محمد را به عنوان محبوب خود برگزید. اما از راستگویان یوسف صدّیق، حبیب نجار و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را برگزید.(1) اما شهدای برگزیده او، یحیی بن زکریا، جرجیس نبی، حمزه بن عبد المطلب و جعفر طیار هستند. اما زنان برگزیده او، مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم همسر فرعون، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و حضرت خدیجه دختر خویلد هستند. اما ماه های برگزیده او رجب، ذی قعده، ذی حجه و محرم است که چهار ماه حرام محسوب میشوند. اما روزهای برگزیده او روز [عید] فطر، روز عرفه، روز [عید] قربان و روز جمعه و مکان های برگزیده او مکه و مدینه و بیت المقدس و فار التنّور در کوفه است.(2) نماز در مکه به منزله صد هزار نماز، در مدینه هفتاد و پنج هزار، در بیت المقدس پنجاه هزار و در کوفه بیست و پنج هزار نماز است.



---

1- . راستگوی چهارم را از قلم انداخته است. شاید آنچنان که در روایات آمده او خربیل مؤمن آل فرعون باشد. این حدیث با سند دیگری در الخصال : ج 1 ص 107 ذکر شده و راستگویان در آن نیست.
2- . در الخصال آمده است: از سرزمین ها چهار تا را برگزید. خدای عزوجلّ فرموده است: «و التین و الزیتون و طور سینین و هذا البلد الأمین» {سوگند به [کوه] تین و زیتون و طور سینا و این شهر امن [و

امان]. } تین مدینه و زیتون بیت المقدس و طور سینین کوفه و هذا البلد الأمین، مکه است.

35. از کتاب النوادر: از قاسم بن خَلَف روایت شده است: مردی از کعب الأحبار پرسید: ای کعب! شنیدم که مردی می گفت: کسی که در هر روز از رجب صد بار سوره «قُل هُوَ اللهُ أحَد» را بخواند، خداوند در بهشت برایش بیست هزار قصر از مروارید و یاقوت می سازد، آیا تو این سخن را تأیید می کنی؟ گفت: آری، آیا تو از آن و از بیست میلیون و تعداد بی شمار آن تعجب کرده ای؟ سپس این آیه را خواند: «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثِیرَةً»، (1) {کیست آن کس که به [بندگانِ] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟} پس کثیری را که خداوند می بخشد، چه کسی می تواند بشمارد؟!

36. از کتاب النوادر: از وهب بن منبّه روایت شده: این شب سه روز باقی مانده ماه رجب است که به آن شب بعثت و شب معراج گفته می شود. کسی که در آن شب دوازده رکعت نماز گزارد و در هر رکعت یک فاتحه و سه «قُل هُوَ اللهُ أحَد» بخواند و پس از پایان نماز صد صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرستد و بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی وَ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ {خداوندا مرا و مردان و زنان مؤمن را ببخش} سپس چهار مرتبه فاتحه الکتاب و چهار مرتبه «قُل هُوَ اللهُ أحَد» بخواند، سپس چهار بار بگوید: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی لاَ شَرِیکَ لَکَ وَ لاَ أُشْرِکُ بِکَ شَیْئاً {خدایا! تو پروردگار من هستی، هیچ شریکی نداری و من هیچ شریکی را برای تو قرار نمی دهم} سپس چهار بار بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ {پاک و منزه است خدا، سپاس از آن اوست، خدایی جز الله نیست و خدا بزرگتر از آن است که وصف شود}، خداوند عبادت بیست سال و ایمنی از آتش را برای او بنویسد و دعای او را تا زمانی که برای گناه یا قطع رحم یا نابودی قومی نباشد، مستجاب گرداند.

37. از کتاب النوادر: از ثوبان روایت شده: در آرامگاهی به پیامبر چشم دوخته بودیم، ایستاد و پس از مدتی به راه افتاد، سپس ایستاد و پس از مدتی دوباره به راه افتاد. عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا! چرا بین این قبرها



---

1- . بقره / 245

درنگ می کنی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله سخت گریست و ما نیز گریستیم. پس از این که (از زیارت قبور) فارغ شد فرمود: ای ثوبان! این ها در قبرهای خود عذاب می شوند. من ناله های آن ها را شنیدم و به آن ها رحمت فرستادم و از خدا خواستم تا در عذاب آنان تخفیف دهد و او نیز چنین کرد. اگر این ها [در ماه رجب روزه گرفته و به عبادت پرداخته بودند، در قبرشان عذاب نمی شدند. گفتم: ای رسول خدا!](1) آیا روزه و عبادت این ماه موجب امان از عذاب قبر است؟ فرمود: آری ای ثُعبان! سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری مبعوث کرد، هیچ مرد یا زن مسلمانی نیست که در ماه رجب برای رضای خدا، روز را روزه بگیرد و شب را به عبادت برخیزد، مگر این که خداوند ثواب هزار سال عبادت روزه در روز و نماز در شب را برای او بنویسد و گویی که او با مالی حلال، هزار حج و هزار عمره به جای آورده است. گویی در هزار غزوه شرکت کرده و هزار برده از نسل اسماعیل را آزاد کرده است و گویی که هزار دینار صدقه داده و اسیران امت مرا خریده و در راه خدا آزاد کرده و گویی که هزار گرسنه را سیر کرده است. خداوند او را از عذاب قبر و هراس از نکیر و منکر در امان دارد. گفته شد: ای رسول خدا! آیا تمام این ثواب برای کسی است که یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد یا یک شب از آن را عبادت کند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این برای کسی است که به قدرت خداوند عزوجلّ ایمان داشته باشد. گفته شد: یا رسول الله! ثواب رجب بیشتر است یا رمضان؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ثواب رمضان با هیچ چیز قابل قیاس نیست، ولی ماه رجب، ماهی بزرگ است. عرض کردند: اگر کسی نتواند شب را برای عبادت بیدار بماند چه؟ فرمود: کسی که نماز عشا را بخواند و قبل از وتر دو رکعت با آنچه خداوند از قرآن به او آموخته، بخواند، امید آن دارم که این ثواب از او مضایقه نشود. ثعبان گفت: از زمانی که این سخن را شنیدم، این عمل را ترک نکردم به جز اندکی.



---

1- . ما بین کروشه را بر اساس آنچه محدث نوری در حاشیه مستدرک : ج1 ص 595 آورده است، اضافه کردیم و نسخه اصل فاقد آن است. همانطور که در نسخه کمپانی : ص113 ساقط شده است.

38. از کتاب النوادر: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: کسی که ایام البیض را در ماه رجب روزه بگیرد یا شب های آن را برای عبادت به پا خیزد و شب نیمه رجب صد رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی ده بار «قُل هُوَ اللهُ أحد» بخواند و پس از اتمام نماز، هفتاد بار استغفار کند، شر اهل آسمان و اهل زمین و شر ابلیس و سپاهیانش از او دور می شود و اگر در این ماه بمیرد، خداوند هزار حاجت او را برآورده می سازد که پانصد تای آن ها از حاجات اخروی است و پانصد دعا از خواسته های دنیوی. هر خواسته ای یقیناً برآورده و بی بازگشت است و خداوند در بهشت برای او صد قصر زمردین می سازد که در هر قصری صد عمارت و در هر عمارت صد خانه است. در هر خانه ای صد تخت و بر هر تختی صد بستر رنگارنگ است و بر هر بستری زوجی از حوریان بهشتی است و هر زوجی هزار حاجب دارد. به هر خانه ای هزار فرشته وارد میشود، به دست هر فرشته سفره ای است با هزار طبق در آن و درون طبق ها انواع غذاهای رنگارنگ است. و تمام این ها برای کسی است که [أیام] البیض رجب را روزه بگیرد و شب های آن را به عبادت برخیزد و این نماز را بخواند که این کار بر خدا آسان است.

39. از کتاب النوادر: از انس بن مالک روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در شب نیمه رجب ده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت یک فاتحه و سی مرتبه «قُل هُوَ اللهُ أحد» بخواند، سپس صد مرتبه از خداوند طلب آمرزش کند و به سجده رود و او را تنزیه و ستایش و تجلیل گوید، تا سال بعد و چنین زمانی، خطاهای او نوشته نمی شود و خداوند به هر قطره ای که در آن سال از آسمان جاری می شود برای او حسنه می نویسد و به هر رکعت و سجده، قصری از یاقوت کبود در بهشت به او می بخشد و به هر حرفی که از قرآن بخواند شهری از یاقوت به او عطا فرماید و تاج بزرگی و کرامت بر سر او گذاشته می شود.

40. از کتاب النوادر: از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال در بیست و هفتم رجب محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث فرمود، پس کسی که آن روز را روزه بگیرد، کفاره شصت سال او خواهد بود و خداوند متعال او را از ابلیس و لشکریان او حفظ

می کند. پس اگر در آن روز یا آن شب بمیرد، شهید مرده است و خداوند روح او را در شمایل پرنده ای سبز قرار می دهد که در هر جایی از بهشت که بخواهد آزادانه می گردد و خداوند نصیبی از عبادت عبادت پیشگان و مجاهدان و شکرگزاران و ذاکرینی را که نه هراسی بر دل دارند و نه اندوهگین می شوند، برای او قرار میدهد.

سوگند به کسی که مرا به حق فرستاد، هر گاه بنده در این روز روزه بگیرد و شب را به عبادت برخیزد، اگر گناهان او به تعداد ستارگان آسمان و قطره های باران و برگ های درختان و روزهای روزگار باشد، خداوند گناهانی را که بین او و پروردگار خویش است می آمرزد و بهره ای از ثواب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و روحانیون و کروبیون و حاملان عرش برای او قرار می دهد و سوگند به کسی که مرا به حق فرستاد، خداوند نصیبی از عبادت فرشتگان هفت آسمان به او عطا می کند و وقتی فرشته مرگ برای قبض روح او آمد، جان او را با ایمان بستاند و با سیمایی به روشنی ماه شب چهارده از قبر بیرون می آید و به صورتی برق آسا از صراط می گذرد و نامه اش را به دست راست می دهند و میزان اعمالش سنگین می شود و وقتی مردم بترسند، او نمی ترسد و خداوند در بهشت هفتاد هزار شهر به او کرامت می کند، در هر شهری هفتاد هزار قصر است که هر کدام از این قصرها بهترند از دنیا و هر آنچه در آن است و در هر قصری چیزی است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به ذهن بشری خطور کرده است.

41. از کتاب النوادر: از ابن عباس روایت شده: حضرت می گفت: در شب بیست و هفتم رجب خداوند متعال حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث فرمود. پس کسی که در آن شب دوازده رکعت نماز بگزارد و پس از پایان نماز هفت مرتبه فاتحه الکتاب را بخواند و سپس آن روز را روزه بگیرد، کفاره شصت سال او خواهد بود.

42. از کتاب النوادر: سلیمان گوید: شنیدم که حضرت حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل میکرد که فرمود: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: جبرئیل با هفت کلمه بر من فرود آمد و این همان کلماتی

است که خداوند در مورد آن ها فرموده: «و إذِ ابتَلَی إبراهیمَ ربُّه بکلماتٍ فأَتَمَّهُنَّ»،(1) {و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید.} و به من امر فرمود تا آنها را به شما بیاموزم و این کلمات، هفت کلمه هستند به زبان عبری از تورات و آن ها را برای حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام تفسیر فرمود: «یا الله، یا رحمن، یا ربّ، یا ذا الجلال و الإکرام، یا نور السماوات و الأرض، یا قریب، یا مجیب.» این ها آن هفت کلمه بودند.

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست، عبدالله بن سلام وارد شد و ما در حال صحبت در مورد این حدیث بودیم. وقتی عبدالله آن را شنید تکبیر گفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و او را دید که تکبیر و لا إله إلا الله می گفت؛ پس فرمود: چه شده ای عبدالله؟ عرض کرد: ای رسول خدا قسم به کسی که تو را به حق مبعوث کرد که جبرئیل این نام ها را بر ابراهیم نازل کرد و او پیوسته آن را تکرار می کرد و به سبب همین نام ها بود که خداوند او را به عنوان دوست خود برگزید. هیچ بنده ای این اسامی را در دل خود جای نمی دهد مگر این که خداوند در دل او حائلی قرار دهد که شیطان به هیچ وجه به آن راه پیدا نکند و هرگز بر او مسلط نشود تا این که خداوند را در آن حال ملاقات کند، پس او را در دار الجلال فرود آورد. پس کسی که در هفت شب باقیمانده رجب به هنگام دمیدن صبح به این نام ها دعا کند، خداوند پاداش ولایت خود را به او می بخشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای عبدالله! آیا می دانی که وقتی خداوند این کلمات را بر او نازل کرد ابراهیم چه کرد؟ عرض کرد: وقتی جبرئیل فرود آمد ابراهیم از او پرسید، چگونه به این اسماء دعا کند؟ گفت: رجب را روزه بدار تا این که به هفت شب آخر برسی. در آخرین شب با دلی ترسان برخیز و دو رکعت نماز بگزار، سپس دوستی و یاری و سلامتی و سربلندی در دنیا و آخرت و نجات از آتش را از خداوند بخواه.



---

1- . بقره / 124

43. از کتاب النوادر: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: کسی که در ماه های رجب و شعبان و رمضان هر روز و شب، هر کدام از سوره های فاتحه الکتاب، آیه الکرسی، قل یا أیُّها الکافرون، قل هو اللهُ و معوذتین (فلق و ناس) را سه بار بخواند، سپس سه بار بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ. سپس سه بار این گونه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و بر هر فرشته و پیامبر سه مرتبه درود فرستد، سپس سه بار بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ و چهارصد بار ذکر أستَغفِرُ اللهَ را بگوید - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: - سوگند به کسی که مرا به حق مبعوث فرمود، هر مرد یا زنی که در این سه ماه پیوسته و هر روز و شب این سوره ها و آیات را بخواند، اگر گناهان او به تعداد ستارگان آسمان و قطرات باران و برگ درختان و تعداد ریگ های [بیابان] و کف دریا باشد، خداوند گناهانی را که بین او و خداست می آمرزد.

و فرمود: سوگند به کسی که مرا به حق مبعوث فرمود، وقتی بنده از این ماه ها بیرون آید و در روز عید فطر این سوره ها و آیات را بخواند، هاتفی از آسمان ندا دهد: خداوند متعال می فرماید: ای بنده من! حقیقتاً حقیقتاً حقیقتاً که تو دوست من هستی و به تعداد حروفی که در این سه ماه خواندی در نزد من حق شفاعت برادران و خواهران خویش را داری؛ هر چند که گناهان آنان بین من و آنها، به تعداد ستارگان آسمان باشد، به سبب احترامی که نزد من داری، گناهانشان را می بخشم.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به کسی که مرا به حق مبعوث کرد، اگر بنده ای در عمر خود یک بار این آیات و سوره ها را در این سه ماه بخواند، به ازای هر حرفی که خوانده، هفتاد هزار حسنه به او ببخشد و هر حسنه ای در نزد خداوند سنگین تر از کوه های دنیا است.

هر مرد و زنی که برای خشنودی خدا این سوره ها و آیات را بخواند، خداوند هفتصد حاجت به هنگام جان کندن، هفتصد حاجت در قبر، هفتصد حاجت به هنگام خروج از قبر و همین تعداد حاجت را به هنگام پراکندن نامههای اعمال و همین قدر هنگام حسابرسی و همین تعداد را در صراط برآورده سازد و خداوند در روز قیامت

سایه عرش خویش را بر او افکند و حسابرسی او آسان شود و هفتاد هزار ملک او را تا بهشت مشایعت می کنند و خزانه دار بهشت به استقبال او می آید و به او می گوید: بیا تا به تو نشان دهم آنچه را که خداوند در این ماه های سه گانه برای تو فراهم کرده است. پس خزانه دار بهشت او را به هفتصد هزار شهر می برد که در هر شهری هفتصد هزار قصر است و در هر قصری هفتصد هزار عمارت و در هر عمارت هفتصد هزار خانه و در هر خانه هفتصد تخت و بر هر تختی بستر هایی با رنگ های گوناگون و حوریان بهشتی است. پس خوشا به حال کسی که به این ثواب مشتاق باشد.

کسی که این سوره ها و آیات و ذکرها را بخواند و قدرت خداوند عزوجل را انکار نکند، خداوند متعال می فرماید: «فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِیَ لَهُمْ مِنْ قُرَّهِ أَعْیُنٍ جَزاءً بِما کانُوا یَعْمَلُونَ»،(1) {هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می دادند برای آنان پنهان شده است. }

44. امالی الشیخ: از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که سه روز از رجب را روزه بگیرد، خداوند برای او به ازای هر روز، ثواب روزه یک سال را می نویسد و کسی که هفت روز از رجب را روزه بدارد، هفت دروازه آتش دوزخ به روی او بسته می شود و کسی که هشت روز از آن را روزه بدارد هشت دروازه بهشت به روی او گشوده می شود و کسی که پانزده روز را روزه بگیرد خداوند حسابرسی او را آسان می کند و کسی که کل رجب را روزه بگیرد، خداوند خشنودی خویش را برای او ثبت می کند و کسی که خداوند خشنودی خویش را برای او بنویسد او را عذاب نخواهد داد.(2)

45. از امالی الشیخ: از سرورمان امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: رجب ماهی عظیم است و کسی که یک روز از آن را روزه بدارد، خداوند روزه هزار سال را برای او می نویسد و کسی که دو روز از آن را روزه بگیرد خداوند روزه دو هزار سال را برای او بنویسد و کسی که سه روز را روزه بگیرد خداوند روزه سه هزار سال را برای او بنویسد و کسی که هفت



---

1- . سجده / 17

2- . این حدیث را در کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی : ص 555 نیز می بینی.

روز از رجب را روزه بگیرد درهای جهنم به روی او بسته می شود و کسی که هشت روز را روزه بگیرد درهای هشتگانه بهشت به روی او گشوده می شود و از هر کدام که بخواهد وارد بهشت شود. کسی که پانزده روز از رجب را روزه بدارد، زشتی های او به حسنات مبدل می شود و هاتفی از آسمان ندا دهد که گناهان [گذشته ات] را آمرزیدم، اینک عمل خود را [در باقی عمر] از سر گیر. و کسی که روزهای بیشتری را روزه بدارد خداوند ثوابش را افزون خواهد فرمود.(1)

46. دعائم الإسلام: از امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت شده که حضرت از رجب یاد کرد و سپس فرمود: کسی که یک سال در رجب روزه بگیرد آتش به اندازه یک سال از او دور می شود و اگر دو سال رجب را روزه بگیرد آتش به اندازه دو سال از او دور می گردد. تا وقتی که هفت سال را روزه بگیرد که درهای هفتگانه آتش جهنم بر او بسته می شود. پس اگر هشت سال رجب را روزه بدارد درهای هشتگانه بهشت بر او گشوده می شود. اگر ده سال آن را روزه بدارد، به او گفته می شود: عمل خود را [در باقی عمر] از سر گیر و کسی که بیش از ده سال روزه بدارد، خداوند ثوابش را افزون تر خواهد فرمود.(2)

ص: 67

---

1- . این حدیث را در المصباح: ص 554 نیز می بینی.
2- . دعائم الإسلام 1 : 284 و مابین کروشه از منبع اضافه شده است.

مؤلف: موارد مناسب با این باب در باب عمل ماه شعبان از باب های اعمال سال خواهد آمد.

1. تفسیر امام علیه السلام: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر جماعتی از مسلمانان فرومایه عبور می کرد که کسی از مهاجر و انصار در بین آن ها نبود. آن ها روز اول شعبان در یکی از مساجد نشسته بودند؛ امام دیدند آنان وارد بحث در مورد مسئله سرنوشت و مسائل دیگری که مردم بر سر آن اختلاف نظر دارند، شده اند و صدایشان بلند شده و نظر و بحث و جدالشان در مورد آن شدت یافته است. پس حضرت ایستاد و سلام داد و آن ها سلام حضرت را پاسخ گفتند و برای حضرت مکانی باز کردند و به سوی او رفته و از او خواستند تا کنار آن ها بنشیند. ولی حضرت توجهی به آنان نکرد و سپس روبروی آنان ایستاد و بر ایشان بانگ برآورد: ای جماعتی که در مورد چیزی سخن می گویند که به آن ها مربوط نیست و به کارشان نمی آید! آیا نمی دانید که خداوند بندگانی دارد که بیم از او آن ها را به سکوت واداشته است، بی آن که ناتوان از سخن گفتن یا بی زبان باشند. در حالی که آن ها حقیقتاً انسان های فصیح و خوش زبان و عاقل و بلیغ هستند و به خداوند و روزهای او علم دارند.

ولی هنگامی که عظمت خدا را یاد کنند، به سبب ارج و منزلتی که برای خدا قائل هستند و برای بزرگداشت و تکریم او، صداهاشان قطع و دلهاشان شکسته، عقل هاشان زایل و خردهاشان ربوده می شود. وقتی از این حالت به حالت عادی بازگردند، با اعمال نیک و شایسته به سوی خدا می شتابند. خود را در زمره ستمکاران و خطاپیشگان به شمار می آورند، در حالی که از مسامحه کاران و

افراط پیشگان بری هستند، ولی با این وجود آنان در عبادت خدا به کم راضی نمی شوند و زیاد را در راه خدا زیاد به شمار نمی آورند و با اعمال خویش بر او منت نمی نهند. آن ها را شیفته و هراسان و بیمناک و نگران و در هول و هراس می بینی. پس شما کجا و آن ها کجا ای جماعت بدعت گذار! آیا نمی دانید که داناترین مردم به سرنوشت،ساکت ترین آن ها در باره آن هستند و نادان ترین آن ها پرحرف ترینشان؟

ای جماعت بدعت گذار! امروز روز اول شعبان عزیز است. پروردگارمان آن را به علت شاخه شاخه شدن خیرات در آن شعبان نامیده است. حقیقتاً که پروردگارتان در آن ماه درهای بهشت خویش را گشوده و قصرها و خیرات بهشت را با کم ترین بها و آسان ترین کارها بر شما عرضه کرده است، پس شما نپذیرفتهاید و ابلیس لعین شاخه های بدی ها و بلاهای خود را بر شما عرضه کرده است و شما نیز مصرانه در گمراهی و سرکشی غرق هستید و به شاخه ابلیس چنگ می زنید و از شاخه های خیر که درهایش به رویتان گشوده است اعراض می کنید.

امروز اول شعبان است و شاخه های نیکی آن نماز و روزه و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و نیکی به پدر و مادر و آشنایان و همسایگان و حل و فصل اختلافات و صدقه به فقیران و بیچارگان است. برای برداشتن باری را که از دوش شما برداشته شده و برای کشف آن دسته از رازهای الهی که از وارد شدن به آن منع شده اید و هر کسی در آن کنجکاوی کند از نابود شدگان است، خود را به سختی میاندازید. اما اگر به آنچه پروردگار عزوجل برای بندگان فرمانبردار خود در این روز آماده کرده، آگاهی داشتید، یقیناً از کاری که مشغول آن هستید دست می کشیدید و به کاری که به شما فرمان داده شده می پرداختید.

عرض کردند: یا امیر المؤمنین! خداوند در این روز برای فرمانبرداران خود چه چیزی فراهم کرده است؟ امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: بدانید و آگاه باشید که من فقط سخنی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام برای شما تعریف می کنم. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله سپاهی را به سوی عده ای از قدرتمندترین کافران فرستاد و خبر آن ها دیر به دیر می رسید و حضرت دل نگران آن ها شده بود و فرمود: کاش کسی داشتیم که از آن ها خبری داشت و خبرشان را

برای ما می آورد. در همین حال که حضرت این سخن را می گفت قاصدی خبر آورد که آنان بر دشمنان خود پیروز و مسلط شده اند و دشمن را کشته و زخمی و اسیر کرده و اموال آنان را به غنیمت گرفته و زنان و بچه های آنان را به اسارت درآورده اند.

وقتی سپاه به مدینه نزدیک شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه یاران خود به استقبال آن ها رفت. وقتی آن ها و در رأسشان زید بن حارثه را که به فرماندهی آن ها گماشته بود، دید، زید از شتر خویش فرود آمد و به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و بر پا و سپس بر دست مبارک او بوسه زد. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در آغوش کشید و بر سر او بوسه زد. سپس عبدالله بن رواحه به محضر حضرت صلی الله علیه و آله رسید و بر پا و دست حضرت بوسه زد و رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در آغوش کشید [سپس قیس بن عاصم منقری فرود آمد و دست و پای حضرت را بوسید و رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در آغوش گرفت] و پس از آن سایر افراد سپاه فرود آمدند و بر حضرت سلام دادند و رسول خدا صلی الله علیه و آله به نیکی پاسخ آن ها را داد، سپس به آنان، در حالی که اسرای دشمن و زنان و فرزندان و اموالشان از طلا و نقره و مقدار زیادی از انواع کالا به همراهشان بود، فرمود: از اخبار و احوال خود با دشمن برای من بگویید.

در پاسخ گفتند: ای رسول خدا! اگر بدانی در چه حالی بودیم بسیار تعجب می کنی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خبری از آن نداشتم تا این که جبرئیل اکنون مرا باخبر کرد و همین طور اگر پروردگارم از کتاب و دینش به من نمی آموخت، من ذره ای از آن را نمی دانستم؛ آنچنان که خداوند عزوجلّ فرمود: «وَ كَذلِكَ أَوْحَيْنا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنا ما كُنْتَ تَدْرى مَا الْكِتابُ وَ لاَ الْإيمانُ - تا فرموده اش - صِراطٍ مُسْتَقيمٍ»(1){وهمين گونه، روحی از امر خودمان به سوی تو وحی



---

-1 . شوری / 52

کردیم. تو نمی دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است؟] .... به راه راست هدایت می کنی. }

ولی آن را برای این برادران مؤمنتان تعریف کنید تا شما را تأیید کنم؛ چرا که جبرئیل به من خبر داده است. پس گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! ما وقتی به دشمن نزدیک شدیم، دیدهبانی را فرستادیم تا ما را از اخبار و تعداد آن ها باخبر کند، او بازگشت و به ما خبر داد که آن ها هزار نفر هستند در حالی که ما دو هزار نفر بودیم. به ناگاه دیدیم که سپاه دشمن با هزار مرد به خارج از شهر خود آمدند و سه هزار نفر را در شهر باقی گذاشتند. ما تصور کردیم که آن ها هزار نفر هستند، ولی قاصدمان به ما خبر داد که آن ها در میان خود می گویند: ما هزار نفریم و آن ها دو هزار نفر و ما توان پیکار با آنان را نداریم، مگر این که در شهر سنگر بگیریم تا وقتی که از مبارزه با ما خسته شوند و از ما دست بکشند و باز گردند. با این خبر ما جرأت یافتیم و به سوی آنان لشکر کشی کردیم. چون به شهر رسیدیم آنان دروازه را به روی ما بستند. ما نیز فرود آمدیم تا با آنان وارد جنگ شویم.

وقتی شب فرا رسید و به نیمه شب نزدیک شدیم، دروازه شهر خود را گشودند و ما غافل از [حیله] آنان در خواب بودیم و فقط چهار نفر از ما بیدار بودند: زید بن حارثه در یکی از گوشه های لشکرمان در حال نماز و قرائت قرآن بود، [و عبدالله بن رواحه در گوشهای دیگر در حال نماز و خواندن قرآن بود و قتاده بن نعمان نیز در گوشه ای دیگر] و قیس بن عاصم در گوشهای دیگر به نماز و تلاوت قرآن مشغول بودند. در شب تیره و تاریک بیرون آمدند و به ما تیراندازی کردند. آنجا شهر آن ها بود و آن ها از راه و چاه آن آگاه بودند و ما از آن بی خبر. با خود گفتیم: فریب خوردیم و شکست خوردیم، شب تاریکی است، نمی توانیم از تیرها جان سالم به در بریم؛ زیرا آن ها را نمی بینیم.

در همین حال بودیم که ناگهان دیدیم نوری همچون شعله سوزان آتش از دهان قیس بن عاصم منقری و شعاع نوری همچون نور سیاره زهره و مشتری از دهان قتاده بن نعمان و شعاع نوری چون نور ماه در شب تاریک از دهان عبد الله بن رواحه و نوری از دهان زید بن حارثه به درخشش نور خورشید فروزان ساطع شد و

به ناگاه دیدیم که این انوار اردوگاه ما را روشن ساخت، به طوری که گویی از نیمروز روشن تر شده بود و دشمنان ما در تاریکی شدیدی بودند. پس از آن، ما آن ها را می دیدیم ولی آنان ما را نمی دیدند. پس زید ما را بین آن ها پراکنده ساخت تا این که آنان را محاصره کردیم، در حالی که ما آنان را می دیدیم و آنان ما را نمی دیدند. ما بینا بودیم و آنان کور شده بودند. پس بر آنان شمشیر کشیدیم و آنان کشته و زخمی و اسیر شدند. سپس وارد شهرشان شدیم و فرزندان و زنان و بچهها و اثاث و اموال آنان را گرفتیم. و این همسران و فرزندان آنان است و این هم اموال و داراییشان. ای رسول خدا! ما چیزی شگفت تر از آن نورها ندیده بودیم؛ نورهایی که از دهان این افراد بیرون آمد و تاریکی را به دشمنانمان بازگرداند تا این که از عهده آن ها بر آمدیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس بگویید: سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است به خاطر آنچه به برکت آن در ماه شعبان بر شما ارج نهاد. این روز اول شعبان بود و ماه حرام سپری شده بود. این نورها نیز نتیجه اعمال برادران شما در اول شعبان بود. در آن شب قبل از آن که آن اعمال را انجام دهند، پیشاپیش نورهایی برای آنان فرستاده شده بود. گفتند: ای رسول خدا! آن اعمال چیست تا به واسطه آن به پاداش نیک برسیم؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: امّا قیس بن عاصم منقری، او در روز اول شعبان امر به معروف و نهی از منکر کرد و به خیر رهنمون شد؛ از این رو بود که شب قبل از آن روز به هنگام قرائت قرآن، نور برای او از پیش فرستاده شد.

اما قتاده بن نعمان، او قرضی را که بر گردنش بود در اول شعبان ادا کرد؛ از این رو خداوند شب قبل آن روز، پیشاپیش نور را برای او فرستاد.

اما عبدالله بن رواحه، او نسبت به پدر و مادرش مهربان بود. در این شب غنیمتش بسیار شد. فردای آن روز پدرش به او گفت: من و مادرت دوست دار تو هستیم، ولی زنت فلانی ما را آزار می دهد و به ما ستم روا می دارد و ما اطمینان نداریم از این که تو در یکی از این نبردها زخمی و یا شهید شوی و این زن بر اموال تو مسلط شود و ظلم و ستم و گمراهیش را نسبت به ما بیشتر کند. عبدالله گفت: من

از ستم او به شما و بیزاری شما از او بی خبر بودم و اگر این را می دانستم او را طلاق می دادم، ولی اکنون از او جدا شدم تا از آنچه می ترسید در امان باشید و من دوست دار کسی نیستم که شما از او بیزارید، از این رو خداوند نوری را که دیدید برای او فرستاد.

اما زید بن حارثه که نوری روشن تر از نور خورشید درخشان از دهانش خارج شد؛ او بزرگ قوم و برترین آن هاست. خداوند می دانست که چه کاری خواهد کرد، پس او را برگزید و به سبب [علم خود به] آنچه در فردای آن شب پیروزی مؤمنان به واسطه نور ساطع شده از دهان او، از او سر خواهد زد، او را برتری داد. مردی از منافقان لشکرش که در پی ایجاد کدورت بین او و حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و تیره کردن روابط بینشان بود، نزد او آمد و به او گفت: آفرین بر تو که در میان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و صحابه او همتایی نداری. این آزمایشی برای تو بود و این که دیدیم نور توست. پس زید به او گفت: ای عبدالله از خدا بترس و در سخن زیاده روی نکن و مرا به بالاتر از اندازه ام نبر؛ که تو به واسطه این سخن نسبت به خداوند دشمن و کافر هستی و [اگر] من نیز این سخن تو را بپذیرم [قطعاً و یقیناً] مثل تو می شوم.

ای عبدالله، آیا نمی خواهی از ماجراهای اوایل اسلام و پس از آن تا ورود رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه و درآوردن حضرت فاطمه سلام الله علیه به همسری او و ولادت [فرزندان او] حسن و حسین علیهما السلام سخن بگویم؟ گفت: چرا. گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من محبت بسیاری داشت تا جایی که به سبب این محبت مرا به فرزندی قبول کرد. من زید بن محمد خوانده می شدم تا این که حسن و حسین علیه السلام، دو فرزند علی علیه السلام به دنیا آمدند و به خاطر آن دو بزرگوار دیگر نمی خواستم تا مرا به آن نام بخوانند و به کسانی که مرا این چنین می خواندند گفتم: دوست دارم مرا زید غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله صدا کنید؛ زیرا من ناپسند می دارم که مرا با حسن و حسین علیه السلام قیاس کنند. همین طور شد تا این که خداوند ظن مرا تأیید کرد و این آیه را بر

محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد: «ما جعلَ اللهُ لرجلٍ من قلبینِ فی جوفه»(1) {خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است.} یعنی دلی که محمد و خاندان او را دوست بدارد [و آن ها را بزرگ شمارد و دلی که] با آن دیگران را مانند آن ها بزرگ بشمارد یا دلی که با آن دشمنانشان را دوست بدارد، بلکه کسی که دشمنان آن ها را دوست بدارد، با آن ها دشمن است و آنان را دوست ندارد [و کسی که دوست داران آنان را با آن ها برابر کند نیز دشمن آن هاست و آنان را دوست ندارد].

سپس فرمود: «وَ ما جَعَلَ أَزْواجَکُمُ اللاَّئی تُظاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهاتِکُمْ وَ ما جَعَلَ أَدْعِیاءَکُمْ أَبْناءَکُمْ(2)- تا - وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ فی کِتابِ اللَّه» {و آن همسرانتان را که مورد «ظِهار» قرار می دهید مادران شما نگردانیده، و پسرخواندگانتان را پسران [واقعی] شما قرار نداده است - تا - و خویشاوندان [طبقِ] کتاب خدا، بعضی [نسبت] به بعضی اولویّت دارند.} [یعنی طبق کتاب خدا حسن و حسین به فرزندی رسول خدا صلی الله علیه و آله سزاوارتر هستند] و این حکمش «مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُهاجِرینَ إِلاَّ أَنْ تَفْعَلُوا إِلی أَوْلِیائِکُمْ مَعْرُوفاً» {[و] بر مؤمنان و مهاجران [مقدّمند]، مگر آن که بخواهید به دوستان [مؤمن] خود [وصیّت یا] احسانی کنید.} این احسان و اکرام باعث نمی شود که آن ها را به جای اولاد خود قرار دهید. «کانَ ذلِکَ فِی الْکِتابِ مَسْطُورا»(3) {این در کتاب [خدا] نگاشته شده است.} پس این اسم را وا گذاشتند و مرا زید برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله خواندند. گوید: همچنان مردم مرا به این نام می خواندند و من آن را پسندیده نمی شمردم تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله عقد برادری را بین خود و علی بن ابی طالب علیه السلام مجدداً جاری ساخت.

سپس زید گفت: ای عبدالله! زید غلام علی بن ابی طالب علیه السلام است، همان طور که غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز هست. پس او را همتای آن



---

1- . احزاب / 4
2- . احزاب / 4
3- . احزاب / 6

بزرگوار قرار مده و او را به بالاتر از حد او مبر که در این صورت مانند مسیحیان می شوی که عیسی علیه السلام را به بالاتر از مقام او ترفیع دادند و به خداوند بزرگ کفر ورزیدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از این رو خداوند زید را برتری داد و به آنچه دیدید عزت و کرامت بخشید. سوگند به کسی که مرا بر حق به پیامبری مبعوث کرد، تشعشعی از آن نور که در دنیا دیدید، در مقایسه با آن چیزی که خداوند در آخرت برای زید مهیا کرده حقیقتاً ناچیز است. او در روز قیامت با هیبتی می آید که نور وجودش در مقابل و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین او حرکت می کند و از هرطرف به اندازه مسافت هزار سال را روشن می کند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نمی خواهید در مورد شکستی بسیار سنگین تر از شکست دشمنان شما که شیطان و یاران و لشکریانش متحمل آن می شوند صحبت کنم؟ گفتند: آری یا رسول الله صلی الله علیه و آله! فرمود: سوگند به کسی که مرا بر حق به پیامبری مبعوث فرمود، شیطان در روز اول شعبان لشکریان خود را در اطراف و اکناف زمین پراکنده می کند و به آن ها می گوید: امروز در جلب برخی از بندگان خدا به سوی خود کوشش کنید و خداوند عزوجلّ نیز ملائکه خویش را در اطراف و اکناف زمین می پراکند و به آن ها می فرماید: بندگان مرا نگه داشته و راهنمایی و هدایت کنید و همگی به واسطه شما سعادتمند می شوند مگر کسی که امتناع ورزد و سرکشی و طغیان کند، که او به حزب ابلیس و سپاهیان او درآید.

خداوند عزوجل در روز اول شعبان امر می فرماید تا درهای بهشت را بگشایند و به درخت طوبی دستور می فرماید تا شاخه هایش را بر این دنیا هویدا کند. [سپس دستور می دهد تا درهای جهنم را بگشایند و به درخت زقوم فرمان می دهد تا شاخه هایش را بر دنیا نمایان گرداند.] سپس هاتف پروردگار عزوجلّ ندا در دهد: ای بندگان خدا [این شاخسار درخت طوبی است پس آن ها را بگیرید تا به بهشت صعود کنید] و این شاخه های درخت زقوم است، پس از آن بر حذر باشید تا شما را به جهنم هدایت نکند. فرمود: سوگند به کسی که بر حق مرا به پیامبری

مبعوث کرد، کسی که [دری از خیر را در این روز بگشاید و به آن بپردازد، به یکی از شاخه های درخت طوبی متصل می شود که او را به بهشت می رساند و کسی که] دری از شر را در این روز بگشاید، به یکی از شاخه های درخت زقوم چنگ می زند که او را به سوی جهنم می کشاند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس کسی که برای رضای خدا در این روز نمازی به جا آورد، خود را به شاخه ای از این درخت آویخته است و کسی که در این روز صدقه دهد، به شاخه ای و کسی که از ستمی درگذرد به یک شاخه و کسی که مرد و زن، پدر و فرزند، دو آشنا، دو همسایه و دو بیگانه را با هم آشتی دهد به شاخه ای از این درخت آویخته است. کسی که بدهکاری فقیری را سبک کند یا بدهی او را از دوشش بردارد، به یکی از این شاخه ها چنگ زده است.

کسی که به حساب خویش بنگرد و به یاد دینی قدیمی بیفتد که صاحب آن از ادای آن ناامید شده و آن را ادا کند، به شاخه ای از این درخت چنگ زده است و کسی که سرپرستی یتیمی را بر عهده بگیرد، به شاخه ای از این درخت چنگ زده است و کسی که مانع از ریختن آبروی مؤمنی به دست یک سفیه شود، شاخه ای از این درخت را از آن خود کرده است [و کسی که قرآن یا اندکی از آن را بخواند، به شاخه ای از این درخت چنگ زده است] و کسی که بنشیند و نام خدا را بر زبان بیاورد و از نعمات او یاد کند و شکر آن را به جای آورد، به شاخه ای از این درخت آویخته است. کسی که بیماری را عیادت کند و کسی که جنازه ای را در این ماه تشییع کند و کسی که مصیبت دیدهای را در این ماه تسلیت گوید و کسی که به پدر و مادر خود یا یکی از آن ها نیکی کند، به یکی از شاخه های آن آویخته است و کسی که پیش از این روز خشم آن ها را برانگیخته بوده و در این روز آنان را از خود راضی گرداند، به شاخه ای از این درخت چنگ زده است و به همین ترتیب کسی که در این روز یکی از سایر امور خیر را انجام دهد، به شاخه ای از این درخت چنگ زده است.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به کسی که مرا بر حق مبعوث کرد، کسی که دری از شر و نافرمانی را در این روز بگشاید، به یکی از

شاخه های درخت زقوم چنگ زده است پس آن شاخه او را به سوی آتش کشانده است. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به کسی که مرا بر حق مبعوث کرد، کسی که در نماز واجب خود کوتاهی کند و آن را ضایع کند، به یکی از شاخه های درخت زقوم چنگ زده است. [و کسی که یک روزه واجب بر گردن او باشد و آن را فرو بگذارد و در آن کوتاهی کند، به یکی از شاخه های درخت زقوم چنگ زده است] و کسی که در این روز فقیری ناتوان به در خانه اش بیاید و از وضعیت بد او آگاه باشد و بتواند بی آن که ضرری متوجه خود باشد، اوضاع او را دگرگون کند و کسی هم نباشد که جای او را بگیرد و کار او را انجام دهد و او را رها کند تا تباه و نابود گردد و دست او را نگیرد، به یکی از شاخه های زقوم چنگ زده است. کسی که خطاکاری از او عذرخواهی کند ولی عذر او را نپذیرد، و به مقدار مجازات بدی او اکتفا نکند، بلکه پا را از آن فراتر بگذارد، بی تردید به یکی از شاخه های آن چنگ زده است. کسی که بین زن و شوهر، پدر و فرزند یا برادر با برادر یا بین دو آشنا یا دو همسایه یا دو دوست یا دو خواهر جدایی افکند، به یکی از این شاخه ها چنگ زده است و کسی که به تنگدستی فشار آورد در حالی که از تنگدستی او باخبر باشد و خشم و آزارش بیشتر شود، به یکی از این شاخه ها چنگ زده است و کسی که دینی بر گردنش بوده و آن را زیر پا بگذارد و به نفع خود مصادره کند و بر صاحب مال ستم روا دارد و قرضش را فسخ و بی اعتبار کند، حقیقتاً به یکی از شاخه های آن چنگ زده است. هر کس به یتیمی ستم کند و او را مورد آزار قرار دهد و مالش را غصب کند، بی تردید به یکی از این شاخه ها چنگ زده است و کسی که آبروی برادر مؤمن خود را بریزد و مردم را به آن گستاخ کند، گویی که به یکی از این شاخه ها چنگ زده است و کسی که آوازی حرام سر دهد و به واسطه آن مردم را به گناه بکشاند، به یکی از این شاخه ها چنگ زده است.

کسی که بنشیند و کارهای زشت خود را در جنگ ها و انواع ستم های خود را به بندگان خدا بشمارد و به آن افتخار کند، به یکی از این شاخه ها چنگ زده است و کسی که همسایه اش بیمار باشد و به خاطر تحقیر او به عیادت او نرود، به یکی از این شاخه ها چنگ زده است و کسی که همسایه اش از دنیا رود و برای بی احترامی به

او در تشییع جنازه او شرکت نکند، یقیناً به یکی از این شاخه ها چنگ زده است و کسی که از مصیبت زده ای روی گرداند و به خاطر تحقیر و کوچک شمردن او به او ستم کند، به یکی از این شاخه ها چنگ زده است و کسی که به پدر و مادر خود یا یکی از آن دو بی حرمتی کند، حقیقتاً به یکی از این شاخه ها چنگ زده است و کسی که پیش از این از آن ها نافرمانی کرده باشد و در این روز آن ها را راضی نکند، در حالی که می توانسته رضایت آنان را جلب کند، به یکی از این شاخه ها چنگ زده است و به همین ترتیب کسی که یکی از سایر انواع شر را مرتکب شود، به یکی از شاخه های درخت زقوم چنگ زده است.

سوگند به کسی که مرا بر حق فرستاد، کسانی که شاخه های درخت [طوبی را بگیرند، این شاخه ها آنان را به سوی بهشت بالا می برند و کسانی که شاخه های درخت ](1) زقوم را بگیرند، این شاخه ها آن ها را به سوی جهنم فرو می برد.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهش را برای مدتی طولانی به بالا چرخاند و شروع به خنده کرد و شادمان شد، سپس نگاهش را به سوی زمین فرود آورد و ابروان خود را در هم کشید و اخم فرمود، سپس به یاران خود رو کرد و فرمود: سوگند به کسی که مرا بر حق فرستاد، درخت طوبی را دیدم که شاخه هایش به بالا حرکت می کنند و کسانی را که به آن چنگ زده اند به سوی بهشت می برد. در میان این افراد بر حسب میزان فرمانبرداری و طاعاتی که داشتند، برخی را دیدم که یک شاخه و برخی دو یا چند شاخه را گرفته اند. و من زید بن حارثه را می بینم که تمام شاخه های آن را گرفته است و این شاخه ها او را تا بالاترین درجه بهشت بالا می برند، به همین دلیل خوشحال و شادمان شدم. سپس به زمین نگریستم و سوگند به کسی که مرا بر حق فرستاد، درخت زقوم را دیدم که شاخه هایش به پایین می آیند و کسانی را که به آن چنگ زده اند، به سوی جهنم فرو می کشاند. در میان آن ها نیز بر اساس زشتی هایی که مرتکب شده بودند، دیدم برخی یک شاخه و برخی دو یا چند شاخه را گرفته اند و به راستی که یکی از منافقان را می بینم که تمام شاخه های آن را



---

1- . ما بین کروشه از نسخه اصل ساقط شده و ما آن را از منبع اضافه کردیم.

گرفته است و این شاخه ها او را تا پایینترین طبقات جهنم میبرد، از این رو ناراحت شده و رو ترش کردم.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله دوباره برای لحظاتی طولانی با ناراحتی و عصبانیت به آسمان نگریست، سپس به سوی اصحاب خویش روی برگرداند و فرمود: ای بندگان خدا! اگر آن چیزی را که پیامبرتان محمد دید، مشاهده می کردید بی تردید به جگرهای خویش، تشنگی و به شکم های خویش، گرسنگی را می چشاندید و شب را بیدار می ماندید و پاها و بدن های خود را خسته می کردید و تمام اموالتان را صدقه می دادید و جان هایتان را برای جهاد در معرض نابودی قرار می دادید. عرض کردند: پدران و مادران و پسران و دختران و قوم و خویشانمان به فدایتان باد، ای رسول خدا شما چه دیدید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به کسی که مرا بر حق مبعوث کرد، دیدم که آن شاخه های درخت طوبی به بهشت بازگشتند و هاتف پروردگارمان به خزانه داران آن ندا داد: ای فرشتگان من! به هر کسی که امروز به یکی از شاخه های درخت طوبی چنگ زده نگاه کنید، پس به آخرین درجه سایه آن شاخه بنگرید و به اندازه مساحت آن از هر طرف قصرها و خانه ها و نعمتها به او ببخشید، پس آن ها را به او بخشیدند. به بعضی از آنان به اندازه درجه ایمان و بزرگی اعمالشان، از هر سو به مسافت هزار سال عطایایی بخشیده شد و به برخی سه برابر و چهار برابر و بیشتر از آن. به خدا قسم دوستتان زید بن حارثه را دیدم که به تناسب برتری او بر آن ها در شدت ایمان و عظمت اعمال، هزار برابر بیشتر از آنچه به سایرین بخشیده شده، به او کرامت شده بود؛ از این رو شادمان و مسرور شده و خندیدم.

به خدا سوگند که شاخه های درخت زقوم را دیدم که به جهنم بازگشت و منادی پروردگارمان به خزانه داران جهنم ندا داد: ای فرشتگان من! امروز به کسانی که شاخه های درخت زقوم را گرفته اند، بنگرید پس به انتهای سایه آن شاخه و تاریکی آن نگاه کنید، از هر طرف نشستنگاههایی از آتش بسازید و به اندازه مساحت آن، قصرهایی آتشین و جایگاه ها و غارهایی بسازید و مارها و عقرب ها و غل و زنجیرها و بند و لگام هایی را مهیا کنید تا به واسطه آن عذابشان کنید. برخی

از آنان به تناسب ضعف ایمان و زشتی اعمال، عذابی به اندازه مسافت یک یا دو یا صد سال یا بیشتر برایشان فراهم شده بود. و به راستی که یکی از منافقان را دیدم که به سبب شدت کفر و بدی خود عذابی هزار برابر عذاب همگی آن ها برایش تعیین شده بود؛ به همین جهت عبوس شده و اخم کردم.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به اطراف و اکناف زمین نگریست و گاهی تعجب کرده و گاهی اندوهگین می شد، سپس رو به صحابه خویش کرد و فرمود: خوشا به حال انسان های فرمان بردار. خداوند چگونه به وسیله فرشتگان خویش آنان را تکریم می کند و بدا به حال فاسقان و بدکاران، چطور خداوند آن ها را خوار می کند و به شیطانشان واگذارشان می کند. سوگند به کسی که مرا بر حق مبعوث کرد، من می بینم شیاطین برای اغوای کسانی که شاخه های درخت طوبی را در دست گرفته اند، به سویشان می روند و فرشتگان بر آن ها هجوم می آورند و آنان را کشته و تار و مار می کنند و از آنان دورشان می کنند و منادی پروردگار ما به آن ها ندا دهد: هان ای فرشتگان من! ای جمله فرشتگانی که در زمین هستید! بنگرید به آخرین درجه نسیم این شاخه که کسی آن را گرفته است و از جانب آن مؤمن با شیطان نبرد کنید و آن ها را از او دور کنید. به راستی که من یکی از آن ها را می بینم که تعدادی از فرشتگان برای یاری او بر ضد شیاطین آمده اند و شیاطین نافرمان را از او دور می کنند. هان پس از بزرگداشت ماه شعبان، این روز شعبان را بزرگ دارید، چه انسان هایی که در این روز سعادت مند می شوند و چه انسان هایی که نگون بخت می شوند، پس آگاه باشید تا در این ماه از سعادت مندان باشید و نه از نگون بختان.(1)

2. تفسیر الإمام علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بسی انسان که در ماه شعبان سعادت مند می شود [در آن روز، و بسی انسان که در آن روز شقاوتمند می شود. هان! آیا به شما بگویم که مَثَل محمد و خاندان او همانند چیست؟ گفتند: آری یا رسول الله! فرمود: محمد در میان بندگان خدا مانند ماه رمضان است در میان ماه ها و مَثَل خاندان محمد در میان بندگان مانند ماه شعبان



---

1- . تفسیر الإمام : 296-290

است](1) در میان ما ها و مَثَل علی بن ابی طالب علیه السلام در میان خاندان محمد صلی الله علیه و آله همچون بهترین روزها و شب های ماه شعبان است و او روز و شب نیمه شعبان است و سایر مؤمنان در خاندان محمد به مانند ماه رجب نسبت به ماه شعبان هستند. آن ها نزد خدا دارای درجات و طبقاتی هستند، کوشاترین آنان در اطاعت خدا، شبیه ترین آنان به آل محمد صلی الله علیه و آله هستند. آیا از مردی به شما خبر ندهم که خداوند جایگاه او را نسبت به خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله به مانند اولین روزهای رجب به نسبت اولین روزهای شعبان قرار داده است؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ! فرمود: از جمله آن ها سعد بن معاذ است.(2)

3. کتاب النوادر: نوشته فضل الله بن علی حسینی راوندی: از انس بن مالک روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که یک روز از شعبان را روزه گیرد، خداوند برای او ثواب روزه دو سال را می نویسد و دوازده دعای او در درگاه خدا مستجاب است و کسی که دو روز از شعبان را روزه بگیرد، خداوند ثواب روزه چهار سال را برای او بنویسد و به مانند روزی که از مادر متولد شده از گناهانش پاک شود و کسی که سه روز را روزه بگیرد، خداوند ثواب روزه شش سال را برای او بنویسد و پاداش ده تن از راستگویان برای او نوشته شود و کسی که چهار روز روزه بگیرد، خداوند روزه هشت سال را برای او بنویسد و در روز قیامت نامه عملش را به دست راستش دهد.

کسی که پنج روز روزه بگیرد، خداوند برای او ثواب روزه ده سال را ثبت کند و به تعداد شن های بیابان عالج برای او حسنات بنویسد و کسی که شش روز روزه بگیرد، خداوند ثواب دوازده سال روزه را برای او بنویسد و همچون برقی سریع از صراط عبور می کند. کسی که هفت روز روزه بدارد، خداوند برای او ثواب چهارده



---

1- . مطالب میان کروشه را از منبع اضافه کردیم.
2- . تفسیر الإمام : 3-2 و این سخن «از جمله آن ها سعد بن معاذ است» گفته مؤلف قدس سره است که در این جمله خلاصه داستانی طولانی را آورده است، همانطور که در منبع، در سه صفحه آمده است.

سال روزه را بنویسد و گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و کسی که هشت روز روزه بدارد، خداوند ثواب شانزده سال روزه را برای او می نویسد و بر سرش تاجی از نور گذاشته می شود. کسی که نه روز روزه بدارد، خداوند ثواب هجده سال روزه را برای او بنویسد و به واسطه او بر فرشتگان خود مباهات کند و کسی که ده روز روزه بدارد، هیهات هیهات که خشنودی بزرگ خداوند بر او واجب می شود و بی حساب و خستگی و رنج وارد بهشت می شود.

کسی که یازده روز روزه بگیرد خداوند درجات او را تا بالاترین درجه در بهشت بالا می برد و در روز قیامت در صف اولین عبادت پیشگان خواهد بود و کسی که دوازده روز روزه بدارد، در روز قیامت از امان یافتگان است و با پرهیزکارانی که به پیشگاه خداوند جل جلاله وارد می شوند، محشور می شود و کسی که سیزده روز روزه بگیرد گویی خدا را سی سال عبادت کرده است و در بهشت عمارتی از مروارید سفید به او کرامت می کند. کسی که چهارده روز روزه بدارد، هیچ حاجتی را چه در دنیا و چه در آخرت از خداوند نخواهد مگر این که آن را به او ببخشد و شفاعت او را در مورد خانواده اش قبول کند.

کسی که پانزده روز روزه بدارد، خداوند حکمت را در زبان و قلب او جاری می سازد و در روز قیامت از پیشتازان است. پس اگر شب نیمه شعبان نماز بگزارد، پاداش آن را برای او چند برابر می کند و کسی که شانزده روز روزه بدارد، خداوند نجات از آتش و دوری از نفاق را به او ارزانی می فرماید و کسی که هفده روز روزه بدارد، خداوند ثوابی همانند ثواب سی صدّیق پیامبر را به او می بخشد و فرشتگان در منزلش به دیدار او می روند و کسی که هجده روز روزه بدارد، خداوند در روز قیامت او را با {صدیقان و شهدا و شایستگان محشور فرماید و چه خوب رفیقانی هستند این ها. }(1) کسی که نوزده روز روزه بدارد خداوند حسد و کینه را از سینه او دور می کند و یقینی خالص و ناب روزیش گرداند.



---

-1 . نساء / 69

کسی که بیست روز روزه بگیرد، به به، خوشا به حال او و چه خوش سرانجامی دارد. خداوند عزوجلّ آنچنان کرامت و پاداشی به او بخشد که خلایق از توصیف آن عاجز مانند و کسی که بیست و یک روز روزه بدارد، خداوند در روز قیامت شفاعت او را برای ربیعه و مضر بپذیرد و کسی که بیست و دو روز روزه بگیرد، خداوند او را در زمره عبادت پیشگان و رستگارانی قرار دهد که نه ترسی بر آن هاست و نه محزون شوند. کسی که بیست و سه روز روزه بدارد، هیچ فرشته مقربی و پیامبر فرستاده شده ای نمی ماند مگر این که به جایگاه و شأن او غبطه ورزد و کسی که بیست و چهار روز روزه بگیرد، خداوند اجر شهیدی راستگو و ثواب و گواهان خیر خواه را به او عطا فرماید.

کسی که بیست و پنج روز روزه بدارد، خداوند حسنات او را برای او ثبت کند و زشتی های او را محو گرداند و درجات او را در بهشت بالا میبرد. کسی که بیست و شش روز روزه بدارد، خداوند او را در قبر تهنیت گوید تا این که به منزلت عرش رسد و جایگاهش به خداوند عزوجلّ نزدیک شود. کسی که بیست و هفت روز از شعبان را روزه بدارد خداوند صد درجه در بهشت به او ارزانی دارد و از هر گونه بدی از سوی شیطان رجیم در امان خواهد بود و کسی که بیست و هشت روز روزه بگیرد، خداوند از بهترین پاداش های کسی که صد بار ختم قرآن کرده است، به او دهد و کسی که بیست و نه روز روزه بگیرد، خداوند عزوجل به ازای هر نفس، هفتاد درجه در بهشت به او می بخشد و تمام حاجات دنیوی و اخروی او را برآورده می سازد و در ازای هر نفس، یک حسنه برای او بنویسد و کسی که کل شعبان یعنی سی روز آن را روزه بگیرد، کسی خبر ندارد که خداوند چه فضیلتی در بهشت به او ارزانی می دارد و صد هزار شهر از جواهر در بهشت به او کرامت می فرماید که در هر شهری یک میلیون عمارت و در هر عمارت یک میلیون قصر و در هر قصر یک میلیون خانه و در هر خانه صد میلیون تخت و هر تختی به طول صد میلیون برابر فاصله شرق تا غرب است و بر هر تختی صد میلیون بستر و بر هر بستری صد میلیون زوج از حوریان بهشتی است و خداوند متعال نام او را در زمره بهترین ها بنویسد، مگر کسی که رمضان را روزه بگیرد و حق آن را بشناسد و حدود او را در

نظر بگیرد، که خداوند هفتاد هزار برابر این پاداش را به او می دهد و آنچه در نزد خداوند است، بهتر و جاودانه تر است.

4. النوادر: با استنادی که در اول کتاب ذکر شده از امام موسی کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شعبان ماه من است و رمضان ماه خداوند تعالی و بهار فقیران است و خداوند تعالی قربانی کردن را قرار داده تا بیچارگان از گوشت سیر شوند، پس به آن ها [از گوشت قربانی] طعام دهید.(1)

5. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و مجالس صدوق: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: روزه شعبان ذخیره بنده است برای روز قیامت. هیچ بنده ای نیست که در شعبان زیاد روزه بگیرد، مگر این که خداوند گذران زندگی او را بهبود بخشد و شر دشمنش را از او دور کند. کمترین پاداشی که به روزه دار ماه شعبان می رسد این است که بهشت بر او واجب می شود.(2)

6. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و مجالس صدوق: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: شعبان ماه من است و رمضان ماه خداوند عزوجل، پس کسی که یک روز از ماه من را روزه بگیرد، در روز قیامت من شفیع او خواهم بود و کسی که دو روز از ماه من را روزه بگیرد، گناهان گذشته او آمرزیده میشود و کسی که سه روز روزه بگیرد، به او گفته می شود: کارت را از سر بگیر.(3)

مؤلف: تمام این موارد را در باب فضیلت ماه رمضان ذکر خواهم کرد.

7. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و مجالس صدوق(4) و ثواب الاعمال: از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحابش که در نزد او فضایل ماه شعبان را یادآوری کرده بودند، فرمود: این ماه، ماهی است شریف و ماه من است و حاملان عرش آن را بزرگ می دارند و حق آن را میشناسند. این ماه،



---

1- . نوادر راوندی، بخش چاپی : 19
2- . نسخه خطی کتاب فضائل، امالی صدوق : 11

3- . امالی صدوق : 13، در ذیل یک حدیث آمده است.
4- . امالی صدوق : 17-15

ماهی است که روزی مؤمنان برای ماه رمضان زیاد می شود و بهشت در این ماه آراسته می شون. این ماه بدین دلیل شعبان نامیده شده که روزی مؤمنان در آن تقسیم می شود و ماهی است که عمل در آن چند برابر می شود: نیکی هفتاد برابر و زشتی فرو ریخته، گناه آمرزیده و حسنه مورد قبول واقع می شود و خدای بزرگ در این ماه به بندگان خود مباهات می نماید و به روزه داران و عبادت کنندگان آن نظر می افکند و به خاطر آن ها به حاملان عرش مباهات می کند.

در این جا علی بن ابی طالب علیه السلام برخاست و به رسول الله صلی الله علیه و آله عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، اندکی از فضیلت های آن را برای ما توصیف کن تا میل و رغبتمان را به روزه و عبادت آن زیاد کنیم و برای عبادت خداوند بزرگ عزوجلّ در این ماه بکوشیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که اولین روز شعبان را روزه بگیرد، خداوند برای او هفتاد حسنه می نویسد که هر حسنه برابر با عبادت یک سال است و کسی که دو روز از شعبان را روزه بگیرد، گناهان هلاکت بار از او بریزد و کسی که سه روز از شعبان را روزه بدارد، هفتاد درجه در بهشت از درّ و یاقوت برای او بالا می رود و کسی که چهار روز از شعبان را روزه بدارد، رزقش گشایش می یابد و کسی که پنج روز از شعبان روزه بگیرد، نزد بندگان عزیز می شود.

و کسی که شش روز از شعبان را روزه بگیرد، هفتاد نوع بلا از او دفع می شود و کسی که هفت روز روزه بگیرد، از ابلیس و لشکریانش در تمام عمر در امان خواهد بود و کسی که هشت روز روزه بگیرد، تا زمانی که از حوض های بهشتی سیراب شود از دنیا بیرون نرود و کسی که نه روز از شعبان را روزه بدارد، نکیر و منکر به هنگام سؤال و جواب با او عطوفت می کنند و کسی که ده روز از شعبان را روزه بگیرد، خداوند قبر او را به اندازه هفتاد ذراع وسعت دهد.

کسی که یازده روز از شعبان را روزه بگیرد یازده مناره از نور بر قبر او می زنند و کسی که دوازده روز را روزه بدارد، تا نفخ صور هر روز نود هزار ملک برای دیدار او به قبر او می آیند و کسی که سیزده روز از شعبان را روزه بدارد ملائکه هفت آسمان برای او طلب آمرزش می کنند و کسی که چهارده روز از شعبان را روزه

بدارد به چهارپایان و درندگان و حتی به ماهی های دریا الهام می شود که برای او طلب آمرزش کنند و کسی که پانزده روز از شعبان را روزه بدارد، پروردگار عزت و بزرگی به او ندا می دهد: به عزت و بزرگیم سوگند تو را در آتش نخواهم سوزاند.

و کسی که شانزده روز از شعبان را روزه بدارد، هفتاد دریای آتش بر او خاموش می گردد و کسی که هفده روز از شعبان را روزه بدارد، تمام درهای جهنم به روی او بسته می شود و کسی که هجده روز از شعبان را روزه بگیرد تمام درهای بهشت بر او گشوده می شود و کسی که نوزده روز از شعبان را روزه بدارد، هفتاد هزار قصر از درّ و یاقوت در بهشت به او کرامت شود و کسی که بیست روز از شعبان را روزه بدارد، هفتاد هزار همسر از حور العین به او دهند.

کسی که بیست و یک روز از شعبان را روزه بدارد، فرشتگان به او خیر مقدم گفته و بال های خود را بر او می کشند و کسی که بیست و دو روز از شعبان را روزه بدارد، هفتاد جامه از سندس و استبرق بر او بپوشانند و کسی که بیست و سه روز از شعبان را روزه بدارد با مرکبی از نور از قبر بیرون آید و به سوی بهشت به پرواز در آید و کسی که بیست و چهار روز از شعبان را روزه بدارد، شفاعت او برای هفتاد هزار یکتاپرست پذیرفته می شود و کسی که بیست و پنج روز از شعبان را روزه بدارد، بیزاری از نفاق نصیبش می گردد.

کسی که بیست و شش روز از شعبان را روزه بدارد، خداوند عزوجل جواز عبور از صراط را برای او بنویسد و کسی که بیست و هفت روز از شعبان را روزه بگیرد، خداوند نجات از آتش را برای او بنویسد و کسی که بیست و هشت روز از شعبان را روزه بدارد، در روز قیامت چهره اش از شادمانی می درخشد و کسی که بیست و نه روز را روزه بدارد، به خشنودی بزرگ خداوند دست می یابد و کسی که سی روز از شعبان را روزه بدارد، جبرئیل از جلوی عرش ندا می دهد که ای شخص! عملت از سر گیر که گناهان گذشته و پیشینت آمرزیده شد و خداوند بزرگ و عزوجل می فرماید: اگر تعداد گناهانت به تعداد ستارگان و قطرات باران و برگ درختان و دانه های شن و خاک و روزهای دنیا باشد، حقیقتاً آن را آمرزیدم که پس از روزه داری ماه رمضانت، این کار بر خداوند سخت نیست.

ابن عباس گوید: این ثواب ماه شعبان است.(1)

مؤلف: روایت سلمان در باب وضو در هنگام خواب و باب «قل هُوَ اللهُ أحَد»(2) و روزه سه روز(3) بارها تکرار شده و فضیلت وصل کردن روزه شعبان به رمضان در آن است.

8. امالی صدوق: از مالک بن انس روایت شده که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، ثواب کسی که یک روز از شعبان را روزه بگیرد چیست؟ فرمود: پدرم از پدرش از جدش روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که یک روز از شعبان را از روی ایمان و برای خشنودی او روزه بگیرد، خداوند گناهان او را بیامرزد.(4)

مؤلف: برخی از روایات در باب فضایل ماه رمضان و باب فضایل ماه رجب آمده است.

9. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شعبان ماه من است و رمضان ماه خداوند عزوجل است. پس کسی که یک روز را از ماه من روزه بگیرد، در روز قیامت شفیع او خواهم بود و کسی که در ماه رمضان روزه بگیرد، از آتش رهایی می یابد.(5)

10. امالی صدوق: از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که: روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه ای است پذیرفته از سوی خدا، هر چند از خونی حرام (قتل) باشد.(6)

11. تفسیر عیاشی: از مفضل بن عمر روایت شده که شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: روزه پی در پی شعبان و رمضان توبه پذیرفته شده از خداست.



---

1- . ثواب الاعمال : 58-56

2- . ر.ک: ج92 ص 345 که آن را از معانی الاخبار : 235 و امالی صدوق : 22 نقل کرده است.

3- . در باب 59 این کتاب، ذیل شماره 2 خواهد آمد.
4- . امالی صدوق : 324 و ذکر کامل این حدیث در ص34 گذشت.
5- . امالی صدوق : 373
6- . امالی صدوق : 397

و در روایت اسماعیل بن عبد الخالق از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: به خدا سوگند توبه پذیرفته شده از قتل و ظهار و کفاره از سوی خداست.(1)

12. امالی صدوق: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: کسی که سه روز آخر شعبان را روزه بگیرد و آن را به ماه رمضان وصل کند، خداوند روزه دو ماه متوالی را برای او بنویسد.(2)

13. قرب الإسناد: از ازدی روایت شده که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، در مورد روزه ماه شعبان چه می فرمایی؟ فرمود: آن را روزه بگیر. عرضه داشتم: چه روزی بهتر است؟ فرمود: روز بعد از نیمه و سپس آن را [به روزه رمضان] وصل کن.(3)

14. الخصال: اعمش از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: روزه شعبان برای کسی که بگیرد خوب است؛ زیرا شایستگان در این ماه روزه می گرفتند و به آن مشتاق بودند و رسول خدا صلی الله علیه و آله روزه شعبان را به رمضان می پیوست.(4)

15. الخصال: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعماه فرموده اند: در هر ماه سه روز روزه گرفتن مستحب است و آن دو پنجشنبه است که بین آن ها یک چهار شنبه است و روزه شعبان وسوسه سینه و تشویش دل را می زداید.(5)

16. عیون اخبار الرضا علیه السلام(6) و الخصال: عباس بن هلال گوید: شنیدم که ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرمود: کسی که یک روز از شعبان را برای ثواب آن روزه بدارد، وارد بهشت می شود و کسی که در هر روز از شعبان هفتاد بار از خدا طلب آمرزش کند، در روز قیامت در گروه رسول خدا صلی الله علیه و آله محشور شود و کرامت پروردگار بر او واجب می گردد و کسی که در



---

1- . تفسیر عیاشی 1 : 226
2- . امالی صدوق : 397
3- . قرب الإسناد : 27

4- . الخصال 2 : 152
5- . الخصال 2 : 156
6- . عيون الاخبار 1 : 255

شعبان صدقه ای دهد؛ هر چند نیمی از خرما باشد، خداوند جسم او را بر آتش حرام کند و کسی که سه روز از شعبان را روزه بدارد و آن را به روزه ماه رمضان متصل کند، خداوند روزه دو ماه متوالی را برای او بنویسد.(1)

17. عیون اخبار الرضا علیه السلام: از هروی روایت شده است: آخرین جمعه شعبان به خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم، فرمود: ای ابا الصلت! بیشتر شعبان سپری شده و امروز آخرین جمعه شعبان است، پس در روزهای باقی مانده جبران کوتاهی روزهای سپری شده را بکن و باید به آنچه برایت مهم است اقدام کنی و زیاد دعا و استغفار کن. قرآن تلاوت کن و از گناهانت به درگاه خدا توبه کن تا با اخلاص به خداوند عزوجل به ماه خدا وارد شوی و هیچ امانتی را که بر دوش توست رها مکن، مگر این که آن را به جای آوری و هر کینه ای را که در دل خویش نسبت به مؤمنی داری، آن را از دل بیرون کن و هیچ گناهی را مگر این که از آن دست بکشی و تقوای خدا پیشه کن و در آشکار و پنهان بر خدا توکل کن. «وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِکُلِّ شَیْ ءٍ قَدْرا»(2) {و هر کسی که بر خدا اعتماد کند، او برای او بس است. خداوند فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرّر کرده است.}

و در روزهای باقی مانده این ماه بسیار بگو: خداوندا اگر در روزهای گذشته شعبان ما را نیامرزیدی، پس در روزهای باقی مانده بیامرز. خداوند بزرگ و بلند مرتبه در این ماه به خاطر حرمت ماه رمضان جان هایی را از آتش رهایی می بخشد.(3)

18. عیون اخبار الرضا علیه السلام: از امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت شده است: وقتی ماه شعبان می رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله سه روز از اول، سه روز از وسط و سه روز از آخر آن را روزه



---

1- . الخصال 2 : 139
2- . طلاق / 12
3- . عیون الاخبار 2 : 51

می گرفت و دو روز قبل از ماه رمضان را افطار می نمود و با آمدن رمضان روزه می گرفت.(1)

19. عیون اخبار الرضا علیه السلام: با همین اسناد فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خیرات در ماه شعبان پراکنده می شود.(2)

مؤلف: ذکر کامل این حدیث در باب فضیلت رجب گذشت و ما برخی از روایات مربوط به فضیلت آن را در آن باب آورده ایم.

20. عیون اخبار الرضا علیه السلام: در نامه ای که امام رضا علیه السلام به مأمون نوشته بود، آمده: روزه شعبان برای کسی که بگیرد خوب است.(3)

21. معانی الاخبار: امام باقر علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام نقل کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که شعبان را روزه بگیرد، از هر گونه لغزش و وصمه[عیب] و بادره[خطا] پاک شود. ابو حمزه گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: وصمه چیست؟ فرمود: قسم گناه و نذر برای گناه. عرض کردم: بادره چیست؟ فرمود: قسم به هنگام خشم، و توبه از این عمل، پشیمانی از آن است.(4)

ثواب الاعمال: از امام باقر علیه السلام [همین روایت] نقل شده که فرمود: کسی که شعبان را روزه بگیرد... تا آخرِ آنچه گذشت.(5)

22. ثواب الاعمال: از عبد الخالق روایت شده: نزد امام جعفر صادق علیه السلام سخن از شعبان و روزه آن به میان آمد. گوید: فرمود: فضیلت این ماه چنین و چنان و در این ماه فلان و بهمان است، حتی اینکه شخص بر خون حرام وارد شود و شعبان را روزه بگیرد، این روزه به او سود می رساند و گناهش آمرزیده می شود.(6)

23. مجالس الشیخ: از عبد الخالق مانند همین روایت نقل شده است.



---

1- . عیون الاخبار 2 : 71
2- . عیون الاخبار 2 : 71
3- . عیون الاخبار 2 : 124

4- . معانی الاخبار : 169، همین حدیث را در «وسائل» نیز روایت کرده است.

5- . ثواب الاعمال : 53

6- . ثواب الاعمال : 54

24. ثواب الاعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: به خدا سوگند دو ماه روزه متوالی شعبان و رمضان توبه پذیرفته شده از سوی خداست.(1)

25. ثواب الاعمال: از عبدالله بن مرحوم روایت شده: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: هر کس اولین روز شعبان را روزه بگیرد یقیناً بهشت بر او واجب می شود و هر کس دو روز روزه بگیرد، خداوند در سرای دنیا هر روز و هر شب به او نظر میکند و نظر خداوند به او در بهشت نیز ادامه می یابد و هر کس سه روز روزه بدارد، هر روز از بهشت، خدا را در عرش او زیارت کند.(2)

26. ثواب الاعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شعبان ماه من است و رمضان ماه خدا و بهار فقراست و خداوند عید قربان را قرار داده تا بیچارگان را از گوشت سیر کند؛ پس آنان را اطعام کنید.(3)

مجالس الشیخ: از سکونی نیز مثل همین حدیث تا «بهار فقرا» روایت شده است.

27. ثواب الاعمال: از اسامه بن زید روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزها روزه می گرفت، تا جایی که گفته می شد: او افطار نمی کند و مدتی روزه نمی گرفت، تا جایی که گفته میشد او روزه نمی گیرد. گفتم: آیا دیده ای در ماهی بیشتر از ماه های دیگر روزه بگیرد؟ گفت: آری ! گفتم: کدام ماه؟ گفت: شعبان، حضرت فرمود: این ماهی است بین رجب و رمضان که مردم از آن غافلند و ماهی است که در آن اعمال به پیشگاه پروردگار بالا می رود، دوست دارم که عمل من در حال روزه بالا رود.(4)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از یزید بن سنان مانند همین حدیث روایت شده است.



---

1- . ثواب الاعمال : 54
2- . ثواب الاعمال : 54

3- . ثواب الاعمال : 54
4- . ثواب الاعمال : 55

.28 ثواب الاعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: به خدا سوگند روزه شعبان و ماه رمضان توبه پذیرفته از سوی خداست.(1)

.29 ثواب الاعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: پدرم یک روز بین شعبان و رمضان فاصله می انداخت و روزه نمی گرفت و امام سجاد علیه السلام آن دو را به هم متصل می کرد و می فرمود: روزه دو ماه متوالی توبه پذیرفته از سوی خداست.(2)

.30 ثواب الاعمال: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله شعبان و رمضان را روزه می گرفت و آن دو را به هم وصل می کرد و مردم را از متصل کردن این دو ماه منع می کرد و می فرمود: این دو ماه، ماه خدا و کفاره گناهان گذشته و آینده هستند.(3)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از حسین بن سعید مانند همین حدیث را آورده است.

.31 ثواب الاعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر روزه ای بر گردن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بود، به سبب این که دوست نداشتند پیامبر را از خواسته اش محروم گردانند آن را به شعبان موکول می کردند و وقتی شعبان می شد به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله روزه می گرفتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله می گفت: شعبان ماه من است.(4)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: محمد بن ابی عمیر مانند همین حدیث را روایت کرده است.



---

1- . ثواب الاعمال : 54
2- . ثواب الاعمال : 54
3- . ثواب الاعمال : 55
4- . ثواب الاعمال : 55

32. ثواب الاعمال: سماعه روایت می کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا کسی از پدران شما شعبان را روزه گرفته است؟ فرمود: بهترین پدرانم رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را روزه می گرفت.(1)

33. ثواب الاعمال: از یونس بن یعقوب روایت شده: درباره روزه شعبان از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا کسی از نیاکانت این ماه را روزه می گرفت؟ فرمود: بهترین نیایم رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشترین روزه اش در شعبان بود.(2)

مجالس الشیخ: از یونس بن یعقوب مثل همین روایت نقل شده است.(3)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از حسین بن سعید مانند این روایت نقل شده است.

34. ثواب الاعمال: از رسول خدا در مورد روزه رجب سؤال شد، حضرت در پاسخ فرمود: چرا از روزه شعبان غافلید؟(4)

35. ثواب الاعمال: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد کدام روزه برتر است؟ فرمود: ماه شعبان به نیت بزرگداشت ماه رمضان.(5)

در کتاب فضیلت الاشهر الثلاثه، مثل این روایت نقل شده است.

36. ثواب الاعمال: از ام سلمه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ ماهی را در سال کامل روزه نمی گرفت، مگر ماه شعبان که آن را به رمضان متصل می کرد.(6)

37. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از سماعه روایت شده است که از امام صادق علیه السلام درباره روزه شعبان پرسیدم، فرمود: خوب است. عرض کردم:



---

1- . ثواب الاعمال : 55
2- . ثواب الاعمال : 55
3- . در التهذیب : ج 1 ص 439 نیز آن را می بینی.
4- . ثواب الاعمال : 55

5- . ثواب الاعمال : 56
6- . ثواب الاعمال : 56

روزه رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه بود؟ فرمود: بعضی از روزها را روزه می گرفت و بعضی اوقات نمی گرفت.

38. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: رجب ماه استغفار است برای امت من، در این ماه زیاد استغفار کنید که او آمرزنده و مهربان است و شعبان ماه من است. در رجب ذکر «أستَغفِرُ الله» را بسیار بخوانید و از خدا بخواهید از گناهتان درگذرد و توبه از گناهان گذشته و تقوا و خودداری در باقی عمرتان را به شما کرامت کند. در شعبان، بسیار بر پیامبرتان و خاندان او درود بفرستید و رمضان ماه خداوند تبارک و تعالی است، در این ماه ذکر لا إله إلا الله و الله اکبر را زیاد بگویید و بسیار حمد و سپاس و ستایش و تسبیح کنید که این ماه بهار فقراست و بی تردید خداوند قربانی کردن را قرار داده(1) تا بیچارگان از گوشت سیر شوند. پس از مازاد نعمتی که خداوند ارزانی داشته به عیالات و همسایگان خویش ببخشید و در جوار نعمت هایی که خداوند بر شما کرامت فرموده احسان کنید و ارتباط خویش را با برادرانتان محکم کنید و به برادران فقیر و تنگدست خود اطعام کنید؛ زیرا کسی که به روزه داری افطار دهد، برابر اجر مهمانش به او داده می شود، بی آن که از پاداش او کم شود.

ماه رمضان ماه آزادی نامیده شده است؛ زیرا در این ماه هر روز و هر شب خداوند ششصد بنده را [از دوزخ] نجات می دهد و در آخر این ماه به تعداد تمام بندگانی که در [روزهای] گذشته آزاد کرده، آزاد می کند.

ماه شعبان ماه شفاعت نامیده شده؛ زیرا پیامبر شما هر کسی را که در این ماه بر او صلوات بفرستد، شفاعت می کند و ماه رجب ماه «اصبّ» خدا نامیده شده است؛ زیرا در این ماه رحمت تماماً بر امت من فرو می ریزد و به آن «اصمّ» نیز گفته می شود؛ زیرا خداوند در این ماه [مسلمانان را] از پیکار با مشرکان بازداشته و این ماه از ماه های حرام است.



---

1- . در نسخه اصل و همچنین کمپانی آمده است: «عید قربان را در این ماه قرار داده است» که این اشتباه است و چنین اشتباهی در ج 96 ص381 از این چاپ نیز واقع شده است.

39. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از ابی الصباح روایت شده که شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: به خدا سوگند روزه شعبان و رمضان توبه پذیرفته از خداست.

40. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شعبان بسیار روزه می گرفت و می فرمود: اهل کتاب گوشت را کنار گذاشته اند و آن را حرام می دانند، پس با آنان مخالفت کنید.

41. کتاب حسین بن سعید و النوادر: از زرعه بن محمد به نقل از سماعه روایت شده است که درباره روزه شعبان از امام صادق علیه السلام پرسیدم که آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را روزه می گرفت؟ فرمود: آری ولی نه به طور پیوسته. گفتم: چقدر از آن را افطار می کرد؟ فرمود: افطار می کرد و سه بار سؤالم را تکرار کردم و حضرت نیز پاسخش را تکرار کرد و بیشتر از این که او افطار می کرد چیزی به من نگفت. سال آینده نیز این سؤال را از او کردم و همان پاسخ را به من داد. گوید: درباره فاصله کردن بین آن یعنی بین روزه شعبان و رمضان پرسیدم، حضرت پاسخ داد: فاصله کن. عرض کردم: چه زمانی؟ فرمود: وقتی از نیمه بگذری و سپس یک روز از آن را افطار کنی، در این صورت فاصله کرده ای.

زرعه گوید: سپس سماعه به من گفت که امام کاظم علیه السلام فرمود: وقتی یک روز از آن را افطار کنی، در اول رمضان و آخر شعبان فاصله کرده ای. به همین ترتیب از امام صادق علیه السلام روایت شده که پدرم بین روزه شعبان و رمضان فاصله می کرد و امام سجاد علیه السلام آن ها را به هم وصل می کرد و می فرمود: به خدا سوگند روزه دو ماه متوالی توبه پذیرفته از خداست.

42. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: به خدا سوگند سی روز روزه شعبان و روزه روزهای بعدی آن به صورت دو ماه متوالی، توبه ای است پذیرفته شده از سوی خدا.

43. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از امام صادق علیه السلام از پدرش از پدرانش علیهم السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند:

شعبان ماه من است و رمضان ماه خدا و بهار فقراست. بی تردید خداوند قربانی کردن را قرار داده تا بیچارگان از گوشت سیر شوند، پس آن ها را اطعام کنید.

44. الإقبال و مجالس الشیخ: از صفوان جمّال روایت شده که امام صادق علیه السلام به من فرمود: اطرافیانت را به روزه شعبان تشویق کن. عرض کردم: فدایت شوم آیا دلیلی برای این کار داری؟ فرمود: آری، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله هلال ماه شعبان را می دید، به منادی امر می کرد تا در مدینه ندا دهد: ای اهل یثرب! من [فرستاده] رسول خدا به سوی شما هستم. بدانید که شعبان ماه من است. کسی که در ماه من به من یاری رساند، خدایش رحمت فرستد. سپس فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود: از زمانی که صدای منادی رسول خدا صلی الله علیه و آله را در ماه شعبان شنیدم، هیچ گاه روزه شعبان را از دست ندادم و إن شاء الله تا آخر عمرم نیز آن را از دست نخواهم داد. سپس می فرمود: روزه دو ماه متوالی توبه پذیرفته از خداست.(1)

45. مجالس الشیخ: از احمد بن محمد بن عیاش نقل شده است که نزد وکیل امام حسن عسکری علیه السلام، قاسم بن علاء همدانی رفته بود تا در مورد سخنی که علی بن جبیر بن مالک به من گفته بود پرسش کند؛ مبنی بر این که: مولای ما امام حسین علیه السلام روز پنجشنبه سوم شعبان به دنیا آمده است، پس این روز را روزه بدار.

46. دعائم الإسلام: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: شعبان ماه من است و رمضان ماه خداست. این به علت بزرگداشت این دو ماه است، و إلا تمام ماه ها از آن خداست. و به این علت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله شعبان را روزه می گرفت. (2)

امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله شعبان را روزه می گرفت و آن را به روزه رمضان می پیوست و می فرمود: این دو ماه، ماه های خدا هستند و کفاره اعمال گذشته و آینده.



---

1- . این حدیث را در«مصباح المتجهد» او ص 573 نیز می بینید.

2- . دعائم الإسلام 1 : 283

از امام جعفر صادق علیه السلام نیز روایت شده که فرمود: به خدا سوگند روزه شعبان و رمضان توبه پذیرفته از جانب خداست، سپس این آیه را تلاوت می فرمود: «فَصِيامُ شَهْرَيْنِ مُتَتابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ»،(1) {باید دو ماه پیاپی - به عنوان توبه ای از جانب خدا - روزه بدارد.}

روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در بین ماه ها شعبان را بیش از همه روزه می گرفت و بسیاری از روزها و ماه ها را به صورت اختیاری روزه می گرفت. گاه آن قدر روزه می گرفت که گفته می شد او افطار نمی کند و گاه مدتی روزه نمی گرفت تا جایی که گفته می شد او روزه نمی گیرد و گاهی چه بسا یک روز روزه می گرفت و یک روز افطار می کرد و می فرمود: این سخت ترین روزه است و روزه داود علیه السلام است. او ایام البیض را اغلب روزه می گرفت که روزهای سیزده، چهارده و پانزدهم ماه است و گاهی رجب و شعبان و رمضان را روزه می گرفت و به هم وصل می کرد.(2)

47. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که اولین روز شعبان را روزه بدارد، رحمت پروردگار بر او واجب می شود و کسی که دو روز از رجب را روزه بگیرد رحمت و آمرزش و کرامت خدای عزوجل در روز قیامت بر او واجب می شود و کسی که ماه رمضان را روزه بگیرد رحمت بر او واجب می شود و کسی که با ایمان و برای رضای خدا سه روز پایانی شعبان را روزه بگیرد و آن را به ماه رمضان متصل کند، مانند روزی که از مادر متولد شده از گناهانش پاک شود.

سپس حضرت علیه السلام فرمود: پدرم به نقل از پدرش از جدش (علیهم السلام) برایم فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که ماه رمضان را درک کند و آمرزیده نشود، خدا دورش گرداند و کسی که شب قدر را درک کند و آمرزیده نشود، خدا دورش گرداند و کسی که در نماز جمعه با مسلمانان حاضر شود ولی آمرزیده نشود، خدا دورش گرداند و کسی که به پدر و مادرش یا یکی از آن دو



---

1- . نساء / 92
2- . دعائم الإسلام 1 : 284

دسترسی داشته باشد و آمرزیده نشود، خدا دورش گرداند. کسی که نام من در حضورش آورده شود و بر من صلوات فرستد ولی آمرزیده نشود، خدا دورش گرداند. عرض شد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه بر تو صلوات فرستد و آمرزیده نشود؟ فرمود: اگر بنده بر من صلوات فرستد و بر خاندانم نفرستد، آن صلوات پیچیده گردد و بر صورتش کوبیده شود و اگر بر من و خاندانم درود فرستد آمرزیده شود.

48. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از امام صادق علیه السلام به روایت از پدرانش علیهم السلام آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شعبان ماه من و رمضان ماه خداست، پس کسی که یک روز را از ماه من روزه بگیرد بهشت بر او واجب می شود و کسی که دو روز را روزه بگیرد در روز قیامت از یاران پیامبران و راستگویان شود و کسی که کل ماه را روزه بگیرد و آن را به ماه رمضان وصل کند، این روزه توبه ای است برای تمام گناهان کوچک و بزرگ او؛ هر چند که از خون حرام باشد.

49. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه شعبان بسیار روزه می گرفت و اگر روزه ای بر عهده همسران او بود از بیم آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله را از خواسته اش محروم کنند، آن را به شعبان موکول می کردند. حضرت صلی الله علیه و آله می فرمود: شعبان ماه من است و پس از ماه رمضان بهترین ماه هاست. پس کسی که در این ماه یک روز روزه بگیرد، در روز قیامت من شفیع او خواهم بود و کسی که ماه رمضان را از روی ایمان و برای خشنودی خدا روزه بگیرد، گناهان گذشته و آینده او آمرزیده می شود. روزه دار اگر تا زمان افطار کاری نکند که روزه اش باطل شود، گناهی برای او نوشته نشود و حج گذار تا زمانی که برگردد، اگر خطایی از او سر نزند که حج او را باطل کند، گناهی برای او ثبت نشود و کسی که در خواب است تا زمانی که بیدار شود، اگر بر حرام نخوابیده باشد، گناهی برای او نوشته نشود و کودک تا زمانی که به سن بلوغ نرسد، گناهی برای او ثبت نشود و جهادگر در راه خدا، تا زمانی که عملی از او سر نزند که جهاد او را باطل کند، تا زمان بازگشت

گناهی برای او ثبت نشود و دیوانه تا زمانی که هوشیار شود گناهی برایش نوشته نشود و مریض تا زمانی که بهبود یابد گناهی برایش نوشته نشود. سپس فرمود: معامله با روزه این ماه ارزان است، پس پیش از آن که گران شود آن را بخرید.

50. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از عبدالله بن مرحوم ازدی روایت شده که شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: کسی که اولین روز شعبان را روزه بگیرد، قطعاً بهشت بر او واجب شود و کسی که دو روز را روزه بگیرد خداوند هر روز در سرای دنیا به او نظر لطف می افکند [تا این که به بهشت رود] و در بهشت نیز همواره به او نظر می افکند و کسی که سه روز روزه بدارد هر روز از بهشت خود، خداوند را در عرش او ملاقات کند.

ابو جعفر محمد بن علی نویسنده این کتاب که خداوند از او راضی باشد و او را راضی کند گفته است: معنای ملاقات خدای عزوجل، ملاقات با حجت های خداوند علیه السلام است که هر کسی آن ها را زیارت کند خدا را زیارت کرده است و کسی که جایگاهش در بهشت به گونه ای باشد که بتواند تا درجه پیامبر و امامان علیهم السلام بالا رود و آن ها را در آنجا ملاقات کند، جایگاهش عظیم است. و زیارت آن ها به مثابه زیارت خداست، همان طور که اطاعت از آن ها به منزله اطاعت از خداست و معصیت آنان معصیت خدا و پیروی از آنان پیروی از خداست و این زیارت مانند آنچه اهل تشبیه میگویند نیست، خداوند از آنچه می گویند بسی والاتر است.

51. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از سماعه بن مهران روایت شده است: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا کسی از پدرانت شعبان را روزه می گرفت؟ فرمود: بهترین نیای من رسول خدا صلی الله علیه و آله در این ماه روزه می گرفت.

52. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که سه روز از شعبان را روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می شود و رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز قیامت شفیع او خواهد بود.

53. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: امام صادق علیه السلام می فرماید: شنیدم که پدرم می فرمود: وقتی شعبان فرا می رسید پدرم امام زین العابدین علیه السلام

یاران خویش را گرد می آورد و می فرمود: ای جماعت یاران من! آیا می دانید این چه ماهی است؟ این ماه، شعبان است و رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آن می فرمود: « شعبان ماه من است، هان آگاه باشید و از روی محبت به پیامبرتان و تقرب به پروردگارتان این ماه را روزه بدارید.» قسم به کسی که جان علی بن حسین در دست اوست از پدرم حضرت حسین بن علی علیه السلام شنیدم که می گفت: از امیر المؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که با عشق به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و برای نزدیکی به خدای عزوجل در شعبان روزه بگیرد، خداوند او را دوست دارد و در روز قیامت کرامت خویش را نصیب او گرداند و بهشت را بر او واجب کند.

54. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از ضحاک به نقل از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شعبان ماه من است و رمضان ماه خدای عزوجلّ. پس کسی که ماه مرا روزه بگیرد من در روز قیامت شفیع او خواهم بود و کسی که ماه خدای عزوجل را روزه بگیرد خداوند هراس او را در قبر به آرامش تبدیل میکند و او را از تنهایی میرهاند و با چهره ای درخشان از قبر خویش بیرون می آید و نامه عملش را به دست راست گیرد و جاودانگی را به دست چپ، تا این که در برابر پیشگاه پروردگار عزوجلّ می ایستد و پروردگار می فرماید: ای بنده من! او می گوید: لبیک ای مولای من! خدای عزوجل می فرماید: آیا برای من روزه داشتی؟ می گوید: آری! ای آقای من! پس خدای تبارک و تعالی می فرماید: دست بنده مرا بگیرید و نزد پیامبرم ببرید، پس او را می برند. پس من می گویم: آیا ماه مرا روزه گرفتی؟ می گوید: آری، به او می گویم: من امروز تو را شفاعت می کنم. فرمود: پس خداوند متعال می فرماید: اما حقوقی که من بر گردن او دارم، کنار گذاشتم. اما حقوق بندگانم، هر کسی که او را ببخشد من عوض آن را به او می دهم تا راضی شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پس من دست او را می گیرم تا این که او را به صراط می برم و آن را خزنده و لغزنده می یابم که پاهای خطاکاران بر آن ثابت نمی ماند، پس دست او را می گیرم. صاحب صراط به من می گوید: این کیست ای رسول خدا؟ می گویم: این فلانی است - با اسمِ... - از

امت من. در دنیا ماه من را به امید شفاعت من و ماه پروردگارش را به امید وعده او روزه گرفته است. پس به لطف خدای عزوجل از صراط عبور می کند تا این که به در بهشت می رسد. پس در را برای او می گشایم، پس رضوان [خازن بهشت] درآن روز می گوید: به ما دستور داده شده تا امروز در را به روی امت تو بگشاییم.

گوید: سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ماه رسول خدا صلی الله علیه و آله را روزه بگیرید تا شفیع شما باشد و ماه خدا را روزه بدارید تا از باده ای مُهر و موم شده بنوشید و کسی که روزه شعبان را به ماه رمضان متصل کند، روزه دو ماه متوالی برای او نوشته شود.

55. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از عایشه روایت شده است: ندیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در [هیچ ماهی بیشتر از](1) شعبان روزه بگیرد.

56. از کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: ندیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در هیچ ماهی بیشتر از شعبان روزه بگیرد.



---

1- . ما بین کروشه در نسخه کمپانی ذکر نشده و آن را از نسخه اصل افزودیم.

مؤلف: إن شاء الله باقی این باب در باب اعمال شب نیمه شعبان از باب های اعمال سال خواهد آمد.

1. کتاب فضائل الاشهر الثلاثه و کتاب قرب الإسناد: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: برایش عجیب بود که کسی چهار شب از سال را فرو بگذارد [در این شبها عبادت نکند] : اولین شب رجب، شب عید قربان، شب فطر و شب نیمه شعبان.(1)

فقه الرضا علیه السلام: مثل همین روایت را آورده است.

2. امالی صدوق: از علی بن حسن بن فضال از پدرش روایت شده که از امام رضا علیه السلام در خصوص شب نیمه شعبان سؤال کردم، حضرت پاسخ داد: این شب، شبی است که خداوند در آن بندگان را از آتش نجات می دهد و گناهان کبیره را می آمرزد. عرض کردم: آیا این شب نمازی افزون بر سایر شب ها دارد؟ فرمود: عمل مقرر شده ای ندارد، ولی اگر می خواهی به دلخواه کاری انجام دهی نماز جعفر بن ابی طالب علیه السلام را بخوان و در آن بسیار ذکر خدای عزوجل را بگو و استغفار کن و دعا کن، که پدرم علیه السلام می فرمود: دعا در این ماه مستجاب است. به او گفتم: مردم می گویند: این شب، لیله الصکاک (شب براتها) است؟ فرمود: آن شب قدر در ماه رمضان است.(2)

3. کتاب فَضائل الاشهر الثَّلاثه: مثل همین حدیث را ذکر کرده است.



---

-1 . قرب الإسناد : 27
-2 . امالی صدوق : 17

عیون اخبار الرضا علیه السلام: نقاش و طالقانی از احمد همدانی مانند همین حدیث را روایت کرده اند (1).

4. امالی شیخ طوسی: از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در شب نیمه ماه شعبان امام حسین علیه السلام را زیارت کند، گناهان او بخشیده می شود و در آن سال تا سال جدید هیچ عمل زشتی برای او نوشته نشود و اگر در سال آینده نیز حضرت را زیارت کند، باز گناهان او بخشیده می شود.(2)

5. امالی شیخ طوسی: ابو یحیی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: از امام باقر علیه السلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد، حضرت فرمود: این شب پس از شب قدر بهترین شب است. خداوند بزرگ در این شب فضل خویش را بر بندگان می بخشد و به لطف خود آنان را می آمرزد، پس بکوشید تا به خداوند نزدیکی جویید؛ چرا که این شب، شبی است که خداوند به جان خویش سوگند یاد کرده که هیچ درخواست کننده ای را از درگاه خود رد نکند، تا زمانی که گناهی را از او نخواهد. در مقابل شب قدر که خداوند آن را برای پیامبرمان صلی الله علیه و آله قرار داده، این شب را نیز برای ما اهل بیت قرار داده است، پس در دعا و حمد و ستایش خداوند بلندمرتبه و عزوجلّ بکوشید؛ زیرا کسی که در آن شب صد مرتبه سبحان الله، صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر برای خداوند تعالی بگوید، خداوند تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و از روی لطف و مرحمت بر بندگانش خواسته های دنیوی و اخروی او را برآورده سازد؛ چه خواسته هایی که از او بخواهد و چه آن هایی که خود بداند و اگر چه از او نخواسته باشد.

ابو یحیی گوید: به سرورمان امام صادق علیه السلام عرض کردم: کدام یک از دعاها را در این شب بخوانم؟ فرمود: وقتی نماز عشا را خواندی دو رکعت نماز بگزار. در رکعت اول حمد و سوره جحد یعنی سوره «قُل یا أیُّها الکافرون» را بخوان و در رکعت دوم حمد و سوره توحید یعنی«قُل هُوَ اللهُ أحد» را بخوان و وقتی سلام



---

-1 . عیون الاخبار 1 : 292
-2 . امالی طوسی 1 : 46

دادی، سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگو و سپس دعای: یا من إلیه مَلجأُ العباد فی المهمات [ای کسی که بندگان در مهمات به او پناه آرند.] را که در اعمال سال ذکر کردیم(1) تا آخر بخوان و بعد از اتمام به سجده برو و بیست بار بگو یا ربِّ، هفت بار یا محمّد، ده بار لا حولَ و لا قوهَ إلاّ بالله، ده بار ماشاءالله، ده بار لا قوهَ إلاّ بالله. سپس بر پیامبر و خاندان او درود فرست و حاجت خویش از خدا بخواه. به خدا سوگند که اگر به فضل و کرم خداوند به تعداد قطره های باران از او حاجت بخواهی، او با کرم و لطف خویش آن ها را به تو خواهد داد.(2)

6. ثواب الاعمال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که شب عید و شب نیمه شعبان را زنده بدارد، آن روز که دل ها همه می میرند، دل او نمی میرد.(3)

7. کامل الزیارات: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که شب نیمه شعبان را در زمین کربلا بماند و هزار مرتبه «قُل هُوَ اللهُ أحد» و هزار مرتبه «أستغفِرُ الله» هزار مرتبه «الحمدُ لله» بخواند، سپس برخیزد و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت هزار آیه الکرسی بخواند، خداوند دو فرشته را مأمور محافظت از او در برابر هر گونه بدی از شر شیطان و سلطان قرار می دهد که نیکی های او را می نویسند و کار زشتی را برای او ثبت نمی کنند و تا زمانی که با او هستند [تا هر زمان که خدا بخواهد] برای او طلب آمرزش می کنند.(4)

8. السرائر: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: شب نیمه شعبان خداوند به تعداد موهای گوسفندان بنی کلب بندگان خویش را می بخشد.(5)



---

1- . از کلام شیخ طوسی صاحب امالی.
2- . امالی طوسی 1 : 302-303
3- . ثواب الاعمال : 70
4- . کامل الزیارات : 184
5- . السرائر : 472

9. تفسیر الإمام علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام در میان خاندان محمد به مثابه بهترین روزها و شب های شعبان است؛ یعنی شب و روز پانزدهم.(1)

نیز حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند در بین تمام مخلوقات خود برگزیدگانی دارد، اما برگزیده او در میان شب ها، شب های جمعه و شب نیمه شعبان و لیله القدر و شب دو عید است.(2)

10. مجالس الشیخ: (3) از محمد بن مارد تمیمی روایت شده که امام محمد باقر علیه السلام به ما فرمود: کسی که قبر حسین علیه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند، گناهان او بخشیده می شود و در آن سال گناهی برای او نوشته نشود تا این که سال جدید تحویل شود و اگر در سال دوم نیز زیارت کند باز گناهان او بخشیده می شود.(4)

11. از مجالس الشیخ: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: کسی که سه سال متوالی قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند، قطعاً گناهان او بخشیده می شود.(5)

12. از مجالس الشیخ: امام علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمود: خوش میدارم اگر کسی چهار شب را در سال برای عبادت از امور دنیا فارغ شود: شب فطر، شب عید قربان، شب نیمه شعبان و شب اول رجب.(6)

13. از مجالس الشیخ: از یکی از دو امام باقر و صادق (علیهما السلام) یا به روایت سی نفر از افراد مورد وثوق، از هر دو روایت شده است: وقتی شب نیمه شعبان شد، چهار رکعت نماز بگذار و در هر رکعت، صد مرتبه «قُل هُو اللهُ أحد» بخوان و پس از پایان نماز بگو: «اللّٰهُمَّ إِنِّی إِلَیْکَ فَقِیرٌ وَ مِنْ عَذَابِکَ خَائِفٌ مُسْتَجِیرٌ



---

-1 . تفسیر الإمام : 302
-2 . تفسیر الإمام : 301
-3 . این بخش از مجالس الشیخ چاپ نشده است.

4- . این حدیث در مصباح المتهجد : ص 757-756 و کامل الزیارات : ص 180 نیز آمده است.

5- . این حدیث در مصباح المتهجد : ص 757-756 و کامل الزیارات : ص 180 نیز آمده است.

6- . مصباح المتهجد : 593

اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلِ اسْمِی وَ لَا تُغَیِّرْ جِسْمِی وَ لَا تُجْهِدْ بَلَائِی وَ لَا تُشْمِتْ بِی أَعْدَائِی أَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ عِقَابِکَ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِکَ مِنْ عَذَابِکَ وَ أَعُوذُ بِرِضَاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْکَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ أَنْتَ کَمَا أَثْنَیْتَ عَلَی نَفْسِکَ وَ فَوْقَ مَا یَقُولُ الْقَائِلُونَ»(1)

{خداوندا من به تو محتاج و از عذاب تو هراسانم و به تو پناه می برم، نامم را تغییر مده و جسمم را دگرگون مساز و بلایم را جان فرسا نکن و مرا از شماتت دشمنانم در امان دار. از مجازات تو به بخششت و از عذاب تو به رحمتت و از خشم تو به خشنودیت و از تو به خودت پناه می برم. ستایش عظیم تو راست، آنگونه که خویش را ستایش کردی و تو بالاتر از آن هستی که وصف کنندگان وصف می کنند. }

14. از مجالس الشیخ: از امام علی علیه السلام روایت شده است: اگر توانستی شب های عید فطر، عید قربان، اولین شب محرم، شب عاشورا و اولین شب رجب و نیمه شعبان را بیدار بمانی، این کار را بکن و در این شب ها بسیار دعا کن و نماز بخوان و قرآن تلاوت کن.(2)

15. از مجالس الشیخ: از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام سه شب نمی خوابید: شب بیست و سوم ماه رمضان و شب فطر و شب نیمه شعبان و در این شب ها روزی ها و عمرها و وقایع سال تقسیم و ثبت می شود.(3)

16. از مجالس الشیخ: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: شب نیمه شعبان حمیرا گمان کرده بود که رسول خدا نزد یکی از همسران خویش رفته است، دچار چنان حسادتی شد که نتوانست صبر کند و برخاست و جامه ای بر تن کرد. به خدا سوگند این جامه نه خز بود و نه دیبا و نه کتان و نه پنبه، ولی تار آن از مو بود و پود آن از کرک شتر. برخاست و حجره های زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را یکی یکی به دنبال پیامبر جستجو کرد، در همین حال دید که پیامبر همچون



---

1- . مصباح المتهجد : 577
2- . مصباح المتهجد : 593
3- . مصباح المتهجد : 594

پیراهنی گشوده بر زمین سجده کرده است، پس به او نزدیک شد و شنید که حضرت می گفت:

وجودم و روانم بر تو سجده کرده و قلبم به تو ایمان آورده است و این دستان من است و آنچه با آنها بر نفس خود جنایت کردم. ای بزرگی که برای هر امر بزرگی به او امید بسته می شود، گناه بزرگ مرا ببخش؛ چرا که گناه بزرگ را تنها بزرگ می تواند ببخشد.

سپس سرش را بلند کرد و دوباره به سجده رفت و شنیدم که می فرمود:

پناه می برم به نورانیت ذاتت که آسمان ها و زمین به وسیله آن فروزان گشته و تاریکی ها به برکت آن زدوده شده و امر پیشینیان و پسینیان با آن اصلاح شده است، از عذاب ناگهانی ات و از دگرگونی سلامتیت و از زوال نعمتت. خداوندا قلبی پرهیزکار و پاک و بری از شرک به من عطا کن، نه ناسپاس و شقاوت مند. سپس گونه بر خاک سایید و فرمود: چهره بر خاک می سایم و این سزاوار من است که بر تو سجده کنم.

وقتی حضرت قصد بازگشت نمود، زن به سوی بسترش دوید. رسول خدا صلی الله علیه و آله به بسترش آمد و او را دید که بلند نفس می کشد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: این نفس بلند چیست؟ آیا نمی دانی امشب چه شبی است؟ امشب شب نیمه شعبان است که در آن عمر ها نوشته و روزی ها تقسیم می شود و خداوند عزوجل در این شب بیشتر از موهای گوسفندان بنی کلب بندگان خود را می آمرزد و فرشتگانی را به آسمان دنیا و به سوی زمین به مکه نازل می کند.

در نزد اهل بیت علیه السلام صحیح این است که ثبت مرگ ها و تقسیم روزی ها در لیله القدر، شب بیست و سوم ماه رمضان صورت می گیرد.

17. از مجالس الشیخ: از حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام روایت شده است: عایشه در آخر حدیثی طولانی در مورد شب نیمه شعبان گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در این شب دوست عزیزم جبرئیل علیه السلام بر من فرود آمد و به من گفت: ای محمد، وقتی شب نیمه شعبان فرا رسید به امتت

دستور ده تا هر یک از آنان ده رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت یک فاتحه الکتاب و ده «قل هو اللهُ أحد» بخواند سپس به سجده رود و بگوید:

خدایا جسمم و قلبم و صورتم بر تو سجده کرده است. ای بزرگتر از هر بزرگ، گناه بزرگ مرا ببخش؛ چرا که جز تو کسی آن را نیامرزد ای بزرگ! که اگر چنین کند خداوند عزوجلّ هفتاد و دو هزار عمل زشت او را محو کند و به همین میزان برای او حسنات بنویسد و هفتاد هزار گناه پدر و مادر او را بیامرزد.

ص: 108

باب پنجاه و هشتم : صدقه و استغفار و دعا در شعبان علاوه بر آنچه گذشت ان شاءالله در باب اعمال ماه شعبان از باب های عمل سال خواهد آمد.

1. عیون الاخبار(1) و امالی صدوق: از امام رضا علیه السلام روایت شده است: کسی که در شعبان هفتاد مرتبه از خداوند تبارک و تعالی طلب آمرزش کند، خداوند گناهان او را ببخشاید، هر چند که به تعداد ستارگان آسمان باشد.(2)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: عین همین حدیث را آورده است.

2. عیون الاخبار(3) و امالی صدوق: از ریان بن صلت روایت شده که شنیدم امام رضا علیه السلام می فرمود: کسی که در هر روز از شعبان هفتاد مرتبه «أستغفِرُ اللهَ و اسئله التوبه» بگوید، خداوند نجات از آتش و عبور از صراط را برای او بنویسد و او را به دار القرار وارد کند.(4)

3. امالی صدوق: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: کسی که در شعبان صدقه ای بدهد خداوند بزرگ و باعزت آن را پرورش میدهد، آنچنان که یکی از شما کودک خود را تربیت می کند، تا این که در روز قیامت این صدقه را که به اندازه کوه احد شده، تمام و کمال دریافت کند.(5)



---

1- . عیون الاخبار 1 : 292
2- . أمالی صدوق : 11
3- . عیون الاخبار 2 : 57
4- . أمالی صدوق : 373
5- . أمالی صدوق : 373

4. ثواب الاعمال،(1) معانی الاخبار(2) و الخصال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کسی که در هر روز از شعبان هفتاد مرتبه بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَیْه (آمرزش می خواهم از خداوندی که خدایی جز او نیست، او بخشنده و مهربان است و زنده و پاینده و من به درگاه او توبه می کنم)، در افق مبین ثبت شود. راوی گوید: عرض کردم: افق مبین کجاست؟ فرمود: زمینی است در برابر عرش که در آن رودخانه هایی جاری است و در آن رودها جام هایی به تعداد ستارگان پخش شده است. (3)

مؤلف: برخی روایات در باب فضیلت [این ماه] گذشته است.(4)

کتاب فضائل الاشهر الثلاثه: از موسی بن جعفر بغدادی همین روایت را نقل کرده است.

5. از فضائل الاشهر الثلاثه: از ابراهیم بن میمون روایت شده است: حضرت علیه السلام درباره این ماه به ما فرمود: روزه شعبان کفاره گناهان کبیره است، حتی اگر مردی آلوده به خون حرام شده باشد و چند روز از این ماه را روزه بگیرد و توبه کند یقیناً به آمرزش او امیدوار خواهم بود. گوید: عرض کردم: بهترین دعا در این ماه کدام است؟ فرمود: استغفار، کسی که در ماه شعبان هر روز هفتاد مرتبه استغفار کند به مانند کسی است که در سایر ماه ها هفتاد هزار بار استغفار کرده است. عرض کردم: چگونه بگویم؟ فرمود: بگو: أستغفرُ اللهَ و أسئلُهُ التوبهَ. (از خدا طلب آمرزش می کنم و به درگاهش توبه می کنم).



---

1- . ثواب الاعمال : 150
2- . معانی الاخبار : 228-229
3- . الخصال 2 : 139
4- . یعنی باب فضیلت ماه شعبان و روزه آن و باب فضیلت نیمه شعبان.

مؤلف: روایت زهری ذکر شد و در باب های اعمال سال نیز موارد مرتبط با آن عنوان خواهد شد.

1. علل الشرایع،(1) عیون اخبار الرضا علیه السلام: در دلایل فضیلت آن از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر گفته شود: روزه مستحبی برای چه گذاشته شده است؟ در پاسخ گفته شود: برای کامل کردن روزه واجب.

پس اگر گفته شود: پس چرا در هر ماه سه روز و در هر ده روز یک روز روزه مستحب شده است؟ گفته شود: زیرا خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «من جاءَ بالحسنهِ فله عشرُ أمثالِها»،(2) {هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت. } اگر کسی از هر ده روز یک روز روزه بدارد، گویی که تمام روزگار را روزه گرفته است، چنان که سلمان فارسی رحمه الله علیه گفته است: روزه سه روز در ماه معادل روزه کل روزگار است، پس اگر کسی چیزی غیر از روزگار بیابد آن را روزه بدارد. اگر گفت: چرا روزه اولین پنجشنبه دهه اول و آخرین پنجشنبه در ماه(3) و چهارشنبه دهه وسط در هر ماه مستحب است؟ گفته شود: اما پنجشنبه: امام صادق علیه السلام فرمود: در هر پنجشنبه اعمال بندگان بر خداوند عرضه می شود و حق تعالی دوست دارد که اعمال بنده در حالی به او عرضه شود که روزه است. پس



---

1- . علل الشرایع 1 : 258

2- . انعام / 160

3- . در دو نسخه آمده است: و آخرین پنجشنبه در دهه آخر.

اگر گفته شد: پس آخرین پنجشنبه برای چه مستحب شده؟ گفته شود: زیرا اگر عمل هشت روز بنده در حال روزه به پیشگاه خداوند عرضه شود اشرف و افضل است از آن که عمل دو روز او عرضه شود و او روزه دار باشد. روز چهارشنبه دهه وسط نیز بدین دلیل مستحب شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجلّ آتش را در چنین روزی آفرید و در همین روز خداوند امت های گذشته را نابود کرد و این روز روز نحس همیشگی است؛ از این رو حق تعالی دوست دارد که بنده با گرفتن روزه نحوست این روز را از خود دور کند.(1)

2. معانی الاخبار،(2) امالی صدوق: از امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام روایت شده است: روزی رسول الله صلی الله علیه و آله به صحابه خویش فرمود: کدام یک از شما تمام عمر خویش را روزه دار هستید؟ سلمان رحمه الله علیه عرض کرد: من ای رسول خدا! پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کدام یک از شما شب ها شب زنده دار است؟ سلمان گفت: من ای رسول خدا! فرمود: کدام یک از شما هر روز قرآن ختم می کند؟ سلمان گفت: یا رسول الله من. یکی از اصحاب حضرت برآشفت و گفت: ای رسول خدا سلمان مردی ایرانی است و می خواهد بر ما جماعت قریش فخر بورزد. پرسیدید: کدام یک از شما تمام عمر را روزه می گیرد؟ گفت: من، در حالی که بیشتر روزها را می خورد. و فرمودید: کدام یک از شما شب ها شب زنده دار است؟ گفت: من، در حالی که بیشتر شب ها را در خواب است. گفتید: کدام یک از شما هر روز قرآن ختم می کند؟ گفت: من، با این که بیشتر روز خود را خاموش است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خاموش باش ای فلانی! تو کجا و شبیه لقمان حکیم کجا؟ از خود او بپرس تا به تو خبر دهد، مرد به سلمان گفت: ای ابا عبدالله آیا تو ادعا نکردی که تمام عمرت را روزه می گیری؟ گفت: آری. گفت: ولی من دیده ام که تو بیشتر روزهایت را می خوری! گفت: آنچنان که تو تصور می کنی نیست، من سه روز را در ماه روزه می گیرم و خداوند عزوجل گفته است: {هر کس



---

-1 . عیون الاخبار 2 : 118
-2 . معانی الاخبار : 234-235

کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت}(1) و من ماه شعبان را به ماه رمضان متصل می کنم و این برابر با روزه یک عمر است. پس گفت: آیا تو ادعا نکردی که تمام شب را بیدار می مانی؟ گفت: آری، گفت: تو که بیشتر شبت را در خواب هستی! گفت: آن طور که تو تصور می کنی نیست، ولی از محبوبم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می گفت: کسی که با وضو بخوابد گویی که تمام شب را بیدار مانده است، من نیز با وضو می خوابم. گفت: آیا تو ادعا نکردی که هر روز قرآن را ختم می کنی؟ گفت: آری، گفت: ولی تو که بیشتر روزهایت را خاموشی! گفت: آنچنان که تو می پنداری نیست، از محبوبم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به علی علیه السلام می فرمود: ای ابا الحسن! مثل تو در امت من مانند «قل هو اللهُ أحد» است، پس کسی که آن را یک بار بخواند یک سوم قرآن را خوانده است و کسی که آن را دو بار بخواند دو سوم قرآن را خوانده و کسی که سه بار آن را بخواند قرآن را ختم کرده است. کسی که تو را با زبان دوست داشته باشد، یک سوم ایمان او کامل شده است و کسی که با زبان و قلب خود تو را دوست بدارد، دو سوم ایمانش کامل شده و کسی که تو را با زبان و قلب دوست بدارد و با دست خویش یاریت دهد، ایمانش کامل است. ای علی! قسم به کسی که مرا بر حق فرستاده، اگر تمام اهل زمین تو را دوست داشتند، آنچنان که اهل آسمان تو را دوست دارند، هیچ کس به عذاب آتش جهنم دچار نمی شد. من نیز هر روز سه مرتبه «قل هو اللهُ أحد» می خوانم. آن مرد از جا برخاست، گویی که سنگ در دهانش نهاده باشند.(2)

3. امالی صدوق: حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره روزه در وطن پرسید، حضرت در پاسخ فرمود: سه روز در ماه: پنجشنبه از یک هفته، چهارشنبه از هفته ای دیگر و پنجشنبه از یک هفته دیگر، پس حلبی به حضرت عرض کرد: از هر ده روز یک روز؟ فرمود: آری، امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: روزه ماه رمضان و سه روز در هر ماه وسوسه های سینه را ببرد. سه روز روزه در هر ماه



---

1- . انعام / 160
2- . امالی صدوق : 22- 21

[برابر با] روزه دهر است. خداوند عزوجلّ می فرماید: «من جاءَ بالحسنهِ فله عشرُ أمثالِها»، {هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداشش] خواهد داشت.}(1)

4. قرب الإسناد: علی از برادرش [حضرت موسی بن جعفر] علیه السلام روایت کرده است: از او سؤال کردم که اگر یک نفر پیش از ماه رمضان چند روز روزه قضا بر گردنش باشد و در ماهی که روزه های مستحبی وارد شده، روزه های قضای خود را به جا آورد، درست است؟ فرمود: ایرادی ندارد.

از او پرسیدم اگر یک نفر روزه سه روز در هر ماه را به تأخیر اندازد تا این که ماه دیگر فرا رسد، پس نه پنجشنبه و نه جمعه و چهارشنبه ای را با هم درنیابد تا آن را به جای آورد؟ گفت: اشکالی ندارد.

از او درباره روزه سه روز از هر ماه پرسیدم که آیا انسان آن را پشت سر هم بگیرد یا با فاصله؟ فرمود: هر کدام را دوست داشته باشد.(2)

5. قرب الإسناد: از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وارد بهشت شدم و دیدم که بیشتر ساکنان آن ابلهان و نادان هستنند؛ مقصود او از ابله آن بود که از کار بد غافل و در کار نیک عاقل بودند و کسانی که در هر ماه سه روز، روزه می گرفتند.(3)

6. قرب الإسناد: امام صادق از پدرشان علیهما السلام روایت فرموده است که امام علی علیه السلام روزه رسول خدا صلی الله علیه و آله را توصیف می کرد و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچه خدا می خواست روزگار را به روزه می گذراند و سپس آن را کنار میگذاشت و آنچه خدا می خواست، روزه برادرش داود علیه السلام را یک روز برای خدا و یک روز برای او گرفت و سپس این شیوه را کنار گذاشت و تا هر زمان که خدا می خواست دوشنبه و پنجشنبه را روزه گرفت.



---

1- . امالی صدوق : 350، نظیر همین حدیث از «ثواب الاعمال» ذکر خواهد شد.

2- . قرب الإسناد : 136
3- . قرب الإسناد : 50

بعد این شیوه را رها کرد و سه روز ایام البیض را از هر ماه روزه گرفت و پیوسته بر این روزه بود تا روزی که خداوند آن حضرت را قبض روح نمود. (1)

7. الخصال: علی بن حمزه از پدرش نقل می کند که از امام صادق علیه السلام درباره سنّتی که راجع به روزه داری از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده پرسیدم، فرمود: سه روز در هر ماه: پنجشنبه دهه اول، چهارشنبه دهه وسط و پنجشنبه دهه آخر که روزه آن ها معادل روزه تمام روزگار است. خداوند عزوجل می فرماید: {هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.} (2) پس کسی که به علت ناتوانی نتواند روزه بگیرد، یک درهم صدقه برای او بهتر از یک روز روزه است. (3)

8. الخصال: بشار بن بشار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: برای چه در روز چهارشنبه روزه گرفته می شود؟ فرمود: زیرا آتش در روز چهارشنبه آفریده شد. (4)

9. الخصال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در اوایل بعثت بسیار روزه می گرفت تا جایی که گفته می شد: او افطار نمی کند و گاه پی در پی روزه نمی گرفت تا این که گفته می شد: او روزه نمی گیرد، سپس این روش را ترک کرد و یک روز روزه می گرفت و یک روز می خورد و این همان روش حضرت داود علیه السلام در روزه داری بود. سپس این شیوه را هم کنار گذاشت و تا زمانی که از دنیا رفت، دو پنجشنبه که یک چهارشنبه بین آنها بود را روزه می گرفت. (5)

10. ثواب الاعمال، (6) الخصال: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره روزه دو پنجشنبه و یک چهارشنبه بین



---

1- . قرب الإسناد : 59
2- . انعام / 160
3- . الخصال 1 : 77
4- . الخصال 2 : 27

5- . الخصال 2 : 29
6- . ثواب الاعمال : 73

آن ها سؤال شد و حضرت فرمود: اما پنجشنبه روزی است که در آن اعمال بر خداوند عرضه می شود و اما چهارشنبه روزی است که آتش در آن آفریده شد، اما روزه این روز سپری است در برابر آتش.(1)

11. الخصال: اعمش از امام صادق علیه السلام نقل می کند که: روزه سه روز در هر ماه سنت [رسول خدا صلی الله علیه و آله] است و آن گرفتن روزه در دو پنجشنبه و چهارشنبه میانی آن هاست؛ پنجشنبه اول در دهه اول، چهارشنبه در دهه میانی و پنجشنبه آخر از دهه آخر است.(2)

12. الخصال: امیرالمؤمنین علیه السلام در بین چهارصد [درسی که برای اصلاح کار دین و دنیای یک مسلمان به یاران خود آموخت] فرمود: روزه سه روز از هر ماه که یک چهارشنبه میان دو پنجشنبه باشد و روزه ماه شعبان، وسوسه سینه و پریشانی قلب را از بین می برد.

نیز حضرت علیه السلام فرمود: در هر ماه سه روز را روزه بگیرید که این روزه برابر با روزه دهر است و ما دو پنجشنبه و چهارشنبه بین آن دو را روزه می گیریم؛ زیرا خداوند عزوجل جهنم را در روز چهارشنبه آفرید.(3)

13. عیون اخبار الرضا علیه السلام: در نامه ای که امام رضا علیه السلام به مأمون نوشته بود: روزه سه روز در هر ماه از سال، در هر دهه یک روز، و چهارشنبه میان دو پنجشنبه.(4)

14. عیون اخبار الرضا علیه السلام: از ابراهیم بن عباس نقل شده است: امام رضا علیه السلام بسیار روزه می گرفت و هیچگاه روزه سه روز در ماه را فراموش نمی کرد و می فرمود: این روزه برابر با روزه تمام عمر است.(5)



---

1- . الخصال 2 : 29
2- . الخصال 2 : 152
3- . الخصال 2 : 162 و 156
4- . عیون الاخبار 2 : 124
5- . عیون الاخبار 2 : 184

15. علل الشرایع: زرّ بن حبیش گوید: از ابن مسعود درباره ایام البیض و علت آن سؤال کردم و این که در مورد چگونگی آن چه شنیده است؟ گفت: شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: وقتی آدم از دستور پروردگار عزوجل سرپیچی کرد، منادی او را از جانب عرش ندا داد: ای آدم! از مجاورت من بیرون رو؛ زیرا کسی که از فرمان من تمرد کند در جوار من نمی ماند، پس آدم گریست و ملائکه نیز گریستند. پس پروردگار عزوجلّ جبرئیل را به سوی او فرستاد و او را با رویی سیاه به زمین فرود آورد. وقتی ملائکه او را دیدند شیون و ناله و زاری کردند و گفتند: پروردگارا! مخلوقی را آفریدی و از روح خویش در او دمیدی و به فرشتگانت امر فرمودی تا بر او سجده کنند و اکنون با یک گناه، سفیدی او را به سیاهی مبدل کردی؟

پس منادی از آسمان به او ندا داد: امروز برای پروردگارت روزه بدار. آن روز برابر با سیزدهم ماه بود. او روزه گرفت و یک سوم سیاهی اش از بین رفت، سپس روز چهاردهم ندا آمد که امروز را برای پروردگارت روزه بدار، پس روزه گرفت و دو سوم سیاهی اش از بین رفت، روز پانزدهم نیز ندا آمد که روزه بدار و روزه گرفت و تمام سیاهی از بین رفت؛ از این رو به سبب این که خدای عزوجلّ سفیدی را به آدم بازگرداند، این روزها ایام البیض نامیده شد. سپس منادی از آسمان ندا داد که ای آدم! این سه روز، روزهایی است که آن را برای تو و فرزندانت قرار دادم و کسی که این سه روز را در هر ماه روزه بگیرد در حقیقت تمام روزگار را روزه گرفته است.

صدوق رحمه الله می گوید: این حدیث از اخبار صحیحه است، ولی خداوند تبارک و تعالی امر دین خود را به پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله تفویض نمود و فرمود: «ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»، (1) {و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید.} پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به جای ایام البیض، پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط ماه و



---

1- . حشر / 7

پنجشنبه آخر ماه را سنت کرد و این روزه سنت است و هر کس آن را بگیرد مثل کسی است که تمام عمر روزه گرفته باشد، به جهت فرمایش خدای عزوجلّ: {هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت. }(1) در واقع این حدیث را برای آن ذکر کردم که دلیل این روزه در آن گفته شده و برای این که علت آن فهمیده شود؛ زیرا بیشتر مردم گمان می کنند که ایام البیض بدان سبب به این نام نامیده شده که شب های آن از اول تا آخر شب، مهتابی است. و هیچ نیرویی نیست جز نیروی خداوند بلندمرتبه بزرگ.(2)

16. علل الشرایع: عنبسه عابد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: اعمال بندگان در آخرین پنجشنبه ماه بالا برده می شود.(3)

17. علل الشرایع: از امام صادق علیه السلام روایت شده که از رسول خدا درباره روزه دو پنجشنبه و چهارشنبه بین آن دو سؤال شد، حضرت پاسخ داد: اما پنجشنبه روزی است که در آن اعمال بندگان به پیشگاه پروردگار عرضه می شود و اما چهارشنبه روزی است که آتش جهنم در آن روز آفریده شد و اما روزه این روز سپری است [در برابر آتش].(4)

18. علل الشرایع: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: چهارشنبه روز نحس مستمر است؛ بدین جهت که این روز اولین و آخرین روز از روزهایی است که خدای عزوجلّ در مورد آن فرمود: «سَخَّرَها عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيالٍ وَ ثَمانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُوماً»، {[که خدا] آن را هفت شب و هشت روز پیاپی بر آنان بگماشت. }(5)

19. علل الشرایع: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: در روز چهارشنبه روزه می گیرند؛ زیرا خدای عزوجلّ در گذشته هیچ امتی را عذاب نکرد



---

1- . انعام / 160
2- . علل الشرایع 2 : 68-67
3- . علل الشرایع 2 : 69
4- . علل الشرایع 2 : 68
5- . علل الشرایع 2 : 69 و آیه 7 در سوره حاقه است.

مگر در روز چهارشنبه وسط ماه. پس مستحب است که در این روز روزه گرفته شود.(1)

المحاسن: از یوسف مثل همین حدیث نقل شده است.(2)

20. معانی الاخبار: امام جعفر صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وارد بهشت شدم و دیدم که بیشتر ساکنان آن ابله و نادانند. گوید: عرض کردم: ابله به چه معناست؟ فرمود: کسانی که در نیکی عاقل و از بدی غافل بودند و سه روز از هر ماه را روزه می گرفتند.(3)

21. معانی الاخبار: امام جعفر صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در بهشت اتاق هایی است که بیرونش از درون اتاق و درونش از بیرون دیده می شود. افرادی از امت من در آن ها ساکن هستند که نیکو سخن باشند و اطعام کنند و سلام کردن را ترویج کنند و پیوسته در روزه باشند و وقتی مردم در خوابند، آنان شب ها را به نماز ایستند.

امام علی علیه السلام فرمود: ای رسول خدا! چه کسی از امت شما توان این کار را خواهد داشت؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: آیا می دانی سخن نیکو چیست؟ کسی که هر صبح و شام ده مرتبه بگوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله اکبر» [کلامش نیکو باشد.] «اطعام طعام» نیز خرجی دادن مرد به خانواده خویش است. اما تداوم روزه به این معناست که انسان ماه رمضان و سه روز را در هر ماه روزه بدارد که ثواب روزه تمام عمر برای او نوشته می شود. اما در مورد نماز در شب، آن هم هنگامی که مردم در خواب هستند؛ اگر کسی نماز مغرب و عشا و صبح را در مسجد و به جماعت بخواند گویی که تمام شب را بیدار مانده است و ترویج سلام بدین معناست که در سلام دادن به هیچ یک از مسلمانان بخل نورزد.(4)

ص: 119

---

1- . علل الشرایع 2 : 69

2- . المحاسن : 320

3- . معانی الاخبار : 203 و در آن آمده است: نادانی به چه معناست؟

4- . معانی الاخبار : 251-250 و در امالی ص 198 نیز آن را می بینید.

22. معانی الاخبار: نُعَیم بن قَعنَب گوید: در پی ابوذر به ربذه رفتم، زنی به من گفت: برای انجام کار رفته است. گوید: در همین موقع ابوذر آمد در حالی که افسار دو شتر را می کشید و یکی از آن دو به دیگری بسته شده بود و از گردن هر کدام مشکی آویخته بود. گوید: برخاستم و سلام کردم و سپس نشستم. ابوذر وارد خانه خویش شد و چیزی به همسرش گفت و سپس گفت: آه! چیزی بیشتر از فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیستی که فرمود: «حقیقتاً زن همچون دنده ای می ماند که اگر آن را راست کنی می شکند و با این حال لازمه زندگی است و باید با او مدارا کرد.» سپس یک سینی آورد که پرنده ای شبیه مرغ سنگ خوار در آن بود و گفت: تو بخور که من روزه هستم، سپس برخاست و دو رکعت نماز به جای آورد سپس آمد و شروع به خوردن کرد، گوید: گفتم: سبحان الله! گمان می بردم از مردم دروغ بشنوم ولی در مورد تو هرگز چنین نمی پنداشتم. گفت: چه دروغی به تو گفته ام؟ گفتم: تو به من گفتی روزه هستی، بعد آمده ای و غذا می خوری؟ گفت: اکنون نیز می گویم، من سه روز را از این ماه روزه گرفتم، پس روزه آن بر من واجب و افطار آن بر من حلال است.(1)

23. ثواب الاعمال: محمد بن مروان گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر روزه می گرفت که می گفتند او افطار نمی کند و پس از آن یک روز در میان روزه می گرفت، سپس روزهای دوشنبه و پنجشنبه را در هر هفته روزه می گرفت. سپس از آن شیوه هم منصرف شد و در هر ماه سه روز روزه می گرفت، پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر ماه. حضرت می گفت: این روزه برابر با روزه تمام عمر است.

پدرم امام باقر علیه السلام می فرمود: هیچ کس برای من منفورتر از آن شخص نیست که به او گفته شود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین و چنان می کرد و او بگوید: خداوند مرا برای کوشش زیاد در نماز عذاب نمی کند، گویی



---

1- . معانی الاخبار : 305

خیال می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله کار خیری را از روی ناتوانی رها کرده است.(1)

24. ثواب الاعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: روزه ماه صبر [رمضان] و سه روز در هر ماه تشویش و اضطراب سینه را از بین می برد و روزه سه روز در هر ماه به مانند روزه داری در تمام عمر است. خداوند عزوجلّ در کتاب خویش می فرماید: «من جاءَ بالحسنهِ فلهُ عشرُ أمثالِها»(2) {هر کسی که کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت. }(3)

تفسیر عیاشی: از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نظیر این حدیث ذکر شده است.(4)

تفسیر عیاشی: از حلبی مثل این حدیث ذکر شده است.(5)

25. ثواب الاعمال: بزنطی گوید: از امام رضا علیه السلام درباره کیفیت روزه در هر ماه پرسیدم: فرمود: سه روز در ماه، در هر دهه یک روز، خداوند عزوجل در کتاب خویش می فرماید: {هر کسی که کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت. }(6) سه روز روزه در هر ماه به مثابه روزه در کل عمر است.(7)

26. ثواب الاعمال: حریز روایت کرده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: درباره روزه چهارشنبه چه چیزی وارد شده است؟ فرمود: امام علی علیه السلام فرمود: خدای عزوجلّ آتش را در روز چهارشنبه آفرید. او روزه آن روز را دوست دارد تا از آتش جهنم به خدا پناه آورده شود.(8)



---

1- . ثواب الاعمال : 72
2- . انعام / 160
3- . ثواب الاعمال : 73
4- . تفسیر عیاشی 1 : 386
5- . تفسیر عیاشی 1 : 387
6- . انعام / 160
7- . ثواب الاعمال : 73

8- . ثواب الاعمال : 73

27. ثواب الاعمال: حمّاد بن عثمان گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچنان روزه می گرفت که گفته می شد او افطار نمی کند و آن قدر روزه نمی گرفت که گفته می شد او روزه نمی گیرد. سپس مدتی یک روز در میان روزه حضرت داود علیه السلام را می گرفت و پس از آن تا پایان عمر مبارک سه روز را در ماه روزه می گرفت و می فرمود: سه روز روزه در هر ماه برابر با روزه داری در تمام عمر است و وسوسه سینه را از بین می برد.

راوی می گوید: عرض کردم: فدایت شوم! این روزها کدامند؟ فرمود: اولین پنجشنبه در ماه و اولین چهارشنبه دهه بعدی و آخرین پنجشنبه ماه. گوید: عرضه داشتم: چرا این روزها انتخاب شده؟ فرمود: زیرا اگر بر امت های پیش از ما عذابی نازل میشد، در این روزها بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله [تمام] این روزها را روزه می گرفت؛ چرا که این روزها روزهای هراسناکی است.(1)

28. ثواب الاعمال: یسار بن بشار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به چه علت روز چهارشنبه را روزه می گیرند؟ حضرت فرمود: به جهت این که آتش جهنم روز چهارشنبه آفریده شده است.(2)

المحاسن: نظیر همین حدیث از ابان روایت شده است.(3)

29. ثواب الاعمال: زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در روزه گرفتن سنت بر چه اساسی جاری است؟ فرمود: سه روز در هر ماه: پنجشنبه دهه اول، چهارشنبه دهه دوم و پنجشنبه دهه آخر. گوید: عرض کردم: آیا این تمام آن چیزی است که در روزه داری سنت بر آن جاری شده است؟ فرمود: آری.(4)

30. ثواب الاعمال: حسین بن ابو حمزه گوید: به امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا می توانم روزه سه روز در ماه را از تابستان به



---

1- . ثواب الاعمال : 73
2- . ثواب الاعمال : 74

3- . المحاسن : 319
4- . ثواب الاعمال : 74

زمستان موکول کنم؟ به این علت که آن را بر خود آسان تر می بینم. فرمود: آری، اما حسابش را به یاد داشته باش.(1)

31. ثواب الاعمال: یزید بن خلیفه گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در گرما روزه بر من دشوار می شود و دچار سردرد می شوم، حضرت فرمود: آنچه را من انجام می دهم انجام ده. من اگر به مسافرت بروم هر روز یک مد طعام از طعامی که به خانواده ام می دهم، صدقه می دهم.(2)

32. ثواب الاعمال: ابراهیم بن مثنی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: سه روز روزه در ماه بر من دشوار است، آیا اگر به ازای هر روز یک درهم صدقه بدهم کفایت می کند؟ فرمود: یک درهم صدقه بهتر است از روزه یک روز.(3)

33. المحاسن: از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو را به خصلت هایی سفارش می کنم... تا این که فرمود: و ششم اجرا کردن سنت من در نماز و روزه، اما [سنت من در] روزه، سه روز روزه در ماه است: پنجشنبه اول ماه، چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه.(4)

مؤلف: شرح کامل این حدیث در باب جوامع المکارم آمده است.(5)

34. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرموده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله تا لحظه وفات روزه سه روز در ماه را می گرفت و فرمود: این روزه برابر با روزه تمام عمر است و وسوسه دل را از بین می برد. عرض کردم: چرا این سه روز برای روزه تعیین شده است؟ فرمود: بر امت های پیش از ما در این روزها عذاب



---

1- . ثواب الاعمال : 74
2- . ثواب الاعمال : 74
3- . ثواب الاعمال : 74
4- . المحاسن : 17
5- . ر.ک: ج69 ص 391-392

فرود آمده است؛ از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله این روزهای هراسناک را روزه می گرفتند.(1)

35. فقه الرضا علیه السلام: آنچه علاوه بر روزه واجب، از روزه سنت لازم است تا نقص در فریضه به واسطه آن کامل شود، سه روز روزه در هر ماه است: چهارشنبه بین دو پنجشنبه و روزه شعبان.

36. تفسیر عیاشی: احمد بن محمد گوید: از او در مورد کیفیت روزه سنت پرسیدم، فرمود: سه روز روزه در ماه [:پنجشنبه دهه اول، چهارشنبه دهه وسط و پنجشنبه دهه آخر] برابر با روزه یک عمر است.(2)

37. تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: {هر کسی که کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.}(3) از جمله این کارهای نیک، روزه سه روز از هر ماه است.(4)

38. تفسیر عیاشی: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که خطاب به یسار فرمود: ای یسار، می دانی روزه سه روز چیست؟ گوید: عرض کردم: نمی دانم فدایت گردم. فرمود: روزه اولین پنجشنبه از اول ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر آن ماه، مصداق قول خداوند است: {هر کسی که کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.} یعنی مانند آن است که تمام عمر را روزه دار بوده و افطار نکرده باشد. سپس فرمود: چقدر به فرد روزه داری غبطه می خورم که پیوسته در طاعت خداست و شب هنگام به غذا و نوشیدنی مشتاق می شود. روزه به تن کمک می کند و مراقب و نگهدار آن است.(5)



---

1- . المحاسن : 301

2- . تفسیر عیاشی 1 : 386، مابین کروشه از منبع اضافه شده است.

3- . انعام / 160

4- . تفسیر عیاشی 1 : 386، مابین کروشه از منبع اضافه شده است.

5- . تفسیر عیاشی 1 : 387

39. مکارم الأخلاق: از امام صادق علیه السلام سؤال شد که اگر کسی سه روز از هر ماه را روزه نگیرد، به این علت که روزه گرفتن برای او دشوار است، آیا به جای آن باید فدیه ای بپردازد؟ فرمود: یک مد طعام در هر روز.

نیز از حضرت صادق علیه السلام آمده است: هر کس سه روز را از ماه روزه بدارد نباید مجادله کند و جهالت پیشه کند و در قسم به خداوند شتاب نکند و اگر کسی با او نادانی کند باید تحمل کند.(1)

الدروع الواقیه: نظیر همین دو حدیث از حضرت علیه السلام آمده است.(2)

40. الدروع الواقیه: از امام صادق علیه السلام روایت شده که نبی اکرم صلی الله علیه و آله در اوایل بعثت خود آن قدر روزه می گرفت که گفته می شد: او افطار نمی کند و مدتی هم روزه نمی گرفت تا این که می گفتند: او روزه نمی گیرد. سپس این شیوه را ترک کرد و یک روز در میان روزه گرفت که این روزه حضرت داود علیه السلام است.

از کتاب صیام از امام صادق علیه السلام روایت شده است که شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره روزه سؤال کرد. [حضرت به او فرمود:] ایام البیض را روزه بدارد. عرض کرد: من توان [بیشتر را] دارم. حضرت فرمود: چطور است روزه حضرت داود علیه السلام را بگیری؟ او یک روز روزه می گرفت و یک روز نمی گرفت.

در کتاب صیام آمده که یک نفر از ابن عباس درباره روزه سؤال کرد، وی گفت: اگر بخواهی، روزه حضرت داود علیه السلام را بگیر که او از پارساترین و شنواترین انسان ها بود. از دیدار با مردم گریزان نبود و با هفتاد صوت زبور را می خواند و وقتی بر خویش می گریست، هیچ جنبنده ای در خشکی و دریا باقی نمی ماند که صدای گریه او را نشنود. او هر روز در آخر روز سجده ای داشت و یک روز در میان روزه می گرفت.



---

1- . مکارم الأخلاق : 159

2- . الدروع الواقیه : نسخه خطی

اگر هم بخواهی، روزه پسرش سلیمان علیه السلام را بگیر که سه روز از اول، سه روز از وسط و سه روز از آخر ماه را روزه می داشت.

اگر خواستی می توانی روزه حضرت عیسی علیه السلام را بگیری که تمام عمر را روزه دار بود و جامه ای پشمین می پوشید و نان جو می خورد. خانه و فرزندی که بمیرد نداشت. تیراندازی ماهر بود و تیرش برای شکار به خطا نمی رفت و از زمانی که خورشید غروب می کرد پاهایش را به صف می کرد و همچنان نماز می خواند تا این که [طلوع کند و] آن را ببیند. با جماعت بنی اسراییل رفت و آمد می کرد و اگر کسی خواسته ای داشت آن را برآورده می ساخت. هیچ وقت در مکانی قرار نمی یافت، مگر این که در آن جا دو رکعت نماز میگزارد و این به سبب منزلت والای او بود تا این که خداوند او را به نزد خویش برد.

اگر بخواهی، روزه مادرش مریم علیها السلام را بگیر. او دو روز را روزه می گرفت و یک روز افطار می کرد.

اگر خواستی، روزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بگیر که سه روز از هر ماه را روزه می گرفت و می فرمود: این روزه برابر با روزه تمام عمر است.

41. الدروع الواقیه: بدان که ظاهر روایت دوستان ما آن است که این روزه در چهارشنبه بین دو پنجشنبه است، ولی شیخ طوسی رحمه الله در «تهذیب»(1) خود از ابو بصیر روایت کرده که از امام صادق علیه السلام درباره روزه سه روز از ماه پرسیدم، حضرت فرمود: از هر ده روز یک روز: پنجشنبه، چهارشنبه و پنجشنبه و ماه بعدی: چهارشنبه، پنجشنبه و چهارشنبه. از این حدیث فهمیده می شود که انسان مخیر است بین این که چهارشنبه بین دو پنجشنبه یا پنجشنبه بین دو چهارشنبه را روزه بدارد و به هر کدام از این دو شیوه عمل کند ایرادی ندارد.

آنچه به این مطلب دلالت می کند، روایت اسماعیل بن داود(2) است: از امام رضا علیه السلام درباره روزه پرسیدم، حضرت علیه السلام فرمود: سه روز در ماه: چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه، عرض کردم: یاران ما چهارشنبه میان دو پنجشنبه را

1- . ر.ک: التهذیب 1 : 438، آن را در الاستبصار : ج 2 ص 137 نیز می بینی.

2- . ر.ک: التهذیب 1 : 438، آن را در الاستبصار : ج 2 ص 137 نیز می بینی.

روزه می گیرند، حضرت علیه السلام فرمود: این گونه اشکالی ندارد، پنجشنبه میان دو چهارشنبه نیز ایراد ندارد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که اگر در اول ماه دو پنجشنبه باشد، روزه دومی بهتر است و اگر در وسط ماه دو چهارشنبه باشد، روزه دومی بهتر است.(1)

سید رحمه الله گفته است: به نظر من شاید منظور این باشد که کسی که پنجشنبه اول و چهارشنبه اول را از دست دهد، روزه دومی آن ها بهتر از ترک آن هاست؛ زیرا اگر این حدیث نبود چه بسا انسان چنین تصور می کرد که اگر اولی را از دست دهد دومی را نیز باید ترک کند.

ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه(2) روایت کرده که از امام موسی کاظم علیه السلام درباره دو پنجشنبه واقع در یک دهه سؤال شد و حضرت فرمود: اولی را روزه بگیر، شاید به دومی نرسی.

مؤلف: این دو حدیث با هم منافات ندارند؛ به این دلیل که اگر روز سی ام ماه پنجشنبه باشد و قبل از آن یک پنجشنبه دیگر نیز باشد، بهتر است که پنجشنبه اول را روزه بگیرد؛ زیرا امکان دارد هلال ماه بعد پدیدار شود و این ماه ناقص شود و او روزه پنجشنبه سی امین روز را از دست بدهد. این مورد تفاوت دارد با این که پنجشنبه آخر، روز بیست و نهم ماه باشد و قبل از آن یک پنجشنبه دیگر در دهه آخر وجود داشته باشد که در این مورد بهتر است آن پنجشنبه را که در روز بیست و نهم است، روزه بگیرد؛ زیرا یقیناً بیم از دست رفتن آن نمی رود.

42. الدروع الواقیه: از امام صادق علیه السلام روایت شده که کسی که روزه سه روز از ماه برایش دشوار است، جایز است به جای هر روز یک درهم صدقه دهد.

نیز نقل شده که صالح بن عقبه به حضرت علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم، من سنم بالا رفته و از روزه این سه روز ناتوانم. حضرت علیه السلام فرمودند:

1- . ر.ک: التهذیب 1 : 438، آن را در الاستبصار : ج 2 ص 137 نیز می بینی.
2- . الفقیه 2 : 51

به جای هر روز یک درهم صدقه بده. گفتم: یک درهم؟ فرمود: شاید یک درهم به نظرت کم می آید، اطعام به یک مسکین بهتر است از روزه داری در یک ماه.

سید رحمه الله گفته است: می گویم: کلینی(1) نیز دو حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام نقل کرده و آن این که کسی که روزه سه روز از ماه برایش دشوار است، به جای هر روز یک مد طعام دهد و احتمال دارد این دو حدیث، با دو حدیث قبلی منافاتی نداشته باشند؛ زیرا ممکن است درهم در زمان آن پرسشگر برابر با یک مد طعام بوده باشد و احتمال دارد صدقه بیشتر، خواه درهم باشد و یا مد، برای صدقه دهنده ثروتمندان باشد و صدقه کمتر برای صدقه دهنده تنگدست.

43. الدروع الواقیه: از امام صادق علیه السلام روایت شده که اعمال بندگان در آخرین پنجشنبه ماه بالا برده میشود و جدّم ابو جعفر طوسی این حدیث را روایت کرده و من نیز با اسناد خود به جدم ابو جعفر طوسی از احمد بن عبدون از حسین بن علی ابن شیبان قزوینی از کتاب او: علل الشریعه آن را روایت کرده ام.

مؤلف: شاید کسی بگوید: اعمال بندگان هر دوشنبه و پنجشنبه هفته بالا برده می شود، پس چرا این احادیث پنجشنبه آخر ماه را منحصراً ذکر کرده اند و صحیح الإسناد نیز هستند؟ پاسخ این است که اعمال پس از عرضه جزیی در هر دوشنبه و پنجشنبه، در پنجشنبه آخر ماه نیز به یکباره عرضه می شوند. عرضه اول عرضه خاص است، بی آن که فرشتگان و ارواح پیامبران علیهم السلام در ملأ اعلی از آن آگاه شوند، بلکه این عرضه از آنان پوشیده می ماند. سپس تمام اعمال هر ماه در آخرین پنجشنبه آن به طور کامل و با تفصیل عرضه می شوند یا به صورت مکشوف بر روحانیین و با اعتراف فرشته اعمال به خصوصیت آن ها ارائه می شود؛ زیرا عرضه اعمال با هر روشی، در حقیقت امر یک جنس واحد نیست؛ زیرا دو فرشته مراقب روز، عمل بنده را در روزش عرضه می کنند، همان طور که به این کار اختصاص داده شده اند و دو فرشته شب اعمالی را که بنده در شبش انجام می دهد، عرضه می کنند، آنچنان که برای آن تعیین شده اند.



---

1- . کافی 4 : 144

مؤلف: اگر در یک ماه فرشته ای هر روز عرضه عمل انجام دهنده کاری را در نظر بگیرد و پس از آن که کارها تکمیل شد، در آخر ماه به یکباره تمام این کارها را عرضه کند، نه تنها نادان به شمار نمی رود، بلکه این نشان دهنده عقل و آگاهی او است؛ زیرا عرضه یکباره کارها یا به منظور نفع رساندن به انجام دهنده عمل و ابراز مهارت اوست، اگر کارهای او مورد پسند باشند، و یا به علت ضرورتی و ابراز بی اطلاعی کردن اوست، اگر کار او مورد رضایت نباشد، و فرشته باید در مؤاخذه یا عدم مؤاخذه انجام دهنده عمل معذور باشد.

44. نوادر راوندی: امام موسی کاظم از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وارد بهشت شدم و بیشتر اهل آن را از کسانی دیدم که ایام البیض را روزه می گرفتند.(1)

با همین اسناد گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر به کسی که سه روز از ماه را روزه بگیرد گفته شود: آیا تو تمام ماه را روزه می گیری؟ بگوید: آری، یقیناً راست گفته است، و این آیه را قرائت کرد: {هر کسی که کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.}(2) - (3)

45. کتاب تأویل الآیات الظاهره: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ کس از شیعیان فقیر ما نیست، مگر این که برای او پیامدی دارد. [راوی گوید] عرض کردم: فدایت گردم چه پیامدی؟ فرمود: از پنجاه و یک رکعت نماز و سه روز روزه در ماه، این افراد در روز قیامت با چهره هایی به درخشانی ماه شب چهارده(4) از قبر خویش بیرون آیند... تا آخر حدیثی که در کتاب الإمامه آمده است.(5)



---

1- . نوادر راوندی : 19
2- . انعام / 160
3- . نوادر راوندی : 34
4- . کنز الفوائد : 359، در تفسیر سوره قیامت / 22 و 21
5- . ر.ک: ج 24 ص 262 از این چاپ جدید.

46. کتاب الغارات ابراهیم بن محمد ثقفی: از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که حضرت به محمد بن ابوبکر نامه ای نوشت مبنی بر این که: پیامبرصلی الله علیه و آله فرمود: کسی که ماه رمضان را روزه داری کند، سپس شش روز از شوال را روزه بگیرد، گویی که تمام سال را روزه بوده است.

47. دعائم الإسلام: از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: اما روزه واجب در هر سال، روزه ماهی مشخص است که این ماه هر سال تکرار می شود و همان روزه ماه رمضان است. یکی از روزه ها که سنت است و دو برابر فریضه واجب است، روزه سه روز از هر ماه است، از هر ده روز یک روز: یک چهارشنبه بین دو پنجشنبه: اولین پنجشنبه اول ماه، نزدیک ترین چهارشنبه به نیمه ماه و پنجشنبه آخر ماه که پس از آن پنجشنبه ای نباشد. شعبان را نیز روزه می گیرند؛ این روزه دو برابر فریضه است؛ به این معنا که از ده ماه، سی روز روزه بگیرند و تمام شعبان را نیز روزه بگیرند؛ در نتیجه دو ماه روزه می شود.

نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: کسی که سه روز از هر ماه را روزه بگیرد مانند این است که تمام عمر را روزه گرفته است؛ زیرا خداوند عزوجلّ می فرماید: {هر کسی که کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت. }.(1)

از امام علی علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز نظیر همین حدیث روایت شده است.(2)

[48. المجازات النبویه:(3) ] رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بخواهد وسوسه سینه خویش را بزداید، باید ماه صبر [رمضان] و سه روز از هر ماه را روزه بدارد.

فرموده حضرت: «وحر صدر: وسوسه سینه» استعاره است و مراد از آن غل و غش و فساد و کینه آن است. و از اسم جانوری کوچک گرفته شده که به آن



---

-1 . انعام / 160

2- . دعائم الإسلام 1 : 281
3- . در نسخه اصل به جای آن که این را با قرمز بنویسد، سفید آمده و نوشته نشده است.

«وحره» گفته می شد و جمع آن وحر است. حیوانی است شبیه آفتاب پرست و برخی گفته اند: مانند عظاءه [سوسمار] است. اگر این حشره در گوشت بیفتد و انسان از آن بخورد مسموم می شود و از دل درد شکایت می کند. گفته می شود: این حشره شبیه به ملکه زنبور عسل قرمز است که در چاه و قنات زندگی می کند. حضرت نیز کینه و وسوسه هایی را که در سینه انسان وجود دارد و تمایلات و خیالات نکوهیده ای را که در قلب او جولان می دهد به این جانور کوچک تشبیه کرده است. در واقع گویا حضرت علیه السلام قلب را به قلیب[چاه] تشبیه فرموده و کینه و فسادی را که از آن احساس می شود به فسادی که از وحره در [قلیب] چاه احساس می شود تشبیه کرده است.(1)

49. تفسیر العسکری علیه السلام: وقتی لغزش و اشتباه از حضرت آدم علیه السلام سر زد از بهشت بیرون رانده شد و خداوند به او توفیق توبه داد. او نیز گفت: «ای پروردگار من! خدایی جز تو نیست. منزهی تو و سپاس تو راست. عمل زشتی انجام دادم و بر خود ستم کردم، پس توبه مرا بپذیر که تو توبه پذیر و مهربان هستی، به حق محمد و خاندان پاک نهادش و یاران برگزیده و ممتاز او. پس خداوند فرمود: توبه ات را پذیرفتم و نشانه آن این است که من پوستت را پاک می کنم، پس رنگ پوستش تغییر کرد و آن روز سیزدهم ماه رمضان بود. پس این سه روز پیش رو را روزه بدار که ایام البیض هستند تا خداوند هر روز قسمتی از پوستت را پاک گرداند، او نیز روزه گرفت و هر روز یک سوم سیاهی پوستش پاک شد.(2)



---

1- . المجازات النبویه : 175
2- . تفسیر الإمام العسکری علیه السلام : 176

مؤلف: موارد مرتبط به این باب در باب اعمال روز و شب غدیر از باب های اعمال سال ذکر خواهد شد.

1. امالی صدوق: از ابو هریره روایت شده که کسی که روز هجدهم ماه ذی حجه را روزه بگیرد خداوند برای او ثواب شصت ماه روزه را بنویسد. این روز روز غدیر خم است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز دست امام علی علیه السلام را گرفت و فرمود: آیا من به مؤمنان سزاوارتر از خودشان نیستم؟ گفتند: آری یا رسول الله! فرمود: هر که را من مولای او هستم این علی نیز مولای اوست. عمر خطاب به حضرت علیه السلام عرض کرد: به به ای پسر ابوطالب! تو مولای من و تمام مسلمانان شدی، پس خداوند عزوجلّ این آیه را نازل فرمود که: «الیوم أکملتُ لکم دینَکم»(1) {امروز دینتان را کامل کردم.}

2. امالی صدوق: امام صادق از پدرانش علیهم السلام روایت فرموده اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز عید غدیر بهترین عید امت من است. این روز، روزی است که خداوند به من امر فرمود تا برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام را برای امامت امتم منصوب کنم تا پس از من به واسطه او هدایت یابند و آن روزی است که خداوند در آن دین را کامل کرد و نعمت را بر امت من تمام نمود و اسلام را به عنوان دین آن ها پسندید. (2)



---

1- . امالی صدوق : 3- 2، آیه در سوره مائده / 6

2- . امالی صدوق : 77-76 ، ادامه روایت.

3. الخصال: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: روز عید غدیر بهترین عیدهاست که در هجدهم ذی حجه واقع است و آن روز، روز جمعه بود.(1)

مؤلف: در فضیلت روز جمعه، احادیث به طور کامل ذکر شد.

4. الخصال: مفضل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مسلمانان چند عید دارند؟ فرمود: چهار عید، گوید: عرض کردم: دو عید و روز جمعه را می دانم. فرمود: بزرگترین و شریفترین عید در روز هجدهم ذی حجه است و آن روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را بلند کرد و او را برای رهبری مردم منصوب کرد. گوید: عرض کردم: در این روز چه کاری بر ما واجب است؟ فرمود: بر شما پسندیده است که آن روز را برای سپاس و ستایش خدا روزه بدارید، با آن که او هر لحظه سزاوار سپاسگزاری است. همین طور بود که پیامبران به جانشینان خویش امر می کردند تا در روزی که جانشین تعیین می شد، روزه بدارند و آن روز را عید بگیرند و کسی که در آن روز روزه بدارد، آن روزه بهتر از عمل شصت سال است.(2)

5. ثواب الاعمال: قاسم از جدّش نقل می کند که: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم آیا مسلمانان به غیر از آن دو عید [عید فطر و قربان] عید دیگری هم دارند؟ فرمود: آری ای حسن! عظیم تر و شریف تر از آن دو. گوید: عرض کردم: آن چه روزی است؟ فرمود: روزی که در آن امیرالمؤمنین علی علیه السلام به امامت و رهبری مردم منصوب شد. گوید: عرض کردم: فدایت گردم آن چه روزی است؟ فرمود: روزها در گردش است و آن روز هجدهم ذی حجه است. عرض کردم: فدایت شوم چه عملی را باید انجام دهیم؟ فرمود: ای حسن این روز را روزه بدار و بر حضرت محمد و خاندانش بسیار صلوات بفرست و از کسانی که به آنان ستم کردند و حق آنان را انکار کردند به درگاه خدا بیزاری بجوی که پیامبران به جانشینان خویش امر می کردند تا روزی را که به جانشینی منصوب می شوند، عید بگیرند. عرض کردم: پاداش کسی که در این روز روزه بدارد چیست؟ فرمود: ثواب



---

1- . الخصال 2 : 32

2- . الخصال 2 : 126

روزه شصت ماه؛ روزه بیست و هفتم رجب را نیز ترک مکن؛ زیرا آن روزی است که پیامبری بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شد و ثواب روزه آن برابر با ثواب شصت ماه روزه است.(1)

6. ثواب الاعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: روزه عید غدیر خم کفاره شصت سال است.(2)

7. ثواب الاعمال: قاسم از جدش نقل میکند: به امام صادق علیه السلام عرض شد: آیا مؤمنان غیر از دو عید [فطر و قربان] و جمعه عیدی دارند؟ گوید: فرمود: آری، عیدی بزرگ تر آن ها دارند، روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام به جانشینی منصوب شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله پیمان ولایت او را در غدیر خم بر گردن مردان و زنان محکم ساخت. عرض کردم: آن چه روزی است؟ فرمود: روزها در گردش هستند و در ادامه فرمودند: روز هجده ذی حجه. گوید: سپس فرمود: عمل [شایسته] در این روز برابر با عمل در هشتاد ماه است و بهتر است در آن روز نام خداوند عزوجلّ را زیاد بر زبان آورند و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صلوات بفرستند و مرد در آن روز بر خانواده اش گشاده دست باشد.(3)

8. سید بن طاووس در کتاب مصباح الزائر گوید: فیاض بن محمد طوسی در سال دویست و پنجاه و نه در طوس سخن میگفت - در حالی که به نود سالگی رسیده بود - که ابا الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام را در روز عید غدیر ملاقات کرد و جمعی از یاران خاص حضرت در محضر ایشان بودند. آن ها را برای افطار نگاه داشته و غذا و احسان و هدایا و جامه ها و حتی انگشتری و کفش به منزل های آنان فرستاده بود و وضعیت و احوال آنان و اطرافیان خویش را دگرگون کرده بود و لوازمی جدید برای حضرت تهیه شده بود که متفاوت با ابزارهای رایج و مرسوم پیش از آن روز بود و حضرت درباره فضیلت آن روز و قدمت آن سخن می راند؛ از جمله سخنان حضرت علیه السلام این بود که:

ص: 134

---

1- . ثواب الاعمال : 67-68

2- . ثواب الاعمال : 68

3- . ثواب الاعمال : 68

پدرم هادی به من گفت: جدم امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام به نقل از حضرت زین العابدین علیه السلام به من فرمود که امام حسین علیه السلام فرمود: یکی از سال های امامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، عید غدیر به روز جمعه افتاده بود و حضرت آن روز پنج ساعت از روز بر منبر نشست. سپاس و ستایشی گفت که نه کسی مانند آن سپاس را شنیده بود و نه کسی به مانند آن ستایش روی آورده بود، از جمله فرمایشاتی که از آن سخنرانی حفظ شده این جملات است:

سپاس خدایی را که بی نیاز از ستایش ستایش گران، حمد [را برای بندگان خویش] قرار داده و آن را شیوه ای برای اقرار به مقام لاهوتیت و صمدانیت و پروردگاری و یگانگی خویش و سبب رحمت فزون تر خویش و راهی برای رسیدن به فضل خویش قرار داده است و در کنه الفاظ حقیقت اعتراف به انعام خویش را نهفته، اعتراف به این که او برای هر سپاسی به الفاظ - هر چند خود بزرگ باشد - نعمت می بخشد.

گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست، او یکتاست و شریکی ندارد، آنچنان گواهی که از اخلاص درون برآمده و جاری شدن آن بر زبان بیانگر صداقتی پنهان است. اوست آفریننده آغازگر صورتگر، نام های نیکو از آن اوست و هیچ چیز مانند او نیست. اگر چیزی به مشیت او شکل گرفته، ولی هستیش مانند او نیست.

گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. او را در دیرینگی بر سایر امت ها برگزید، با علمی که به این موضوع داشت. در تشابه و همانندی در میان افراد نسل خود بی همتا گشت. در امر و نهی او را امین خود قرار داد. در عالم دیگر او را در انجام وظیفه و جایگاه خود استوار گرداند. از این رو که نه چشم ها او را توانند دید و نه اندیشه و خیال بدان خطور کند و نه گمان های مبهم و پیچیده در اسرار او را مجسم توانند کرد. خدایی جز او نیست. او پادشاه جبار است. اقرار به پیامبری او را با اعتراف به لاهوتیتش مقرون ساخت و او را به آنچنان بزرگداشتی مختص گردانیده که به هیچ کدام از آفریدگان خویش چنین کرامتی نفرموده است. پس آن را

به خواص و دوستان خود اختصاص داد؛ زیرا کسی را که تغییرپذیر است به عنوان خاص خود برنمی گزیند و کسی را که دچار ظن و گمان می شود به عنوان دوست همراز برنمی گیرد. دستور داد تا برای تکریم بیشتر او بر او صلوات فرستند و آن را راهی برای اجابت دعای دعاکننده قرار داد. پس خدا بر او درود فرستاد و به او کرامت و شرف و عزت بخشید، آنچنان که نه تمامی داشته باشد و نه جاودانگی آن پایان یابد.

خداوند متعال پس از پیامبر خویش صلی الله علیه و آله عده ای از مخلوقات خاص خود را به خود اختصاص داد و آنان را تا درجه او ارتقا داد و تا مرتبه او بالا برد و آنان را تا قرن ها و زمان های متمادی و تا دنیا پابرجاست داعیانِ بر حق و راهنمایان به سوی خود قرار داد.

از ازل پیش از هر مخلوق و آفریده ای آن ها را در هیئت نورهایی آفرید و آن ها را به زبان ستایش گویا کرد و سپاس و بزرگداشت خویش را به آنان الهام کرد و آنان را حجت های خویش برای هر معترفی به قدرت ربوبیت و اقتدار عبودیت خویش قرار داد و به واسطه این نورها افراد بی زبان را به انواع زبان ها گویا کرد تا اقراری باشد بر این که او آفریننده آسمان ها و زمین است و آن ها را شاهد بر آفرینش خویش گرفت و آن ها را بر هر کدام از امور خویش که می خواست گماشت و آنان را ترجمان مشیت و زبان گویای اراده خویش قرار داد. بندگانی که: {در سخن بر او پیشی نمی گیرند و خود به دستور او عمل می کنند. آنچه فراروی آنان و آنچه پشت سرشان است می داند و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد، شفاعت نمی کنند و خود از بیم او هراسانند. } (1)

بر اساس احکام او حکم می کنند و بر اساس سنت او عمل می کنند و بر حدود او گردن مینهند و واجبات او را انجام می دهند و مخلوقات را در مشکلات امور و سختیها در حالت کری و کوری و گنگی رها نمیکنند، بلکه به آنان خردهایی عنایت فرموده که با آنچه چشمانشان می بیند درآمیخته و در وجودشان پراکنده گشته



---

1- . انبیا / 27-28

و در جان هاشان تحقق یافته و حواسشان را تحت سیطره عقلشان قرار داده و آن را در گوش ها و دیدگان و افکار و اندیشه هایی که به وسیله آن به پذیرفتن حجت خویش ملزمشان کرد، جای داده و به وسیله آن راه خویش را به آنان نشان داده و با زبان هایی برنده و با قدرت و حکمتی که در آن ها نهاده، آنان را نسبت به آنچه می بینند گویا کرده و آن حکمت را با زبان آنان بیان کرد تا «لِیَهْلِکَ مَنْ هَلَکَ عَنْ بَیِّنَهٍ وَ یَحْیی مَنْ حَیَّ عَنْ بَیِّنَهٍ وَ إِنَّ اللَّهَ لَسَمیعٌ عَلیمٌ»،(1) {تا کسی که [باید] هلاک شود، با دلیلی روشن هلاک گردد، و کسی که [باید] زنده شود، با دلیلی واضح زنده بماند، و خداست که در حقیقت شنوای داناست. } و شاهد و آگاه.

خداوند تعالی برای شما جماعت مؤمنان در این روز دو عید عظیم و بزرگ را جمع کرده است که هیچ کدام از این دو عید برپا نمی شد مگر با دیگری تا هر یک از شما رفتار خود را کامل کند و شما را در مسیر هدایت او قرار دهد و شما را در راه کسانی قرار دهد که از نور هدایت او روشنی می جویند و شما را مشمول مراقبت خود قرار داده در مسیر میانه روی او قرار دهد و پشتیبانی و یاری سودمند او را بر شما فراهم گرداند.

جمعه را روز گردآمدن قرار داد که مقصود آن محو گناهان گذشته و شستن تأثیرات کردارهای بد از این جمعه تا آن جمعه است و برای تذکر مؤمنان، و پندی برای پرهیزکاران باشد که در روزهای قبل به اهل طاعت بخشیده و آن روز تنها با پذیرفتن فرامین او و خودداری از آنچه او نهی کرده و اقرار به طاعت او در آنچه بدان تشویق کرده یا فرا خوانده است، کامل می شود و توحید او تنها با اقرار به پیامبری پیامبر او صلی الله علیه و آله پذیرفته می شود و هیچ دینی پذیرفته نمی شود، مگر با ولایت کسی که به ولایت او دستور داده و اسباب طاعت او تنها با متوسل شدن به ریسمان او و ریسمان اهل ولایت فراهم میشود.



---

1- . انفال / 42

خداوند در روز دوح(1) چیزی را بر پیامبر خود در مورد خالصان و برگزیدگان خویش نمایان کرد و به او دستور داد آن را ابلاغ کند و به اهل انحراف و نفاق اعتنا نکند و مصونیت او را از طرف آن ها ضمانت کرد و رازهای اهل شک و مقاصد درونی اهل تردید را برملا نمود. مؤمن و منافق در آن تعقل کرد، پس بر دهان یاوه گو لجام زد و حق خواهان بر حق استوار ماندند و جهالت منافق و تعصب متمرد فزونی گرفت. دندانها بر هم ساییده شد و بر بازوها دست کشیده شد و گوینده گفت و صدا کننده صدا کرد و بو کشنده بو کشید و متمرد تمرد خویش را ادامه داد و گروهی بدون اینکه ایمان حقیقی داشته باشند، با زبان اقرار کردند و گروهی از روی صداقت و ایمان با زبان اقرار کردند.

خداوند دین خویش را کامل کرد و چشم پیامبرش و مؤمنان و پیروان را روشن کرد. چیزی بود که برخی از شما شاهد آن بود و به برخی از شما خبرش رسید و کلمه نیکوی خداوند بر شکیبایان تمام شد و خدای ساخته های فرعون و هامان و قارون و سپاهیان او و آنچه برپا کرده بودند را نابود کرد.

ته ماندهای از فرومایگان گمراه باقی ماند که آنان از هیچ تباهی در حق مردم کوتاهی نکردند. خداوند در دیارشان قصد جانشان را می کند و آثار آنان را محو می گرداند و نشانه های آنان را نابود میگرداند و زود باشد که حسرت بر دلشان بگذارد و آنان را به کسانی که دست درازی و گردن کشی کرده و بر دین سلطه یافتند و آن را تبدیل کردند و حکم خدا را تغییر دادند و پیروزی خداوند بر دشمنش خواهد رسید و خداوند دقیق و آگاه است؛ و در کمتر از آنچه شنیدید کفایت است و ابلاغ. پس خدا رحمتتان کند و در آنچه خداوند شما را به آن ترغیب و تشویق کرده، تأمل کنید.

امروز روزی بزرگ است که گشایش در آن واقع شده و مراتب بالا رفته و حجت ها آشکار شده است. امروز روز اظهار و بیان آشکار مقام صریح روشن است



---

1- . یعنی روز عید غدیر خم، حضرت صلی الله علیه و آله دستور داد تا آنچه را در زیر درخت بزرگ است جارو کنند، پس خار و خاشاک و سنگ

هایی را که آنجا بود برداشتند. شاعر می گوید: و روز دوح، دوح غدیر خ-م، ولایت او را اعلام کرد، کاش مردم از او اطاعت می کردند.

و روز اکمال دین و روز قول وعده داده شده و روز شاهد و مشهود است. روز بستن پیمان در برابر نفاق و انکار و روز بیان حقایق ایمان و روز راندن شیطان و روز برهان است. {امروز روز داوری است که شما [آن را انکار می کردید]. }(1) امروز روز ملأ اعلی است که از آن روی گردان هستید. امروز روز هدایت و روز امتحان بندگان و روز تأیید پیشگامان است. امروز روز آشکار کردن اسرار نهان در سینه ها و پوشیده های امور است. امروز روز آشکار شدن حق بر خواص است.

امروز روز شیث و ادریس و یوشع و شمعون است. امروز روز امن و مأمون است. روز ابراز رموز محفوظ در درون و روز آشکار شدن اسرار است.

حضرت علیه السلام همچنان می فرمود که امروز روز فلان و فلان است.

پس از خدا بترسید و تقوای او پیشه کنید و او را اجابت کنید و از او فرمان برید و از حیله بر حذر باشید و قصد فریب او را نکنید و اسرار پنهان خویش را آشکار کنید و بر او نیرنگ نکنید و با یکتاپرستی و اطاعت از کسی که خدا امر فرموده، به خداوند نزدیکی جویید و {به پیوندهای قبلی کافران متمسّک نشوید [و پایبند نباشید]}(2). گمراهی شما را منحرف نکند که با پیروی از کسانی که گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند، از راه خدا گمراه شوید. چه عزیز است خداوندی که در ذکر نکوهش عده ای در کتاب خویش فرمود: «إِنَّا أَطَعْنا سادَتَنا وَ کُبَراءَنا فَأَضَلُّونَا السَّبِیلاَ * رَبَّنا آتِهِمْ ضِعْفَیْنِ مِنَ الْعَذابِ وَ الْعَنْهُمْ لَعْناً کَبِیرا»،(3) {ما رؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند. پروردگارا، آنان را دو چندان عذاب ده و لعنتشان کن لعنتی بزرگ. } و خداوند تعالی فرمود: «وَ إِذْ یَتَحاجُّونَ فِی النَّارِ فَیَقُولُ الضُّعَفاءُ لِلَّذینَ اسْتَکْبَرُوا إِنَّا کُنَّا لَکُمْ تَبَعاً»،(4)

{و آنگاه که در آتش شروع به آوردن حجّت می کنند، زیردستان به کسانی که گردنکش بودند، می گویند: ما پیرو شما بودیم. } «فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذابِ اللَّهِ مِنْ شَیْ ءٍ قالُوا لَوْ هَدانَا اللَّهُ



---

1- . صافات / 21
2- . ممتحنه / 10

3- . احزاب / 68
4- . غافر / 47

لَهَدَيْناكُم»،(1) {آیا چیزی از عذاب خدا را از ما دور می کنید؟» می گویند: {اگر خدا ما را هدایت کرده بود، قطعاً شما را هدایت می کردیم.}

آیا می دانید استکبار به چه معناست؟ استکبار یعنی ترک اطاعت از کسانی که به اطاعت از آنان دستور داده شده است و بالاتر دانستن خود از کسانی که مأمور به اطاعت از او هستند. قرآن در این باره بسیار سخن گفته است، اگر کسی در آن تدبر کند او را بازمی دارد و پندش می دهد.

ای مؤمنان بدانید که خدای عزوجل فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقاتِلُونَ فِی سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ»،(2) {در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سُرب اند، جهاد می کنند.} آیا می دانید سبیل خدا چیست؟ و چه کسی سبیل خداست؟ و چه کسی صراط اوست؟ و چه کسی راه اوست؟ من صراط خدا هستم که اگر کسی برای اطاعت از خدا از آن نگذرد به سوی آتش سقوط می کند و من راه او هستم که پس از پیامبر خویش صلی الله علیه و آله مرا به رهبری منصوب کرد. من تقسیم کننده آتش (و بهشت) هستم، من حجت خداوند بر بدکاران هستم، من نور الأنوار هستم.

از خواب غفلت بیدار شوید و قبل از آن که زمان به پایان برسد اقدام کنید و [برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگار خویش پیشی بگیرید، پیش از آن که دور باطن رحمت و ظاهر عذاب دیوار کشیده شود و فریاد بزنید ولی کسی صدایتان را نشنود و داد و غوغا کنید و کسی به غوغایتان توجهی نکند و پیش از آن که کمک بخواهید و کسی به فریادتان نرسد. پیش از آن که وقت را از دست بدهید به اطاعت از پروردگار بشتابید. چنین تصور کنید که نابودگر لذت ها به سراغتان آمده و نه راه نجاتی و پناهی دارید و نه جایی برای گریز.

خدا شما را رحمت کند،

پس از آن که مجلس تمام شد با گشاده دستی بر خانواده خویش و نیکی به برادران خود و سپاسگزاری از خدای عزوجلّ برای نعماتی که به شما ارزانی داشته،

1- . ابراهيم / 21
2- . صف / 4

به راه راست بازگردید و گرد هم آیید تا خداوند یکپارچگی تان را حفظ کنید و به یکدیگر نیکی کنید تا خداوند انس و الفتتان را محکم کند. از این نعمت خدا بهره بگیرید، همان طور که خداوند با ثوابی چندین برابر عیدهای پیش و پس از آن به شما سود رسانیده و تنها در چنین عیدی چنین ثوابی به شما بخشیده است. نیکی در این روز به مال برکت می دهد و عمر را زیاد می کند و مهربانی به یکدیگر رحمت و مهربانی پروردگار را می طلبد. از فضیلت این روز هر چه می توانید و با هر آنچه در توان دارید به برادران و خانواده خویش بخشش کنید. میان خویش آشکارا شادی کنید و در دیدار با یکدیگر شادمانی خویش را نشان دهید. خدا را سپاس برای آنچه به شما بخشیده است. با نیکی هر چه بیشتر بر کسانی که به شما چشم امید دوخته اند به راه درست بازگردید و ضعیفان را در غذای خویش و هر آنچه استطاعت آن را دارید و برایتان امکان دارد سهیم و برابر کنید. اگر در این روز یک درهم ببخشید گویی که دویست هزار درهم بخشیده اید و پاداش بیشتر از جانب خداست.

روزه این روز از روزه هایی است که خداوند به آن فراخوانده و پاداشی عظیم برای آن تضمین کرده است. حتی اگر یکی از بندگان از اول تا آخر دنیا در پیری عبادت او را کرده باشد و روزها را روزه دار و شب ها را به عبادت ایستاده باشد، اگر یک نفر این روز را خالصانه روزه گرفته باشد، تمام روزهای دنیا هم کفایت ثواب او را نمی کند. کسی که بی هیچ انتظاری به برادر خویش یاری رساند و با اشتیاق به او نیکی کند، پاداش او مانند پاداش کسی است که این روز را روزه گرفته و شبش را به عبادت ایستاده است و کسی که در این شب مؤمنی را افطار دهد، مثل آن است که ده ها تن از فئام مردم را افطار کرده باشد.

کسی برخاست و گفت: فئام چیست یا امیر المؤمنین علیه السلام؟ فرمود: صد هزار پیامبر و صدّیق و شهید. تا چه رسد به اینکه کسی تعدادی از مردان و زنان مؤمن را متکفل شود. پس من خود از جانب خدا ضامن نجات او از کفر و فقر هستم و کسی که در آن روز یا شب یا پس از آن تا چنین روزی بمیرد و گناه کبیره ای مرتکب نشده باشد، خداوند او را اجر دهد و کسی که برای برادران خود وام بگیرد و

به آن ها کمک کند من خود ضامن او در پیشگاه خدا هستم؛ اگر او را باقی نگه دارد قرضش را ادا می کند و اگر جان او را بگیرد مسئولیتش را بر عهده می گیرد.

وقتی همدیگر را دیدید با یکدیگر دست دهید و به هم سلام کنید و به نعمت این روز به یکدیگر تهنیت بگوید و حاضران باید به گوش غایبان و شاهدان به آنان که دور هستند، برسانند و ثروتمندان باید به دیدار نیازمندان و قوی ترها به دیدار ضعیفان بروند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به من این گونه دستور دادند.

سپس در خطبه جمعه بر او صلوات فرستاد و به جای نماز جمعه نماز عید خواند و به همراه فرزندان و شیعیان خویش با غذایی که برای حضرت حسن بن علی علیه السلام فراهم کرده بود به منزل او رفت. ثروتمندان و فقیران نیز با هدایا و بخشش نزد خانواده خویش بازگشتند.(1)

9. فرحه الغری: بزنطی گوید: در محضر امام رضا علیه السلام بودیم و مجلس پر بود از نزدیکان او، از روز غدیر یاد شد و برخی از مردم آن را نشناختند. امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم از پدرش برایم گفت: روز غدیر در آسمان مشهورتر از زمین است. خداوند در بهشت اعلی قصری دارد که یک خشت آن از نقره است و یک خشت آن از طلا، صد گنبد از یاقوت سرخ و صد خیمه از یاقوت سبز در این قصر است و خاک آن از مشک و عنبر است. چهار نهر در آن جاری است: نهری از شراب، نهری از آب، نهری از شیر و نهری از عسل. در پیرامون آن درختانی است که پر از میوه هستند و پرندگانی بر آن درخت ها زندگی می کنند که اندامشان از مروارید است و بال هایشان از یاقوت و با صداهای گوناگون آواز سر می دهند.

در روز غدیر آسمانیان با تنزیه و تقدیس پروردگار و لا إله إلا الله گویان وارد آن قصر شوند و آن پرندگان به پرواز درآیند و در آب فرو روند و سر بر آن مشک و عنبر سایند. وقتی فرشتگان گردآمدند پرندگان به پرواز درآیند و مشک و عنبر را بر سر آنان می تکانند. در چنین روزی آن ها هدایایی نثار حضرت فاطمه سلام الله علیها می کنند و وقتی روز به پایان رسید به آنان ندا دهند: به مراتب خویش

1- . مصباح الزائر : فصل هفتم. این حدیث را در مصباح المتهجد : ص 524 نیز می بینی.

بازگردید، به علت بزرگداشت مقام محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، تا چنین روزی در سال بعد از خطا و لغزش در امانید.

سپس فرمود: ای پسر ابی نصر، هر جا بودی در روز غدیر در محضر امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شو که خداوند گناهان شصت سال هر مرد و زن مؤمن و مسلمان را می آمرزد و دو برابر تعداد کسانی که در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر از آتش جهنم رهانیده در این روز آزاد می کند و یک درهم احسان در این روز به برادران اهل معرفت به مثابه احسان هزار درهم است. در این روز بر برادرانت عطا کن و هر مرد و زن مؤمن را که می توانی شاد کن.

سپس فرمود: ای اهل کوفه! خیر کثیری به شما اعطا شده و شما از کسانی هستید که خداوند قلبشان را با ایمان امتحان کرد. شما خوار و شکست خورده و امتحان شده هستید. یقیناً بلایی عظیم بر شما فرود آید و سپس برطرف کننده گرفتاری بزرگ آن را برطرف گرداند. به خدا سوگند اگر مردم حقیقتاً فضیلت این روز را درک می کردند، فرشتگان روزی ده مرتبه بر آنان دست نوازش می کشیدند و اگر من از اطاله کلام بیزار نبودم، اندکی از فضیلت این روز و پاداش بی حد و حساب خداوند را به کسی که حق این روز را بشناسد، ذکر می کردم.

علی بن حسن بن فضّال گوید: محمد بن عبدالله به من گفت: من و پدرت و حسن بن جهم بیش از پنجاه بار به خانه او رفتیم و از او این حدیث را شنیدیم.(1)



---

1- . ر.ک: التهذیب 2 : 8، مصباح المتهجد : 513، مصباح الزائر : فصل هفتم و الإقبال : 685

مؤلف: بسیاری از روایات این باب در باب های عمل سال ذکر خواهد شد، البته برخی از آن ها نیز در اثنای باب های گذشته آمده است.

1. کنز الکراجکی: گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام طلوع سپیده روز جمعه، نوزدهم(1) ماه ربیع الأول چشم به جهان گشود. روایت شده که کسی که این روز را روزه بدارد خداوند برای او ثواب روزه یک سال را ثبت می کند.



---

1- . در نسخه اصل نیز چنین است و این اشتباه نوشتاری است و درست آن هفدهم است. ر.ک: ج15 ص 248 این نسخه.

باب شصت و دوم : روزه دهم ذی حجه و دعا در آن روز

آیات:

- والفجر * و لیالٍ عشر.(1)

{سوگند به سپیده دم و به شبهای دهگانه. }

مؤلف: إن شاء الله تعالی موارد مربوط به این باب در باب های عمل ذی حجه از اعمال سال ذکر خواهد شد.

1. ثواب الاعمال: خلیل بکری گوید: از یکی از یارانمان شنیدم که می گفت: حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیه در هر روز از روزهای دهگانه این اذکار شریف را می گفت که با این کلمات آغاز می شد:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيَالِی وَ الدُّهُور؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ أَمْوَاجِ الْبُحُورِ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ رَحْمَتُهُ خَيْرٌ...

خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد شب ها و روزگاران؛ خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد امواج دریاها؛ خدایی جز خدای یگانه نیست و رحمت او بهتر است از آنچه انباشته می کنند؛ خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد خارها و درختان؛ خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد موها و کرک های حیوانات؛ خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد سنگ ها و گل ها؛ خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد بر هم زدن چشم ها؛ خدایی جز خدای یگانه نیست به هنگام تاریک شدن شب و دمیدن صبح؛ خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد بادها در بیابان ها و



---

1- . فجر / 2 و 1

صخره ها؛ خدایی جز خدای یگانه نیست از امروز تا روزی که در صور دمیده می شود.

خلیل گوید: شنیدم که می گفت: حضرت علی صلوات الله علیه می فرمود: کسی که هر روز ده مرتبه این ذکر را در روزهای ده گانه [ذی حجه] بخواند خداوند عزوجلّ به ازای هر تهلیل که می گوید درجهای از مروارید و یاقوت در بهشت به او می بخشد که مسافت میان دو درجه به اندازه مسیر صد سال حرکت یک سوار شتابان است. در هر درجه ای شهری است که قصری از جواهر یکدست و عاری از ناخالصی در آن وجود دارد. در هر کدام از آن شهرها به اندازه ای منزل ها و دژها و اتاق ها و خانه ها و بسترها و همسران و تخت ها و حوریان بهشتی و نازبالش ها و فرش ها و خوان ها و خدمتکاران و رودها و درختان و زیورآلات و جامه و پوشاک است که توصیف کنندگان از خلق آن را وصف نتوانند کرد.

وقتی این فرد از قبر خارج شود از هر یک از تار موهایش نوری ساطع شود و هفتاد هزار ملک پیشاپیش او و در راست و چپ او با شتاب راه می روند تا این که او را به دروازه بهشت برسانند. وقتی وارد بهشت شد پشت سر او بایستند و او پیشاپیش آن ها برود تا این که به شهری برسد که بیرونش از یاقوتی سرخ است و داخلش از زبرجدی سبز و انواع موجوداتی که خداوند عزوجلّ در بهشت آفریده در این شهر وجود دارد و وقتی بدانجا رسند گویند: ای دوست خدا! آیا می دانی این شهر و آنچه در آن است چه شهری است؟ گوید: نه، شما کیستید؟ گویند: ما فرشتگانی هستیم که آن روز که در دنیا لا إله إلا الله می گفتی تو را دیدیم و این شهر با هرچه در آن است پاداش توست، تو را بشارت باد به پاداشی بهتر از این از سوی خدای عزوجلّ، تا آنچه را خداوند در سرای خود دار السلام و در جوار خویش برای تو فراهم کرده است ببینی، بخششی جاودانه که هیچوقت پایانی ندارد.

[گوید:] خلیل گفت: بیشتر از آنچه می توانید این ذکر را بگویید تا پاداشی بیشتر نصیبتان گردد.(1)



---

1- . ثواب الاعمال : 66

2. ثواب الاعمال: از عایشه روایت شده که جوانی که اهل غنا بود و وقتی هلال شب اول ذی حجه را می دید روزه می گرفت، خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، حضرت در پی او فرستاد و او را فراخواند و به او فرمود: چرا این روزها را روزه می گیری؟ عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! روزهای مشعر و حج است، شاید خداوند مرا در دعای آنان سهیم سازد. آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: به ازای هر روز که روزه می گیری ثوابی برابر با آزاد کردن صد بنده و قربانی صد شتر و بخشیدن صد اسب که در راه خدا بر آن ها بار نهند، نصیبت می شود. هنگامی که روز ترویه [روز هشتم ذی حجه] فرا رسد ثوابی برابر با آزاد کردن هزار بنده و قربانی هزار شتر و بخشیدن هزار اسب که در راه خدا بر آن ها بار نهند، نصیبت گردد و وقتی روزه عرفه فرا رسید ثوابی برابر با آزاد کردن دو هزار بنده و قربانی دو هزار شتر و بخشیدن دو هزار اسب که در راه خدا بر آن ها بار نهند، نصیبت می شود و کفاره شصت سال قبل از آن و شصت سال بعد از آن است.(1)

3. ثواب الاعمال: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است: کسی که اولین روز از ده روز اول ذی حجه را روزه بگیرد خداوند ثواب هشتاد ماه را بنویسد و اگر نه روز را بگیرد خداوند ثواب روزه یک عمر را برای او بنویسد.(2)

مؤلف: برخی از احادیث مربوطه در باب روزه روز عرفه ذکر خواهد شد.



---

1- . ثواب الاعمال : 67

2- . ثواب الاعمال : 67

## باب شصت و سوم : روزه روز دحو الارض

مؤلف: احادیث مربوط به این باب در باب های عمل سال خواهد آمد، پس منتظر آن باشید.

1. ثواب الاعمال: وشّاء گوید: در کودکی در شب بیست و پنجم ذی قعده به همراه پدرم در ضیافت شامی در محضر امام رضا علیه السلام بودیم که فرمود: حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت عیسی پسر مریم علیهما السلام در شب بیست و پنج ذی قعده زاده شدند و در این شب زمین از زیر کعبه گسترده شد. همچنین خصلتی است که هیچ کس آن را ذکر نکرده است، کسی که این روز را روزه بگیرد مانند کسی است که شصت ماه را روزه گرفته است.(1)



---

1- . ثواب الاعمال : 72

مؤلف: موارد مناسب با این باب در کتاب نماز گذشت و موارد مرتبط در باب های اعمال سال نیز خواهد آمد.

1. عیون اخبار الرضا علیه السلام: به سه سند از امام رضا علیه السلام از پدرانش روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که با شکیبایی و با قصد قربت در روز جمعه روزه بگیرد، ثواب روزه ده روز سفید و نورانی نصیبش گردد که هیچ شباهتی به روزهای دنیا ندارد.(1)

2. عیون اخبار الرضا علیه السلام: از امام رضا علیه السلام از پدرانش روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز جمعه را از روزه روزهای دیگر جدا نکن.(2)

3. علل الشرایع: از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر امام علی علیه السلام به تنهایی وصیت کرد و امام علی علیه السلام به حسن و حسین علیهما السلام در حالی که امام حسن علیه السلام جلوی او بود وصیت کرد. روز عرفه مردی به محضر امام حسن علیه السلام وارد شد و آن حضرت در حال غذا خوردن بودند و امام حسین علیه السلام روزه بودند. پس از شهادت امام حسن علیه السلام در روز عرفه به محضر امام حسین علیه السلام آمد و دید که حضرت در حال تناول غذا هستند و فرزندشان حضرت علی بن حسین علیه السلام روزه هستند، به حضرت عرض کرد: در روز عرفه بر حضرت امام حسن علیه السلام وارد شدم و آن حضرت غذا می خوردند و شما روزه بودید، اکنون بر شما



---

1- . عیون الاخبار 2 : 36
2- . عیون الاخبار 2 : 74

وارد شده ام و شما را در حال تناول غذا دیدم! فرمود: آن هنگام که تو به محضر امام حسن وارد شدی حضرت امام بود و افطار کرد تا روزه اش سنت نشود و مردم از او تقلید نکنند و پس از رحلت ایشان امامت به من رسید و من نیز این روز را روزه نگرفتم تا روزه ام سنت نشود و مردم از من الگو نگیرند.(1)

4. علل الشرایع: حنان بن سدیر به نقل از پدرش گوید: درباره روزه روز عرفه از او پرسیدم و عرض کردم: فدایت گردم آن ها ادعا می کنند که روزه این روز برابر با روزه یک سال است، فرمود: پدرم علیه السلام آن را روزه نمی گرفت. عرض کردم: چرا فدایت گردم؟ فرمود: روز عرفه روز دعا و درخواست است، بیم آن دارم که مرا از دعا ناتوان کند و همچنین دوست ندارم آن را روزه بدارم؛ زیرا از آن می ترسم که روز عرفه روز عید قربان باشد که نباید در آن روزه گرفت.(2)

5. ثواب الاعمال: از امام صادق علیه السلام روایت شده که روزه روز ترویّه کفاره یک سال و روز عرفه کفاره دو سال است.(3)

[مؤلف:] برخی از احادیث مربوطه در باب روزه ده روز ذی حجه گذشت.

6. مجاس الشیخ: حسین بن ابی غندر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره روزه روز عرفه سؤال کردم، فرمود: یکی از اعیاد مسلمانان است و روز دعا و درخواست.(4)

7. دعائم الإسلام: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که روز عرفه را به قصد قربت روزه بگیرد گویی که تمام عمر را روزه گرفته است.

از امام باقر علیه السلام درباره روزه این روز سؤال شد، حضرت سخنانی شبیه به همین فرمود جز این که اگر کسی که این روز را در عرفات حضور داشته



---

1- . علل الشرایع 2 : 73
2- . علل الشرایع 2 : 73

3- . ثواب الاعمال : 67
4- . امالی طوسی 2 : 279

باشد[بترسد که] روزه او را از دعا و خواسته و نماز ضعیف و ناتوان کند، روزه نگیرد؛ چرا که این روز، روز دعا و مسئلت است.(1)

و از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که روز جمعه را به قصد قربت روزه بدارد گویی که روزهای ما بین دو جمعه را روزه گرفته است، ولی روزه تنها به روز جمعه اختصاص ندارد مگر اینکه روز قبل یا بعد جمعه را هم با آن روزه بگیرد؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله منع فرموده از این که تنها جمعه در بین روزها به روزه اختصاص یابد.(2)



---

1- . دعائم الإسلام 1 : 284

2- . دعائم الإسلام 1 : 285

باب شصت و پنجم : ثواب کسی که برای اجابت درخواست برادر مؤمنش، روزه خود را بشکند

1. علل الشرایع: از یکی از دو امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت شده است: کسی که بر برادر خویش وارد شود در حالی که روزه دار باشد، اگر روزه خویش را افطار کند دو اجر خواهد داشت: یک اجر برای این که نیت روزه داشته و یک اجر برای شاد کردن دل برادر مؤمنش. (1)

2. علل الشرایع: داود رقی گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: افطار تو در منزل برادر مسلمانت هفتاد یا نود برابر بهتر است از روزه داشتن تو.(2)

ثواب الاعمال: از محمد بن عیسی نظیر همین حدیث روایت شده است. (3)

المحاسن: از داود نظیر همین حدیث نقل شده است.(4)

3. علل الشرایع: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: روز ه داری که بر برادر مؤمن خویش وارد شود و نزد او افطار کند و او را از روزه خویش آگاه نکند تا به خاطر این افطار بر او منّتی نهاده باشد، خداوند عزوجلّ ثواب روزه یک سال را برای او بنویسد.(5)

ثواب الاعمال: از سعد مثل همین روایت ذکر شده است.(6)

ص: 152

---

1- . علل الشرایع 2 : 74

2- . علل الشرایع 2 : 74

3- . ثواب الاعمال : 74-75

4- . المحاسن : 411

5- . علل الشرایع 2 : 74

6- . ثواب الاعمال : 75

المحاسن: از صالح بن عقله نظیر همین حدیث نقل شده است.(1)

4. المحاسن: حسین بن حماد گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: اگر روزه باشم و به خانه کسی بروم و او به من بگوید: افطار کن، آیا چنین کنم؟ حضرت فرمود: اگر این کار را بیشتر می پسندد، افطار کن.(2)

5. المحاسن: اسماعیل بن جابر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: یکی از دوستانمان مرا به میهمانی دعوت کرده است، آن هم در روزی که من روزه هستم. فرمود: دعوتش را بپذیر و افطار کن.(3)

6. المحاسن: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: وقتی روزه باشی و برادرت به تو بگوید بخور! روزه ات را بخور و او را مجبور نکن تا تو را قسم دهد.(4)

7. المحاسن: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: اگر به خاطر برادر مسلمان خویش روزه ات را بخوری و او را شادمان کنی، اجر این کار بیشتر از روزه توست.(5)

8. نوادر راوندی: از امام موسی کاظم به نقل از پدران بزرگوارش علیهم السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مثل این حدیث نقل شده است.(6)

با همین اسناد گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تا زمانی که روزه یک روزه دار واجب یا قضای واجب یا نذر معین نباشد و روز پر نشده باشد، چه ایراد دارد او دعوت برادر مسلمانش را برای غذا بپذیرد، هرگاه برادرش او را به افطار تکلیف کند و روزه خویش را افطار کند؟(7)



---

1- . المحاسن : 412
2- . المحاسن : 412
3- . المحاسن : 412
4- . المحاسن : 412
5- . المحاسن : 412

6- . نوادر راوندی : 35
7- . نوادر راوندی : 35

9. المحاسن: از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: اگر به خاطر برادر مسلمانت روزه ات را بخوری و دل او را شاد کنی، این کار تو با ارزش تر از روزه تو و اجر آن نیز بیشتر از اجر روزه توست.(1)

10. تفسیر عیاشی: از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که نیت روزه کند و سپس به منزل برادر مؤمن خویش برود و میزبان از او بخواهد تا روزه اش را بخورد، باید افطار کند و او را شاد گرداند. با این کار برای او به ازای آن روز، ثواب ده روز روزه نوشته می شود و این همان فرمایش خداوند است که «من جاءَ بالحسنهِ فله عشرُ أمثالِها»،(2) {هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.}

11. دعائم الإسلام: از امام علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: [چه ایرادی دارد] هر گاه یک روزه دار دعوت برادر مؤمنش را برای غذا بپذیرد، وقتی برادرش برای او غذایی تهیه کرده و او را به خوردن دعوت کند و او روزه خویش را افطار کند و از غذای برادر مؤمنش بخورد، تا زمانی که روزه او واجب یا قضای واجب یا نذر نباشد و ظهر هم نشده باشد؟(3)

باب های اعتکاف :

## باب شصت و ششم : فضیلت اعتکاف، بویژه در ماه رمضان و احکام آن

### اشاره

ص: 154

---

1- . المحاسن : 412

2- . تفسیر عیاشی 1 : 386، آیه در سوره انعام / 160

3- . دعائم الإسلام 1 : 285

آیات:

- وَ عَهِدْنا إِلی إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ أَنْ طَهِّرا بَیْتِیَ لِلطّائِفِینَ وَ الْعاکِفِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ.(1)

{و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید. }

و باری تعالی فرموده است: وَ لا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عاکِفُونَ فِی الْمَساجِدِ.(2)

{و در حالی که در مساجد معتکف هستید [با زنان] درنیامیزید. }

1. عیون اخبار الرضا علیه السلام: از امام رضا علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام روایت شده است که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ اعتکافی صورت نمی گیرد مگر با روزه.(3)

صحیفه الرضا علیه السلام: مثل همین حدیث را از امام رضا علیه السلام نقل کرده است.(4)

2. فقه الرضا علیه السلام: گوید: از حضرت علیه السلام در مورد اعتکاف سؤال شد و ایشان فرمود: اعتکاف تنها در مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد جامع صحیح است و تا هر زمان که فرد معتکف باشد باید روزه بگیرد و شایسته نیست که معتکف از مسجد خارج شود، مگر برای یک نیاز ضروری یا



---

1- . بقره / 125

2- . بقره / 187

3- . عیون الاخبار 1 : 38

4- . صحیفه الرضا علیه السلام : 21

برای تشییع جنازه و عیادت بیمار و نباید بنشیند و باید همان ساعت بازگردد. اعتکاف زن نیز مانند اعتکاف مرد است.

گوید: یک سال جنگ بدر در ماه مبارک رمضان بود و پیامبر صلی الله علیه و آله اعتکاف نکرد و در ماه رمضان سال بعد، بیست روز از رمضان را معتکف شد؛ ده روز برای آن سال و ده روز برای قضای روزهای از دست رفته.

3. فقه الرضا علیه السلام: اعتکاف تنها در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه و مسجد مدائن جایز است و علتش آن است که اعتکاف باید در مسجدی صورت بگیرد که امامی عادل در آن اقامه جماعت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه و مدینه اقامه جماعت میکرد و امیر المؤمنین علیه السلام در این سه مسجد و روایت شده که در مسجد بصره نیز نماز جماعت خواند.

4. نوادر راوندی: از امام موسی کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اعتکاف در ماه رمضان برابر با دو حج تمتع و دو عمره است.(1)

5. عده الداعی: ابن عباس گوید: در مسجد الحرام با حسن بن علی علیه السلام بودم و حضرت معتکف بود و خانه کعبه را طواف می فرمود. یکی از شیعیان به محضر حضرت رسید و عرض کرد: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله ! دینی از فلانی بر گردن من است، آیا می توانی آن را ادا کنی؟ فرمود: به خدای این خانه قسم که چیزی ندارم، عرض کرد: فکر می کنی بتوانی برای من از او مهلت بگیری؟ مرا به حبس تهدید کرده است.

ابن عباس گوید: طواف را قطع کرد و همراه او بیرون رفت، عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله ! آیا فراموش کرده ای که معتکف هستی؟ فرمود: نه ولی از پدرم علیه السلام شنیدم که می فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: کسی که حاجت برادر مؤمن خویش را برآورده سازد مثل کسی



---

1- . نوادر راوندی : 47

است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده و روزها را روزه داشته و شب ها را به عبادت ایستاده باشد.

6. اعلام الدین: مثل همین حدیث از ابن عباس نقل شده و در آخر افزوده شده است: از منزل حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام گذشت و امام حسن علیه السلام به آن مرد فرمود: آیا برای حاجتت نزد ابا عبدالله نرفتی؟ عرض کرد: رفتم به من فرمود که معتکف است. امام حسن علیه السلام فرمود: ولی اگر او برای رفع حاجت تو می کوشید برای او بهتر از اعتکاف سی سال بود.(1)

مؤلف: موارد مربوط به این باب در باب دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان خواهد آمد.

7. دعائم الإسلام: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: اعتکاف دهه آخر ماه رمضان برابر با ثواب دو حج و دو عمره است.

روایت شده که آن حضرت صلی الله علیه و آله اولین شب از دهه آخر ماه رمضان برخاست و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: خداوند شما را از دشمنان جنی خویش نجات بخشید و اجابت دعایتان را به شما وعده داد و فرمود: «ادعونی أستجب لکم»،(2) {مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را.} بدانید و آگاه باشید که خداوند



---

1- . این حدیث را در کافی : ج2 ص 108 مرحوم مجلسی در بحار ج 74 در توضیح این روایت می نویسد: اگر سئوال شود که چگونه امام حسین علیه السلام به آن شخص کمک نکرد در حالی که فضیلت آن برتر از اعتکاف بود؟ در پاسخ می گوییم: ممکن است به چند وجه جواب گوییم: اول: شاید برای امام حسین علیه السلام عذری بوده است و نخواسته برای آن شخص فقیر آن را بیان کند و به همین جهت همراه او نرفته است. امام حسن علیه السلام به افضلیت اعتکاف اشاره می کند تا شخص گمان نکند که صرف اعتکاف عذری در ترک کمک به دیگران است. پس معنی روایت این می شود که اگر عذر دیگری نداشت و تو را با ترک اعتکاف کمک می کرد، بهتر بود. دوم: بعید نیست که بگوییم امام قبل از امامتش علمش از امام دیگر که فعلا امام است ، کمتر است. یا بگوییم امام حسین علیه

السلام آنچه را که ثوابش کمتر بود انتخاب کرد بویژه آن که هنوز به امامت نرسیده بوده است. سوم: بگوییم امام حسین علیه السلام این کار را نکرد تا برادرش امام حسن علیه السلام این فضیلت را درک کند.

2- . غافر / 60

برای هر شیطان سرکشی هفت ملک را مأمور کرده است. آنان شیاطین را در غل و زنجیر کرده و در عرض این ماه غل و زنجیر را از ایشان بر نمی دارند تا این ماه به سر آید. بدانید که درهای آسمان در این ماه از اولین شب تا آخرین شب گشوده است و آگاه باشید که دعا در آن مقبول است.

سپس حضرت صلی الله علیه و آله آماده شد و کمرش را بست و از خانه بیرون آمد و آن شب ها را اعتکاف کرد و تمام شب را بیدار بود. حضرت هر شب بین نماز مغرب و عشا غسل می کرد.

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله یک سال ده روز اول ماه رمضان اعتکاف کرد و سال دوم دهه دوم و [سال] سوم دهه آخر را اعتکاف فرمود.

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: اعتکاف جز با روزه و جز در مسجد جامع انجام نمی شود و نباید معتکف در خانه خود نماز بخواند و نباید نزد زنان آید و خرید و فروش نکند و از مسجد بیرون رود، مگر برای نیازی ضروری و نباید بنشیند و زود بازگردد و زن معتکف نیز همین طور است مگر این که حیض شود و اگر حیض شد اعتکافش تمام می شود و باید از مسجد بیرون رود. کمترین روز اعتکاف سه روز است.(1)

از امام علی علیه السلام روایت شده است: معتکف باید در مسجد بماند و پیوسته ذکر خدا را گوید و قرآن بخواند و نماز به جای آورد و درباره امور دنیایی صحبت نکند و شعر نخواند و خرید و فروش نکند و در تشییع جنازه شرکت نکند و از بیماری عیادت نکند و وارد خانه ای نشود که با زنی در آن تنها باشد و سخن زشت نگوید و با کسی مشاجره نکند و هر چه از صحبت درباره مردم دست کشد برای او بهتر است.(2)



---

1- . دعائم الإسلام 1 : 286
2- . دعائم الإسلام 1 : 287

باب های اعمال سال ها، ما هها، روزها و مطالب و مفاهیم شریف مربوط به آن

اشاره

بدان که ما بیشتر احکام مرتبط به این باب را در کتاب آسمان و جهان آوردیم و تمام اعمال روزها و شب ها و ساعات هفته را به طور مفصل در کتاب نماز و غسل های آن را در کتاب طهارت ذکر کردیم و لذا نیازی به تکرار آن ها در این باب نیست.

باب های اعمال مربوط به ماه های عربی و امور مرتبط به آن

بدانید که بعضی از اعمال مربوط به این باب را در کتاب آسمان و جهان و بخشی از آن را در کتاب دعا و نیز سایر کتب آورده ایم و غسل های روزها و شب های هر ماه را در کتاب طهارت ذکر کردیم، پس فراموش نکن.

باب اول : اعمال و دعاهای روزها و شب های ماه به طور کلی

مؤلف: غسلهای روزها و شب های ماه و موارد مشابه آن را در کتاب طهارت آوردهایم، پس غافل نشو.

1. الدروع الواقیه: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: کسی که اولین شب ماه دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت پس از حمد سوره انعام را بخواند و از خدا بخواهد که او را از هر گونه هراس و درد حفظ کند، خداوند او را در آن ماه از هر آنچه برایش ناخوشایند است در امان دارد.

همچنین از همان حضرت روایت شده است: بهترین لقمه پنیر است که برای دهان خوشایند است و دهان را خوشبو و غذا را اشتهاآور و هضم آن را آسان

ص: 159

می کند. کسی که در اول ماه آن را بخورد تقریباً هیچ یک از حاجات او بی جواب نمی ماند.

از امام جواد علیه السلام روایت شده که وقتی ماه جدید فرارسید، در اولین روز آن دو رکعت نماز بگزار. در رکعت اول پس از حمد سی مرتبه توحید و در رکعت دوم سی مرتبه قدر را بخوان و پس از آن هر آنچه در توان داری صدقه بده و به واسطه آن سلامتی تمام آن ماه را بخر.

مؤلف: در روایتی دیگر دیدم که علاوه بر این دو رکعت باید در پایان آن بگویی:

به نام خداوند بخشاینده مهربان. و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست، و [او] قرارگاه و محلّ مُردنش را می داند، همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است. به نام خداوند بخشاینده مهربان. و اگر خدا به تو زیانی برساند، آن را برطرف کننده ای جز او نیست، و اگر برای تو خیری بخواهد، بخشش او را ردّکننده ای نیست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند و او آمرزنده مهربان است. به نام خداوند بخشاینده مهربان. خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می کند. ماشاء الله، نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست. خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است. و کارم را به خدا می سپارم؛ خداست که به [حال] بندگان [خود] بیناست. معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. پروردگارا، من به هر خیری که به سویم بفرستی سخت نیازمندم. پروردگارا، مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگانی.

2. الدروع الواقیه: از امام صادق علیه السلام روایت شده است: کسی که هر ماه سوره انفال و توبه را بخواند، نفاق هیچ وقت به درونش راه نیابد و از شیعیان راستین امیر المؤمنین گردد و در روز قیامت با آنان از غذاهای بهشتی بخورد تا زمانی که حسابرسی مردم پایان یابد.

از همان حضرت روایت شده است که هر کس سوره یونس را در هر ماه بخواند از نادانان نخواهد بود و در روز قیامت از مقربین درگاه خداوندی است.

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است که هر کس هر ماه سوره نحل را بخواند، خداوند او را از هفتاد نوع بلا حفظ می کند که کمترین آن دیوانگی و جذام و پیسی است و منزل او در بهشت عدن خواهد بود که در وسط بهشت قرار دارد.

3. الدروع الواقیه: شیخ مفید با حذف اسناد به علی بن میمون روایت کرده است که امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای علی! به من خبر رسیده که گروهی از شیعیان ما یکی دو سال می شود که به زیارت امام حسین علیه السلام نرفته اند. عرض کردم: من عده بسیاری را با این صفت می شناسم. حضرت فرمود: آگاه باش که به خدا سوگند بهره خود را حقیقتاً از دست داده اند و از ثواب خدا به دور افتاده اند. عرض کردم: فدایت گردم، هر چند وقت باید به زیارت حضرت برویم؟ فرمود: اگر می توانی هر ماه او را زیارت کنی این کار را بکن، سپس تمام حدیث را ذکر کرد.

از صفوان جمال نیز روایت شده است: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: ترک زیارت امام حسین علیه السلام تا چه مدت جایز است؟ فرمود: بیشتر از یک ماه مجاز نیست.

نیز از صفوان روایت شده که در راه مدینه به مکه از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! چه شده است که تو را گرفته و اندوهگین و دل شکسته می بینم؟ فرمود: اگر تو هم آنچه را من می شنوم می شنیدی، از سؤال کردن از من باز می ماندی، عرض کردم: مگر چه می شنوید؟ فرمود: تضرع فرشتگان به درگاه خدا برای عذاب کردن قاتلان امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و نوحه سرایی و شدت حزن جنیان بر آنها. پس خوردن و نوشیدن و خواب بر چه کسی میتواند گوارا باشد؟

عرض کردم: ترک زیارت امام حسین علیه السلام تا چه مدت جایز است؟ حضرت فرمود: اما کسی که نزدیک است باید حداقل هر ماه و کسی که دور است، باید از هر سه سال یک بار به زیارت حضرت بشتابد و نباید از سه سال بیشتر شود که نافرمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را کرده و قطع رحم کرده است، مگر این که دلیلی داشته باشد. اگر زائر امام حسین علیه السلام بداند که با زیارتش تا چه

اندازه دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیه و امامان شهید را شاد می کند و با دعایی که در حق او می کنند چه تحولی در درون او ایجاد می شود و چه پاداشی در این دنیا و در آخرت برای او ملحوظ می گردد و در پیشگاه خداوند ذخیره می شود، حقیقتاً دوست می داشت که تمام عمر خویش را در بارگاه امام حسین علیه السلام بگذراند و چون قصد خروج از آن بارگاه را کند قدم بر چیزی نمی گذارد مگر این که برای او دعا کند. و وقتی خورشید بر او بتابد، گناهان او را ببلعد، آنچنان که آتش هیزم را می بلعد و خورشید چیزی از گناهان او باقی نمی گذارد و به درجاتی نائل می گردد که تنها شهدایی که در راه خدا در خون غلطیده اند بدان نائل شوند و فرشته ای برای او موکل می شود که جایگزین او شود و برای او طلب استغفار کند تا این که دوباره برای زیارت بازگردد یا سه سال بگذرد یا بمیرد. و حدیث را به صورت مفصل ذکر کرده است.

4. الدروع الواقیه: در ادامه در سی فصل برای هر روز از ماه، روایات را با دعاهای آن ذکر می کنیم که بسیاری از روایات از امام صادق علیه السلام نقل شده است که عبارت است از اذکار انتخابی روزها و دعای آن ها و هر دعایی ذکر تازه ای دارد. کسی که هر روز بتواند آن دعا را بخواند، سلامت به او وارد می گردد و سزاوار آن است که در دوران زندگی اش هیچ بدی ای به او نرسد و به خواست خدا از پیشامدهای سخت روزگار و امور سخت و جانکاه در امام باشد و سایر گناهان او بخشوده شود و مثل روزی که از مادر زاده شده پاک گردد.

روز اول ماه

از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت آدم علیه السلام در این روز خلق شد و این روز برای درخواست حوائج و وارد شدن بر سلطان و علم آموزی و ازدواج و سفر و خرید و فروش و گرفتن چهارپا روزی مبارک است. چهارپای هر کسی که در این روز بگریزد یا گم شود، در عرض هشت شب پیدا می شود و کسی که در این روز بیمار شود شفا می یابد و آن که در این روز زاده شود، بخشنده و پر روزی و پر خیر و برکت می شود.

سلمان فارسی گوید: این روز، روز هرمز از نام های باری تعالی است. روزی است برگزیده و مبارک و مناسب برای درخواست حاجات و ورود بر سلطان.

دعای این روز: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که پس از قرائت سوره فاتحه خواند:

{ستایش خدایی را که آسمان ها و زمین را آفرید، و تاریکی ها و روشنایی را پدید آورد. با این همه کسانی که کفر ورزیده اند، [غیر او را] با پروردگار خود برابر می کنند. اوست کسی که شما را از گِل آفرید. آن گاه مدّتی را [برای شما عمر] مقرّر داشت. و اَجَل حتمی نزد اوست. با این همه، [بعضی از] شما [در قدرت او] تردید می کنید. و او در آسمان ها و زمین خداست. نهان و آشکار شما را می داند، و آنچه را به دست می آورید [نیز] می داند. }؛(1)

و {ستایش خدایی را که ما را از [چنگ] گروه ظالمان رهانید. }؛(2) {ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگانِ باایمانش برتری داده است. }؛ {سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. به راستی پروردگار من شنونده دعاست. پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز. پروردگارا، دعای مرا بپذیر. پروردگارا، روزی که حساب برپا می شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای. }؛(3) {پس ستایش از آن خداست: پروردگار آسمان ها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان. و در آسمان ها و زمین، بزرگی از آن اوست و اوست شکست ناپذیر سنجیده کار. }(4)

{ستایش خدایی را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آنِ اوست، و در آخرت [نیز] ستایش از آنِ اوست، و هم اوست سنجیده کارِ آگاه. آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن بر می آید و آنچه از آسمان فرو می آید و آنچه در آن بالا می رود [همه را] می داند، و اوست مهربان آمرزنده. }؛(5) {ستایش خدای را که



---

1- . انعام / 1-3
2- . مؤمنون/ 28

3- . ابراهيم / 39-41
4- . جاثيه / 36-37
5- . سبأ / 1-2

پدیدآورنده آسمان و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بال های دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند پیام آورنده قرار داده است. در آفرینش، هر چه بخواهد می افزاید، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. هر رحمتی را که خدا برای مردم گشاید، بازدارنده ای برای آن نیست، و آنچه را که باز دارد، پس از [باز گرفتن] گشاینده ای ندارد، و اوست همان شکست ناپذیر سنجیده کار. ای مردم، نعمتِ خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست. پس چگونه [از حق] انحراف می یابید؟ }؛(1) {ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است }؛(2) (پروردگار) زنده ای که خدایی جز او نیست، آن زنده ای که نمیرد و پاینده ای که تغییر نپذیرد و جاودانی که نابود نگردد و آن باقی که زوال نپذیرد و آن عادل که ستم نورزد، آن حاکمی که بی عدالتی نکند و آن دقیق که چیزی از او پنهان نیست، آن سخاوتمندی که بخل نورزد و آن بخشنده ای که به هر که بخواهد بخشد.

ای آغازی که چیزی بدان نرسد و ای پایانی که چیزی از آن پیشی نگیرد و ای آشکاری که موجودی فراتر از آن نیست و ای نهانی که چیزی پس از او نیست، علم او بر همه چیز سیطره یافته و همه چیز را به شماره در آورده است.

خداوندا! زبانم را به دعای خویش گویا کن و خواسته ام را به واسطه آن برآورده ساز و حاجتم را به من ببخش و مرا به آرزویم برسان و دلم را شاد گردان و صدایم را به واسطه این دعا بشنو و به خواسته ام پاسخ بده و بر تمام وجودم آنچنان برکتی ده که بدان بر سپاسگزاری من و بر من رحم کنی و از من خوشنود گردی. آمین رب العالمین.

ستایش خدایی را که {ابرهای گرانبار را پدیدار می کند. رعد، به حمد او و فرشتگان از بیمش تسبیح می گویند و صاعقه ها را فرو می فرستد و با آن ها هر که را بخواهد، مورد اصابت قرار می دهد، در حالی که آنان درباره خدا مجادله می کنند، و او سخت کیفر است. }(3)



---

1- . فاطر / 1-3
2- . حمد / 1
3- . رعد / 12-13

ستایش خدایی را که دعوت حق برای اوست و کسانی که [مشرکان] جز او می خوانند، آن باطل است و این خداست که والا و بزرگ است. {ستایش خدایی را که روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی بازمی ستاند و [نیز] روحی را که نمرده است، در خوابش قبض می کند؛ پس آن [نفسی] را که مرگ را بر او مقدر شده نگاه می دارد و آن دیگر را تا هنگامی معیّن [به سوی زندگیِ دنیا] بازپس می فرستد. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی [از قدرت خدا]ست. }(1)

ستایش خدایی را که {حکومت او آسمان ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آن ها بر او دشوار نیست، و اوست والایِ بزرگ. }؛(2) {ستایش خدایی را که به اسرار غیب و شهود آگاه است. اوست رحمتگر مهربان. اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ همان فرمانروای پاک سلامت[بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود که] نگهبان، عزیز، جبّار [و] متکبّر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند. }(3) ستایش خدایی را که خدایی جز او نیست. {خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نام ها [و صفات] از آنِ اوست. آنچه در آسمان ها و زمین است [جمله] تسبیح او می گویند و او شکست ناپذیر حکیم است. }؛(4) {ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهان داری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] سرپرستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار. }(5)

روز دوم

امام صادق علیه السلام فرموده است: در این روز حوا علیها السلام از حضرت آدم علیه السلام آفریده شد. این روز برای ازدواج، ساختن خانه، نوشتن قراردادها، درخواست حاجات و برای انتخاب روز خوبی است. کسی که در اول این



---

1- . زمر / 42
2- . بقره / 255
3- . حشر / 22-23
4- . حشر / 24
5- . اسرا / 111

روز مریض شود بر خلاف کسی که پایان روز مریض شود، بیماریش آسان گردد و آن که در این روز زاده شود تربیتش نیکو گردد.

سلمان فارسی رحمه الله گفته است که روز بهمن نام فرشته طبقه زیرین عرش است، این روز برای ازدواج و برآورده ساختن حاجت ها روزی مبارک است.

دعای این روز: از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

{ستایش خدایی را که این کتاب [آسمانی] را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ گونه کژی در آن ننهاد، [کتابی] راست و درست، تا [گناهکاران را] از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد، و مؤمنانی را که کارهای شایسته می کنند نوید بخشد که برای آنان پاداشی نیکوست. در حالی که جاودانه در آن [بهشت] ماندگار خواهند بود. و تا کسانی را که گفته اند: خداوند فرزندی گرفته است، هشدار دهد. نه آنان و نه پدرانشان به این [ادعا] دانشی ندارند. بزرگ سخنی است که از دهانشان برمی آید. [آنان] جز دروغ نمی گویند.}؛ (1) {ستایش خدایی را که اندوه را از ما بزدود، به راستی پروردگار ما آمرزنده [و] حق شناس است؛ همان [خدایی] که ما را به فضل خویش در سرای ابدی جای داد. در اینجا رنجی به ما نمی رسد و در اینجا درماندگی به ما دست نمی دهد.} (2)

{ستایش برای خداست، و درود بر آن بندگانش که [آنان را] برگزیده است. آیا خدا بهتر است یا آنچه [با او] شریک می گردانند؟ [آیا آنچه شریک می پندارند بهتر است] یا آن کس که آسمان ها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد، پس به وسیله آن، باغ های بهجت انگیز رویانیدیم. کار شما نبود که درختانش را برویانید. آیا معبودی با خداست؟ [نه،] بلکه آنان قومی منحرفند. [آیا شریکانی که می پندارند بهتر است] یا آن کس که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن، کوه ها را [مانند لنگر] قرار داد، و میان دو دریا برزخی گذاشت؟ آیا معبودی با خداست؟ [نه،] بلکه بیشترشان نمی دانند. یا [کیست] آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می گرداند

1- . كهف / 1-5
2- . فاطر / 34-35

و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه کم پند می پذیرید. یا آن کس که شما را در تاریکی های خشکی و دریا راه می نماید و آن کس که بادها[یِ باران زا] را پیشاپیش رحمتش بشارتگر می فرستد؟ آیا معبودی با خدا هست؟ خدا برتر [و بزرگتر] است از آنچه [با او] شریک می گردانند. یا آن کس که خلق را آغاز می کند و سپس آن را بازمی آورد، و آن کس که از آسمان و زمین به شما روزی می دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ بگو: «اگر راست می گویید، برهان خویش را بیاورید.» بگو: «در آسمان ها و زمین کسی - جز خدا - غیب را نمی شناسد وآن ها نمی دانند کی برانگیخته خواهند شد؟ }(1)

{ستایش خدای را که پدیدآورنده آسمان و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند پیام آورنده قرار داده است. در آفرینش، هر چه بخواهد می افزاید، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. } (2) ستایش خدای را که آمرزنده، پر بخشایش، مهربان، توبه پذیر، بخشنده، بزرگوار، شنوا، بینا، دانا، بی نیاز، زنده، پاینده، شکست ناپذیر، پر جبروت، توانا، دارنده ملک، حق آشکار، بلند مرتبه والای فرازمند، آغاز، پایان، نهان، آشکار، سرپرست، ستوده، یاری رس، خلق آفرین، آفریننده، پدیدآور، صورت بخش، چیره، نیکوکار، شکرپذیر، کارساز، گواه، مهربان، محافظ، گشایش گر، دانا، بخشنده، ستوده، گران قدر، آمرزنده گناه، توبه پذیر، پادشاه پادشاهان، دانای به غیب و شهود، پا برجا، با کرم، پروردگار جهانیان.

ستایش خدای راست که بزرگ ستایش است و بزرگ عرش و بزرگ حکومت و بزرگ پادشاه. علمش بزرگ است و کرامتش بزرگ. مهرش عظیم است و امتحانش بزرگ. نعمتش انبوه است و احسانش بزرگ و عزتش عظیم. بزرگ کبریاست و بزرگ جبروت. بزرگ عظمت است و بزرگ رأفت و بزرگ فرمان. بزرگ است پروردگار جهانیان. خداوند بزرگ تر است از همه چیز و مهربان تر از همه چیز، عزیزتر از همه چیز، والاتر از همه چیز، داراتر از همه چیز و تواناتر از همه چیز. ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است، پروردگار بلندمرتبه بزرگ،



---

1- . نمل / 65-59
2- . فاطر / 1

رئوف مهربان، عزتمند آگاه، خلق آفرین بزرگ، بزرگ منش عظیم الشأن، با جبروت مقتدر، صاحب بهشت و دوزخ. بزرگی و قدرت از آن اوست. {سخن نیکو به سوی او بالا می رود و عمل شایسته بدان رفعت می بخشد. }(1)

خداوندا بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و چنان کن که اعمال ما به سوی تو بالا رود و مورد پذیرش تو واقع شود و ما را یاری ده تا آن ها را برای تو به جای آوریم که حقیقتاً نیکی ها تنها از سوی تو بر ما روانه می شود و تنها تویی که بدی ها را برطرف می سازی، هر گونه بدی و گرفتاری را از ما دور کن و در تمام امور به ما برکت بده؛ که تویی آمرزنده شکرپذیر. دعایمان را ناامید بازنگردان و دشمن شادمان نکن و ما را آماج تیرهای بدی و بلا و گرفتاری قرار نده و از ما درگذر و در تمام احوال به ما لباس عافیت بپوشان؛ به راستی که تو بر همه چیز توانایی و تو هستی بزرگ والامقام.

روز سوم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز، روز نحس دائمی است. آدم و حوا علیه السلام در این روز جامه خویش برکندند و از بهشت بیرون رانده شدند، پس در این روز به اصلاح امور منزل بپرداز و اگر می توانی از خانه بیرون نرو و در این روز از سلطان و خرید و فروش و درخواست حاجات و معامله و شراکت برحذر باش. فرار کننده در این روز، پیدا می شود و کسی که در این روز بیمار شود، سختی کشد و کسی که در این روز به دنیا آید، پررزق و روزی است و عمرش طولانی شود.

سلمان فارسی گوید: این روز، روز اردیبهشت است که نام فرشته موکل بر شفا و بیماری است. روز سنگین و نحسی است که برای انجام هیچ کاری مناسب نیست.

دعای این روز: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است:



---

1- . فاطر / 10

ستایش خدای را که اول است و آخر، آشکار است و نهان، پایدار است و جاودان، حکیم است و بخشنده، یکتا و بی نیازی است که {نه زاده و زاده شده و نه کسی همتای اوست.} (1) ستایش خدای را که حق آشکار است، قدرتمند استوار، صاحب فضل عظیم، بخشنده سخاوت مند، نعمت بخش صاحب کرامت، گشاینده، باز و بسته کننده هر چیز، جلوگیر، عطابخش، گشایش گر، میراننده و زنده کننده، صاحب جلالت و بزرگواری، صاحب عروج گاه هایی که فرشتگان و روح به فرمان او به سوی آن بالا روند. ستایش خدایی را که صاحب رحمت گسترده و نعمات فراوان و حجت رسا و نمونه های والا و نام های نیکو، سخت نیرو و شکافنده صبح است و شب را {مایه آرامش و خورشید و ماه را وسیله حسابگری قرار داده و این است اندازه گیری آن توانای دانا.} (2)

ستایش خدایی را که والا درجه و صاحب عرش است.{به هر کس از بندگانش که خواهد، آن روح را به فرمان خویش می فرستد.} (3) پروردگار بندگان و سرزمین هاست و بازگشت همه به سوی اوست. زود شمار و سخت کیفر است، صاحب بخشش و کرم است. {خدایی جز او نیست، بازگشت به سوی اوست.} (4)؛ {چون به کاری اراده فرماید، فقط می گوید: «[موجود] باش»؛ پس [فوراً موجود] می شود.} (5) دستانش را به رحمت گشوده، بخشاینده خیر است و هر که از او بخواهد نومید نگردد و هر که به او امید بندد پشیمان نگردد. نعمت هایش بی شمار، وعده اش راستین و حق است و بهترین داوران و سریع ترین حساب رسان است. حکمش عدالت و سزاوار بزرگ منشی است. خیر می بخشد و به حق داوری و به راه راست هدایت کند.



---

1- . اخلاص / 3-4
2- . انعام / 96
3- . غافر / 15
4- . غافر / 3
5- . بقره / 117

{همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و اوست ارجمند آمرزنده.} (1) نیکو ستایش است و نیکو آزمایش، شنونده دعاست و نیکو داور. بزرگی برای اوست، هر چه بخواهد می کند. فرود آورنده باران، گشایش بخش روزی، پدیدآورنده ابرها، آزادکننده دربندان، تدبیرکننده امور و اجابتگر دعاست. آنچه را او عطا کند، جلوگیر ندارد و آنچه را او جلوگیر باشد، دیگری نتواند ببخشد. {چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا.} (2)

ای که نام هایش مقدس و ستایشش پربها و نعماتش بسیار است! از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و گناهان گذشته ما را ببخشایی و ما را از گناه نگه داری و در باقی عمر ما را از آن حفظ کنی. خداوندا بهترین اعمال ما را پایان بخش آن ها و بهترین روزهای ما را روز دیدارت قرار دهی. خداوندا در این ساعت و در تمام آنچه در این روز پیش روی ماست با توبه و پاکیزگی و آمرزش و توفیق و نجات از آتش دوزخ بر ما منت بگذار. خداوندا! روزی های ما را گسترده گردان و به کارهایمان برکت ببخش و ما را از از پیشامدهای ناگوار و زیان ها در امان دار و فرج و گشایش و امیدی به ما عنایت فرما که یقیناً تو شنوای دعا هستی و بر هر چه بخواهی لطف و احسان داری.

روز چهارم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که این روز برای کشاورزی و شکار و ساخت و ساز و گرفتن چهارپا مناسب است و سفر در این روز کراهت دارد و کسی که در این روز به مسافرت رود بیم کشته یا دزدیده شدن یا وارد شدن بلایی بر او می رود. در این روز بود که هابیل علیه السلام به دنیا آمد. کسی که در این روز به دنیا بیاید، تا زنده است شایسته و پربرکت خواهد بود و کسی که در این روز بگریزد، جستجویش دشوار می شود و به کسی پناه برد که مانع از یافتن او شود.



---

1- . ملک / 2
2- . شورا / 11

سلمان گوید: نام این روز، روز شهریور است، نام فرشته ای که جواهر در این روز [از او] آفریده شده و بر آن ها گماشته شده و این فرشته مأمور دریای مدیترانه نیز هست.

دعای امام صادق علیه السلام در این روز:

خدایا! ستایش خاص توست. دینت آشکار شد و حجتت رسید و پادشاهیت استوار شد و سلطنتت بزرگ، وعده ات راست، عرشت فرازمند شد و محمد صلی الله علیه و آله را به هدایت و آیین حق فرستادی تا او را بر تمام ادیان پیروز گردانی؛ هر چند که مشرکان از این امر ناخوشنود باشند. خداوندا! حمد و ستایش تو راست، نعمت و بخشش و احسان از توست، سختی را برطرف گردانی و آسانی را ارزانی داری و سختی را بزدایی و به حق حکم فرمایی و به عدالت داوری کنی و به راه راست هدایت کنی. ذاتت مبارک است، منزهی تو و به ستایشت مشغولم. خدایی جز تو نیست، پروردگار آسمان ها و پروردگار زمین ها و هر آن که در آن هاست و پروردگار عرش بزرگ.

خداوندا ستایش مخصوص ذات توست! آزمایشت نیکو، داوریت عادلانه، زمین در قبضه قدرتت و آسمان ها پیچیده به دست قدرت توست. خداوندا ستایش تو راست، ای فرود آورنده آیات، ای اجابتگر دعاها، ای برطرف کننده گرفتاری ها، ای فرو فرستنده نیکی ها، ای مالک زندگی و مرگ! خدایا ستایش تو راست در شب چون [سیاهیش همه جا را] بپوشاند و ستایش تو راست در روز چون روشن شود و ستایش تو راست در دنیا و آخرت. خداوندا! ستایش تو راست بر آنچه بندگان دوست دارند از مقدرات تو و آنچه ناخوش دارند. ستایش تو راست در هر حالی از امور دنیا و آخرت. ای بهترین فرو فرستنده، ای بهترین کسی که درخور ساخت و ای برترین بخشنده عطایا! بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و ما را از بلاهای روزگار مصون بدار و به هنگام نزول مصیبت ها به ما صبری نیکو عنایت فرما و آسانی و شادی و نجات از حوادث ناگوار را بر ما ارزانی دار و در تمام کارها به ما سلامت عطا کن. بی تردید تو دقیق و آگاه هستی و بر محمد و خاندان او

درود فرست و به ما شادی و امید ببخش و {در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار. }(1)

روز پنجم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز، روز نحس دائم است. قابیل نگون بخت نفرین شده در این روز زاده شد و در همین روز برادر خویش را کشت و با تأسف بر خویش نفرین کرد و او اولین کسی است که در زمین گریست. پس در این روز کاری انجام نده و از منزل خویش خارج نشو. کسی که در این روز به دروغ قسم بخورد، به زودی نتیجه کارش را می بیند و کسی که در این روز زاده شود اوضاعش به سامان شود.

سلمان نیز گوید: روز اسفندار نام فرشته گماشته شده بر زمین هاست. روزی است نحس، در آن به دنبال برآوردن خواسته خویش نباش و به دیدار سلطان نرو.

دعای این روز:

خداوندا ستایش تو راست، ای صاحب بزرگترین عزت! ستایش تو راست در شب چون پشت کند و در روز چون آشکار گردد. ستایش تو راست، ستایشی که آغاز آن به شکرگزاریت رسد و انجام آن به خشنودیت. ستایش تو راست در آسمان ها که ستوده ای و در شهرها و میان بندگانت که مورد پرستشی و ستایش تو راست در نعمت های آشکارا و ستایش تو راست در نعمت های نهان. ستایش تو راست ای که هر چیزی را به عدد شماره کرده است و رحمت و دانشش همه چیز را فرا گرفته است.

ستایش خدایی را که آسمان را به چراغ ستارگان زینت بخشید و آن را وسیله طرد شیاطین قرار داد و ستایش خدایی را که زمین را بستر ما قرار داد و انواع گوناگونی از کشتزارها و درختان و میوهها و نخلستانها را برای ما رویاند و بوستانها و دانهها و انگورهایی در زمین نهاد و رودهایی را در آن روان ساخت.



---

1- . بقره / 201

ستایش خدایی را که در زمین کوههایی استوار افکند تا ما را نلرزاند و آن ها را چون میخ هایی بر زمین کرد. ستایش خدایی را که دریا را مسخر ساخت تا کشتی ها در آن به فرمانش روان شوند و برای این که از بخشش او روزی بگیریم و در آن دریا برای ما زیورآلاتی قرار داد و گوشتی تازه [که بخوریم] و ستایش خدایی را که چهارپایان را برای ما قرار داد تا از آن ها بخوریم و آنان را مرکب ما قرار داد تا [بر پشت آن ها] سوار شویم و از پوستشان برای ما خانه و جامه و وسایل زندگی فراهم کرد که تا چندی مورد استفاده قرار گیرد.

ستایش خدایی را که در فرمانروایی خویش بزرگوار، بر آفریدگان خویش چیره، بر امر خویش توانا، در صنعش ستوده، در علمش دقیق، بر بندگانش مهربان و در عزت و جلال و هیبت خویش متأثر از جبروت و عظمت خویش است. ستایش خدایی را که آفریدگان را بی مانند آفرید و بی یاری گر بر بندگان چیره گشت و آسمان را بی ستون برافراشت و زمین را بی پایه در کیهان گسترش داد. ستایش خدا را بر آنچه آشکار گرداند و آنچه نهان دارد و بر آنچه بوده و آنچه خواهد بود و ستایش او را به خاطر بردباریش با وجود دانستنش و گذشتش با وجود قدرتش و بر چشم پوشیش با داشتن عذر [بر عقوبتش] و ستایش خدای بخشنده عطابخش را که ما را به راه ایمان هدایت کرد و قرآن را به ما آموخت و به واسطه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر ما منت نهاد.

خداوندا بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و در این ساعت برای ما گناهی مگذار مگر این که آن را بخشیده باشی و اندوهی مگذار جز آن که آن را برطرف سازی و عیبی مگذار مگر این که آن را پوشیده باشی و مریضی مگذار جز آن که او را شفا بخشی و قرضی مگذار جز آن که برآورده سازی و درخواستی مگذار جز آن که آن را عطا کنی و غریبی مگذار جز آن که همدمش گردی و دور از نظری مگذار جز آن که بازش گردانی و رنج دیده ای جز آن که رنجش را برطرف گردانی و غم دیده ای جز آن که شادی را به او بازگردانی و هراسانی جز آن که در امانش داری و دشمنی جز آن که ما را از شرش برهانی و شکسته ای جز آن که آن را التیام دهی و گرسنه ای جز آن که سیرش گردانی و تشنه ای جز آن که سیرابش

گردانی و عریانی جز آن که بپوشانی و حاجتی از حاجت های دنیا و آخرت که خشنودی تو و صلاح ما در آن باشد، مگر آن که در آسایش و تندرستی آن را برآورده سازی، ای مهربان ترین مهربانان.

روز ششم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز برای برآوردن حاجت و ازدواج مناسب است و کسی که در این روز در خشکی یا دریا مسافرت کند، با هر آنچه دوست دارد نزد خانواده خویش بازگردد. این روز برای خرید چهارپا خوب است. کسی که در این روز گم شود یا فرار کند پیدا شود و کسی که در این روز بیمار گردد شفا یابد و کسی که در این روز زاده شود تربیتش نیکو گردد و از آفات ایمن گردد.

سلمان رحمه الله گوید: این روز، روز خرداد است، نام فرشته موکل بر جنیان. برای ازدواج و امرار معاش و طلب هر حاجتی خوب است و خواب هایی که در این روز دیده می شود یک یا دو روز بعد تعبیر می گردد.

دعای امام صادق علیه السلام در این روز:

خداوندا ستایش تو را است، ستایشی که به واسطه آن به خشنودی تو نائل گردم و شکرت را بدان به جای آورم و به واسطه آن سزاوار زیاده تقدیرت گردم. خداوندا ستایش تو راست به خاطر بردباریت با وجود دانستنت و گذشتت با وجود قدرتت و تو را ستایش به خاطر نعمتی که پس از نعمتی و احسانی که پس از احسانی بر ما ارزانی داشتی و ستایش تو را به خاطر نعمتی که به برکت اسلام بر ما ارزانی داشتی و به ما قرآن آموختی و تو را ستایش در خوشی و ناخوشی و سختی و آسانی و تو را ستایش در هر حال.

خداوندا تو را ستایش، آنچنان که شایسته و صاحب آنی و آنچنان که سزاوار ذات بزرگوار توست. ستایش خدایی را که هیچ امر نهانی در آسمان ها و زمین از او پنهان نیست و او به همه چیز داناست. ستایش خدایی را که هر کس بر او توکل کند، او را کفایت می کند و او را به دیگری واگذار نمیکند. ستایش خدایی را که دست ما

را میگیرد آن هنگام که امیدمان از همه جا بریده شود. ستایش خدایی را که مایه امید ماست آن زمان که به اعمال خویش بدگمان می شویم. ستایش خدایی را که از او طلب سلامت می کنیم و به ما می بخشد و ستایش خدایی را که از او یاری طلبیم و به فریادمان برسد. ستایش خدایی را که به او چشم امید داریم و آرزوی ما را برآورده می کند. ستایش خدایی را که او را خوانیم و دعایمان را پاسخ دهد و ستایش خدایی را که از او طلب یاری کنیم و یاریمان گرداند و ستایش خدایی را که از او خواهیم و به ما ببخشد و ستایش خدایی را که هر زمان حاجتی بخواهیم، حوائج خود را با او در میان میگذاریم.

ستایش خدایی را که بر ما بردباری می کند تا جایی که گویا هیچ گناهی نداریم. ستایش خدایی را که با نعمات خویش به ما محبت ورزد، با این که از ما بی نیاز است. ستایش خدایی را که ما را به حال خویش نگذارد تا سستی ما و ضعف ما در چاره اندیشی ناتوانمان گرداند و ستایش خدایی را که ما را در خشکی و دریا حمل کرد و از خوراکی های پاکیزه به ما روزی داد و ما را بر بسیاری از آفریدگانش برتری داد و ستایش خدایی را که گرسنگیمان را برطرف ساخت و از هراسمان ایمن داشت و از لغزش ما چشم پوشید و دشمنمان را خوار و ذلیل کرد و به دلهامان انس و الفت بخشید و ستایش خدای را که مالک این پادشاهی، روان کننده کشتی ها، رام کننده بادها و شکافنده صبح است. ستایش خدایی را که برتری یافته و بر همه چیره گشته است و بر همه چیز مالکیت یافته و مسلط گشته است و خدایی که باطن است و از درون آگاه و ستایش خدایی را که مکان های دور افتاده از نظر او پنهان نیست و پرده ها چیزی را از او نپوشاند و دریاها چیزی را از او نهفته نسازد و همه چیز به سوی او بازمی گردد.

ستایش خدایی را که پادشاهیش را زوالی نباشد و تکیه گاهش متزلزل نگردد و به قدرتش دست نیازند. خداوندا ستایش تو راست در شب چون پرده افکند و در روز چون جلوه گری آغازد و ستایش تو راست در آخرت و دنیا و ستایش تو راست در آسمان های بلند و ستایش تو راست در زمین های پست و ستایش تو راست، ستایشی روزافزون که تحلیل نیابد و ستایش تو راست ستایشی که باقی است و فانی

ص: 175

نشود و ستایش تو راست، ستایشی که بدان آسمان پهلو و زمین سنگینی خویش را برای تو اندازد و ستایش تو راست، ستایشی که آسمان ها و هر که در آن است و زمین و هر آن که در آن است، بدان ستایش تو را تسبیح گوید و ستایش تو راست ای پروردگار! به خاطر آنچه بر ما ارزانی داشتی و آنچه را ما نمی دانستیم به ما آموختی. خدایا بخشش و کرم تو بر ما عظیم است.

خدایا! ما با توبه بر تو سر کرنش فرود آورده ایم و دستانمان با اشتیاق به سوی تو گشوده شده و نه عذری برای بهانه تراشی داریم و نه توانی برای شکیبایی. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست. ما به تو پناه می بریم از این که آرزوهایمان ناامید و اعمالمان باطل گردد. خدایا به بزرگواری خویش نادانی ما را ببخشای و به بی نیازی خویش بخششت را به فقر ما ارزانی دار و از ما درگذر و ما را از بلاها حفظ گردان و بر ما لطف فرما و {در دنیا به ما نیکی و در آخرت به ما نیکی عطا کن و از عذاب آتش رهاییمان بخش. }(1) خداوندا بر محمد برگزیده درود فرست.

روز هفتم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز برای تمام کارها خوب است و کسی که در این روز شروع به نگارش کند ماهرانه آن را به پایان رساند و کسی که در این روز ساخت و ساز یا کاشتن را آغاز کند سرانجامش نیکو خواهد بود و کسی که در این روز زاده شود تربیتش شایسته و پرروزی خواهد شد.

سلمان رحمه الله علیه گوید: این روز، روز مرداد است. نام فرشته موکل بر مردم و روزی های آن ها و این روز، روزی مبارک و خوش یمن است، پس هر کار خیری که دوست داری در این روز انجام بده.

دعای این روز:

خداوندا تو را ستایش، ستایشی که به تو رسد و پایانی نداشته باشد و پایان آن منقطع نگردد و انتهای آن از عرش تو کوتاه نیاید. ستایش خدایی را که

1- . بقره / 201

فرمانبرداری نشود مگر به اذن او، و نافرمانی او نشود مگر با آگاهیاش و جز از مجازات او نهراسند. ستایش خدایی را که تنها به فضل او چشم امید دارند و تنها از عدل او هراسند. ستایش خدایی را که بر کسی که نافرمانیش کند، حجت و برهان دارد و بر هر کسی که فرمانبرداریش کند، منت دارد. ستایش خدایی را که بر هر کسی از بندگانش مهر ورزد بر او منت نهاده و کسی را که عذاب کند نشان از عدل او دارد. ستایش خدایی را که خود را ستایش کرده و بندگانش را به ستایش فرا خوانده است.

ستایش خدایی را که خیال ها از توصیف او متحیر مانده اند و خردها از درک کنه عظمت او سرگشته و واله گشته تا به ناچار به همان ستایش او از عزت وجود و بخشش خود بازگردند. ستایش خدایی را که پیش از هر موجودی بوده و پیش از او جایی برای وجود چیزی نبوده. ستایش خدایی را که اول است و هیچ موجودی قبل از او نیست و آخر است و موجودی پس از او نیست و جاودان بی پایان و فناناپذیر است. ستایش خدایی را که هوا را به آسمان مسدود ساخت و زمین را بر آب گستراند و برای خویش نام های نیکو برگزید. ستایش خدایی را که بی اندیشه تقدیرگر است و بدون صورت گیری داناست و بی مشقت باقی است و بی رنج موجودات را آفرید و وصفش بی حد و حصر است.

ستایش خدایی را که با قدرت خویش بر عالم ملکوت صاحب اختیار است و به عزت خویش اربابان را به بندگی خویش درآورده و با جود و بخشش خویش بر بزرگان سروری کند و بزرگی و فخر و فضل و کرامت و بخشش و عظمت را خاص خود کرده و مأمن پناه جویان و پناه گاه آوارگان و تکیه گاه مؤمنان و راه حاجت عبادت پیشگان است.

خداوندا ستایش تو راست، به تمام ستودگی هایت، چه آن ها که ما می دانیم و چه آن ها که ما نمی دانیم و ستایش تو راست، ستایشی که با نعمت هایت برابری می کند و از دستان تو فرو می ریزد. خداوندا ستایش تو راست، ستایشی که بر ستایش همه ستایشگران از آفریدگانت فزونی جوید، همچون فزونی تو بر تمام آفریدگانت. [همینطور] خداوندا ستایش تو راست، ستایشی که به واسطه آن به

خشنودی تو دست یابم و شکرت را به جای آورم و به واسطه آن به بخشش تو پس از قدرتت و به رحمتت سزاوار گردم، ای مهربان ترین مهربانان.

ای بهترین کسی که دیدگان به درگاه او خیره شده و گردن ها به سوی آن کشیده شده و آرزوها به درگاهش وارد آمده است! بر محمد و خاندان او درود فرست و گناهان گذشته ما را ببخشای و در باقی عمر ما را از گناه حفظ کن و در این ساعت با توبه و پاکیزگی و آمرزش و توفیق و جلوگیری از هر پیشامد ناگوار و گشایش در روزی و سرانجام نیک و بازگشتی خوب و رهایی از آتش بر ما منت بگذار.

روز هشتم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز برای خرید یا فروش روزی نیک است و کسی که در این روز بر سلطان وارد شود حاجتش برآورده شود. در این روز دریانوردی و سفر در خشکی و خروج برای جنگ مکروه است. کسی که در این روز زاده شود فردی شایسته می شود. کسی که در این روز بگریزد به سختی به او دست یابند و کسی که گم شود به سختی پیدا شود و کسی که در این روز بیمار شود به سختی افتد.

سلمان رضی الله عنه گوید: این روز، روز نمادر(1) است، یکی از اسماء باری تعالی. این روز، روزی مبارک و خوش یمن و برای هر کار خیری که بخواهی مناسب است.

دعای این روز:

خدایا تو را ستایش به تعداد برگ ها و درختان و تو را ستایش به تعداد سنگریزه ها و گل ها و تو را ستایش به تعداد موها و کرک حیوانات و تو را ستایش به تعداد روزهای دنیا و آخرت و تو را ستایش به تعداد تمام مخلوقاتت و تو را ستایش به تعداد کلماتت و تو را ستایش مطابق خشنودی خودت، تو را ستایش به

1- . این روز بین فارسی زبانان معروف به دیباذر است، مؤلف علامه در ج 59 ص 114 و 95 از همین نسخه آن را نقل کرده است.

تعداد آنچه دانشت آن را فرا گیرد، تو را ستایش بر هر چیزی که عظمت تو بدان رسیده، تو را ستایش بر هر چیزی که رحمت تو بر آن احاطه یافته، تو را ستایش به تعداد هر چه گنجینه هایش در دست توست، تو را ستایش به تعداد آنچه کتاب تو ثبت کرده و تو را ستایش، ستایشی جاودانه که هیچ گاه پایان نپذیرد و خلایق نتوانند آن را به شماره درآورند و تو را ستایش بر تمام نعماتت، آشکارا و نهان آن و اول و آخر آن و هویدا و نهان آن.

خدایا تو را ستایش بر آنچه بوده و آنچه نیست و آنچه هست. خداوندا تو راست ستایش بسیار، آنچنان که - ای پروردگار ما - بر ما نعمت بسیار ارزانی داشتی. خداوندا! ستایش یکسر تو راست و پادشاهی یکسر تو راست و خیر و نیکی یکسر در دست توست و بازگشت تمام امور؛ چه آشکار و چه پنهان به سوی توست. خداوندا ستایش تو راست بر امتحان و رفتارت با ما چه قدیم و چه جدید، به خصوص نسبت به من که به بهترین صورت مرا آفریدی و هدایت کردی و هدایتم را تمام کردی و به بهترین صورت به من آموختی. معبودا! ستایش تو راست به خاطر حسن امتحان و حمایت تو از من، چه گرفتاری ها که از من برطرف نمودی و چه اندوه ها که از جانم زدودی و چه سختی ها که به دنبالش آسانی آوردی.

خداوندا تو را ستایش بر نعمت هایت، چه آن ها که فراموش شده و چه آن ها که در یاد است، چه آن ها که شکرشان به جای آورده شده و چه آن ها که مورد ناسپاسی قرار گرفته، چه آن ها که گذشته و چه آن ها که بر جای مانده است. خداوندا تو را ستایش به شماره آمرزشت و تو را ستایش به خاطر گذشت و پرده پوشیت و تو را ستایش برای اصلاح امور ما و زیبایی تقدیرت بر ما.

خدایا ما و پدران و مادرانمان را بیامرز، چنانچه در کودکی ما را تربیت کردند و در بزرگی به ما ادب آموختند. خداوندا از پرارج ترین و وسیع ترین مراتب رحمت خویش و از بلندترین و والاترین درجات بهشتت بر ما و آنان ارزانی دار و از خشنودی خویش بدان حد بر ما مقرر فرما که چشممان بدان روشن گردانی و اندوهمان را از بین بری. هم و غممان را در امور دین و دنیای ما برطرف گردان و ما را به همان اندازه از روزیت که به ما رسید قانع گردان و از ما درگذر و همیشه و تا

زمانی که زنده هستیم ما را به سلامت دار و {در دنیا و آخرت به ما نیکی ارزانی دار و ما را از عذاب آتش حفظ بفرما. }(1)

روز نهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز، روز سبکی است و برای انجام هر کاری که بخواهی خوب است، پس کارت را در این روز آغاز کن و قرض بگیر و کشاورزی کن و درخت بکار. کسی که در این روز بجنگد پیروز گردد و کسی که در این روز به مسافرت برود مالی به دست آورد و خیر ببیند و هر کس بگریزد نجات یابد و کسی که بیمار شود، بر او دشوار شود و کسی که گم شود او را بیابند و کسی که در این روز زاده شود شایسته گردد و در تمام احوال خویش توفیق یابد.

سلمان رضی الله عنه گوید: روز آذر، نام فرشته موکل بر میزان در روز قیامت است. روزی است ستوده و خواب هایی که در این روز دیده شود همان روز تعبیر گردد.

دعای این روز از امام صادق علیه السلام:

خداوندا! تو را ستایش بر هر خیر و نیکی که بر ما ارزانی داشتی و تو را ستایش بر هر شر و بدی که از ما دفع کردی و تو را ستایش به شماره آنچه آفریدی و خلق فرمودی و پدید آوردی و ایجاد کردی و تو را ستایش به عدد آنچه آزمودی و به تعداد لطفی که روا داشتی و گرفتی و بخشیدی و میراندی و زندگی بخشیدی و بازگشت تمام این ها به سوی توست، بزرگی تو و برتری. خوار نگردد آن که تو دوستش بداری و عزت مند نگردد آن که تو دشمنش بداری. تو امرت را آشکار کردی و بازگشت به سوی توست، اجابت می کنم تو را ای پروردگار ما و در خدمتت هستم. ستایش تو راست به شماره آنچه به ارث برد و به ارث گذارد و تویی که زمین و هر که در آن است را به ارث می بری و به سوی تو باز می گردند و تو چنانی که



---

1- . بقره / 201

خود ثنای خویش گفته ای. سخن هیچ گوینده ای به ستایش تو نمی رسد و هیچ بخششی، از تو چیزی نکاهد و هیچ سائلی تو را درمانده نسازد.

خداوندا! ستایش تو راست ای صاحب ستایش و نهایت ستایش. تو را ستایش بر ستایش تو و ستایشی که تنها سزاوار توست. خداوندا! تو را ستایش در شب چون تاریکیش همه جا را فرو پوشد و در روز چون روشن گردد. تو را ستایش در دنیا و آخرت و تو را ستایش در آسمان های بلند و تو را ستایش در زمین های پست و آنچه در زیر خاک است. جز ذات تو همه چیز نابودشونده است. هر چه جز توست نابود می شود و تنها ذات تو باقی می ماند. خداوندا! ستایش تو راست در خوشی و ناخوشی و ستایش تو راست در سختی و آسایش و سلامت و بلا و ستایش تو راست در فقر و نعمت.

خداوندا! ستایش تو راست، آنچنان که خویش را در آغاز کتابت [سوره حمد] و تورات و انجیل و قرآن عظیم ستایش فرموده ای و ستایش تو راست، ستایشی که آغاز آن منقطع نگردد و انجام آن پایان نیابد و تو را ستایش به خاطر [نعمت] اسلام و تو را ستایش به خاطر [نعمت] قرآن و تو را ستایش به [شکرانه نعمت] خانواده و مال و تو را ستایش در سختی و آسانی و تو را ستایش در سلامت و شکرگزاری و تو را ستایش بر بردباری پس از علمت و بر بخشش پس از قدرتت و تو را ستایش بر نعمات فراوانت بر ما و تو را ستایش نعمت های

بی شمارت و تو را ستایش، آنچنان که نعماتت بر ما آشکار شده و بر ما پنهان نیست و تو را ستایش آنچنان که نعماتت افزون شد و به شمار درنیامد و تو را ستایش چنانچه دانشت همه چیز را به شماره درآورده و تو را ستایش آنچنان که تو شایسته آنی. خدایی جز تو نیست. نه شب تار و نه آسمان برج دار و نه زمین راه دار و نه دریای موج دار و نه تاریکی های انباشته بر روی هم [چیزی را] از تو نهان دارند.

ای پروردگار من! من خرده ای هستم که توام آفریدی، پس تو راست ستایش. پروردگارا! من ذره ای ناچیز هستم که توام رفعت بخشیدی، پس تو راست ستایش. پروردگارا! من موجود بی ارزشی هستم که توام کرامت دادی، پس تو را ستایش. من خواهانی هستم که توام خوشنود گرداندی، پس تو را ستایش. من مستمندی هستم

که توام توانگر کردی، پس تو را ستایش. من خطاکاری هستم که تواش بخشیدی، پس تو را ستایش. من گناهکاری هستم که توام رحم فرمودی ای پروردگارم، پس تو را ستایش. من گواهی هستم که توأم حفظ کردی، پس تو را ستایش. من مسافری هستم که توأم به سلامت داشتی، پس تو را ستایش. من دور از وطنی هستم که توأم بازگرداندی، پس تو را ستایش. من بیماری هستم که توأم شفا بخشیدی ای پروردگارم، پس تو را ستایش. من غریبی هستم که تو زود به دیارم رساندی، پس تو را ستایش. من دردمندی هستم که توام عافیت دادی، پس تو را ستایش. من گرسنه ای هستم که توأم سیر گرداندی، پس تو را ستایش. من برهنه ای هستم که توأم پوشاندی پروردگارم، پس تو را ستایش. من آواره ای هستم که توأم پناه دادی پروردگارم! پس تو را ستایش. من اندکی هستم که تو ای پروردگار فزونیم دادی، پس تو را ستایش. من اندوهگینی هستم که تو ای پروردگار اندوه از دلش زدودی، پس تو را ستایش.

تو را ستایش برای نعمت بسیاری که بر ما ارزانی داشتی و من کسی هستم که وقتی مرا آفریدی، هیچ نبودم، پس تو را ستایش. تو را خواندم و اجابتم کردی، پس تو را ستایش. خداوندا! این نعمت هایی است که مرا بدان مخصوص گرداندی، از میان آن نعماتت که بر فرزندان آدم مبذول داشتی، آنچه مسخرشان کردی و آنچه از آنان دفع کردی. پس تو راست ستایش فراوان. ذره ای از نعماتی که به من بخشیدی، نه به سبب کار شایسته ای بود که از من سر زده باشد و نه حقی که به واسطه آن سزاوار این نعمت گردم. و چنان نبود که هیچ یک از اندوه های دنیا و دردها و انواع بلاهای آن را که از من دور کردی به خاطر کار نیکی باشد که از من سر زده است و من به واسطه آن سزاوار آن لطف گردم، ولی تو با رحمت خویش و حجتی بر من [که آن را تمام کردی] این بلاها را از من دفع کردی، ای مهربان ترین مهربانان! خداوندا ستایش فراوان تو راست، آنچنان که بلاهای بسیاری را از من دفع کردی.

خداوندا بر محمد و خاندان او درود فراوان بفرست و در این زمان و در هر زمان ما را کفایت فرما از آنچه کفایتش را از تو خواستیم و از حوادث شب و روز که به راستی کفایت گری جز تو و پروردگاری به غیر از تو نداریم، پس حاجات ما

ص: 182

را در مورد دین و دنیا و آخرت و آغازمان برآورده فرما. تو معبود و سرور ما هستی. حکمت درباره ما نیکو و قضاوتت برای ما عدل است. برای ما خیر و خوبی مقرر فرما و ما را از اهل نیکی و از جمله کسانی قرار ده که در پی موجبات خشنودی تو هستند و از خشمت به دورند و واجباتت را انجام میدهند و از کوتاهی کردن و غفلت روی گردانند و ما را به سلامت دار و همیشه و تا زمانی که عمر داریم، در تمام امور از ما درگذر و چون جانمان را به تمامی گرفتی ما را بیامرز و به ما رحم کن و ما را در زمره نجات یافتگان از آتش دوزخ و واردشوندگان به بهشت و از همراهان حضرت محمد صلی الله علیه و آله قرار ده.

روز دهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت نوح علیه السلام در این روز زاده شده است. کسی که در این روز زاده شود به پیری و سالخوردگی رسد و پر رزق و روزی گردد. این روز برای خرید و فروش و مسافرت خوب است و گمشده در این روز پیدا شود، و فرد گریزان را نیز بیابند و در بند کشند و کسی که در این روز مریض شود بهتر است وصیت کند.

سلمان رضی الله عنه گوید: روز آبان نام فرشته گماشته شده بر دریاها و آب ها و رودخانه هاست. روزی سبک و مبارک است و کسی که در این روز از سلطان بگریزد، دستگیر شود و کسی که در این روز زاده شود، دچار تنگ دستی و گرفتاری نگردد و پر رزق و روزی باشد و خواب هایی که در این روز دیده شود در عرض بیست روز تعبیر گردد.

دعای این روز:

خدایا چه بسیار کارهایی که در آن ها سختی کشیدم و تو سودآوری از آن را برای من آسان فرمودی و شر و بدی آن را از من دور ساختی و در غیاب من مرا حفظ کردی و به من روزی دادی و در گواهی مرا کفایت کردی بی آن که کاری از من در گذشته در آن سر زده باشد و هیچ نیرو و قوتی جز تو نیست، پس تو را سپاس و منت و فضل برای این الطافی که به من داشتی. خدایا چه بسیار چیزهایی

که من از آن دور بودم و تو آن را عهده دار شدی و رأی مرا در مورد آن محکم ساختی و لغزشم را کم کردی و به درخواستن مرا توفیق دادی و اراده و عزمم را در این باره راسخ ساختی، پس تو را ستایش فراوان ای معبود من !

خداوندا بر محمد پیامبر امّی، آن پاکیزه خوشنود مبارک پاک و طاهر و خاندان پاک و برگزیده او درود فرست، همان طور که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی، که به راستی تویی ستوده و بزرگوار. خداوندا از تو می خواهم به حق تمام صفات نیکت و به صلوات بر پیامبرت محمد و خاندان او که تمام گناهانم را بیامرزی؛ تازه و کهنه اش را، کوچک و بزرگش را، پنهان و آشکارش را، چه آن ها که می دانم و چه آن ها که نمی دانم و تو آن ها را شمرده و حفظ کرده ای، ای مهربان ترین مهربانان ! از تو می خواهم مرا در کار دین و دنیایم محفوظ بداری تا بتوانم واجباتت را به جای آورم و موجبات خشنودیت را فراهم کنم و ایمان و یقینم خالص گردد و از طمع ورزی در امان باشم و [به آسانی] از صراط عبور کنم و همراه حضرت محمد صلی الله علیه و آله باشم و از عذاب آتش ایمن گردم و به بهشت وارد شوم.

خداوندا ! در زندگی به جسمم تندرستی ببخش و مرا از سرازیری ایمن دار و از روزی پاکت به من ببخش، ای معبود من ! به رحمتت که بر همه چیز در دنیا و آخرت سایه گسترانده، بر من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان ! خداوندا تسبیحت گویم و به ستایشت مشغولم، چه بزرگ است نام هایت در میان آسمانیان و چه ستوده است کارت در بین زمینیان و چه آشکار است نیکی ات در خشکی و دریا ! خداوندا منزهی تو و به ستایشت مشغولم. از تو درخواست آمرزش دارم و به درگاه تو توبه می کنم که تویی پروردگار و منم بنده. تمام گریزها به سوی توست، ای فرود آورنده باران و اندازه کننده روزیها و قسمت کننده زندگی ها، ای مقدر کننده عمرها و روزی دهنده بندگان و سیراب کننده سرزمین ها و صاحب برکات بزرگ.

خداوندا تسبیحت گویم و به ستایشت مشغولم، خدایی جز تو نیست. از تو درخواست آمرزش دارم و به درگاه تو توبه می کنم. تویی که آذرخش به ستایش تو تسبیح می گوید و فرشتگان از بیم تو و عرش اعلی و هوا و آنچه میان آن دو و در زیر خاک است و خورشید و ماه و ستارگان و روشنی و نور و سایه و گرما و سایه

و تاریکی. منزهی تو و چه بزرگی تو. هر چه در آسمان ها و زمین و هواست و هر که در اعماق تاریک دریاها و زیر خاک است و از شرق تا غرب تسبیح تو را گویند. منزهی تو، معبودی جز تو نیست، اجابت دعا و سپاسگزاری در آسانی را از تو می خواهم، آمین ای پروردگار جهانیان.

خدای من! منزهی تو و به ستایشت مشغولم، خدایی جز تو نیست. تو آسمان های بلند را برافراشتی و طبقات آن را استوار ساختی، منزهی تو. به فراز و نشیبهای زمینهای پست نظر افکندی و کناره های آن متزلزل گشت. منزهی تو، به دریاها و اعماق آن نظر افکندی و پس هر چه در آن ها بود از روی هراس و بیم از تو آشکار و هویدا شد. منزهی تو، بدانچه شرق و غرب جهان بر آن احاطه دارد و به فضای میان آن دو نظر افکندی پس تمام آن ها در برابر تو خشوع کردند و در برابر بزرگی و بزرگواری ذات تو که کریم ترین ذات هاست، به خشوع و فروتنی افتادند. منزهی تو، که بود آن که تو را بر حذر داشت آنگاه که آسمان ها را برافراشتی و بر عرش عظمت خویش مستولی گشتی؟ منزهی تو، کیست آن که تو را دید آنگاه که زمین را گستراندی و آن را کشیدی و سپس آن را پهن کردی و بسترش ساختی؟ کیست آن که قدرت تو را اندازه گیری کند؟

کیست آن که شاهد بود، آن گاه که کوه ها را برافراشتی و پایه های آن را از روی مهری که نسبت به بندگان خویش داشتی برای اهل آن محکم کردی. منزهی تو، کیست آن که تو را یاری داد آن گاه که دریاها را شکافتی و زمین را بر آن ها احاطه دادی. منزهی تو، چه والاست بردباریت و چه نافذ است دانشت و چه نیکوست آفرینشت. منزهی تو خدای من و به ستایشت مشغولم. که را یارای رسیدن به کنه ستایش و توصیف تو یا توان رسیدن به عرصه پادشاهی تو هست. منزهی تو، دیدگان در برابر تو متحیر مانده و دل ها از هراس و بیم تو مملو گشته اند. منزهی تو خدای من و به ستایشت مشغولم. خدایی جز تو نیست، چه حکیمی و چه دادگری تو، چه رئوف و پرمهری تو و چه بدیع است آفرینشت! تویی زنده و پاینده، معبودی جز تو نیست. بسیار بزرگ و برتری از آنچه ستمگران می گویند.

ص: 185

روز یازدهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت شیث علیه السلام در این روز به دنیا آمد. برای آغاز به کار و خرید و فروش و مسافرت مناسب است. در این روز از ورود بر سلطان اجتناب ورزید و کسی که در این روز بگریزد مطیع و حلقه به گوش بازگردد و کسی که در این روز بیمار شود به زودی شفا می یابد و کسی که گم شود به سلامت بازگردد و کسی که در این روز زاده شود زندگی خوشی خواهد داشت، ولی او نمی میرد تا این که فقیر شود و از سلطان بگریزد.

سلمان رضی الله عنه گوید: روز خور نام فرشته گماشته شده بر خورشید است، روزی است سبک مثل روز قبل.

دعای این روز:

{منزّه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصی - که پیرامون آن را برکت داده ایم - سیر داد، تا از نشانه های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست.}(1) او [پاک و] منزّه است و از آنچه ستمگران می گویند بسی والاتر است. {آسمان های هفتگانه و زمین و هر کس که در آن هاست او را تسبیح می گویند و هیچ چیز نیست مگر این که در حال ستایش، تسبیح او می گوید، ولی شما تسبیح آن ها را درنمی یابید. به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است.}؛(2) {منزّه است او؛ چون کاری را اراده کند، همین قدر به آن می گوید: «موجود شو»، پس بی درنگ موجود می شود.}(3) {پس بر آنچه می گویند شکیبا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی.}(4)



---

1- . اسرا / 1
2- . اسرا / 44
3- . مریم / 35
4- . طه / 130

منزهی تو، چه عظیم الشأنی تو، منزه است خدا، پروردگار عرش، از آنچه وصف می کنند. {منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. }؛(1) {او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می سازند. }؛(2) {منزّه است او، اوست خدای یگانه قهار. }؛(3) {[شکوهمند و] پاک است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست، و به سوی اوست که بازگردانیده می شوید. }(4) منزه است خدایی که علم [به] قیامت نزد اوست. { پروردگار آسمان ها و زمین [و] پروردگار عرش، از آنچه وصف می کنند منزّه است. }؛(5) {آنچه در آسمان ها و زمین است، خدا را به پاکی می ستایند و اوست ارجمند حکیم. فرمانروایی آسمان ها و زمین از آنِ اوست: زنده می کند و می میراند و او بر هر چیزی تواناست. اوست اوّل و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست. اوست آن کس که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید؛ آنگاه بر عرش استیلا یافت. آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا رود [همه را] می داند. و هر کجا باشید او با شماست و خدا به هر چه می کنید بیناست. فرمانروایی [مطلق] آسمان ها و زمین از آنِ اوست و [جمله] کارها به سوی خدا بازگردانیده می شود. شب را در روز درمی آورد و روز را [نیز] در شب درمی آورد، و او به راز دل ها داناست. }؛(6) {آنچه در آسمان ها و در زمین است تسبیح گویِ خدای هستند، و اوست شکست ناپذیر سنجیده کار. }(7)

{اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نامها [و صفات] از آنِ اوست. آنچه در آسمان ها و زمین است [جمله] تسبیح او می گویند و او عزیز حکیم است. }؛(8) {آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، خدایی را که پادشاه پاک



---

1- . انبیا / 87
2- . یونس / 18
3- . زمر / 4
4- . یس / 83
5- . زخرف / 82
6- . حدید / 1-6
7- . حشر / 1
8- . حشر / 24

ارجمند فرزانه است، تسبیح می گویند. }؛(1) { هر چه در آسمان ها و هر چه در زمین است خدا را تسبیح می گویند. او راست فرمانروایی و او راست ستایش و او بر هر چیزی تواناست. }؛(2) {و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب[های] دراز، او را به پاکی بستای. }؛(3) {پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه، که وی همواره توبه پذیر است. }(4)

منزهی تو که هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند، مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد، و از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیرورو می شود می هراسند. منزه است کسی که آسمان ها از ترس او و ملائکه از هراس او و زمین با بیم و امید او تسبیح گوی اویند و همه از روی کمال فروتنی تسبیحش گویند. خداوندا ستایش همه خاص توست و تمام امور به سوی تو بازمی گردد. از تو برای دین و دنیا و آخرتم هر چه خوبی است مسئلت میکنم و از هر چه بدی به تو پناه می برم که تو هر چه مشیتت باشد انجام می دهی و هر چه خواهی فرمایی. بر محمد و خاندان نیک و پاک و برگزیده او درود فرست.

روز دوازدهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز برای ازدواج و شراکت و دریانوردی و از میانجی گری در بین مردم دوری کنید و کسی که در این روز بیمار شود به زودی بهبود می یابد و کسی که در این روز زاده شود تربیت او آسان خواهد بود.

سلمان رحمه الله گوید: این روز، روز ماه است. روزی است برگزیده و نام فرشته موکل بر ماه است.



---

1- . جمعه / 1
2- . تغابن / 1
3- . انسان / 26
4- . نصر / 3

دعای امام صادق علیه السلام در این روز:

منزه است خدایی که عرش او در آسمان هاست. منزه است کسی که در هم کوبیدن او در زمین است. منزه است کسی که اقتدار او در آسمان است. منزه است کسی که شأن او در زمین است. منزه است کسی که حکم و داوری او در گورهاست. منزه است کسی که هیچ گریزانی از دست [قدرت] او به در نرود. منزه است کسی که هیچ پناهگاهی از او نیست جز به سوی او. منزه است زنده ای که نمیرد. {پس خدا را تسبیح گویید آنگاه که به عصر درمی آیید و آنگاه که به بامداد درمی شوید. ستایش از آنِ اوست در آسمان ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می رسید. زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می سازد و بدین گونه [از گورها] بیرون آورده می شوید. }(1)

{ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] سرپرست داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار. }(2) تسبیح می گویم خدا را به چندین برابر شماره هر موجودی، تسبیحی جاودان و همیشگی آنچنان که سزاوار بزرگی و بخشش اوست. تو را تسبیح می گویم، معبودی جز تو نیست و به ستایش تو مشغولم. تسبیح می گویم خدای بزرگ را و به ستایش او مشغولم. منزه است خداوند بردبار سخاوت مند. منزه است خداوند بلند مرتبه بزرگ. منزه است خدای بر حق. منزه است خدای گیرنده و گستراننده. منزه است خدای زیان و سود رساننده. منزه است خدای بزرگ والا. منزه است خداوند داور دادگر. منزه است بارفعت بلندمرتبه. منزه است خداوند بزرگ، اول آخر، آشکار نهانی که بر همه چیز تواناست و به همه چیز علم دارد. منزه است آن که او این گونه است و دیگری چنین نیست.

منزه است آن جاودانی که هیچ سهوی نکند. منزه است پاینده ای که هیچ گاه سرگرم نشود. منزه است بخشنده ای که بخل نورزد. منزه است سخت نیرویی که ناتوان نشود. منزه است آن آشنایی که غفلت نورزد. منزه است آن زنده ای که نمیرد.



---

1- . روم / 19-17

2- . اسرا / 111

منزه است جاودان پایداری که زوال نپذیرد. منزه است زنده پاینده ای که چرت و خواب او را نگیرد. منزهی تو، معبودی جز تو نیست، یکتایی و شریکی نداری. منزه است خدایی که کوه های پابرجا به صدای خویش چنین تسبیح او را گویند: منزه است پروردگار بزرگ من و به ستایش او مشغولم. منزه است کسی که آسمان های هفتگانه و زمین و هر که در آن هاست تسبیح او را گویند. منزه است خداوند بزرگ بردبار پرسخاوت و او را ستایش.

منزه است خدایی که به عظمت عزت یافته و به قدرت در پرده شده و به رحمت و مهربانی عطابخشی کرده و در مقام رفعت بلندی یافته و در نهایت لطف نزدیکی جسته است و اسرار پوشیده بر او پنهان نیست. نه شب تار و نه دریای خروشان و نه هیچ حجابی بر او پوشیده نیست. دانشش بر همه چیز احاطه یافته و عطوفت و بردباریش گنهکاران را فرا گرفته و خلقتش تمام و کمال و نوست. موجودات گنگ به قدرت او گویا گشته و آفریده هایش گواهی است بر یگانگی او.

خداوندا بر محمد و خاندان محمد پیامبر هدایت و بر اهل بیت کامل و پاکیزه اش درود فرست و ما را ناامید و مأیوس از بخشش خویش باز نگردان ای معبود ما ! و پناهمان ده از این که پس از هدایتت دوباره گمراه و گمراه کننده باز گردیم و ما را از سرگردانی در دین محافظت فرما و ما را مسلمان بمیران و ما را به شایستگان ملحق گردان، به حق محمد و خاندان پاک و مطهر او، آمین ای پروردگار جهانیان !

روز سیزدهم

امام صادق علیه السلام فرموده است که این روز، روز نحسی است، پس در این روز از نزاع و صدور حکم و دیدار با سلطان و هر کار دیگری بپرهیز و در این روز بر سر خویش روغن نزن و موهایت را متراش. هر کس در این روز گم شود یا بگریزد به سلامت ماند و کسی که بیمار شود به سختی افتد و گفته شده کسی که در این روز به دنیا بیاید زنده نماند.

ص: 190

سلمان رضی الله عنه گوید: روز تیر نام فرشته موکل بر ستارگان است. روزی نحس و بد است. در این روز از سلطان و تمام کارها بر حذر باش و خواب های این روز بعد از نه روز تعبیر می شود.

دعای این روز:

منزه است آن بلند والا مقام! منزه است کسی که مرگ را بر بندگانش حتمی قرار داده است. منزه است داور دادگر. منزه است پادشاه توانای مقتدر. تسبیح گویم خدا را و به ستایش او مشغولم، تسبیحی که پس از نابودی [همه چیز] باقی می ماند و در کفه میزان پاداش افزون گردد. او را چنان تسبیحی می گویم که شایسته کرامت ذات و عزت و بزرگی او و پاداش بزرگ اوست. منزه است کسی که همه چیز در برابر عظمت او فروتن گشته است. منزه است کسی که همه چیز در برابر قدرت او سر تسلیم فرود آورده است. منزه است کسی که همه چیز در برابر پادشاهی او خاضع گشته است. منزه است کسی که تمام تاریکی ها از نور او روشنایی گرفته است. منزه است کسی که قدرت او فراتر از توان هر قدرتمندی است و کسی حد قدرت او را نشناسد.

منزه است کسی که اولش وصف ناپذیر و آخرش پایان ناپذیر است. منزه است کسی که به اسرار پنهان دل ها آگاه است. منزه است کسی که تعداد گناهان را شماره کرده است. منزه است کسی که هیچ نهانی در زمین و آسمان از او پنهان نیست. منزه است پروردگار بسیار مهربان. منزه است پروردگار یکتا. منزه است خداوندی که از هر بزرگی بزرگ تر است. منزه است خداوندی که از همه کس دلسوزتر و پرمهرتر است. منزه است بردباری که شتاب نکند. منزه است پایداری که غفلت نکند. منزه است بخشنده ای که بخل نورزد.

خداوندا از تو خواهم ای عزت مند والا مقام! ای پاک و پاکیزه! از تو خواهم به عطابخشیت ای عطابخش! و به قدرتت ای توانمند و به بردباریت ای بردبار و به دانشت ای دانا و به بزرگیت ای بزرگ و به پایندگیت ای پاینده، ای حق، ای حق، ای برانگیزنده و ای ارث برنده، ای زنده، ای زنده، ای خدا، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای باشکوه ارجمند، ای پروردگار ما، ای پروردگار ما، ای که معبودی جز تو

نیست، ای بزرگ ستایش، از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای سرور ما ! ای افتخار ما ! ای ذخیره ما ! ای آفریننده ما ! ای روزی بخش ما ! ای میراننده ما و ای زندگی بخش ما ! ای وارث ما ! ای ساز و برگ ما ! ای امید ما ! ای آرزوی ما ! از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات، ای پاینده و از تو خواهم به حق ذاتت ای خداوند ! و از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای مهربان ترین مهربانان !

از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای باعزت. از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای توبه پذیر. از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای توانا. از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای نیرومند. به حق نام های شریف و والایت از تو خواهم که بهترین درودها و برکاتت را بر محمد بنده و فرستاده و پیامبرت و خاندان پاک و مطهر او و بر هر پیامبری از پیامبرانت و همه فرشتگانت بفرستی و مرا در دین و دنیایم و در تمام احوالم به سلامت داری، سلامتی که به واسطه آن از گناهانم درگذری و بر عیوبم پرده پوشی و دینم را اصلاح گردانی و امورم را جمع و جور کنی و غایبم را باز گردانی و خواسته هایم را برآورده سازی و مرا بر دشمنم پیروز گردانی و به واسطه آن مرا از کسی که قصد آزارم را داشته باشد و در پی لغزش و سقوط من باشد، رهایی بخشی و کارهایم را آسان گردانی و به روزیم گشایش بخشی و تنم را تندرست گردانی و بدهی هایم را ادا کنی. تو معبود و سرور من هستی و تو مهربان ترین مهربانانی.

روز چهاردهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز برای هر کاری خوب است و کسی که در این روز زاده شود، جفاکار و ستمگر گردد. این روز برای علم آموزی و خرید و فروش و مسافرت و قرض گرفتن و دریانوردی خوب است و کسی که بگریزد، دستگیر شود و کسی که بیمار گردد، اگر خدا بخواهد بهبود یابد.

سلمان رضی الله عنه گوید: روز جوش نام فرشته موکل بر انسان و جن، روزی مبارک و خوش یمن و برای هر کاری مناسب است. برای دیدار با سلطان و انسان های بزرگ و دانشمندان خوب است. متولد این روز نویسنده و ادیب گردد و

ص: 192

در آخر عمر خود مالش زیاد شود. خواب های این روز پس از بیست و شش روز تعبیر می شود.

دعای این روز:

خدایا بر محمد و خاندان محمد، پیامبر امّی (درس ناخوانده) درود فرست، آنچنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی. به راستی که ستوده و بزرگواری. خدایا من به سوی تو شوق دارم و در پی تسبیحی که از تو می کنم و درودی که بر پیامبرت می فرستم از تو می خواهم تمام گناهان کهنه و تازه، بزرگ و کوچک و آشکار و پنهان مرا و گناهانی که تو به شماره درآوردی و من فراموش کرده ام ببخشی و سایر عیوبم را همیشه و تا آخر عمرم بپوشانی و مرا رسوا نسازی ای پروردگار من، و با این وجود تمام کارها را بر من آسان گردانی؛ از [لباس] عافیتی که بر من بپوشانی و مهری که بر من بگسترانی. به راستی که کسی جز تو توانایی و مالکیت این کار را ندارد. خدایی جز تو نیست. صداها در برابر تو فروتن گشته و صفات در برابر تو متحیر مانده و خردها درباره تو سرگردان شده اند. خدایی جز تو نیست، همه چیز در برابر تو خشوع کرده و هر موجودی برای تو افتادگی نشان دهد. معبودی جز تو نیست، مخلوقات همه از آن توست و زمام اختیار تمام آن ها به دست تو و در قبضه قدرت توست. کسی که به تو شرک ورزد همو بنده خوار و ناتوان توست. معبودی جز تو نیست، تویی پروردگاری که همتایی نداری و جاویدی که پایانی نداری و پاینده ای که زوالی نداری و پادشاهی که همتایی نداری. زنده زندگی بخش به مردگان و مراقب اعمال بندگان هستی. معبودی جز تو نیست، ای که پیش از خلق خود موجود بوده و پس از آنان نیز خواهی بود و بر آن ها غالب و ظاهر هستی. تویی رساننده روزی و گیرنده آن و تویی جان ستان آنان و سرور و منتهای آرزو و محل نیاز و مرجع شکایت آنان. حامی و پشتیبان آنان و سودرسانشان تویی. فراتر از تو مانعی نیست که میان تو و آنان حائل شود و پس از تو کسی نیست تا بین تو و آنان مانع گردد. انتقال و استقرار و حرکت و سکون آنان در دست توست و آنان به تو ایمان دارند و به فضل و احسان تو امیدوارند. تویی پناه هر دل سوخته و اندوهگین و امان هر ترسان و جایگاه هر نعمتی و برطرف کننده هر

بلا و سختی و منتهای هر شوق و رغبت و برآورنده هر خواسته ای و هیچ نیرو و قوتی نیست جز به تو. معبودی جز تو نیست، مهربان بر آفریدگانش، بخشنده بر بندگانش در عین بی نیازی از آنان و شدت احتیاج آنان به او. معبودی غیر از تو نیست. آگاه بر هر امر پنهان تویی و حافظ هر راز نهان تویی و تویی که بر هر آنچه بخواهد دقیق است و هر چه اراده فرماید انجام دهد. خداوندا! معبودی جز تو نیست ای مهربان ترین مهربانان! تو را سپاس در مقام سپاسگزاری، ای دانای به عالم غیب و شهود، آفریننده آسمان ها و زمین، باشکوه ارجمند. تویی آمرزنده گناه و توبه پذیر، سخت کیفر، صاحب کرامت. معبودی جز تو نیست، بازگشت همه به سوی توست. بر محمد و خاندان او همگی درود فرست.

روز پانزدهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز برای تمام کارها مناسب است مگر برای کسی که بخواهد قرض بگیرد یا بدهد و کسی که در این روز بیمار شود زود بهبود یابد و کسی که بگریزد او را بیابند و متولد این روز یا زبانش دچار لکنت گردد یا گنگ شود.

سلمان گوید: روز دیبمهر(1) یکی از نام های باری تعالی است، برای هر حاجتی مناسب است و خواب های این روز پس از سه روز تعبیر شود.

دعای این روز:

خداوندا از تو می خواهم به حق نامت، ای کسی که معبودی جز تو نیست. تویی یکتای یگانه بی نیازی که چیزی در آسمان و زمین با او برابری نکند و از تو می خواهم به حق نام والا و بلندت و از تو می خواهم به حق نام بزرگ بزرگ ترت و از تو می خواهم به حق نام باشکوه شکوهمندترت و از تو می خواهم به حق نامت که {معبودی جز او نیست، داننده غیب و آشکار است، بخشنده مهربان. }(2) از تو

ص: 194

---

1- . مخفف دیبامهر
2- . حشر / 22

می خواهم به حق نامت که {معبودی جز او نیست، سلامت بخش و مؤمن [به حقیقت حقّه خود] مسلط، عزیز، جبّار و متکبّر تویی.}(1) پاک هستی خدایا از آنچه شریکت می گردانند.

از تو می خواهم به حق نام بزرگوار و باعزتت و به حق این که معبودی جز تو نیست، تویی خالق نوساز صورتگر. نام های نیکو از آن توست. هر آنچه در آسمان ها و زمین است تسبیح تو را گوید و تویی عزت مند فرزانه. از تو می خواهم به نام گنجینه پنهانت، معبودی جز تو نیست. خداوندا از تو می خواهم به حق نامت که اگر به آن خوانده شوی پاسخ دهی و اگر از تو درخواست شود آن را عطا کنی. خدایا از تو می خواهم به حق آنچه دوست داری تا با آن نام از تو درخواست کنم و خدایا از تو می خواهم به حق آن نامت که بدان نام از تو درخواست کرد، آن بنده أت که دانشی از کتاب نزد او بود و تو تخت [بلقیس] را پیش از آنکه [سلیمان] چشم بر هم زند به نزدش آوردی.

خدایا از تو خواهم به حق [این که] «معبودی جز تو نیست» {زنده و پاینده ای که نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آنِ اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند. کرسیِ او آسمان ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آن ها بر او دشوار نیست و اوست والایِ بزرگ.}(2) و از تو میخواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به حق قرآن عظیمی که بر آخرین پیامبران و سرور فرستادگان، بر رسول خویش محمد و خاندان پاک او نازل فرمودی ای پروردگار جهانیان! و از تو میخواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به حق نامی که یکی از آفریدگانت در آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه میان آن دو است تو را بدان خواند.



---

1- . حشر / 23
2- . بقره / 255

خدایا دستانمان را با خواری به سوی تو دراز کرده ایم، دستانی که برای اقرار به پروردگاری تو نشان زده شده اند و با دل هایی محزون که با گناه خو گرفته اند به تو چشم امید بسته ایم. خدایا از هراس خویش موهبتی نصیب ما کن تا میان ما و معصیت به پیشگاه تو حائل شود و چنان طاعتی به ما ببخش که ما را به بهشت تو برساند و ما را از چشم و گوش خویش بهره مند ساز و مصیبت ما را در دین قرار مده و دنیای ما را بزرگترین اندوه ما قرار نده و آن را معیار عمل ما قرار مده و کسانی را که رحم و شفقت ندارند بر ما مسلط نگردان و ما را از هر غم و اندوه و سختی نجات بده، ای مهربان ترین مهربانان.

روز شانزدهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز، روز نحسی است و برای هیچ کاری جز ساختمان سازی و کارهای مقدماتی مناسب نیست و کسی که در این روز به سفر رود هلاک گردد و هر که بگریزد بازگردد و هر که گم شود به سلامت باشد و هر کس بیمار شود به زودی بهبود یابد و متولد این روز اگر پیش از ظهر به دنیا بیاید مجنون گردد و اگر پس از ظهر زاده شود اوضاعش به سامان گردد.

سلمان رضی الله عنه گوید: روز مهر نام فرشته موکل بر رحمت است. روزی نحس است، پس از حرکت در این روز اجتناب کن و خواب های این روز دو روز بعد تعبیر می شود.

دعای این روز:

خداوندا از تو می خواهم که معبودی جز تو نیست، به حق نامت که تصمیم گرفتی بدان نام بر [خلقت] آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و هر چه در آن ها و بین آنها خلق فرمودی، و به آن نام پناه می جویم. خدایا معبودی جز تو نیست، به حق آن نام به تو پناه می آورم. خدایا معبودی جز تو نیست، بدان نام ایمان میآورم. خدایا معبودی جز تو نیست، بدان نام از تو فریاد خواهم. خدایا معبودی جز تو نیست، بدان نام به درگاهت زاری می کنم. خدایا معبودی جز تو نیست، بدان

نام از تو یاری می خواهم. خدایا معبودی جز تو نیست، از تو خواهم به حق آنچه بدان نام تو را خواندم.

خدایا معبودی جز تو نیست، ای خدا ای خدا ای خدا، یکتایی تو و شریک نداری. از تو می خواهم ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار! به بزرگواریت و فضل و بخشش و نعمت و رأفت و مهربانی و آمرزش و زیبایی و عزت و بزرگی و جبروتت که بر خود لازم کردی که بر من رحم کنی، هر چه از تو بخواهم در سلامت و خشنودی به من ببخشایی و مرا در زمره شکرگزاران مبعوث گردانی و پناه می جویم به نامت. خدایا معبودی جز تو نیست و به هر سوگند که در ام الکتاب مکنون [لوح محفوظ] و در کتاب های پیشینیان یا در صحیفه ها یا الواح و زبور و تورات و انجیل و در کتاب مبین و قرآن بزرگ بدان سوگند یاد کردی.

به حق پیامبر رحمت محمد که درودهای با برکت بر او و خاندان او باد، به تو روی کرده ام. ای محمد! پدر و مادرم به فدایت باد، در این حاجتم و در تمام حاجاتم به وسیله تو به درگاه پروردگارت و پروردگارم روی آورم که معبودی جز او نیست و بخشنده و مهربان است. خدایا مرا از بهترین و بهره مندترین بندگانت در هر خیری قرار ده که در این صبح قسمت می کنی؛ از نوری که بدان هدایت کنی یا روزی ای که گشایش دهی یا گناهی که بیامرزی یا کار شایسته ای که بدان توفیق دهی یا دشمنی که سرکوب سازی یا بلایی که بازگردانی یا شومی که به خوشبختی دگرگونش سازی. ای مهربان ترین مهربانان!

از تو خواهم به حق نامت که یگانه و یکتا و بی نظیر و بی نیاز و تک و والا و پروردگار پیامبران و ابراهیم و محمد هستی. من به تو و به آیات و فرستادگان و بهشت و دوزخ و برانگیختن و رستاخیز و نوید و تهدیدت ایمان دارم، پس خدای من، مرا از آنچه خوش نداری دور بدار و بر آنچه می پسندی توفیق ده و در آخرت و دنیا در مورد من نیک مقدر کن که به راستی تویی صاحب نیکی و توفیق از آن توست و تو مهربان ترین مهربانان هستی، بر محمد و خاندان پاک او درود فرست.

ص: 197

روز هفدهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز، روزی متوسط است و از درگیری و دادن و گرفتن قرض در این روز بپرهیزید؛ زیرا کسی که در این روز قرضی دهد به او باز نگردد و کسی که قرض گیرد آن را پس ندهد و کسی که در این روز به دنیا بیاید اوضاعش به سامان گردد.

سلمان رضی الله عنه گوید: روز سروش نام فرشته موکل بر نگهبانی جهان است. این روز، روزی سنگین است، در این روز به دنبال هیچ خواستهای نرو.

دعای این روز:

معبودی نیست جز خدا که برطرف کننده هر اندوه است، معبودی نیست جز خدایی که هر خواری را عزت مند کرده است، معبودی نیست جز خدایی که همدم هر انسان تنهاست، معبودی نیست جز خدایی که بی نیاز کننده هر بینواست، معبودی نیست جز خدایی که نیروی هر ناتوان است، معبودی نیست جز خدایی که برطرف گرداننده هر گرفتاری است، معبودی نیست جز خدایی که برآورنده هر آرزوست، معبودی نیست جز خدایی که رفع کننده هر بلاست.

معبودی نیست جز تو که دانای به هر راز نهانی، معبودی نیست جز تو که در هر امر نهانی حاضر هستی، معبودی نیست جز تو که بر هر نجوایی گواهی، معبودی نیست جز تو که برطرف کننده هر بلایی، معبودی نیست جز تو که همه چیز در برابر تو خاضع گشته است، معبودی نیست جز تو که هر کس از تو ترسان گشته به سوی تو بگریزد، معبودی نیست جز تو که همه چیز به تو پابرجاست، معبودی نیست جز تو که همگی [موجودات] به تو نیازمندند، معبودی نیست جز تو که بازگشت همه چیز به سوی توست، معبودی نیست جز تو که یکتایی، یکتایی و شریکی نداری، معبود یگانه تویی و ستایش و فرمانروایی و بزرگی تو راست. زنده می کنی و می میرانی و خود زنده نامیرایی. زمام هر نیکی به دست توست و تو بر همه چیز توانایی. معبودی نیست جز تو که همه چیز مشتاق توست، معبودی جز تو نیست که پیش از هر چیز بودی، معبودی نیست جز تو که پایان همه چیز هستی. گواهی

می دهم که خدایی جز الله نیست و او بی شریک است، تا آن هنگام که کوه های استوار پابرجا باشند و پس از نابودی آن ها تا ابد [جاوید و یگانه هستی].

گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست، تا زمانی که جان در بدن دارم و پس از بیرون رفتن آن تا همیشه، خدایا از تو خواهم به حق نام عظیمت که در قرآن نازل فرمودی و به واسطه آن درخواست هیچ درخواست کننده ای را چه کوچک باشد و چه بزرگ، هر چه باشد رد نمی کند. ای مهربان، ای عطابخش، ای صاحب عرش بزرگ، ای شکوهمند و بزرگوار، ای زنده، ای بی نیاز! معبودی جز تو نیست به حق این که «معبودی جز تو نیست» بر محمد و خاندان او درود فرست و به جسم و گوش و چشمم و تمام اعضای بدنم سلامت بخش و در هر حال و همواره سپاس و یادت را روزی من کن.

گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست، تا زمانی که دستانم در کارند و نیز آن زمان که از کار دست کشند و بعد از نابودی آن ها و در هر حال و همواره. خدایی جز تو نیست که یکتا هستی و همتایی نداری، تا آن زمان که گوش ها بشنوند و زمانی که از کار افتند و در هر حال و تا همیشه. خدایی جز تو نیست که یکتاست و همتایی ندارد، تا آن زمان که چشم هایم ببینند و زمانی که قادر به دیدن نباشند و در هر حال و تا همیشه. خدایی جز تو نیست که یکتاست و همتایی ندارد، تا آن زمان که لب هایم حرکت کنند و زمانی که از حرکت باز ایستند و در هر حال و تا ابد.

گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست، پیش از وارد شدن در گورم و در هر حال تا ابد. و گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، گواهی که گوش و گوشت و چشم و استخوان و مو و پوست و مغز و اعصابم و هر چه را که پاهایم با خود دارد آن را بشنوند. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، گواهی که بدان امید گذر از صراط و رهایی از آتش دوزخ و ورود به بهشت را دارم. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست، گواهی که امید دارم زبانم به هنگام خروج جانم بدان گویا شود. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست، گواهی که امیدوارم پروردگارم بدان مرا در زندگی خویش و پس از مرگم رستگار کند، چه با گستراندن طاعت و چه با آمرزش گناهان یا وسعت در روزی و

یا دور کردن شر و توفیق در کار خیر، تا زمانی که جانم را به تمامی باز ستاند و کردارم را ختم به خیر گرداند. آمین ای پروردگار جهانیان.

روز هجدهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز، روزی نیک و خوش یمن و مناسب برای انجام هر کاری است؛ از جمله: خرید یا فروش یا کشاورزی یا مسافرت. کسی که در این روز با دشمن خویش نزاع کند بر او پیروز شود و قرض این روز بازگردد و مریض بهبود یابد و متولد این روز اوضاعش به سامان شود.

سلمان رضی الله عنه درباره این روز گوید: روز رش، نام فرشته موکل بر میزان است و برای مسافرت و طلب حاجات مناسب است.

دعای این روز:

معبودی جز الله نیست به تعداد خشنودیش. معبودی جز الله نیست به تعداد مخلوقاتش. معبودی جز الله نیست هموزن عرشش. معبودی جز الله نیست به تعداد کلماتش. معبودی جز الله نیست به اندازه آسمان ها و زمینش. معبودی جز خداوند ستوده بزرگوار نیست. معبودی جز خدای آمرزنده مهربان نیست. معبودی جز خدای مؤمن [به حقیقت حقّه خود] و مراقب نیست. معبودی جز خدای عزت مند جبار نیست. معبودی جز خدای متکبر چیره نیست. معبودی جز خدای گیرنده و دهنده نیست. معبودی نیست جز خدای بلندمرتبه وفادار، یکتای یگانه تک، بی نیاز چیره بر بندگان، مهربان و رحیم. معبودی نیست جز خدای اول، آخر، آشکار، نهان، فریادرس، نزدیک، اجابت کننده، آمرزنده، سپاس پذیر، دقیق، آگاه، راست گو، آغاز، دانای برتر، خواهان، چیره، نور، بزرگوار، روزی رسان، نوساز، صورت گر، پدید آورنده، نوآفرین، عطابخش، آفریننده، کفایت کننده، عافیت بخش، عزت بخش، خوار کننده، شنوا، بینا، توانا، بردبار، رفعت بخش، جلوگیر، متکبر، آفریننده، نوساز، برانگیزنده، ارث برنده، دیرین، والا، وسعت بخش، پرجبروت، صورتگر [که] بهترین نام ها از آن اوست. آنچه در آسمان ها و زمین است [جمله] تسبیح او می گویند و او شکست ناپذیر حکیم است.

اوست خدای مقتدر در جاودانگیش و چیزی با او برابری نمی کند و شباهتی بدو ندارد. هیچ چیز مثل او نیست و اوست شنوای بینا و اوست دقیق آگاه. اوست سریع ترین حسابگران و بخشنده ترین بخشندگان. اوست اجابت کننده دعای درماندگان و خواستاران ذات بزرگوارش. از خدا خواهم به سر حد نهایی کلمهاش و به عزت، قدرت و اقتدارش که بر محمد و خاندان محمد درود و رحمت فرستد و زندگی و مرگ ما را مبارک گرداند و سلامتی و تندرستی و گشایش در روزیمان و امنیت در سیر زندگی را برای ما حتمی کند و همواره ما را در انجام کارهای شایسته توفیق دهد، به راستی که تنها تویی توفیق دهنده در نیکی ها و بازگرداننده سختیها و بدی ها، ای مهربان ترین مهربانان!

روز نوزدهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز، روزی نیک است و حضرت اسحاق علیه السلام در چنین روزی به دنیا آمد و برای سفر و کسب روزی و طلب حاجات و علم آموزی و خرید برده و چهارپا مناسب است و کسی که در این روز گم شود یا بگریزد، پانزده روز بعد او را بیابند و متولد این روز شایسته و در کار خیر موفق خواهد بود ان شاء الله.

سلمان رضی الله عنه گوید: روز فروردین، نام فرشته موکل بر ارواح و گرفتن آن ها و روزی مبارک است.

دعای این روز:

ستایش خدای را بدانچه خود را به وسیله آن ستایش کرده است و خدایی جز خدای یگانه نیست بدانچه آفرینش خود را بدان تهلیل گفته، و تنزیه خدای را بدانچه آفرینش خود را بدان تنزیه فرموده، و خدا بزرگتر است بدانچه آفرینش خود را بدان وسیله به مقام بزرگی در آورده و ستایش خدای را بر نهایت بردباری و منتهی درجه خشنودی او، ستایشی که نه پایانی دارد و نه نهایتی و درود خداوند بر سرورمان محمد، پیامبر امّی و اهل بیت پاک او.

خداوندا، به مقام وحدانیتت و عظمتت و پاکیت و بزرگیت از تو میخواهم که بر پیامبرت و اهل بیتش درود بفرستی و تمام گناهان مرا، کوچک و بزرگ، پنهانی و آشکار، جدید و قدیم، آن ها که تو برشمردی و من در طول زندگیم از آن غافل شدم، همه را بیامرزی و مرا در انجام کارهای شایسته توفیق دهی تا زمانی که در بهترین حال جانم را بگیری و تمام آرزوهایم را برآورده به خیر گردان و تا پایان عمرم و تا ابد فاصله ای میان من و سلامتی و تندرستی قرار مده و روزیم را تنگ نگردان و در پیریم و وقتی مرگم نزدیک شد به روزیم گشایش ده و در تمام امور برایم خیر مقرر کن و بر محمد و خاندان او درود و رحمت فراوان بفرست.

روز بیستم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز، روز متوسطی است و برای سفر و برآوردن نیازها و پایه گذاری ها و کاشتن درخت و تاک و ستاندن چهارپا خوب است و کسی که در این روز بگریزد به سختی به او دست بیابند و کسی که گم شود ترس از نیافتن او می رود و آن که بیمار شود، بیماریش دشوار شود و کسی که در این روز زاده شود زندگیش دشوار گردد.

سلمان (رض) گوید: روز بهرام، نام فرشته موکل بر پیروزی و شکست و جنگ و مبارزه و روزی سبک [خوب] و مبارک است.

دعای روایت شده از امام صادق علیه السلام در این روز:

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست، درودی که بتوان بدان به خشنودی تو و به بهشت رسید و از خشم تو و از آتش دوزخ نجات یافت. خدایا حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر چنان مقام پسندیده ای مبعوث فرما که موجب غبطه پیشینیان و پسینیان گردد. خدایا محمد صلی الله علیه و آله را به بهترین قسم عطاء مخصوص گردان و او را به والاترین درجه و جایگاه سروری برسان و محمد را به ذکر پسندیده و بزرگی و حوض [کوثر] که محل ورود بهشتیان است مخصوص گردان.

ص: 202

خداوندا مقام و جایگاه محمد و خاندان او را بلند و برهان او را بزرگ گردان و ما را بر حوض او وارد و از جام آن سیراب گردان و ما را در گروه او محشور کن، در حالی که نه خوار و پشیمان باشیم و نه شکی در دل داشته باشیم و نه جزء انکار کنندگان و نه فریفتگان و گمراهان و نه گمراه گردانندگان باشیم، بلکه از پاداش تو خوشنود و از مجازات تو در امان باشیم. در حقیقت تویی شکست ناپذیر بخشنده. خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست که رهبر خوبی و پیشوای نیکی و فرا خواننده به نیکی است و برکت او بر تمام بندگان می رسد.

خداوندا از هر عطاء، بهترین را به محمد عطا کن تا این که مقام هیچ کدام از آفریدگانت در پیشگاه تو مقرب تر از مقام او و منزلتش پربهره تر از منزلت او و درجه اش نزدیکتر از درجه او به تو و شرافتش از او بزرگ تر و مقام شفاعتش از او والاتر نباشد که درود تو بر او باد. همه این ها را در کنار آسایش و راحتی زندگی و نعمت پابرجا و نهایت فضیلت و شادی و بزرگواری و نهایت کامیابی و بهره مندی از خوشی ها و شادمانی غیر قابل قیاس با شادمانی های دنیوی.

خداوندا ! درجه و بالاترین رتبه را به محمد عطا کن و جایگاه او را در علیین و بزرگواری او را در بین مقربان مقرر فرما. ما گواه هستیم که او رسالت تو را تمام و کمال [به خلق] رسانید و برای بندگانت خیرخواهی کرد و آیاتت را تلاوت کرد و حدود تو را به پا داشت و دستور تو را به انجام رساند و حکم تو را بیان کرد و به عهدت وفا کرد و در راه تو جهاد فرمود و آنچنان که شایسته ذات تو بود بندگی و پرستش تو را کرد تا این که مرگش فرا رسید و او را میراندی. به فرمان برداری از تو فرمان داد و خود نیز فرمان برداریت کرد و از گناه تو بازداشت و خود را نیز از آن بازداشت و با دوست تو دوستی و با دشمنت دشمنی کرد. درود و صلواتت بر سرورمان محمد و خاندان او، سرور فرستادگان و پیشوای پرهیزکاران و خاتم پیامبران باد.

خداوندا بر محمد و خاندان پاک محمد درود فرست، در شب چون بپوشاند و در روز چون روشن شود و در دنیا و آخرت، و مقام خشنودی دائمیات را به او ارزانی دار. خدایا چشم پیامبرمان محمد و خاندان او را به پیروانش از نسل او و اهل

بیت و همسران و امت او همگی روشن کن. همچنین ما و خاندان ما و کسانی که حقی بر گردن ما دارند، چه زنده و چه مرده را در زمره کسانی قرار ده که باعث چشم روشنی او می شوند و چشم همگی ما را به دیدار او روشن کن و بین ما و او جدایی میفکن و ما را خدایا بر حوض او وارد کن و از جام او بر ما بنوشان و ما را در گروه او محشور فرما و ما را بر آیین او بمیران و از پاداش او و همراهی با او محروممان مگردان، به راستی که تو بر همه کار توانا هستی.

خدایا ای پروردگار مرگ و زندگی و ای پروردگار آسمان و زمین و ای پروردگار جهانیان و ای پروردگار ما و پدران پیشین ما! تو یکتا و بی نیازی هستی که نه زاده و نه زاییده شده و هیچ کس همتای او نیست. به عزت خویش بر ملکوت حکم رانده و به قدرت خویش اربابان را به بندگی کشانده و به بخشش خویش بر بزرگان سروری کرده و به اقتدار خویش بر اشراف بخشیده و به عظمت خویش کوه ها را رام خویش ساخته ای و بزرگی و عظمت را برای خویش برگزیدی، پس قدرت هیچ کسی بر قدرت تو پیشی نگیرد و عزت کسی به درجه عزت تو نرسد. تویی پناه پناه جویان و ملجأ پناه آورندگان و تکیه گاه مؤمنان و طریق خواسته حاجت طلبان.

خدایا به حق پیامبرت که پیامبر مهربانی است از تو میخواهم و به تو رو میآورم که فتنه خواهش ها را از ما دور سازی و می خواهم که به من رحم کنی و به هنگام هر فتنه گمراه کننده مرا ثابت قدم گردانی. تو محل شکایت و درخواست من هستی، هیچ کس مانند تو نیست و توان هیچ کس با تو برابر نیست. تو بزرگ تر و والاتر و گرامی تر و عزیزتر و برتر و عظیم تر و ارجمندتر و بزرگوارتر و برتر از آن هستی که تمام مخلوقات قادر به توصیف تو باشند. تو آنچنانی که خود وصف کرده ای، ای صاحب روز جزا.

خدایا از تو می خواهم به حق هر نامی که دوست داری بدان نام خوانده شوی و به هر دعایی که یکی از آفریدگانت از پیشینیان و پسینیان تو را بدان دعا خوانده و دعایش را مستجاب کرده ای، تمام گناهانم را بیامرزی، کهنه و تازه اش را، کوچک و بزرگش را، نهان و آشکارش را و آنچه را که تو بر من شماره کرده ای و من خود در

زندگی فراموشش کرده ام. از تو می خواهم کار دین و دنیایم را آنچنان اصلاح گردانی که اثر آن بر تمام دعاها و خواسته ها و درخواست های من به درگاه تو باقی بماند. خدایا بر محمد و خاندان پاک و برگزیده و نیک او درود و رحمت فرست که همگی بری از نفاق و ناپاکی هستند.

روز بیست و یکم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز، روزی نحس و بد است؛ پس در این روز در پی هیچ خواسته ای نرو و از سلطان پرهیز کن و کسی که در این روز به مسافرت برود جانش در خطر میافتد و متولد این روز نیازمند و محتاج می شود.

سلمان نیز گفته: روز ماه، نام فرشته موکل بر شادی است و فقط برای خونریزی(1) مناسب است.

دعای این روز:

خداوندا مرا در زمره کسانی قرار ده که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند و مرا در مسیر هدایت خویش قرار ده و کلماتی را به من بیاموز که به آدم علیه السلام آموختی و توبه او را پذیرفتی؛ که تویی توبه پذیر مهربان. خدایا مرا از کسانی قرار ده که نماز به پا می دارند و زکات می دهند و مرا از کسانی قرار ده که در نماز خویش فروتن هستند و نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهناک خواهند شد. خدایا مرا از {شکیبایانی قرار ده که چون مصیبتی به آنان برسد، می گویند: ما از آنِ خدا هستیم، و به سوی او باز می گردیم. }(2) از جانب خود درود و رحمتی را برای من مقرر دار و مرا از هدایت یافتگان قرار ده.



---

1- . در ج 59 ص 77 در باب خوش یمنی و شومی روزهای ماه های عربی اضافه شده است: در روایت دیگری آمده که این روزی نحس و روز خونریزی است، پس در این روز در پی هیچ خواسته ای نرو و از سلمان چنین نقل شده که نام این روز، رام روز است و این درست است.
2- . بقره / 156-155

خدایا در زندگی دنیا و در آخرت مرا با سخن استوار ثابت گردان و مرا از ستمکاران قرار مده. خداوندا مرا از کسانی قرار ده که {فرشتگان جانشان را - در حالی که پاکند - می ستانند [و به آنان] می گویند: درود بر شما باد، به [پاداش] آنچه انجام می دادید به بهشت درآیید.} (1) خدایا مرا از کسانی قرار ده که صبر نمودند و بر پروردگارشان توکّل می کنند. خدایا {در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.} (2) و مرا از کسانی قرار ده که پروا داشته اند و کسانی که نیکوکارند. منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. دعایم را مستجاب گردان و مرا از آتش دوزخ رهایی بخش، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا مرا از {فروتنانی قرار ده که چون [نام] خدا یاد شود، دل هایشان خشیت یابد و [آنان که] بر هر چه برسرشان آید صبر پیشه گانند و برپا دارندگان نمازند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند.} (3) خداوندا! مرا از {کسانی قرار ده که در نمازشان فروتنند و آنان که از بیهوده رویگردانند و آنان که زکات می پردازند و کسانی که پاکدامنند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست.} (4) خداوندا! مرا از وارثانی قرار ده که بهشت را به ارث می برند و در آنجا جاودان می مانند. و کسانی که از بیم او هراسانند. خدایا! تو مرا از کسانی قرار دادی که به آیات تو ایمان دارند و آنان که به پروردگارشان شرک نمی آورند. پس مرا در زمره {کسانی قرار ده که آنچه را دارند [در راه خدا] می دهند، در حالی که دل هایشان ترسان است [و می دانند] که به سوی پروردگارشان بازخواهند گشت.} (5)

خدایا! مرا از سربازان خویش قرار ده که سربازان تو بی تردید پیروزند. خدایا! از باده ناب سر به مهر به من بنوشان که {مهر آن مُشک است و مشتاقان باید



---

1- . نحل / 32

2- . بقره / 201

3- . حج / 34-35

4- . مؤمنون/ 2-6

5- . مؤمنون / 60

در این [نعمت ها] بر یکدیگر پیشی گیرند.}(1) خدایا {از [چشمه] «تسنیم» مرا سیراب گردان؛ چشمه ای که مقرّبان [خدا] از آن نوشند.} (2) خدایا من بر خویش ستم کردم و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران باشم. خدایا! آسانی پس از سختی را از تو مسئلت دارم و از تو می خواهم که پاداشی پایان ناپذیر به من ارزانی داری. {پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که: «به پروردگار خود ایمان آورید»، پس ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهان ما را بیامرز، و بدی های ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران. پروردگارا، و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن، و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان؛ زیرا تو وعده ات را خلاف نمی کنی.}(3)

خداوندا! مرا از کسانی گردان که به عهدت وفادار هستند و پیمان شکنی نکنند و {آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می پیوندند و از پروردگارشان می ترسند و از سختی حساب بیم دارند.}(4) خدایا! مرا از کسانی قرار ده {که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم، نهان و آشکارا انفاق کردند، و بدی را با نیکی می زدایند، و از کسانی که فرجام خوش سرای باقی را برای آنان}(5) قرار دادیم (قرار دادی). پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.

روز بیست و دوم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز برای برآوردن حاجات و خرید و فروش و رفتن به نزد سلطان خوب است و صدقه در این روز مورد پذیرش



---

1- . مطففین / 26
2- . مطففین / 27-28
3- . آل عمران / 193-194
4- . رعد / 21
5- . رعد / 22

است و کسی که در این روز بیمار گردد به زودی بهبود یابد و کسی که به مسافرت رود به سلامت بازگردد.

سلمان رضی الله عنه گوید: روز باد، نام فرشته موکل بر باد است، روزی است سبک و مناسب برای هر حاجتی.

دعای این روز:

خدایا مرا از کسانی قرار ده که با ایمان و کارهای شایسته به دیدار تو بشتابند و از آنان که در بالاترین درجات بهشت عدن که از زیر [درختان] آن، نهرها روان است ساکنشان گردانی و ما را از جمله کسانی قرار ده که پاک گشتند. پروردگار ما! بر ما ببخشای و به ما رحم کن و تو مهربانترین مهربانانی. خدایا! ما را از آن بندگانت قرار ده که {روی زمین به آرامی گام برمی دارند؛ و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به آنان سلام گویند. و آنانند که در حال سجده یا قیام، شب را به روز می آورند. و کسانی اند که می گویند: پروردگارا، عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و رنج آور است و در حقیقت، آن بد قرارگاه و جایگاهی است. و کسانی اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی گزینند. و کسانی اند که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی کُشند و زنا نمی کنند و هر کس این ها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد. برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می شود و پیوسته در آن خوار می ماند.}؛(1) {کسانی اند که گواهی دروغ نمی دهند؛ و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می گذرند و کسانی اند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی افتند.}(2)

خدایا مرا از {کسانی قرار ده که می گویند: به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنیِ چشمان [ما] باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.}(3) خدایا!



---

1- . فرقان / 63-69
2- . فرقان / 72-73

3- . فرقان / 74

ما را از کسانی قرار ده {که به [پاس] آنکه صبر کردند، غرفه[های بهشت را] پاداش خواهند یافت و در آنجا با سلام و درود مواجه خواهند شد.}(1) خدایا مرا از کسانی قرار ده که به فضل و کرمت آنان را در سرای جاوید درآوری که نه رنجی در آنجا بدان ها رسد و نه دچار ملال گردند. خدایا مرا به باغ های [پُر ناز و] نعمت، {در میان باغ ها و نهرها، در قرارگاه صدق، نزد پادشاهی توانا}(2) وارد گردان. خدایا مرا از شر نفس خویش حفظ فرما و {بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید و بر مردان و زنان باایمان ببخشای و جز بر هلاکت ستمگران میفزای.}(3)

پروردگارا، روزی که حساب برپا می شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای. خدایا {بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند [هیچ گونه] کینه ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رئوف و مهربانی.}(4) خدایا مرا از کسانی قرار ده که {به [پاس] دوستیِ [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دادند. «ما برای خشنودی خداست که به شما می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم. ما از پروردگارمان از روز عبوسی سخت، هراسناکیم.»}(5) خدایا مرا از شر آن روز در امان دار و خرمی و شادابی را ارزانیم دار و بهشت و جامه حریر پاداشم گردان.

خدایا مرا در بهشت از {تکیه زنندگان در آن [بهشت] بر تخت ها[ی خویش] قرار ده. در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی. و سایه ها[ی درختان] به آنان نزدیک است و میوه هایش [برای چیدن] رام. و ظروف سیمین و جام های بلورین، پیرامون آنان گردانده می شود. جام هایی از سیم که درست به اندازه [و با کمال ظرافت] آن ها را از کار در آورده اند. و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان می نوشانند.}(6) خدایا مرا از باده پاکی سیراب گردان که به آنان نوشاندی و



---

1- . فرقان / 75
2- . قمر / 54-55
3- . نوح / 28
4- . حشر / 10
5- . انسان / 8-10
6- . انسان / 13-17

دست بندهای سیمینی که پیرایه آنان کردی پیرایه ام گردان و از کوشش مقبول و مورد سپاسی که روزی آنان گرداندی روزیم کن. {پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل هایمان را دستخوش انحراف مگردان و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری. }(1) و مرا از {شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و آمرزش خواهان در سحرگاهان قرار ده. }(2) {پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار؛ همچنان که بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. }(3)

خدایا از تو می خواهم که با اعمال شایسته کارم به پایان برسانی و آنچه را که در دعایم از تو خواستم به من ببخشایی ای بزرگ کردار! منزه است پروردگار عزت، {دعوت حق برای اوست. و کسانی که [مشرکان] جز او می خوانند، هیچ جوابی به آنان نمی دهند، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا [آب] به دهانش برسد، در حالی که [آب] به [دهان] او نخواهد رسید و دعای کافران جز بر هدر نباشد. و هر که در آسمان ها و زمین است - خواه و ناخواه - با سایه هایشان، بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می کنند. }(4)

خدایا از تو می خواهم که به من روزی دهی و به من رحم کنی، ای مهربان، ای رحیم! {آیا به چیزهایی که خدا آفریده است، ننگریسته اند که [چگونه] سایه هایشان از راست و [از جوانب] چپ می گردد و برای خدا در حال فروتنی سر بر خاک می سایند؟ و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین از جنبندگان و فرشتگان



---

1- . آل عمران / 8
2- . آل عمران / 17
3- . بقره / 286
4- . رعد / 14-15

است، برای خدا سجده می کنند و تکبّر نمی ورزند. از پروردگارشان که حاکم بر آن هاست می ترسند و آنچه را مأمورند انجام می دهند. }(1)

خدایا مرا از کسانی قرار ده که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و به آنچه نازل کردی ایمان دارند و به راستی این تویی که آن را قرآنی بر حق نازل کردی. {بگو: «[چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده کنان به روی درمی افتند.» و می گویند: «منزّه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است.» و بر روی زمین می افتند و می گریند و بر فروتنی آن ها می افزاید. }

خدایا مرا از کسانی قرار ده که بر آنان نعمت دادی از پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگان و آنان چه نیکو همدمانند. خدایا مرا در زمره کسانی قرار ده که هدایت کردی و برگزیدی و از آنان که هرگاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می شد، سجده کنان و گریان به خاک می افتادند. خداوندا مرا از کسانی قرار ده که شب و روز تسبیح تو را گویند و از ذکر تو سستی نورزند و از عبادت تو ملول نگردند و پیوسته تو را تسبیح گویند و برای تو سجده کنند.

خدایا مرا از {کسانی قرار ده که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند [که:] پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده ای؛ منزهی تو! پس ما را از عذابِ آتش دوزخ در امان بدار. پروردگارا، هر که را تو در آتش درآوری، یقیناً رسوایش کرده ای، و برای ستمکاران یاورانی نیست. پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که: «به پروردگار خود ایمان آورید»، پس ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهان ما را بیامرز، و بدی های ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران. پروردگارا، و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن، و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان؛ زیرا تو وعده ات را خلاف نمی کنی. }(2)



---

1- . نحل / 50- 48[1]
2- . آل عمران / 194-191

{آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمان ها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می کنند؟ و بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است. و هر که را خدا خوار کند او را گرامی دارنده ای نیست؛ چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد.}؛ (1) {همان کسی که آسمان ها و زمین، و آنچه را که میان آن دو است، در شش روز آفرید. آنگاه بر عرش استیلا یافت. رحمتگر عام [اوست]. در باره وی از خبره ای بپرس [که می داند]. و چون به آنان گفته شود: «[خدای] رحمان را سجده کنید»، می گویند: «رحمان چیست؟ آیا برای چیزی که ما را [بدان] فرمان می دهی سجده کنیم؟» و بر رمیدنشان می افزاید.} (2)

خدایا ای صاحب شایستگان! از تو می خواهم که کار مرا به کارهای شایسته ختم کنی و دعایم را مستجاب گردانی و خواسته مرا و هر کس را که کار او مرا نگران کرده برآورده سازی، ای مهربان ترین مهربانان!

روز بیست و سوم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت یوسف علیه السلام در این روز به دنیا آمده و این روز برای درخواست حاجت و تجارت و ازدواج و ورود به دربار پادشاه مناسب است و کسی که در این روز مسافرت کند غنیمت یابد و سود به دست آرد و کسی که در این روز متولد شود تربیتش نیکو گردد.

سلمان رضی الله عنه گوید: روز دیبدین، (3) یکی از نام های باری تعالی و روزی سبک و برای درخواست حاجت مناسب است.

دعای این روز:

{من [آنجا] زنی را یافتم که بر آن ها سلطنت می کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت. او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا برای



---

1- . حج / 18

2- . فرقان / 59-60
3- . مخفف دیبادین است.

خورشید سجده می کنند، و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته بود، در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند. [آری، شیطان چنین کرده بود] تا برای خدایی که نهان را در آسمان ها و زمین بیرون می آورد و آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می نمایید می داند، سجده نکنند؛ خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست، پروردگار عرشِ بزرگ است. }؛(1) {پس به [سزای] آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید [عذاب را] بچشید؛ ما [نیز] فراموشتان کردیم، و به [سزای] آنچه انجام می دادید عذاب جاودان را بچشید. تنها کسانی به آیات ما می گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده کنان به روی درمی افتند، و به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و آنان بزرگی نمی فروشند. پهلوهایشان از خوابگاه ها جدا می گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می خوانند، و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می دادند برای آنان پنهان شده است. }؛(2) {و از نشانه های [حضورِ] او شب و روز و خورشید و ماه است؛ نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه، و آن خدایی را سجده کنید که آنها را خلق کرده است، اگر تنها او را می پرستید. }(3)

خداوندا تو آمرزنده مهربانی و من گنهکار خطاپیشه و خوار هستم. خداوندا تو بخشنده ای و من محتاج و فقیرم. خدایا تو باقی هستی و من فناپذیر. خدایا تو بی نیاز کننده ای و من نیازمند، تو عزت مند هستی و من خوار، تو آفریننده ای و من آفریده، تو روزی رسانی و من روزی داده شده. تویی صاحب اختیار و منم مملوک. خدایا عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذاب آن سخت است و در حقیقت چه بد قرارگاه و جایگاهی است. [پروردگارا] شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است. پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست وارد کن و به طرز درست بیرون بر و از جانب خود برای من دلیل و یاوری



---

1- . نمل / 23-26
2- . سجده / 14-17
3- . فصلت / 37

یاری بخش قرار ده. پروردگارا، مرا در جایی پربرکت فرود آور [که] تو نیک ترین مهمان نوازانی. پروردگارا، سینه ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز. {پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند [هیچ گونه] کینه ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رئوف و مهربانی.}(1)

خدایا ای زداینده غم و ای برطرف گرداننده اندوه و ای اجابت کننده درخواست درماندگان! تو مهربان ترین مهربانانی. ای کسی که در دنیا و آخرت بخشاینده و مهربانی! در تمام بدی هایم آنچنان به من مهربانی کن که مرا از رحم و مهربانی دیگری بی نیاز گردانی. خدایا ای زنده و ای پاینده! به امید رحمت تو فریاد می خواهم، پس به فریادم برس که من تنها به واسطه تو یارای رسیدن به آرزوهایم و دفع بیزاری هایم را دارم. اختیار امور در دست توست و من بنده فقیر تو و هیچ کسی محتاج تر از من نسبت به تو نیست. خدایا من به نور تو هدایت یافتم و به فضل و بخشش تو بی نیازی جستم و در نعمت تو روزم را به صبح و شب درآوردم. گناهانم پیش روی توست، برای آن ها آمرزش می خواهم و به درگاهت توبه می کنم پروردگارم! خدایا من شر هر که را از بدی او ترسانم به وسیله تو دفع می کنم و از شر او به تو پناه می برم و از تو علیه وی یاری میطلبم. معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. خدایا من از تو یک زندگی شیرین و مرگی درست و بازگشتی عاری از رسوایی و خواری مسئلت دارم، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا به تو پناه می برم از این که کسی را خوار کنم یا این که خوار گردم و از این که کسی را گمراه کنم یا این که خود گمراه شوم و از این که ستم کنم یا این که مورد ستم واقع شوم و از این که کسی را نادان کنم یا در مورد من کسی مورد نادانی قرار گیرد. ای صاحب عرش عظیم و نعمت دیرین! بزرگی و برتری.



---

1- . حشر / 10

روز بیست و چهارم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که این روز، روزی شوم و بد است. فرعون در این روز زاده شده است؛ لذا در این روز نه در پی حاجتی باش و نه کاری. متولد این روز بهره کمی از زندگی خواهد داشت و خیر نخواهد دید و در آخر عمر یا کشته شود و یا غرق گردد و کسی که در این روز بیمار شود، بیماریش به درازا کشد.

سلمان رضی الله عنه گوید: روز دین نام فرشته موکل بر خواب و بیداری و تلاش و حرکت و نگهبانی از ارواحی است که به جسم ها باز می گردند. روز نحس دائمی است و متولد این روز به همان صورت است که پیش از این ذکر شد.

دعای این روز:

خداوندا جسم و تنم و گوش و چشمم را سلامت دار و آن دو را وارثان من قرار بده، ای آغازی که شریکی نداری، ای جاویدی که پایانی نداری، ای زنده ای که نمیرد، ای زندگی بخش مردگان، تویی ناظر بر کردار هر کس، بر محمد پیامبر امّی و خاندان او و اهل بیتش درود فرست و برای من چنین و چنان کن. خداوندا ای شکافنده صبح و ای شب را مایه آرامش و ماه و خورشید را [وسیله] حساب گرداننده، قرض ما را ادا فرما و از فقر و نداری ما را در پناه گیر و ما را از گوش و چشممان بهره مند گردان و نفس ما را در راهت نیرومند گردان، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا، معبودی جز تو نیست و تویی پادشاه، معبودی جز تو نیست و تو نوآفرینی هستی که پیش از تو چیزی نیست. تو جاوید فناناپذیر هستی، زنده ای که نمیرد، تویی آفریننده هر چه دیدنی است و هر چه نادیدنی. هر روز تو در کاری هستی، بر محمد و خاندان او درود فرست و آمرزش من و پدر و مادرم و برادرانم و هر کسی که نگران او هستم جزء کارهای تو باشد، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا از تو می خواهم بدین روی که تو بزرگوار و توانایی و هر چه بخواهی انجام می شود و به وسیله پیامبرت و خاندان برگزیده، پاک و نیکوی او به درگاهت

رو می کنم. ای محمد صلی الله علیه و آله، من به واسطه تو به درگاه خداوند که پروردگار من و پروردگار توست، روی آورم تا این خواسته مرا برآورده سازد، پس در این حاجت و در سایر حاجات و خواسته هایم شفیع من باشی.

خدایا از تو خواهم به حق نامت که مقادیر به وسیله آن مشخص می شود و به وسیله آن بر امواج آب راه روند، چنانچه بر هموارى های زمین راه می روند. از تو می خواهم به آن نامت که گام های فرشتگان با شنیدنش بلرزد و از تو می خواهم به آن نامت که موسی علیه السلام از جانب طور تو را به آن نام خواند و اجابتش کردی و از جانب خویش محبتی را بر دل او افکندی و از تو می خواهم به آن نامت که محمد صلی الله علیه و آله تو را بدان نام خواند که برایم چنین و چنان کنی.

خدایا ! به طاقهای عزت از عرشت و رحمت پایدار از کتابت و به حق اسم اعظمت و جلال و شکوهت که والاترین و بزرگ ترین است و به حق کلماتت که نه نیکوکاری از آن درگذرد و نه بدکاری، از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و برایم چنین و چنان کنی. خدایا به تو پناه می آورم از ثروتی که موجب طغیان و سرکشی گردد و فقری که موجب فراموشی شود و از هوی و هوسی که موجب نابودی گردد و از عملی که موجب خواری و رسوایی شود. صبح کردم و پروردگارم یگانه یکتایی است که هیچ چیزی را شریک او نگردانم و همراه او معبود دیگری را نخوانم و به غیر از او یاور و سرپرستی برنگیرم.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و آنچه را که از سختی آن بیم دارم برایم آسان کن و آنچه را از دشواری آن در هراسم برایم هموار گردان و آنچه را از ناسازگاری آن می ترسم برایم سهل گردان و آنچه را از دچار شدن در تنگنایش می هراسم برایم فراخ گردان و با خشنودی خویش در کار دنیا و آخرتم گشایش فرما. خدایا در توکل بر تو به من راستی یقین عطا فرما و دعای مرا در شمار دعاهای مستجاب قرار ده و عملم را در زمره اعمال بالا رفته و مورد پذیرش در درگاهت قرار ده. خدایا آنچه بر من تکلیف نمودهای، توانش را به من عطا کن و آنچه را در توانم نیست بر من تکلیف مکن. خدا مرا بس است و او نیکو حمایتگری است. خدایا یاریم کن و کسی را علیه من یاری مکن و حق مرا از هر که بر من ستم

روا داشته بستان و امور دنیا را به مراد من تدبیر کن و نه به زیان من و مرا هدایت کن و راه هدایت را بر من آسان گردان.

خدایا من دین و امانتم و پایان اعمال خویش و هر نعمتی را که در دنیا و آخرت به من ارزانی داشتی به تو می سپارم و به راستی تویی که سپردههای نزد خودت را ضایع نخواهی کرد. خدایا هیچ کس مرا از تو پناه ندهد و غیر از تو پناهگاهی ندارم. خدایا بر محمد و خاندان او درود بفرست و به اندازه چشم بر هم زدنی مرا به حال خویش وامگذار و [نعمت] شایسته ای را که به من عطا فرموده ای از من باز مستان؛ چرا که آنچه را تو بخشیدی کسی نتواند مانع شود و آنچه را تو مانع شوی، کسش نتواند بخشید و کوشش هیچ صاحب کوششی در برابر تو سودی ندارد. پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار و بر محمد و خاندان پاک و برگزیده او درود و رحمت فرست، ای مهربان ترین مهربانان!

روز بیست و پنجم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که این روز، روزی نحس و بد است و در این روز خود را حفظ کن و به دنبال برآوردن خواسته ای نباش که بلای این روز سخت است، در این روز خداوند مردم مصر را به همراه فرعون به آیاتی عذاب نمود و کسی که در این روز بیمار گردد به سختی افتد و کسی که در این روز زاده شود فردی مبارک، روزی دار و شریف خواهد شد، دچار بیماری سختی گردد ولی از آن سلامت یابد.

سلمان رضی الله عنه در مورد این روز گفته است: روز ارد، نام فرشته موکل بر جنیان و شیاطین است. روزی است نحس که در این روز اهل مصر با نشانه هایی عذاب شدند. پس در این روز وقت خود را صرف دعا و نماز و کار نیک کن.

دعای این روز:

پناه می برم به کلمات تامه خداوند که نیکوکار و بدکار را یارای گذر از آن ها نیست، از شر هر چه در زمین آفریده شده و آنچه از آن بیرون آید و آنچه از آسمان

فرود آید و آنچه در آن بالا می رود و از شر وارد شونده در شب و روز، جز آن که خبر خوشی آورد، ای بخشاینده! خدایا از تو ایمانی خواهم که بازگشتی در آن نباشد و نعمتی که پایان نپذیرد و همراهی با پیامبرت صلی الله علیه و آله در بالاترین درجه بهشت جاوید با پیامبران و راستگویان و شهدا و شایستگان، و چه نیکو رفیقانی هستند آنان.

خدایا مرا از بیمم در امان دار و عیبم را بپوشان و از لغزشم درگذر، که تویی خدایی که معبودی جز تو نیست و یکتایی و شریکی نداری، پادشاهی و ستایش از آن توست و تو بر همه چیز توانایی. خدایا! من از تو درخواست می کنم و تویی درخواست شده پسندیده و تویی معبود عطابخش، صاحب شکوه و بزرگی، [از تو خواهم] که تمام گناهانم را ببخشی: کوچک و بزرگش را، آنچه را از روی عمد یا از روی خطا انجام داده ام، آنچه را که تو ثبت کرده و من فراموش کرده ام؛ که تویی بسیار آمرزنده و تویی جبار و تویی مهربان ترین مهربانان. خدایا از تو میخواهم به این که معبودی جز تو نیست و تویی معبود من و معبود همه چیز و تویی یگانه و پیروز، که برایم چنین و چنان کنی...

خدایا این ها را به من ببخشای و خیری را که تو به یکی از آفریدگانت وعده دادی و فکر من از آن قاصر است و دعای من بدان نرسیده و من در این خواسته به تو امید بسته ام، و از تو میخواهم به رحمتت و به نامت، گنجینه پنهان و مبارک که پاک و پاکیزه و بی همتا و یگانه و تک و یکتا و بی نیاز و بزرگ و بلندمرتبه ای که نور آسمان ها و زمین است و از تو خواهم بدان نام که خود را بدان خواندی و فرمودی: الله نور آسمان ها و زمین است، پس ای نور آسمان ها و زمین! از تو می خواهم که بر محمد و خاندان او درود و رحمت بفرستی و تمام گناهانم را بیامرزی، چه عمدی باشد و چه از روی خطا که به راستی تویی بسیار توبه پذیر مهربان و از تو خواهم که چنین و چنان کنی...

خدایا ای برطرف کننده هر اندوه و ای صاحب هر نعمت و نهایت هر آرزو و برآورنده هر خواسته، ای پدید آورنده آسمان ها و زمین، باشکوه و ارجمند، ای فریادرس فریادخواهان و ای یاری گر غمگینان و ای نهایت خواسته آرزومندان و

برطرف کننده اندوه اندوهگینان و اجابت کننده خواسته درماندگان و معبود جهانیان و ای مهربان ترین مهربانان! بر محمد و خاندان او درود فرست و چنین و چنان کن...

معبودی جز تو نیست. تو پروردگار و سرور من هستی و من بنده و فرزند بنده و کنیز تو ام، زمام اختیار من در دست توست. من بر خود ستم کردم و به خطای خود اقرار و به گناهانم اعتراف کردم. از تو خواهم ای عطابخش! ای پدید آورنده آسمان ها و زمین! باشکوه و ارجمند! که بهترین درودهایی را که بر یکی از بندگانت فرستی، بر محمد، بنده و فرستاده ات و خاندان او فرست. از تو می خواهم بدان نیرویی که دریا را بر بنی اسراییل شکافتی، مرا از هر ستمگر و دشمنی کفایت کنی. خدایا به کمک تو نیزه در گلوی آنان فرو میبرم و از شر آنان به تو پناه می برم و به وسیله تو از آنان پناه گیرم و از تو علیه آنان یاری جویم که تویی معبود من و هیچ چیز را شریک تو قرار نمی دهم و به غیر از تو یاوری اختیار نمی کنم، ای مهربان ترین مهربانان!

روز بیست و ششم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز برای مسافرت و هر کاری که بخواهید مناسب است به غیر از ازدواج که هر که در این روز ازدواج کند از همسرش جدا شود؛ زیرا در چنین روزی دریا بر حضرت موسی علیه السلام شکافته شد. اگر در این روز از مسافرت بازگشتی بر خانواده ات وارد نشو. بیمار در این روز به سختی افتد و متولد این روز عمرش طولانی گردد.

سلمان رضی الله عنه درباره این روز گوید: روز اشتاد نام فرشته ای است که به هنگام ظهور دین آفریده شد، روزی است مناسب برای هر کاری به جز ازدواج.

دعای این روز به نقل از امام صادق علیه السلام:

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و از تو می خواهم ای پروردگار آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه در آن ها و میان آن هاست و پروردگار سبع المثانی و قرآن بزرگ و پروردگار جبرییل و میکاییل و اسرافیل و پروردگار تمام فرشتگان و پروردگار محمد آخرین پیامبران و فرستادگان و

پروردگار تمام مخلوقات. از تو خواهم به آن نامت که آسمان ها و زمین ها بدان پابرجا هستند و پیمانه دریاها و وزن کوه ها را بدان نام به شماره درآوری و به آن زندگان را بمیرانی و مردگان را زنده گردانی و ابرها را بدان پدید آری و بادها را بفرستی و بندگان را بدان روزی دهی و تعداد شن ها و ریگ ها را شماره کنی و هر چه بخواهی کنی و به حق آن نام به چیزی بگویی باش، پس می شود، از تو خواهم که فقرم را به بی نیازی خویش برطرف فرمایی و دعایم را مستجاب گردانی و خواسته و آرزویم را به من ببخشی و از جانب خود و با رحمت خویش گشایش مرا در تندرستی مقرر فرمایی و بیم مرا امان بخشی و در شایسته ترین نعمت ها و بزرگ ترین سلامت ها و بهترین روزی و گشایش و آسایش و فراغت زنده ام داری و سپاسگزاری بر نعماتی را که بر می بخشی روزیم گردانی و همیشه و تا زنده ام آن را تمام و کمال و پیوسته بر من ارزانی داری تا آن را به نعمت آخرت متصل گردانی.

خدایا اندازه های دنیا و آخرت و شب و روز و مرگ و زندگی به دست توست و مقدرات پیروزی و شکست و خیر و شر در اختیار توست. خدایا امر دینم را مبارک گردان که ملاک عمل و معیار دنیای من است که زندگیم در آن است و ملاک آخرتم که بازگشتم به سوی آنجاست و در تمام امورم به من برکت بده. خدایا تویی خدایی که معبودی جز تو نیست. وعده ات راستین است و دیدارت حق. از شر زندگی و مرگ به تو پناه می برم و از سختی های دنیا و آخرت به تو پناه می برم و از فتنه دجال به تو پناه می برم و از شک و بدکاری و سستی و بی حالی و ناتوانی به تو پناه می برم و از خساست و زیاده روی به تو پناه می برم.

خدایا در گذشته از من گناهانی سر زده و جنایاتی را بر نفس خود مرتکب شده ام و تو ای پروردگار من، نسبت به من اختیار چیزهایی را داری که من خود اختیار آن را ندارم. پروردگارا! تو مرا آفریدی و به تنهایی کار خلقتم را بر عهده گرفتی و من بدون تو هیچ نبودم و هیچ خیری در هیچ تسلطی وجود ندارد مگر از جانب تو و من هیچ گونه بدی را از خود دفع نکردم، مگر آنچه را تو از من راندی. پروردگارا! آنچه را که من نمی دانستم تو به من آموختی و بر آنچه مالکیت نداشتم و گمان آن را هم نمی کردم، مالکیت دادی و بدانچه امیدش را نداشتم رسانیدی،

پروردگارم! و آنچه آرزویم توان رسیدن به آن را نداشت به من ارزانی داشتی ای پروردگارم! پس ستایش بسیار تو راست، ای آمرزنده گناه، مرا بیامرز و چنان خشنودی و رضایتی به دلم ده تا به وسیله آن حوادث ناگوار دنیا بر من آسان گردد.

خدایا! پروردگارا! دری را که در آن گشایش و سلامتی و نیکی باشد، همه را بر من بگشای. خدایا این در را بر من بگشای و مرا به راه آن هدایت کن و راه خروجش را به من نشان ده. خدایا هر یک از بندگانت را که بر من تسلط دادی و بخشی از کارهای مرا به او سپردی، دل ها و زبان ها و چشم ها و گوش های آن ها را از من برگیر و از برابرشان و پشت سرشان و از بالای سر و زیر پاها و از سمت راست و چپشان و از هر سو که خواستی و هرطور و هر جا که خواستی شر آنان را از من دور کن تا از هیچ یک از آنان شری به من نرسد.

خدایا مرا در محافظت و پناه خود قرار ده که پناه جوینده تو عزیز است و ثنایت والاست. معبودی جز تو نیست. خدایا تو سلامتی هستی و سلامتی از توست. ای باشکوه ارجمند، رهایی از آتش دوزخ را از تو می خواهم و این که مرا در سرای خود، دار السلام جای دهی. خدایا از تو خیر و خوبی همه را می خواهم؛ زود و دیرش را، چه آن ها که می دانسته ام و چه آن ها که نمی دانسته ام و از تو هر خیری را می خواهم؛ چه آن ها که در دعا خواسته ام و چه آن ها که نخواسته ام و به تو پناه آرم از هر چه بدی است؛ چه آن که از آن هراس دارم و چه آن که از آن نهراسم و از تو می خواهم از آنجا که گمان دارم و آنجا که گمان ندارم، روزیم دهی.

خدایا من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو هستم، اختیارم در کف توست و جانم در دست توست. فرمانت درباره من اجرا و حکمت درباره من عادلانه است. از تو می خواهم به حق هر نامی که از آن توست و خود را بدان خوانده ای یا در یکی از کتاب های خویش آن را نازل فرموده ای یا به یکی از مخلوقاتت آن را آموختی یا آن را در علم غیب نزد خود نگاه داشتهای که درود فرستی بر محمد پیامبر امّی، بنده و فرستاده ات و برگزیده از میان خلقت و بر خاندان پاک و برگزیده او و این که بر محمد و خاندان او رحمت فرستی، آنچنان که بر ابراهیم و خاندان او علیهم السلام درود و برکت و رحمت فرستادی. حقیقتاً تویی ستوده و بزرگوار و از تو خواهم که

قرآن را روشنی سینهام گردانی و به وسیله آن کارم را آسان گردانی و سینهام را فراخ کنی و آن را بهار قلبم و رفتن اندوهم و برطرف شدن غم و نگرانیم و روشنی در غذا و نوشیدنیم و روشنی در گوش و دیده ام و مغزم و استخوانم و اعصاب و مو و پوستم و روبرویم و بالای سرم و زیر پایم و از راست و چپم و روشنی در محشر و مایه روشنی هر چیز من گردانی تا این که مرا به بهشت برسانی.

ای نور آسمان ها و زمین! تو آنچنانی که خود را به گفتاری حق توصیف کرده ای [و فرموده ای]: {خدا نور آسمان ها و زمین است. مَثَلِ نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است. آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می شود. نزدیک است که روغنش - هر چند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد به سوی نور خویش هدایت می کند، و مثلها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست.}(1) خدایا مرا به نور خویش هدایت فرما و در روز قیامت از پیش رویم و پشت سرم و از سمت راست و چپم نوری را برای من قرار ده که به وسیله آن به سوی دار السلام راه یابم، ای باشکوه ارجمند.

خدایا از تو خواهم به جان خودم و خانواده و فرزندان و مالم تندرستی دهی و لباس آمرزش و سلامت بر من بپوشانی. خدایا بخشش و سلامتی در دنیا و آخرت را از تو مسئلت دارم. خدایا بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و از روبرو و پشت سر و از راست و چپ و بالا و پایین مرا حفظ گردان و به تو پناه میآورم خدایا! {ای صاحب ملک؛ هر آن کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزت بخشی؛ و هر که را خواهی، خوار گردانی؛ همه خوبیها به دست توست، و تو بر هر چیز توانایی.}

{شب را به روز در می آوری، و روز را به شب در می آوری؛ و زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را از زنده خارج می سازی؛ و هر که را خواهی،



---

1- . نور / 35

بی حساب روزی می دهی.} (1) [ای] بخشاینده و مهربان در دنیا و آخرت که به هر که خواهی از این دو بخشی و از هر که خواهی بازداری، بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و بر من رحم فرما و قرضم را ادا کن و گناهم را بیامرز و حاجاتم را برآورده ساز که تو بر همه چیز توانایی.

خدایا از تو خواهم ایمانی راستین و یقینی استوار که تردیدی در آن راه نداشته باشد و رحمتی که بدان به کرامت والای تو در دنیا و آخرت دست یابم که تو بر هر چیز توانایی. بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه او درود و رحمت فرست، به لطف و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان!

روز بیست و هفتم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز برای هر کاری خوب است و متولد این روز نیک رو و زیبا باشد و عمرش طولانی و خیرش بسیار و به مردم نزدیک و محبوب آنان باشد.

سلمان رضی الله عنه درباره این روز گوید: روز آسمان، نام فرشته گماشته شده بر پرندگان است، و متولد در این روز، آنچنان است که پیش از این گذشت.

دعای این روز:

خدایا از جانب خود رحمتی می خواهم که قلبم را بدان هدایت کنی و کارم را بدان رو به راه کنی و پراکندگیم را به وسیله آن متمرکز گردانی و دینم را بدان اصلاح فرمایی و [آنچه از من دور است] به وسیله آن نگاه داری و [آنچه با من است] بدان پاک گردانی و مالم را فزونی دهی و کارهایم را بدان رشد دهی و امورم را آسان گردانی و عیبم را بپوشانی و تباهی های احوالم را بدان بهبود گردانی و هرچه را ناخوش دارم به واسطه آن از من باز گردانی و رویم را بدان سفید کنی و در باقی عمرم مرا از هر بدی حفظ کنی.



---

1- . آل عمران / 26-27

خدایا تو آغازی و چیزی پیش از تو نیست و تو پایانی و چیزی پس از تو نیست و تویی آشکار و چیزی فراتر از تو نیست و تویی نهان و چیزی در ورای تو نیست. آشکار شدی و نهان گشتی، نهان گشتی و آشکار شدی، در آفریدههای آشکارت نهان گشتی و بر بینندگان زمینت دقیق گشتی و در عین نزدیکی برتری جستی، معبودی جز تو نیست، از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و دینم را اصلاح گردانی که موجبات حفظ سرنوشت من است و نیز دنیایم را که زندگیم در آن سپری می گردد و هم آخرتم را که بازگشتم به سوی آن است و از تو می خواهم که زندگیم را موجب زیادی هر خیری برایم گردانی و مرگم را نجات از هر شر و بدی قرار دهی.

خداوندا ! ستایش تو راست پیش از هر چیز و ستایش تو راست پس از هر چیز. ای فریادرس فریادخواهان، ای گشایش دهنده حال دردمندان، ای اجابت کننده دعای درماندگان، ای برطرف کننده گرفتاری و اندوه من که بی تردید جز تو کسی آن را برطرف نتواند کرد. تو حالم و احتیاج راستینم را به نیکی و احسانت، به خوبی می دانی پس بر محمد و خاندان او درود فرست و حاجاتم را برآور ای مهربان ترین مهربانان. خدایا ستایش همگی تو راست و عزت همه از آن توست و پادشاهی همه از توست و قدرت و جبروت همه خاص توست و همه خوبی ها به دست توست و بازگشت همه امور، آشکار و نهان به سوی توست.

خدایا آن کس را که تو گمراهش کنی هدایت گری نخواهد داشت و کسی را که تو هدایت کنی کسی نتواند گمراهش سازد. آنچه را تو کرم فرمایی کسی جلوگیر نیست و آنچه را تو بازداری کسی نتواند بخشد. آنچه را تو پیش اندازی کسی نتواند به تأخیر اندازد و آنچه را تو پس اندازی، کسی را یارای پیش انداختن آن نیست. آنچه را تو ببندی کسی نتواند آن را باز کند و آنچه را تو بازکنی کسش نتواند ببندد. خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست و برکات و بخشش و رحمت و روزی خویش را بر من بگستران. خدایا ! بی نیازی را در روز فقر، امنیت را در روز هراس و نعمت جاودان تغییر و زوال ناپذیر را از تو می خواهم.

ص: 224

خدایا، ای پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه در آن ها و میان آن هاست و ای پروردگار ما و پروردگار همه چیز! ای فرود آورنده تورات و انجیل و زبور و قرآن عظیم و پروردگار عرش بزرگ، شکافنده دانه و هسته، پروردگارا! از شر هر صاحب شری و از شر هر جنبنده ای که اختیار هستیش در دست توست به تو پناه آرم، به راستی که پروردگار من بر راه راست است و او بر هر چیز تواناست و بر همه چیز احاطه دارد. خدایا! تویی آغاز و چیزی پیش از تو نیست و تویی انجام و چیزی پس از تو نیست و تویی آشکار و چیزی فراتر از تو نیست و تویی نهان و چیزی در ورای تو نیست. بر محمد و خاندان او درود و رحمت بفرست و درباره من چنین و چنان کن...

به نام خدا و به خدا ایمان آورم و به خدا پناه آرم و به خدا تمسک جویم و پناه برم، و به عزت و قدرت خدا از شیطان رانده شده و همسان او و از سواره و پیاده نظام او و از شر هر جنبنده ای که همراه او بجنبد. و پناه می برم به کلمات تامه و مبارک خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آن ها نگذرد و به تمام نام های نیکوی الهی، آن ها که می دانم و آن ها که نمی دانم و از شر آنچه خدا آفریده و خلق کرده و از شر وارد شونده در شب و روز، مگر آن که خیر و سلامتی از سوی تو آورد.

خدایا به تو پناه آورم از شر خودم و شر هر چشم بینا و گوش شنوا و زبان گویا و دست یورش برنده و پای رونده، از آنچه در شب و روزم بر جان خود بیم دارم. خدایا! کسی که به من قصد ستم یا زورگویی یا بدی یا زیان ناگواری دارد، جن باشد یا انسان، آشنا باشد یا دور، کوچک باشد یا بزرگ، از تو می خواهم این اندیشه را از سینه او بیرون کنی و دستش را بگیری و گامش را کوتاه کنی و قدرت و حیله گری او را مهار کنی و او را به خشمش واگذاری و آب دهانش را گلوگیرش سازی و زبانش را ساکت و چشمش را کور گردانی و او را به خود سرگرم کنی و میان من و او حائل شوی و به نیرو و قدرت خویش مرا از او نجات دهی که به راستی تو بر همه چیز توانایی.

ص: 225

روز بیست و هشتم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که این روز برای هر کاری خوب است. حضرت یعقوب علیه السلام در این روز زاده شده است، پس کسی که در این روز زاده شود اندوهگین خواهد بود و دچار غم و اندوه می شود و جسمش به بیماری مبتلا شود.

سلمان رضی الله عنه درباره این روز گفته است: روز رامیاد(1) نام فرشته گماشته بر آسمان ها و گفته شده برای داوری میان مردم، روزی مبارک و خوش یمن است و خواب های این روز همین روز تعبیر می شود.

دعای این روز:

خدایا تو بزرگی و بزرگ تر از همه چیز هستی. خدایا مرا از خیر آنچه به من ارزانی داشتی محروم نگردان و بدانچه بازم داشته ای آزمایشم مکن. خدایا از تو خواهم بهترین چیزی را که به بندگانت بخشیده ای؛ از خانواده و دارایی و ایمان و امانت و فرزند سودمند بیزیانی که موجب زیان نباشد.

خدایا من به تو محتاج هستم و از تو هراسانم و به تو پناه میبرم. خدایا نامم را مبدل مساز و پیکرم را دگرگون مکن و امتحانم را بیش از حد دشوار مگردان. خدایا به تو پناه می برم از ثروتی که باعث سرکشی گردد یا هوسی که به نابودیم بکشاند یا کرداری که خوارم گرداند. خدایا گناهانم را بیامرز و توبه ام را بپذیر و دلیلم را آشکار ساز و عیبم را بپوشان و حضرت محمد و خاندان برگزیده او را دوستان من قرار ده که برایم آمرزش خواهند.

خدایا به تو پناه جویم از این که سخن از فرمانبردای تو بگویم ولی غیر از خشنودی ذات تو را بخواهم. خدایا به تو پناه می جویم از این که دیگری در آنچه به من داده ای از من خوشبخت تر باشد. خدایا به تو پناه می جویم از شر شیطان و از شر سلطان و از شر آنچه قلم ها بدان جاری می شوند و از تو کرداری نیک و زندگی ثابت و برقرار و روزی فراوان می خواهم. خدایا گناهان را ثبت کرده ای و بر اسرار

1- . املای صحیح آن رامیار است. در کتاب آسمان و جهان مثل همین متن نوشته شده است.

آگاهی و میان دل ها حائل گشته ای و قلب ها رو به سوی تو کرده اند و رازها نزد تو آشکار است. فرمان تو به هر چه اراده فرمایی همان است که بدان بگویی: باش؛ پس [بی درنگ] موجود می شود. خدایا به حق رحمتت از تو می خواهم، هر یک از اعضایم را تحت فرمانبرداری خویش درآوری تا بر آن عمل کنم و هیچ گاه آن را از بدنم بیرون نکن. خدایا از تو خواهم تا به مهر و رحمتت معصیت خویش را از تمام اعضایم بیرون آوری تا دست از آن معصیت کشم و پس از آن دیگر هیچ وقت آن را به اعضایم بازنگردانی. خدایا تو آمرزنده ای و آمرزش را دوست داری؛ پس مرا ببخش و بیامرز. خدایا تو از ازل وجود داشتی و چیزی پیش از تو نبود و پس از تو نیز وجود نخواهد داشت و تو زنده پاینده ای، چشم ها به خواب روند و ستارگان فرو روند و ناپدید گردند ولی تو را نه خواب گیرد و نه چرت. بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و حزن و اندوه مرا برطرف گردان و برای هر کاری که نگران آن هستم فرج و گشایشی قرار ده و امید خویش را در قلبم ثابت و استوار گردان تا مرا از امید به خلق و کسی غیر از خودت باز داری و تا آنکه تنها به تو اعتماد کنم.

خدایا مرا در پرده غفلت و فراموشی وامگذار و تدریجاً در دام [غفلت و گناه] میانداز و مرا در زمره بی خبران ثبت مکن. خدایا به تو پناه میبرم از این که سد راه بندگانت شوم و در اجابتت دچار تردید گردم. خدایا من گناهانی دارم که کتابت آن ها را ثبت نموده و علم تو به آن احاطه دارد و دقیقاً از آن آگاهی و من خطاپیشه ای گنهکار هستم و تو پروردگاری آمرزنده و نیکوپیشه. به توبه و بازگشت به سوی تو مشتاق شده ام و در مورد گناهان گذشته ام خواهان گذشت تو هستم، پس از من درگذر و گناهان گذشته ام را بیامرز که تویی توبه پذیر مهربان. خدایا تو از هر کسی به رحم و شفقت نسبت به من سزاوارتری، پس به من رحم کن و در دنیا و آخرت کسی را که به من رحم ندارد بر من مسلط مکن. خدایا چنان نباشد که کارهای پنهانی من که به بزرگواری خود پوشیده ای موجب گرفتاری و امتحان تدریجی من گردد تا در روز قیامت مرا به آن کارها مؤاخذه کنی و در برابر مردم رسوایم سازی و در هر دو سرا از تمام گناهان من درگذر، ای پروردگار من، که به راستی تویی بسیار آمرزنده مهربان.

ص: 227

خداوندا! اگر من شایسته رسیدن به رحمت تو نیستم، رحمت تو سزاوار آن است که شامل حال من گردد و مرا فرا گیرد؛ چرا که نعمت تو همه چیز را فرا گرفته است و من نیز یکی از این چیزها هستم، پس نعمتت مرا نیز باید دربرگیرد، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا اگر هم این نعمتت را مخصوص آن بندگانی گردانده ای که از فرمانهایت پیروی کرده اند و بدانچه برای آن، آنها را آفریدهای عمل کردند، یقیناً آن ها نیز جز به توفیق تو بدان نعمت دست نمی یافتند و تنها به لطف تو در این امر موفقیت حاصل کرده اند، در صورتی که لطف و رحمت تو پیش از فرمانبرداریت شامل حال آن ها گردیده بود، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا! ای سرور و مولای من و ای معبودم و ای مأمن و پناهگاه من و ای توان و ای جبران کننده [شکست هایم] و ای آفریننده و روزی رسانم، مرا نیز بدانچه مخصوص آنان گرداندی مخصوص گردان و از توفیقی که با آنان عنایت فرمودی به من عنایت فرما و چنانچه به آنان رحم فرموده ای مرا نیز مورد رحم و مهربانی جامعه کامله خویش قرار ده ای مهربان ترین مهربانان! ای آن که او را باز ندارد، شنیدنی از شنیدنی دیگر، ای کسی که زیادی سؤال کنندگان او را به اشتباه نیندازد و ای کسی که پافشاری اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد، طعم خوشایند گذشت و شیرینی یاد و رحمت خویش را به من بچشان.

خدایا به خاطر تمام گناهانی که به درگاهت توبه کردم ولی توبه شکستم و آن را تکرار کردم از تو طلب بخشایش دارم و از تو آمرزش خواهم برای نعمت هایی که به من ارزانی داشتی و من بدان نعمت [به جای فرمانبرداریت] بر نافرمانیت نیرو یافتم. از تو آمرزش خواهم برای هر کاری که برای خشنودی تو اراده کردم ولی اغراض دیگری به غیر از تو بدان مخلوط گشت. از تو آمرزش خواهم به خاطر آنچه نزد تو حرام بوده و هوای نفس به بهانه پذیرفته شدن رخصت توبه، مرا به آن فرا خواند. از تو آمرزش خواهم برای گناهانی که جز تو کسی از آن آگاه نیست و تنها بردباری و گذشت توست که می تواند آن را فرا گیرد و از تو آمرزش خواهم برای هر سوگندی که آن را در محضر تو شکستم ای باشکوه ارجمند! ای که خود را به من شناساندی، به غیر از خودت سرگرمم نساز و مرا جز به خود وامگذار و به

لطف خویش مرا از هر مخلوقی بی نیاز گردان ای مهربان ترین مهربانان ! و بر محمد و خاندان پاکش درود و رحمت فرست.

روز بیست و نهم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که این روز برای هر کاری پسندیده است و کسی که در این روز زاده شود بردبار می شود و کسی که در این روز به سفر رود مال بسیاری به دست آورد و کسی که در این روز بیمار شود به زودی بهبود می یابد. در این روز نباید وصیتی نوشته شود.

سلمان رضی الله عنه درباره این روز گوید: روز ماراسفند(1) نام فرشته موکل بر دل ها و خردها و گوش ها و چشم هاست و برای دیدار با برادران و محبوبان و دوستان و برای هر خواسته ای مناسب است و خواب های این روز در همین روز تعبیر می گردد.

دعای این روز:

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است. هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خدای والای بزرگوار و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او باد. خدایا بر من لباس عافیت بپوشان تا زندگی بر من گوارا گردد و کارم را به آمرزش ختم کن تا با آن آمرزش، گناهان به من زیان نرسانند و از پیشآمدهای ناگوار دنیا و غم و اندوه آخرت رهاییم بخش تا به رحمت خویش مرا در بهشت وارد گردانی که تو حقیقتاً بر همه چیز توانایی. خدایا تو نهان درونم را می دانی پس پوزشم را بپذیر. حاجتم را نیز می دانی پس خواسته ام را برآور. تو به راز دلم آگاهی پس گناهانم را بیامرز.

خدایا تو تویی و من منم، خواسته ها و گناهانم را می دانی، پس تمام حاجاتم را برآور و همه گناهانم را بیامرز. خدایا تویی پروردگار و منم پروریده، تویی پادشاه و منم زیردست، تویی توانا و منم ناتوان، تویی بی نیاز و منم نیازمند، تویی باقی و

1- . مار اسفند و نیز مار اسفندان که نام فرشته مأمور بر آب هاست، همان طور که در البرهان آورده شده و به آن مهر اسفند نیز گفته می شود.

منم فانی، تویی بخشنده و منم خواهان، تویی آمرزنده و منم گنهکار، تویی آقا و منم بنده و تویی دانا و منم نادان. با نادانی خود نافرمانی تو را کردم و به خاطر تباهی عقلم مرتکب گناهان شدم و به خاطر بدکرداری به دنیا علاقه مند شدم و از یاد تو غافل گشتم و تو مهربان ترین مهربانانی و از خود من نسبت به من مهربان تری و از نفس من به خودم آگاهتری، مرا بیامرز و به من رحم کن و از آنچه می دانی درگذر که به راستی تویی بزرگوارترین و گرامی ترین.

خدایا روزیم را گسترده و عمرم را طولانی گردان و گناهانم را ببخش ای مهربان، ای عطابخش، ای پاینده. دلم را تنها به یاد خود مشغول گردان و لباس عافیت خویش را به من بپوشان. خدایی جز تو نیست، خدایا ای پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه بر آن ها سایه افکندهاند و ای پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه در آن هاست و ای پروردگار دریاها و آنچه در ژرفای آن هاست و ای پروردگار کوه های پابرجا و آنچه پیرامون آن هاست، تو پروردگار همه چیز و صاحب و آفریدگار آن ها و خالق و نگهدار همه چیز هستی و به همه چیز دانایی و بر همه چیز چیره هستی و دانشت بر همه چیز احاطه دارد و روزی دهنده همه چیز هستی، [از تو خواهم] که بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرستی و دعایم را مستجاب گردان، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان!

روز سی ام

از امام صادق علیه السلام روایت شده که این روز برای خرید و ازدواج روز خوبی است. کسی که در این روز زاده شود بردبار و پربرکت باشد و تربیتش دشوار و بدخلق شود، روزی به او عطا شود ولی از آن محروم گردد. هر که در این روز بگریزد دستگیرش کنند و کسی که در این روز گمگشته ای داشته باشد او را بیابد و کسی که در این روز قرضی بگیرد به سرعت آن را بازپس دهد.

سلمان رضی الله عنه درباره این روز گوید: روز انیران نام فرشته موکل بر روزگاران و زمانه است. روزی است نیک و مبارک که برای هر کاری که بخواهی مناسب است.

دعای این روز:

خدایا سینه مرا بر دین اسلام بگشا و مرا به نور ایمان گرامی دار و مرا از عذاب آتش حفظ فرما - هفت بار این دعا را می خوانی و حاجتت را می خواهی - [سپس می گویی:] خدایا، پروردگارا، پروردگارا، ای پاکیزه، ای پاکیزه، ای پاکیزه، از تو می خواهم به حق اسم اعظمت - الله - که معبودی جز او نیست و او حق آشکار است. {زنده پاینده ای است که نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آنِ اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند. فرمانروایی او آسمان ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آن ها بر او دشوار نیست و اوست والایِ بزرگ. }(1) از تو می خواهم که بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرستی در میان پیشینیان و بر محمد و خاندان او درود فرستی در بین پسینیان و بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرستی پیش از هر چیز و بر محمد و خاندان او درود فرستی در شب چون تاریکی اش را فرو پوشد و و بر محمد و خاندان او درود فرستی در روز چون روشنی گیرد و بر محمد و خاندان او درود فرستی در دنیا و آخرت و خواسته مرا در دنیا و آخرت به من ببخشی. ای زنده در آن وقت که زنده ای نبود و ای زنده پیش از هر زنده ای، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست، ای زنده و ای پاینده، به مهر و رحمت خویش به فریادم برس و تمام امورم را اصلاح فرما و مرا به قدر چشم بر هم زدنی به خود وامگذار.

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است، بخشاینده مهربانی که شریکی نداری - این ذکر را چهار مرتبه می گویی - پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا، تو بر من مهربانی، ای پروردگارم ! از تو می خواهم به حق آنچه عرش تو از بزرگی شکوهت در بر دارد، که با من کنی آنچه را که تو شایسته آنی و نسبت به من انجام ندهی آنچه را من شایسته آن هستم که تو سزاوار تقوی و آمرزش هستی. خدایا



---

1- . بقره / 255

ستایشت کنم، ستایش جاودانه و ابدی و تازه و ثنایی نو و مهیا و تنها بر تو توکل کنم و از توی یگانه آمرزش خواهم و گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست، گواهی که عمرم را با آن به پایان برسانم و بدان به دیدار پروردگارم بشتابم و وارد قبرم شوم و در قبرم با آن تنها باشم و در تنهاییم با آن انس گیرم.

خدایا، انجام کارهای نیک و ترک کردار ناپسند و محبت به بیچارگان را از تو می خواهم و این که مرا بیامرزی و به من رحم کنی و اگر نسبت به عده ای اراده عذاب یا فتنه ای را کردی مرا از آن محافظت کنی و مرا از افتادن در دام آن فتنه باز داری و دوستی تو و دوستی هر که تو دوستش داری و دوستی هر آنچه دوستیش سبب نزدیکی به دوستی تو شود را از تو خواستارم. خدایا راه گشایش و خروجی را از گناهان برای من فراهم کن و به سوی هر کار خیری نیز راهی را برایم قرار ده.

خدایا من یکی از آفریدگانت هستم و خلقت بر گردن من حقوقی دارند و گناهانی نیز از من سر زده که تنها تو از آن آگاهی، خدایا خلق خود را از من و حقوقی که بر گردن من دارند راضی گردان و گناهانی را که بین من و توست ببخش. خدایا خیری را در وجود من قرار ده که تو خود آن را دریابی و به راستی که تو چنین نکنی مگر این که آن را در وجود من بیابی. خدایا آنچنان که اراده فرمودی مرا آفریدی، پس مرا چنان کن که خود دوست داری. خدایا ما را ببخش و رحمت کن و از ما درگذر و از ما بپذیر و ما را به بهشت داخل گردان و از آتش دوزخ رهایی بخش و تمام امور ما را اصلاح گردان. خدایا بر محمد و خاندان محمد، پیامبر امّی صلوات فرست به تعداد کسانی که بر او درود فرستاده اند و به تعداد کسانی که درود نفرستاده اند و ما را بیامرز که تویی آمرزنده مهربان.

خدایا ای پروردگار بیت الحرام و رکن و مقام و پروردگار مشعر الحرام و پروردگار حل و حرم، از جانب ما به روح پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله سلام برسان. خدایا ای پروردگار سبع المثانی و قرآن بزرگ و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار فرشتگان و همه مخلوقات، بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و برای من چنین و چنان کن.

خدایا ای پروردگار آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه در آن ها و میان آن هاست و به آن نامت که زندگان را به آن روزی دهی و حجم دریاها و تعداد ریگ ها را اندازه بگیری و زندگان را بدان بمیرانی و مردگان را زنده کنی و انسان خوار را بدان عزت بخشی و هر چه خواهی کنی و هر چه خواهی بدان حکم فرمایی و بدان به هر چیز بگویی باش، می شود. خدایا از تو خواهم به حق آن نامت که وقتی درخواست کنندگان تو را بدان یاد کنند خواسته شان را به آن ها دهی و وقتی دعاگویان بدان دعایت کنند اجابتشان گردانی و وقتی پناه جویان بدان نام به تو پناه جویند پناهشان دهی و چون درماندگان تو را بدان نام خوانند نجاتشان دهی و چون شفاعت خواهان به وسیله آن نام روی شفاعت به تو آرند شفاعتشان را بپذیری و چون فریادخواهان بدان از تو فریادخواهی کنند به فریادشان برسی و گرفتاریشان را برطرف سازی و چون گریختگان بدان نام تو را صدا زنند صدایشان را بشنوی و یاریشان کنی و چون توبه پیشگان بدان نام به درگاهت روی آورند آنان را بپذیری و توبه شان را قبول کنی.

من نیز به حق این نام از تو می خواهم ای سرور و مولا و معبودم، ای زنده پاینده، ای امید و پناهم و ای گنجینه و اندوخته و ذخیره ام و ای توشه دین و دنیا و آخرت و روز بازگشتم، تو را می خوانم به آن اسم اعظم برای گناهی که جز تو کسی آن را نیامرزد و برای گرفتاری و اندوهی که جز تو کسی برطرف نتواند کرد و برای غصه ای که جز تو کسی رفع نتواند کرد و برای گناهانی که با آن ها به نبرد با تو برخاستم و با انجام آن ها در محضر تو بی شرمی کردم و اکنون این منم که خطاکارانه و آلوده در گناه به محضر تو آمده ام و زمین با همه فراخیاش بر من تنگ آمده و عرصه بر من تنگ گشته و هیچ پناهگاه و نجاتی جز به درگاه خودت ندارم.

اینک این منم که پیش روی توام، با گناه و نداری و نیاز، شب را به صبح کرده و صبح را به شب آورده و آمرزنده ای جز تو برای گناهم نمی یابم و برای شکستگیم جبران کننده ای جز تو نمی بینم و من همان سخن را که بنده ات یونس گفت، هنگامی که در تاریکی ها زندانیش کردی، می گویم، بدان امید که توبه ام را بپذیری و مرا از گناهان رهایی بخشی: معبودی جز تو نیست، منزهی تو و من به

راستی از ستمکاران بودم. ای مولای من، به حق اسم بزرگ اعظمت از تو خواهم که دعایم را مستجاب گردانی و خواسته و آرزوی من را به من ببخشی و در گشایش برای من از نزد خودت تعجیل کنی در کامل ترین نعمت و بزرگ ترین سلامتی و فراخ ترین روزی و بهترین آسایش و آنچه را پیوسته بدان عادتم داده ای ای معبود من، و از تو خواهم که سپاس بر آنچه به من ارزانی داشته ای را روزیم گردانی و تا پایان عمرم آن را برایم نگه داری و به وقت مردن از گناهان و اشتباهات و اسراف و بزهکاریم درگذری تا نعمت دنیا به نعمت آخرت متصل گردد.

خدایا کلیدهای شب و روز و آسمان ها و زمین و خورشید و ماه و نیکی و بدی در دست توست، پس در دین و دنیا و آخرتم به من برکت ده و در تمام امور برکتم بخش. خدایا وعده تو حق و دیدارت حق و حتمی است و چاره و گریزی از آن نیست، پس با من چنین و چنان کن.

خدایا تو مسئولیت روزی من و هر جنبنده ای را که اختیارش در دست توست بر عهده گرفته ای، ای بهترین فراخوانده شده و بهترین درخواست شده و بزرگ ترین بخشنده و بهترین مرجع امید! روزی من و خانواده ام را فراخ گردان. خدایا در آنچه از امور حتمی که قضا و قدرت بر آن تعلق میگیرد و در آنچه از حلال و حرام خود در فرمان حکیمانه ات در شب قدر تقسیم میکنی و در قضایی که بازگشت نداشته و تغییر ناپذیر است از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرستی و نام مرا در زمره حاجیان بیت الله الحرامی که حجشان مقبول، سعیشان مورد سپاس، گناهانشان آمرزیده، کارهای بدشان بخشوده، روزیشان وسیع گشته، تن هایشان تندرست و از ترس در امان هستند بنویسی و [از تو خواهم] در آنچه حکم و مقدر فرموده ای (این باشد که) بر محمد و خاندان او درود فرستی و عمرم را دراز و زندگیم را طولانی بداری و به روزیم وسعت بخشی و جسمم را به سلامت داری و در هر چه برایم مهم است، از کار دین و دنیا و آخرتم و آینده نزدیک و دورم، به من و به هر کسی که به او توجه دارم و ملزم به انجام کارش هستم، چه آشنای نزدیک باشد و چه دور، سلامت بخشی که تویی بخشنده و رئوف و مهربان.

ای آن که قبل از هر چیز وجود داشته ای، دیدگان به خواب روند و ستارگان تیره گردند و تو زنده و پاینده ای هستی که نه خواب سبک تو را گیرد و نه خواب سنگین و بر همه چیز دقیق و آگاهی.

5. الدروع الواقیه: در اینجا روایت دوم را در سی فصل جداگانه ذکر می کنیم که این روایت شبیه روایت اول است و از امام علی علیه السلام روایت شده است و بین این دو روایت موارد اضافی و تفاوت هایی وجود دارد. من بر آن شدم تا برای احتیاط، دعاها را با دو روایت ذکر کنم.

روز اول

سوره فاتحه را بخوان، سپس بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النُّورَ، تا فرموده اش: فَأَنَّی تُؤْفَکُونَ. که این ذکر در دعای اول در روایت نخست گذشت.

ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است، آن زنده ای که نمیرد و پاینده ای که تغییر نپذیرد و جاودانی که نابود نگردد و آن پادشاهی که زوال نپذیرد و آن عادلی که غفلت نورزد، آن داوری که بی عدالتی نکند و آن دقیقی که چیزی از او پنهان نماند، آن سخاوتمندی که بخشیدن هیچ چیز ناتوانش نگرداند و آن بخشنده ای که به هر که، هر چه خواهد بخشد. آغازی که چیزی بدان پیشی نگیرد و آشکاری که موجودی فراتر از آن نیست و نهانی که پس از او چیزی نیست، علم او بر همه چیز سیطره یافته و همه چیز را به شماره در آورده است. خداوندا! بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و زبانم را به دعای خویش باز کن و خواسته ام را به واسطه آن برآورده کن و حاجتم را به من ببخش و مرا به آرزویم برسان و مرا بدان از هراسم حفظ فرما و نعمتم را بدان فراوان و دعایم را بدان مستجاب گردان و عملم را آن چنان پاک گردان که به سبب آن به ناله و زاری و شکایتم ترحم فرمایی و از تو خواهم که بر من رحم کنی و از من خوشنود شوی و دعایم را پاسخ دهی، آمین ای پروردگار جهانیان!

ستایش خدایی را که {ابرهای گرانبار را پدیدار می کند. رعد، به حمد او و فرشتگان از بیمش تسبیح می گویند و صاعقه ها را فرو می فرستد و با آن ها هر که را بخواهد، مورد اصابت قرار می دهد، در حالی که آنان درباره خدا مجادله می کنند، و او سخت کیفر است.} (1) ستایش خدایی را که دعوت حق برای اوست و او حقیقت آشکار است. و آنچه که [مشرکان] جز او می خوانند، آن باطل است و این خداست که والا و بزرگ است. ستایش خدایی را که روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی بازمی ستاند... تا آخر دعای اول در روایت نخست.

روز دوم

ستایش خدایی را که این کتاب [آسمانی] را بر بنده خود فرو فرستاد، تا آنجا که گفته است: پا برجای با کرم، پروردگار جهانیان.

ستایش خدای راست که بزرگ ستایش است و بزرگ عرش و بزرگ حکومت و بزرگ سیطره. بردباریش بزرگ است و کرامتش بزرگ، امتحانش بزرگ است و رستگاریش عظیم، احسانش بزرگ است و عزتش عظیم، بزرگ قدرت است و بزرگ جبروت، بزرگ مقام است و بزرگ فرمان. بزرگ است پروردگار جهانیان. بزرگ است خداوندی که والا تر از همه چیز و مهربان تر از همه چیز، داراتر از همه چیز و بهتر از همه چیز است. ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است، ستایش خدای بلندمرتبه بزرگ راست، رئوف مهربان، عزتمند فرزانه، آفریدگار دانا، پادشاه پاکیزه، باشکوه بزرگ، بلندمرتبه والای بزرگ منش عظیم الشأن، با جبروت مقتدر، صاحب بهشت و دوزخ، بزرگی و قدرت و فرمانروایی از آن اوست و سخن نیک به سوی او بالا می رود و عمل شایسته بدان رفعت می بخشد و اوست مهربان ترین مهربانان.



---

1- . رعد / 13-12

روز سوم

ستایش خدای را که پایدار و برقرار، بردبار و بزرگوار، آغاز و انجام، آشکار و نهان، یکتای بی همتا، یگانه بی نیازی است که نه کس را زاده، نه زاییده از کس است و او را هیچ همتایی نباشد. ستایش خدای را که هدایت گر دادگر است و حق آشکار، صاحب دهش و بخشنده، بزرگ نعمت بخش و کرامت بخش، ستاننده و دهنده، توان مند استوار، صاحب لطف و عطابخش. ستایش خدای را که وارث است و وکیل، گواه است و مراقب، اجابت کننده است و مسلط، نگهدار است و مراقب، جلوگیر است و گشاینده، بخشنده است و امتحان کننده، زنده گرداننده است و میراننده، باشکوه است و ارجمند، شایسته تقوی است و آمرزش، صاحب درجات [و مراتب] است. فرشتگان و روح به سوی او بالا می روند.

ستایش خدایی را که روزی رسان است و پروردگار و مهربان، صاحب رحمت گسترده و نعمت های فراوان و حجت رسا و الگوهای برتر و نام های نیک. پر قدرت است و شکافنده سپیده صبح و شکافنده دانه و هسته، زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می آورد، کار [آفرینش] را تدبیر می کند. صبح را می شکافد و شب را مایه آرامش {و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است. این اندازه گیری آن توانای داناست.}؛(1) {بالابرنده درجات، خداوند عرش، به هر کس از بندگانش که خواهد، آن روح [فرشته] را، به فرمان خویش می فرستد.}(2) کننده هر کار شایسته ای است و پروردگار بندگان و سرزمین ها و بازگشت همه به سوی اوست و او در بالاترین دیدگاه است. از اعمال هر کسی آگاه است. آمرزنده گناه است و توبه پذیر و سخت کیفر. خدایی جز او نیست. بازگشت به سوی اوست. او سخت کیفر و زودشمار و برپادارنده عدالت است. چون به کاری اراده فرماید، فقط می گوید: «[موجود] باش»؛ پس [فوراً موجود] می شود.

دستانش را به خیر گشوده و خیر را هر طور که بخواهد بخشد، سائل خویش را ناامید نگرداند و آرزومند خویش را نکوهش نکند و راه رحمتش محدود نشود و



---

1- . انعام / 96

2- . غافر / 15

نعمتش شمارش نشود. وعده اش حق است و اوست بهترین داوران و سریعترین حسابرسان و بخشنده ترین سخاوتمندان. کرمش وسیع و انتقامش سخت و داوریش همه عدالت است، شایسته ستایش، و عده اش راست، عطاکننده خیر و داور به حق و راهنماست و هر که را خواهد به راه راست هدایت کند. آمرزشش وسیع و چیزی همانندش نیست. آسمان ها و زمین و {مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کردار کدام یک از شما بهتر است و او نیرومند و آمرزنده است. }(1)

نیکو ستایش است و نیکو آزمایش، شنونده دعاست و داوری عادل. هر چه بخواهد می آفریند و هر چه بخواهد می کند. ستایش و عزت برای اوست و بزرگی و جبروت و عظمت از آن اوست، باران را فرود آورد و به غیب علم دارد و روزی هر که را بخواهد گشایش می دهد، بادها را فرستد و ابرهای گرانبار را پدیدار گرداند و امور را تدبیر کند و دعای درمانده و دعاگو را اجابت فرماید، آنگاه که او را فرا خواند و گرفتاری را برطرف گرداند و به سائل ببخشد و آنچه را او عطا کند جلوگیری ندارد و آنچه را او جلوگیر باشد دیگری نتواند ببخشد. چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا. نام هایش منزه است و آفرینش و فرمان از آن اوست. بزرگ است خداوند، پروردگار جهانیان و ستایشش پربهاست و رحمتش همه چیز را در بر گرفته و ظاهر و باطن او می بخشد و اوست مهربانترین مهربانان.

روز چهارم

خدایا ! ستایش خاص توست، دینت آشکار شد و حجتت رسید و پادشاهیت استوار شد و سلطنتت بزرگ، وعده ات راستین است، عرشت فرازمند شد و رسولت را {به هدایت و آیین حق فرستادی تا او را بر تمام ادیان پیروز گردانی، هر چند که مشرکان از این امر ناخوشنود باشند. }(2) خدایا دینت را کامل کردی و نورت را تمام نمودی و با بیم دادن منزه شدی و حجت را بر بندگان تمام کردی و کلماتت با صداقت و عدالت به انجام آمد.



---

1- . ملک / 2
2- . توبه / 33

خداوندا ! ستایش تو راست، نعمت و بخشش از توست، سختی را برطرف گردانی و آسانی را ارزانی داری و به حق حکم فرمایی و به عدالت داوری کنی و به راه راست هدایت کنی. منزهی تو و به ستایشت مشغولم. خدایی جز تو نیست، تویی پروردگار آسمان ها و زمین ها و هر آن که در آن است و پروردگار عرش بزرگ. خداوندا ستایش مخصوص ذات توست در تورات، ستایش مخصوص ذات توست در انجیل و ستایش مخصوص ذات توست در کتاب های پیشینیان. ستایش مخصوص ذات توست در سبع المثانی و قرآن بزرگ. ستایش مخصوص ذات توست در میان فرشتگان مقرب. ستایش مخصوص ذات توست در میان پیامبران و فرستادگان و ستایش مخصوص ذات توست در میان فرشتگان بزرگوار نویسنده اعمال.

ستایش مخصوص ذات توست و ستایش ثنای توست. آزمایشت نیکو، داوریت عادلانه، زمین در قبضه قدرتت و آسمان ها پیچیده به دست قدرت توست. خداوندا ستایش تو راست، میزانت عادلانه و جایگاهت والا، داوریت از روی برهان و دلیل، گفتارت راستین است و باشکوه و ارجمندی تو. خدایا ستایش تو راست ای فرود آورنده آیات، ای اجابت کننده دعاها، ای برطرف کننده اندوه ها، ای گشایش گر (در خیرات) و ای مالک زندگی و مرگ! خدایا ستایش بزرگ منشانه مخصوص ذات توست، ستایش تنها مخصوص ذات توست، تو را است اطاعت و بندگی همیشگی، تو را است عرش فراگیر، تو را است ستایش همیشگی، ستایش تو را است در عادل بودنت، و تو راست ستایش، آنچنان که میپسندی ستایش و پرستشت کنند و سپاست را به جای آورند. پروردگارا ثنایت پرشکوه است و تویی مهربانترین مهربانان.

خدایا ستایش تو راست در شب چون [سیاهیش همه جا را] فرو پوشد و ستایش تو راست در روز چون روشن شود و ستایش تو راست در دنیا و آخرت. خداوندا ! ستایش تو راست، چه بردبار و باشکوهی تو ! و ستایش تو را است، چه بخشنده و بزرگواری تو ! تو را است ستایش، چه سخاوتمند و ارجمندی تو ! و ستایش تو را است بر آنچه بندگان دوست دارند و آنچه از کیفر و بردباری تو

ناخوش دارند. ستایش تو راست در هر حالی از امور دنیا و آخرت. ای مهربان ترین مهربانان!

روز پنجم

خداوندا ستایش تو راست در شب چون پشت کند و در روز چون آشکار گردد. ستایش تو راست، ستایشی که آغاز آن به شکرگزاریت رسد و انجام آن به خشنودیت. ستایش تو راست در آسمان ها که ستوده ای و در میان بندگانت که مورد پرستشی. خدایا ستایش تو راست در داوری و ستایش تو را است در آسایش و ستایش تو را است در نعمت های آشکارا و ستایش تو راست در نعمت های نهان و ستایش تو راست در نعمات عیان. ستایش تو راست ای پروردگار ستایش و ای صاحب ستایش. ستایش از تو آغاز شده و به تو پایان پذیرد. ستایش خدای راست در اول شب و آخر روز و ستایش خدای راست در پیشینیان و پسینیان. ستایش خدای راست به مقدار آسمان ها و زمین ها و فراتر از اینها هر چه بخواهد تا خوشنود گردد. ستایش خدای راست به شمار آفریدگانش و بیشتر از آن هر اندازه که بخواهد؛ چرا که او هر چیزی را به عدد شماره کرده است و رحمتش همه چیز را فرا گرفته است.

ستایش خدایی را که آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است را در شش روز آفرید، سپس خود بر عرش مستولی گشت. ستایش خدایی را که آسمان ها را بدون ستون هایی قابل دیدن برافراشت. ستایش خدایی را که روزی ما و آنچه را پروردگارمان وعده داده در آسمان قرار داده است. ستایش خدایی را که آسمان دنیا را به چراغ ستارگان زینت بخشید و آن را ابزار هدف قرار دادن شیاطین قرار داد و ستایش خدایی را که زمین را [بستر ما] قرار داد و انواع گوناگونی از درختان و کشتزارها و میوهها و درختان خرما را برای ما رویاند. ستایش خدایی را که بوستانها و درختان انگوری در زمین نهاد و چشمه هایی را در آن شکافت و رودهایی را در آن روان ساخت. ستایش خدایی را که در زمین کوههایی استوار افکند تا آن را نلرزاالند و آن ها را بر زمین میخ کوب کرد.

ص: 240

ستایش خدایی را که دریا را مسخر ساخت تا کشتی ها در آن به فرمانش روان شوند و برای این که از بخشش او روزی بگیریم، و در آن دریا برای ما زیورآلاتی قرار داد تا آنها را بپوشیم و گوشتی تازه [که بخوریم] و ستایش خدایی را که چهارپایان را مسخر ما کرد تا از آن ها بخوریم و آنان را مرکب ما قرار داد و از پوستشان برای ما خانه و جامه و فرش و وسایل زندگی فراهم کرد که تا چندی مورد استفاده قرار گیرد.

ستایش خدایی را که در پادشاهی خویش بزرگوار، بر امر خویش توانا، در صنعش ستوده، در علمش دقیق، بر بندگانش مهربان و در عزت، شکوه و هیبت خویش متأثر از جبروت خویش است. ستایش خدایی را که ستایشش در خلق هویداست و بزرگیاش با عظمت آشکار است و دست رحمتش به خیر گشوده است. ستایش خدایی را که جامه ستایش پوشیده و لباس فخر بر تن کرده و به عظمت و متانت بزرگی یافته و لباس عظمت پوشیده و به پرتو نور خود از دیدگان آفریدگانش در حجاب شده. ستایش خدایی را که مخالفی در پادشاهی و ستیزه جویی در فرمان و نظیری در آفرینش خویش ندارد. معبودی جز او نیست، نه فرمانش را باز گرداننده ای هست و نه حکمش را جلوگیری. نه ضدی دارد و نه همتایی و نه مانندی و نه شبیهی و نه نظیری. کسی که او را بخواهد درمانده اش نتواند کرد و کسی که بگریزد بر او پیشی نجوید و نه کسی در برابر او مقاومت تواند کرد.

بدون وجود اصل و مایه ای مخلوقاتش را آفرید و خلقشان را بی مانند آغاز کرد و بدون یاری گر، بندگان را مقهور خویش ساخت و آسمان را بی ستون برافراشت و زمین را بی پایه در کیهان گسترش داد. ستایش خدای را بر گذشته و آینده و او را ستایش بر آنچه آشکار میآیند و آنچه نهان و بر آنچه بوده و آنچه خواهد بود. خدایا تو را ستایش به خاطر بردباریت با وجود دانستنت و تو را ستایش بر گذشتت با وجود قدرتت و تو را ستایش بر چشم پوشیت با داشتن عذر [بر عقوبتت] و تو را ستایش بر آنچه می گیری و بر آنچه می بخشی و تو را ستایش بر آنچه آزمایش می کنی و آنچه گرفتار سازی و تو را ستایش بر فرمانت، ستایشی که از تو باز نماند

ص: 241

و امتداد یابد تا به بهترین مرتبه خوشنودیت برسد، ای مهربان ترین مهربانان، بر محمد و خاندان پاک او درود و رحمت فرست.

روز ششم

خداوندا ستایش تو را است، ستایشی که به واسطه آن به خشنودی تو دست یابم و شکرت را به جای آورم و سزاوار زیاده فضلت گردم. خداوندا ستایش تو راست به خاطر بردباریت با وجود دانستنت و گذشتت با وجود قدرتت. خدایا تو را ستایش به خاطر نعمت های پی در پی که بر ما ارزانی داشتی. خدایا تو را ستایش به خاطر [نعمت] اسلام و تو را ستایش به خاطر [نزول] قرآن و تو را ستایش برای خانواده و مال و ثروت و تو را ستایش برای تندرستی و تو را ستایش در خوشی و ناخوشی و تو را ستایش در سختی و آسانی و تو را ستایش در هر حال.

خداوندا تو را ستایش، آنچنان که شایسته آنی و آنچنان که سزاوار ذات بزرگوار توست. خدایا تو را ستایش به تعداد موها و کرک ها و تو را ستایش به تعداد درختان و برگ ها و تو را ستایش به شمار سنگریزه ها و کلوخ ها و تو را ستایش به شمار ماسه های انباشته شده و تو را ستایش به تعداد روزهای دنیا و آخرت و تو را ستایش به تعداد ستارگان آسمان.

خداوندا ! ما تو را سپاس می گوییم برای آنچه در حقمان انجام داده ای و تو را ستایش کنیم برای هر آنچه اراده کردی تا به آن بگویی باش و آن می باشد. ستایش خدایی را که هر که را یادش کند فراموش نکند. ستایش خدایی را که هر که بخواندش ناامید نگرداند. ستایش خدایی را که هر کس بر او توکل کند، او را کفایت می کند و ستایش خدایی را که هر که به او اعتماد کند او را به دیگری واگذار نکند. ستایش خدایی را که نیکی را به نیکی و زیان را به نجات پاداش دهد. ستایش خدایی را که زیان و گرفتاری ما را برطرف سازد. ستایش خدایی را که نفس را آفرید تا زمانی که ستایش از زبان ما قطع گردد. ستایش خدایی را که مایه امید ماست آن زمان که به اعمال خویش بدگمان می شویم.

ص: 242

ستایش خدایی را که از او طلب سلامت می کنم و او مرا به سلامت میدارد، گرچه به کارهایی دست زده باشم که مایه آزارم گشته است و ستایش خدایی را که از او یاری طلبم و او یاریم کند و ستایش خدایی را که او را بخوانم و اجابتم کند و ستایش خدایی را که از او کمک خواهم و او کمکم کند و ستایش خدایی را که از او خواهم و به من بخشد، هر چند که وقتی از من عاریه ای خواهد بخل ورزم و ستایش خدایی را که هر زمان که بخواهم برای حاجتم او را صدا کنم. ستایش خدایی را که آنچنان بر من بردباری می کند که گویا هیچ گناهی ندارم. ستایش خدایی را که به من محبت می ورزد، با این که از من بی نیاز است. ستایش خدایی را که مرا به مردم واگذار نکند که مرا خوار سازند و ستایش خدایی را که به وسیله پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله بر ما منت نهاد.

ستایش خدایی را که ما را در خشکی و دریا حمل کرد و از خوراکی های پاکیزه روزیمان کرد و ما را بر بسیاری از آفریدگانش تماماً برتری داد و ستایش خدایی را که از هراسمان ایمن داشت و ستایش خدایی را که عیبمان را پوشانید. ستایش خدایی را که گرسنگیمان را برطرف ساخت. ستایش خدایی را که از لغزش ما چشم پوشید. ستایش خدایی را که روزیمان داد. ستایش خدایی را که به ما ایمنی بخشید. ستایش خدایی را که دشمنمان را خوار و ذلیل کرد. ستایش خدایی را که میان دل هامان انس و الفت برقرار کرد. ستایش خدای را که مالک پادشاهی و روان کننده کشتی است. ستایش خدایی را که گستراننده بادها و شکافنده صبح است. ستایش خدایی را که برتری یافته و بر همه چیره گشته است. ستایش خدایی را که نهان است و از درون آگاه. ستایش خدایی را که همه چیز را به شماره درآورده است. ستایش خدایی را که دیدش در همه چیز نفوذ کرده است. ستایش خدایی را که آگاهیش نسبت به همه چیز دقیق است. ستایش خدایی را که برترین شرف و نامهای نیکو از آن اوست. ستایش خدایی را که از فرمانش نجات بخشی نیست. ستایش خدایی را که نه پناه دهنده ای غیر از او هست و نه بازگشتگاهی، بلکه بازگشت و تقرب به سوی اوست. ستایش خدایی را که از چیزی غفلت نورزد و چیزی سرگرمش نسازد. ستایش خدایی را که قصرها از نظر او پنهان نیست و

پرده ها چیزی را از او نپوشاند و دریاها چیزی را از او نهفته نسازد و همه چیز به سوی او بازمی گردد.

ستایش خدایی را که وعده اش راستین است و بنده اش را یاری داد و به تنهایی احزاب [باطل] را شکست داد. ستایش خدایی را که مردگان را زنده گرداند و زندگان را بمیراند و او بر همه چیز تواناست. ستایش خدای را که عطایش فراوان، حکمش بدون نقص و نعمتش فروریز است. زمین و آسمان از آن اوست. ستایش خدایی را که از تمام ستودگان به ستایش شایسته تر است و از هر کسی که به ثنا و بزرگی ستوده شود سزاوارتر. ستایش خدایی را که پادشاهیش را پایانی نباشد و پایگاهش متزلزل نگردد و ستایش خدایی را که قدرتش استوار است.

خداوندا ستایش تو راست در شب چون پرده افکند و در روز چون جلوه گری آغازد، و ستایش تو راست در آخرت و دنیا و ستایش تو راست در آسمان های بلند و ستایش تو راست در زمین ها و آنچه در زیر خاک است. خدایا ستایش تو راست، ستایشی روزافزون که تحلیل نیابد و ستایش تو راست، ستایشی که باقی است و فانی نشود و ستایش تو راست، ستایشی که آسمان ها بدان پهلوی خویش را برای تو اندازند و ستایش تو راست، ستایشی همیشگی و ابدی که تویی آن خدایی که زمین و هر که بر روی آن است، تسبیح تو را گوید.

روز هفتم

خداوندا تو را ستایش، ستایشی که نهایتی نداشته باشد و پایان آن منقطع نگردد و انتهای آن از عرش تو کوتاه نیاید. خدایا تو را ستایش، ستایشی که از تو در پرده نماند و جز تو نهایتی نداشته باشد و از بالاترین مراتب خشنودیت کوتاه نیاید. ستایش خدایی را که [راهی را] نپیمایند جز به اجازه او. ستایش خدایی را که حکمی ندهند مگر به علم او. ستایش خدایی را که تنها به فضل او چشم امید دارند و ستایش خدایی را که نسبت به کسی که فرمانبرداریش کند لطف دارد. ستایش خدایی را که بر کسی که نافرمانیش را کند، حجت و برهان دارد و ستایش خدایی را که به هر کسی در میان تمام خلق خود مهر ورزد از روی فضل و رحمت اوست و ستایش

خدایی را که هیچ نزدیکی از زیر تسلط او بیرون نرود و هیچ دوری از او دور نگردد و ستایش خدایی را که کتاب خویش را با ستایش آغاز کرد و آن را آخرین دعای اهل بهشت قرار داد و حکم خود را بدان ختم فرمود و ستایش خدایی را که همواره بوده و زوالی نخواهد داشت. ستایش خدایی را که پیش از هر چیز موجود بوده و پیش از او اثری از هیچ چیز وجود ندارد و ستایش خدایی را که آغاز است و پیش از او موجودی نیست و انجام است و پس از او چیزی نیست و او باقی و همیشگی و بی پایان و فناناپذیر است.

ستایش خدایی را که خیال ها از توصیف او ناتوانند، ستایش خدایی را که خردها از درک کنه عظمت او سرگشته و واله گشته تا به ناچار به همان ستایش او از عزت وجود و بخشش خود بازگردند. ستایش خدایی را که هوا را به آسمان مسدود ساخت و زمین را بر آب گستراند و برای خویش نام های نیکو برگزید. ستایش خدایی را که یگانه بی مانند است و بدون هستی بخشیدن داناست و بی مشقت باقی است و آفرینشش بی پایان است. ستایش خدای را که پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ و پروردگار پیامبران و فرستادگان و پروردگار پیشینیان و پسینیان است. یکتای بی نیازی که نه زاده و نه زاییده شده و هیچ کس همتای او نیست. همو که به قدرت خویش پادشاهان را زیر فرمانروایی خود درآورده و به عزت خویش اربابان را به بندگی خویش کشانده و به جبروت خویش بر بزرگان سروری کند و فخر و بزرگی را برای خود خواسته و فضل و کرامت و بخشش و عظمت را برای خود قرار داده و مأمن پناه جویان و پناهگاه درماندگان و تکیه گاه مؤمنان و طریق حاجت عبادت پیشگان است.

خداوندا ستایش تو راست، به تمام ستودگی هایت، چه آن ها که دانسته شده و چه آن ها که دانسته نشده و ستایش تو راست، ستایشی که با علمت برابری کند و جبران کرامت زیاده از حدت را کند. خداوندا ستایش تو راست، ستایشی که به واسطه آن موجبات خشنودیت را فراهم کنم و شکرت را به جای آورم و به واسطه آن به عطای زیاده ات سزاوار گردم، خداوندا ! تو را ستایش به خاطر بردباریت با

ص: 245

وجود علمت و تو را ستایش بر بخشش پس از قدرتت، ای بهترین آمرزندگان، ای مهربان ترین مهربانان.

روز هشتم

خدایا تو را ستایش به تعداد درختان و [کلوخ ها و تو را ستایش به تعداد موها و] کرکها و تو را ستایش به تعداد روزهای دنیا و آخرت و تو را ستایش به عدد ستارگان و تو را ستایش به تعداد قطرات باران و تو را ستایش به تعداد قطرات دریا و تو را ستایش به تعداد هر چه آفریده ای و تو را ستایش به اندازه عرشت و تو را ستایش به اندازه کشش کلماتت و تو را ستایش مطابق خشنودی خودت، تو را ستایش به تعداد آنچه دانشت آن را فرا گیرد و تو را ستایش بر هر چه دیدت در آن نفوذ کرده و تو را ستایش در هر چه عظمتت بدان رسیده و تو را ستایش در هر چه رحمتت شامل حال آن گشته است. تو را ستایش به تعداد هر چه گنجینه هایش در دست توست، تو را ستایش به تعداد آنچه کتاب تو بر آن احاطه دارد و تو را ستایش، ستایشی جاودانه که هیچ گاه پایان نپذیرد و خلایق نتوانند آن را به شماره درآورند.

خداوندا ! تو را ستایش بر آنچه از دعای دعاگویت مستجاب کرده ای و تو را ستایش بر تمام ستودگی هایت، آشکارا و پنهان آن و اول و آخر آن و هویدا و نهان آن. خدایا تو را ستایش بر آنچه بوده. خداوندا تو راست ستایش بسیار، آنچنان که ای پروردگار ما، نعمت بسیار بر ما ارزانی داشتی. خداوندا ستایش یکسر تو راست و پادشاهی یکسر تو راست و بازگشت تمام امور، چه آشکار و چه پنهان به سوی توست.

خداوندا ستایش تو راست بر امتحان و رفتارت با ما، چه قدیم و چه جدید، به خصوص نسبت به من که مرا آفریدی و هدایت کردی، پس خوبم آفریدی و خوب هدایتم کردی و به بهترین صورت به من آموختی. ستایش تو راست ای پروردگار من به خاطر امتحان و رفتارت نسبت به من، چه گرفتاری ها که از من برطرف نمودی و چه اندوه ها که از جانم زدودی و چه سختی ها که به دنبالش

آسایش آوردی. خداوندا تو را ستایش بر نعمت هایت، چه آن ها که فراموش شده و چه آن ها که در یاد است، چه آن ها که شکرشان به جای آورده شده و چه آن ها که مورد ناسپاسی قرار گرفته، چه آن ها که گذشته و چه آن ها که بر جای مانده است. خداوندا تو را ستایش به شماره آمرزشت و تو را ستایش به عدد گذشتت و تو را ستایش به تعداد فضل و کرمت و تو را ستایش برای اصلاح امور ما و امتحان نیکویت نسبت به ما. خدایا تو را است ستایش و تو سزاوار ستایش و عبادت و سپاسی ای بهترین ستودگان، ای مهربان ترین مهربانان!

روز نهم

خداوندا! تو را ستایش بر هر خیری که بر ما ارزانی داشته ای و تو را ستایش بر هر شری که از ما دفع کردی و تو را ستایش به شماره آنچه آفریدی و خلق فرمودی و پدید آوردی و ایجاد کردی و تو را ستایش به عدد آنچه آزمودی و به تعداد لطفی که روا داشتی و نیازمند و بی نیاز کردی، گرفتی و عطا کردی، میراندی و زندگی بخشیدی و تمام این ها به دست تو و به سوی توست، بزرگی تو و برتری. خوار نگردد آن که تو بر او ولایت کردی و عزت مند نگردد آن که تو دشمنش داشتی. تو امرت را آغاز می کنی و بازگشت به سوی توست. حکم فرمایی و هیچ کس بر تو حکم نکند. تو بی نیازی و دیگران به تو نیازمندند. اجابت می کنم تو را ای پروردگار ما و در خدمتت هستم. ستایش تو راست به شماره آنچه هر وارثی به ارث می برد و این تویی که زمین و هر که در آن است را به ارث می بری و به سوی تو باز می گردند و تو چنانی که خود ثنای خویش گفته ای. سخن هیچ گوینده به ستایش تو نمی رسد.

خداوندا ستایش تو راست، ای صاحب ستایش و نهایت ستایش و شایسته ستایش. تو را است ستایش، ستایشی که تنها سزاوار توست. خداوندا! تو را ستایش در شب چون تاریکیش همه جا را فرو پوشد و در روز چون روشن گردد. تو را ستایش در پایان و در آغاز و تو را ستایش در آسمان های بلند و تو را ستایش در زمین های پست. هر چه جز توست نابود می شود. خداوندا! ستایش تو راست در

خوشی و ناخوشی و ستایش تو راست در سختی و آسانی و ستایش تو راست در بلا و آسایش و ستایش تو راست در بخشش و نعمت.

خداوندا! ستایش تو راست، آنچنان که خویش را در ام الکتاب و تورات و انجیل و قرآن عظیم ستایش فرمودی و ستایش تو راست، ستایشی که آغاز آن تمام نشود و انجام آن پایان نپذیرد و ستایش تو را به خاطر اسلام و ستایش تو را به خاطر قرآن و تو را ستایش به [شکرانه نعمت] خانواده و مال و فرزند و تو را ستایش در سلامت و شکرگزاری. خدایا! ستایش تو را است و ستایش از تو آغاز گردد و به تو بازگردد و شریکی برای تو نیست.

خدایا! تو را ستایش بر بردباری پس از علمت و تو را ستایش بر نعماتت بر ما و تو را ستایش بر فضل و کرمت بر ما و تو را ستایش بر نعمت هایت که جز خودت کسی نتواند شمرد. خدایا تو را ستایش، آنچنان که نعمتت بر ما آشکار شده و پنهان نیست و تو را ستایش آنچنان که نعماتت افزون شد و به شماره درنیامد و تو را ستایش چنانچه همه چیز را به شماره درآورده ای و دانشت همه چیز را در بر گرفته و دیدت بر همه چیز نفوذ دارد و تو همه چیز را به شماره درآورده و در کتاب ثبت کرده ای. خدایا تو را است ستایش آنچنان که تو شایسته آنی، خدایی جز تو نیست. نه شب تار و نه آسمان برج دار و نه زمین شکاف دار و نه دریاهای موج دار و نه کوه های قله دار و نه تاریکی های انباشته بر روی هم [چیزی را] از تو نهان دارند.

ای پروردگار من! من خرده ای هستم که توام پرورش دادی، پس تو راست ستایش. پروردگارا! من موجود بی ارزشی هستم که توام کرامت دادی، پس تو را ستایش. پروردگارا! من ذره ای خوار هستم که توام عزت بخشیدی، پس تو را ستایش. منم سائلی که توام عطا کردی، پس تو را ستایش. منم خواهانی که توام خوشنود گرداندی، پس تو را ستایش. من عائلهمندی هستم که توام توانگر کردی، پس تو را ستایش. منم افتاده ای که توام برداشتی، پس تو را ستایش. منم گمراهی که توام هدایت کردی، پس تو را ستایش. منم باربری که تو گرامیام داشتی، پس تو را ستایش. من خطاکاری هستم که تواش بخشیدی، پس تو را ستایش. منم مسافری که توام همراه بودی، پس تو را ستایش. من گناهکاری هستم که تو به من رحم کردی،

پس تو را ستایش. منم دور از وطنی که توام بازگرداندی، پس تو را ستایش. منم گواهی که توام حفظ کردی، پس تو را ستایش. من گرسنه ای هستم که توام سیر گرداندی، پس تو را ستایش. من برهنه ای هستم که توام پوشاندی، پس تو را ستایش. من آواره ای هستم که توام پناه دادی پس تو را ستایش. منم آن تنهایی که تو پشتیبانیام کردی، پس تو را ستایش. منم بی یاوری که توام یاری کردی، پس تو را ستایش. منم اندوهگینی که تو اندوهم را برطرف ساختی، پس تو را ستایش. منم غم زده ای که تو غم از دلم زدودی، پس تو را ستایش. ای معبودم تو را بسیار بسیار ستایش، آنچنان که نعمت های بسیاری بر من ارزانی داشتی.

خداوندا! این نعمت هایی است که مرا بدان مخصوص گرداندی، با آن نعماتت که بر فرزندان آدم مبذول داشتی، آنچه مسخرشان کردی و آنچه از آنان دفع کردی و نعمتشان دادی، پس تو راست ستایش فراوان ای پروردگار جهانیان. خدایا! ذره ای از نعماتی که به من بخشیدی، نه به سبب کار شایسته ای بود که از من سر زده باشد و نه حقی که به واسطه آن سزاوار این نعمت گردم. و چنان نبود که هیچ یک از اندوه های دنیا و بدی ها و دردها و انواع بلاها و اقسام مرض ها و بیماری های آن را که از من دور کردی به خاطر کار نیکی باشد که از من سر زده باشد و من به واسطه آن سزاوار و شایسته آن گردم، ولی تو با رحمت خویش و حجتی بر من [که آن را تمام کردی] این بلاها را از من دفع کردی، ای مهربان ترین مهربانان! ستایش بسیار تو راست، آنچنان که بلاهای بسیاری را از من دفع کردی.

روز دهم

خدایا چه بسیار چیزهایی که من از آن دور و غایب بودم و تو حاضر بودی و سودهای آن را برایم میسر ساختی و شر و بدی را از من دور ساختی و در غیاب من مرا مورد توجه قرار دادی و بی آنکه من باخبر شوم و نیرو و قوتی داشته باشم مرا محافظت کردی و ستایش تو را است بر این الطاف و نعمت و بخشش. خدایا چه بسیار چیزهایی که من از آن غایب بودم و تو آن را عهده دار شدی و رأی مرا در مورد آن محکم ساختی و به من سخن راسخ دادی و به درخواستم توفیق دادی و آن

را به کمک خود مقرون ساختی، پس تو را ستایش فراوان ای معبود من! و تو را سپاس ای پروردگار جهانیان!

خداوندا بر محمد آن پیامبر خوشنود، پسندیده، پاک و پاکیزه، مبارک، پرهیزکار، طاهر، پاک زاد، پاک نهاد و وفادار و خاندان پاک و برگزیده او درود فرست، همان طور که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی، که به راستی تویی ستوده و بزرگوار. خداوندا به حق تمام اسباب ستودگیت و به صلوات بر پیامبرت محمد و خاندان او از تو می خواهم که تمام گناهانم را بیامرزی، تازه و کهنه شان را، کوچک و بزرگشان را، چه پنهان و چه آشکار، چه آن ها که دانستم و چه آن ها که ندانستم و آن ها که تو شمرده و حفظ کرده ای و من خود فراموش کرده ام، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان، منزهی تو و به ستایشت مشغولم. معبودی جز تو نیست. از تو طلب آمرزش دارم و به درگاه تو توبه می کنم. تویی معبودم، ای محل هر شکایت و ای منتهای حاجات، تو به مخلوقاتت دستور دعا دادی و اجابت دعایشان را بر عهده گرفتی که تویی نزدیک و اجابت کننده دعا.

خداوندا تسبیحت گویم و به ستایشت مشغولم، چه بزرگ است نامت در میان آسمانیان و چه ستوده است کارت در بین زمینیان و چه آشکار است نیکی ات در خشکی و دریا! خداوندا منزهی تو و به ستایشت مشغولم. معبودی جز تو نیست، از تو درخواست آمرزش دارم و به درگاه تو توبه می کنم که تویی دلسوز و تویی مهربان، تمام شوق و رغبت ها به سوی توست، باران را فرود آوری و روزی ها را اندازه کنی و تویی قسمت کننده زندگیها، ای مقدر کننده عمرها، روزی رسان بندگان، سیراب کننده سرزمین ها، برون آورنده میوه ها و صاحب برکات بزرگ. خداوندا تسبیحت گویم و به ستایشت مشغولم، خدایی جز تو نیست. از تو درخواست آمرزش دارم و به درگاه تو توبه می کنم. تویی فریادرس و هر شوق و رغبتی به آستان توست. تویی فرود آورنده باران. آذرخش به ستایش تو تسبیح گوید و فرشتگان نیز از بیم تو و هم عرش اعلی و ستون پایینی و هوا و آنچه میان

آن دو و در زیر خاک است و خورشید و ماه و ستارگان و دریاها و روشنی و تاریکی و نور و سایه و تاریکی شب و گرمای آفتاب.

منزهی تو، تویی که کوه ها را به حرکت درآوری و بادها را جریان دهی. منزهی تو، از تو خواهم به نامت که از آن بهراسند حامل عرشت و هر که در آسمان ها و زمین است و هر که در دریاها و هواست و هر که در تاریکی و در اعماق تاریک دریاها و هر چه زیر خاک و در میان شرق و غرب عالم است. منزهی تو و چه بزرگی تو، خدایا منزهی تو و به ستایشت مشغولم. خدایی جز تو نیست، از تو آمرزش خواهم و به درگاهت توبه می کنم. منزهی تو، خدایی جز تو نیست، اجابت دعا و سپاسگزاری در سختی و آسایش را از تو می خواهم.

خدایا! منزهی تو و به ستایشت مشغولم، خدایی جز تو نیست. تو آسمان های بلند را برافراشتی و طبقات آن را استوار ساختی، منزهی تو. به گودیهای زمینهای پست نظر افکندی و کناره های آن متزلزل گشت. منزهی تو، به دریاها و اعماق آن نظر افکندی و پس هر چه در آن ها بود آشکار شد. منزهی تو، بدانچه شرق و غرب جهان بر آن احاطه دارد و به هوای میان آن دو نظر افکندی و تمام آن ها از فروتنی در برابر تو و بزرگی ذات بخشنده تو که کریم ترین ذات هاست، به خشوع و فروتنی افتادند.

منزهی تو، که بود آن که تو را یاری کرد آنگاه که آسمان ها را برافراشتی و بر عرش عظمت خویش مستولی گشتی؟ منزهی تو، کیست آن کس که حاضر بود آنگاه که زمین را گستراندی و آن را کشیدی و سپس آن را پهن کردی و بسترش ساختی؟ کیست آن که شاهد تو بود، آن گاه که کوه ها را برافراشتی و پایه آن را از روی مهری که نسبت به خلق خویش داشتی برای اهل آن محکم کردی، منزهی تو، کیست آن که تو را یاری داد آن گاه که دریاها را شکافتی و زمین را بر آن ها محیط ساختی. منزهی تو، خدایی جز تو نیست و به ستایشت مشغولم. کیست آن کس که به تو زیان برساند و بر تو چیره شود؟ یا از تو سرپیچی کند یا از تقدیر تو رهایی یابد؟ منزهی تو، خدایی جز تو نیست و به ستایشت مشغولم. دیدگان از بیم مجازات تو گریانند و دل ها چون تو را یاد کنند از هراس تو به لرزه افتند. منزهی تو، چه بزرگ است

بردباری تو و چه نافذ است حکم تو و نیکوست آفرینش تو. منزهی تو، معبودی جز تو نیست و به ستایش تو مشغولم. کیست که به مدح تو رسد یا یارای توصیف کنه وجود تو را داشته باشد یا به پادشاهی تو دست یابد! منزهی تو، دیدگان در برابر تو متحیر و دل ها از بیم و هراس تو سرشار گشته اند. منزهی تو، خدایا! معبودی جز تو نیست و به ستایش تو مشغولم ای والا! چه اندازه بردباری و چه دادگری و چه مهربانی و چه مهرورزی و چه شنوایی و چه بینایی! منزهی تو، معبودی جز تو نیست. به رحمت خویش مرا محروم نگردان و عذاب نکن و من از تو درخواست آمرزش دارم. آمین، آمین، ای پروردگار جهانیان.

روز یازدهم

{منزّه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصی - که پیرامون آن را برکت داده ایم - سیر داد، تا از نشانه های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست.}؛(1) او [پاک و] منزّه است و از آنچه ستمگران می گویند والاتر است. {آسمان های هفتگانه و زمین و هر کس که در آن هاست او را تسبیح می گویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه با ستایشش، تسبیح او می گوید، ولی شما تسبیح آن ها را درنمی یابید. به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است.}(2) منزّه است او؛ چون کاری را اراده کند، همین قدر به آن می گوید: «موجود شو»، پس بی درنگ موجود می شود. {پس بر آنچه می گویند شکیبا باش، و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گوی و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی.}؛(3) {منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می کنند. و درود بر فرستادگان. و ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانیان است.}(4)



---

1- . اسرا / 1
2- . اسرا / 44
3- . طه / 130
4- . صافات / 180-182

منزه است خدا، پروردگار عرش بزرگ، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. منزه است خدا و برتر است از آنچه وصف می کنند. او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می سازند. منزّه است خدای قهار. منزّه است خدای یکتا که ملکوت هر چیزی در دست اوست، و به سوی اوست که بازگردانیده می شوید. پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ. {آنچه در آسمان ها و زمین است، خدا را به پاکی می ستایند و اوست ارجمند حکیم. فرمانروایی آسمان ها و زمین از آنِ اوست: زنده می کند و می میراند و او بر هر چیزی تواناست. اوست اوّل و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست. اوست آن کس که آسمان ها و زمین را در شش هنگام آفرید؛ آنگاه بر عرش استیلا یافت. آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا رود [همه را] می داند. و هر کجا باشید او با شماست، و خدا به هر چه می کنید بیناست. فرمانروایی [مطلق] آسمان ها و زمین از آنِ اوست. او زنده میکند و میمیراند و او بر هر چیز قادر است. اوست آغاز و پایان و پیدا و پنهان و او بر هر چیز آگاه است و [جمله] کارها به سوی خدا بازگردانیده می شود. شب را در روز درمی آورد و روز را [نیز] در شب درمی آورد، و او به راز دل ها داناست.} (1)

{آنچه در آسمان ها و در زمین است تسبیح گویِ خدای هستند، و اوست شکست ناپذیر سنجیده کار.} (2)

اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نامها [و صفات] از آنِ اوست. هر چه در آسمان ها و هر چه در زمین است خدا را تسبیح می گویند. او راست فرمانروایی و او راست ستایش و او بر هر چیزی تواناست. {و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب[های] دراز، او را به پاکی بستای.}؛ (3)

{پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه، که وی همواره توبه پذیر است.} (4)

منزهی تو که نیایشت می کنند {هر بامداد و شامگاه، مردانی که نه



---

1- . حدید / 1-6

2- . حشر / 1
3- . انسان / 26
4- . نصر / 3

تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد، و از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیرورو می شود می هراسند. }(1) منزه است کسی که آسمان ها از ترس او و ملائکه از هراس او و زمین با بیم و امید او تسبیح گوی اویند و همه از روی کمال فروتنی تسبیحش گویند. منزه است او که به شکوه یگانه است و به یگانگی معروف و به نیکی توصیف شده و به پروردگاری جهانیان چیره و آراستگی و زیبایی پیوسته از آن اوست.

روز دوازدهم

منزه است خدایی که عرش او در آسمان هاست. منزه است کسی که در خشکی و دریا راه رسیدن به او وجود دارد. منزه است کسی که عظمت او در آسمان است. منزه است کسی که نشانه های او در زمین است. منزه است کسی که در گورها حکم و داوری اوست... تا آخر دعا، که در روایت اول ذکر کامل آن گذشت.

روز سیزدهم

منزه است بلند والا مقام! منزه است کسی که مرگ را بر بندگانش حتمی قرار داده، منزه است داور دادگر، منزه است پادشاه مقتدر. تسبیح گویم خدا را و به ستایش او مشغولم، تسبیحی که پس از نابودی [همه چیز] باقی می ماند و در کفه میزان برای پاداش افزون گردد. تسبیحی که شایسته کرامت ذات و عزت شکوه او و پاداش بزرگ اوست. منزه است کسی که همه چیز در برابر قدرت او سر تسلیم فرود آورده است. منزه است کسی که همه چیز در برابر پادشاهی او فروتن گشته است. منزه است کسی که عنان تمام کارها در برابر فرمان او تسلیم گشته است. منزه است کسی که پاکی و قداستش زمین را پر کرده است. منزه است کسی که به نیروی خویش هر اندازه‌ای را مقدر ساخته و کسی را یارای رویارویی با قدرت او نیست.



---

1- . نور / 37- 36

منزه است کسی که اولش بردباری وصف ناپذیر و آخرش دانشی فنا ناپذیر است. منزه است کسی که بدون داشتن اعضا و اندام دانای آگاه است، منزه است کسی که هیچ نهانی در زمین و آسمان از او پنهان نیست، منزه است پروردگار مهربان، منزه است پروردگار یگانه یکتا، منزه است بزرگ بزرگ تر، منزه است مهربانی که شتاب نکند، منزه است پایداری که غفلت نکند، منزه است بخشنده ای که بخل نورزد. تویی آن کس که بزرگیت در آسمان است و قدرتت در زمین و شگفتی هایت در دریاها و نورت در تاریکی ها. معبودی جز تو نیست، به راستی که من از ستمکاران بودم.

منزه است عزت مند والا مقام، منزه است باشکوه ارجمند، منزهی تو ای پاک و ای پاکیزه، از تو خواهم به عطابخشیت ای عطابخش! و به قدرتت ای توانمند و به بردباریت ای بردبار و به دانشت ای دانا و به بزرگیت ای بزرگ. سپس سه بار می گویی: ای حق و سه بار ای برانگیزنده و سه بار ای ارث برنده و سه بار ای پاینده و سه بار ای خدا و سه بار ای بخشاینده و سه بار ای مهربان و سه بار ای باشکوه ارجمند و سه بار ای پروردگار ما و سه بار می گویی: «از تو می خواهم به حق معبودی جز تو نیست، ای بزرگ ستایش» و سه بار: «از تو خواهم به ذات بخشنده ات» و سه بار ای بخشنده ای سرور ما و سه بار ای افتخار ما و سه بار ای ذخیره ما و سه بار ای پناه ما و سه بار ای مولای ما و سه بار ای آفریدگار ما و سه بار ای روزی رسان ما و سه بار ای میراننده ما و سه بار ای زندگی بخش ما و سه بار ای برانگیزنده ما و سه بار ای ارث برنده ما و سه بار ای ساز و برگ ما و سه بار ای آرزوی ما و سه بار ای امید ما.

سه بار می گویی: از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای زنده، سه بار: از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای پاینده و سه بار: «از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای خداوند! ای که معبودی جز تو نیست، منزهی تو، معبودی جز تو نیست» و سه بار: «از تو خواهم به حق ذات بخشنده باعزتت ای بزرگوار»، سه بار: «از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای بزرگ»، سه بار: «از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای عطابخش»، سه بار: «از تو خواهم به حق ذات بخشنده ات ای باشکوه ارجمند»، از تو خواهم که بهترین درودهای خویش را که بر هر کدام از

پیامبران و فرستادگانت میفرستی بر محمد بنده و فرستاده و پیامبرت و خاندان پاک و برگزیده او بفرست.

خدایا بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست، آنچنان که بر ابراهیم و خاندان او درود فرستادی که تویی ستوده بزرگوار. خدایا بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست، خدایا بر پدرمان آدم و مادرمان حوا درود فرست. خدایا بر تمام پیامبرانت درود فرست. خدایا مرا در دین و دنیا و آخرتم به سلامت دار. به راستی تو بر همه چیز توانایی. خدایا از تو می خواهم از من بپذیری که تویی آمرزنده سپاس پذیر. خدایا از تو خواهم که مرا بیامرزی و به راستی تویی آمرزنده مهربان. خدایا از تو خواهم که به من رحم کنی که تویی بسیار توبه پذیر مهربان.

روز چهاردهم

خدایا بر محمد و خاندان او که پیامبری امّی است درود فرست، آنچنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی. تو حقیقتاً ستوده و بزرگواری. خدایا من از تو می خواهم در پی تسبیحی که از تو می کنم و درودی که بر پیامبرت می فرستم، تمام گناهانم را، کهنه و تازه، بزرگ و کوچک و آشکار و پنهان و آنچه تو بدان آگاهی و من بی خبرم و گناهانی که تو به شماره درآوردی و من خود فراموش کرده ام ببخشی. ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان! خدایی جز تو نیست. صداها در برابر تو خاضع شده و خواب ها در برابر تو سرگشته شده و دیدگان در برابر تو متحیر مانده اند و قلب ها به تو پیوند خورده. خدایی جز تو نیست، همه چیز در برابر تو خشوع کرده و هر چیزی خود را به تو بازدارد و هر موجودی برای تو افتادگی نشان دهد. معبودی جز تو نیست، مخلوقات همه در قبضه قدرت توست و زمام اختیار تمام آن ها به دست تو و هر که به تو شرک ورزد همو بنده خوار و ناتوان توست.

تویی پروردگاری که همتایی نداری و جاویدی که پایانی نداری و پاینده ای که زوالی نداری و پادشاهی که شریکی نداری. زنده زندگی بخش به مردگان و مراقب کردار هر کس هستی. معبودی جز تو نیست، ای اولی که پیش از خلق خود

موجود بوده و آخری که پس از آنان نیز خواهی بود و بر آن ها ظاهر و چیره هستی. توانای بر آنان و نزدیک به ایشان و صاحب و آفریننده و گیرنده جان آنان هستی. رساننده روزی و منتهای آرزو و سرور آنان و محل شکایت آنان تو هستی. حامی و پشتیبان آنان و سودرسانشان تویی. فراتر از تو کسی نیست که میان تو و آنان حائل شود. حرکت و سکون آنان در دست توست. تنها به تو و فضل و احسان تو امیدواریم. و هیچ نیرو و قوتی نیست جز به تو.

معبودی جز تو نیست، تویی نیروی هر ناتوان و پناه هر دل سوخته و اندوهگین و امان هر ترسان و مرجع هر شکایت و برطرف کننده هر بلا. معبودی جز تو نیست. تویی دژ هر فراری و عزت هر انسان خواری و کمک کار هر ستمدیده و هیچ نیرو و قوتی نیست جز به تو، معبودی جز تو نیست. صاحب هر نعمت و صاحب هر نیکی و برطرف کننده هر بدی و منتهای هر شوق و رغبت و برآورنده هر حاجت تو هستی. و هیچ نیرو و قوتی نیست جز به تو، معبودی جز تو نیست. به مخلوق خود مهربان، به بندگان خود مداراپیشه است، در حالی که او از آنان بی نیاز و آنان بدو نیازمندند.

معبودی جز تو نیست. آگاه بر هر امر پنهان و حاضر بر هر راز و بر هر آنچه خواهی دقیق هستی و هر چه اراده فرمایی انجام دهی. ای زنده ای که معبودی جز تو نیست و هیچ نیرو و قوتی نیست جز به تو، معبودی جز تو نیست. ای دانای به عالم غیب و شهود، بخشاینده مهربان، آفریننده آسمان ها و زمین، باشکوه ارجمند، تویی آمرزنده گناه، توبه پذیر، سخت کیفر و صاحب کرامت. معبودی جز تو نیست و بازگشت همه به سوی توست.

خدایا از تو می خواهم به حق «معبودی جز تو نیست» که بر محمد و خاندان او درود فرستی و تمام خواسته و شوق و آرزو و هر چه خواهم به من ببخشی که این بر تو آسان است و تو بر همه چیز توانایی. چون به چیزی اراده فرمایی، کارت این بس که می گویی: «باش»؛ پس [بی درنگ] موجود می شود.

روز پانزدهم

ص: 257

خداوندا معبودی جز تو نیست. از تو می خواهم به حق اسمت یکتای یگانه بی نیاز برتر که هر چیز را پر کرده است و از تو خواهم به حق اسم یگانهات که چیزی با او برابری نکند و از تو می خواهم به حق اسم والا و بلندت و از تو می خواهم به حق اسم بزرگ بزرگ ترت و از تو می خواهم به حق اسم باشکوه شکوهمندترت و از تو می خواهم به حق اسمت که معبودی جز تو نیست. دانای به غیب و شهود، بخشاینده مهربان و از تو خواهم به حق اسمت پاک سلامت بخش و مؤمن [به حقیقت حقّه خود] نگهبان، شکست ناپذیر، جبّار و متکبّر. پاک هستی خدایا و برتری از آنچه شریکت می گردانند. از تو می خواهم به حق اسمت بزرگوار و باعزت و به حق این که معبودی جز تو نیست، تویی خالق نوساز صورتگر. نام های نیکو از آن توست. هر آنچه در آسمان ها و زمین است تسبیح تو را گوید و تویی عزت مند فرزانه.

از تو می خواهم به اسمت گنجینه پنهان، که معبودی جز تو نیست و از تو می خواهم به حق آن نامت که اگر به آن خوانده شوی پاسخ دهی و اگر از تو درخواست شود عطا کنی. از تو می خواهم به حق آن اسمت که هر کس خواسته خود را بدان نام از تو خواست، خواستهاش را اجابت کردی، بر خود لازم میدانم و از تو می خواهم به حق آن نامت که از تو درخواست کرد، بدان نام آن بنده ات که دانشی از کتاب نزد او بود و تو تخت [بلقیس] را پیش از آنکه [سلیمان] چشم بر هم زند به نزدش آوردی. پس به حق این نام از تو خواهم و تو را خوانم. خدایا به آن چه که از تو درخواست کرد و تو را بدان خواند و تو دعایش را مستجاب فرمودی که درخواست مرا نیز خدایا پیش از چشم بر هم زدنم مستجاب فرمایی.

خدایا از تو خواهم به حق «معبودی جز تو نیست» که به راستی معبودی جز تو نیست، ای خدا، ای خدا، ای خدا، معبودی جز تو نیست. {زنده و پاینده ای که نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آنِ اوست تا آخر آیه }.(1)



---

-1 . بقره / 255

و از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به حق کتاب های پیشینیان و آن نام هایت که در آن هاست و به آن دعایی که هر که بدان بخواندت اجابتش کنی و از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به زبور و آن نام هایت که در آن است و به آن دعایی که هر که بدان بخواندت اجابتش کنی و از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به انجیل و آن نام هایت که در آن است و به آن دعایی که هر که بدان بخواندت اجابتش کنی و از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به تورات و آن نام هایت که در آن است و به آن دعایی که هر که بدان بخواندت اجابتش کنی.

از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به قرآن عظیم و آن نام هایت که در آن است و به آن دعایی که هر که بدان بخواندت اجابتش کنی و از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست به هر کتابی که به یکی از آفریدگانت در آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه میان آن دو است نازل کردی، از نام هایت و به آن دعایی که هر که بدان بخواندت اجابتش کنی. از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به هر نامی که مخصوص به توست و یکی از آفریدگانت در آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه میان آن دو است تو را بدان خواند.

و از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به حق هر نامی که مخصوص توست، آن را برای خویشتن برگزیده ای یا یکی از بندگانت را از آن آگاه ساخته ای یا کسی را مطلع نساختی و از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به آنچه بندگان شایسته ات تو را بدان خوانند و تو اجابتشان کنی. به تمام این ها از تو خواهم که بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه او او درود فرستی ای پروردگار جهانیان! و این که ای آقای من، دعایم را مستجاب گردانی که به راستی تویی شنوای دعا و به بندگان مهربانی، ای مهربان ترین مهربانان.

روز شانزدهم

خداوندا از تو می خواهم که معبودی جز تو نیست، به حق آن نام هایت که بدان ها تصمیم گرفتی بر [خلقت] آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و هر چه در آن ها خلق فرمودی، به آن نام پناه می جویم. خدایا معبودی جز تو نیست و تو را بدان نام می خوانم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام بر تو توکل می کنم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام از تو یاری می خواهم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام از تو امان جویم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام یاری می جویم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام به تو نزدیکی می جویم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام نیرو می گیرم. خدایا معبودی جز تو نیست، ای خدا، ای خدا، ای خدا، شریکی نداری، ای بخشنده، ای بخشنده، ای بخشنده، از تو خواهم به کرم و بزرگی و بخشش و لطف و نعمت و رأفت و آمرزش و مهربانی و زیبایی و شکوه و عزت و جبروت و بزرگیت تا بر خویشتن - که مهرورزی را بر آن حتم فرموده ای - در پاسخم گویی: ای بنده من! آنچه را از من خواستی در سلامت و تندرستی به تو دادم و تا زمانی که تو را زنده دارم، چنین کنم تا وقتی که در سلامتی و خشنودی تو را بمیرانم و در آن حال تو از سپاس گزاران نعمت من باشی.

و به تو پناه می جویم، خدایا معبودی جز تو نیست و به تو پناه می برم، خدایا معبودی جز تو نیست و از تو فریاد خواهم، خدایا معبودی جز تو نیست و به تو توکل کنم، خدایا معبودی جز تو نیست و به تو ایمان آورم، خدایا معبودی جز تو نیست و بدان اسم اعظم به تو نزدیکی و تقرب جویم، خدایا معبودی جز تو نیست و به تو مشتاقم، خدایا معبودی جز تو نیست و تو را خوانم، خدایا معبودی جز تو نیست و به درگاهت زاری می کنم، خدایا معبودی جز تو نیست. به ذات بزرگوارت، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان. و از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به راستی که معبودی جز تو نیست، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان و از تو خواهم ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به هر سوگند که در ام الکتاب مکنون [لوح محفوظ] یا در

کتاب های پیشینیان یا زبور یا الواح و یا در تورات و انجیل یا در کتاب و قرآن بزرگ بدان سوگند یاد کردی، ای بخشاینده، ای مهربان! و رو به سوی تو می کنم خدایا، معبودی جز تو نیست، به راستی که خدایی جز تو نیست، به حق پیامبرت محمد، پیامبر رحمت که درودهای با برکتت بر او و خاندان پاک و پاکیزه و برگزیده او باد.

ای محمد، پدر و مادرم به فدایت باد! در این حاجتم به وسیله تو به درگاه خداوند، پروردگارت و پروردگارم روی آورم که معبودی جز او نیست و بخشنده و مهربان است. از تو خواهم به حق آن اسم، خدایا معبودی جز تو نیست، به راستی که خدایی جز تو نیست، ای پدیدآرنده بی نظیر، ای جاوید فناناپذیر، ای زنده، ای زندگی بخش مردگان! تویی که بر اعمال هر کس توانا و مراقبی، ای بخشاینده، ای مهربان! از تو خواهم به حق آن اسم، خدایا معبودی جز تو نیست، به راستی که خدایی جز تو نیست، تویی یگانه و یکتا و بی نیاز و تک و والایی که [عظمتش] آسمان ها و زمین را پر کرده است و به اسم بی همتایت که چیزی با آن برابری نکند، ای بخشاینده، ای مهربان!

از تو خواهم بدان اسم، خدایا معبودی جز تو نیست، به راستی که خدایی جز تو نیست و خدایا! ای پروردگار بشر و پروردگار ابراهیم و پروردگار محمد پسر عبدالله، خاتم پیامبران، از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و بر من و پدر و مادرم و خانواده و فرزندانم و تمام برادران با ایمانم ترحم فرمایی، ای مهربان ترین مهربانان؛ چرا که من به تو و به پیامبران و فرستادگان و بهشت و دوزخ و برانگیختن و رستاخیز و نوید و تهدید و کتاب هایت ایمان دارم و به آنچه [پیامبر] از سوی تو آورده اعتراف می کنم و به قضای تو خوشنودم و گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست، یکتایی و شریکی نداری، نه ضد و مانندی داری و نه نظیر و همدمی، نه فرزندی داری و نه شبیهی، نه مشابهی داری و نه همنامی. چشم ها تو را درنیابند و تو دیده ها را دریابی و تویی دقیق و آگاه.

گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده توست و درود خداوند بر او و خاندان پاک و طاهر او باد و سلام و رحمت و برکات خداوند بر آنان باد. و از تو

می خواهم خدایا، معبودی جز تو نیست و به راستی که خدایی جز تو نیست. ای مهرورز، ای عطابخش، ای باشکوه ارجمند، ای معبود و سرور من، ای زنده، ای پاینده، ای بزرگوار، ای بی نیاز، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست، ای بخشاینده، ای مهربان، شریکی نداری، ای معبود و آقای من، تو را از روی حق شناسی ستایش می کنم، پس تمام دعاهایم را مستجاب گردان و از [گرفتار شدن در] آتش به من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان ! و بر سرورمان محمد و خاندان پاکیزه او درود فرست.

روز هفدهم

معبودی جز تو نیست که برطرف کننده هر اندوه هستی. معبودی جز تو نیست که هر خواری را عزتمند کرده ای. معبودی جز تو نیست که بی نیاز کننده هر نیازمندی. معبودی جز تو نیست که نیروی هر ناتوانی. معبودی جز تو نیست که برطرف کننده هر گرفتاری هستی. معبودی جز تو نیست که صاحب هر نیکی هستی. معبودی جز تو نیست که نهایت هر آرزویی. معبودی جز تو نیست که دانای به هر راز پنهانی. معبودی جز تو نیست که دانای به هر نهانی. معبودی جز تو نیست که بر هر نجوایی گواهی. معبودی نیست جز تویی که رفع کننده هر بلایی. معبودی جز تو نیست که همه چیز در برابر تو خاضع است. معبودی جز تو نیست که همه چیز در برابر تو خوار گشته. معبودی جز تو نیست که همه چیز از تو ترسان است. معبودی جز تو نیست که همه چیز در برابر تو فروتن گشته. معبودی جز تو نیست که همه چیز به تو میل دارد. معبودی جز تو نیست که همه چیز از تو هراسان است. معبودی جز تو نیست که همه چیز به تو پا برجاست. معبودی جز تو نیست که بازگشت همه چیز به سوی توست. معبودی جز تو نیست که یکتایی و شریکی نداری. معبودی یگانه که ستایش و فرمانروایی تو را است. زنده می کنی و می میرانی و تو خود زنده نامیرایی. زمام هر نیکی در دست توست و تو بر همه چیز توانایی.

معبودی جز تو نیست، شریکی نداری، یکتا و بی نیازی که نه زاده و نه زاییده شده و هیچ کس همتای او نیست. نه همدمی اختیار کرده و نه فرزندی. معبودی جز

تو نیست، تو پابرجا می مانی و همه چیز نابود می شود، جاویدی که زوال ناپذیری. معبودی جز تو نیست، زنده پاینده ای که نه خوابی سبک تو را گیرد و نه خوابی گران. عدالت را بر پا داری. معبودی جز تو نیست، شکست ناپذیر و سنجیده کار و دادگری. معبودی جز تو نیست، آفریننده آسمان ها و زمین و پروردگار عرش بزرگ، مهربان و بخشنده، باشکوه ارجمند.

معبودی جز خدای یگانه نیست، بردبار بزرگوار. معبودی جز خدای یگانه نیست، بلند مرتبه بزرگ. منزه است پروردگار آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و هر چه در آن ها و میان آن ها و زیر آن هاست و پروردگار عرش بزرگ و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست. او یکتا و بی همتاست. فرمانروایی و ستایش از آن اوست. زنده می گرداند و می میراند و خود زنده ای است که نمیرد و نیکی در دست اوست و او بر همه چیز تواناست. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد. معبود یکتای بی همتای بی نیازی که نه همدمی اختیار کرده و نه فرزندی و هیچ کس همتای او نیست. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، گواهی که بدان امید راه یافتن به بهشت را دارم. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، تا آن هنگام که کوه های استوار پابرجا باشند و پس از نابودی آن ها تا ابد [جاوید و یگانه هستی].

گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، تا زمانی که جان در بدن دارم و پس از بیرون رفتن آن تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، در شادابی و نشاط پیش از بی حالی و بر حال سستی و بی حالی پس از شادمانی و در هر حال تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، بر جوانی پیش از سالخوردگی و بر سالخوردگی پس از جوانی و در هر حال تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، بر حال آسایش پس از گرفتاری و در حال اشتغال پس از فراغت و در هر حال تا همیشه.

گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، تا زمانی که دستانم در کارند و نیز آن زمان که از کار دست کشند و در هر حال تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، تا زمانی که گوش ها بشنوند و زمانی که از کار افتند و در هر حال تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، تا آن زمان که چشم هایم ببینند و زمانی که قادر به دیدن نباشند و در هر حال تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، تا آن زمان که زبانم در کام بگردد و زمانی که از حرکت باز ایستد و در هر حال تا ابد.

گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، پیش از وارد شدن در گورم و در هر حال تا ابد. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، در شب چون فرو پوشد و در روز چون جلوه گری آغازد. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، در دنیا و آخرت. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، گواهی که آن را برای هراس روز قیامت اندوخته کنم. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، گواهی حق طلبانه و گفتاری مخلصانه.

گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، آنچنان گواهی که گوش و چشم و گوشت و خون و مو و پوست و مغز و استخوان و اعصابم و هر چه را که پاهایم با خود دارد به آن گواهی دهند. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، آنچنان گواهی که امید دارم زبانم به هنگام خروج جانم بدان گویا شود. تا زمانی که جانم را به تمامی باز ستاند و کردارم را ختم به خیر گرداند. آمین ای پروردگار جهانیان.

روز هجدهم

معبودی جز الله نیست به تعداد خشنودیاش. معبودی جز الله نیست به تعداد مخلوقاتش. معبودی جز الله نیست به تعداد کلماتش. معبودی جز الله نیست هموزن عرشش. معبودی جز الله نیست به اندازه آسمان ها و زمینش. معبودی نیست جز

خداوند ستوده بزرگوار، آمرزنده مهربان، مؤمن [به حقیقت حقّه خود] و مراقب، عزتمند جبار و متکبر. معبودی نیست جز خدای جان ستاننده و جان دهنده، بلندمرتبه وفادار، یکتای یگانه، تک بی نیاز، چیره بر بندگان، مهربان و رحیم. معبودی نیست جز خدای اول، آخر، آشکار، نهان، فریادرس، نزدیک، اجابتگر. معبودی نیست جز خدای آمرزنده، سپاس پذیر، دقیق، آگاه، معبودی نیست جز خدای اول، دانای برتر. معبودی نیست جز خدای خواهان، چیره، نور، بزرگوار. معبودی نیست جز خدای ستوده، روزی رسان، نوساز، پدید آورنده.

معبودی نیست جز خدای بی نیاز، جزا دهنده، والای برتر. معبودی نیست جز خدای آفریننده، کفایت کننده، پایدار، پذیرا. معبودی نیست جز خدای عزت بخش، خوار کننده، بخشنده، سخاوتمند، بزرگوار. معبودی نیست جز خدای برطرف کننده، رفعت بخش، پایین آورنده. معبودی نیست جز خدای برانگیزنده، ارث برنده. معبودی نیست جز خدای پابرجای جاوید، والای وسعت بخش. معبودی نیست جز خدای یاریگر فریادرس برتری بخش، زنده ای که نمیرد. معبودی نیست جز خدای {آفریننده، نوساز، صورتگر، [که] بهترین نام ها از آنِ اوست. آنچه در آسمان ها و زمین است [جمله] تسبیح او می گویند و او شکست ناپذیر حکیم است.} (1)

اوست خدای مقتدر در جاودانگیش که نه چیزی با او برابری می کند، نه توصیف تواندش کرد و نه همتای او باشد و نه شباهتی بدو یابد. هیچ چیز مثل او نیست و اوست شنوای بینا و دقیق آگاه، اجابت کننده دعای درماندگان و خواستارانِ ذات بزرگوارش. خدایا از تو خواهم به کلمات تامه ات و به عزت و قدرت و پادشاهی و اقتدار و جبروتت که بر محمد و خاندان محمد درود و رحمت فرستی و برایم چنین و چنان کنی، به مهر و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان!



---

1- . حشر / 24

روز نوزدهم

ستایش خدای را بدانچه خداوند خود را به وسیله آن ستایش کرده است، و خدایی جز خدای یگانه نیست بدانچه خود را بدان تهلیل گفته (و از وحدانیت خود یاد کرده)، و تنزیه خدای را بدانچه خود را بدان تنزیه فرموده، و خدا بزرگتر است بدانچه خداوند خود را بدان وسیله به بزرگی توصیف کرده، و ستایش خدای را بدانچه عرش و کرسی خداوند و هر که در زیر آن است او را بدان ستایش گفته اند، و معبودی جز خدای یگانه نیست بدانچه عرش و کرسی خداوند و هر آن که در زیر آن است او را بدان وسیله به یگانگی ستوده، و منزه است خداوند بدانچه عرش و کرسیاش و هر که در زیر آن است او را بدان تنزیه کرده، و خدا بزرگ تر است بدانچه عرش و کرسی خدا و هر که در زیر آن است او را بدان بزرگ داشته است. ستایش خدای را بدانچه آفریدگان خداوند او را بدان ستایش کرده و ستایش خدای را بدانچه فرشتگان خداوند، او را بدان ستایش کرده اند.

ستایش خدای را بدانچه آسمان ها و زمینش او را بدان ستایش کرده اند، و خدا بزرگ تر است بدانچه آسمان ها و زمینش او را بدان به بزرگی ستوده اند، و خدایی جز خدای یگانه نیست بدانچه آسمان ها و زمینش او را به وسیله آن به یگانگی ستوده اند، و تنزیه خدای را بدانچه آسمان ها و زمینش او را بدان تنزیه کرده اند، و خدا بزرگ تر است بدانچه آسمان ها و زمینش او را بدان به بزرگی ستوده اند.

ستایش خدای را بدانچه رعد و برق و بارانش او را بدان ستایش کرده اند، خدا را به یگانگی می ستایم بدانچه رعد و برق و بارانش او را به وسیله آن به یگانگی ستوده اند، و تنزیه خدای را بدانچه رعد و برق و بارانش او را بدان تنزیه کرده اند، و خدا بزرگ تر است بدانچه رعد و برق و بارانش او را بدان به بزرگی ستوده اند.

ستایش خدای را بدانچه کرسی او و هرچه علم او بدان احاطه دارد او را بدان ستایش کرده اند. خدا را به یگانگی می ستایم بدانچه کرسی او و هرچه علم او بدان

احاطه دارد او را به وسیله آن به یگانگی ستوده اند، و تنزیه خدای را بدانچه کرسی او و هرچه علمش بدان احاطه دارد او را بدان تنزیه کرده اند، و خدا بزرگ تر است بدانچه کرسی او و هرچه علمش بدان احاطه دارد او را بدان به بزرگی ستوده اند.

ستایش خدای را بدانچه دریاهای او و آنچه در آن هاست او را بدان ستایش کرده اند. خدا را به یگانگی می ستایم بدانچه دریاهای او و آنچه در آن هاست او را به وسیله آن به یگانگی ستوده اند، و تنزیه خدای را بدانچه دریاهای او و آنچه در آن هاست او را بدان تنزیه کرده اند، و خدا بزرگ تر است بدانچه دریاهای او و آنچه در آن هاست او را بدان به بزرگی ستوده اند.

ستایش خدای را تا نهایت دانش و منتهی درجه خشنودی او و ستایشی که برابری نداشته باشد و معبودی جز خدای یگانه نیست تا نهایت دانش و منتهی درجه خشنودی او و تا آنجا که برابری نداشته باشد، و خدا بزرگ تر است تا نهایت دانش و منتهی درجه خشنودی او و تا آنجا که برابری نداشته باشد. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و بر محمد و خاندان او رحمت فرست و به محمد و خاندان او برکت ده، چنانچه درود و رحمت فرستادی و برکت دادی بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، به راستی که تویی ستوده بزرگوار.

خدایا به دنبال ستایشت و به یگانگی ستودنت و تسبیح و به بزرگی ستودنت و درود بر پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله از تو می خواهم تمام گناهان مرا، کوچک و بزرگ، پنهانی و آشکار، آنچه من خود می دانم و آن ها که نمی دانم، آن ها که تو برشمردی و ثبت کردی و من خود فراموش کردم، همه را بیامرزی ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان، آمین ای پروردگار جهانیان.

روز بیستم

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و بر محمد و خاندان او رحمت فرما و به محمد و خاندان او برکت ده، چنانچه درود فرستادی بر ابراهیم، به راستی که تویی ستوده بزرگوار، درودی که ما را به خشنودی تو و به بهشت رساند و از خشم

تو و از آتش دوزخ نجات یابیم. خدایا پیامبرمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در چنان مقام پسندیده ای مبعوث فرما که موجب غبطه پیشینیان و پسینیان گردد. خدایا بر او درود و سلام فرست و او را به بهترین نوع فضیلت مخصوص گردان و به والاترین درجه سروری و جایگاه بزرگواران برسان.

خدایا محمد را به ذکر پسندیده و حوض [کوثر] که محل ورود بهشتیان است مخصوص گردان. خداوندا اساس[وجودی یا رسالت] محمد را شرافت ده و برهان او را بزرگ گردان و ما را از جام او سیراب و بر حوض او وارد گردان و ما را در گروه او محشور کن، در حالی که نه شرمنده و پشیمان باشیم و نه شکی در دل داشته باشیم و نه جزء تغییر دهندگان [احکامت] و نه پیمان شکنان و انکار کنندگان و نه فریفتگان و گمراهان و نه گمراه کنندگان باشیم، بلکه از پاداش تو خشنود و از مجازات تو در امان باشیم و نعمتی باشد از نزد تو که در حقیقت تویی شکست ناپذیر بخشنده.

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست که رهبر خوبی و پیشوای نیکی است و برکت او را بر تمام شهرها و بندگان و جنبندگان و درختان زیاد گردان. ای مهربان ترین مهربانان! خداوندا از هر کرامتی بهترین کرامت و از هر نعمتی بهترین آن و از هر آسانی بهترین آسانی و از هر عطا و بخششی بهترین آن و از هر قسمتی بهترینش را به محمد صلی الله علیه و آله عطا کن تا این که مقام هیچ کدام از آفریدگانت در پیشگاه تو مقرب تر از مقام او و منزلتش پربهره تر از منزلت او و وسیله اش نزدیکتر از وسیله او به تو و شرافتش در نزد تو بزرگ تر از او و حقش نسبت به تو بیشتر از او و مقام شفاعتش از حضرت محمد والاتر نباشد که درود تو بر او و خاندانش باد. همه این ها را در کنار آسایش و راحتی زندگی و نعمت پابرجا و نهایت فضیلت و سروری، کرامت و امید، آرامش و نهایت کامیابی و بهره مندی از خوشی ها و شادمانی که غیر قابل قیاس با شادمانی های دنیوی باشد.

خداوندا! مقام وسیله و بلندی رتبه و برتری را به محمد عطا کن و درجه او را در علیین قرار ده و محبت او را در دل برگزیدگان بگذار و بزرگواری او را میان مقربان مقرر فرما. ما گواه هستیم که او رسالت تو را تمام و کمال [به خلق] رسانید و

برای بندگانت خیرخواهی کرد و آیاتت را تلاوت فرمود و حدود تو را اجرا کرد و دستور تو را به انجام رساند و حکم تو را اجرا نمود و به عهدت وفا کرد و در راه تو جهاد فرمود و مخلصانه بندگی و پرستش تو را کرد تا این که مرگش فرا رسید. به فرمان برداری از تو فرمان داد و خود نیز فرمان برداریت کرد و از نافرمانی تو بازداشت و خود را نیز از آن بازداشت. با دوست تو دوستی کرد به همان صورت که تو می خواستی او را دوست بدارد و با دشمنت دشمنی کرد به همان سان که می خواستی با او دشمنی کند. درود و صلواتت بر محمد پیشوای پرهیزکاران و خاتم پیامبران و سرور فرستادگان و رسولت باد ای پروردگار جهانیان!

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، در شب چون تاریکی خود را فرو پوشد، و بر محمد و خاندان محمد درود فرست در روز چون روشن شود و در دنیا و آخرت بر او درود فرست و مقام خشنودیت را به او ارزانی دار و پس از خشنودی بر او بیفزای. خدایا چشم پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله را به پیروانش از امت او و همسران و نسل و یاران او روشن کن. همچنین ما و همه اهل بیت او را همگی و خاندان ما و هر کسی که حقی بر گردن ما دارد، چه زنده و چه مرده، در زمره کسانی قرار ده که باعث روشنی چشم او می شوند و چشم همگی ما را به دیدار او روشن کن و بین ما و او جدایی میفکن و ما را خدایا بر حوض او وارد کن و از جام او سیرابمان گردان و ما را در گروه او و زیر پرچم او محشور کن و از همراهی با او محروممان مگردان، به راستی که تو بر همه کار توانا هستی. و سلام و درود بر او و خاندان پاک و برگزیده اش و رحمت و برکات خدا بر آن ها باد.

خدایا، ای پروردگار مرگ و زندگی و ای پروردگار آسمانها و زمین و ای پروردگار جهانیان و ای پروردگار ما و پدران پیشین ما! تو یکتا و بی نیازی هستی که نه زاده و نه زاییده شده و هیچ کس همتای او نیست. به قدرت خویش بر ملکوت حکم راندی و به عزت خویش اربابان را به بندگی کشاندی و به بخشش خویش بر بزرگان سروری کردی و به نیکی خویش بر اشراف پیشی جستی و به عظمت خویش کوه ها را رام خویش ساختی و افتخار و بزرگی را برای خویش برگزیدی، ستایش و ثنا در نزد تو جای گرفت و جایگاه بزرگی و بخشش مخصوص توست،

پس چیزی به درجه تو نرسد و قدرت هیچ کسی با قدرت تو برابری نکند. تویی پناه پناه جویان و ملجأ بی پناهان و تکیه گاه مؤمنان و طریق خواسته حاجت طلبان.

خدایا از تو خواهم که فتنه خواهش ها را از من دور سازی و می خواهم که در هر فتنه گمراه کننده به من رحم کنی و مرا ثابت قدم گردانی. تو مرجع شکایت و درخواست من هستی، هیچ کس مانند تو نیست و توان هیچ کس با تو برابر نیست. تو بزرگ تر و والاتر و گرامی تر و عزیزتر و بخشنده تر و عظیم تر و ارجمندتر و بزرگوارتر و گرامی تر از آن هستی که مخلوقات قادر به توصیف تو باشند. تو آنچنانی که خود وصف کرده ای، ای صاحب روز جزا.

خدایا به حق هر نامی که دوست داری تو را بدان نام بخوانند و به هر دعایی که یکی از آفریدگانت از پیشینیان و پسینیان تو را بدان دعا خوانده و دعایش را مستجاب کرده ای، از تو می خواهم تمام گناهانم را بیامرزی، کهنه و تازه اش را، کوچک و بزرگش را، نهان و آشکارش را، آن ها را که می دانم و آن ها که نمی دانم و آنچه را که تو بر من شماره و یادداشت کرده ای و من خود فراموشش کرده ام. خدایا مرا بیامرز و به من رحم کن و توبه ام را بپذیر که به راستی تویی توبه پذیر مهربان، ای مهربان ترین مهربانان !

روز بیست و یکم

خداوندا مرا در زمره کسانی قرار ده که به غیب ایمان می آورند و نماز بر پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند و مرا در مسیر هدایت و از هدایت یافتگان قرار ده و کلماتی را به من بیاموز که به آدم علیه السلام آموختی و توبه او را پذیرفتی؛ که تویی توبه پذیر مهربان. خدایا مرا از کسانی قرار ده که نماز به پا می دارند و زکات می دهند و مرا در زمره خاشعان قرار ده که از شکیبایی (روزه) و نماز یاری می جویند و از کسانی که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد. خدایا مرا از شکیبایانی قرار ده که چون مصیبتی به آنان برسد، می گویند: «ما از آنِ خدا هستیم، و به سوی او باز می گردیم.» خدایا ! از جانب خود درود و رحمتی را برای من مقرر فرما و مرا از هدایت یافتگان قرار ده.

خدایا در زندگی دنیا و در آخرت مرا با سخن استوار ثابت گردان و مرا از ستمکاران قرار مده. خداوندا مرا از کسانی قرار ده که {فرشتگان جانشان را - در حالی که پاکند - می ستانند [و به آنان] می گویند: درود بر شما باد، به [پاداش] آنچه انجام می دادید به بهشت درآیید.} (1) خدایا مرا {از کسانی قرار ده که صبر نمودند و بر پروردگارشان توکّل می کنند.} (2) خدایا در این دنیا به من نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و مرا از عذاب آتش [دور] نگه دار. و مرا از کسانی قرار ده که {پروا داشته اند و کسانی که نیکوکارند.} (3) منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. دعایم را مستجاب گردان و مرا از آتش دوزخ رهایی بخش، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا مرا از فروتنانی قرار ده که چون آیات تو را یاد کنند، {دل هایشان خشیت یابد و [آنان که] بر هر چه برسرشان آید صبر پیشه گانند و برپا دارندگان نمازند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند.} (4) خداوندا! مرا از {کسانی قرار ده که در نمازشان فروتنند و آنان که از بیهوده رویگردانند و آنان که زکات می پردازند و کسانی که پاکدامنند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست.} (5) خداوندا! مرا از کسانی قرار ده {که امانت ها و پیمان خود را مراعات می کنند. و آنان که بر شهادت های خود ایستاده اند. و کسانی که بر نمازشان مداومت می ورزند.} (6)...تا آخر دعا که در روایت اول گذشت.

روز بیست و دوم

خدایا مرا از کسانی قرار ده که با ایمان و کارهای شایسته به دیدار تو بشتابند و از آنان که در بالاترین درجات بهشت عدن ساکنشان گرداندی که از زیر [درختان]



---

1- . نحل / 32
2- . نحل / 42
3- . نحل / 128
4- . حج / 35
5- . مؤمنون / 2-6

6- . معارج / 34-32

آن، رودها روان است. خدایا ما را از جمله کسانی قرار ده که تو را یاد کنند و گویند: پروردگار ما! بر ما ببخشای و به ما رحم کن و تو بهترین آمرزندگان و تو مهربانترین مهربانانی. خدایا! ما را از آن بندگانت قرار ده که روی زمین به نرمی گام برمی دارند... تا آخر دعا که ذکر آن در روایت اول گذشت.

روز بیست و سوم

{من [آنجا] زنی را یافتم که بر آن ها سلطنت می کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت. او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند، و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته بود، در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند. [آری، شیطان چنین کرده بود] تا برای خدایی که نهان را در آسمان ها و زمین آشکار میکند و آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می نمایید می داند، سجده نکنند؛ خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست، پروردگار عرشِ بزرگ است.}(1)، {پس به [سزای] آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید [عذاب را] بچشید؛ ما [نیز] فراموشتان کردیم، و به [سزای] آنچه انجام می دادید عذاب جاودان را بچشید. تنها کسانی به آیات ما می گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده کنان به روی درمی افتند، و به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و آنان بزرگی نمی فروشند. پهلوهایشان از خوابگاه ها جدا می گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می خوانند، و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است، به [پاداش] آنچه انجام می دادند برای آنان پنهان شده است.}(2)

خداوندا! مرا از کسانی قرار ده که {به [پاداشِ] آنچه انجام می دادند، در باغ هایی که در آن جایگزین می شوند، پذیرایی می گردند.}(3)، {گفت: «قطعاً او در



---

1- . نمل / 23-26
2- . سجده / 14-17
3- . سجده / 19

مطالبه میش تو [اضافه] بر میش های خودش، بر تو ستم کرده و در حقیقت بسیاری از شریکان به همدیگر ستم روا می دارند، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند و این ها بس اندکند؛ و داوود دانست که ما او را آزمایش کرده ایم. پس، از پروردگارش آمرزش خواست و به رو درافتاد و توبه کرد.}(1)

{و از نشانه های او شب و روز و خورشید و ماه است؛ نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه، و آن خدایی را سجده کنید که آن ها را خلق کرده است اگر تنها او را می پرستید.}(2) خداوندا تو آمرزنده مهربانی و من گنهکار خطاپیشه هستم. خداوندا تو بخشنده ای و من محتاج. تو آفریننده ای و من آفریده، تویی صاحب اختیار و منم بنده. خدایا {عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذاب آن سخت و دائمی است و در حقیقت چه بد قرارگاه و جایگاهی است.}(3)، {[پروردگارا] شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است.}(4)، {پروردگارا، بر دانشم بیفزای}(5)، {و روزی که [مردم] برانگیخته می شوند رسوایم مکن.}(6)

{پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست وارد کن و به طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من دلیل و راهنمایی یاری بخش قرار ده.}، (7) {پروردگارا، مرا در جایی پربرکت فرود آور [که] تو نیک ترین مهمان نوازانی.}،(8) {پروردگارا، سینه ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز.}،(9) {پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در



---

1- . ص / 24
2- . فصلت / 37
3- . فرقان / 65-66
4- . بقره / 285
5- . طه / 114
6- . شعرا / 87
7- . اسرا / 80
8- . مومنون / 29
9- . طه / 25-26

دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند [هیچ گونه] کینه ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رئوف و مهربانی.}، (1) پروردگارا! توبه ما را بپذیر و بر ما رحم کن و ما را هدایت فرما و بیامرز و بهترین دوران عمر ما را آخر آن قرار ده و بهترین اعمال ما را پایان آن گردان و بهترین روزهایمان را روز دیدارت قرار ده و عمرمان را به خوشبختی پایان ده. ای زنده، ای پاینده، به راستی که من به رحمت تو یاری میطلبم.

خدایا ای زداینده غم و ای برطرف گرداننده اندوه و ای اجابت کننده درخواست درماندگان! تو در دنیا و آخرت بخشاینده و مهربانی! در تمام خواسته هایم آنچنان به من مهربانی کن که مرا از رحم و مهربانی دیگری بی نیاز گردانی. خدایا من توان رسیدن به آرزوهایم و توان برطرف کردن نگرانیهایم را ندارم مگر به واسطه تو. اختیار امور در دست توست و من محتاج آمرزش توام و تمام مخلوقاتت به تو نیازمندند و هیچ کسی محتاج تر از من نسبت به تو نیست.

خدایا من به نور تو هدایت یافتم و به فضل و بخشش تو بی نیازی جستم و در نعمت تو صبح و شبم را گذراندم. گناهانم پیش روی توست، از تو آمرزش می خواهم و به درگاه تو توبه می کنم. خدایا من شر هر که را از حیله او ترسانم به وسیله تو دفع می کنم و از شر او به تو پناه می برم و از تو علیه وی یاری می گیرم. معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. خدایا من از تو یک زندگی شیرین و مرگی آسان و بازگشتی عاری از رسوایی و خواری مسئلت دارم، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا به تو پناه می برم از این که کسی را خوار کنم یا این که خوار گردم و از این که کسی را گمراه کنم یا این که خود گمراه شوم و از این که ستم کنم یا این که مورد ستم واقع شوم و از این که کسی را به نادانی بکشم یا مرا به نادانی بکشند، یا در مورد من کسی به نادانی کشیده شود. ای صاحب عرش عظیم و نعمت دیرین! بزرگی و برتری. ای مهربان ترین مهربانان!



---

1- . حشر / 10

روز بیست و چهارم

خداوندا دینم و تنم را به سلامت دار و به گوش و چشمم سلامتی ده و آن دو را وارثان من قرار بده، ای آغازگری که شریکی نداری، ای جاویدی که پایانی نداری، ای زنده ای که نمیرد، ای زندگی بخش مردگان، تویی ناظر بر کردار هر کس، بر محمد و خاندان او درود فرست و با من چنان کن که خود شایسته آنی. خداوندا ای شکافنده صبح و ای شب را مایه آرامش و ماه و خورشید را [وسیله] حساب قرار دهنده، قرض مرا ادا فرما و از فقر و نداری در پناهم گیر و مرا از گوش و چشمم بهره مند گردان و مرا در راه خویش نیرومند فرما، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا تو مهربان ترین مهربانانی، معبودی جز تو نیست و تو آغازگری هستی که پیش از تو چیزی نیست. تو جاوید فناناپذیر هستی و زنده ای که نمیرد، تویی آفریننده هر چه دیدنی است و هر چه نادیدنی. هر روز تو در کاری هستی، بر محمد و خاندان او درود فرست، و آمرزش من و پدر و مادرم و فرزندان و برادرانم جزء کارهای تو باشد، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا تویی که بدون یادگیری همه چیز را می دانی، پس تو را ستایش.

خداست، خداست، خداست پروردگار من، هیچ چیز را شریک او نگردانم {چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا.}،(1) {چشم ها او را درنمی یابند و اوست که دیدگان را درمی یابد، و او لطیفِ آگاه است.}(2)خدایا از تو می خواهم، که هر چه تو بخواهی انجام می شود و به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و خاندان پاک و برگزیده او به درگاهت رو می کنم. ای محمد! من به واسطه تو به درگاه خداوند که پروردگار تو و پروردگار من است، روی آورم تا این خواسته مرا برآورده سازد و بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه او درود و رحمت فرستد و آنچنان که او شایسته آن است با من کند.

خدایا از تو خواهم به حق نامت که به وسیله آن بر امواج آب راه روند، آنچنان که بر همواری های زمین راه می روند. از تو می خواهم به آن نامت که گام های



---

1- . شوری / 11

2- . انعام / 103

فرشتگان با شنیدنش به لرزه افتد و از تو می خواهم به آن نامت که موسی علیه السلام از جانب طور ایمن تو را به آن نام خواند و اجابتش کردی و از جانب خویش محبتی را بر دل او افکندی و از تو می خواهم به آن نامت که محمد صلی الله علیه و آله تو را بدان نام خواند و گناهان گذشته و آینده او را آمرزیدی و نعمتت را بر آن حضرت تمام کردی، که بر محمد و خاندان او درود فرستی و با من چنان کنی که خود شایسته آنی.

خدایا! به عظمت مراتب عزت و سربلندی در عرشت و به حق منتهای رحمت از کتابت و به حق اسم اعظمت و جلال و شکوهت که والاترین است و به حق کلمات تامه ات که نه نیکوکار از آن فراتر رود و نه بدکار، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای باشکوه ارجمند، معبود یگانه یکتا، بی همتای بی نیاز که همواره به عدالت برپاست. معبودی جز تو نیست، تویی شکست ناپذیر سنجیده کار. تویی یکتای بزرگ والا، از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و از روی گذشت مرا بی محاسبه به بهشت درآوری و آنچه را که تو خود شایسته آنی، از بخشش و لطف و مهربانی و رحم و عطابخشی خود، همان را با من کنی.

خدایا نامم را تغییر مده و جسمم را دگرگون مساز و بلایم را تحمل ناپذیر مگردان، ای بزرگوار، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا به تو پناه می آورم از ثروتی که موجب طغیان و سرکشی گردد ... تا آخر دعا که در روایت نخست گذشت.

روز بیست و پنجم

پناه می برم به کلمات تامه خداوند که نیکوکار و بدکاری را یارای گذر از آن ها نیست، از شر هر چه در زمین آفریده شده و آنچه از آن بیرون آید و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا می رود و از شر حوادث وارد شده در شب و روز و از شر هر که در شب خبری آورد، جز آن که خبر خوشی آرد، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا از تو ایمانی خواهم که بازگشتی در آن نباشد و نعمتی که پایان نپذیرد و دوستی و همراهی با پیامبرت محمد را که درود خدا بر او و خاندان

برگزیده و پاک او باد، در بالاترین درجه بهشت جاوید به همراه پیمبران و شهدا و شایستگان، و نیکو رفیقانی هستند آنان.

خدایا مرا از بیمم در امان دار و عیبم را بپوشان و از لغزشم درگذر، که تویی خدایی یگانه که معبودی جز تو نیست و شریکی نداری، پادشاهی و ستایش از آن توست و تو بر همه چیز توانایی. خدایا! من از تو درخواست می کنم؛ چرا که تویی درخواست شده پسندیده و معبود یگانه، تویی عطابخش و صاحب احسان. ای پدید آورنده آسمان ها و زمین، ای باشکوه ارجمند، ای دادرس دادخواهان و ای فریادرس فریادخواهان و نهایت آرزوی آرزومندان! تویی برطرف کننده اندوه گرفتاران و زداینده غم غم زدگان و تویی اجابت کننده دعای درماندگان و تویی معبود جهانیان و تویی برطرف گرداننده هر گرفتاری و نهایت هر شوق و رغبت و برآورنده هر حاجت. بر محمد و خاندان او درود فرست و با من چنان کن که خود شایسته آنی.

معبودی جز تو نیست پروردگار من، و تویی سرور من و من بنده تو و فرزند بنده و فرزند کنیز تو ام، زمام اختیار من در دست توست. کار بدی کرده ام و بر خود ستم نموده ام و به گناهانم اعتراف و به خطای خود اقرار می کنم. از تو خواهم بدین دلیل که عطابخشی تو را است ای عطابخش! ای پدید آورنده آسمان ها و زمین! باشکوه و ارجمند! بهترین درودهایی را که بر یکی از بندگانت فرستی، بر محمد، بنده و فرستاده ات و بر خاندان او فرست. از تو می خواهم بدان نیرویی که دریا را بر بنی اسراییل شکافتی، هر ستمگر و حسود و دشمن و مخالفی را از من کفایت کنی. و از تو خواهم به حق آن نامت که بدان کوه [طور] را کنده و بر فرازشان سایبان آسا، برافراشتی، که مرا از آنچه می هراسم و از آن بیم دارم نجات دهی. خدایا من به وسیله تو شر آنان را دفع می کنم و از شر آنان به تو پناه می برم و به وسیله تو از آنان پناه گیرم و از تو علیه آنان یاری گیرم، [خدا] خدا پروردگار من است و هیچ چیز را شریک او قرار نمی دهم و به غیر از او صاحبی اختیار نمی کنم.

روز بیست و ششم

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از تو می خواهم ای پروردگار آسمان های هفتگانه ... تا آخر دعا که در روایت نخست ذکر شده است.

روز بیست و هفتم

خدایا از جانب خود رحمتی می خواهم که قلبم را بدان هدایت کنی ... تا آخر دعا که در روایت نخست ذکر شده است.

روز بیست و هشتم

خدایا ! به تو پناه می برم از هر چه جز توست. خدایا تو بزرگی و بزرگ تر از همه چیز هستی ... تا آخر دعا که ذکر آن گذشت.

روز بیست و نهم

معبودی نیست جز خدای بردبار بخشنده. معبودی نیست جز خدای بلند مرتبه بزرگ. منزه است پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار زمین های هفتگانه و هر چه در آن ها و میان آن هاست و پروردگار عرش بزرگ. سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است و هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خدای والای بزرگوار.

خدایا بر من لباس عافیت بپوشان تا زندگی بر من شیرین گردد و کارم را به آمرزش ختم کن تا گناهان به من زیان نرسانند و از پیشآمدهای ناگوار دنیا و غم و اندوه آخرت رهاییم بخش تا زمانی که به رحمت خویش مرا در بهشت وارد گردانی که تو حقیقتاً بر همه چیز توانایی. خدایا تو اسرار درونم را می دانی، پس پوزشم را بپذیر. حاجتم را می دانی پس خواسته ام را برآور. تو به راز دلم آگاهی پس گناهانم را بیامرز.

ص: 278

خدایا تو خواسته ام را می دانی و از گناهانم آگاهی، پس تمام حاجاتم را برآور و همه گناهانم را بیامرز.

خدایا تویی پروردگار و منم پروریده، تویی صاحب و منم بنده، تویی باعزت و منم خوار، تویی زنده و منم مرده، تویی توانا و منم ناتوان، تویی بی نیاز و منم نیازمند، تویی باقی و منم فانی، تویی بخشنده و منم خواهان، تویی آمرزنده و منم گنهکار، تویی آقا و منم بنده، تویی معبود و منم پرستشگر و تویی دانا و منم نادان. با نادانی خود نافرمانی تو را کردم و از کم خردی مرتکب گناهان شدم و از روی جهل از یاد تو غافل گشتم و به خاطر نادانی به دنیا متمایل شدم و از روی نادانی فریفته زیور آن گشتم و تو از خود من نسبت به من مهربان تری و بیش از خودم به من آگاهی، پس مرا بیامرز و به من رحم کن و از آنچه می دانی درگذر که به راستی تویی بزرگوارترین و گرامی ترین.

خدایا مرا به درست ترین کارها هدایت فرما و مرا از شر خودم حفظ کن. خدایا روزیم را فراخ گردان و عمرم را طولانی کن و گناهانم را بیامرز و مرا از کسانی گردان که از آن ها برای دین خویش یاری می جویی و دیگری را جایگزین من نکن، ای مهربان، ای عطابخش، ای زنده، ای پاینده. دلم را تنها به یاد خود مشغول گردان. خدایا ای پروردگار آسمان های هفتگانه و ای پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه در آن ها و میان آن هاست و ای پروردگار سبع المثانی و قرآن بزرگ و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار تمام فرشتگان و پروردگار محمد، خاتم جمله پیامبران و فرستادگان! بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و مرا از خدمتگزاری بندگان خویش بی نیاز گردان و مرا با آسانی و کفایت و قناعت پیشگی و یقین راستین در توکل بر خود، در پرستش خویش موفق گردان.

خدایا از تو خواهم به حق اسم اعظمت که آسمان و زمین و هر که در آن ها و هر چه میان آن هاست، همه بدان پایدار است و مردگان را بدان زنده کنی و زندگان را بدان بمیرانی و شمار عمرها و وزن کوه ها و پیمانه دریاها را بدان برشمری و انسان خوار را بدان عزیز گردانی و عزیز را بدان خوار کنی و هر چه خواهی بدان انجام دهی و بدان به چیزی بگویی باش و می شود و چون خواستاران بدان از تو

چیزی بخواهند خواسته شان را بدانها دهی و چون دعاگویان بدان نام به درگاهت دعا کنند اجابتشان گردانی و چون پناه جویان بدان به تو پناه آورند در پناهشان گیری و چون درماندگان تو را بدان خوانند نجاتشان دهی و چون شفاعت خواهان به وسیله آن به درگاهت شفاعت آورند شفاعتشان را بپذیری و چون فریادخواهان بدان از تو فریاد خواهند به فریادشان رسی و چون فراریان بدان نام با تو مناجات کنند صدایشان را بشنوی و یاریشان کنی و چون توبه کنندگان بدان به تو روی کنند توبه شان را بپذیری.

از تو خواهم ای سرور و مولا و معبود من و تو را خوانم ای امید و پناه و تکیه گاه و مایه افتخار من و ای توشه من برای دین و دنیا و آخرتم، به نام بزرگ تر بزرگ تر بزرگ ترت! و تو را بدان نام می خوانم برای گناهی که جز تو کسی آن را نیامرزد و برای گرفتاری ای که جز تو کسی آن را برطرف نسازد و برای زیانی که جز تو کسی توان برطرف کردن آن را از من ندارد و برای گناهانی که به آن ها مبادرت کردم و به هنگام ارتکاب آن گناهان از تو شرم نکردم و اکنون این منم که گنهکار و خطاپیشه به درگاهت روی کرده ام و زمین با همه وسعت خویش بر من تنگ آمده و راه های چاره را گم کرده ام و فهمیده ام که هیچ پناه گاه و راه نجاتی از تو نیست مگر به سوی خودت.

اکنون این منم که پیش روی توام، با گناه و خطا و نداری و نیاز، شب را به صبح کرده و صبح را به شب کرده ام و آمرزنده ای جز تو برای گناهم نمی یابم و برای شکستگیام جبران کننده ای جز تو نمی بینم و برطرف کننده ای برای زیانم جز تو نیست و من همان سخن را که بنده ات یونس گفت، هنگامی که توبه اش را پذیرفتی و او را از اندوه رهانیدی، می گویم، بدان امید که توبه ام را بپذیری و مرا از گناهان رهایی بخشی: ای آقای من! معبودی جز تو نیست، منزهی تو و من به راستی از ستمکاران بودم.

ای سرور و مولای من، من نیز به حق اسم [بزرگ] اعظمت از تو خواهم که دعایم را مستجاب گردانی و خواسته من را به من ببخشی و به رحمت خود و در تندرستی از جانب خودت گشایشی به من ارزانی داری و در کامل ترین نعمت و

بزرگ ترین سلامتی و بهترین روزی و گشایش و آسایش و در تمام نعماتی که پیوسته بدان عادتم داده ای، مرا از هراس ایمن داری. ای معبود من [و از تو خواهم] که سپاس را بر آنچه به من ارزانی داشته ای روزیم گردانی و تا پایان عمرم آن را بر من تمام گردانی و به وقت مردن از گناهان و اشتباهات و اسرافم [بر خودم] و بزهکاریم درگذری تا سعادت دنیایم به نعمت آخرتم متصل گردد.

خدایا مقدرات شب و روز و و زمین و خورشید و ماه و نیکی و بدی در دست توست، پس خدایا در دین و دنیا و آخرتم و در تمام امورم به من برکت ده. خدایا معبودی جز تو نیست، وعده تو حق و دیدارت حق است. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و عمرم را به بهترین کردارم ختم فرما تا با خشنودی جانم را بستانی، ای زنده، ای پاینده، ای برطرف گرداننده گرفتاری بزرگ، بر محمد و خاندان او درود فرست و روزی [پاکیزه ات] را بر حسب بخشش و کرم خویش بر من گسترش ده. [خدایا] تو مسئولیت روزی من و هر جنبنده ای را بر عهده گرفته ای، ای بهترین فراخوانده شده و بهترین درخواست شده و وسیع ترین بخشنده و بهترین منبع امید، روزی من و خانواده ام را فراخ گردان.

خدایا در آنچه از دستور حتمی خود حکم و مقرر فرموده ای و در آنچه از فرمان حکیمانه ات در شب قدر تقسیم کنی، از قضایی که بازگشت ندارد و تغییر ناپذیر است، از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود و برکت فرستی، آنچنان که بر ابراهیم و خاندان او درود و برکت و رحمت فرستادی و به راستی تویی ستوده بزرگوار و [از تو خواهم که] نام مرا در زمره حاجیان بیت الله الحرام بنویسی که حجشان مقبول، سعیشان مورد سپاس، گناهانشان آمرزیده، کارهای بدشان بخشوده شده، روزیشان فراخ گشته، تن هایشان سالم و از ترس در امان هستند و [از تو خواهم] در آنچه حکم و مقدر میکنی، عمرم را طولانی بداری و به روزیم وسعت بخشی. ای کسی که پیش از هر چیز بوده و پس از هر چیز خواهی بود. و ای هستی بخش هر چیز، دیدگان به خواب روند و ستارگان تیره و تار کردند و تو زنده و پاینده ای هستی که معبودی جز تو نیست و نه خوابی سبک تو را گیرد و نه خوابی گران.

ص: 281

خدایا از تو خواهم به شکوه و بزرگی و حکمت و بزرگواریت که بر محمد و خاندان او درود فرستی و پدر و مادرم را بیامرزی و آن ها را رحمت کنی چنانچه مرا در کودکی تربیت کردند، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا از تو خواهم بدین روی که تو پادشاهی و بر همه چیز توانا و هر کاری بخواهی خواهد شد، که مرا و برادران و خواهران با ایمان مرا ببخشی که به راستی تویی رئوف مهربان.

سپاس خدایی را که ما را در میان گرسنگان سیر گرداند و میان برهنگان پوشانید و سپاس خدایی را که ما را در میان انسان های پست گرامی داشت و سپاس خدایی را که ما را در میان ترسناکان امنیت بخشید و سپاس خدایی را که در میان گمراهان هدایتمان کرد. ای امید مؤمنان! امیدم را ناامید مگردان. ای یاور مؤمنان! مرا یاری کن. ای فریادرس فریاد خواهان! به فریادم برس. ای اجابتگر توبه کنندگان! توبه ام را بپذیر که حقیقتاً تویی توبه پذیر مهربان.

بس است مرا پروردگار از پروریدگان، بس است مرا مالک از مملوکان، بس است مرا آفریدگار از آفریدگان، بس است مرا روزی دهنده از روزی گیرندگان، خداوند مرا بس که پروردگار جهانیان است، بس است مرا کسی که همیشه مرا بس است، بس است مرا آن کس که او مرا بس است، خداوند مرا بس است و او نیکو حمایتگری است. خدا مرا بس است که معبودی جز او نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

معبودی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگ تر است، تکبیری مبارک از آغاز تا پایان روزگار. معبودی جز خدای یگانه نیست، پروردگار و وارث همه چیز. معبودی جز خدای یگانه نیست، معبود معبودان، والا [در] شکوه خود. معبودی جز خدای یگانه نیست که در هر کارش ستوده است. معبودی جز خدای یگانه نیست، بخشاینده و مهربان نسبت به هر چیز. معبودی جز خدای یگانه نیست، زمانی که در جاودانگی فرمانروایی و بقای او زنده ای نیست. معبودی جز خدای یگانه نیست، پاینده ای که چیزی از محدوده دانشش فراتر نرود و بر او گران نیاید.

معبودی جز خدای یگانه نیست، یکتای باقی، اول و آخر همه چیز. معبودی جز خدای یگانه نیست، جاوید فناناپذیری که پادشاهیاش را پایانی نیست. معبودی

جز خدای یگانه نیست، بی نیازی که نه شبیهی دارد و نه مانندی. معبودی نیست جز خدای یگانه نیکو، هیچ چیز همتای او و هیچ چیز به وصفش نزدیک نیست. معبودی نیست جز خدای بزرگی که دل ها به بزرگیاش راه نیابند. معبودی نیست جز خدای آفریننده و پدیدآورنده بدون نمونه ای که پیش از آن از دیگری سر زده باشد. معبودی نیست جز خدایی که به قداست خود از هر آفتی پاک و پاکیزه است. معبودی نیست جز خدای کفایت کننده که بخشش های با لطف و کرمش را بر مخلوقات خود وسعت بخشد. معبودی نیست جز خدای پاک از هر ستم که بدان راضی نیست و کارهایش بدان مخلوط نگردد. معبودی نیست جز خدای مهرورزی که مهر و رحمت و دانش او همه چیز را فرا گرفته است. معبودی نیست جز خدای عطابخش صاحب احسان که بخششش تمام مخلوقات را شامل شده است. معبودی نیست جز خدای اجر دهنده بر بندگان و همگی از بیم او فروتنانه به پا خاسته اند. معبودی نیست جز خدای آفریدگار هر کس که در آسمان ها و زمین است و بازگشت همه به سوی اوست.

معبودی نیست جز خدای بخشاینده بر هر فریادخواه و گرفتار و فریادرس و پناه او. معبودی نیست جز خدای نیکو که زبان ها را یارای وصف تمام جهات شکوه پادشاهی و عزت او نیست. معبودی نیست جز خدای پدید آورنده موجودات که در آفرینش آن ها به هیچ کمک کاری از مخلوقاتش نیازی ندارد. معبودی نیست جز تو خدایی که دانای به غیب است و نگهداری ذره ای از آن بر او گران نیاید. معبودی نیست جز خدا، اوست بازگرداننده [مخلوقات] پس از نابودی آن ها، آن هنگام که مخلوقات با دعوت او، از هراسش گرد آیند.

معبودی نیست جز خدای بردبار صاحب وقار و سنگینی و چیزی از مخلوقاتش با او برابری نمی کند. معبودی نیست جز خدای پسندیده کرداری که به لطف خویش بر تمام مخلوقاتش عطابخشی کند. معبودی نیست جز خدای شکست ناپذیر نیرومند که بر کار خود مسلط است و چیزی با او برابری نمی کند. معبودی نیست جز خدای چیره و سخت انتقامی که کسی را طاقت انتقامش نیست. معبودی نیست جز خدای والا که در عین رفیع بودن، نزدیک است و نزدیکی او در اوج

رفعت اوست. معبودی نیست جز خدای جبار که همه چیز را به قدرت نیروی سلطنتش خوار و زبون ساخته است. معبودی نیست جز خدا، روشنی هر موجود که نورش تاریکی ها را شکافته است. معبودی نیست جز خدای مقدسی که از هر بدی پاک است و چیزی با او برابری نکند.

معبودی نیست جز خدای نزدیک اجابت کننده که از هر چیز نزدیک تر است. معبودی نیست جز خدای بلند مرتبه که مقامش در آسمان شامخ و بلندی رتبه اش فراتر از هر چیزی است. معبودی نیست جز خدای پدیدآورنده پدیده های نو و باز گرداننده آن ها به قدرت خویش پس از نابودی آنها. معبودی نیست جز خدای باشکوه بزرگتر از هر چیز که اساس کارش بر عدالت و وعده اش راستین است. معبودی نیست جز خدای بزرگ که وهم و پندارها به مقام و بزرگی او نرسند. معبودی نیست جز خدای بخشنده باگذشت و عدالت پیشه ای که عدالتش همه جا را پر کرده است.

معبودی نیست جز خدای بزرگ، صاحب ثنای پرافتخار و عزت و بزرگی که عزتمندی او به خواری بدل نگردد. معبودی نیست جز خدای شگفت که زبان ها را یارای ستایش نعمت ها و ثنای او نیست و چنان است که خود ثنای خویش گفته و به وصف خویش پرداخته است. خدای بخشاینده مهربان، حق آشکار، برهان عظیم، دانای سنجیده کار، پروردگار بخشنده، سلامت[بخش و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود] نگهبان، عزیز، جبّار [و] بزرگ، خالق نوساز صورتگر، نور ستوده بزرگ، هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.

روز سی ام

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و سینه مرا بر دین اسلام بگشا ... تا آخر دعا که در پایان روایت نخست ذکر آن گذشت.

این آخرین روایتی است که سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «الدروع الواقیه» در بخش دعاهای روزهای ماه ذکر کرده است. اما من در مورد دعاهای روایت شده برای روزهای ماه در کتاب «العدد القویه» می گویم: ما در مقدمه فصل

دوم از فصل های اول این کتاب اشاره کردیم که ما تنها به نیمه آخر کتاب «العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه» تألیف شیخ بزرگوار رضی الدین علی بن یوسف بن مطهر حلی برادر علامه ام - که خدا قرین رحمتش گرداند - دست یافتیم و از نصف اول آن اطلاعی نداریم و مواردی که در نیمه آخر آن ذکر شده فقط از دعاهای روز پانزدهم تا آخر ماه است و دعاهای روزهای قبل در این بخش ذکر نشده است و ما نیز در اینجا به ارائه دعاهای روزهایی که ذکر شد اکتفا کردیم، شاید که خداوند به کسانی که بعد از ما میآیند توفیق دهد تا به نیمه اول این کتاب دست یابند و دعاهای روزهای پیش را نیز به این قسمت ملحق کنند و با این کار بر من منت نهند، و توفیق از خداست.

دعاهایی که پیش از این از کتاب «الدروع الواقیه» تألیف سید ابن طاووس ذکر کردیم شامل بسیاری از اذکار مربوط به دعاهای روزهای گذشته ماه نیز هست و إن شاء الله تعالی همین موارد کفایت کند. ظاهراً برادر علامه ام شیخ رضی الدین علی بیشتر دعاها را از کتاب «دروع» سید ابن طاووس - رحمه الله - که بدان اشاره شد، گرفته است و خدا داناتر است.

خلاصه آن که، آن بزرگوار قدس سره در کتاب «العدد القویه» گفته است:

روز پانزدهم

مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز روزی مبارک است و برای هر حاجتی و برای مسافرت و دیگر امور مناسب است. حاجات خود را در این روز بخواهید که برآورده است.

در روایت دیگری آمده که این روز از تمام کارها بر حذر داشته شده و نحس است مگر کسی که بخواهد وام بگیرد یا وام بدهد یا چیزی را که میخواهد بخرد مشاهده کند. قابیل در این روز زاده شده که نفرین شده است و او کسی است که برادرش را به قتل رساند. پس در این روز از همه چیز کاملاً بر حذر باشید که در این روز خشم و غضب آفریده شده است و هر که در این روز بیمار شود بمیرد.

ص: 285

در روایت دیگری آمده که کسی که در این روز مریض شود به زودی بهبود یابد و هر که در این روز بگریزد در هر جای دور و نامأنوسی هم که باشد او را بیابند و هر که در این روز زاده شود بداخلاق می شود.

در روایت دیگری آمده که هر کس در این روز زاده شود یا لکنت خواهد داشت یا گنگ و یا کندزبان باشد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: هر که در این روز زاده شود یا گنگ و یا دارای لکنت خواهد شد.

ایرانیان (فارسی زبانان) گفته اند که این روز، روزی سبک است و در روایت دیگری ذکر شده که این روز، روزی مبارک و مناسب برای هر کار و خواسته ای است و خواب های این روز در عرض سه روز تعبیر می شود. دیدار با قاضیان و دانشمندان و یادگیری و درخواست از رؤسا و نویسندگان در این روز پسندیده است.

سلمان فارسی رحمه الله علیه گفته است: دیمهر روز(1) یکی از نام های باری تعالی است.

مؤلف: ما روایات بسیاری را در ارتباط با ویژگی های روزهای ماه ها از خوش یمنی گرفته تا شومی و فال های نیک آن را در کتاب «آسمان و جهان» عنوان کردیم و نام های ماه ها و روزهای فارسی و معانی آن ها را نیز ذکر کردیم که مطالب بیشتری وجود ندارد، پس این را در نظر داشته باش.

بدان که روزهای مورد نظر در این قسمت عاری از موارد مشابه و خلاصه گویی نیست، بلکه روزهایی هم که پیش از این از کتاب الدروع الواقیه و سایر کتب ذکر شد به همین صورت است و این بدان دلیل است که احتمال دارد مقصود از این روزها، روزهای ماه های فارسی باشد آنچنان که مفهوم و سیاق برخی روایات و احادیث نیز بدان اشاره دارد. از جمله این سخن او «و ایرانیان گفته اند» و «سلمان گفت» و همینطور تا آخر، پس درنگ کن. (2)

1- . مخفف دیبامهر است.

2- . مؤلف در ج 59 ص 91 گفته است: «و ممکن است گفته شود: از آنجایی که در آغاز آفرینش جهان، اول و آخر ماه فروردین مطابق با یکی از ماه های عربی بوده، خوش یمنی و بد یمنی در روزهای هر دو ماه با هم درآمیخته است، همانطور که گفته شده در آغاز آفرینش جهان خورشید در برج حمل قرار داشت و به هنگام جدایی آن دو، این دو خصوصیت به هر دو ماه سرایت کردند یا این که به یکی از آن دو اختصاص یافتند.

با توجه به آنچه از ظاهر سخن این دانشمندان و از لا به لای برخی از روایات ذکر شده در این مبحث و سایر موارد برمی آید، احتمال هم دارد که منظور از آن، روزهای ماه های عربی باشد، پس این را در نظر داشته باش و خداست که به راه هدایت رهمنون گردد.

سپس آن بزرگوار که خداوند روحش را پاک گرداند گفته است: دعای اول این روز به این صورت است:

خدایا ! ای پروردگار این روز جدید و این ماه جدید و پروردگار همه چیز ! نام های نیکو و نمونه های والا و بزرگی و نعمات، همه از آن توست. از تو خواهم به حق نامت «به نام خداوند بخشاینده مهربان»، اگر مقدر کرده ای که در این روز بلا یا گرفتاری به من برسد، آن را از من باز گردانی و دور کنی و آنچه روزی در بین بندگانت تقسیم کردهای، سهم مرا در این روز از همه پربهره تر و بهره مرا از همه بیشتر کن و مرا از شر بندگانت رهایی بخش تا با وجود تو از هیچ کدام از مخلوقاتت نهراسم، ای مهربان ترین مهربانان !

خدایا از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و نام مرا در زمره سعادت مندان و روحم را با شهیدان و نیکیام را در بالاترین درجات بهشتیان قرار دهی و گناهم را بیامرزی و یقینی به من عطا کنی که قلبم با آن ملازم گردانی و مرا از آنچه قسمتم کرده ای خشنود گردانی و در دنیا و آخرت به من نیکی عطا کنی و مرا از عذاب آتش دور نگه داری، ای مهربان ترین مهربانان !

و خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان و درود و سلام فراوان او بر سرورمان محمد و خاندان پاک و پاکیزه او باد. خدایا ! ای خدا، ای پروردگار، ای پروردگار، ای بخشاینده، ای مهربان، ای بلند مرتبه، ای بزرگ، ای پادشاه، ای در بر گیرنده، ای پاک، ای سلامت بخش، ای مؤمن [به حقیقت حقه خویش]، ای نگهبان، ای

شکست ناپذیر، ای صاحب کبریا، ای آفریننده، ای پدیدآورنده، ای صورتگر، ای آمرزنده، ای سپاس پذیر، ای مهربان، ای مهرورز، ای دلسوز، ای بلند مرتبه، ای بزرگ، ای بردبار، ای بخشنده، ای فرزانه، ای دقیق، ای آگاه، ای شنوا، ای بینا، ای توانا، ای بزرگوار، ای والا، ای بینا، ای یکتا، ای بی همتا.

ای آغاز، ای پایان، ای آشکار، ای نهان، ای گشایشگر، ای سپاس پذیر، ای راستگو، ای نگهدار، ای آفریننده، ای توانا، ای چیره، ای آمرزنده، ای یگانه، ای یکتا، ای بی همتا، ای بی نیاز، ای بلند مرتبه، ای بی نیاز، ای سرشار، ای توانمند، ای صاحب اختیار، ای بخشنده، ای اجابتگر، ای مراقب، ای حسابگر، ای فریادرس، ای زندگی بخش، ای میراننده، ای بزرگوار، ای بازگرداننده، ای ستوده، ای نور، ای هدایتگر، ای آغازگر، ای توفیق دهنده، ای زنده، ای پاینده، ای بخشایشگر، ای توبه پذیر، ای گشایشگر، ای خشنود، ای که کلید هر چیزی در دست اوست، ای آفریننده، ای برتر، ای پاداش دهنده، ای آشکار، ای آفریدگار، ای سرپرست، ای باقی، ای محافظ، ای استوار، ای آقا، ای سریع، ای نو آور، ای رفعت بخش، ای برانگیزنده، ای روزی بخش، ای یکتا، ای باشکوه، ای عهده دار، ای راهنمای سرگشتگان، ای برآورنده خواسته خواهندگان، ای اجابت کننده دعای درماندگان، در هر غم و اندوهی برای من گشایش و راه خروجی قرار ده و از آنجا که گمانم می رود و آنجا که گمانش را نمی کنم، رزقی حلال و پاک روزیم کن.

خدایا ای شکافنده صبح و ای که شب را مایه آرامش و خورشید و ماه را وسیله اندازه گیری قرار دادی. ای کسی که دیدگان او را نتوانند دید و ظن و گمان با او در نیامیزد و توصیف کنندگان وصفش نتوانند کرد و اندیشمندان بر امر او احاطه نکنند. ای نجات بخش غرق شدگان، ای رهایی بخش نابود شدگان، ای نظاره گر هر نجوا. ای نهایت هر شکایت، ای نیکو بخشش، ای احسانگر دیرین، ای نیکوکردار جاوید. ای که به هر نیکی و فضلی مشهوری. ای که خیرش بسیار است. ای که هیچ چیز از او بی نیاز نیست و هیچ چیز را گریزی از او نیست. ای کسی که روزی هر چیز بر عهده اوست و بازگشت همه چیز به سوی او است! دستان نیازمندان به سوی تو بالا رفته و گردن عبادت پیشگان به سوی تو دراز است و دیدگان کوشایان به

درگاه تو خیره گشته است. از تو خواهم که ما را در سایه لطف و رحمت خود و امان و پناه و پوشش و شکیبایی خویش قرار دهی.

خدایا از سختی بلا و پیوستگی بدبختی و سرزنش دشمنان به تو پناه آریم. معبودی جز تو نیست، منزهی تو و به راستی که من از ستمکاران بودم. خدایا من بنده تو و فرزند بنده و فرزند کنیز توام، اختیارم به دست توست. تقدیر تو بر من جاری است، داوریت نسبت به من عادلانه است. به حق هر اسمی که خود را بدان نامیدی یا در کتاب خویش نازل فرمودی یا به یکی از آفریدگانت آموختی یا آن را در علم غیب به خویش اختصاص دادی، از تو خواهم که قرآن را بهار دلم و روشنی چشمم و مایه رفع اندوهم و برطرف کردن غم و غصه و ناراحتیام قرار دهی، به مهر و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان !

خدایا به وسیله قرآن به من رحم کن و آن را مقتدا و نوری در مقابلم و مایه هدایت و رحمتم قرار ده. خدایا آنچه را از قرآن فراموش کرده ام یادآوریم کن و آنچه نمی دانم به من بیاموز و تلاوت آن را در برخی از ساعات شب و حوالی روز نصیبم کن و آن را برهان من قرار ده، ای پروردگار جهانیان. خدایا انجام کارهای نیک و ترک کردارهای بد و دوستی بیچارگان را از تو خواهم و چون وقوع فتنه ای را بر مردم اراده کردی، پیش از آن که فریب خورم مرا به نزد خود ببر. ای بخشاینده، ای مهربان، ای شکست ناپذیر، ای دانا.

خدایا از تو می خواهم ثبات قدم در کارها و اراده محکم به همراه هدایت، و از تو خواهم سپاس بر نعمت و حسن عبادت، و از تو خواهم قلبی سالم و زبانی راستگو. و از خیرت بهترین را که می دانی خواهم و از شر آنچه می دانی به تو پناه آرم و از آنچه تو می دانی به درگاهت درخواست آمرزش دارم که تویی دانای رازهای نهان. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا به سلامت دار و از من درگذر و مرا از خشم و عذاب خویش و از عذاب آتش دوزخ پناه ده.

خدایا ای دگرگون کننده دل ها و دیدگان، قلبم را بر دینت ثابت بدار. خدایا از خشم تو به خشنودیت و از مجازاتت به سلامتت و از تو به خودت پناه برم. تو را ثنای بی شمار گویم. تو چنانی که خویش را بدان ثنا گفته ای. خدایا تو آمرزنده ای و

آمرزش را دوست داری، پس از من درگذر. خدایا تندرستی و سلامت و عافیت و پاکدامنی و امانت و خوش اخلاقی را از تو مسئلت دارم. خدایا تو را خوانم و روی نیاز به درگاهت آورم و هراسان به درگاهت ناله و زاری کنم و چون گرفتاران در محضرت گریان شوم و چشم امید به یاریت دارم و خالصانه بر تو توکل می کنم.

خدایا قلبم را هدایت فرما و بیمم را ایمنی ده و مرا از فتنه های گمراه کننده در پناه گیر. خدایا من به نتیجه کارم نظر افکندم و به افراد نیکوکار از خانواده خویش رهنمون شدم و آنان را معتمد بر تو نیافتم و بدین سبب از تو می هراسم. تویی تکیه گاه برتر، پس اگر از من درگذری از رستگاران خواهم بود و اگر عذابم دهی از زیان کاران خواهم شد. از شدت سختی ها و عذاب دردناکت به تو پناه می برم، به راستی که تویی شایسته سود رسانی و آمرزش.

پروردگارا! سائل تو بر در تو ایستاده و عمرش سپری گشته و گناهانش باقی مانده و خواسته هایش پابرجاست. از تو می خواهد که از او خشنود گردی و او جز تو که را دارد؟؛ چرا که گاهی آقا بنده خویش را می بخشد با این که از او ناخشنود است. خدایا مرا بیامرز و مجازاتم مکن. من در دل به یگانگی تو ایمان دارم و گمان نمی کنم که در مورد من چنین کنی و به خدا سوگند اگر با قومی چنین کرده باشی، ما مدت هاست که به خاطر تو از آن ها کینه به دل داریم. به حق نام های پنهانت و آن زیباییت که در پس پرده ها نهان گشته است، این نفس حریص و این دل بی تاب را بیامرز. کسی که طاقت گرمای خورشید را ندارد چگونه تاب تحمل گرمای آتش دوزخت را خواهد داشت، ای بزرگ، ای مهربان!

خدایا اگر آنچه را می خواهم با من نکنی، پس بر آنچه می خواهی به من شکیبایی ده. خدایا چگونه خوشحال باشم و حال آن که نافرمانی تو را کرده ام و چگونه اندوهگین باشم و حال آن که تو را شناخته ام و چگونه تو را خوانم و حال آن که نافرمانم و چگونه تو را نخوانم و حال آن که تو بخشنده ای. خدایا من اگر لیاقت بخشش تو را ندارم ولی تو شایسته لطف بر من هستی و نیکی بخشنده فقط به مستحقین نمیرسد. خدایا جان من در برابر توست و توکل نیکوی من بر تو، بر آن

سایه افکنده. ای کسی که هیچ نهانی بر او پنهان نیست، آن کارم و گناهم را که بر مردم پوشیده است بر من بیامرز.

خدایا گناهانی را در دنیا بر من پوشیده داشتی که من در قیامت بر پوشیدن آن محتاج تر بودم. خدایا گناهانم را ظاهر نگردان و مرا در انظار جهانیان رسوا مکن. خدایا با بخششت امیدم را به تو فزونی دادم و به سپاسگزاریت عملم را بپذیر و به وقت مرگم نوید دیدارت را به من بده. خدایا دلم روشن است که تو مرا می آمرزی و چگونه دلم را راضی کنم که تو مرا شکنجه کنی با این که تو به لطف خویش گناهانم را می بخشی.

خدایا وقتی ایمان بر یگانگیات شهادت دهد و زبانم به تحسینت گویا شود و قرآن مرا به لطف و احسانت رهنمون گردد و محمد، بهترین بنده ات شفاعتم را کند، چگونه به وعده نیکویت دل خوش نکنم. خدایا به بی کسیام در دنیا و بر زمین افتادنم به وقت مرگ و تنهاییم در قبر و جایگاهم در برابر خودت رحم کن. خدایا من فرمانبرداریت را دوست دارم؛ هر چند در مورد آن کوتاهی کرده ام و از نافرمانیت بیزارم؛ هر چند مرتکب آن شده ام. خدایا با بخشیدن بهشت به من لطف فرما؛ هر چند که من شایسته آن نباشم و مرا از آتش دوزخ نجات ده؛ هر چند که من مستوجب آن باشم که تو بر کار من توانایی. خدایا دنیا را بزرگترین نگرانی من و نهایت کار من و مصیبتم را در دینم قرار نده و کسی را که بر من رحم نمی کند بر من مسلط نگردان و هیچ نیرو و قوتی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

از تو خواهم خدایا، به حق ذکر«معبودی جز تو نیست». از تو خواهم به حق نامت، یکتای بی نیاز یگانه والایی که همه چیز را فرا گرفته است و هیچ چیز در زمین و آسمان با آن برابری نکند و از تو خواهم به حق نام والا و بلند مرتبهات، و از تو خواهم به نام بزرگ بزرگ ترت، و از تو خواهم به نام باشکوه شکوهمندترینت و از تو خواهم به نام بخشنده بخشنده ترینت و از تو خواهم به نامت که معبودی جز او نیست و دانای به غیب و آشکار و بخشاینده مهربان است.

و از تو خواهم به نامت که معبودی جز او نیست و پاک است و سلامت بخش و مؤمن [به حقیقت حقه خود] و نگهبان و شکست ناپذیر و جبار و متکبر. منزهی تو خداوندا و بزرگ تری از آنچه شریکت قرار می دهند و از تو خواهم به نامت، بخشنده عزتمند و به حق این که معبودی جز تو نیست، آفریننده، نوساز، صورتگر هستی و نام های نیکو از آن توست و آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح تو را گوید و تویی شکست ناپذیر سنجیده کار و از تو خواهم به اسمت، ذخیره نهان، که معبودی جز تو نیست.

و از تو خواهم خدایا به آن نامت که چون بدان خوانده شوی اجابت کنی و چو بدان از تو بخواهند ببخشی و از تو خواهم به آن نامت که به وسیله آن هر چه را که هر کسی از تو خواهد، بر خودت واجب گردانی. از تو خواهم به آنچه دوست داری تا خواسته ای را بدان از تو خواهند و از تو خواهم خدایا به آن نامت، بدان نام آن بنده ات که دانشی از کتاب نزد او بود و از تو درخواست کرد، و تو تخت [بلقیس] را پیش از آنکه [سلیمان] چشم بر هم زند به نزدش آوردی. پس به حق این نام از تو خواهم و تو را خوانم. خدایا معبودی جز تو نیست، به آن دعایی که تو را بدان خواند و تو دعایش را مستجاب فرمودی، که دعای مرا نیز مستجاب گردانی. خدایا پیش از آن که چشم بر هم زنم آنچه را از تو خواهم مستجاب گردان، همان طور که تو تخت [بلقیس] را پیش از آنکه [سلیمان] چشم بر هم زند به نزدش آوردی.

از تو خواهم خدایا به این که معبودی جز تو نیست، به راستی که معبودی جز تو نیست ای خدا، ای خدا، معبودی جز تو نیست، زنده پاینده، نه خوابی سبک تو را گیرد و نه خوابی گران و هر چه در آسمان ها و زمین است از آن توست.

{کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند. کرسیِ فرمانروایی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والایِ بزرگ. }(1)



---

1- . بقره / 255

از تو خواهم خدایا که معبودی جز تو نیست، به حق کتاب های پیشینیان و هر چه از نام هایت در کتاب های آنها است و به دعایی که برای دعاگویت مستجاب گردانی و از تو خواهم [بدان] خدایا که معبودی جز تو نیست، به حق زبور و آنچه از نام هایت در زبور است و آنچه به واسطه آن دعای هر که تو را خواند مستجاب گردانی و از تو خواهم خدایا که معبودی جز تو نیست، به حق تورات و آنچه از نامهایت در آن است و دعایی که به واسطه آن خواسته دعاگویت را مستجاب گردانی و از تو خواهم خدایا که معبودی جز تو نیست، به حق انجیل و آنچه از نامهایت در آن است و دعایی که به واسطه آن خواسته دعاگویت را مستجاب گردانی و از تو خواهم خدایا که معبودی جز تو نیست، به حق قرآن عظیم که بر خاتم پیامبران و سرور فرستادگان و رسولت، محمد صلی الله علیه و آله نازل فرمودی که درود و سلام فراوان خدا بر او و خاندان پاک و پاکیزه اش باد، ای پروردگار جهانیان.

از تو خواهم خدایا که معبودی جز تو نیست، به حق هر کتابی که بر یکی از آفریدگانت در آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه نازل فرمودی و آنچه از نام هایت در آن است و دعایی که به واسطه آن خواسته دعاگویت را مستجاب گردانی، و از تو خواهم خدایا که معبودی جز تو نیست، به حق هر نامی که از آن توست و یکی از آفریدگانت در آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه میان آن هاست تو را بدان نام خوانده و بدان از تو خواهم، خدایا که معبودی جز تو نیست به هر نامی که مخصوص توست و تو آن را برای خود برگزیده ای یا یکی از بندگانت را از آن آگاه ساخته ای یا کسی را مطلع نساخته ای، و از تو خواهم [بدان] ای خدایی که معبودی جز تو نیست، به آنچه بندگان شایسته ات تو را بدان خوانند و تو اجابتشان کنی. به تمام این ها از تو میخواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و این که ای آقای من! دعایم را مستجاب گردانی به آنچه تو را میخوانم که به راستی تویی شنوای دعا و به بندگان مهربانی.

پروردگارا! ما دستانمان را به سوی تو دراز کرده ایم و این دستان با خواری به پروردگاری تو اقرار می کند و با دل هایی به تو امید د اریم که بر گناهان گذشته

اندوهگینند. خدایا مقداری از هراس خویش را به ما قسمت کن تا بین ما و نافرمانیت حائل گردد و از فرمانبرداریت به اندازه ای که ما را به بهشتت برساند، و ما را از گوش ها و چشمانمان بهره مند گردان و مصیبت ما را در دینمان و دنیا را بزرگترین نگرانیمان قرار مده و آن را نهایت دانش ما مگردان و کسی را که بر ما رحم ندارد بر ما مسلط مکن و ما را از هر اندوه و سختی و غصه ای نجات ده، ای مهربان ترین مهربانان.

دعای پایان این روز

خدایا، ای پروردگار این شب و هر شب، ای برکننده شب از روز که بناگاه شما را در تاریکی فرو می برد و خورشید را به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان گرداند. تقدیرِ آن عزیز دانا این است. ای کسی که برای ماه منزل هایی معین کرده ای، تا چون شاخکِ خشکِ خوشه خرما برگردد. ای روشنایی بخش هر نور، ای سر حد نهایی هر اشتیاق و صاحب هر نعمتی، ای خدا، ای بخشاینده، ای پاک، ای خدا، ای یگانه، ای خدا، ای یکتا، ای خدا، نام های نیکو و نمونه های والا و آخرت و دنیا از آن توست. [تو] {از نگاه های دزدانه و آنچه در دل ها نهان است} (1) آگاهی. از تو خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و اشتباهم را ببخشی، ای مهربان ترین مهربانان !

روز شانزدهم

سرورمان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز، روز بد یمن دائمی و پست است، پس در این روز مسافرت نکن؛ چرا که هر که در این روز سفر کند هلاک گردد و دچار پیشامدی ناگوار شود. پس از فعالیت در این روز بپرهیزید و تا میتوانید از درخواست حاجات پرهیز کنید و در پی خواسته ای نروید. دیدار با سلطان نیز در این روز خوشایند نیست.



---

1- . غافر / 19

در روایتی آمده است: این روز برای تجارت و فروش و شراکت و دریانوردی و برای ساخت و ساز و پی ریزی و برای هر کار خوبی مناسب است.

در روایتی دیگر آمده است: محبت و شهوت در این روز آفریده شد و در این روز مسافرت در دریا و خشکی خوب است. در این روز هر که را خواهی اجیر کن و به هر که خواهی بپرداز. هر که در این روز زاده شود حتما دیوانه و خسیس می شود.

در روایتی دیگر آمده که هر که از صبح تا ظهر این روز متولد شود دیوانه خواهد شد و اگر بعد از ظهر تا پایان روز زاده شود روزگار خوبی خواهد داشت و هر که در این روز بگریزد باز می گردد و هر که گم شود به سلامت باشد و هر که در این روز گمشده دارد بیابد و هر که در این روز بیمار گردد به زودی بهبود یابد.

مولایمان امیر المؤمنین علیه السلام نیز فرموده است: هر که در این روز بیمار گردد بیم مرگ او رود.

ایرانیان گفته اند: این روز، روزی سبک است و در روایتی دیگر آمده که این روز، برای هر کاری که بخواهند، از کارها و اهداف و اقدامات، روز خوبی است و متولد این روز کارکن می شود و این روز برای تمام کارهای خوبی که بخواهند، مناسب است.

در روایت دیگری نیز آمده که این روز، روزی شوم است و هر که در آن زاده شود به ناچار دیوانه خواهد بود و هر که سفر کند نابود شود و برای کار نیک مناسب است ولی از فعالیت در این روز باید برحذر بود و خواب های این روز دو روز بعد تعبیر گردد.

سلمان فارسی رحمه الله علیه گوید: مهر روز نام فرشته گماشته بر رحمت است.

دعای سلامتی در آغاز این روز

پناه می برم به قدرتمند بازدارنده و توانمند برتر و آیات روشن و محکم و نام های والا، کسی که از نجوا و راز و هر چه پنهان است خبر دارد و قدرت

و دانشش بر اشیا احاطه دارد و قضا و قدرش به ناچار و بی چون و چرا بر آن ها

ص: 295

جاری است. کلماتش تغییر ناپذیر و قضایش بازگشت ناپذیر است و او بر هر چیزی تواناست. خدایا به تو پناه جویم از شومی و بدی این روز، و از پیشامد و زیان آن به آیات و بزرگیات متوسل می شوم. به وسیله «هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خداوند بلند مرتبه بزرگ»، هر چه را از آزار و بلا و زیان آن بیم دارم، از خود و خانواده و فرزندانم و هر چه در حیطه اختیار من و در محدوده قدرت من است دفع کردم.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است:

به نام خداوند بخشاینده مهربان. خدایا به تو صبح کردم و شب کردم و به تو برخاستم و نشستم و به تو زنده می شوم و می میرم و بر تو توکل کنم و به وسیله تو هدایت یابم و به تو ایمان یافته ام و تسلیم و منقاد توام. معبودی جز تو نیست. یکتایی و شریکی نداری. نه ضدی داری و نه همتایی. از مخالف و همتا و از همدم و فرزندان منزهی. دیدگان تو را نبینند و تو آنان را بینی {و او لطیفِ آگاه است. }.(1)

خدایا بهترین صبح و بهترین شام و برترین قضا و والاترین تقدیر و بهترین آنچه را که قلم سرنوشت بر آن جاری شده از تو میخواهم و از شر صبح و شر شام و شر قضا و قدر و شر آنچه قلم سرنوشت بر آن جاری شده به تو پناه برم. خدایا از فقر و نداری و از خواری و بیم و هراس، تنها به تو پناه آورم. خدایا من و این روز دو تن از آفریدگان تو هستیم، پس مرا تنها به بهترین صورت امتحان کن و جسارت بر محرماتت و نافرمانیات و کوچک شمردن حق آنچه را بر من واجب کرده ای به من نشان نده. به تو پناه می برم در این روز از انحراف و لغزش و آزمایش و سختی و جراحت و از دعای ستمدیده و از شر سرنوشتی که گذشته.

خدایا از هر گناه و خطایی که به درگاهت توبه کردم ولی توبه شکستم و آن را دوباره مرتکب شدم، از تو طلب بخشایش دارم، و از تو طلب آمرزش کنم برای هر پیمانی که برای تو بستم ولی بدان وفادار نماندم. خدایا از تو آمرزش می خواهم برای هر نعمتی که بر من ارزانی داشتی و من بدان نعمت بر نافرمانیات نیرو یافتم.



---

1- . انعام / 103

خدایا از تو آمرزش خواهم برای هر کاری که برای خشنودی تو کردم ولی اغراض دیگری به غیر از تو بدان مخلوط گشت. خدایا تویی پروردگار من، معبودی جز تو نیست، بر تو توکل کردم و تویی پروردگار عرش بزرگ. هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خداوند بلند مرتبه بزرگ.

خدایا هر چه تو خواهی خواهد شد و هر چه نخواهی نخواهد شد. می دانم که {خدا بر هر چیزی تواناست(1)و بازگشت [همه] به سوی اوست. }،(2) {و به راستی دانش خداوند هر چیزی را در بر گرفته است. }(3) و هر چه در نزد اوست را به شماره درآورده و علمش بدان احاطه دارد. خدایا به تو پناه آرم از شر نفسم و شر هر جنبنده ای که {مهار هستی اش را در دست داری. به راستی پروردگار من بر راه راست است. }(4) خدایا به تو و نام تو و کلمه تامه ات پناه می برم از شر عذابت و از شر بندگانت و پناه می برم به تو و کلمه تامه ات از شر شیطان رانده شده. خداوندا ! از تو خواهم به حق «به نام خداوند بخشاینده مهربان». خدایا از تو خواهم به نام ها و کلمات تامه ات از شر آنچه بخشیده و خواسته می شود و از شر هر حسود و هر چه آشکار می دارد و بروز می دهد و آنچه پنهان می دارد.

خدایا به نام تو و کلمه تامه ات پناه می برم از شر آنچه قلم بر آن جاری شود و از شر آنچه تاریکی شب بر آن بپوشد و روز روشنیش را بر آن بگستراند. گواهی می دهیم که خدایی جز خدای یگانه نیست، {بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. }(5) خدایا من ناتوانم پس در راه خشنودی خویش نیرومندم گردان و مرا به سوی خیر هدایت کن و اسلام را نهایت خشنودی من قرار ده. خدایا مرا به آنچه خواهم برسان. من ضعیف هستم، مرا در راه خواسته و مقصودم نیرومند گردان و من



---

1- . طلاق / 12
2- . مائده / 18
3- . طلاق / 12
4- . هود / 56
5- . توبه / 129

خوار و زبونم، تو به من عزت بخش و من محتاج و نیازمندم، پس به رحمت خویش مرا بی نیاز گردان، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا سلامت دنیا و آخرت را از تو خواهم و خیر و نیکی و تندرستی و بخشش را در دین و دنیا و آخرتم و در خانواده و اموالم از تو خواهانم. خدایا زشتی ها و عیوبم را بپوشان و مرا از بیم و هراسم امان ده و از لغزش هایم درگذر. خدایا مرا از روبرو و پشت سرم و سمت راست و چپم و از بالا و پایینم محافظت فرما و به تو پناه می برم از این که از زیر پایم غافلگیر شوم.

خدایا ای نور آسمان ها و زمین ها، ای آفریننده آسمان ها و زمین ها، ای باشکوه ارجمند، ای دادرس دادخواهان، ای فریادرس فریادخواهان، ای آخرین خواسته آرزومندان و برطرف کننده گرفتاری گرفتاران و زداینده غم اندوهگینان، ای پاسخگوی دعای درماندگان و برطرف کننده ناراحتی و تویی مهربان ترین مهربانان و پروردگار جهانیان. حاجتم را به پیشگاهت عرضه کردم و پاسخ تمام خواسته ها در نزد توست، ای خدا، ای خدا، ای خدا، پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا، ای صاحب آمرزش و خشنودی و گذشت، ای گرامی ترین گرامیان، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا از تو خواهم به محمد پیامبرت که درودت بر او باد و به ابراهیم دوستت و موسی هم سخنت، عیسی روح و کلمه ات و به کلام موسی بر کوه و به تورات و نام های بزرگواری که در آن است و به انجیل عیسی و نام های بزرگوار و باعظمتی که در آن است و زبور داود و سخنان نیکویی که در آن است و تو آن را دوست داری و از آن خشنودی و به فرقان و قرآن و ذکر عظیم و نام های بزرگی که در آن است و تو آن را دوست داری و می پسندی و به آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و خاتم پیامبرانت، محمد بن عبدالله و به پسرعمویش که جانشین اوست و به اوصیای هدایتگر هدایت یافته.

از تو خواهم به هر وحیی که الهام کردی یا قضایی که حتمیش ساختی یا درخواست کننده ای که حاجتش را دادی یا ثروتمندی که محتاجش کردی یا نیازمندی که بی نیازش کردی یا گمراهی که هدایتش نمودی و از تو خواهم به حق آن نامت که بر هم سخنت موسی نازل کردی و از تو خواهم به آن نامت که به وسیله

آن روزی بندگانت را تقسیم کردی ای پروردگار بندگان. و از تو خواهم به حق آن نامت که بر زمین نهادی و زمین ثبات یافت و از تو خواهم به آن نامت که بر کوه ها نهادی و استوار و برقرار گشت و زمین بدان آرام گرفت و بر آب ها نهادی و جوشیدند و از تو خواهم به حق آن نامت که عرشت بدان مستقر گشت و از تو خواهم به حق آن نامت که بر آسمان ها نهادی و استوار گشت و از تو خواهم به حق آن نامت که بر زمین نهادی و آرام گرفت.

از تو خواهم به حق نامت پاک پاکیزه، یکتای بی نیاز یگانه که از جانب تو از نوری آشکار در کتابت نازل شد و از تو خواهم به حق آن نامت که بر روز نهادی و روشن شد و از تو خواهم به حق آن نامت که بر شب نهادی و تیره شد و به بزرگی و کبریای تو و به نور ذاتت. از تو خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و حفظ قرآن و دانش را روزیم گردانی و آن را با گوشت و خون و گوش و چشمم درآمیزی و به نیرو و قوت خویش جسمم را به وسیله آن به کار گیری؛ به راستی که هیچ نیرو و قوتی نیست جز به خدای بلند مرتبه بزرگ، ای بلند مرتبه، ای بزرگوار. هیچ قوتی نیست جز به تو ای مهربان ترین مهربانان.

خدایا از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و پروردگارا از تو خواهم هر نوع خیر و نیکی را، چه دیر و چه زودش، چه آن ها که می دانم و چه آن ها که نمی دانم و از تو خواهم بهشت را و هر گفتار یا کرداری را که مرا بدان نزدیک کند و از آتش دوزخ و هر گفتار یا کرداری که مرا بدان نزدیک گرداند به تو پناه آورم و از نیکی، آن چیزی را خواهم که بنده و رسولت محمد که درودت بر او باد آن را از تو درخواست کرد و به تو پناه جویم از آنچه بنده و رسولت محمد بن عبدالله صلواتک علیه و آله از آن به تو پناه جست و از تو می خواهم در آنچه بر من مقدر فرموده ای که عاقبتم را به هدایت ختم کنی. به رحمتت ای مهربا ترین مهربانان، ای زنده، ای پاینده، به رحمتت از تو فریاد خواهم و به نیرویت چنگ زدم و کمک گرفتم. هیچ وقت حتی به اندازه یک چشم بر هم زدن مرا به خود وامگذار که من در برابر آن ناتوانم و تمام امورم را رو به راه گردان، به رحمتت ای مهربا ترین مهربانان و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

ص: 299

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

از تو خواهم خدایا که معبودی جز تو نیست، به حق آن نامت که بدان اراده کردی بر خلق آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و هر چه میان آن دو و در آن دو آفریدی و بدان اسم به تو پناه می جویم. خدایا معبودی جز تو نیست، تو را بدان نام فرا می خوانم، خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام به تو پناه آورم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان اسم ایمان دارم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام فریاد جویم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام دست به دامن تو می شوم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان اسم یاری جویم.

خدایا معبودی جز تو نیست و به آن نام توکل می کنم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام به تو تقرب می جویم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام نیرو می یابم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام از تو درخواست می کنم. خدایا معبودی جز تو نیست و بدان نام تو را می خوانم. خدایا معبودی جز تو نیست، از تو خواهم آنچه را بدان اسم به درگاهت تو خواندم.

خدایا معبودی جز تو نیست، ای خدا، ای خدا، ای خدا، تو یکتایی و شریکی نداری. از تو خواهم ای بخشنده، ای بخشنده، ای بخشنده. به بخشش و بزرگی و عظمت و سخاوت و لطف و دهش و مهر و عطوفت و آمرزش و زیبایی و شکوه و عزت و سربلندیت، از تو خواهم آنچنان که مهر و رحمت خویش را بر من حتم فرمودی که به من بفرمایی: ای بنده ام! هر چه از من بخواهی در سلامت به تو ببخشایم و تا زمانی که زنده هستی آن را برایت جاودانه گردانم تا این که در سلامتی جان تو را با خشنودی بازستانم و [از تو خواهم که] مرا در زمره شکرگزاران مبعوث گردانی.

پناه می جویم به آن نام «خدایا معبودی جز تو نیست» و از تو کمک می خواهم، خدایا که معبودی جز تو نیست و بر تو توکل کنم، خدایا که معبودی جز تو نیست و به تو ایمان آورم، خدایا که معبودی جز تو نیست و به تو تقرب جویم، خدایا که معبودی جز تو نیست و به تو مشتاق هستم، خدایا که معبودی جز تو نیست و تو را خوانم خدایا که معبودی جز تو نیست و عاجزانه از تو می خواهم،

خدایا که معبودی جز تو نیست. پس دعایم را مستجاب گردان و به حق ذات بخشنده ات به من ببخش، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای بخشاینده. خدایا از تو خواهم بدان نام که معبودی جز تو نیست، به راستی که معبودی جز تو نیست. ای بزرگ، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان، و آن را از تو خواهم خدایا که معبودی جز تو نیست، به راستی که معبودی جز تو نیست.

خدایا به حق این که معبودی جز تو نیست و به حق هر نامی که در ام الکتاب و کتاب مکنون یا در کتاب های پیشینیان و در صحیفه ها و در زبور و در الواح و تورات و انجیل و در کتاب آشکار کننده و در قرآن بزرگ بدان سوگند یاد کرده است. ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای مهربان و از تو خواهم خدایا، معبودی جز تو نیست، به راستی که معبودی جز تو نیست. و به تو روی آورم به حق پیامبرت، محمد، پیامبر رحمت که سلام و صلوات و برکات بر او باد. ای محمد! پدر و مادرم به فدایت، برای این حاجتم و تمام حاجاتم به وسیله تو به پروردگار تو و خودم روی آورم. معبودی نیست جز او که بخشاینده مهربان است و آن را از تو خواهم خدایا، معبودی جز تو نیست، به راستی که معبودی جز تو نیست. ای آفریننده بی همتا، ای جاوید فنا ناپذیر، ای زنده، ای زندگی بخش به مردگان، ای که بر اعمال هر کس ناظر و مسلطی، ای بخشاینده، ای مهربان. آن را از تو خواهم، خدایا معبودی جز تو نیست، به راستی که معبودی جز تو نیست. ای یکتای یگانه بی نیاز، به حق نام فرد بلند مرتبهات که تمام آسمان ها و زمین را آکنده ساخته است و به نام بی همتایت که چیزی با آن برابری نمی کند، ای بخشاینده، ای مهربان و آن را از تو خواهم خدایا! معبودی جز تو نیست، به راستی که معبودی جز تو نیست. خدایا! ای پروردگار بشر و پروردگار ابراهیم و پروردگار محمد بن عبدالله، خاتم پیامبران، از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و بر من و پدر و مادر و خانواده و فرزندان و برادران مؤمنم رحمت فرستی، ای مهربان ترین مهربانان!

از تو خواهم ای زنده ای که نمیرد، به تو و پیامبران و فرستادگانت و بهشت و آتشت و برانگیختن و رستاخیزت و نوید و هشدارت و به کتابت و کتاب هایت ایمان

دارم و به آنچه از جانب تو آورد[ند] اعتراف می کنم و به تقدیرت خشنودم و گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست و تو یگانه ای و شریک و ضد و وزیر و همدم و فرزند و نظیر و شبیه و همنامی نداری و دیدگان تو را نبینند و تو آنان را ببینی و تویی دقیق آگاه و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده توست. خدایا بر محمد و خاندان پاک او درود فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خدایا آن را از تو خواهم، معبودی جز تو نیست. به حق نام بزرگت، که هیچ روزی، هیچ سائلی را کوچک یا بزرگ از خواسته اش باز نداری. ای بخشاینده، ای مهربان، ای مهربان ترین مهربانان! و از تو خواهم خدایا، معبودی جز تو نیست، به راستی که معبودی جز تو نیست. ای مهربان، ای عطابخش، ای باشکوه ارجمند، معبودا و سرورا! ای زنده، ای پاینده، ای بزرگوار، ای بینیاز، ای زنده، معبودی جز تو نیست، ای بخشاینده، ای مهربان، تو شریکی نداری. معبودا و سرورا! ستایش از روی حق شناسی تو راست. تمام دعاهایم را مستجاب گردان و از آتش دوزخ به من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا مرا از بهره مندترین بندگان در هر خیری قرار ده که این صبح تقسیم می کنی، از نوری که به وسیله آن هدایت می کنی یا رحمتی که می گسترانی یا تندرستی که پوشش دهی یا روزی ای که گسترش دهی یا گناهی که بیامرزی یا کار شایسته ای که بدان توفیق دهی یا دشمنی که دفع کنی یا بلایی که باز گردانی یا نحسی که به خوش یمنی مبدل گردانی، ای مهربان ترین مهربانان!

از تو خواهم به حق نامت یکتای یگانه بی همتای بی نیاز تک والا، پروردگار پیامبران و پروردگار ابراهیم و پروردگار محمد. من نیز به تو و پیامبران و فرستادگانت و بهشت و جهنمت و برانگیختن و رستاخیزت و نورت و نوید و هشدارت ایمان دارم. پس ای معبود من، مرا از آنچه ناپسند می داری باز دار و به چیزی که دوست داری رهنمون شو و سرنوشتی نیک در دنیا و آخرت برایم مقدر فرما؛ به راستی که تویی صاحب نیکی و توفیق دهنده به آن و تویی مهربان ترین مهربانان.

دعای آخر این روز

ص: 302

خدایا ! ای پروردگار این شب و هر شب و این روز و هر روز، ای که شب را مایه آرامش و شب و روز را دو نشانه قرار دادی. ای که هر چیزی را به روشنی آشکار نموده ای، ای خدا، ای عزتمند، ای خدا، ای بخشنده، ای خدا، ای بی نیاز، ای خدا، ای یگانه، ای خدا، ای خدا، ای خدا، نام های نیکو و نمونه های والا و آخرت و دنیا تو را است. همه گناهانم را بیامرز و توبه و پاکدامنی را روزیم گردان و از خطایم درگذر و مرا به خاطر اشتباهم مؤاخذه مکن و در دنیا و آخرت به من نیکی عطا کن و مرا از عذاب آتش حفظ کن، ای مهربان ترین مهربانان !

خدایا بد رفتاریم فزونی یافته و اشتباهاتم پی در پی گشته و نفسم به شماره افتاده و تویی آمرزنده هر خطا و بازگرداننده هر بلا، از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکار مرا ببخشی که یقیناً تو بر همه چیز توانایی.

روز هفدهم

مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز، روزی برگزیده و برای تمام خواسته ها نیک است و برای خرید و فروش و ازدواج و رفتن به دربار پادشاه و دیگر کارها مناسب است. برای هر خواسته ای خوب است، پس هر چه می خواهی در این روز طلب کن که روز خوبی است و نیرو در این روز خلق شده و در این روز فرشته مرگ آفریده شده و روزی است که حضرت حق در آن به یعقوب علیه السلام برکت داده و برای آبادانی و نهر سازی و درخت کاری روز خوبی است و سفر در این روز ناتمام ماند.

در روایت دیگری هم آمده که این روز، روزی میانه است که در آن باید از درگیری دوری کرد و کسی که در این روز قرض دهد به او باز نگردد و یا با سختی پس داده شود و کسی که در این روز قرضی بگیرد، آن را باز پس ندهد.

ابن معمر در روایت دیگری گفته است: این روز، روزی سنگین است و برای طلب حاجات مناسب نیست، از آن بر حذر باش و به فرزندان و غلامت نیکی کن. هر که در این روز بیمار شود بهبود یابد و خواب این روز دروغ است. هر که در این

روز بگریزد پیدا می شود و هر که در این روز متولد شود عمرش طولانی گردد و اوضاعش به سامان و تربیتش درست شود و زندگی خوب و به دور از فقری خواهد داشت.

ایرانیان گفته اند که این روز، روزی سبک است و در روایتی دیگر آمده که روزی است سنگین و برای کار خیر مناسب نیست، در این روز به دنبال خواسته ای نرو. در روایت دیگری هم آمده که روزی خوب است و ازدواج و ختنه کردن و شراکت و تجارت و دیدار برادران و مضاربه در اموال در آن پسندیده است.

سلمان فارسی رحمه الله نیز گفته است: سروش روز، نام فرشته گماشته بر نگهبانی جهان یعنی جبرییل علیه السلام است.

دعای اول این روز

خدایا ! ای پروردگار این روز جدید و این ماه جدید که سایه اش گسترده است و اگر می خواست، آن را ساکن قرار می داد، آنگاه خورشید را بر آن دلیل گردانید. سپس آن [سایه] را اندک اندک به سوی خود باز گرفت. ای صاحب عطا و بخشش و بزرگی ! معبودی جز تو نیست، دانای به غیب و شهودی. ای بخشاینده، ای مهربان، ای خدا، معبودی جز تو نیست. ای پادشاه، ای پاکیزه، ای سلامت بخش، ای مؤمن [به حقیقت حقه خویش]، ای نگهبان، ای شکست ناپذیر، ای جبار، ای متکبر، ای آفریننده، ای پدید آورنده، ای صورتگر، ای خدا، ای خدا، ای خدا، نام های نیکو و نمونه های والا و آخرت و دنیا تو را است. همه گناهانم را بیامرز ای آمرزنده گناهان ! تو پروردگار منی و من بنده تو هستم و به گناه خویش اعتراف می کنم. کار بدی مرتکب شدم و بر خویشتن ستم کردم، مرا ببخش. به راستی که جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد، ای مهربان ترین مهربانان !

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشایشگر مهربان - معبودی نیست جز خدای یگانه و او را شریکی نیست. فرمانروایی و ستایش او را است. زنده می کند و می میراند - و می میراند و زنده می کند و او زنده ای است که نمیرد. خیر و نیکی در دست اوست و او بر همه چیز تواناست. خدایا من به وسیله تو گشایش می خواهم و درخواست

موفقیت دارم و به تو شب و روزم را سپری می کنم و به تو زنده هستم و می میرم و به درگاه تو توبه می کنم. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا در مقام و منزلت در پیشگاهت از بهترین بندگان و بهره ام را از هر خیری که در این روز تقسیم می کنی بهترین قرار ده، از نوری که آن را مایه هدایت گردانی یا رحمتی که می گسترانی یا روزی ای که پراکنده گردانی یا شری که دفع کنی یا بلایی که دور کنی یا اندوهی که برطرف نمایی.

خدایا من در نعمت و تندرستیات صبح کرده ام پس نعمت و تندرستیات را بر من تمام کن و سپاست را روزیم گردان. خدایا به نور تو هدایت شدم و از لطفت بی نیاز گشتم و به تو روز و شبم را گذراندم. تو را و فرشتگانت و حاملان عرشت و ساکنین آسمان ها و زمینت و تمام آفریدگانت را شاهد میگیرم که من گواهی می دهم که تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، یکتایی و شریکی نداری و این که محمد - صلی الله علیه و آله - بنده و فرستاده توست. خدایا از تو خواهم که پاداشی را که امروز با این گواهی برایم نوشتی در روز قیامت نصیبم گردانی، در حالی که به واسطه آن از من خشنود شده باشی که به راستی تو بر همه چیز توانایی.

منزهی تو و معبودی جز تو نیست. تویی الله پروردگار جهانیان. منزهی تو خدایی که معبودی جز تو نیست. {فرمانروای پاک سلامت[بخش] ومؤمن [به حقیقت حقّه خود ] و نگهبان}(1) تویی. منزهی تو خدای {خالق نوآفرین}(2)، منزه است خدای مهربان متکبر. منزهی تو خدای صورتگر سنجیده کار. منزهی تو خدای شنوای دانا. منزهی تو خدای یاریگر راستگو. منزهی تو خدای زنده پاینده. منزهی تو خدای دقیق وسعت بخش. منزهی تو خدای بلند مرتبه بزرگ. منزهی تو خدای نوآور یکتا. منزهی تو خدای آمرزنده مهربان. منزهی تو خدای ستوده بزرگوار. منزهی تو خدای سپاس پذیر بردبار.

منزهی تو خدای آغازگر بازگرداننده. منزهی تو خدای آشکار پنهان. منزهی تو خدای اول و آخر. منزهی تو خدای آمرزنده بخشنده. منزهی تو خدای یگانه



---

1- . حشر / 23

2- . حشر / 24

یکتا. منزهی تو خدا، سرور تکیه گاه و بی نیاز. منزهی تو خدای سپاس پذیر والا. منزهی تو خدای شکست ناپذیر [بزرگ] بزرگوار. منزهی تو خدای فرمانروای حق آشکار. منزهی تو خدای برانگیزنده، ارث برنده. منزهی تو خدای نزدیک اجابتگر.

منزهی تو خدای باقی مهرپیشه. منزهی تو خدای گرد آورنده و گسترش دهنده [روزی بخش و روزی گیرنده]. منزهی تو خدای استوار نعمت بخش. منزهی تو خدای آفریننده روزی رسان. منزهی تو خدای بی نیاز صاحب اختیار. منزهی تو خدای توانمند مقتدر. منزهی تو خدای توبه پذیر بخششگر. منزهی تو خدای آگاه نوآفرین. منزهی تو خدای آفریننده آغاز. منزهی تو خدای زندگی بخش میراننده. منزهی تو خدای مهربان عطابخش. منزهی تو خدای نزدیک گشایشگر. منزهی تو خدای سپاس پذیر بسیار روزی رسان. منزهی تو خدای پاک پاکیزه. منزهی تو خدای والای باقی. منزهی تو خدای پاینده پابرجا.

منزهی تو خدای فرمانروای شکست ناپذیر هدایتگر. منزهی تو خدای توانمند پابرجا. منزهی تو خدای نعمت بخش با لطف و کرم. منزهی تو خدای چیره عطابخش. منزهی تو خدای کفیل بلندمرتبه. منزهی تو خدای آغاز یاریگر. منزهی تو خدای نیکوکار زیبایی بخش. منزهی تو خدای آفریننده راستگو. منزهی تو خدایی که بهترین رحم کنندگان هستی. منزهی تو خدایی که بهترین روزی دهندگانی. منزهی تو خدایی که بهترین جداکنندگانی. منزهی تو خدایی که بهترین آمرزندگانی. منزهی تو خدای توانمند مهربان. منزهی تو خدای شکست ناپذیر سنجیده کار.

منزهی تو که {معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می دهیم.}،(1) {خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.}(2)

به نام خداوند رحمتگر مهربان. {اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ همان فرمانروای پاک سلامت[بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود که] نگهبان،

1- . انبیا / 88-87
2- . آل عمران / 173

عزیز، جبّار [و] متکبّر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند. }،(1) {خالق نوساز صورتگر. }(2)آمرزنده، چیره، بخشنده، روزی بخش، گشایشگر، دانا، بینا، سنجیده کار، دادگر، دقیق، آگاه، بزرگ، عطابخش، بردبار، صورتگر، سپاس پذیر، بزرگوار، نگهدار، فریادرس، باشکوه، حسابگر، نگهبان، اجابتگر، وسعت بخش، مهرپیشه، برانگیزنده، ارث برنده، گواه، حق، وکیل، نیرومند، استوار، سرپرست، ستوده.

خدایا بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست. من نیازمندی هستم که امروزم را به صبح کرده ام، ای مولای من و تو در تمام کارها مایه اطمینان و امید من هستی، پس برایم خیر و نیکی را مقدر فرما و هر گونه شری را از من باز گردان. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست. تو دعایم را شنیده ای پس آن را مستجاب گردان و از [گناهانم] آگاهی پس مرا را بیامرز و آنچنان که شایسته آنی با من رفتار کن؛ چرا که تو اهل تقوی و معرفت هستی و من اهل گناه و خطا هستم و تو مولای من و آفریدگار و برانگیزنده و روزی دهنده من هستی. بنده ضعیف به چه کسی روی نیاز آورد جز مولای خود؟ پس بر من نظر رحمت و آمرزش و خشنودی بیفکن که با آن نگاه مرا از غیر خودت بی نیاز کنی و مرا به اندازه چشم بر هم زدنی به خودم و به هیچ یک از مخلوقاتت وامگذار، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان! و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

معبودی جز تو نیست که برطرف گرداننده هر گرفتاری هستی. معبودی جز تو نیست که عزیز گرداننده هر زبونی هستی. معبودی جز تو نیست که همدم هر تنها هستی. معبودی جز تو نیست که بی نیاز کننده هر نیازمند هستی. معبودی جز تو نیست که نیروی هر ناتوان هستی. معبودی جز تو نیست که برطرف کننده هر اندوه هستی. معبودی جز تو نیست که برآورنده هر خواسته هستی. معبودی جز تو نیست که صاحب هر نیکی هستی. معبودی جز تو نیست که نهایت هر آرزو هستی. معبودی



---

1- . حشر / 23
2- . حشر / 24

جز تو نیست که دور کننده هر بلا و سختی هستی. معبودی جز تو نیست که دانای هر نهانی. معبودی جز تو نیست که در هر امر پوشیده ای حضور داری. معبودی جز تو نیست که شاهد هر صحبت محرمانه هستی. معبودی جز تو نیست که زداینده هر بلا هستی. معبودی جز تو نیست که همه چیز در برابر تو خاشع است. معبودی جز تو نیست که همه چیز در برابرت فروتن گشته است. معبودی جز تو نیست که همه چیز از تو در هراس است. معبودی جز تو نیست و همه چیز در برابر تو خوار و حقیر گشته. معبودی جز تو نیست و همه چیز مشتاق و شیفته توست. معبودی جز تو نیست، هر چیزی از تو بیمناک و به سوی تو گریزان است. معبودی جز تو نیست و همه چیز به قدرت تو دایر و برقرار است. معبودی جز تو نیست، بازگشت همه چیز به سوی توست. معبودی جز تو نیست، همه چیز به تو محتاج و نیازمند است. معبودی جز تو نیست، همه چیز به سوی تو باز گردد.

معبودی جز تو نیست، یکتایی و شریکی نداری. معبودی یگانه هستی و ستایش و فرمانروایی و بزرگی تو را است. زنده می کنی و می میرانی و خود زنده ای نامیرا هستی. خیر و نیکی در دست توست و تو بر همه چیز توانا هستی. معبودی جز تو نیست، یکتایی و شریکی نداری، یگانه بی نیازی که {نه کس را زاده، نه زاییده از کَس و او را هیچ همتایی نباشد.}(1) و نه همدم و نه فرزندی اختیار کرده است. معبودی جز تو نیست پیش از هر چیز، معبودی جز تو نیست پس از هر چیز، معبودی جز تو نیست که نهایت هر چیز هستی، معبودی جز تو نیست، تو باقی می مانی و همه چیز نابود می گردد. تو جاویدی زوال ناپذیر هستی.

معبودی جز تو نیست، زنده و پاینده ای و نه خوابی سبک تو را گیرد و نه خوابی گران. برپادارنده عدالت هستی. معبودی جز تو نیست، شکست ناپذیر و سنجیده کار و دادگری. معبودی جز خدا نیست، منزه است او که آفریننده آسمان ها و زمین و پروردگار عرش بزرگ است. مهربان نعمت بخش، باشکوه ارجمند.



---

1- . توحید / 4-3

معبودی نیست جز خدای بلند مرتبه بزرگ، معبودی نیست جز خدای بردبار بزرگوار، معبودی نیست جز خدا که پروردگار آسمان ها و زمین هاست و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد. او راست فرمانروایی و او راست ستایش. زنده می کند و می میراند و خود زنده ای نامیراست. هر خیری به دست اوست و او بر همه چیز تواناست و گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، معبودی یکتا و یگانه که نه همدمی اختیار کرده و نه فرزندی و هیچ کس همتای او نیست. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، گواهی که امید دارم به وسیله آن مرا از آتش پناه دهی و گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، گواهی که امید دارم مرا بدان به بهشت وارد گردانی.

گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، تا زمانی که کوه های استوار برقرار هستند و پس از نابودی آن ها تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست، تا زمانی که روح در جسمم باشد و پس از خروج آن از جسمم تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد بر شادابی پیش از سستی و بر سستی پس از شادابی و در هر حال تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد بر جوانی پیش از پیری و بر پیری پس از جوانی و در هر حال تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و او شریکی ندارد، بر آسایش پیش از مشغولیت و بر مشغولیت پس از آسایش و در حال تا همیشه.

و از تو خواهم به نام عظیمت که آن را در قرآن بزرگ نازل فرمودی و به واسطه آن هیچ درخواست کننده ای را از خواسته اش، خواه کوچک و یا بزرگ محروم نگردانی. از تو خواهم ای مهربان، ای عطابخش، ای باشکوه ارجمند، ای زنده، ای بی نیاز. معبودی جز تو نیست، به حق این که معبودی جز تو نیست بر محمد و خاندان او درود فرست و به تن و گوش و چشم و تمام اعضا و جوارحم سلامتی ببخش و سپاسگزاری و یادت را در هر حال و همواره روزیم گردان.

ص: 309

معبودی جز تو نیست تا زمانی که پاهایم راه روند و پس از آن که از کار افتند و در هر حال و همواره. گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست، تا زمانی که دستانم در کارند و نیز آن زمان که از کار بیفتند و بعد از نابودی آن ها و در هر حال و همواره. گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست، یکتاست و همتایی ندارد، تا آن زمان که گوش ها بشنوند و زمانی که از کار افتند و در هر حال و تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست، یکتاست و همتایی ندارد، تا آن زمان که چشم هایم ببینند و زمانی که قادر به دیدن نباشند و در هر حال و تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست، یکتاست و همتایی ندارد، تا آن زمان که زبانم حرکت کند و زمانی که از حرکت باز ایستد و در هر حال تا همیشه. گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست، یکتاست و همتایی ندارد، تا آن زمان که لب ها و زبانم حرکت کنند و زمانی که از حرکت باز ایستند و در هر حال و تا ابد.

گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، پیش از وارد شدن در قبر و در هر حال تا ابد. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، پس از ورود در قبرم و در هر حال تا همیشه. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، در شب چون فرو پوشد. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، در روز چون جلوه گری آغازد. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد در آخرت و دنیا.

گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، گواهی که آن را برای هراس روز قیامت ذخیره گردانم و گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست، گواهی که بدان امید رهایی از آتش دوزخ را دارم. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست، گواهی که بدان امید ورود به بهشت را دارم. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست، گواهی حق و خالصانه و گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، گواهی که امید آن دارم که خداوند زبانم را به هنگام خروج روح و جانم بدان گویا کند. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد تا همیشه و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

ص: 310

گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و یکتاست و همتایی ندارد، گواهی که بدان امید گذر از صراط و و رهایی از آتش و ورود به بهشت را دارم. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست، گواهی که امید دارم خداوند زبانم را به هنگام خروج جانم بدان گویا کند. گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست، گواهی که امیدوارم پروردگارم بدان مرا در زندگی و پس از مرگم سعادتمندم کند، چه با گستراندن طاعت و چه با آمرزش گناهان یا وسعت در روزی و یا دور کردن بلا و توفیق در کار خیر، تا زمانی که جانم را به تمامی باز ستاند و کردارم را ختم به خیر گرداند. آمین ای پروردگار جهانیان.

دعای آخر این روز

خدایا ای پروردگار این شب و هر شب و ای که روز را مایه زندگی و زمین را چون گهواره و کوه ها را چون میخ هایی قرار دادی. ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای چیره، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای شنوا، ای خدا، ای نزدیک، ای اجابتگر، ای خدا، ای خدا، ای خدا ! نام های نیکو و نمونه های والا از آن توست. تویی زنده پاینده و ناظر و مسلط بر کردار هر کس. بد کردم و به خود ستم روا داشتم، پس مرا بیامرز. تو {از نگاه های دزدانه و آنچه در دل ها نهان است}(1) آگاهی، پس مرا با پوشش استوار و بزرگ و زیبای خویش حفظ گردان، ای مهربان ترین مهربانان.

روز هجدهم

مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز، روزی پسندیده و نیک و مبارک و خوش یمن و برای ازدواج و سفر مناسب است. هر کس در این روز به مسافرت رود حاجت روا شود. این روز برای هر کاری که بخواهی و برای درخواست حاجات، خوش یمن است و برای هر خواسته ای از خرید و فروش و کشاورزی مناسب و موجب سودآوری است و تمام حاجاتت را بخواه که برآورده خواهد شد و هر چه خواهی در این روز طلب کن که بدان توفیق خواهی یافت و



---

1- . غافر / 19

برای رفتن به نزد پادشاه و قاضیان و کارگزاران حکومتی مناسب است. هر که در این روز با دشمنش مبارزه کند به اذن خدا بر او پیروز گردد و چیره شود و هر که در این روز ازدواج کند خیر ببیند و هر که در این روز قرض گیرد آن را به صاحبش باز گرداند و هر که در این روز بیمار شود به زودی بهبود می یابد و متولد این روز روزگار خوبی خواهد داشت و زندگیش خوشایند خواهد بود و دچار فقر و نداری نگردد و نمیرد مگر با توبه [به درگاه حق تعالی].

ایرانیان گفته اند: این روز، روزی سبک است و در روایت دیگری آمده که ساخت و ساز در این روز پسند است و خانه و منزل در این روز خریداری شود و حاجات و خواسته های مهم در این روز برآورده شود و برای سفر مناسب است.

سلمان فارسی رحمه الله علیه نیز گفته است: رش روز نام فرشته گماشته بر آتش است.

دعای آغاز این روز

خدایا، ای پروردگار این روز جدید و هر روز و ای که شب را در هوا ذخیره گرداند و نور را در آسمان روان کند و از افتادن آسمان بر زمین جلوگیری کند مگر به اجازه خود و آن دو را نگه می دارد تا از بین نروند. ای خدا، ای ارث برنده، ای خدا، ای برانگیزاننده مردگان از قبرها و تویی زنده پاینده. معبودی جز تو نیست، نام های نیکو و نمونه های والا از آن توست. تو از نجواهای دزدانه و رازها و آنچه در دل ها نهان است، آگاهی و بر همه چیز توانایی، پس مرا بیامرز که به راستی جز تو کسی گناهان را نمی بخشد.

خدایا من در اختیار تو هستم و بر تو توکل و به درگاه تو توبه می کنم و تویی آفریننده آسمان ها و زمین. پیش از موجود شدن هر چیزی از آن آگاهی. مرا بیامرز و به من رحم کن که به راستی جز تو کسی گناهان را نبخشد، ای مهربان ترین مهربانان! دستم به سوی تو بالا رفته و اعضا و جوارحم و آنچه در قلبم پنهان است رو به سوی تو کرده و روحم با تو انس یافته است، پس مرا ناامید و دست خالی بازنگردان و مرا بیامرز و به من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان!

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشایشگر مهربان. و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است و درود خدا بر سرورمان محمد و خاندان پاک و مطهر او باد. خدایا تو زنده ای نامیرا هستی و پیروزی شکست ناپذیر و بینایی که دچار تردید نگردد و شنوایی که دچار شک نشود و چیره ای که مغلوب نگردد و نزدیکی که دور نگردد و گواهی که غایب نگردد و معبودی که ضد ندارد و آمرزنده ای که ستم نورزد و بی نیازی که غذا نخورد و پاینده ای که نخوابد و پنهانی که دیده نشود و جباری که سخن نگوید و عظیمی که کسی نتواند آهنگش را کند و عدالت پیشه ای که بی انصافی نکند و بی نیازی که نیازمند نگردد و بزرگی که دست نیافتنی است و بردباری که ستم نکند و بلندمرتبه ای که شکست نخورد و آشنایی که ناآشنا نگردد و وکیلی که کوچک نشود و تنهایی که یاری نخواهد و یکتایی که مشورت نگیرد و بخششگری که خسته نشود و سریعی که غفلت نورزد و سخاوتمندی که بخل نورزد و عزتمندی که خوار نگردد و دانایی که نادانی نورزد و نگهداری که غافل نشود و اجابتگری که ملول نگردد و جاویدی که فنا نپذیرد و باقی ای که کهنه نگردد و یکتایی که نظیر ندارد و قدرتمندی که بلا منازع است.

ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بخشنده و سخاوتمند جاوید، ای نزدیک، ای اجابتگر، ای بلندمرتبه، ای که جایگاهت والاست، ای سلامت بخش، ای مؤمن [به حقیقت حقه خویش]، ای نگهبان، ای عزیز، ای جبار، ای پاک، ای پاکیزه، ای پیروز، ای آشکار، ای توانا، ای توانمند، ای یاری رس، ای کسی که از هر راه دور با زبان های گوناگون و لهجه های مختلف و برای حاجات بسیار صدایش کنند، ای کسی که هیچ کاری او را از کار دیگر سرگرم و غافل نکند. تویی که گذر زمان تو را دگرگون نکند و مکان ها تو را احاطه نکنند و نه خوابی سبک تو را گیرد و نه خوابی گران، آنچه را که از سختی آن می هراسم برایم آسان کن و هر چه را از اندوه آن می ترسم برایم برطرف کن، منزهی تو، معبودی جز تو نیست، باشکوه ارجمند، آفریننده آسمان ها و زمین.

خدایا من از تو خواهم و از هیچ کس غیر از تو نخواهم و به تو مشتاقم و به کسی غیر از تو شوق ندارم. از تو خواهم ای امان بیمناکان و پناه پناه جویان. تویی

گشاینده و صاحب نیکی ها. تویی گشاینده به سوی نیکی ها و درگذرنده از لغزش ها، از بین برنده زشتی ها، گرد آورنده امور مختلف و پراکنده و ارتقا دهنده درجات، از تو میخواهم به حق کامل ترین و بزرگ ترین درخواست هایی که از تو دارم و شایسته بندگان نیست که جز با آن تو را بخوانند. ای خدا، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان! از تو خواهم ای خدا، ای بخشاینده!

از تو خواهم به حق نام های نیکو و نمونه های والا و نعمت بی شمارت، به بهترین و محبوب ترین و ارجمندترین نام هایت که نزدیک ترین وسیله به تو و ثوابشان از همه بیشتر است و اجابت دعایم را سریع تر می کنند و به نام پنهان و ذخیره شده و باشکوه و شکوه مندترین و بزرگ و بزرگترین که آن را دوست داری و آن را برای کسی که دعایت می کند می پسندی و به خاطر آن دعایش را مستجاب گردانی و سزاوار است بر تو تا هیچ درخواست کننده ای را محروم نگردانی و به هر نامی که از آن توست یا آن را به یکی از آفریدگانت آموختی یا به هیچ یک از خلایقت نیاموختی و به حق هر نامی که مخصوص توست و حاملان عرش و فرشتگان و بندگان برگزیده ات تو را بدان خوانده اند و به حق درخواست کنندگانت بر تو و مشتاقانت و پناه جویان به تو و ملتمسان درگاهت و به حق هر بنده ای که در خشکی یا دریا یا دشت یا کوه بندگی تو را کرده است.

تو را خوانم همانند خواندن کسی که فقرش شدت یافته و گناهش بزرگ است و در معرض نابودی قرار دارد و بنیه اش ضعیف گشته است و خواندن کسی که به هیچ یک از بندگانت اعتماد نمی کند و برای فقر خویش [فریادرسی] جز تو نیابد و برای گناهش آمرزنده و فریادرسی غیر از تو نمی یابد. از تو به خودت گریخته ام. بی آنکه خودداری کنم یا تکبر ورزم به پرستشت اعتراف می کنم و تنگدست و ندار و فقیر هستم. گواهی می دهم که تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، مهربان هستی و عطابخش و آفریننده آسمان ها و زمین، باشکوه ارجمند، دانای به غیب و شهود، بخشاینده مهربان.

خدایا تویی ارباب و منم بنده، تویی مولا و منم غلام، تویی عزتمند و منم خوار، تویی بی نیاز کننده و منم نیازمند، تویی زنده و منم مرده، تویی باقی و منم

فناپذیر، تویی زندگی بخش و منم میرا، تویی نیکوکار و منم خطاپیشه، تویی آمرزنده و منم گنهکار، تویی بخشاینده و منم رحمت شده و خطاکار، تویی آفریننده و منم آفریده، تویی نیرومند و منم ناتوان، تویی بخشنده و منم محتاج، تویی امنیت بخش و منم ترسان، تویی روزی رسان و منم روزی داده شده، تویی سزاوارترین کسی که به او شکایت بردم و از لطف و بخشش او فریاد خواستم. خدایا ! چه بسیار گنهکاری که تو آمرزیده ای و چه بسیار خطاکاری که تو از او درگذشته ای، پس مرا بیامرز و از من درگذر. به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان و ای بهترین آمرزندگان.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

معبودی جز الله نیست به شماره خشنودیش، معبودی جز الله نیست به تعداد آفریدگانش، معبودی جز الله نیست به تعداد کلماتش، معبودی جز الله نیست هموزن عرششش، معبودی جز الله نیست به اندازه آسمان ها و زمینش، معبودی جز خداوند ستوده بزرگوار نیست، معبودی جز خدای آمرزنده مهربان نیست، معبودی نیست جز خدای مؤمن [به حقیقت حقّه خود] و مراقب و عزت مند جبار و متکبر چیره، معبودی نیست جز خدای گیرنده و گسترش دهنده، بلندمرتبه وفادار، یکتای یگانه تک، بی نیاز، چیره بر بندگان خویش، مهربان و رحیم، معبودی نیست جز خدای اول، آخر، آشکار، نهان، فریادرس، نزدیک، اجابت کننده، خدای آمرزنده، سپاس پذیر.

خداوند دقیق، آگاه، راست گو، آغاز، پایدار، دانای برتر، خداوند خواهان و چیره، خداوند آفریننده، خداوند نور، خداوند نور، خداوند بزرگوار و زیبا، خداوند روزی رسان، خداوند نوساز و پدید آورنده، خداوند بی نیاز پاداش دهنده، خداوند بلندمرتبه والا، خداوند آفریننده کفایت کننده، خداوند باقی و عافیت بخش، خداوند عزت بخش، خوار کننده، شنوا، بینا، توانا و بردبار، خداوند آشکار و نهان، خداوند اول، آخر، راستگو و با فضل و کرم، خداوند نزدیک و اجابتگر، رئوف و مهربان، خداوند سخاوتمند و بخشنده، خداوند برطرف کننده و جلوگیر و سودرسان، خداوند رفعت بخش و خوار کننده، خداوند مهرپیشه عطابخش، خداوند ارث برنده، دیرین، برانگیزنده، خداوند پایدار جاوید، خداوند والای رفعت بخش، خداوند وسعت بخش و با لطف و کرم، خداوند دستگیر و فریادرس.

خداوند زنده ای است که نمیرد، جبار و متکبر است. اوست خدای آفریننده، نوآفرین، صورتگر [که] بهترین نام ها از آنِ اوست. آنچه در آسمان ها و زمین است [جمله] تسبیح او می گویند و او شکست ناپذیر حکیم است. اوست خدای مقتدر و متکبر در جاودانگیاش و چیزی با او برابری نمی کند و شباهتی بدو ندارد و هموصف او نباشد و چیزی با او هم طراز نیست. هیچ چیز مثل او نیست و اوست شنوای بینا و اوست دقیق آگاه و اوست خدایی که سریع ترین حسابگران است و بخشنده ترین بخشندگان و سخاوتمندترین سخاوتمندان، اجابت کننده دعای درماندگان و خواستاران به درگاه ذات بزرگوارش.

از خدا خواهم به سر حد نهایی کلمه تامه اش و به عزت و قدرت و سلطه و اقتدارش که بر محمد و خاندان محمد درود و رحمت فرستد و ما را در زندگی و مرگمان برکت دهد و سلامت و تندرستی و عافیت را در تنمان و گشایش در روزیمان و امنیت در سراشیبی زندگی را برای ما حتمی کند و همواره ما را در انجام کارهای شایسته توفیق دهد؛ زیرا تنها اوست توفیق دهنده در نیکی ها و بازگرداننده بلاها و بدی ها و اوست مهربان ترین مهربانان!

دعای پایان این روز

خدایا ای پروردگار این شب و هر شب! شب را بر روز و روز را بر شب پیچی، ای بردبار، ای بزرگ، ای پروردگار پروردگاران. معبودی جز تو نیست، ای سرور آقایان، ای خدا! معبودی جز تو نیست. ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک تری. ای خدا، بهترین نام ها و برترین نمونه ها و آخرت و دنیا از آن توست. هر چه پنهان می دارم و آشکار می کنم می دانی و هیچ یک از کارهای من بر تو پنهان نیست و تو بر هر چیز توانایی. خدایا من به درگاه تو توبه می کنم، پس توبه ام را بپذیر و از تو درخواست آمرزش دارم، پس مرا بیامرز و از تو طلب مهر و رحمت دارم، پس مرا مورد رحمت خویش قرار ده؛ به راستی که تنها تو گناهان را می آمرزی، ای مهربان ترین مهربانان!

ص: 316

روز نوزدهم

سرورمان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز، روزی سبک است و برای هر کاری و نیز برای مسافرت مناسب است. هر که در این روز به سفر رود خواسته اش برآورده شود و کارهایش انجام گردد و به هر چه می خواهد می رسد. برای ازدواج و امرار معاش و درخواست حاجات و علم آموزی و خرید برده و چهارپا مناسب است. روزی است خوش یمن و مبارک. حضرت اسحاق بن ابراهیم علیهما السلام در این روز زاده شده و هر که در این روز گم شود یا بگریزد، پس از پانزده روز او را بیابند و هر که در این روز متولد شود، اوضاعش به سامان گردد و انتظار هر خیری برای او می رود.

در روایت دیگری هم آمده است که: این روز روزی سخت و پر شر است. در این روز هیچ یک از کارهای دنیایی را انجام نده و در خانه ات بمان و بسیار از خدای عزوجل و پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کن و هر که در این روز بیمار شود نجات یابد. در این روز مسافرت نکن و به هیچ کس چیزی نده و نزد حاکم نرو و هر که را در این روز فرزندی روزی شود، بداخلاق خواهد شد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیز فرموده است: هر که در این روز زاده شود پر روزی و مبارک باشد.

ایرانیان نیز گفته اند: روزی است سنگین و در روایت دیگری گفته شده که در این روز دیدار با پادشاهان و حاکمان برای طلب حاجت و درخواست آنچه در نزد آن ها و در اختیار آن هاست، خوب است و روز مبارکی است.

سلمان فارسی - رحمه الله علیه - گوید: فروردین روز نام فرشته موکل بر جان ها و ستاندن آن هاست.

دعای آغاز این روز

خدایا ای پروردگار این روز جدید و این ماه جدید و هر ماه ! از تو خواهم به نام بزرگ آشکارت، بخشنده نعمت بخش، حق آشکار و به نامت که آسمان ها و زمین بدان فروغ و روشنی گرفت و تاریکی بدان پوشیده شد و کار پیشینیان و پسینیان با

آن اصلاح شد و به نام والایت که نهفته و نگه داشته شده از دیدگان بینندگان است و چون بدان خوانده شوی اجابت کنی و چون بدان درخواست شوی عطا فرمایی.

از تو خواهم به حق تمام این نام ها و به حق محمد صلی الله علیه و آله که مرا از کسانی قرار دهی که چون سخنی گویند، راست گویند و چون سوگند خورند راست باشد و چون نعمتی به آنان عطا شود سپاس گویند و چون بی چیز گردند صبر پیشه کنند و چون تو را یاد کنند شادمان گردند و چون کار بدی مرتکب شوند آمرزش خواهند و چون روزی داده شوند از آن احسان کنند و چون خشمگین شوند درگذرند و چون قدرت یابند ستم نورزند {و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند. } (1) ای مهربان ترین مهربانان !

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان. خدایا بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و از تو خواهم ای پروردگار من، ای بزرگِ هر بزرگ، ای یاریگر، ای دانا، ای شنوا، ای بینا، ای کسی که نه شریکی داری و نه وزیری، ای آفریدگار خورشید و ماه تابان، ای مصون دارنده هراسانی که به تو پناه جسته، ای که اسیر در زنجیر را آزاد کنی، ای روزی دهنده کودک کوچک، ای اصلاح کننده هر استخوان شکسته، ای سازنده هر شیء ساخته شده، ای همدم هر تنها، ای یار هر ناآشنا، ای نزدیکی که دور نیست، ای گواهی که پنهان نگردد، ای پیروزمندی که شکست نپذیرد، ای درهم شکننده هر زورگوی ستیزه جو، تو را خوانم همچون دعای بینوای نیازمند و دعای درمانده نابینا.

به عظمت درجه های عزت و سربلندی در عرشت و به حق منتهای رحمت از کتابت و به حق هشت نام نیکو که بر نور خورشید نوشته شده است. ای روشنایی نور، ای تدبیر کننده کارها، ای برانگیزاننده هر که در قبرهاست، ای شفابخش دل ها، ای فرود آورنده سوره ها و آیات و نازل کننده کتاب و زبور، ای پدیدآورنده سایه و



---

1- . فرقان / 63

گرمای آفتاب، ای دانای به راز سینه ها، ای که فرشتگان در صبح و ظهر تسبیح او را گویند.

ای پایدار جاوید، ای رویاننده گیاه، ای زندگی بخش به مردگان، ای پدید آورنده استخوان های پوسیده، ای شنوای صداها، ای اجابتگر دعاها، ای صاحب نیکی ها، ای بالا برنده درجات، ای فرود آورنده برکات، ای آفریننده آسمان ها و زمین، ای باز گرداننده استخوان های پوسیده پس از مرگ، ای که چیزی او را از چیزی دیگر غافل نکند و نگرانی از دست دادن چیزی را ندارد، ای کسی که از حالتی به حالتی دیگر دگرگون نگردد، ای کسی که به تحمل سختی و تغییر مکان نیازی ندارد، ای کسی که با کمترین صدقه و دعا، آنچه را که از تقدیر بد مقدر و حتمی داشته از پهنه آسمان بازگرداند، ای کسی که مکان ها و موقعیت ها و زمان ها بر او احاطه نیابند، ای کسی که روزگار و زمان او را دگرگون نسازند.

ای کسی که در هر چیزی که بخواهد شفا قرار می دهد، ای کسی که بیمار رو به مرگ و زمینگیر را با اندک غذایی از مرگ باز دارد، ای کسی که با کمترین دوا بزرگترین بیماری را برطرف کند، ای که مرتبهاش بزرگ است، ای که پیروزیش بزرگ است، ای که ذاتی کهنگی ناپذیر دارد، ای که ملکی فناناپذیر دارد، ای که نوری خاموش نشدنی دارد، ای کسی که عرشش فراتر از هر چیزی است، ای کسی که سیطره اش خشکی و دریا را فرا گرفته است، ای کسی که خشمش در جهنم است، ای کسی که رحمتش در بهشت است، ای کسی که عذابش در قیامت است، ای کسی که در نظرگاه بالاتر است، ای کسی که مخلوقش در جایگاه پایین تر است، ای کسی که به وعده خویش وفا کند.

ای کسی که بر خواسته های خواستاران تملک دارد و از آنچه در دل خاموشان و پنهان کاران وجود دارد آگاه است. ای کسی که وعده اش راست است. ای کسی که نعماتش زیاده است. ای کسی که رحمتش گسترده است. ای فریادرس فریاد خواهان، ای پاسخگوی دعای درماندگان و گشاینده اندوه اندوهناکان. ای پروردگار جان های فناپذیر، ای پروردگار پیکرهای پوسیده، ای بیناترین بینایان، ای شنواترین شنوایان، ای سریع ترین حسابرسان، ای بهترین داوران، ای مهربان ترین

مهربانان، ای بهترین آمرزندگان، ای والاترین بزرگواران، ای معبود جهانیان، ای بخشنده هدایا، ای آزادی بخش دربندان، ای پروردگار عزت و بزرگی، ای سزاوار آمرزش، ای کسی که امورش قابل درک نیست، ای کسی که شماره اش را پایانی نباشد، ای کسی که یاریش بی پایان است.

گواهی می دهم و این گواهی مایه ارتقای درجه و توشه من و نشانه فرمانبرداری من است و بدین گواهی آرزوی رستگاری در روز حسرت و پشیمانی را دارم. [گواهی می دهم] که تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، یگانه ای و شریکی نداری و محمد بنده و فرستاده توست که درود تو بر او و تمام پیامبرانت باد. و [گواهی می دهم] که او رسالت تو را ابلاغ فرمود و آنچه را که از سوی تو بر او واجب شده بود به جا آورد و تا زمان مرگ در راه تو جهاد کرد و این که تویی که همواره می بخشی و روزی می کنی و می دهی و جلوی آن را می گیری و بالا می بری و پست می گردانی و بی نیاز و نیازمند می کنی و خوار می کنی و یاری می دهی و می بخشی و رحم می کنی و می گذری و از آنچه می دانی چشم می پوشی و نه ستم می کنی و نه ظلم روا می داری و تویی که می گیری و می گسترانی و تویی که نگه نمیداری و محو می کنی و آغاز می کنی و باز می گردانی و زنده می کنی و می میرانی و تو زنده ای که نمی میری.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و از جانب خود مرا هدایت کن و از فضل و کرم خود بر من بگستران و از رحمت خویش بر من پراکنده گردان و از برکت های خویش بر من فرود آور. چه بسیار نیک و زیبا که مرا بدان عادت دادی و بزرگ و فراوان که به من بخشیدی و هر چه را بدان راضی بودی از عیوبم پوشیدی و بیماریم را بدان بهبودی بخشی و از جانب خودت روزیم گسترده کن و به بدنم سلامتی کامل و بصیرتی عمیق در دین و دنیایم عطا کن. پیش از آنکه عمرم به پایان رسد و کارم تمام شود، مرا در درخواست آمرزش از خویش یاری ده و بر مرگ و سختی آن و قبر و وحشت آن و در صراط و لغزش در آن و بر روز قیامت و هراس آن یاریم کن.

ص: 320

پروردگارا! موفقیت در کار به هنگام قطع امید و توانایی در گوش و چشمم را از تو خواهم و مرا در آنچه به من آموخته و فهمانده ای به کار گیر که تویی پروردگار باشکوه و منم بنده خوار و فرق بین ما بسیار است. ای مهرپیشه، ای عطابخش، ای باشکوه ارجمند. خدایا تندرستی زود هنگام و شکیبایی بر امتحان و خروج از دنیا به سوی رحمتت را از تو خواهم. خدایا مرا انتخاب کن و برایم برگزین. خدایا اخلاقم را نیکو گردان. خدایا تو بخشنده ای و عفو و بخشش را دوست داری، پس از من درگذر. خدایا گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکارم را بیامرز. خدایا روحم را پاک فرما و آن را رشد بده و تو بهترین کسی هستی که آن را رشد داده است و تو صاحب اختیار و مولای او هستی. خدایا آن را همچون حضرت موسی علیه السلام [که در نوزادی او را حفظ گرداندی] حفظ گردان. خدایا آرزوها به تو پایان پذیرفته است ای صاحب سلامت. پروردگارا توبه ام را بپذیر و گناهم را بشوی. خدایا از تو یک زندگی درست و یک مرگ پرهیزکارانه و وفاتی به دور از خفت و رسوایی می خواهم؛ چرا که تو سزاوار سود رساندن و آمرزش هستی، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان و درود خدا بر سرورمان محمد پیامبر و خاندان پاک و پاکیزه او باد.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

ستایش خدای را بدانچه خداوند خود را به وسیله آن ستایش کرده است و خدایی جز خدای یگانه نیست بدانچه خودش خود را بدان تهلیل گفته، و تنزیه خدای را بدانچه او خود را در عرش خویش و از زیر آن بدان تنزیه فرموده، و ستایش خدای را بدانچه خود خداوند و خلقش خدا را بدان ستایش کرده، و خدا بزرگتر است بدانچه خود خدا و خلقش و عرشش و هر که پایین آن است او را بدان وسیله به توصیف آورده، و تنزیه خدای را بدانچه خلق خدا او را بدان تنزیه گفته است و ستایش خدای را بر نهایت دانش و منتهی درجه خشنودی او، ستایشی که نه پایانی دارد و نه نهایتی و ستایش خدای را بدانچه خلق خداوند او را بدان ستایش گفته اند و خدا بزرگتر است بدانچه خلق خداوند او را بدان وسیله به مقام توصیف

آورده، و تنزیه خدای را بدانچه خلقش او را بدان تنزیه نموده و معبودی جز خدا نیست بدانچه خلقش او را بدان تهلیل گفته است.

و ستایش خدای را بدانچه فرشتگان به وسیله آن خداوند را ستایش کرده اند و معبودی جز خدای یگانه نیست بدانچه فرشتگان خداوند را به وسیله آن تهلیل گفته اند و خدا بزرگ تر است بدانچه فرشتگان خداوند را به وسیله آن تکبیر گفته اند. و ستایش خدای را بدانچه آسمان ها و زمینش به وسیله آن خداوند را ستایش کرده اند و ستایش خدای را بدانچه رعد و برق و باران، خداوند را به وسیله آن ستایش کرده اند، و خدا بزرگ تر است بدانچه رعد و برق و باران، خداوند را به وسیله آن تکبیر گفته اند. و ستایش خدای را بدانچه کرسی او و هر چه علم او بدان احاطه یافته خداوند را به وسیله آن ستایش کرده است و خدا بزرگ تر است بدانچه کرسی او و هر چه علم او بدان احاطه یافته، خداوند را به وسیله آن تکبیر گفته است. ستایش خدای را بدانچه دریاها و هر چه در آن است خداوند را به وسیله آن ستایش کرده و خدا بزرگ تر است بدانچه دریاها و هر چه در آن است خداوند را به وسیله آن تکبیر گفته و تنزیه خدای را بدانچه دریاها و هر چه در آن است او را بدان تنزیه گفته اند و معبودی جز خدای یگانه نیست بدانچه دریاها و هر چه در آن است او را بدین وسیله به مقام توصیف درآورده اند.

ستایش خدای را به مقدار نهایت دانش و منتهی درجه خشنودی او، به اندازه ای که پایانی ندارد و معبودی جز خدای یگانه نیست به میزان نهایت دانش و منتهی درجه خشنودی او و به اندازه ای که پایانی ندارد. خداوندا بر سرورمان محمد، پیامبر مکی و اهل بیت پاک او درود فرست. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر محمد و خاندان محمد رحمت فرست و بر محمد و خاندان او برکت فرست چنانچه بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود و رحمت و برکت فرستادی و به راستی تویی ستوده بزرگوار.

خدایا به دنبال اقرار به یگانگیات و تعظیمت و تسبیح و ستایش و به بزرگی ستودنت و درود بسیار بر پیامبرت از تو می خواهم تمام گناهان مرا، کوچک و بزرگ، پنهان و آشکار، جدید و قدیم آن، آن ها که تو برشمردی و من در طول

زندگیم از آن غافل شدم، آن ها که می دانم و آن ها که نمی دانم و اشتباهاتم، همه را بیامرزی. ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای بخشاینده، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان [از تو خواهم] که برای انجام کارهای شایسته به من توفیق دهی تا این که مرا بر آن ها و در بهترین حالات بمیرانی و تمام آرزوهایم را برآورده گردانی و تا پایان عمرم و تا ابد، فاصله ای میان من و سلامتی و آسایش قرار مدهی و روزیم را تنگ نگردانی. خدایا در پیریم و وقتی مرگم نزدیک شد روزیم را فراخ گردان و در تمام امور برایم خیر مقرر کن و بر محمد و خاندان او صلوات و درود فراوان بفرست.

دعای پایان این روز

خدایا، ای پروردگار این شب جدید و هر شب و این ماه و هر ماه! بردباریت را برای نادانیم و فضل و بخششت را برای فقرم و آمرزشت را برای اشتباهم می خواهم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و به واسطه آن بر من منت نه و مرا به دل خودم واگذار مکن و مرا به جای نخستم (به عقب) باز نگردان و گامم را دچار لغزش نکن و بر دلم قفل مزن و بر دهانم مهر مزن و عملم را باطل مکن و نعمتت را از من مگیر و دشمن شادم مگردان و شیطان را بر من مسلط مکن که فریبم دهد و مرا دچار لغزش کند و به نابودی بکشد و با رحمت خویش به من لطف فرما، ای مهربان ترین مهربانان و بهترین آمرزندگان! به راستی که تو بر همه چیز توانایی.

روز بیستم

سرورمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز، روزی خوب و مبارک و برای درخواست حاجات و مسافرت مناسب است. هر که در این روز مسافرت کند حاجتش برآورده می گردد و ساخت و ساز و ازدواج و ورود به دربار حاکم و غیره در این روز خوب است.

در روایت دیگری آمده است: حضرت اسحاق علیه السلام در این روز زاده شده است. سرانجام نیکی دارد. این روز برای طلب خواسته ها مناسب است. در این

روز حق خویش را بخواه و هر چه خواهی بکار و به هیچ وجه چیزی در این روز نخر.

در روایت دیگری نیز ذکر شده که از خرید برده در این روز پرهیز شود.

در روایت دیگری آمده است که این روز، روزی متوسط است و برای سفر و ساخت و ساز و پایه گذاری و دروی محصول و درختکاری و کاشت انگور و گرفتن چهارپا مناسب است. هر که در این روز بگریزد، دست یافتن به او دشوار گردد. هر که گم شود پنهان گردد و هر که بیمار گردد بیماریش دشوار شود.

در روایتی دیگر آمده است: هر که بیمار شود بمیرد و هر که در این روز زاده شود زندگی سختی خواهد داشت و ناتوان می شود و در روایت دیگری آمده که هر که در این روز زاده شود بردبار و فرهیخته شود.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: هر که در این روز مسافرت کند به سلامت و موفق بازگردد و خداوند حاجات او را برآورده سازد و او را از تمام پیشامدها محافظت کند.

ایرانیان گفته اند: این روز، روزی سبک و مبارک است و در روایتی دیگر گفته شده که این روز، روزی پسندیده است و درخواست روزی و آهنگ نقل و انتقال و کسب و کار و کارهای مورد پسند و آغاز امور خوب است.

سلمان فارسی رحمه الله علیه گفته است: بهرام روز.

دعای آغاز این روز

خدایا ! ای پروردگار این روز و هر روز و این ماه و هر ماه ! به محبوب ترین و بزرگ ترین و نزدیک ترین وسیله ها به سوی تو از تو درخواست می کنم که پذیرش [توبه] توبه پیشگان و توبه و صداقت پیامبران و نیت و پاداش مجاهدان و سپاس و خیرخواهی برگزیدگان و عمل و عبادت ذاکران و فداکاری و دانش دانشمندان و عبادت و فروتنی فروتنان و حکمت و بصیرت دانایان و هراس و شوق پرهیزکاران و باور و توکل مؤمنان و امید و نیکی هراسناکان نیکوکار را روزیم گردانی. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و به تمام این ها به من لطف کن و مرا از دشمن شاد شدن و دچار شدن به بدبختی و از نگاه یا بازگشت بد برای خود و خانواده و مال و

فرزند پناه ده و مرا به خاطر ستمم مؤاخذه نکن و بر دلم مهر نزن و مرا بهتر از کسانی قرار ده که به من می نگرند و به کسانی ملحق کن که بهتر از من باشند. به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان!

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان. خدایا! ای مهرورز، ای ستوده، ای صاحب عرش بزرگ، ای آغازگر، ای بازگرداننده، ای کسی که هر چه بخواهد انجام دهد! از تو خواهم به نور ذات بزرگوارت که پایه های عرشت را آکنده ساخته است و از تو خواهم به قدرت خودت که به وسیله آن اوضاع آفریدگانت را مقدر کرده ای و به رحمتت که همه چیز را فرا گرفته است. معبودی جز تو نیست ای فریادرس. ای معبود من! اگر تو را نخوانم تا پاسخم دهی [پس کیست که من او را بخوانم و پاسخم دهد؟] خدایا اگر به درگاه تو زاری نکنم تا به من رحم کنی، پس کیست آن کس که من به درگاهش زاری کنم و به من رحم کند؟ خدایا اگر از تو درخواست نکنم تا به من ببخشی، پس کیست آن که از او درخواست کنم و به من بخشد؟ خدایا اگر بر تو توکل نکنم تا تو کفایتم کنی، پس کیست آن کس که بر او توکل کنم و کفایتم کند؟

خدایا از تو خواهم به حق نامت، بزرگ بزرگ تر گرامی تر. خدایا از تو خواهم به حق آن نامت که بدان دریا را بر حضرت موسی علیه السلام شکافتی و او را از غرق شدن نجات دادی. از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و مرا از هر اندوه و غصه و ناراحتی نجات دهی و سلامت را روزیم گردانی و در کارم گشایش و راه خروجی قرار دهی. خدایا به تو پناه برم از شر {آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن بر می آید و آنچه از آسمان فرو می شود و آنچه در آن بالا می رود.} (1) خدایا من به تمام کلمات تامه ات پناه می برم از شر هر چه آفریدی و خلق کردی و پدید آوردی.

خدایا ای کسی که ذکر را با ذکر حفظ گردانی، مرا حفظ گردان با آنچه ذکر را با آن حفظ کردی و یاریم کن با آنچه رسول اکرم را با آن یاری کردی. خدایا از تو



---

1- . سبأ / 2

خواهم، ای خداوندی که شنیدن دعایی تو را از شنیدن دیگر دعاها به خود مشغول نمی کند، ای کسی که درخواست ها او را به اشتباه وانمی دارند، ای کسی که پافشاری اصرارکنندگان او را به ستوه نمی آورد، خنکی عفو و گذشتت و شیرینی آمرزشت و بهره مندی از [نعمات] بهشتی و رهایی از آتش دوزخ را به من بچشان. به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان! ای صاحب بخشش جاویدی که هیچ کس جز تو آن را به شمار در نیاورد. ای کسی که هیچ کسی او را جز تو حفظ نگرداند، در کارم گشایش و راه خروجی قرار ده.

تنها به خدا متوسل شدم و به خدا پناه جستم و بر خدا توکل کردم و از خدا یاری خواستم. هر چه خدا بخواهد. هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خداوند. خدایا! ای کسی که ذاتی فرسودگی ناپذیر دارد، ای کسی که کرسی از [قدرت] او مملو گشته. ای کسی که چون از او درخواست شود عطا فرماید. ای کسی که فرمود: از من بخواهید تا شما را اجابت کنم. ای سرورم! ای کسی که چون حکمی دهد اجرا کند. ای بزرگ آرزو، ای نیکو بلا، ای معبود زمین و آسمان، قضا و بلا و سرزنش دشمنان را از من دور گردان و مرا از جنه المأوی محروم نگردان.

به آن صاحب نیرو و قدرت و فرمانروایی پناه جستم و بدان عزتمند و با عظمت و والامقام متوسل شدم و بر خدای زنده نامیرا توکل کردم و شر هر که را که به من آزار می رساند به وسیله ذکر «هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خدای بلندمرتبه بزرگ» دفع کردم. خدایا تویی فرمانروا و تو بر همه چیز توانایی و بر تمام امور آگاه و هر چه تو بخواهی همان می شود، مرا بیامرز و به من رحم کن و توبه ام را بپذیر که تویی توبه پذیر مهربان.

خدایا از جانب تو رحمتی می خواهم که به وسیله آن قلبم را هدایت گردانی و پراکندگی خاطرم را بدان جمع گردانی و آشفتگیام را گرد هم آوری و کوری را بدان [از من] دور گردانی و دینم را بدان اصلاح گردانی و دور افتاده ام را بدان حفظ گردانی و حاضرم را بدان رفعت بخشی و عملم را بدان پاک گردانی و رویم را سپید کنی و به وسیله آن هدایتم را به من تفهیم کنی و مرا بدان از هر بدی حفظ گردانی. خدایا از تو می خواهم که ایمانی راستین و یقینی به من کرامت فرمایی که به ناسپاسی

منتهی نشود و رحمتی که به وسیله آن به شرافت در آخرت و کرامت تو در دنیا و آخرت دست یابم.

خدایا از تو خواهم نوری را به هنگام ملاقات [با تو] و جایگاه های شهدا و زندگی سعادتمندان و همراهی با پیامبران و شکیبایی بر بلا روزیم گردانی. خدایا دشمنان را از من دفع کن. خدایا خواسته ام را به درگاهت آوردم، هر چند که به سبب ضعف، عملم اندک است و به رحمت تو نیازمندم و از تو خواهم ای مجری امور، ای دادگری که ستم نکند، ای شفابخش سینه ها و هر چه در دریاها جاری است و هیچ کس جز تو مرا از آتش در پناه نگیرد؛ چرا که صاحب من تویی، ای نجات دهنده از عذاب آتش فروزان و از فریاد واهلاکتا و از فتنه قبرها.

خدایا ! ای کسی که فهمم از او قاصر و عملم ضعیف است و نیت و توان من بیشتر از خیری نیست که به یکی از بندگانت وعده دادی یا خیری که تو به یکی از بندگانت کرامت فرمایی و من در این خیر به تو مشتاقم و آن را از تو می خواهم ای پروردگار جهانیان. خدایا ما را هدایتگران هدایت یافته و نه گمراهان گمراه کننده گردان و با دشمنانت دشمن و با دوستانت دوست قرار ده تا هر انسانی که تو را دوست داشته باشد دوست بداریم و با هر یک از خلقت که با تو مخالفت کند دشمنی ورزیم.

خدایا این دعای من است و اجابت آن با توست و این تلاش و سخت کوشی و کوشش من است و توکلم بر توست و هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ، صاحب ریسمان محکم و فرمان هدایتگر. امان از روز موعود و خیر در روز جاوید را به همراه مقربان و اهل شهود و رکوع و سجود کنندگان و وفاداران به عهد خود از تو خواهم، به راستی که تویی مهربان مهرورز و تو هر چه بخواهی می کنی.

منزه است آن که جامه عزت بر تن کرده و بدان رسیده است. منزه است کسی که لباس بزرگی پوشیده و به وسیله آن تنزیه یافته است. منزه است کسی که تنزیه تنها سزاوار اوست. منزه است صاحب بخشش و نعمت ها. منزه است صاحب قدرت و عطا. منزه است کسی که همه چیز را به دانش خود به شماره درآورده است. خدایا

نوری را برای من در قلبم و نوری را در گوشم و نوری را در چشمم و نوری را در مویم و نوری را در پوستم و نوری را در گوشتم و نوری را در خونم و نوری را در استخوان هایم و نوری را پیش رویم و نوری را از پشت سرم و نوری را در سمت راستم و نوری را در سمت چپم و نوری را در بالای سرم و نوری را در پایین [پایم] قرار ده. خدایا روشنایی وجودم را بیفزای و نوری را به من ببخش و نوری را برای من قرار ده، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان و بهترین آمرزندگان.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

خدایا بر محمد و خاندان او درود و رحمت و برکت فرست، چنانچه بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود و رحمت و برکت فرستادی؛ به راستی تویی ستوده بزرگوار، صلواتی که بدان به خشنودی و بهشتت برسیم و به وسیله آن از خشمت و آتش دوزخ رهایی یابیم. خدایا پیامبرمان محمد را در چنان مقامی پسندیده مبعوث فرما که پیشینیان و پسینیان بدان غبطه خورند و درود و سلام خدا بر محمد و خاندان او باد.

خدایا محمد را به بهترین [نوع] فضیلت ها مخصوص گردان و او را به برترین سروری و جایگاه ارجمندان برسان. خدایا محمد را به ذکر پسندیده و حوض [کوثر] که بهشتیان بر آن وارد شوند مخصوص گردان. خدایا مقام محمد را والا و اساس و بنیانش را گرامی و برهانش را بزرگ دار و ما را بر حوض او وارد کن و از جامش سیراب گردان و ما را در گروه او محشور گردان، بی آنکه خوار یا پشیمان باشیم و نه دچار شک و تردید و تغییر گردیم و نه پیمان شکن و شکاک باشیم و نه منکر و فریفته و نه گمراه و گمراه کننده، از پاداشی که از سوی تو بر ما نازل می شود خشنود باشیم و از مجازات تو در امان باشیم؛ به راستی که تویی ارجمند سنجیده کار بخشنده.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست که امام نیکی و پیشوای خیر و فراخوان به سوی نیکی است و برکت او را بر تمام بندگان و شهرها و جانداران و درختان بسیار گردان، برکتی که به تمام بندگان برسد و آنان را کفایت کند. ای مهربان ترین مهربانان!

ص: 328

خدایا از هر کرامتی بهترین آن را و از هر نعمتی بهترین آن و از هر آسانی بهترین آن و از هر عطا و احسانی بهترین آن و از هر قسمتی بهترین آن را به محمد - صلی الله علیه و آله - عطا کن تا این که جایگاه هیچ یک از بندگانت به تو نزدیک تر و مقام و منزلتش در درگاه تو پربهره تر و وسیله اش به تو نزدیک تر و ارزش و شرافتش در محضر تو والاتر و حقش بر تو بیشتر و مقام شفاعتش بالاتر از حضرت محمد نباشد که درود تو بر او و خاندانش باد. همه این ها را در کنار آسایش و شادی زندگی و در سایه راحتی و رحمت و نعمت پابرجا و نهایت فضیلت و شادی کرامت و بزرگواری و امید آرامش و آرزوی لذت و کامیابی و بهرهمندی از خوشی ها و خواسته ها و شادی غیر قابل قیاس با شادمانی های دنیوی [را برای او از تو می خواهم].

خداوندا! مقام وسیله و بالاترین رتبه و وسیله و فضیلت را به محمد عطا کن و درجه او را در علیین و محبت او را در بین برگزیدگان و ذکر او و یاد سرای او را در بین مقربان مقرر فرما. ما گواه هستیم که او رسالت تو را تمام و کمال [به خلق] رسانید و برای بندگانت خیرخواهی کرد و آیاتت را تلاوت کرد و حدود تو را اجرا کرد و دستور تو را به انجام رساند و حکم تو را روشن کرد و به عهدت وفا کرد و در راه تو جهاد فرمود و آنچنان که شایسته ذات تو بود بندگی و پرستش تو را کرد تا این که مرگش فرا رسید و به اطاعت تو فرمان داد و خود نیز بدان عمل کرد و فرمانبرداریت را کرد و از نافرمانی تو بازداشت و خود نیز از نافرمانی خودداری کرد و آنچنان که تو دوست داشتی تا با دوستان تو دوستی کند، با آنان دوستی کرد و آنچنان که تو دوست داشتی تا با دشمن تو دشمنی کند، با او دشمنی کرد. صلواتت بر سرورمان محمد سرور فرستادگان و پیشوای پرهیزکاران و خاتم پیامبران و رسول پروردگار جهانیان باد.

خداوندا بر محمد و خاندان پاک محمد درود فرست. خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست در شب چون تاریکی خود را فرو پوشد. خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست در روز چون روشن شود و در دنیا و آخرت بر او درود فرست و مقام خشنودیت را بر او ارزانی دار و پس از آن به خشنودیت بیفزای.

خدایا چشمان پیامبرمان محمد و پیروان او از امتش و همسران و نسل و یاران و خاندان و امتش، همگی را روشن کن. همچنین ما و خاندان ما و کسانی که حقشان بر گردن ماست، چه زنده و چه مرده را در زمره کسانی قرار ده که چشم او به آنها روشن می شود و چشم همگی ما را به دیدار او روشن کن و بین ما و او جدایی میفکن.

خدایا ما را بر حوض او وارد کن و از جام او سیرابمان گردان و ما را در گروه او و زیر پرچم او محشور کن و بر دین او بمیران و از پاداش او و همراهی با او محروممان مگردان، به راستی که تو بر همه کار توانا هستی. بر محمد و خاندان پاک و برگزیده او درود فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او و خاندان او باد.

خدایا ای پروردگار مرگ و زندگی و ای پروردگار آسمان ها و زمین و ای پروردگار جهانیان و ای پروردگار ما و پدران پیشین ما و ای پروردگار ما و پدران پسین ما! تو یکتا و بی نیازی هستی که نه زاده و نه زاییده شده و هیچ کس همتای او نیست. به عزت و قدرت خویش بر پادشاهان حکم راندی و به قدرت و عزت خویش اربابان را به بندگی کشاندی و به بخشش خویش بر بزرگان سروری کردی و به اقتدار خویش اشراف را از هم پراکندی و به عظمت خویش کوه ها را رام ساختی و بزرگی و کبریا و افتخار و کرم را برای خویش برگزیدی و ستایش و ثنا در محضر تو پایدار گشت و بزرگی و بخشش به واسطه تو عظمت یافت.

هیچ چیز به درجه تو دست نیابد و هیچ چیز منزلت تو را نشناخت و قدرت هیچ کسی چیز بر قدرتت غلبه نتواند کرد و هیچ عزتمندی جز خودت به درجه عزت تو نرسد. تویی پناه پناه جویان و ملجأ پناه آورندگان و تکیه گاه مؤمنان و طریق خواسته حاجت طلبان و شایستگان.

خدایا به حق پیامبرمان که پیامبر مهربانی است به تو روی آورم و از تو می خواهم که فتنه خواهش ها را از من دور سازی و می خواهم که به من رحم کنی و در هر فتنه گمراه کننده مرا ثابت قدم گردانی. تو معبود من و مرجع شکایت و درخواست من هستی، هیچ کس مانند تو نیست و توان هیچ کس با تو برابر نیست.

تو بزرگ تر و والاتر و گرامی تر و عزیزتر و برتر و عظیم تر و ارجمندتر و بزرگوارتر و برتر و بردبارتر هستی و مخلوقات قادر به توصیف تو نیستند. تو آنچنانی که خود را بدان وصف کرده ای، ای صاحب روز جزا.

خدایا از تو می خواهم به حق هر نامی که مخصوص توست و دوست داری بدان نام خوانده شوی و به هر دعائی که یکی از آفریدگانت از پیشینیان و پسینیان تو را بدان دعا خوانده و دعایش را مستجاب کرده ای، تمام گناهانم را بیامرزی، کوچک و بزرگش را، کهنه و تازه اش را، نهان و آشکارش را و گناهانی که من از آن آگاهم و آن ها که نمی دانم و آنچه را که تو بر من شماره و ثبت کرده ای و من خود در طول زندگی فراموششش کرده ام. [از تو می خواهم] کار دین و دنیایم را آنچنان اصلاح گردانی که اثر آن بر تمام آرزوها و خواسته ها و درخواست های من به درگاه تو باقی بماند. خدایا مرا بیامرز و به من رحمت کن و توبه ام را بپذیر که به راستی تویی توبه پذیر مهربان. خدایا بر محمد و خاندان پاک و برگزیده و نیک که همگی بری از نفاق و ناپاکی هستند بر او درود و رحمت فرست، ای پروردگار جهانیان.

دعای پایان این روز

خدایا ای پروردگار این شب جدید و هر شب و ای پروردگار این روز جدید و هر روز و پروردگار این ماه و هر ماه، تو به دعا فرمان دادی و اجابت آن را عهده دار شدی، پس دعایم را بشنو و از من بپذیر و نعمت خویش را بر من فروریز و شکیبایی بر گرفتاریت و خشنودی به سرنوشتت و ایمان به وعده ات و رعایت توصیه ات و اتصال بدانچه دستور پیوستن به آن را داده ای و ایمان به خودت و توکل بر تو و چنگ زدن به ریسمانت و توسل به کتابت و شناخت حقت و توان بر عبادتت و نشاط در یادت و عمل به اطاعتت، تا مرا زنده داشتهای روزیم فرما و وقتی در سرنوشتم چاره ای جز مرگ نبود، مرگم را کشته شدن در راه خویش به دست بدترین خلایقت از کسانی که در امنیت و رزق و روزی هستند قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان!

روز بیست و یکم

مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز، روز نحس دائمی و مخصوص خون ریزی است. در این روز از هر چه می توانید بپرهیزید و به دنبال حاجتی نروید و با هم نزاع نکنید؛ زیرا این روز، روزی بد شوم و مورد نکوهش است. در این روز با حاکمی که از او می ترسی ملاقات نکن. این روز برای دیگر کارها نیز بد است. از منزل خویش بیرون نیا و از هر چه می توانی بر حذر باش و از سوگند راست خودداری کن و از حشرات دوری کن؛ چرا که هر کس در این روز گزیده شود می میرد و در این روز با هیچ کس ارتباطی برقرار نکن؛ زیرا این روز اولین روزی بود که در آن خونریزی رخ داد و حوا در آن حائض شد. هر که در این روز به سفر رود باز نمی گردد و بیم [مردنش] می رود و سود نکند و در این روز، بیمار، بیماریش سخت شود و بهبود نیابد و هر که در این روز زاده شود نیازمند و فقیر می شود.

در روایت دیگری نیز آمده که: هر که در این روز متولد شود فردی شایسته خواهد شد.

ایرانیان گفته اند: این روز، روزی خوب است و در روایت دیگری گفته شده است: این روز مناسب خون ریزی است و هیچ حاجتی در این روز درخواست نشود و در این روز از آزار پرهیز کن.

در روایت دیگری گفته شده است: سایر کارها و خون گیری و حجامت و ملاقات با سربازان و فرماندهان و سیاست مداران در این روز ناپسند است.

سلمان فارسی رحمه الله علیه گفته است: رام روز.

دعای سلامتی این روز

پناه می برم به خداوند شنوای دانایی که هیچ چیز مانند او نیست و او بر همه چیز توانا و به همه چیز داناست. پروردگار فرشتگان مقرب، پروردگار پیامبران و فرستادگان و پروردگار تمام مخلوقات. از تو خواهم به حق نام های نیکو و نعمات بزرگ تر و قدرت برتر و کلمات والایت که بدان ها زنده می کنی و می میرانی و آنچه در آسمان ها و زمین و میان آن دوست و آنچه زیر خاک است، از شر این روز و

شومی آن و آنچه پس از آن واقع می شود و تمام زیان ها و پیشامدهای غیر منتظره و رویدادهای آن [به تو پناه می برم] دفع کرده و تمام این ها را به علم خداوند و نیرو و قدرت او دفع گردانی و هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خدای بلندمرتبه بزرگ. آن [بلاها] را با عزائم محکمات (قرآن) و نشانه های والا و با نام های مبارک برطرف کردم، به حق زنده پاینده ای که بر کرده هر کس مراقب و بر همه چیز تواناست.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان و درود خدا بر سرورمان محمد پیامبر و خاندان پاک و طاهر او باد. خدایا بر فرشتگان مقرب و بر تمام پیامبران و فرستادگان درود فرست. خدایا این روزی است که آن را به قدرت خویش آفریدی و با هستی خود آن را هستی بخشیدی، ظاهر آن را سلامت و باطن آن را نیکی و کرامت قرار ده. آنچنان که اراده فرمودی آن را آفریدی و چنانچه پسندیدی در آن [بر مخلوقاتت] لطف و کرم داشتی و در این روز کرامت فرمودی و نعمت و لطف و کرم خویش را [بر بندگان] ارزانی داشتی و در این روز قداست و عزت یافتی و در پرده رفتی و خویش را والا و بزرگ داشتی و بی نیاز گشتی و نیازمند کردی و فرمانروایی نمودی و چیره گشتی. تو ای پروردگار ما از این ها بسی بزرگ تری و والاتر از آنی ای مهرپیشه، ای عطابخش.

به برکت پیامبر خویش محمد بن عبدالله ما را را از شرک و سرکشی و از گناهان و خطاها حفظ کردی، پس بهترین درود و سلام از جانب تو بر او باد. به عزت اسلام ما را کرامت بخشیدی و به دعوت پیامبرمان محمد که درودت بر او باد، دعوتی که ما را از زلزله های زمین حفظ گرداندی و با بقای فرزندان او، امامان پاک و برگزیده دنیا پابرجا ماند.

خدایا این روز را شاهد قرار ده تا در آن به طاعتت عمل کنیم و روزی و بخشش خویش را بر ما آسان گردان و ما را زیر پوشش عیب پوشی و تندرستی و بخشش خویش قرار ده و ما را از کسانی گردان که آن ها را با توفیق و محافظت خویش مقدم داشته و با لطف و بخشش خود ما را بیامرز. خدایا ما را از زشتی ها و عیبها حفظ گردان و هر گرفتاری را از ما برطرف گردان و درخواست ما را برای

حق قرار ده که تو خود بهترین خواسته ای. خدایا زبان هایمان را به ذکر خویش گویا کن و سپاست را از یاد ما نبر و ما را از پاداشت محروم نگردان. خدایا ما را از تمام دل نگرانی ها و سختی ها حفظ گردان و ما را مورد شماتت هیچ دشمن و حسودی قرار نده که من رو به سوی درگاه تو کرده ام و به تو بسته شده ام و برای تو رکوع و سجود کرده ام و به خاطر نیکی ای که به من کردی و نعمتی که به من بخشیدی سپاسگزارم. ای کسی که پنهان و آشکار مرا می دانی، بر خطای من رحم کن. خدایا رحم کن بر بنده ای که برای تو رام شده و در برابر عظمت تو فروتن گشته است، پس او را از لطف خویش ناامید باز نگردان.

خدایا در این روز به من برکت ده و روزیم را گسترده گردان و گناهم را بیامرز، به مهر و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا! امروز روز بیست و یکم از ماه عظیم و ارزشمند و بزرگ توست. به نعمات خویش آن را آفریدی و میل و رغبت را در آن قرار دادی تا پاداش تو را درخواست کنیم و در این روز به یگانگی مخصوص گشتی و به بی نیازی یگانه گشتی و به نام های والا تقدس جستی. گردن ها در این روز در برابر عظمت تو خوار گشته و کارهای دشوار در این روز وامدار قدرت تو شدند و خردمندان در برابر عزت سلطه و سیطره تو سرگشته شدند.

خدایا و ای سرور و مولای من! بدین سبب که عرصه بر من تنگ گشته و در دریای نابودی افتاده ام رو به سوی تو کرده ام؛ زیرا می دانم که تو دعاگو را اجابت کنی و خواسته درخواست کنندگان را می شونی، دستی به سوی تو دراز کرده ام که به خاطر ارتکاب گناهان تنگ و هراسان گشته است. پس ای کسی که پنهان و آشکار مرا می دانی، به ناتوانی و بیچارگیام رحم کن و در دنیا و آخرتم مرا در پوشش عفو و بخشش خویش قرار ده و تنها به خودت واگذار کن که تویی آرزو و امید و وسیله من و به تو پناه آورم و تو فریادرس منی و به تو پناه جویم و در رحمتت به روی درخواست کنندگان گشوده است و تویی سپاس پذیر مورد ستایش.

خدایا بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و در انجام کارهای شایسته و تجارت سودآور و پیمودن مسیری روشن مرا توفیق ده و آن را بهترین

روزی قرار ده که با خیر و برکت به سراغ ما آمده است و مرا مورد نکوهش هیچ دشمن و حسودی قرار نده. تویی یگانه یکتای بی نیاز، سرور و تکیه گاه. خدایا در روزی که رازها آشکار گردد عیوبم را بپوشان و از آن چه پرهیز می کنم محفوظم دار و نسبت به من عیب پوش و مهرورز باش. خدایا مرا از شایستگان و برگزیدگان و پرهیزکاران و نیکان گردان و به همراه برگزیدگان در بهشت هایت در خانه آرامش ساکنم کن و به ضعف و ناتوانیم رحم کن و جسمم را بر آتش دوزخ حرام کن، ای شکست ناپذیر، ای جبار، ای بردبار، ای آمرزنده! خدایا مرا بیامرز و به من رحم کن و هدایتم فرما و به من روزی ده و به سلامتم دار و [گرفتاریم را] جبران نما.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و این روز، آفرینشی جدید است، پس آن را با طاعتت خویش بر من بگشا و به آمرزش و خشنودی خویش ختم فرما و در این روز کاری نیک روزیم گردان که آن را از من بپذیری و آن را پاک گردان و دوچندانش کن و هر کار زشتی را که در این روز مرتکب شده ام ببخش، به راستی که تویی آمرزنده مهربان، بخشنده بزرگوار و مهرورز.

خدایا من توان آن را ندارم که آنچه را ناپسند می شمارم از خود دور کنم و به سود آنچه بدان امیدوارم تسلطی ندارم و کار به دست دیگری افتاده و من در گرو خویشم و هیچ کسی نیازمندتر از من نیست. خدایا مرا دشمن شاد نکن و مرا نزد دوستم روسیاه نگردان و مصیبتم را در دینم و دنیا را بزرگترین نگرانیم قرار مده و کسی را که نسبت به من رحم ندارد بر من مسلط نکن.

خدای تبارک و تعالی برای من بس است و از خدای عزوجلّ طلب آمرزش دارم. خدای تبارک و تعالی برای دنیایم بس است و خدای توانمند پرقدرت برای من کافی است، در برابر کسی که با من بدی میکند. خداوند بزرگوار مرا به وقت مرگ کافی است. خدای مهربان به وقت سؤال و جواب در قبر برایم کافی است. خداوند بزرگوار مرا به وقت حساب بس است. خدای دقیق مرا به هنگام سنجش اعمال کافی است. خداوند شکست ناپذیر توانای پاک مرا در صراط بس است. مرا بس

است{خداوندی که هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. }.(1)

خدایا، ای دانای به اسرار نهان، ای ارتقا دهنده درجات، [ای] صاحب عرش، روح [فرشته] را به هر کدام از بندگانت که بخواهی می فرستی، ای آمرزنده گناه، ای توبه پذیر، ای سخت کیفر، ای صاحب بخشش و لطف. معبودی جز تو نیست، فرمانروای بینای بخشنده، ای هدایتگر گمراهان و مهرورز نسبت به گنهکاران و درگذرنده از لغزش های خطاکاران، بر بنده ات رحم کن ای صاحب مقام عظیم و صاحب تمام مسلمانان! مرا از آن زندگان روزی داده شده ای قرار ده که آنان را نعمت دادی، [یعنی] از پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگان. آمین ای پروردگار جهانیان!

ای خداوندی که شنیدن دعایی تو را از شنیدن دیگر دعاها به خود مشغول نمی کند، ای کسی که صداها او را به خطا نیندازد، ای کسی که درخواست کنندگان او را به اشتباه وانمی دارند و زبان ها برایش ناهمگون نباشند، ای کسی که پافشاری اصرارکنندگان او را به ستوه نمی آورد، خنکی عفو و گذشتت و شیرینی آمرزشت و راه یابی به بهشت و رهایی از آتش دوزخ را به ما بچشان. به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان و ای بهترین آمرزندگان!

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

خدایا مرا از کسانی قرار دادی که به غیب ایمان می آورند، و نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند. پس مرا در مسیر هدایت خویش و از هدایت یافتگان قرار ده و کلماتی را به من بیاموز که به حضرت آدم آموختی و توبه اش را پذیرفتی؛ به راستی که تویی توبه پذیر مهربان. خدایا مرا در زمره کسانی آفریدی که نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند. پس خدایا مرا از کسانی قرار ده که نماز به پا می دارند و زکات می دهند و مرا از خاشعین



---

-1 . توبه / 129

در نماز قرار ده که از روزه و نماز یاری می جویند و مرا از کسانی گردان که {نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهناک خواهند شد.}.(1)

خدایا مرا از {شکیبایانی قرار ده که چون مصیبتی به آنان برسد، می گویند: ما از آنِ خدا هستیم، و به سوی او باز می گردیم.}(2) و از جانب خویش درود و رحمتی برای من قرار ده و مرا از هدایت یافتگان گردان. خدایا {در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار}(3) مرا ثابت گردان و مرا از ستمکاران قرار نده. خدایا مرا از کسانی قرار ده که {صبر نمودند و بر پروردگارشان توکّل می کنند.}(4) خدایا {در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.}(5) و مرا از کسانی قرار ده که {پروا داشته اند و کسانی که آن ها نیکوکارند.}، (6) {منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم.}(7) پس دعایم را مستجاب گردان و مرا از عذاب آتش رهایی بخش، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا مرا از نیکوکارانی قرار ده که {چون [نام] خدا یاد شود، دل هایشان خشیت یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید صبر پیشه گانند و برپا دارندگان نمازند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند.}(8)

خدایا مرا از کسانی قرار ده که {در نماز خویش فروتن هستند و و آنان که از بیهوده رویگردانند و آنان که زکات می پردازند و کسانی که پاکدامنند مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست.}(9) خدایا مرا از کسانی قرار ده که {امانت ها و پیمان خود را مراعات می کنند. و آنان که بر شهادت های خود



---

1- . بقره / 62
2- . بقره / 155-156
3- . ابراهیم / 27
4- . نحل / 42
5- . بقره / 201
6- . نحل / 128
7- . انبیا / 87
8- . حج / 35

9- . مؤمنون / 6-2

ایستاده اند.}،(1) { و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند}(2) خدایا مرا از وارثانی قرار ده که { بهشت را به ارث می برند و در آنجا جاودان می مانند.}(3) و کسانی که از بیم تو در هراسند.

خدایا تو مرا از کسانی قرار داده ای که به آیاتت ایمان دارند { و آنان که به پروردگارشان شرک نمی آورند.}(4) خدایا مرا از کسانی قرار ده {که آنچه را دارند [در راه خدا] می دهند، در حالی که دل هایشان ترسان است [و می دانند] که به سوی پروردگارشان بازخواهند گشت.}(5) خدایا مرا از کسانی قرار ده { که در کارهای نیک شتاب می ورزند و در انجام آن ها سبقت می جویند.}(6) خدایا مرا از حزب خویش قرار ده؛ چرا که حزب تو همان پیروزمندان رستگارانند. خدایا مرا از لشکرخویش قرار ده؛ چرا که لشکریان تو حقیقتاً پیروزند. خدایا از شراب سر به مهر خویش به من بنوشان که {مُهر آن، مُشک است و در این [نعمت ها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند.}(7) خدایا از {چشمه تسنیم} به من بنوشان، {چشمه ای که مقربان از آن نوشند.}(8) خدایا من به خویش ستم کردم و اگر تو مرا مورد مهر و رحمت و آمرزش خویش قرار ندهی از زیانکاران باشم. خدایا در خواست [از تو] من، آسانی پس از سختی است، خدایا آسانی پس از سختی را برای من آسان کن و پاداشی بی پایان برای من قرار ده.

{پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که: به پروردگار خود ایمان آورید، پس ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهان ما را بیامرز، و بدیهای ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران. پروردگارا، و آنچه را که به وسیله



---

1- . معارج / 32-33
2- . مؤمنون / 9
3- . مؤمنون / 11
4- . مؤمنون / 59
5- . مؤمنون / 60
6- . مؤمنون / 61
7- . مطففین / 26
8- . مطففین / 27-28

فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن، و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان، زیرا تو وعده ات را خلاف نمی کنی. }(1) خدایا مرتبه و آمرزش و رحمت و روزی نیکویی را برای من قرار ده و آن را بالا ببر. خدایا مرا از کسانی قرار ده که به عهدت وفا کنند و پیمانت را نمی شکنند. و از {آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می پیوندند و از پروردگارشان می ترسند و از سختی حساب بیم دارند. }(2) خدایا مرا از کسانی قرار ده {که برای طلب خشنودی [خدا] شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم، نهان و آشکارا انفاق کردند، و بدی را با نیکی می زدایند و [از کسانی که] برای آنان فرجام خوش سرای باقی}(3) را قرار دادی. {پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار. }(4)

دعای پایان این روز

خدایا، ای پروردگار این شب جدید و هر شب و این ماه و هر ماه! برمحمد و خاندان او درود و رحمت فرست و در شب و روزم و صبح و شامم و در مهاجرت و سکونت مراقبم باش و در این شب مرا با غرق شدن و سوختن و خفگی امتحانم نکن و مرا از پیشامدهای غیر منتظره شب و روز رهایی بخش، به غیر از وارد شوندهای که خبر خوشی بیاورد، ای مهربان ترین مهربانان.

خدایا از بردباریت برای نادانیم و از فضل و کرمت برای فقرم و از وسعت آمرزشت برای اشتباهاتم از تو خواهم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با این الطافت بر من منت نه و مرا به خودم وامگذار و مرا به جای نخستم باز مگردان و گامم را ملغزان و دلم را غافل مکن و بر دهانم مهر منه و عملم را باطل مگردان و نعمتت را از من نگیر و دشمن شادم مکن و شیطان را بر من مسلط مکن



---

1- . آل عمران / 193-194
2- . رعد / 21
3- . رعد / 22
4- . بقره / 201

که هلاکم گرداند و با بهشت و رحمت و امنیت و سلامت و خوشبختی در دنیا و آخرت بر من منت نه، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان !

روز بیست و دوم

سرورمان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز، روزی برگزیده و خوب است. مکروه و ناپسندی در این روز نیست و برای هر خواسته ای و برای خرید و فروش و شکار و سفر مناسب است و هر که در این روز به مسافرت رود سود کند و با سلامت به سوی خانواده خویش باز گردد. این روز برای درخواست حاجات و کارهای مهم و سایر امور خوب است و صدقه در این روز پذیرفته است و هر که در این روز بر حاکمی وارد شود، حاجتش برآورده شده و به خواسته هایش دست یابد.

در نسخه دیگری ذکر شده: و هر که به دیدار حاکم رود با هراس روبرو شود.

در روایتی دیگر: روزی سبک است و برای هر کاری که انسان بخواهد مناسب است و خواب این روز ویژه است و تجارت در این روز پر برکت است و گریخته در این روز پیدا می شود و اگر با کسی در این روز نزاع کنی، پیروزی از آن توست و ازدواج در این روز خوب است و هر که در این روز زاده شود زندگی خوبی خواهد داشت و پر برکت خواهد بود و هر که در این روز بیمار شود به زودی بهبود می یابد.

ایرانیان گفته اند که این روز، روزی سنگین است و در روایتی دیگر نقل شده که در این روز هر خواسته ای و کارهای مورد خشنودی نیکوست و روزی سبک و مناسب است برای هر خواسته ای که قصد برآورده شدن آن را دارند.

سلمان فارسی - رحمه الله علیه - گفته است: باد روز.

دعای این روز

خدایا ! ای پروردگار این روز جدید و هر روز و هر چه در این روز آفریده ای، بر محمد و خاندان او درود فرست و آغاز این روز مرا درستی و میان آن را رستگاری و پایان آن را موفقیت قرار ده و در این روز نیکی را به من الهام کن، به

رحمتت ای مهربان ترین مهربانان! خدایا از تو خواهم گفتار و کردار توبه کنندگان و توبه و راستی پیامبران و سخاوت و پاداش مجاهدان و سپاس و خیرخواهی برگزیدگان و عمل و یقین ذاکران و ایمان و دانش دانشمندان و عبادت و فروتنی فروتنان و بردباری و شکیبایی دانایان و بیم و شوق پرهیزکاران و باور و توکل مؤمنان و امید و نیکی بیمناکان نیکوکار و سلامت همراه با آمرزش و دفع تمام زیان ها از من، ای مهربان ترین مهربانان، به راستی که تویی سزاوار ترس و سزاوار آمرزش.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان. معبودی جز خدای یگانه نیست و شریکی ندارد. او راست فرمانروایی و او راست سپاس، زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می کند و او زنده ای است نامیرا و خیر و نیکی در دست اوست و او بر همه چیز تواناست. منزه است پروردگار بلندمرتبه و والا و بخشنده من. معبودی جز خدا نیست که سزاوار نعمت ها و بخشش و لطف و پرهیزکاری است و باقی زنده است. معبودی جز او نیست که یگانه یکتاست. کسی را جز او نپرستیم، در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده ایم، هر چند کافران را خوش نیاید.

به نام خدا، به نام کسی که نامش آغازگر است، پروردگار آخرت و دنیاست، نه پایانی دارد و نه نهایتی. آنچه در آسمان های بلند است، از آن اوست. خدای رحمان که بر عرش استیلا یافته است. بزرگ بخشش است و نعماتش کریمانه، بر دشمنان پیروز است و با روزی خویش مهر ورزد و به لطف خویش معروف است. در حکم خویش دادگر است و در فرمانروایی خویش دانا. مهربان ترین مهرورزان است و آگاه ترین آگاهان، داناترین دانایان، آمرزنده ترین آمرزندگان، صاحب اختیار پیامبران، بر هر چه خواهد تواناست. منزه است خدای فرمانروای بزرگ [صاحب عرش بزرگ] که هر چه بخواهد می کند، پروردگار پروردگاران و سرپرست صاحبان و مسبب الاسباب و روزی دهنده روزی ها و آفریدگار سرشت ها و قادر بر سرنوشت و چیره بر شکست خورده و دادگر روز رستاخیز، معبود معبودان و آمرزنده بردبار سپاس پذیر در روز قیامت. اوست اوّل و آخر و ظاهر و باطن و جاوید و روزی

دهنده به چهارپایان و صاحب بخشش ها و جلوگیر بلاها و مصیبت ها. بیمار را شفا دهد و خطاکاران را بیامرزد. از گریزندگان درگذرد و شایستگان را دوست دارد و به پشیمانان نیکی کند و خطای گنهکاران را بپوشد و به بیمناکان امان دهد.

منزهی تو، معبودی جز تو نیست و بزرگوار و آمرزنده ای. از اشتباهات درگذری و نقص ها را بپوشی. سپاس پذیر و بردباری و در احکام خویش دانا، و رویاننده کشتها و درختان، و دارای جبروت و بی نیاز از خلق هستی و تقسیم کننده روزی ها و دانای به اسرار نهان. تویی که هیچ کس مانند او نیست و تو بر همه چیز توانایی. تویی بزرگ و به آشکار و نهان آگاهی و راز دل ها را می دانی. تویی که از خطاکار و گنهکار می گذری، آن هنگام که در گناهان غرقه گشته است. تویی که هر چه آفریده ای، با رستاخیز به سوی تو باز می گردد، از خطای من بگذر چنانچه فرموده ای: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» و وعده تو راستین است. مرا از گرفتاری ها نجات بخش، خدایا ای فریادرس در هر گرفتاری. تویی که فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» و تو در وعده خویش صادق هستی. مرا از تمام آفات و زیان های دنیا و هراس قبر محافظت فرما و در روز موعود که [قطعاً] مشاهده خواهد شد، مرا در ملأ عام رسوا نکن.

ای آقای من، ای آقای من، خدا بزرگ تر است، خدا بزرگ تر است، خدا بزرگ تر است، بزرگی که نه حد و نهایتی دارد و نه نظیری و نه شبیهی و نه ضدی و نه محدوده ای و نه همتایی و نه اصل و فرعی و نه نهایتی و نه مانندی و نه شریکی در فرمانروایی خویش دارد و نه وزیری. از تو خواهم ای عزیز، ای عزیز، ای عزیز، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، آنچه را که به تو امید بسته ام در زندگی روزیم گردان و با آمرزش خویش به من لطف فرما و گناهم را ببخش؛ به راستی که تو بر هر چه بخواهی توانایی و هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ.

ای پاداش دهنده، ای مهرورز، ای عطابخش، ای باشکوه ارجمند، ای معبود ما و معبود تمام آفریدگان، گواهی می دهم که هر معبودی که در پایین تر از عرش تو تا زمین ها قرار دارد باطل است، غیر از ذات بزرگوار تو. گواهی می دهم که معبودی جز

تو نیست، به فریادم برس ای فریادرس فریادخواهان، به مهر و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و این روز ما را روز شادی و نعمت قرار ده که در آن به فضل و نیکی تو امیدوار گشته ام و به انتظار احسان و لطف تو نشسته ام و خیر ذخیره شده ای را که در نزد توست درخواست کرده ام و از شر آنچه می ترسم و از آن برحذر هستم و از شر هر کسی که به من نگاه سویی داشته است به تو متوسل شده ام.

خداوندا! من به تو شاد می شوم و از تو یاری می جویم و به اذن تو سفر آغاز می کنم و به فرمانبرداری رسولت محمد صلی الله علیه و آله افتخار می کنم. خدایا حفظ آیین و اسرار را روزیم کن و مرا به رحمت خویش عزت نفس بخش که تنگدست و فقیر است. ای کسی که از نهان و آشکارم و قلبم آگاه است و چیزهایی از من می داند که من نمی دانم و زشتی های کردارم را می پوشاند و مرا حفظ میکند و گناهانم را می پوشانی و سرنوشتم را حفظ می کنی و حال آنکه من نه آن ها را شمارش توانم کرد و نه درک، و من بنده و در دست توام و اختیارم در کف توست، بر نعمتت سپاسگزارم و لطف و کرامتت را یاد می کنم. خدایا از تو خواهم به حق نام های پنهانت، که بر محمد و خاندان او درود فرستی و مرا در این روز از سپاسگزاران بر آنچه مرا عهده دار آن کردی و از شکیبایان بر امتحانت و ستایشگران بر عطایت قرار دهی و در صبح و شام این روز مرا در پوشش [رحمت] خویش قرار ده و به خاطر گناهانم رسوایم نکن. منزهی تو، چه بسیار نعمت ها که ارزانی داشتی و نیکی کردی. منزهی تو، چه بسیار بخشش ها و خوبی هایی که روا داشتی؛ پس تو را ستایش تا جایی که از من خوشند گردی و پس از خشنودیت نیز تو را ستایش.

خدایا از بدی و از شیطان رانده شده به تو پناه می برم و از فضل و بخششت آگاهم و به تو توسل می جویم و به سخاوت و احسان تو اطمینان دارم و خود را از گناهان به درگاه تو تبرئه می کنم و روبروی تو ایستاده ام و با دلی ترسان و بیمناک به تو التماس می کنم و با چشمی اشک ریز به تو می نگرم، پس ستایش تو راست بر موهبت های والایت و تو را ستایش بر بخشش های گوارایت و تو را ستایش بر

جلوگیریات از هر سختی و مصیبت و تو را ستایش بر آنچه از پیشگاه متعالیت که بر من ارزانی داشتی. خدایا از تو خواهم ای بهترین مرجع درخواست و امید! از تو خواهم که به روزی ای که به من دادی برکت دهی و بهترین ها را در آنچه برای من باقی گذاشته ای برگزینی و آنچه را بر من ارزانی داشتهای بر من گوارا کنی و به هنگام ستاندن جان به من رحم کنی و آنچه را به من بخشیدی از من نگیری و مرا از کسانی قرار دهی که عملش را پذیرفته ای و از لغزشش گذشته ای و در هر دو سرا او را به آرزویش رسانده ای.

خدایا اندیشه ام را با ذکرت همراه گردان و ذکر و منزلتم را با انجام کارهای شایسته بالا بر و پنهان و آشکارم را در زمره کارهایی قرار ده که تو را خشنود می گرداند. تویی امید و ذخیره ام؛ پس چون گورها بیرون ریخته شد و پرده ها دریده شد و هر جن رانده ای آشکار شد، اعمال زشتم را بپوشان. سرورم، اینک این منم بنده تو که در برابرت افتاده ام و از گناهانی که مرتکب شده ام پوزش می خواهم و بر نعماتی که ارزانی داشته و به من واگذار کرده ای سپاسگزارم و منتی را که بر من نهاده ای و سلامتی که بخشیده ای می ستایم و بر تقدیر و بلایت شکیبا هستم. ای کسی که دعای فرد دعاگو را چون بخواندت اجابت کند و نعمت های فراوان بر او بخشد. خدایا مرا از کسانی قرار ده که با آمرزش خویش بر آنان منت نهادی و آنان را به موهبت های خویش مخصوص گرداندی و مرا در فرمانبرداری خویش یاری کن و بر آنچه اراده می کنی ثابت قدم گردان و به بخشش و یاری خویش مرا به سخن استوار ثابت گردان.

خدایا وقتی در کفن پیچیده شدم یاور و کمککار من باش و وقتی دو فرشته [نکیر و منکر] از من سؤال کردند حجتم را به من تلقین فرما و وقتی در آنجا تنها شدم و من ماندم و عملم و همراهی و همسایگی با کرم ها، در آنجا مونس من باش. خدایا قبرم را خنک گردان و هراسم را ایمنی بخش و نیکی هایم را دو چندان کن و در طول عمرم به من رحم کن و تلخی فقر را به من نچشان و ستایش و سپاست را به من الهام کن و تویی کفایت کننده و ذخیره من، پس ستایش و سپاس تو راست. خدایا توفیق عمل نیکان را به من ده و مرا از دست اشرار نجات ده و رهایی از آتش

را برای من بنویس، ای گرانقدر، ای آمرزنده، ای پروردگار جهانیان، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان!

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

خداوندا مرا از کسانی قرار ده که آن ها را دیده ای که کارهای شایسته انجام داده اند و از کسانی که در درجات والای بهشت عدن ساکن می گردانی که در زیر درختان آن رودها جاری است. خدایا مرا از کسانی قرار ده که به پاکی می گرایند و می گویند: { پروردگارا، ایمان آوردیم. بر ما ببخشای و به ما رحم کن [که] تو بهترین مهربانان}(1) و آمرزندگان و مهربان ترین مهربانانی. خدایا ما را از آن بندگانت قرار ده {که روی زمین به نرمی گام برمی دارند؛ و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند. و آنان که در حال سجده یا ایستاده، شب را به روز می آورند.}(2) و از { کسانی که می گویند: «پروردگارا، عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است. و در حقیقت، آن بد قرارگاه و جایگاهی است.}(3)، {و کسانی که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی کُشند و زنا نمی کنند و هر کس این ها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد. برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می شود و پیوسته در آن خوار می ماند.}(4) و از { کسانی که گواهی دروغ نمی دهند؛ و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می گذرند.}(5) و از { کسانی که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی افتند.}(6)

خدایا مرا از کسانی قرار ده که {می گویند: «پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنیِ چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران

ص: 345

---

1- . مؤمنون / 109
2- . فرقان / 63-64
3- . فرقان / 65-66
4- . فرقان / 68-69
5- . فرقان / 72
6- . فرقان / 73

گردان. }(1) خدایا مرا از کسانی گردان که {به [پاس] آنکه صبر کردند، غرفه[های بهشت را] پاداش خواهند یافت و در آنجا با سلام و درود مواجه خواهند شد. در آنجا، جاودانه خواهند ماند. چه خوش قرارگاه و مقامی!} (2) خدایا مرا از کسانی قرار ده که به لطف خویش آنان را در سرای کرامت ساکن می گردانی و در آنجا نه رنجی بدان ها رسد و نه درماندگی به آن ها دست دهد. خدایا مرا {در باغستان های پر نعمت}،(3) {در میان باغ ها و نهرها، در قرارگاه صدق، نزد پادشاهی توانا}(4) قرار ده. خدایا مرا از خست نفس خود مصون دار و روزی که حساب برپا می شود {بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید و بر مردان و زنان باایمان ببخشای. }(5)

خدایا، {بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند [هیچ گونه] کینه ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رئوف و مهربانی. }(6)

خدایا مرا از کسانی قرار ده که {از روزی که گزندِ آن فراگیرنده است می ترسند. }(7)

و از کسانی که {به [پاس] دوستیِ [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دهند. ما برای خشنودی خداست که به شما می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم. ما از پروردگارمان از روز عبوسی سخت، هراسناکیم. }(8) خدایا چنانچه ما را از آسیب آن روز نگاه داشتی ما را نیز نگاه دار و چنانچه شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشتی به من نیز ارزانی دار و {همان طور که به [پاس] آنکه صبر کردند، بهشت و پرنیان پاداششان دادی. در آن [بهشت] بر تخت ها[ی خویش] تکیه زنند. در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی، }(9)

به



---

1- . فرقان / 74
2- . فرقان / 75-76
3- . واقعه / 12
4- . قمر / 54-55

5- . نوح / 28
6- . حشر / 10
7- . انسان / 7
8- . انسان / 8-10
9- . انسان / 12-13

ما نیز پاداش ده. خدایا مرا از شر روزی حفظ گردان که گزندِ آن فراگیرنده است و شادابی و شادمانی به من ارزانی دار. خدایا از جامی به من بنوشان که آمیزه زنجبیل دارد و به آنان نوشاندی، از چشمه ای که سلسبیل نامیده می شود. خدایا چنانچه به آنان باده ای پاک نوشاندی، به من نیز از آن بنوشان و دستبندهای سیمین، پیرایه من کن چنانچه پیرایه آنان کردی و تلاشی حق شناسانه روزیم کن چنانچه روزی آنان کردی. {پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل هایمان را دستخوش انحراف مگردان و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری. }(1)

خدایا {مرا از شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و آمرزش خواهان در سحرگاهان}(2) قرار ده. {پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار؛ همچنان که بر [دوشِ] کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. }(3)

خدایا از تو می خواهم که عمرم را به کارهای شایسته ختم کنی و آنچه را که در دعایم از تو خواستم به من عطا کنی، ای بزرگ کردار. {اوست کسی که برق را برای بیم و امید به شما می نمایاند و ابرهای گرانبار را پدیدار می کند. رعد، به حمد او، و فرشتگان [جملگی] از بیمش تسبیح می گویند و صاعقه ها را فرو می فرستند و با آنها هر که را بخواهد، مورد اصابت قرار می دهد، در حالی که آنان در باره خدا مجادله می کنند و او سخت کیفر است. دعوت حق برای اوست. و کسانی که [مشرکان] جز او می خوانند، هیچ جوابی به آنان نمی دهند، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا [آب] به دهانش برسد، در حالی که [آب] به [دهان] او نخواهد



---

1- . آل عمران / 8
2- . آل عمران / 17
3- . بقره / 286

رسید و دعای کافران جز بر هدر نباشد. و هر که در آسمانها و زمین است - خواه و ناخواه - با سایه هایشان، بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می کنند. }(1)

خدایا از تو می خواهم به حق این که تو رئوف و مهربان هستی. {آیا به چیزهایی که خدا آفریده است، ننگریسته اند که [چگونه] سایه هایشان از راست و [از جوانب] چپ برمی گردد و برای خدا در حال فروتنی سر بر خاک می سایند؟ و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین از جنبندگان و فرشتگان است، برای خدا سجده می کنند و تکبّر نمی ورزند. از پروردگارشان که حاکم بر آن هاست می ترسند و آنچه را مأمورند انجام می دهند. }(2) خدایا مرا از کسانی قرار ده که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و به آنچه نازل کرده ای ایمان دارند؛ به راستی که تو آن را قرآنی بر حق نازل فرمودی. {بگو: «[چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده کنان به روی درمی افتند.» و می گویند: «منزّه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است.» و بر روی زمین می افتند و می گریند و بر فروتنی آن ها می افزاید. }(3)

خدایا مرا از کسانی قرار ده که بر آنان منت نهادی، از پیامبران از نسل حضرت آدم و از کسانی که با نوح برداشتی و از فرزندان ابراهیم و اسراییل (یعقوب). خدایا مرا از کسانی قرار ده که بر آنان منت نهادی از{پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند. } (4)

خدایا مرا از کسانی قرار ده که هدایت فرمودی و برگزیدی و از کسانی که {هرگاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می شود، سجده کنان و گریان به خاک می افتادند. }(5)

خدایا مرا در زمره کسانی قرار ده که صبح و شام و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پردازند، بی آنکه



---

1- . رعد / 15-12

2- . نحل / 48-50
3- . اسرا / 107-109
4- . نساء / 69
5- . مريم / 58

از یاد تو سستی ورزند. خدایا مرا از کسانی قرار ده که از یاد تو ملول و از عبادت تو دلتنگ نگردند، تو را تسبیح گویند و بر تو سجده کنند.

خدایا مرا از کسانی قرار ده که {خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند [که:] پروردگارا، این ها را بیهوده نیافریده ای؛ منزهی تو! پس ما را از عذابِ آتش دوزخ در امان بدار. پروردگارا، هر که را تو در آتش درآوری، یقیناً رسوایش کرده ای و برای ستمکاران یاورانی نیست. پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که: {«به پروردگار خود ایمان آورید»، پس ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهان ما را بیامرز، و بدی های ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران. پروردگارا و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان؛ زیرا تو وعده ات را خلاف نمی کنی. }(1)

خدایا مرا سپاسگزار خویش قرار ده که تو هر چه بخواهی کنی. {آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمان ها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می کنند؟ و بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است. و هر که را خدا خوار کند او را گرامی دارنده ای نیست؛ چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد. }،(2) {و چون به آنان گفته شود: «[خدای] رحمان را سجده کنید»، می گویند: «رحمان چیست؟ آیا برای چیزی که ما را [بدان] فرمان می دهی سجده کنیم؟» و بر رمیدنشان می افزاید. }(3)

خدایا ای صاحب اختیار شایستگان، از تو خواهم که کارم را به امور شایسته ختم کنی و دعایم را مستجاب گردانی، ای پروردگار عزت! { که آسمان ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، در شش روز آفرید. آنگاه بر عرش استیلا یافت. رحمتگر عام [اوست]. در باره وی از خبره ای بپرس [که می داند]. }(4) خدایا ای



---

1- . آل عمران / 191-194
2- . حج / 18
3- . فرقان / 60

4- . فرقان / 59

صاحب اختیار شایستگان، از تو خواهم که کارم را به اعمال شایسته ختم کنی و دعایم را مستجاب گردانی و درخواستم را در مورد خودم و هر که برایم اهمیت دارد به من بدهی، ای مهربان ترین مهربانان!

دعای پایان این روز

خدایا، ای پروردگار این شب و هر شب و این روز و هر روز، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از نکوهش دشمنان و گرفتار شدن به بدبختی و خواری در دنیا و از بازگشت بد برای خودم و خانواده و مال و فرزندانم پناه ده، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا به خاطر ستمم مؤاخذه نفرما و به خاطر نادانیم مجازاتم نکن و به خاطر اشتباهم سنت استدراجت را بر من جاری نفرما و مرا به رو بر زمین نینداز و بر قلبم مهر نزن و به عقب باز نگردان، ای مهربان ترین مهربانان!

روز بیست و سوم

سرورمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز، روزی خوش و پسندیده است و یوسف پیامبر راستگو در این روز به دنیا آمده است. این روز برای هر خواسته ای و هر کاری که بخواهند مناسب است، به ویژه برای ازدواج و تمام انواع تجارت و برای رفتن به دربار حاکم و مسافرت. هر که در این روز به مسافرت رود سود کند و به خیر و نیکی رسد. برای دیدار با پادشاهان و بزرگان و امور مهم و سایر کارها خوب است. این روز نیز مانند روز پیش، روزی سبک است و مناسب برای خرید و فروش. خواب در این روز دروغ است و هر که در این روز بگریزد پیدا می شود و گم شدگان بازمی گردند و بیمار بهبود می یابد. نوزاد این روز خوب و خوش نفس و زیبا و دوست داشتنی و در هر حال با تربیت و آسوده خاطر است.

در نسخه دیگری آمده است: که این روز، روزی بدیمن است [نوزاد این روز با کشته شدن از دنیا رود] فرعون در این روز زاده شده است.

مولایمان امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند: بنیامین برادر یوسف علیه السلام در این روز زاده شده و هر که در این روز متولد شود روزیمند و پربرکت خواهد بود.

ایرانیان گفته اند: این روز، روزی سبک است و ازدواج و نقل مکان و سفر و داد و ستد و دیدار با پادشاهان در این روز خوب است. برای سایر کارها و برآوردن خواسته ها نیز مناسب است.

سلمان فارسی - رحمه الله علیه - گفته است: دیبدین روز، نام فرشته گماشته بر خواب و بیداری و نگهبانی از جان هاست تا زمانی که به تن باز گردند و در روایتی، از نام های خداوند متعال است.

دعای اول این روز

بار خدایا! ای پروردگار این روز جدید و هر روز و این ماه و هر ماه، درخواست خیر و دعای خیر و خیر آخرت و خیر قبر و برترین سرنوشت و بهترین پاداش و بهترین عمل و بهترین زندگی و بهترین مرگ و بهترین ورود و بهترین مسکن و بهترین جایگاه و بهترین شکیبایی را از تو خواهم و درجات والا را از تو درخواست می کنم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و بدین لطف بر من منت نه، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا بهترین چیزی را که گفته شده و بهترین کاری را که انجام گرفته و بهترین چیزی را که دور مانده و بهترین چیزی را که حضور دارد و بهترین چیزی را که آشکار شده و بهترین آنچه که پنهان شده را از تو خواهم. والاترین درجات بهشت را از تو خواهم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و بدان بر من منت نه. خدایا کلیدهای نیکی و پایان و گردآورنده های آن و آغاز و پایان آن را از تو خواهم و به راستی که تو بر همه چیز توانایی، ای مهربان ترین مهربانان!

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان. ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر سرورمان محمد پیامبر و خاندان پاک او باد و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است. خدایا از تو خواهم همچون خواستن کسی که از انتقام تو بیمناک

است و از عقوبت و عذابت هراسان گشته و برای فقر خویش رهابخشی جز تو و امنیتی جز در درگاه تو نیافته است و نافرمانی بسیار من مرا به سوی تو کشانده است، هر چند که گناهان مرا سست گرداند و میان من و تو حائل شده؛ چرا که تویی تکیه گاه اعتماد کنندگان و مقصود جویندگان. بخشش ها چیزی از تو نکاهد و درخواست کننده ای از یاد تو نرود. بزرگترین دهش ها و عظیم ترین نعمات از آن توست.

ای کسی که گنجینه هایش کم نگردد و فرمانروایییش نابود نشود و دیدگان او را نبینند و هیچ حرکت و سکونی از چشم او پنهان نیست و همیشه بوده و خواهد بود. هیچ اندازه ای در زمین و آسمان و دریا و هوا از دست تو خارج نیست. مسئولیت روزی ها را بر عهده گرفته ای ای سخاوتمندترین سخاوتمندان و از احاطه شدن با صفات منزهی و از محدود شدن با زبان های گوناگون بزرگتری. حادث نبوده ای تا با دگرگونی از حالتی به حالتی هستی پیدا کنی، بلکه تو آغازی و پایان، قدرتمند چیره، بزرگ دهش، بزرگ ثنا، نعماتت فراوان و عطاهایت عظیم، آفریننده آسمان و زمینی، صاحب فخر و کبریا هستی.

تویی سزاوارترین کسی که گذشته و بخشیده و با آمرزش به ستمکاران و گنهکاران بخشید و هر زبانی بزرگی و ستایش او را گوید. تویی صاحب سختی ها و بازگرداننده آن. بر تو اعتماد می کنند، پس ستایش و بزرگی تو راست؛ زیرا تویی فرمانروای یکتا و پروردگار جاویدی که نه دگرگون شود و نه زوال یابد و گذشت زمان در او تغییری ایجاد نمی کند. آفریدگان را به بهترین صورت پدید آورده و با واژه سرنوشت و فرمان تغییر آنها را محکم کرد و هیچ حیله گری تو را نفریفته که کافری تو را به وسیله آن به تغییر توصیف کند یا کسی که به تغییر دچار گشته و بدان سرگرم شده تو را به فزونی یا کمی محدود کند و آنچه ابرهای سلطه یافته در دریاهای آنان شکافته رویاهایی است که مشیت تو در آن هاست، همچون زنی که تمام روزش را به اندیشیدن در نشانه های خیالی می گذراند. بود و نبود خلق از آن توست که به نورهای پروردگار نیازمندند و با فروتنی به بندگی اعتراف می کنند.

منزهی تو پروردگارا، چه عظیم است شأن تو و چه والاست جایگاهت و چه عزتمند است سلطه ات، و برهانت برای تأیید چه گویا است و دستورت نافذ و تقدیرت نیکوست. آسمان را بالا بردی و رفعت بخشیدی، قدرت پیروزت باشکوه است و زمین را آماده کردی و بسترش ساختی و آبی ریزان و گیاهی انبوه از آن بیرون آوردی. منزهی تو ای سرورم، گیاهان و آب های آن تو را ستایش گفتند و آنچنان که امر فرمودی بر قرارگاه مشیت تو استوار گشتند.

ای کسی که با جاودانگی یگانه گشته و با مرگ و نابودی بر بندگانش چیره شده است، بر محمد و خاندان او درود فرست و جایگاهم را نیکو گردان، خدایا! به راستی تویی بهترین کسی که در برطرف ساختن زیان ها، نگاه ها به سوی اوست. ای مرجع امید در هر سختی و محل امیدواری در هر آسانی، خواسته و نیازم را به سوی تو آوردم و به درگاه تو زاری می کنم پس مرا ناامید باز نگردان و چون در دعا را بر من گشودی آن را از من نپوشان که من به تو پناه آورده ام، ای خدای من، بر محمد و خاندان او درود فرست و بهترین روزهایم را روز دیدارت قرار ده و خطاهایم را ببخشای که دلتنگم کرده است و از گناهانم درگذر که مرا خوار و ذلیل کرده است. به راستی تویی نزدیک اجابتگر و این کار بر تو سهل و آسان است ای پروردگار من!

بار خدایا تو حقوقی را بر پدران و مادران واجب کردی و آن را عظیم داشتی و تو سزاوارترین کسی هستی که بار [گناهان] را از دوش من پایین آورد و آن ها را سبک گرداند و حقوق بندگانش را به جای آورد و آن را به دوش کشد، پروردگارا! حقوق آن ها که بر گردن من است را از طرف من ادا کن و مرا و برادران باایمان و شایسته مرا بیامرز که تویی مهربان ترین مهربانان و آمرزنده ترین آمرزندگان و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خداوند بر محمد و خاندان پاک او باد.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

{من [آنجا] زنی را یافتم که بر آن ها سلطنت می کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت. او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه

[راست] بازداشته بود، در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند. [آری، شیطان چنین کرده بود] تا برای خدایی که نهان را در آسمان ها و زمین بیرون می آورد و آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می نمایید می داند، سجده نکنند؛ خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست، پروردگار عرشِ بزرگ است. }(1)، {پس به [سزای] آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید [عذاب را] بچشید؛ ما [نیز] فراموشتان کردیم، و به [سزای] آنچه انجام می دادید، عذاب جاودان را بچشید. تنها کسانی به آیات ما می گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده کنان به روی درمی افتند و به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و آنان بزرگی نمی فروشند. پهلوهایشان از خوابگاه ها جدا می گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می خوانند، و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. }(2)

خدایا مرا از کسانی قرار ده که {هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می دادند برای آنان پنهان شده است. }(3) خدایا مرا از کسانی قرار ده که {به [پاداشِ] آنچه انجام می دادند، در باغ هایی که در آن جایگزین می شوند، پذیرایی می گردند. }(4)، {[داود] گفت: «قطعاً او در مطالبه میش تو [اضافه] بر میش های خودش، بر تو ستم کرده و در حقیقت بسیاری از شریکان به همدیگر ستم روا می دارند، به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، و این ها بس اندکند و داود دانست که ما او را آزمایش کرده ایم. پس، از پروردگارش آمرزش خواست و به رو درافتاد و توبه کرد. }(5)، {و از نشانه های [حضورِ] او شب و روز و خورشید و ماه است؛ نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه و آن خدایی را سجده کنید که آن ها را خلق کرده است، اگر تنها او را می پرستید. }(6)



---

1- . نمل / 23-26
2- . سجده / 14-16
3- . سجده / 17
4- . سجده / 19
5- . ص / 24
6- . فصلت / 37

خداوندا تو آمرزنده مهربانی و من گنهکار خطاپیشه و خوار هستم. خداوندا تو بخشنده ای و من محتاج. خدایا تو باقی هستی و من فناپذیر. خدایا تو بی نیازی و من نیازمند، تو عزتمند هستی و من خوار، تو آفریننده ای و من آفریده، تو روزی رسانی و من روزی داده شده. تویی صاحب اختیار و منم مملوک. خدایا {عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذاب آن سخت و دائمی است و در حقیقت چه بد قرارگاه و جایگاهی است.}،(1) روردگارا {شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است.}،(2) {پروردگارا، بر دانشم بیفزای}،(3) {و روزی که [مردم] برانگیخته می شوند رسوایم مکن.}(4)

{پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست وارد کن و به طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من دلیل و راهنمایی یاری بخش قرار ده.}، (5) {پروردگارا، مرا در جایی پربرکت فرود آور [که] تو نیک ترین مهمان نوازانی.}،(6) {پروردگارا، سینه ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز.}،(7) {پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند [هیچ گونه] کینه ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رئوف و مهربانی.}(8)

بار خدایا توبه ما را بپذیر و به ما رحم کن و هدایتمان فرما و ما را بیامرز و بهترین اعمال ما را آخرین عملمان و برترین کردارمان را پایان آن و بهترین روزهایمان را روز دیدارت قرار ده و فرجاممان را نیک بختی گردان، ای زنده، ای پاینده، به حق مهرورزیت از تو فریاد رسی خواهم.



---

1- . فرقان / 65-66
2- . بقره / 285
3- . طه / 114
4- . شعرا / 87
5- . اسرا / 80
6- . مؤمنون / 29
7- . طه / 25-26
8- . حشر / 10

خدایا ای زداینده غم و ای برطرف گرداننده اندوه و ای اجابت کننده درخواست درماندگان! تو در دنیا و آخرت بخشاینده و مهربانی! در تمام اسباب و کارها و خواسته هایم آنچنان به من مهربانی کن که مرا از رحم و مهربانی دیگری بی نیاز گردانی.

خدایا ای زنده و ای پاینده! به امید رحمت تو فریاد رس می خواهم، پس به فریادم برس که من یارای رسیدن به آرزوها و دفع آنچه از آن بیزارم و هراس دارم را ندارم. اختیار امور در دست توست و من بنده تو و نیازمند آمرزشت هستم. همه مخلوقاتت به تو نیازمند هستند و هیچ کسی نیازمندتر از من نسبت به تو نیست. خدایا من به نور تو هدایت یافتم و به فضل و بخشش تو بی نیازی جستم و در نعمت تو صبح و شبم را گذراندم. گناهانم پیش روی توست، از تو آمرزش می خواهم و به درگاه تو توبه می کنم. خدایا من شر هر که را از او ترسانم، به وسیله تو دفع می کنم و از شر او به تو یاری می جویم و تو را کمک می گیرم و به تو پناه می برم و از تو بر علیه وی یاری می گیرم. معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم.

خدایا من از تو یک زندگی شیرین و جاوید و مرگی درست و بازگشتی عاری از خواری و رسوایی مسئلت دارم، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا به تو پناه می برم از این که کسی را خوار کنم یا این که خوار گردم و از این که کسی را گمراه کنم یا این که خود گمراه شوم و از این که ستم کنم یا این که مورد ستم واقع شوم و از این که نادانی کنم یا دیگری در حقم نادانی کند. ای صاحب عرش عظیم و نعمت دیرین! بزرگی و برتری، ای مهربان ترین مهربانان!

دعای پایان این روز

خداوندا ای پروردگار این شب جدید و هر شب و این ماه و هر ماه و پروردگار تمام خلایق، بر محمد و خاندان او درود فرست و یادم را به واسطه خیر بالا بر و بار گناهم را به واسطه آن بر زمین نه و سینه ام را به وسیله آن فراخ گردان و دلم را بدان پاک گردان و شرمگاهم را بدان از گناه حفظ کن و گناهم را بدان بیامرز. به مهرورزیت درجات والای بهشتت را خواهانم و [از تو خواهم که] در

گوش و چشم و دل و جان و جسم و اخلاق و خاندان و مال و خانواده ام به من برکت دهی و دعایم را مستجاب گردان و بر محمد و خاندان او درود فرست و به برکت آن بر من منت بگذار، ای مهربان ترین مهربانان!

روز بیست و چهارم

سرورمان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند: این روز، روز بدیمن دائمی و مورد نکوهش و شوم و نفرین شده است. فرعون لعنه الله علیه در این روز به دنیا آمده و روزی سخت و مشقت بار است، پس در این روز از هر چه می توانید پرهیز کنید. نباید این روز با حاجتی آغاز شود، در این روز تمام اوضاع و کارها ناپسند است و برای هر کاری که بخواهند بدیمن است. هر که در این روز به مسافرت رود، در سفر می میرد.

در روایت دیگری آمده است: هر که در این روز بیمار شود بیماریش به طول انجامد و هر که در این روز زاده شود بیمار خواهد بود تا بمیرد و زندگی سختی خواهد داشت و خیری به دست نیاورد، هر چند که نهایت تلاش خود را برای آن به کار گیرد. در آخر عمر هم یا کشته یا غرق می شود.

در روایت دیگری آمده: روزی است که برای سفر مناسب است و خواب در این روز دروغ است.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند: هر که در این روز متولد شود شأن و مرتبه اش بلند گردد، منتها محزون و خوار شود و هر که در این روز بیمار شود بیماریش به طول انجامد.

ایرانیان نقل کرده اند: این روز، روزی سبک و خوب است و در روایت دیگری آمده که روزی بد و نکوهیده است و هیچ حاجتی نباید در این روز خواسته شود. فرعون صاحب [عمارت و] خرگاه ها در این روز متولد شده است.

سلمان فارسی - رحمه الله - گفته است: دین روز، نام فرشته موکل بر تلاش و جنبش و حرکت است. در روایتی دیگر آمده است: نام فرشته موکل بر خواب و بیداری و پاسبانی از جان ها است تا وقتی که به جسم ها باز گردند.

دعای این روز:

پناه می برم به خدای شنوای دانا از شر شیطان رانده شده. {به نام خدای بخشاینده مهربان. ستایش خدا را که پروردگار جهانیان، [خداوند] رحمتگر مهربان، مالک [و پادشاه] روز جزا [است]. تو را می پرستیم تنها و بس، به جز تو نجوییم یاری ز کس. به راه راست ما را راهبر باش، راه آن هایی که برخوردارشان کرده ای، همانان که نه در خور خشمند و نه گمگشتگان. } (1)

{به نام خداوند بخشاینده مهربان. بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم، از شرّ آنچه آفریده و از شرّ تاریکی چون فراگیرد و از شرّ دمندگان افسون در گره ها و از شرّ [هر] حسود، آنگاه که حَسَد ورزد. }(2)

{به نام خداوند رحمتگر مهربان. بگو: پناه می برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبودِ مردم، از شرّ وسوسه گر نهانی؛ آن کس که در سینه های مردم وسوسه می کند، چه از جنّ و [چه از] انس. }(3)

{به نام خداوند رحمتگر مهربان. بگو: «او خدایی است یکتا، خدای صمد. نه کس را زاده، نه زاییده از کس، و او را هیچ همتایی نباشد. }(4)

پناه می برم به خدایی که شبیهی ندارد. پروردگاری که پروردگاری جز او نیست و پناه می برم و یاری می جویم از خدایی که آفریدن و دستور از آن او و بازگشت به سوی اوست. به قدرت غالب خداوند و مشیت لازم الاجرای او و به اوامر قاطع و آیات آشکار و کلمات غالب او پناه می برم. آن که زنده می کند و می میراند و به چیزی می گوید باش و باشد، از شر بد یمنی این روز و آنچه بیم از شومی آن می رود. و پناه می برم به خداوند شکست ناپذیر سنجیده کار، پروردگار فرشتگان و پیامبران. پناه می برم به خداوند از شر آن و خیر آن را از خداوند گرانقدر خواهانم و بیم و بلای آن را به قدرت خدا دور می گردانم و از زیان و بدی و پنهان و

ص: 358

---

1- . حمد / 1-7

2- . فلق / 1-5

3- . ناس / 1-6

4- . توحيد / 1-4

آشکار آن، تندرستی و سلامت را از خدای عزوجل می خواهم. شر تنها به اراده خداوند دفع می گردد و خیر نیز تنها از جانب خداوند می آید. بر خدا توکل کردم که پروردگار من و پروردگار شماست. {بر خدا، پروردگار خودم و پروردگار شما توکّل کردم. هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او مهار هستی اش را در دست دارد. به راستی پروردگار من بر راه راست است. } (1)

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان و درود و سلام خدا بر سرورمان محمد پیامبر و خاندان او باد. خدایا این روز، روز جدیدی است. در این روز خیری جاوید و پایدار به من ببخش و در این روز مرا از هر شر عظیم رهایی بخش و ظاهر آن را کرامت و باطنش را سلامت قرار ده. در این روز مرا از آنچه بیم دارم و می هراسم ایمنی ده و شر آن را از من دفع و خیر آن را روزیم گردان و مرا تحت دعا و مراقبت و حمایت خویش قرار ده و با کفایت و حفظ خویش مرا بی نیاز گردان. به راستی که تویی بزرگوار و بخشاینده و مهربان، به هر که بخواهی می بخشی و به هر که بخواهی عطا می کنی. بزرگی تو، ای شکست ناپذیر جبار و بزرگ پیروز و بردبار آمرزنده و مهربان عیب پوش، عیوب نافرمانت را می پوشی و دعای دعاگویت را مستجاب گردانی و به کسی که می بینی مهر می ورزی و همیشه جاویدی. ای کسی که جز به او امید ندارم و تنها از دیدار او بیم دارم و از کسی جز او نمی خواهم که به من رحم کند.

خدایا از تو می خواهم همچون درخواست کسی که به گناه خویش اعتراف می کند و به خاطر فرو رفتن در تبعات گناهش پشیمان است و تو به آمرزش کسی که ستم کرده و اشتباهی مرتکب شده سزاوارتری. گناهان مرا در ورطه های نابودی انداخته و اشتباهات مرا احاطه کرده اند و من نسبت به آنها بی تفاوت ماندهام و تویی مرجع امیدم. تویی تکیه گاه من در سختی و آسانی و تویی پناه هراسان غرق گشته و مهربان تر از هر دلسوزی.

ص: 359

---

1- . هود / 56

خدایا با امید به سوی تو رو کردم و تویی نهایت خواسته روی کنندگان به درگاهت و به کسی که درخواست مهرورزی کرده، مهربان ترین هستی. از گناه گنهکاران درگذر. معبودا! تویی بی نیازی که نه چیزی را از دست دهی و نه کاری بر تو بزرگ است؛ زیرا تویی باقی و بخشاینده و مهربانی که جامه پروردگاری بر تن کرده و به خداوندگاری یگانه گشته ای و منزه از حدوث هستی و هیچ وصف کننده ای با تعاریف کیفیت، تو را تعریف نتواند کرد و خیالات ماهیتی تو را درک نتواند کرد. پس تو را ستایش به تعداد نعماتت بر مردم. بر محمد و خاندان او درود فرست. بار خدایا خیر در دست توست و تو صاحب اختیار آن و بخشنده آرزوها و نهایت خواسته ها هستی. به محمد و خاندان او - که درودت بر او و آنان باد - به تو تقرب می جویم و به لطف رحمت واسعه ات که همه چیز را فرا گرفته است و من نیز یک چیز هستم، پس رحمتت باید شامل حال من نیز گردد. نجات جان و وجودم را از آتش از تو خواستارم که تو ای پروردگارم، جایگاهم را می بینی و به درونم آگاهی و رازم را می دانی و هیچ چیز از امر من بر تو پنهان نیست و تو از رگ گردن به من نزدیک تری، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و توبه راستین مرا بپذیر، توبه ای که دیگر بعد از آن به آنچه خشم تو را در پی دارد بازنگردم و به من رحم کن و مرا بیامرز، آمرزشی که پس از آن به نافرمانیت بازنگردم، ای بخشنده، ای بلندمرتبه، ای بزرگ.

خدایا تویی که دل های تبهکاران را اصلاح گرداندی و با اصلاح تو نیکو گردیدند. پس صبح و شام بر محمد و خاندان او درود فرست و در آغاز و پایان بر محمد و خاندان او درود فرست. خدایا تو بر شایستگان منت نهادی و با هدایت خویش آنان را از گمراهی هدایت کردی و آنان را اصلاح کردی و از لغزش دور کردی و نعمتت را بدان ها بخشیدی و آنان را از نافرمانی خویش حفظ کردی و آنان را در رده آمرزیدگان جای دادی و در جایگاه رستگاران ارجمند بااطمینان و آرامش قرار دادی و ای مولای من، از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و با من چنان کنی که با آنان کردی و از تو عملی شایسته خواهم که مرا به تو نزدیک گرداند، ای بهترین مرجع خواهش. به درگاهت زاری می کنم همچون زاری کسی که

ص: 360

به لغزش های خود اعتراف می کند و درهای ملحق شوندگان به سوی توست ای توبه پذیر، پس مرا از عطای بی حد و حصر خویش ناامید باز نگردان، ای بخشنده، بخششی که با آمرزش بر گنهکاران داشته ای و اعمال زشت بندگانت را پوشیده ای دیرینه است. ای باشکوه ای والا، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا و مؤمنان و پدران و مادران و برادران و خواهران و همسایگان نزدیکم را بیامرز و برکات سلامت بخش و شایسته را بر ما تکرار فرما، به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان! و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

خداوندا جسم و تنم را سلامت دار و به گوش و چشمم تندرستی ده و آن دو را وارثان من قرار بده، ای آغازگری که آغازی نداری، ای جاویدی که پایانی نداری، ای زنده ای که نمیرد، ای زندگی بخش مردگان، تویی ناظر بر کردار هر کس، بر محمد پیامبر مکی و اهل بیتش درود فرست و برای من چنین و چنان کن...

خداوندا! ای شکافنده صبح و ای شب را مایه آرامش و ماه و خورشید را [وسیله] حساب قرار دهنده، خدایا قرضم را ادا فرما و از فقر و نداری در پناه گیر و مرا از گوش و چشمم بهره مند گردان و مرا برای خویش و در راه خودت نیرومند گردان، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا، تویی مهربان ترین مهربانان. خدایا تویی که معبودی جز تو نیست، حقی که معبودی جز تو نیست. پدید آوری که چیزی مثل تو نیست. جاویدی که غفلت نورزد، زنده ای که نمیری و آفریننده هر چه دیدنی است و هر چه نادیدنی. هر روز تو در کاری هستی و همه چیز را بدون تعلیم می دانی، پس ستایش تو راست. ای خدا، ای خدا، ای پروردگار من، هیچ چیزی را شریک تو نگردانم. {چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا.}، (1) {چشمها

او را درنمی یابند و اوست که دیدگان را درمی یابد، و او لطیفِ آگاه است.} (2)بر

محمد و خاندان او درود فرست و آمرزش من

1- . شوری / 11
2- . انعام / 103

و پدر و مادرم و برادرانم و هر کسی که نگران او هستم جزء کارهای تو باشد، ای مهربان ترین مهربانان.

خدایا از تو می خواهم بدین روی که تو بزرگوار و توانایی و هر چه بخواهی انجام می شود و به وسیله پیامبرت و خاندان برگزیده، پاک و نیکوی او به درگاهت رو می کنم. ای محمد! من برای این خواسته ام به واسطه تو به درگاه خداوند که پروردگار من و پروردگار توست روی آورم، پس در این حاجت و در سایر حاجات و خواسته هایم شفیع من باش [از خدا خواهم] که بر تو و خاندان پاک و برگزیده تو درود فرستد و با من چنان کند که خود شایسته آن است. خدایا از تو خواهم به حق آن نامت که مقادیر به وسیله آن مشخص می شود و به وسیله آن بر امواج آب راه روند، آنچنان که بر زمین همواری راه می روند. از تو می خواهم به آن نامت که گام های فرشتگان با شنیدنش به لرزه افتد و از تو می خواهم به آن نامت که موسی علیه السلام از جانب طور تو را به آن نام خواند و اجابتش کردی و از جانب خویش محبتی را بر دل او افکندی و از تو می خواهم به آن نامت که محمد صلی الله علیه و آله تو را بدان نام خواند و گناهان گذشته و آینده اش را آمرزیدی و نعمت خویش را بر او تمام کردی، که بر محمد و خاندان او درود فرستی و با من چنان کنی که خود شایسته آنی و برایم چنین و چنان کنی.

خدایا! به عظمت جایگاه هایی از عرشت که عزت و سربلندی بدانجا بسته شده است و به حق جایگاه و منتهای رحمت از کتابت و خدایا به حق اسم اعظمت و جلال و شکوهت که والاترین و مقام و عظمتت که بزرگ ترین است و به حق کلمات تامه ات که نه نیکوکاری از آن فراتر رود و نه بدکاری، از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و برایم چنین و چنان کنی. خدایا از تو خواهم ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای باشکوه ارجمند، خدای یگانه یکتای بی نیاز و برپا دارنده عدالت. معبودی جز تو نیست، شکست ناپذیر سنجیده کاری و تویی فرد بزرگ والا؛ [از تو خواهم] که بر محمد و خاندان او درود فرستی و مرا بی معطلی و بدون حساب وارد بهشت کنی و با من چنان بخشش و لطف و مهربانی و مهرورزی و

نیکویی کنی که خود شایسته آنی. خدایا نامم را تغییر مده و جسمم را دگرگون مساز و امتحانم را سخت مگردان ای بزرگوار!

خدایا به تو پناه می آورم از ثروتی که موجب طغیان و سرکشی گردد و فقری که موجب فراموشی شود و از هوی و هوسی که مرا نابود میکند و از عملی که موجب خواری و رسوایی شود. صبح کردم و پروردگارم یگانه یکتا و ستوده است. در حالی صبح کردم که هیچ چیزی را شریک او نگردانم و همراه او معبود دیگری را نخوانم و به غیر از او یاور و سرپرستی برنگیرم.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و آنچه را که از سختی آن بیم دارم برایم آسان کن و آنچه را از دشواری آن در هراسم برایم هموار گردان و آنچه را از ناسازگاری آن می ترسم برایم سهل گردان و آنچه را از دچار شدن در تنگنایش می هراسم برایم فراخ گردان و با خشنودی خودت از من، غم و اندوه دنیا و آخرتم را در دنیا و آخرتم برطرف فرما. خدایا توکلی راستین به من مرحمت فرما و در توکل بر خود، به من راستی یقین عطا فرما و دعای من را در شمار دعاهای مستجاب در آور و عملم را در زمره اعمال بالا رفته و مورد پذیرش در درگاهت قرار ده. خدایا آنچه را بر دوشم گذاشتهای، توانایی آن را به من عطا فرما و مرا در آن یاری گردان و آنچه را در توانم نیست بر من تکلیف مکن. خدا مرا بس است و نیکو حمایتگری است. خدایا یاریم کن و کسی را علیه من یاری مکن و کمکم کن و به کسی بر ضد من کمک نرسان و امور دنیا را به مراد من تدبیر کن نه به زیان من، و مرا در برابر هر که بر من ستم روا داشته یاری کن و حق مرا از هر که بر من ستم روا می دارد بستان و راه هدایت را بر من آسان گردان.

خدایا من دین و امانت و پایان اعمال خویش و هر نعمتی را که در دنیا و آخرت به من ارزانی داشتی به تو می سپارم و به راستی تویی که سپرده خویش را ضایع نخواهی کرد. خدایا بدان که هیچ کس مرا از تو پناه ندهد و غیر از تو پناهگاهی نخواهم یافت. خدایا بر محمد و خاندان او درود بفرست و هیچ وقت به اندازه چشم بر هم زدنی مرا به حال خویش و به دیگری وامگذار و [نعمت] شایسته ای را که به من عطا فرموده ای از من باز مستان؛ چرا که آنچه را تو بخشیدی

ص: 363

کسی بازش نتواند گرفت و آنچه را تو بگیری کسش نتواند بخشید و کوشش هیچ صاحب کوششی در برابر تو سودی ندارد. پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.

دعای آخر آن

بار خدایا! ای پروردگار این شب جدید و هر شب و این ماه و هر ماه! بر محمد و خاندان او درود فرست و دلم را از نفاق و عملم را از ریاکاری و زبانم را از دروغ و چشمم را از خیانت پاک گردان؛ به راستی که تو از نگاه های دزدانه و آنچه که دل ها نهان می دارند، آگاهی. بر محمد و خاندان او درود فرست و گشایش و آسایش و امنیت و قناعت و پاکدامنی و موفقیت در تمام کارها و بخشش و سلامتی و آمرزش و سپاس و شکیبایی را روزیم گردان، ای مهربان ترین مهربانان. به راستی تو بر همه چیز توانایی.

روز بیست و پنجم

مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز، روزی نکوهیده و شوم است و روزی است که در آن مصر به نه نوع زیان مبتلا شد، پس حاجتی را در این روز نخواه و خود را حفظ گردان؛ چرا که این روز روزی است که خداوند عزوجل در آن فرعون را به همراه مردم مصر با آفاتی که بلای سخت بود بزد و گرفتاری این روز شدید است و هر که در این روز بگریزد باز می گردد؛ و در این روز نه سوگند راست بخور و نه دروغ، و روز بدی است. هر که در این روز به مسافرت رود سود نکند و هر که بیمار شود به سختی افتد و از مرض خویش بهبود نیابد، پس از این روز بر حذر باش.

در روایت دیگری آمده است: هر که در این روز بیمار شود بهبود نتواند یافت و به مرگ نزدیک تر است تا زندگی و هر که در این روز بیمار شود نجات نیابد. هر که در این روز متولد شود پادشاه و پر روزی و نسبت به مردم سخاوتمند گردد. بیماری سختی بگیرد و از آن جان سالم به در نبرد.

ص: 364

در روایتی دیگر آمده است: هر که در این روز متولد شود فقیه و دانشمند گردد.

در روایت دیگری نیز گفته شده است: این روز برای خرید و فروش و ساخت و ساز و کشاورزی خوب و برای برآوردن حاجات مناسب است و هر که در این روز متولد شود، دروغگو و سخن چین و بی خیر گردد.

حضرت امیر المؤمنین نیز فرموده اند: در این روز به خدای متعال پناه جویید.

ایرانیان نیز گفته اند: این روز روزی سنگین و بد و ناپسند است و مردم مصر در این روز به هفت نوع بلا دچار شدند و روزی نحس است که در آن به دعا و نماز و کار خیر بپرداز. سلمان فارسی رحمه الله علیه هم گفته است: ارد روز، نام فرشته موکل بر جن و شیاطین است.

دعای سلامتی در این روز

پناه می برم به خدای زنده پاینده ای که نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران، از شر هر چه خلق و آفریده شده است {و از شرّ تاریکی چون فراگیرد و از شرّ دمندگان افسون در گره ها و از شرّ [هر] حسود، آنگاه که حَسَد ورزد.}(1) به نام خداوند بخشنده مهربان. پناه می برم به خداوند، پروردگار اشیا و مقدر کننده آن ها و آفریننده اجسام و صورتگر آن ها و پدیدآور و گرداننده اشیا و پناه می برم به کلمات والا و نام های نیکو و اراده های بزرگ و به پروردگار زمین و آسمان و زنده کننده مردگان و میراننده زندگان از شر و شومی و زیان این روز. به قدرت خداوند آن را از خود دفع کردم و هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خداوند بلندمرتبه بزرگ.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان. ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و صلوات او بر سرورمان محمد پیامبر و تمام خاندان او باد و سرانجام [نیک] از آن پرهیزکاران است. خدایا در این روز جدید از تو خواهم، همچون خواستن کسی که

-1 . فلق / 5-3

از توقف خود در عرصه قیامت بیمناک و از عرضه اعمال هراسان و از خسارت و گرفتاری های روز رستاخیز ترسان است و کسی که دچار فریب گشته و از خطای خود پشیمان است و در روز قیامت مورد بازخواست و حساب قرار خواهد گرفت و به پاداش و کیفر دچار گشته است، کسی که نه مکانی او را از تو پنهان تواند ساخت و نه گریزی از تو جز به سوی درگاهت دارد، که از کار زشت خود برای عذر خواهی به تو رو آورد، در حالی که بدان اقرار دارد و اندوه ها او را احاطه کرده و گستره ستارگان بر او تنگ گشته و به مرگ یقین دارد و پیش از فوت به توبه دست زده است، توبه ای که به وسیله آن بر او منت نهاده ای و از وی درگذشته ای.

تویی خدای من و مایه امید من هنگامی که درهای امید به رویم تنگ شد و پناهگاهم تویی؛ آنگاه که جایگاهی برای پناه نیافتم، ای سرور من که به عزت و بلندی مقام یگانه ای و به یگانگی و جاودانگی یکتائی و تویی وصف شده به یگانگی و یکتا به ستایش. نه مکانی از تو پنهان است و نه زمان از تو دور بماند. به قدرت خویش میان فرقه ها الفت دادی و به قدرتت از سنگ های سخت آب های شور و شیرین روان ساختی و از ابرهای فشرده بارانی فراوان فرو ریختی و در آسمان چراغی قرار دادی و ماه و ستارگان را برج ها مقرر داشتی، بی آنکه در آفرینش مبتکرانه خویش دچار خستگی گردی. تویی معبود هر چیز و آفریدگار آن و مسلط بر هر آفریده و روزی ده آن. عزیز آن کسی است که تو عزتش دهی و خوار کسی است که تواش خوار سازی و توانگر آن کسی است که تو بی نیازش کنی و فقیر آن است که تو فقیرش سازی. تویی صاحب اختیار و مولای من و مدارای من با توست و تو مولای منی. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با من کن آنچه را خود شایسته آنی و با فضل خویش به من بازگرد و مرا از کسانی قرار نده که عمرشان طولانی و نادانیشان بسیار گشته و سهل انگاری بر او چیره گشته تا آنجا که با روزگار سازش کرده و دست به کارهای حرام و گناهان زده است.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و ای آقای من، مرا بنده ای گردان که به توبه پناه آورده که براستی پناهگاه گنهکاران است و به وسیله جود و کرم وسیعت مرا از آفریدگان بی نیاز گردان و به اشرار جهانیان محتاجم مکن و در روز

رستاخیز، گذشتت را به من عطا فرما. ای که نام های نیکو و نمونه های والا از آن او است و ای جبار آسمان ها و زمین ها، با شوق و امید آهنگ درگاه تو کردم، مرا به خاطر اعمال بدم ناامید باز مگردان و از جوایز شایانت روزیم فرما و مرا دست خالی و ناامید باز مگردان، ای برطرف کننده گرفتاری. به راستی که تو بخشنده و پر فضل و بخششی، ای مهر ورز به بندگان و ای که در کمینگاه آنانی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و جایگاه و بازگشتم را نیکو گردان؛ و خدایا پاداش مرا فراوان کن و عیوبم را بپوشان و به فضل خود مرا از عذاب دردناک برهان که تو بخشنده و پر بخششی. اکنون اعمال بد و خوب من، مرا میان پاداش و کیفر انداخته و من امید آن را دارم که به لطف و کرم تو خود را بپوشانم و با آمرزش و بخشش تو گریزگاهی به آمرزش گناهان بیابم،، ای آمرزنده گناهان! از لغزش هایم چشم بپوش ای عیب پوش؛ که من پروردگار و رهایی بخشی از عذاب به غیر از تو ندارم، پس مرا ناامید باز مگردان ای برطرف کننده گرفتاری ها و درگذرنده لغزش ها، با برآوردن خواسته ام دلشادم گردان و به آمرزشی از جانب خویش مخصوصم گردان که بلایی با آن همراه نگردد و آزاری بدان نزدیک نشود و هدایت و جاودانگی و ارمغان و محبت خویش را به من الهام کن و مرا از نافرمانی های هلاکت بارت دور ساز، که تو به راستی سزاوار ترس و آمرزشی. بار خدایا، آنچه را از حقوق والدین، پدران و مادران و برادران و خواهران بر من واجب کرده ای، به لطف خویش، آن ها را از طرف خود به عهده گیر. ای مهربان ترین مهربانان و ای سزاوار ترس و سزاوار آمرزش.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

پناه می برم به کلمات تامه خداوند که نیکوکار و بدکار را یارای گذر از آن ها نیست، از شر هر چه در زمین آفریده شده و آنچه از آن بیرون آید و از شر آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا می رود و از شر حوادث وارد شونده در شب و روز، جز آن که در سلامتی و از جانب تو خبر خوشی آورد، ای بخشاینده! خدایا از تو ایمانی خواهم که بازگشتی در آن نباشد و نعمتی که پایان نپذیرد و دوستی و همراهی با پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و همراهی با خاندان پاک و برگزیده

او - که درود تو بر او و آنان باد - در بالاترین درجه بهشت جاوید به همراه پیامبران و راستگویان و شهدا و شایستگان، و چه نیکو رفیقانی هستند آنان.

خدایا مرا از بیم و هراس هایم در امان دار و زشتی و عیوبم را بپوشان و از لغزش و خطاهایم درگذر، که تویی خدایی که معبودی جز تو نیست و یکتایی و شریکی نداری، پادشاهی و ستایش از آن توست و تو بر همه چیز توانایی. خدایا! من از تو درخواست می کنم و تویی درخواست شده پسندیده و معبود یکتا و تویی عطابخش و صاحب احسان، پدید آورنده آسمان ها و زمین، باشکوه و ارجمند [از تو خواهم] که تمام گناهانم را ببخشی: کوچک و بزرگ، آنچه را از روی عمد یا از روی خطا انجام داده ام، آنچه را که تو ثبت کرده و خود از یاد برده ام و آنچه من فراموش کرده ام و تو آن را ثبت فرموده ای؛ که تویی بسیار آمرزنده و تویی جبار و تویی بخشاینده و تویی مهرورز و تویی مهربان ترین مهربانان. خدایا از تو خواهم به این که معبودی جز تو نیست که معبود من و معبود همه چیز هستی و ای معبود یگانه من! معبودی جز تو نیست و ای معبود هر چیز، یگانه پیروز، [از تو خواهم] که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با من چنان کنی که خود شایسته آنی، از خواسته هایی که من بدان نیازمندم و تو از آن آگاه، و برایم چنین و چنان کنی...

خدایا این ها را به من ببخشای و آنچه را که تو به یکی از آفریدگانت وعده دادی، یا خیری که به یکی از آفریدگانت می بخشی و فکر من از آن قاصر است و خواسته من بدان نرسیده و نیت من به ذره ای از آن نرسد و من در این خواسته به تو مشتاق هستم، آن را به من ببخش و از تو خواهم ای پروردگارم، ای مهربان ترین مهربانان، ای پروردگار جهانیان!

خدایا از تو خواهم به نامت، گنجینه پنهان و مبارک که پاک و پاکیزه و بی همتا و یگانه و تک و یکتا و بی نیاز و بزرگ و بلندمرتبه است و کسی که نور آسمان ها و زمین است و از تو خواهم بدان نام که خود را بدان خواندی و فرمودی: الله نور آسمان ها و زمین است، پس ای نور آسمان ها و زمین! من نیز همچنان که تو گفتی می گویم و همچنان که تو بر خویش نام نهادی تو را می نامم: ای نور آسمان ها و زمین! از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و تمام گناهانم را

بیامرزی، همگی را چه بزرگ و چه کوچک، چه آنان که من خود فراموش کرده ام و تو آن را ثبت فرموده ای و چه عمدی باشد و چه از روی خطا، که به راستی تویی بسیار توبه پذیر مهربان و از تو خواهم که برایم چنین و چنان کنی...

خدایا ای پدید آورنده آسمان ها و زمین، باشکوه و ارجمند، ای دادرس دادخواهان و ای فریادرس فریادخواهان و ای نهایت خواسته آرزومندان. تویی برطرف کننده سختی گرفتاران! تویی شادی بخش اندوهگینان و اجابت کننده خواسته درماندگان و تویی معبود جهانیان و مهربان ترین مهربانان! خدایا ای برطرف کننده هر اندوه و ای صاحب هر نعمت و نهایت هر آرزو و مرجع هر خواسته، پدید آورنده آسمان ها و زمین، باشکوه و ارجمند، دادرس دادخواهان و فریادرس گرفتاران و نهایت خواسته و شادی بخش اندوهگینان و اجابت کننده خواسته درماندگان، معبود جهانیان و مهربان ترین مهربانان! بر محمد و خاندان او درود فرست و برای من چنین و چنان کن...

معبودی جز تو نیست. تو پروردگار و آقای من هستی و من بنده و فرزند بنده و کنیز تو ام، زمام اختیار من در دست توست. گناهی مرتکب شدم و بر خود ستم کردم و به خطای خود اقرار و به گناهانم اعتراف کردم. از تو خواهم به حق این که بخشش مخصوص توست ای عطابخش! ای پدید آورنده آسمان ها و زمین! ای باشکوه ارجمند! تا بهترین درودهایی را که بر یکی از بندگانت فرستادی، بر محمد، بنده و پیامبر و فرستاده ات و خاندان محمد فرستی. از تو می خواهم به عزت و قدرتی که بدان دریا را بر بنی اسراییل شکافتی، که هر ستمگر و دشمن و حسود و مخالفی را از من کفایت کنی و به عزتی که کوه [طور] را بر فرازشان سایبان آسا، برافراشتی، که این ها را از من کفایت کنی.

خدایا من از تو خواهم و به وسیله تو آنان را دفع می کنم و از شر آنان به تو پناه می برم و به تو از آنان پناه جویم و از تو علیه آنان یاری گیرم. خدایا، خدایا، ای پروردگار من، هیچ چیز را شریک تو قرار نمی دهم که تویی تویی پروردگار من و هیچ چیز را شریک تو قرار نمی دهم و به غیر از تو صاحبی اختیار نمی کنم.

دعای پایان این روز

ص: 369

خدایا ای پروردگار این شب و هر شب و این ماه و هر ماه ! از تو خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا در تمام امورم به بهترین نحو به سلامت داری و از خواری دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می برم. خدایا من عمل به نیکی ها و پرهیز از زشتی ها و آمرزش گناهان و عشق به بیچارگان را از تو خواهم و [از تو خواهم ] که وقتی عده ای نیت بدی نسبت به من داشتند، بی آنکه فریب خورم مرا از آنان رهایی بخشی. خدایا ذره ای از هر خیری را که علمت بدان احاطه یافته از تو می خواهم. خدایا تو پروردگار من و مورد اعتماد و نهایت خواسته منی و از خواسته ام آگاهی، پس درخواست و حاجاتم را برآورده فرما. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آبرویم را مریز و زشتیم را آشکار مکن و از لغزشم درگذر و قرضم را ادا فرما و دشمن خاندان محمد - که درود خدا بر آنان باد - را از جن و انس خوار گردان و در نابودی آنان تعجیل فرما، ای مهربان ترین مهربانان ! به راستی که تو بر همه چیز توانایی.

روز بیست و ششم

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند: این روز برای شمشیر مناسب است. در چنین روزی حضرت موسی علیه السلام عصای خویش را بر دریا زد و دریا گشوده شد. این روز برای هر خواسته ای مناسب است به غیر از ازدواج و مسافرت، از این امور دوری کنید که هر کس در این روز ازدواج کند ازدواجش نادرست درآید و از همسر جدا شود و هر که در این روز به مسافرت رود به صلاح او نخواهد بود، پس باید صدقه دهد.

در روایت دیگری آمده است: روزی است مناسب برای سفر و هر کاری که بخواهند، به غیر از ازدواج؛ زیرا کسی که در این روز ازدواج کند از همسرش جدا شود، همان طور که دریا برای موسی علیه السلام شکافت و زندگی آنان پر مشقت می شود. اگر در این روز از مسافرت بازگشتی، بر خانواده ات وارد نشو. نقل مکان در این روز خوب است و هر که در این روز زاده شود کم شانس می گردد و در دریا غرق می شود، چنانچه فرعون در این روز غرق شد.

در روایت دیگری نیز آمده: هر که در این روز متولد شود عمرش طولانی گردد.

در روایتی دیگر: هر که در این روز متولد شود دیوانه و حسود گردد و هر کس در این روز بیمار شود به سختی افتد.

ایرانیان گفته اند: این روز، روزی خوب و برگزیده و مبارک است و هر که در این روز ازدواج کند نادرست درآید و جدایی افتد.

سلمان رحمه الله علیه گفته است: اشتاد روز، نام فرشته ای است که به هنگام پیدا شدن دین آفریده شد.

دعای آغاز این روز

بار خدایا، ای پروردگار این روز جدید و این ماه جدید، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مصیبت مرا در دینم قرار مده و بهترین چیزی را که به من عطا فرموده ای از من مگیر و دینم را درست کن که باعث حفظ عمل من است و دنیایم را نیز رو به راه گردان که گذران زندگی من در آن است و آخرتم را نیز اصلاح گردان که بازگشتم به سوی آن است. خدایا سلامتی را در جسمم و روشنایی را در چشمم و یقین را در قلبم و خیرخواهی را در سینه ام و یادت را شب و روز بر زبانم قرار ده و روزی پاک و بی پایان و نه منع شده ای را از جانب خویش بر من ارزانی دار. و مقاومت در برابر فتنه های گمراه کننده را تا آن حد که شایسته من است، روزیم کن. خدایا من یک زندگی پرهیزکارانه و مرگی راست و درست و به دور از خواری و رسوایی از تو می خواهم. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در این روز مرا از بهترین بندگان شایسته خویش قرار ده [در بهره بردن] از نوری که به وسیله آن هدایت می کنی یا رحمتی که می گسترانی یا روزی که از سوی خویش گسترده می گردانی یا زیانی که آن را برطرف می فرمایی، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان!

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان. ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر سرورمان محمد پیامبر و خاندان پاک او باد که از میان تمام خلق برگزیده شده و از حریم الهی دفاع می کنند و به عزت خداوند عزت یافته اند. خدایا

از تو خواهم ای خدا، ای پروردگارم، ای بزرگ، ای کسی که از اشتباهات آگاهی و بلاها را دور می گردانی و نهان ها را می دانی و بخشش ها را فرو می ریزی. ای کسی که درخواست [توبه] آدم را برای ارتکاب گناهان و نافرمانی مردم پاسخ داد. در طول شب و روز گناهان را می پوشاند؛ زیرا غیر از خدا، رهایی بخش و حمایتگری که بدو پناه آرند وجود ندارد و برای برطرف ساختن گرفتاری های خویش به جز تو به هیچ کسی امید نمی بندند. ای باشکوه، تویی کسی که نعمتت خلایق را فرا گرفته و وسعت رحمتت آنان را فرو پوشانده و آمرزش همه جانبه ات آنان را فرا گرفته است. ای نیکو بازگشت یکتای پربخشش که از هر که نافرمانیت را کند، با عذابی دردناک انتقام می گیری.

معبودا، با اعتراف به بدی در حق خویش به درگاهت رو کرده ام؛ زیرا راه نجاتی نیافتم که برای آمرزش گناهانی که مرتکب شده ام بدان پناه برم. ای برطرف کننده گرفتاری ایوب و اندوه یعقوب، کسی جز تو نیافته ام که بدو پناه برم. ای زنده، ای پاینده، معبود من! این تو بودی که مرا تحت پوشش خداوندگاری خویش جای دادی و تو نیکو پوششی و در انظار عموم از من سؤال می کنی و حال آن که از گناهانی که مرتکب شده ام آگاهی، ای آقا و مولای من! ای بهترین کسی که برای برآوردن آرزوها از او درخواست می شود و برترین کسی که برای برطرف ساختن سختی ها به تو امید می رود، پروردگارا چهره ها [در برابرت] خاضع گشته اند و تو از اسرار پنهان من آگاهی. اگر من لیاقت نداشتم و با شکستن حرمت ها بر خود زیاده روی کرده ام و لغزش هایی را که مرتکب شده ام به فراموش سپرده ام و به واسطه آن ها مستحق مجازات گشته ام، تو هم با بخشش خویش بر اسراف کاران لطف داری. صبح و شبم را با تمنا بر یکی از درهای بخششت می گذرانم و از این که روی درخواست به کسی جز تو آورم خودداری کرده ام، و پس زدن درخواست کننده ای دلسوخته و ستمدیده، جزء صفات نیکوی تو نیست، پس مرا از لطف و بخشش و نعماتت بازمگردان ای مهربان ترین مهربانان. حقوق کسانی را که بر من واجب کرده ای از پدران و مادران و برادران و خواهران، مسئولیت آن را از دوش من خالی کن. خدایا، به بخشش و آمرزشت ای بزرگوار ای عظیم.

ص: 372

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند: اگر به طور اتفاق این روز با روز جمعه مقارن شود، باید چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیری و به هنگام ظهر این دعا را بخوانی و اگر مقارن نشود، این دعا باید اول روز خوانده شود.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و نیازمندیم را با بخشش خویش برطرف فرما و با لطف و رحمت خویش ستمم را فرو پوش و دلم را برای یاد خویش فارغ کن. بار خدایا، ای پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه در آن ها و میان آن هاست و پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه در آن ها و میان آن هاست و پروردگار سبع المثانی و قرآن بزرگ و پروردگار جبرییل و میکاییل و اسرافیل و پروردگار تمام فرشتگان و روح و پروردگار محمد خاتم پیامبران و پروردگار پیامبران و فرستادگان و پروردگار تمام مخلوقات.

خدایا از تو خواهم به آن نامت که آسمان ها و زمین ها بدان پابرجا هستند و به وسیله آن به زندگان روزی بخشی و پیمانه دریاها و وزن کوه ها را بدان نام به شماره درآوری و به آن، زندگان را بمیرانی و مردگان را زنده گردانی و ابرها را بدان پدید آری و بادها را بفرستی و زندگان را بدان روزی دهی و تعداد ماسهها را بدان شماره کنی و هر چه بخواهی کنی، و بدان نام به چیزی بگویی باش، پس می شود. از تو خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و دعایم را مستجاب گردانی و خواسته و آرزویم را به من ببخشی و برای من از جانب خود گشایشی مقرر فرمایی و با رحمت خویش و در سلامتی در گشایشم تعجیل کنی و بیم مرا آرامش بخشی و در کامل ترین نعمت ها و بزرگ ترین سلامت ها و بهترین روزی و گشایش و آسایش و در آنچه پیوسته بر من تکرار می کنی زنده ام داری و سپاسگزاری بر آنچه به من بخشیده و بر آنچه بدان امتحانم کرده ای را روزیم گردانی و همیشه و تا زنده ام، آن را تمام و کمال و پیوسته بر من ارزانی داری و ادامه دهی تا آن را به نعمت آخرت متصل گردانی.

خدایا، اندازه های دنیا و آخرت به دست توست و مقدرات پیروزی و شکست و مقادیر بی نیازی و فقر و میزان خیر و شر در اختیار توست. خدایا امر دینم را

مبارک گردان که ملاک عمل و معیار دنیای من است که زندگیم در آن سپری می شود و ملاک آخرتم که بازگشتم به سوی آنجاست. خدایا در تمام امورم به من برکت بده. خدایا، ای که معبودی جز تو نیست، یگانه ای و شریکی نداری. وعده ات راستین است و دیدارت حق و قیامت حق و بهشت و جهنم حق است. به تو پناه می برم از آتش دوزخ و به تو پناه می برم از عذاب قبر و به تو پناه می برم از شر زندگی و مرگ و به تو پناه می برم از سختی های دنیا و آخرت و به تو پناه می برم از فتنه دجال، و از شک و بدکاری و سستی و بی حالی و فخرفروشی به تو پناه می برم و از خساست و زیاده روی و پیری و فقر به تو پناه می برم. از سختی های دنیا و آخرت به تو پناه می برم.

خدایا در گذشته از من گناهانی سر زده و جنایاتی را بر نفس خود مرتکب شده ام و پایم لغزیده و دستم گناهی مرتکب شده و جنایاتی بر نفس خویش کرده ام و تو از آن آگاه بوده ای و علم تو نسبت به من بهتر از علم من به خودم است و تو ای پروردگار من، نسبت به من اختیار چیزهایی را داری که من خود اختیار آن را ندارم. از جمله این که! مرا آفریدی پروردگارا و به تنهایی کار خلقتم را بر عهده گرفتی و من هیچ نبودم و نیستم مگر به تو و به هیچ خیری امیدی ندارم مگر از جانب تو و من هرگز توان آن را ندارم که هیچ گونه بدی را از خود دفع کنم، مگر آنچه را تو از من برانی. پروردگارا! آنچه را که من نمی دانستم، تو به من آموختی و آنچه را نداشتم و گمان آن را هم نمی بردم، روزیم کردی و بدانچه امیدش را نداشتم رسانیدی پروردگارم، و آنچه آرزویم از آن کوتاه بود، به من ارزانی داشتی ای پروردگارم! پس ستایش بسیار تو راست، ای آمرزنده گناه، مرا بیامرز و چنان خشنودی و رضایتی به دلم ده تا به وسیله آن حوادث ناگوار دنیا بر من آسان گردد.

خدایا! پروردگارا! امروز در امنیت را بر من بگشای، دری که گشایش و سلامتی و نیکی، همه در آن است. خدایا این در را بر من بگشای و برایم فراهم کن و مرا به راه آن هدایت کن و به من نشان ده و راه خروجش را به من نشان ده. خدایا به هر یک از آفریدگان و بندگانت که بر من قدرتش دادی یا او را بر اندکی از کارهای من مسلط کردی، دلها و زبان ها و گوش ها و چشم های آن ها را از من

برگیر و از روبرو و از پشت سرشان و از بالای سر و زیر پاها و از سمت راست و چپشان و از هر سو که خواهی و هرطور و هر جا که خواهی، شر آنان را از من دور کن تا از هیچ یک از آنان شری به من نرسد.

خدایا مرا در محافظت و پوشش و همسایگی خود قرار ده که همسایه تو عزیز است و ثنایت والاست. معبودی غیر از تو نیست و معبودی جز تو نیست. خدایا تو سلامتی هستی و سلامتی از توست. ای باشکوه ارجمند، رهایی از آتش دوزخ را از تو می خواهم و این که مرا در سرای خود، دار السلام جای دهی. خدایا هر چه خیر و خوبی است، چه زود و چه دیرش و چه آن ها که می دانم و چه آن ها که نمی دانم را از تو می خواهم و به تو پناه آرم از هر چه بدی است؛ زود و دیرش را، چه آنکه می دانم و چه آنکه نمی دانم و از تو خواهم - خدایا - از هر چه خیر است؛ چه آن ها که در دعا خواسته ام و چه آن ها که نخواسته ام. خدایا بهترین چیزی را که آرزو دارم از تو می خواهم و به تو پناه آرم از شر آنچه بیمش را دارم و شر آنچه از آن نهراسم و از تو می خواهم که از آنجا که گمان دارم و آنجا که گمان ندارم، روزیم دهی.

خدایا من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو هستم، اختیارم در کف توست. فرمانت درباره من اجرا و حکمت درباره من عادلانه است. به حق هر نامی که از آن توست و خود را بدان خوانده ای یا در یکی از کتاب های خویش آن را نازل فرموده ای یا به یکی از آفریدگانت آن را آموختی یا آن را در علم غیب نزد خود نگاه داشته و مخصوص خود کرده ای، از تو می خواهم که درود فرستی بر محمد پیامبر مکی، بنده و فرستاده ات و برگزیده از میان خلقت و بر خاندان پاک و برگزیده او و این که بر محمد و خاندان محمد رحمت فرستی و بر محمد و خاندان محمد برکت دهی، آنچنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود و برکت و رحمت فرستادی. حقیقتاً تویی ستوده و بزرگوار. و از تو خواهم که قرآن را روشنی دلم گردانی و به وسیله آن کارم را آسان گردانی و آن را بهار قلبم و گشایش اندوهم و برطرف شدن غمم گردان و سینهام را فراخ کن و آن را نوری در دیده و گوش و مغز و استخوان و اعصاب و مو و پوستم و نوری در برابرم و بالای سرم و زیر [پایم] و نوری در

راست و چپم و نوری در غذا و نوشیدنیم و نوری در مرگم و نوری در زندگیم و نوری در قبرم و روشنی در محشر و مایه روشنی هر چیز من گردانی تا این که مرا به وسیله آن به بهشت برسانی.

ای نور آسمان ها و زمین! {مَثَلِ نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است. آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می شود. نزدیک است که روغنش - هر چند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند و این مثل ها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست.}(1)

خدایا مرا به نور خویش هدایت فرما و در روز قیامت از پیش رویم و پشت سرم و از سمت راست و چپم، نوری را برای من قرار ده که به وسیله آن به سوی سرایت دار السلام راه یابم، ای باشکوه ارجمند. خدایا بخشش و سلامتی در دنیا و آخرت را از تو مسئلت دارم. خدایا بخشش و سلامتی را در هر چه به من عطا فرموده ای از تو خواستارم. خدایا بخشش و تندرستی را از تو خواهم برای خانواده و مال و فرزندانم و هر چه دوست داری تا در آن لباس آمرزش و سلامت بر من بپوشانی.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود و رحمت فرست و از لغزشم درگذر و از هراسم ایمنی ده و از روبرو و پشت سر و از راست و چپ و از بالا و پایین مرا حفظ گردان و به تو پناه آرم از این که از روبرو و پشت سر و از راست و چپ و از بالا و پایین به ناگاه غافلگیر شوم و به تو پناه میآورم {خدایا! ای صاحب ملک، ای که فرمان فرمایی؛ هر آن کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزت بخشی؛ و هر که را خواهی، خوار گردانی؛ همه خوبی ها به دست توست و تو بر هر چیز توانایی. شب را به روز در می آوری و روز را به شب در می آوری؛ و زنده را از مرده بیرون می



---

1- . نور / 35

آوری و مرده را از زنده خارج می سازی؛ و هر که را خواهی، بی حساب روزی می دهی. }(1)

[ای] بخشاینده و مهربان در دنیا و آخرت، تویی بخشاینده و مهربان دنیا و آخرت، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گناهم را ببخش و قرضم را ادا کن و گناهم را بیامرز و تمام حاجاتم را برآورده ساز که تو حقیقتاً بر همه چیز توانایی. آن را از تو خواهم به این که تو مالکی و این که تو بر همه چیز توانایی و هر چه تو بخواهی می شود.

بار خدایا، از تو خواهم ایمانی راستین و یقینی استوار که نه تردیدی بعد از آن باشد و نه کفری، و فروتنی ای که غروری با آن نباشد، و رحمتی که بدان به مقام والا در دنیا و آخرت دست یابم، که تو بی تردید بر هر چیز توانایی. بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه او درود و رحمت فرست.

دعای پایان این روز

خدایا، ای پروردگار این شب و هر شب و این ماه و هر ماه، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از نداری و هر بار سنگین و سوء نیت بداندیشان برای خودم و خانواده و مال و فرزندم و از عذاب قبر و بازگشت به سوی آتش دوزخ پناه ده، ای صاحب نیکی بی پایان و جاوید، ای صاحب نعمت هایی که به شماره در نیایند، بر محمد و خاندان او درود فرست و به خاطر دست به دامن شدن به یکی از بندگانت و یا همکاری با آن ها در قسمتی از کارهای مشترکشان و همدستی در یکی از حالاتشان در دنیا و آخرت، نعمتت و عادت زیبایت را در مورد من هرگز و تا زنده ام قطع مکن و مرا به خاطر گناهان گذشته ام مؤاخذه مکن که به راستی تو بر همه چیز توانایی.



---

1- . آل عمران / 26-27

روز بیست و هفتم

مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: این روز روزی مبارک و برگزیده و خوب است و برای درخواست حاجات و خرید و فروش و ورود بر سلطان و ساخت و ساز و کشاورزی و مبارزه و دیدار با قاضیان و مسافرت و شروع کارها و اسباب و ازدواج مناسب است. روزی خوش یمن و خوب است و شب قدر در این روز قرار دارد، پس هر چه می خواهی در این روز درخواست کن. برای سایر امور روز سبکی است. در این روز به تجارت برو و حق خویش را بگیر و دشمنت را تعقیب کن و ازدواج کن و بر سلطان وارد شو و هر که را می خواهی ببین. خون گرفتن در این روز مکروه است و هر که در این روز بیمار گردد بمیرد و متولد این روز زیبا و نیک رو باشد و عمرش طولانی و روزی مند و به مردم نزدیک و محبوب آنان باشد. در روایت دیگری هم گفته شده که دغل و پر روزی گردد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند: یعقوب علیه السلام در این روز زاده شده است. هر که در این روز زاده شود، نزد کسانش پرروزی و محبوب گردد، ولی پر غم و غصه باشد و قوه بیناییش را از دست دهد.

ایرانیان گفته اند که این روز، روزی خوب و برای خواسته ها و تسهیل کارها و و اقدامات و دیدار با تاجران و سفر پسندیده است و هر که در این روز به مسافرت رود کارش نیکو شود و هر که در این روز زاده شود پرروزی و محبوب مردم و عمرش طولانی باشد.

سلمان فارسی رحمه الله علیه درباره این روز گوید: آسمان روز، نام فرشته گماشته بر پرندگان و در روایت دیگری، آسمان هاست.

مؤلف: آنچه در سخن حضرت ذکر شده و فرموده «لیله القدر در آن روز است» شاید از باب تقیه باشد؛ زیرا این که شب قدر در شب بیست و هفتم ماه رمضان قرار دارد اعتقاد اهل سنت است و بررسی لیله القدر در باب های روزه گذشت و در باب اعمال شب های قدر نیز ذکر خواهد شد که در مورد آنچه گفتیم به شما توضیح می دهد.

صاحب عُدَد گفته است: دعای آغاز آن چنین است

خدایا، ای پروردگار این روز جدید و این ماه جدید و پروردگار هر روز، تویی آغاز بی پایان و پایان بی بازگشت، نگاه های دزدانه و آنچه را که دل ها نهان می دارند و آنچه درون پوشیده دارد، می دانی. تو پروردگار منی و من بنده خاضع و بیچاره و فروتن تو هستم که به درگاهت پناه آورده ام. کار بدی مرتکب شدم و به خویشتن ستم کرده ام، پس مرا ببخش؛ زیرا به راستی تنها تویی که گناهان را می بخشی، ای مهربان ترین مهربانان.

خدایا به تو پناه می برم از فتنه های گمراه کننده و گناه و ستم ناحق و از این که چیزی را شریک تو گردانم که هیچ دلیل و برهانی را برای او نازل نکردهای و از این که دروغ و بهتانی را به تو نسبت دهم. خدایا از تو خواهم سلامتی و دوام سلامتی کامل و فراگیر را برای تمام خانواده و دارایی و هر نعمتی. از خدا بخشش و سلامتی در دنیا و آخرت می خواهم.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

{به نام خداوند بخشاینده مهربان. ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است. [خداوند] رحمتگر مهربان، مالک [و پادشاه] روز جزا [است]. تو را می پرستیم تنها و بس، به جز تو نجوییم یاری ز کس. به راه راست ما را راهبر باش، راه آ ن هایی که برخوردارشان کرده ای، همانان که نه درخور خشمند و نه گمگشتگان.}(1) و درود خدا بر سرورمان محمد پیامبر و خاندان پاک و پاکیزه او و نسل او همگی باد.

خدایا از تو خواهم همچون خواستن کسی که جز تو مرجعی برای درخواست نیافته است و بر تو تکیه می کنم همچون تکیه کسی که تکیه گاهی جز تو نیافته است؛ چرا که تو اول آغازی هستی که آغاز را آغاز نمودی و به لطف خویش آن را پدید آوردی و تشکیلش را آغاز کردی و در برابر سنت تو فروتن گشت و آنچنان که با تدبیر استوار اراده کردی، آن را ساختی و تو بزرگ تر و سنجیده کارتر و گرامی تر از آن هستی که خردها به میزان دانش و به وصف تو احاطه یابند. تویی پایداری که



---

1- . فاتحه / 1-7

اصرار پافشاران در تو تأثیر ندارد، بلکه تو به شیء می گویی باش و می شود. فرمانت اجرا و وعده ات حتمی است. نه چیزی از تو مخفی می ماند و نه چیزی را از دست می دهی و همه چیز به سوی تو باز می گردد و تویی ناظر بر من.

ای خدای من! تویی کسی که بر پادشاهان حکم راندی و عزیزان در برابر هیبت تو فروتن گشته و اولیا در برابر تو فرمانبردار و خاضع گشته اند و با خداوندگاری خویش، مقام بزرگی و منزلت را فرا گرفته ای و تو دانای به عالم غیب هستی. خدایا اگر گناهانی مرتکب شده ام و به دلیل ارتکاب این گناهان، میان من و تو فاصله افتاده، تو سزاوار آن هستی که با رحمت واسعه خویش بر من ببخشی و مرا از مجازات دردناک خویش رهایی بخشی. خدایا من از تو خواهم همچون خواستن فردی مصرّ که از دعای پروردگار خویش خسته نمی شود و به درگاهت زاری می کنم همچون غرق شده ای که برای نجات خویش به تو امید بسته است و تویی مهرورز مهربان. معبودا! بر تمام خلایق حکم راندی و آن ها را با انواع و رنگ های گوناگون آفریدی تا یکدیگر را باز شناسند. بسیار بزرگ تر و والاتری از آنچه ستمکاران می گویند، همان طور که اراده فرمودی و از گرفتن وزیر برتری جستی و والاتر از آن بودی که با شریکی مشورت کنی و از گرفتن فرزندان منزهی و از تماس با زنان تقدس یافتی. نه دیدگان تو را توانند دید و نه خیال ها تو را تجسم کنند. نه شبیهی داری و نه همانندی و نه برابری، و تویی بی همتای یگانه یکتا، آغاز و پایان، پایدار یکتا، جاوید بی نیازی که نه زاده و نه زاییده شده و هیچ کس همتای او نیست. ای کسی که بزرگان در برابر عظمت او خوار گشته و زبان افراد بلیغ از رسیدن به ذات او قاصر شده و کسی که سران رؤسا در برابر هیبت او خوار و زبون شده و اشیا با تدبیر او استوار گشته و گفتار دانشمندان از رسیدن به صفات او ناتوان شده است. تویی کسی که در عین بلند مرتبگی نزدیک است و در عین نزدیکی والا. تو امید من هستی. پس از اعتراف به یگانگیات، اشیا را بر من مسلط ساختی. پس ای نهایت خواسته خواستاران و فریادرس فریادخواهان و مهربانترین مهربانان، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از رستگاران گردان و تو - ای مهرورز، ای مهربان - حق واجبی را که برای پدران و مادران و برادران و خواهران

بر من ملزم داشتی، از جانب من آن را به آن ها بده و مرا در انجام واجبات و دستورهای خویش موفق گردان. به راستی که تو بر همه چیز توانایی. به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

خدایا از جانب تو رحمتی می خواهم که قلبم را بدان هدایت کنی و کارم را بدان رو به راه گردانی و پراکندگیام را به وسیله آن متمرکز گردانی و دینم را بدان اصلاح کنی و غائبم را به وسیله آن نگاه داری و حاضرم را بدان کامل گردانی و مالم را فزونی دهی و عمرم را بدان پرثمر کنی و امورم را آسان گردانی و عیبم را بپوشانی و تباهی های احوالم را بدان بهبود گردانی و هرچه را ناخوش دارم به واسطه آن از من باز گردانی و رویم را بدان سفید گردانی و در باقی عمرم مرا از هر بدی حفظ کنی و آن رحمت را در عمرم و رزقم فزونی دهی و به واسطه آن هر چه را دوست دارم به من ببخشی و هر چه را ناخوش دارم از من باز گردانی.

خدایا تو آغازی و چیزی پیش از تو نیست و تو پایانی و چیزی پس از تو نیست. آشکار شدی پس نهان گشتی و نهان گشتی پس آشکار شدی. در عین نزدیکی برتری جستی و تسلط یافتی و در عین برتریت نزدیک شدی. معبودی جز تو نیست، از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و دینم را اصلاح گردانی که آن اساس کار من است و نیز دنیایم را که زندگیام در آن سپری می گردد و آخرتم را که بازگشتم به سوی آن است و از تو می خواهم که زندگیام را زیاد شدن هر خیری برایم قرار دهی و مرگم را نجات از هر شر و بدی قرار دهی.

خداوندا ! ستایش تو راست پیش از هر چیز و ستایش تو راست پس از هر چیز. ای فریادرس فریادخواهان، ای گشایش دهنده گرفتاری دردمندان، ای اجابت کننده دعای درماندگان، ای برطرف کننده گرفتاری بزرگ، ای مهربان ترین مهربانان ! گرفتاری و اندوهم را برطرف فرما که بی تردید جز تو کسی آن را برطرف نتواند کرد. تو حالم و احتیاج راستینم را به نیکی و احسانت به خوبی می دانی، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و حاجاتم را برآور، ای مهربان ترین مهربانان. خدایا ستایش همگی تو راست و پادشاهی همه از توست و عزت همه از آن توست و چیرگی همه

مخصوص توست و قدرت و جبروت و افتخار همه خاص توست و همه خوبی ها به دست توست و بازگشت همه امور، آشکار و نهان به سوی توست.

خدایا آن کس را که تو گمراهش کنی هدایت گری نخواهد داشت و کسی را که تو هدایت کنی کسی نتواند گمراهش سازد. آنچه را تو کرم فرمایی چیزی جلوگیر نیست و آنچه را تو بازداری کسی نتواند بخشد. آنچه را تو پیش اندازی کسش نتواند به تأخیر اندازد و آنچه را تو پس اندازی، کسی را یارای پیش انداختن آن نیست. آنچه را تو ببندی کسش نتواند باز کند و آنچه را تو بازکنی کسش نتواند ببندد. خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست و برکات و بخشش و رحمت و روزی خویش را بر من بگستران.

خدایا ! بی نیازی را در روز فقر و نداری، و امنیت را در روز هراس از تو خواهم و نعمت جاودان تغییر و زوال ناپذیر را از تو می خواهم. خدایا، ای پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه در آن ها و میان آن هاست و ای پروردگار عرش بزرگ، پروردگار ما و پروردگار همه چیز، ای فرود آورنده تورات و انجیل و قرآن عظیم، شکافنده دانه و هسته، از شر هر شروری و از شر هر جنبنده ای که اختیار هستیاش در دست توست، به تو پناه آرم، به راستی که تو بر هر چیز توانایی و بر همه چیز احاطه داری و بر راه مستقیم هستی.

خدایا ! تویی آغاز و چیزی پیش از تو نیست و تویی انجام و چیزی پس از تو نیست و تویی آشکار و چیزی فراتر از تو نیست و تویی نهان و چیزی در ورای تو نیست. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با من چنان کن که خود شایسته آنی و درباره من چنین و چنان کن...

به نام خدا و به خدا ایمان آورم و به خدا پناه آرم و به خدا پناه جویم و به خدا متمسک گردم و به عزت و نگهداری خدا از شیطان رانده شده و از عمل و سلطه و فریب او و از سواره و پیاده نظام او و از شر هر جنبنده ای که همراه او بجنبد، به تو پناه می برم. پناه می جویم به کلمات تامه خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آن ها تجاوز نکند و به تمام نام های نیکوی الهی، آن ها که می دانم و آن ها که نمی دانم

و از شر آنچه خدا آفریده و گسترده و بیرون آورده و از شر کوبنده های شب و روز، مگر آن که خیر و سلامتی از سوی تو آورد، ای بخشاینده.

خدایا به تو پناه آورم از شر نفسم و شر هر چشم بینا و گوش شنوا و زبان گویا و دست یورش برنده و پای رونده و از آنچه پنهان داشته ای و من در شب و روزم از آن بر جان خود بیم دارم. خدایا ! کسی که به من قصد ستم یا زورگویی یا بدی یا امری ناگوار یا شر یا دشمنی یا مخالفت دارد، جن باشد یا انسان، آشنا باشد یا دور، کوچک باشد یا بزرگ، از تو می خواهم سینه او را تنگ گردانی و دستش را بگیری و گامش را کوتاه گردانی و قدرت و حیله گری او را مهار کنی و زبانش را فرو بری و چشمش را کور گردانی و سرکوبش کنی و او را به خشمش واگذاری و آب دهانش را گلوگیرش سازی و میان من و او حائل شوی و او را به خود سرگرم کنی و در خشمش بمیرانی و به نیرو و قدرت خویش مرا از او نجات دهی که به راستی تو بر همه چیز توانایی.

دعای پایان این روز

خدایا، ای پروردگار این شب و این روز و پروردگار هر شب و هر روز. تویی که آسان را پس از دشوار آوری و تویی که آسایش را پس از سختی و رحمت را پس از ناامیدی و سلامتی و راحتی و گشایش را از جانب خویش آوری. تو شریکی نداری. خدایا آسانی را از تو خواهم و از سختی به تو پناه آورم و تو را خوانم بدان دعایی که بنده ات یونس صاحب ماهی تو را بدان خواند چون [از میان قوم خود] بیرون رفت، در حالتی که بر ایشان خشمناک بود، پس یقین پیدا کرد که رزق او را بر او تنگ نگیری {تا در [دل] تاریکی ها ندا درداد که: معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم.}(1) پس [دعای] او را برآورده کردی و او را از اندوه رهانیدی، [دعای] مرا نیز مستجاب فرما و از اندوه برهان، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان، به راستی تو بر همه چیز توانایی.



---

1- . یونس / 87

روز بیست و هشتم

مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند: این روز، روزی مبارک است که یعقوب علیه السلام در این روز زاده شد. برای سفر و تمام خواسته ها و هر کاری و ساختن و خرید و فروش و ورود به سلطان مناسب است. در این روز با دشمنانت مبارزه کن که بر آنان پیروز گردی و ازدواج کن.

در روایت دیگری آمده است: در این روز خون نگیر؛ زیرا بد است و هر که در این روز بیمار گردد بمیرد و هر که بگریزد باز گردد و هر که در این روز متولد شود نیکو و زیبا و پرروزی و و نسبت به مردم و خانواده اش با محبت و در طول عمر غمگین باشد و به او غم و اندوه برسد و جسمش بیمار گردد و در پایان عمر خویش تندرستی یابد و عمری طولانی کند و چشمش آسیب بیند.

مولایمان امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند: هر که در این روز زاده شود زیبا و خوش شانس و پر برکت و مبارک باشد و هر که در این روز چیزی بخواهد کارش انجام شود و سرانجامی نیک خواهد داشت.

ایرانیان گفته اند: این روز، روزی سنگین و شوم است و در روایتی دیگر آمده که برآوردن حاجات در این روز پسندیده و گذران امور و کارهای مهم و برطرف کردن نیازها و دیدار با فرماندهان و دربانان و سربازان مبارک است. روزی مبارک و خوش یمن است و خواب ها در همان روز تعبیر میشود.

سلمان فارسی رحمه الله علیه گفته است: راهیاد روز، نام فرشته موکل بر داوری بین خلق است و روایت شده که نام فرشته موکل بر آسمان هاست.

دعای اول روز

خدایا ای پروردگار این روز جدید و هر روز و پروردگار این ماه و هر ماه، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا دیگر بار در بلایی که از آن نجاتم داده ای گرفتار مکن و مورد شماتت هیچ دشمن و حسودی قرار مده و تا زنده ام، هیچ وقت و به قدر چشم بر هم زدنی مرا به خود وامگذار. ستمم به قدرت تو پناه آورده و گناهم به آمرزش تو پناه جسته و فقرم دست به

دامن بی نیازی تو شده و بیمم به امان تو پناه آورده و چهره فرسوده و فناپذیرم به ذات جاوید و باقی تو پناه جسته که نه

ص: 384

فنا پذیرد و نه فرسودگی. ای که قبل از هر چیز موجود بوده ای و بعد از هر چیزی نیز موجود خواهی بود. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از شر هر چه خلق نمودی و آفریدی و پدید آوردی و هر چه تو آفریدگار آن هستی در پناه گیر و از مکر و حیله مکرانگیزان و حسادت حسودان باز دار، ای مهربان ترین مهربانان!

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان. ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر سرورمان محمد و جملگی خاندان او باد. خدایا از تو خواهم همچون خواستن فردی گنهکار که به کرده خویش اعتراف می کند و گناهان و نافرمانی ها او را به ورطه نابودی کشانده و به تو مشتاق گشته است. از این گناهان رهایی بخشی جز تو نیافته و هیچ کس جز تو ندارم و فریادرسی مهرورزتر از تو و تکیه گاهی ندارم که بشود بر او تکیه کرد و تویی که نعمت ها و بخشش و کرم خویش را باز گرداندی، پیش از آن که استحقاق آن را پیدا کنم و با فضل و کرم خویش آن را درخور نالایقانش ساختی. نه جلوگیری به تو زیان رساند و نه بخششی تو را [از بخششی دیگر] باز دارد و نه درخواستی وسعتت را دور گرداند، بلکه از روی بخشش و لطف، به بندگانت بسیار روزی دادی و روزی همگی خلایقت را مقدر ساختی. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با من چنان کن - پروردگارا - که خود شایسته آنی و آنچه را که من شایسته آن هستم با من مکن که تو سزاوار بخشش و آمرزش هستی.

خدایا بیان از رسیدن به مدح تو قاصر گشته و زبان از بیان ستودگیهایت عاجز است و اگرچه گناهان مرا احاطه کرده بود، چون آهنگ تو را کردم به من لطف فرمودی و تویی مهربان ترین مهربانان و پرنعمت ترین روزی بخشان و بهترین آفرینندگان و بخشنده ترین سخاوتمندان، آغاز و انجام و ظاهر و باطن، و تو بزرگوارتر و گرامی تر از آنی که کسی را که به تو امید بسته و آرزومند توست [ناامید] بازگردانی و تو را ستایش ای سزاوار ستایش.

خدایا از تو خواهم به آن نامی که امور و اندازه ها را به وسیله آن مقدر فرمایی و به عزت پس از تدبیرت، که بر محمد و خاندان او درود فرستی و میان من

و آنچه مرا از تو دور می سازد فاصله اندازی. ای مهربان، ای عطابخش، مرا در زمره کسانی که دوست داری درياب و بخشش و آمرزش خويش را بر من واجب گردان که به خاطر آن و با مهر و خشنودی و بخشش خويش - خدايا - کسی را که دنباله رو پرتگاه های نابودی است در بهشت خويش ساکن گرداندی و من بنده توام، پس مرا نجات ده و مرا در مسير فرمانبرداری خويش قرار ده و از سرکشی و نافرمانيت بازم دار که صداها با زبان های مختلف به سوی تو بلند شده و برای پاک کردن گناهان و پوشاندن عيب ها به تو اميد بسته اند. خدايا سلامت و اتمام سلامت را از تو خواستارم. خدايا از تو هدايت خواهم پس هدايتم فرما و به تو چنگ می زنم پس نگاهم دار که به راستی تويی سزاوار ترس و سزاوار آمرزش. و شر هر صاحب شری را از من باز گردان و خيری برايم فراهم آور که جز تو کسی اختيار آن را ندارد و [ادای] حقوق واجبه پدران و مادران و برادران و خواهران را که بر گردن من است، تو بر عهده گير. ای صاحب برکت ها و آرزوها و نيازها، مرا و مردان و زنان با ايمان را بيامرز که به راستی تو صاحب نيکی ها هستی و به کسی که تو را بخواند نزديکی و هر که تو را بخواند و صدا زند اجابتش کنی، به رحمتت ای مهربان ترين مهربانان و سلام و صلوات بر محمد پسر عبدالله، خاتم پيامبران، به مهر و رحمتت ای مهربان ترين مهربانان.

خواندن اين دعا نيز در اين روز مستحب است

خدايا تو بزرگی و بزرگ تر از همه چيز هستی. خدايا به تو پناه آرم از کسی که بين من و تو فاصله کند. خدايا مرا از خير آنچه به من ارزانی داشتی محروم نگردان و بدانچه بازم داشته ای شيفته مدار. خدايا از تو خواهم بهترين چيزی را که به بندگانت می بخشی؛ از خانواده و دارايی و ايمان و امانت و فرزند سودمندی که نه گمراه شود و نه کسی را گمراه کند و فرزند بيزيانی که موجب زيان نباشد. خدايا من به تو محتاج هستم و از تو هراسانم و به تو پناه ميبرم. خدايا نامم را مبدل مساز و پيکرم را دگرگون مکن و بلايم را بيش از حد دشوار مگردان. خدايا به تو پناه می برم از ثروتی که باعث سرکشی گردد يا هوسی که به نابوديم بکشاند يا کرداری که خوارم گرداند. خدايا گناهانم را بيامرز و توبه ام را بپذير و دليلم را آشکار ساز و

عیبم را بپوشان و از خلافم درگذر و محمد و خاندان برگزیده او و پیامبران برگزیده را دوستان من قرار ده که برایم آمرزش خواهند.

خدایا به تو پناه جویم از این که سخنی بگویم که ظاهر آن فرمانبردای تو باشد، ولی پنهانی یا آشکارا بدان تظاهر کنم، یا به وسیله آن غیر از خشنودی ذات تو را بخواهم. خدایا به تو پناه می جویم از این که دیگری به آنچه به من داده ای خوشبخت تر از من باشد. خدایا به تو پناه می جویم از شر شیطان و از شر سلطان و از شر آنچه قلم ها بدان جاری می شوند. خدایا از تو کرداری نیک و زندگی برقرار و روزی فراوان می خواهم. خدایا گناهان را ثبت کرده ای و بر اسرار آگاهی و میان ما و دل ها حائل گشته ای و قلب ها رو به سوی تو کرده و خالص گشته اند و راز نزد تو آشکار است. فرمان تو به هر چه اراده فرمایی همان است که بدان بگویی: باش؛ پس [بی درنگ] موجود می شود.

خدایا به حق رحمتت از تو می خواهم که هر یک از اعضایم را تحت فرمانبرداری خویش درآوری تا بر اساس آن عمل کنم و هیچ گاه اعضایم را از اطاعت خود بیرون نکن. خدایا از تو خواهم تا به مهر و رحمتت معصیت خویش را از تمام اعضایم بیرون آوری تا دست از آن معصیت کشم و پس از آن دیگر هیچ وقت آن را به پیکرم بازنگردانی. خدایا تو درگذرنده ای و گذشت را دوست داری؛ پس از من درگذر. خدایا تو زمانی بودی که چیز محسوسی وجود نداشت و آخر هم خواهی بود. تو زنده پاینده ای، چشم ها به خواب اندر شوند و ستارگان فرو روند و ناپدید گردند ولی تو را نه خواب گیرد و نه چرت. بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و حزن و اندوه مرا برطرف گردان. خدایا در هر کاری که نگران آن هستم، فرج و گشایشی برایم قرار ده و امید خویش را در قلبم ثابت و استوار گردان تا بدان مرا از امید به خلق و غیر خودت بی نیاز کنی و تا آنکه تنها به تو اعتماد کنم.

خدایا مرا در غفلت و فراموشی وامگذار و مرا در زمره بی خبران ثبت مکن. خدایا به تو پناه میبرم از این که بندگانت را گمراه کنم و در اجابتت دچار تردید گردم. خدایا من گناهانی دارم که کتابت آن ها را برشمرده و علم تو به آن احاطه

دارد و دید من بدان نفوذ یافته و دقیقاً از آن آگاهی و فرشتگانت آن را ثبت کرده اند و من خطاپیشه گنهکاری هستم و تو پروردگار آمرزنده و نیکوپیشه ای. با توبه و بازگشت به سوی تو مشتاق شده ام و در مورد گناهان گذشته ام خواهان گذشت تو هستم، پس مرا بیامرز و از گناهان گذشته ام درگذر که تویی توبه پذیر مهربان. خدایا در دنیا و آخرت کسی را که به من رحم و مروت ندارد و کسی را که تو از او به رحم و شفقت نسبت به من سزاوارتری بر من مسلط مکن. خدایا چنان نباشد که کارهای پنهانی و عیوب و زشتی های مرا که به بزرگواری خود پوشیده ای، مجازات آن ها را از روی مکر خویش و برای امتحان تدریجی به تأخیر اندازی تا در روز قیامت مرا به آن کارها مؤاخذه کنی و در ملأ عام رسوایم سازی. در هر دو سرا از گناهان من درگذر، ای پروردگار من! که به راستی تویی بسیار آمرزنده مهربان.

خداوندا! اگر من شایسته رسیدن به رحمت تو نیستم، رحمت تو سزاوار آن است که شامل حال من گردد و مرا فرا گیرد؛ چرا که رحمت تو همه چیز را فرا گرفته است و من نیز یکی از این چیزها هستم، پس رحمتت باید مرا دربرگیرد، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا اگر هم این رحمتت را مخصوص آن بندگانی گردانده ای که از فرامینت پیروی کرده اند و بر اساس خلقت و آفرینش خود عمل کرده اند، یقیناً آن ها نیز جز به تو و توفیقی که تو به آن ها ارزانی داشته ای بدان دست نیابند، در صورتی که لطف و رحمت تو پیش از فرمانبرداریت شامل حال آن ها گردیده است، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا! ای سرور و مولای من و ای معبودم و ای مأمن و پناهگاه من و ای ذخیره و ای توان من و ای جبران کننده [شکست هایم] و ای آفریننده و روزی رسانم و ای گنجینه من، مرا نیز بدانچه مخصوص آنان گرداندی مخصوص گردان و از توفیقی که به آنان عنایت فرمودی به من عنایت فرما و چنانچه به آنان رحم فرموده ای، مرا نیز مورد رحم و مهربانی جامعه کامله فراگیر خویش قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان! ای آن که او را سرگرم نکند شنیدن دعایی از دعایی دیگر، ای کسی که زیادی درخواست کنندگان او را به اشتباه نیندازد و ای کسی که پافشاری اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد، مزه خوشایند گذشت و شیرینی آمرزش و درخواست یاد و رحمت خویش را به من بچشان.

خدایا به خاطر تمام گناهانی که به درگاهت توبه کردم ولی توبه شکستم از تو طلب بخشایش دارم، و از تو آمرزش خواهم به خاطر قولی که به تو دادم سپس آن را زیر پا گذاشتم، و از تو آمرزش خواهم برای هر کاری که به آن خشنودی تو را اراده کردم ولی اغراض دیگری به غیر از تو بدان مخلوط گشت. و از تو آمرزش خواهم برای نعمت هایی که به من ارزانی داشتی و من بدان نعمت [به جای فرمانبرداریت] بر نافرمانیت نیرو یافتم. از تو آمرزش خواهم به خاطر آنچه نزد تو حرام بوده و من آن را انجام دادم و تو آن را ثبت کردی و هوای نفس به بهانه پذیرفته شدن اجازه، مرا به آن فرا خواند. از تو آمرزش خواهم برای گناهانی که جز تو کسی از آن آگاه نیست و تنها بردباری و گذشت توست که می تواند آن را فرا گیرد، و از تو آمرزش خواهم برای هر سوگندی که در گذشته یاد کردم و آن را در محضر تو شکستم ای باشکوه ارجمند!

ای که خود را به من شناساندی، به غیر از خودت سرگرمم نساز و هر چه را از آن جز توست، از چشم ما بینداز و مرا به غیر خودت وامگذار و مرا از هر مخلوقی بی نیاز گردان، ای مهربان ترین مهربانان!

دعای پایان روز

خدایا ای پروردگار این روز و هر روز و این شب و هر شب، بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و دینم را اصلاح گردان که موجب پاکی عملم است و دنیایم را اصلاح گردان که زندگیام را در آن می گذرانم و آخرتم را اصلاح فرما که بازگشتم به سوی آن است و زندگیام را برای هر کار خیری طولانی گردان و مرگم را راحتی از هر بدی قرار ده. خدایا ای روزی رسان فقیران و ای مهرورز نسبت به بیچارگان و ای اجابتگر دعای درماندگان و ای صاحب نیروی استوار و ای پروردگار جهانیان و معبود پیامبران، مرا در رحمت خویش داخل گردان و از فضل و بخشش خویش روزیم فرما. ای کسی که تمام بندگانش را کفایت می کند ولی هیچ کس او را کفایت نکند، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در امر دنیا و آخرت مرا کفایت کن و شر آن دو را از من دفع گردان و حاجاتم را برآورده کن و به من رحم کن که به راستی تو بر هر چیز توانایی.

روز بیست و نهم

مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند: این روز روزی برگزیده و برای هر حاجتی و نیز برای خون گرفتن مناسب است. برای سایر امور و خواسته ها و کارها، روزی خوش یمن است. در این روز خداوند تعالی بر زمین مقدس خویش برکت بخشید و برای مهاجرت و خرید برده و چهارپا و دیدار با برادران و دوستان و کار نیک و حرکت مناسب، و قرض و پیش خرید و قسم در آن مکروه است و هر که در این روز به مسافرت رود مال بسیاری به دست آورد، به جز نویسنده که او را ناپسند آید و خواب این روز راست است، ولی آن را تعریف نکنند مگر یک روز بعد و هر که در این روز بیمار گردد بمیرد و هر که بگریزد پیدا شود. در این روز کسی را قسم نده و از کسی چیزی نگیر و به دیدار سلطان برو و هیچ آزاد و برده ای را در این روز نزن. هر که را در این روز گمگشتهایی داشته باشد آنان را بیابد.

در روایتی آمده که هر که در این روز بیمار گردد بهبود یابد و هر که در این روز متولد شود شایسته و بردبار گردد و در روایتی دیگر گفته شده که این روز، روز متوسطی است، نه پسندیده و نه نکوهیده، در این روز از انتقال و جابجایی پرهیز می شود.

ایرانیان گفته اند: این روز، روزی خوب و نیک است و مهاجرت و سفر و حرکت در این روز خوب است و متولد این روز شجاع خواهد شد و برای هر خواسته ای و دیدار با برادران و دوستان و فرزندان(1) و کار خیر خوب است و خواب های این روز در همان روز تعبیر می شود.

سلمان فارسی رحمه الله علیه گفته است: مار اسفند روز، نام فرشته گماشته بر وقت ها و زمان ها و خردها و گوش ها و چشم هاست و در روایت دیگری، گماشته بر دل ها.

دعای آغاز این روز



---

1- . همینطور است در کتاب آسمان و جهان ج 59 ص 88 به نقل از منبع.

خدایا ای پروردگار این روز جدید و هر روز و پروردگار این شب و هر شب، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و دینم را اصلاح فرما که به برکت آن تو را ملاقات کنم. تویی پروردگار من، معبودی جز تو نیست، اندازه های شب و روز در دست توست و اندازه های خورشید و ماه و بی نیازی و فقر در اختیار توست و مقادیر عزت و خواری به دست توست، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در دین و دنیا و آخرتم و در جسمم و خانواده و مالم به من برکت ده و در تمام آنچه روزیم کردی و نعمتم دادی، برکتم ده. خدایا شر بدکاران عرب و عجم را از من دفع کن و روزی فراخی نصیبم گردان و از آتش رهایی بخش. خدایا هر کدام از مخلوقاتت که سوء نیتی نسبت به من دارد، به واسطه تو شر او را از خود دفع می کنم، پس از روبرو و راست و چپ و از بالا و پایینش او را بگیر و نگذار که هیچ وقت از او بدی به من رسد، ای مهربان ترین مهربانان. خدایا مرا از هر نوع بدی حفظ گردان و از هر گرفتاری رهایی ده و ستمگر بی رحم را بر من مسلط نفرما که به راستی تو بر هر چیز توانایی، ای مهربان ترین مهربانان!

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و سلام و صلوات بر بهترین پیامبران، محمد پیامبر و خاندان پاک و پاکیزه او باد و ستایش خدای را که به نیروی خویش شب و روز را آفرید و به قدرت خویش بین آن ها جدایی افکند و برای هر کدام از آن ها مرزی مشخص و زمانی معین و مشخص قرار داد و هر کدام از آن ها را در یکدیگر وارد کند تا آن را برای وقت غذا و پرورش بندگان اندازه گیری کند. و شب را برای آنان آفرید تا در آن از حرکات خسته کننده و از سختی رنج کشیدن آرام گیرند و آن را همچون لباسی قرار داد تا آسایش و خواب آن را بر تن کنند تا بدین ترتیب با استراحت، خستگی خود را بر طرف کنند و نیرو یابند و بدان به خوشی و لذت و خواسته خود دست یابند و روز را برای آن ها روشن آفرید تا از فضل او [روزی] بجویند و در طلب روزی او برآیند و در جستجوی آن چیزی در زمین او رها شوند که به وسیله آن به روزی زودهنگام دنیا و نعمت دیرهنگام آخرتشان دست یابند و امور آن ها را با تمام این ها اصلاح

می گرداند و گزارش های مربوط به آن ها را رسیدگی می کند و می بیند که آن ها به وقت فرمانبرداری او و جایگاه های واجبات و موقعیت های احکام او چگونه هستند {تا کسانی را که بد کرده اند، به [سزای] آنچه انجام داده اند کیفر دهد و آنان را که نیکی کرده اند، به نیکی پاداش دهد. } (1)

خدایا تو را ستایش به خاطر این که سپیده صبح را بر ما شکافتی و ما را از روشنایی روز آن بهره مند ساختی و ما را به راه های به دست آوردن مواد خوراکی آگاه کردی و در آن ما را از حوادث زیان بار حفظ کردی و ما و جملگی اشیا در حالی صبح کردیم که همه موجودات عالم از آسمان و زمین و هر آنچه در هر یک از آن دو پراکنده است، از ساکن و متحرک آن، و مقیم و مسافر آن و هر چه در هوا بالا رود و در خاک پنهان است، همه از آن توست. ما صبح کردیم در حالی که در قبضه توییم و ملک و سلطنت تو ما را احاطه کرده و خواست و مشیتت ما را در برگرفته و از روی فرمان تو دخل و تصرف می کنیم و در عرصه تدبیر و چاره اندیشی تو در گردشیم. از امور جز آنچه مقدر فرموده ای و از خیر جز آنچه بخشیده ای، از آن ما نیست و این روزی تازه و جدید و بر ما گواهی آماده است؛ اگر نیکی کنیم با ستایش ما را وداع گوید و اگر بدی کنیم با نکوهش از ما جدا می شود.

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مصاحبت نیکوی با او را به ما روزی کن و ما را از همراهی بد با او با ارتکاب اعمال زشت و انجام گناهان کوچک یا بزرگ محفوظ بدار و در این روز حسنات ما را فراوان گردان و ما را از گناهان پاک ساز و برای ما آنچه در میان این روز جا دارد، از ستایش و سپاسگزاری و پاداش و ذخیره آخرت و فضل و احسان، پر ساز.

خداوندا زحمت ما را بر فرشتگان کاتب اعمال آسان نما و برگه های نامه اعمال ما را از حسناتمان پر ساز و ما را با اعمال زشتمان به نزد آنان خوار مساز. خداوندا در هر ساعتی از ساعات این روز بهره ای از عبادتت و نصیبی از سپاسگزاریت و گواه راستینی از فرشتگانت برای ما قرار ده.



---

1- . نجم / 31

خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ و از تمام اطرافمان محافظت فرما، آنچنان حفظی که نگهدارنده از معصیت تو و راهنمای به فرمانبرداری تو و به کاربرنده محبت تو باشد.

خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست و این روز را برترین روزی که سراغ داریم و مبارک ترین همدمی که با او همراهی کنیم و بهترین وقتی که در آن ماندگاریم قرار ده و ما را در میان خلق خود از خرسندترین افرادی که شب و روز بر آنان می گذرد، از سپاسگزارترین کسانی که از نعمت های خود به آنان بخشیده ای و قیام کننده ترین افراد به دستوراتی که مقرر کرده ای و خوددارترین آنان از آنچه که نهی فرموده و ترسانده ای قرار ده.

خداوندا تو را گواه می گیرم - و تو از نظر گواه بودن کافی هستی - و آسمان ها و زمین و جملگی فرشتگان و پیامبران و فرستادگانت و تمام مخلوقاتت را که در آن ها اسکان داده ای، در این روز و هر روز گواه می گیرم که تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، یکتایی و شریک و همتا و ضد و همدم و فرزند و وزیری نداری و برپا دارنده به عدل، عادل در داوری، دلسوز نسبت به بندگان، مهربان نسبت به خلق هستی و گواهی می دهیم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده و برگزیده از میان آفریدگان توست، بار رسالت خود را به دوش او نهادی و آن را ادا نمود و او را به خیر خواهی امتش دستور دادی و او نیز برای آنان خیرخواهی نمود. پس بهترین آن درودی را که بر هر کدام از آفریدگانت فرستاده ای بر محمد و خاندان او فرست و از جانب ما برترین و بیشترین و گرامی ترین و گسترده ترین و زیباترین پاداشی را که به هر کدام از پیامبرانت از سوی امت خود داده ای به او ببخش، که تویی مهربان و بخشنده عطاهای گران و آمرزنده گناهان بزرگ و تویی بزرگوار تر از هر بزرگوار. ای باشکوه ارجمند، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

معبودی نیست جز خدای بردبار بخشنده. معبودی نیست جز خدای بلند مرتبه بزرگ. منزه است پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار زمین های هفتگانه و هر چه در آن ها و میان آن هاست و پروردگار عرش بزرگ. ستایش خدای را که

پروردگار جهانیان است. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است و هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خدای والای بزرگوار. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و بر من لباس عافیت بپوشان تا زندگی بر من شیرین گردد و کارم را به خیر و آمرزش ختم کن تا گناهان به من زیان نرسانند و از پیشآمدهای ناگوار دنیا و غم و اندوه آخرت رهاییم بخش تا زمانی که به رحمت خویش مرا در بهشت وارد گردانی که تو حقیقتاً بر همه چیز توانایی.

خدایا تو نهان درونم را می دانی پس پوزشم را بپذیر. حاجتم را نیز می دانی پس خواسته ام را برآور. تو به راز دلم آگاهی پس گناهانم را بیامرز. خدایا تویی پروردگار و منم پروریده، تویی صاحب و منم زیردست، تویی باعزت و منم خوار، تویی زنده و منم مرده، مرا برای مرگ آفریدی؛ و تویی توانا و منم ناتوان، تویی بی نیاز و منم نیازمند، تویی باقی و منم فانی، تویی بخشنده و منم خواهان، تویی آمرزنده و منم گنهکار، تویی سرور و آقا و منم بنده و تویی دانا و منم نادان. با نادانی خود نافرمانی تو را کردم و از کم خردی مرتکب گناهان شدم و به خاطر نادانی، دنیا مرا سرگرم خود ساخته و از روی نادانی فریفته زیور آن گشتم و از یاد تو غافل شدم و تو مهربان ترین مهربانانی و از خود من نسبت به من مهربان تری و بیش از خودم به من نظر و لطف داری، پس مرا از نفس خودم مراقبت کن و مرا بیامرز و به من رحم کن و از آنچه می دانی درگذر.

خدایا روزیم را فراخ گردان و عمرم را طولانی کن و گناهانم را بیامرز و مرا از کسانی قرار ده که از آن ها برای دین خویش یاری می جویی و دیگری را جایگزین من نکن، ای مهربان، ای عطابخش، ای زنده، ای پاینده. دلم را تنها به یاد خود مشغول گردان و لباس عافیتت را بر من بپوشان. معبودی جز تو نیست، خدایا ای پروردگار آسمان های هفتگانه و هر چه بر آن سایه افکنده اند و آنچه در آن ها و میان آن هاست و ای پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه بر خود دارند و پروردگار دریاها و آنچه در ژرفنای آن هاست و پروردگار کوه های استوار و آنچه در اطراف آن هاست. تویی پروردگار هر چیز و وارث آن و آفریدگار هر چیز و فانی کننده آن و دانای به هر چیز و چیره بر هر چیز که دانشت همه چیز را فرا گرفته است و

روزی رسان به هر چیز. از تو خواهم به قدرتت بر همه چیز که بر محمد و خاندان او درود فرستی و دعایم را مستجاب گردانی. به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان!

خداوندا! ای پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه در آن ها و میان آن هاست و ای پروردگار سبع المثانی و قرآن بزرگ و پروردگار جبرییل و میکاییل و اسرافیل و پروردگار جملگی فرشتگان و پروردگار محمد، خاتم جمله پیامبران و فرستادگان! بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و مرا از خدمتگزاری بندگان خویش بی نیاز گردان و در شب و روز مرا تنها به عبادت خویش مشغول کن و کفایت و قناعت پیشگی و یقین راستین را در توکل بر خود روزیم گردان.

خدایا از تو خواهم به حق اسمت که آسمان های هفتگانه و هر چه در آن ها و هر چه میان آن هاست، همه بدان استوار است و زندگان را بدان روزی دهی و وزن کوه ها و پیمانه دریاها و شماره شن ها را بدان برشمری و مردگان را بدان زنده کنی و زندگان را بدان بمیرانی و انسان خوار را بدان عزیز گردانی و عزیز را بدان خوار کنی و هر چه خواهی بدان انجام دهی و بدان به چیزی بگویی باش و می شود و چون خواستاری بدان از تو چیزی خواهد، خواسته اش را بدو دهی؛ از تو خواهم به حق اسم اعظم اعظمت که چون خواستاران بدان از تو چیزی بخواهند خواسته شان را بدانها دهی و چون دعاگویان بدان نام به درگاهت دعا کنند اجابتشان گردانی و چون پناه جویان بدان به تو پناه آورند در پناهشان گیری و چون درماندگان تو را بدان خوانند نجاتشان دهی و چون شفاعت کنندگان به وسیله آن به درگاهت شفاعت آورند شفاعتشان را بپذیری و چون فریادخواهان بدان از تو فریاد خواهند به فریادشان رسی و چون فراریان بدان نام تو را صدا کنند صدایشان را بشنوی و یاریشان کنی و چون توبه کنندگان بدان به درگاهت روی کنند توبه شان را بپذیری.

من نیز از تو خواهم ای سرور و مولا و معبود من و ای نیرو و امید و پناه و تکیه گاه و مایه افتخار من و ای توشه من برای دین و دنیا و آخرتم، به نام بزرگ ترت و تو را بدان نام می خوانم برای گناهی که جز تو کسی آن را نیامرزد و برای گرفتاری ای که جز تو کسی آن را برطرف نسازد و برای زیانی که جز تو کسی توان برطرف کردن آن را از من ندارد و برای گناهانی که به واسطه آن ها به مبارزه با

تو برخواستم و به هنگام ارتکاب آن گناهان، کمتر از تو شرم کردم و اکنون این منم که با گناه و خطا و نداری و نیاز به درگاهت روی آورده ام، در حالی که زمین با همه وسعت خویش بر من تنگ آمده و آمرزنده ای جز تو برای گناهم نمی یابم و برای گرفتاریم جبران کننده ای جز تو نمی بینم و برطرف کننده ای برای زیانم جز تو نیست.

من نیز همان سخن را که بنده ات یونس صاحب ماهی گفت، هنگامی که توبه اش را پذیرفتی و او را از اندوه رهانیدی، می گویم، بدان امید که توبه ام را بپذیری و مرا از گناهان رهایی بخشی: ای آقای من ! معبودی جز تو نیست، منزهی تو و من به راستی از ستمکاران بودم. ای سرور و مولای من، من نیز به حق اسم بزرگ اعظمت از تو خواهم که دعایم را مستجاب گردانی و خواسته من را به من ببخشی و به رحمت خود و در تندرستی از جانب خودت گشایشی زود هنگام به من ارزانی داری و در کامل ترین نعمت و بزرگ ترین سلامتی و بهترین روزی و گشایش و آسایش و در تمام نعماتی که پیوسته بدان عادتم داده ای، مرا از هراس ایمن داری ای معبود من ! [و از تو خواهم] که سپاس را بر آنچه به من ارزانی داشته ای روزیم گردانی و تا پایان عمرم آن را بر من تمام گردانی و به وقت مردن از گناهان و اشتباهات و اسرافم [بر خودم] و بزهکاریم درگذری تا سعادت دنیایم را به نعمت آخرتم متصل گردانی.

خدایا مقدرات شب و روز و و زمین و اندازه های خورشید و ماه و نیکی و بدی در دست توست، پس خدایا ! در دنیا و آخرتم و در تمام امورم - خدایا - به من برکت ده. خدایا معبودی جز تو نیست، وعده تو حق و دیدارت حق است. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روزی پاکیزه ات را بر حسب بخشش و کرم خویش بر من فراخ گردان.

خدایا تو مسئولیت روزی من و هر جنبنده ای را بر عهده گرفته ای، ای بهترین فراخوانده شده و بهترین درخواست شده. ای وسیع ترین بخشنده و بهترین منبع امید، روزی من و خانواده ام را فراخ گردان. خدایا در آنچه از دستور حتمی خود حکم و مقرر فرموده ای و در آنچه از فرمان حکیمانه ات در شب قدر تقسیم کنی، از قضایی که بازگشت ندارد و تغییر ناپذیر است، از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود و

رحمت و برکت فرستی آنچنان که بر ابراهیم و خاندان او درود و برکت و رحمت فرستادی که به راستی تویی ستوده بزرگوار و [از تو خواهم که] نام مرا در زمره حاجیان بیت الله الحرام بنویسی که حجشان مقبول، سعیشان مورد سپاس، گناهانشان آمرزیده، کارهای بدشان بخشوده شده، روزیشان فراخ گشته، تن هایشان تندرست و از ترس در امان هستند و [از تو خواهم] در آنچه حکم و مقدر فرموده ای، عمرم را طولانی بداری و به روزیم وسعت بخشی.

ای کسی که پیش از هر چیز بوده و ای هستی بخش هر چیز و ای که پس از هر چیز خواهی بود. دیدگان به خواب روند و ستارگان تیره و تار کردند و تو زنده و پاینده ای هستی که نه خوابی سبک تو را گیرد و نه خوابی سنگین.

خدایا از تو خواهم به شکوه ذاتت و بردباری و بزرگواری و کرمت که بر محمد و خاندان او درود فرستی و پدر و مادرم را بیامرزی و رحمتی گسترده بر آنان بفرستی، به راستی که تو مهربان ترین مهربانانی! خدایا از تو خواهم بدین روی که تو پادشاهی و از تو خواهم بدین روی که تو بر همه چیز توانایی و از تو خواهم بدین روی که هر کاری بخواهی خواهد شد، که مرا و برادران با ایمان مرا ببخشی که به راستی تویی رئوف مهربان.

سپاس خدایی را که ما را در میان گرسنگان سیر گرداند و میان برهنگان پوشانید و سپاس خدایی را که ما را در میان بی مأوایان پناه داد و سپاس خدایی را که ما را در میان خوارشدگان گرامی داشت و سپاس خدایی را که ما را در میان هراسناکان امنیت بخشید و سپاس خدایی را که در میان گمراهان هدایتمان کرد. ای پناه مؤمنان! امیدم را ناامید مگردان. ای فریادرس فریاد خواهان! به فریادم برس. ای یاور مؤمنان! مرا یاری کن. ای اجابتگر توبه کنندگان! توبه ام را بپذیر که حقیقتاً تویی توبه پذیر مهربان.

بس است مرا پروردگار از بندگان. بس است مرا مالک از مملوکان. بس است مرا آفریدگار از آفریدگان. بس است مرا زنده ای که نمیرد. بس است مرا روزی رسان از روزی گیرندگان. بس است مرا کسی که همیشه مرا بس است. خداوند مرا بس است و او نیکو حمایتگری است. معبودی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگ تر

است. معبودی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگ تر است، بزرگ و مبارک از آغاز تا پایان روزگار.

معبودی جز خدای یگانه نیست، پروردگار و مهرورز به همه چیز. معبودی جز خدای یگانه نیست که در جاودانگی بقای او، زنده ای با او نیست، پاینده ای که چیزی از دستش نرود و بر او گران نیاید. معبودی جز خدای یگانه نیست که بعد از هر چیز باقی و آخر همه چیز است، جاویدی که پادشاهیاش را نابودی و زوالی نیست. بی نیازی که نه شبیهی دارد و نه مانندی. معبودی نیست جز خدای یگانه، هیچ چیز همتای او و هیچ چیز به وصفش نزدیک نیست. بزرگی که دل ها به عمق بزرگیاش راه نیابند. معبودی نیست جز خدای آفریننده و پدیدآورنده بدون نمونه ای که پیش از آن از دیگری سر زده باشد. به قداست خود از هر آفتی پاک است. معبودی نیست جز خدایی که با لطف و کرمش بخشش های خویش را بر مخلوقات خود وسعت بخشد. خدای پاک از هر ستمی که بدان راضی نیست و کارهایش بدان مخلوط نگردد. معبودی نیست جز خدایی که مهر و رحمت او همه چیز را فرا گرفته است. عطابخش صاحب احسان که بخششش تمام مخلوقات را شامل شده است.

معبودی نیست جز خدای اجر دهنده به بندگان و همگی از عظمت او فروتنانه به پا خاسته اند. آفریننده هر که در آسمان ها و زمین است و بازگشت همگی به سوی اوست. معبودی نیست جز خدای مهربان بر هر فریادخواه و گرفتار و فریادرس و پناه او. پروردگارا! زبان ها را یارای وصف تمام جهات شکوه پادشاهی و عزت تو نیست. معبودی نیست جز خدای پدید آورنده موجودات که در آفرینش آن ها از هیچ کمک کاری از مخلوقاتش کمک نخواست و دانای به غیب است و نگهداری ذره ای از آن از دست او نرود. معبودی نیست جز خدای بازگرداننده هر چه آغاز کرده، آن هنگام که مخلوقات با دعوت او از هراسش گرد آیند.

معبودی نیست جز خدای شکست ناپذیر والای چیره در امر خود و چیزی با او برابری نمی کند. معبودی نیست جز خدای ستوده کردار و صاحب بخشش بر تمام آفریدگانش. معبودی نیست جز خدای سخت انتقامی که کسی را طاقت انتقامش نیست. معبودی نیست جز خدایی که در بلندی مقام والاست و فراتر از هر چیزی

است. معبودی نیست جز خدای جبار که همه چیز را به قدرت عزت و سیطره اش خوار و زبون ساخته است. معبودی نیست جز خدا روشنی و مایه هدایت هر موجود. معبودی نیست جز خدای مقدس و آشکار بر هر چیز که چیزی با او برابری نکند. معبودی نیست جز خدای شکست ناپذیر اجابتگر نزدیک که معبودی نیست جز خدای بلند مرتبه که مقامش در آسمان شامخ و بلندی رتبه اش فراتر از هر چیزی است. معبودی نیست جز خدای پدیدآورنده مخلوقات و بازگرداننده آن ها به قدرت خویش پس از نابودیشان. معبودی نیست جز خدای باشکوه بزرگ برای هر چیز که اساس کارش بر عدالت و وعده اش راستین است. معبودی نیست جز خدای ستوده که وهم و پندارها به جملگی ثنا و بزرگی او نرسند. معبودی نیست جز خدای بخشنده باگذشتی که گذشتش همه جا را فرا گرفته است. معبودی نیست جز خدای عزتمند بزرگواری که عزتمندی او به خواری بدل نگردد. معبودی نیست جز خدای شگفتی که زبان ها را یارای توصیف نعمت ها و ثنای او نیست و او چنان است که خود ثنای خویش گفته و به وصف خویش پرداخته است. خدای بخشاینده مهربان، حق آشکار، برهان عظیم، خدای دانای سنجیده کار، خداوند، پروردگار بخشنده، خداوند سلامت[بخش و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود] نگهبان، عزیز، جبّار [و] متکبّر، خداوند صورتگر تک، نور است و روشنایی از اوست. خداوند ستوده بزرگ، هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

دعای پایان آن

خدایا، ای پروردگار این شب و هر شب، از تو خواهم به رحمتت که همه چیز را فرا گرفته است و همه چیز وامدار آن است، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گناهانی را که روزی ها را قطع می کنند بیامرز و از گناهانی که موجب هتک حرمت ها می شوند درگذر و گناهانی را که موجب پیروزی دشمنان می شود بیامرز و گناهانی را که امید را قطع می کنند بیامرز و گناهانی را که خواری زودهنگام به بار می آورند و گناهانی را که موجب پرده دری می گردند بیامرز. رحمتت بر خشمت پیشی گرفته و دانشت بر همه جا نفوذ کرده و برهانت رسیده و چون سائلت از تو چیزی بخواهد ناامید بازنگردد. خدایا تویی مرجع هر شکایت و گواه بر هر نجوا و

ص: 399

فریاد هر فریادخواه و اجابتگر دعای درماندگان، بر محمد و خاندان او درود فرست و با من چنان کن که خود شایسته آنی، ای مهربان ترین مهربانان !

روز سی ام

مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند: این روز، روزی برگزیده و خوب و برای هر کار و خرید و فروش و کشاورزی و کاشت درخت و ساخت و ساز و ازدواج و مسافرت و حجامت مناسب است.

در روایتی دیگر آمده است: در این روز به مسافرت نرو و دست به کار دیگری هم نزن مگر به معامله. در این روز کمتر جابجا شو و مسافرت در این روز بد است و هر که در این روز متولد شود بردبار و پربرکت خواهد بود و تربیتش دشوار است و بداخلاق می گردد. رزقی روزیش شود که مال دیگری باشد و بهره ای از آن نبرد.

در روایتی دیگر آمده است: هر که در این روز زاده شود از هر امری که او را آزار می دهد نجات می یابد و متولد این روز مبارک و شایسته گردد و به جایگاه والایی رسد و شأن و مقامش رفیع گردد. اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام در این روز زاده شده و خداوند در این روز خرد را آفرید و آن را در سرهای هر کدام از بندگانش که آنان را دوست داشت جای داد. هر که در این روز بگریزد دستگیر شود و هر که در این روز گم شده داشته باشد بیابد و هر که در این روز قرضی بگیرد به سرعت آن را پس دهد و هر که در این روز بیمار گردد به زودی بهبود یابد.

مولا امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند: هر که در این روز متولد شود بردبار و مبارک و راستگو و امانت دار باشد و جایگاه و مقامش والا گردد و هر که در این روز چیزی را گم کند، به اجازه خدای بزرگ آن را بیابد.

ایرانیان گفته اند: این روز، روزی سبک است و سایر کارها و اقدامات در این روز پسندیده است و برای نوشیدن داروهای ملین خوب است.

سلمان فارسی رحمه الله علیه گفته است: انیران روز، نام فرشته گماشته بر روزگار و زمانه است.

دعای آغاز این روز

خدایا، ای پروردگار این روز جدید و هر روز و معبود هر که در آسمان های هفتگانه و معبود هر که در زمین های هفتگانه است، معبودی جز تو در این ها نیست و تویی معبود جبرییل و میکاییل و اسرافیل، معبود هر چیز و پروردگار هر چیز. رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد. از تو خواهم به نام های نیکو و نمونه های والایت و به کلمات تامه و مستجاب و مبارکت و به هر نامی که مخصوص توست در تورات و انجیل و زبور و فرقان و در مثانی و صحیفه های پیشین و به هر چه کتابت آن را بر شمرده و بدانچه تو به شمارش آن داناتری و بدانچه به آن سوگند یاد کردی، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از شیطان رانده شده و از دوستان او و از ترغیب و تشویق آنان و خیالات شیطانی و شرورشان و از تحریک و زیان آنان و از شر هر جنبنده ای که تو زمام اختیارش را در دست داری حفظ گردان. به راستی که تو بر همه چیز توانایی و به راه راستی، ای مهربان ترین مهربانان.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

به نام خداوند بخشاینده مهربان. ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمد خاتم پیامبران و سرور فرستادگان و جلودار کسانی که با گرفتن وضو سر و روی خود را نورانی کرده و پیشوای پرهیزکاران و بهترین فرزند آدم و عروج کننده به آسمان که مورد خطاب پروردگارش در آسمان قرار گرفت، آن هنگام که نزدیک و نزدیکتر شد تا [فاصله اش] از پروردگارش به قدرِ [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر رسید. خدایا بر فرشتگان مقرب خود و بر تمام فرستادگانت و بر همه کسانی که از آنان پیروی کرده اند و به تو ایمان آورده اند تا روز رستاخیز درود فرست. خدایا با تو صبح کردم و با تو حرکت کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو اسلام آوردم و به تو مبارزه کردم و بر تو توکل نمودم و به درگاه تو توبه کردم، و صبح کردم بر سرشت اسلام و واژه اخلاص و سنت پیامبرمان محمد بن عبدالله و آیین پدرمان ابراهیمِ یکتاپرست که تسلیم خواست تو بود و از مشرکان نبود. خدایا ستایش تو راست، ستایشی جاوید که نه قطع گردد و نه پایان پذیرد و ستایش خدایی را که نه بخشش او را جلوگیری است و نه عطای او را مانعی و نه

ساخته هیچ سازنده ای همچون ساخته اوست و او بخشنده وسعت بخش است. انواع پدیده های نو را آفرید و به حکمت خویش ساخته های خویش را به خوبی و با مهارت ساخت. نه لشکرها از او پنهان است و نه امانت ها را تباه می گرداند و به هر سازنده ای کفایت کند و به هر محرومی روزی می دهد و به هر انسان زبونی رحم کند. سودها و کتاب کامل و جامع را با نوری فروزان فرود آورد، آن که شنونده دعاها و بالا برنده کردارهای بزرگ منشانه و سرکوبگر ستمکاران است و معبودی جز او نیست و چیزی پس از او نیست. هیچ چیز مانند او نیست و او شنوای بینا و دقیق و آگاه و بر همه چیز تواناست.

خدایا من به تو اشتیاق دارم و برایت گواهی می دهم و اعتراف می کنم که تویی پروردگار من و بازگشتم به سوی توست. پیش از آنکه چیزی درخور یادکرد باشم، با نعمات خویش مرا آغاز کردی و مرا آفریدی و حال آنکه من از خاک بودم و مرا در صلبها اسکان دادی و از حوادث اضطراب آور روزگار و گذر ایام در امان بودم و همواره در روزگاران قدیم گذشته و قرون سپری شده، از پشتی به پشتی و به رحمی در حال انتقال بودم و به لطف و احسان خویش مرا در حکومت سردمداران کفر که عهدت را شکستند و پیامبرانت را تکذیب کردند بیرون نیاوردی، بلکه از روی مهرورزی و محبت خویش بر من، مرا در مسیر هدایتی خارج کردی که سابق بر این برایم هموار گرداندی و به خاطر محبتی که نسبت به من داشتی، با آفرینش نیکو و نعمت فراوانت از قبل مرا بر اساس آن آفریدی.

مرا از منی ای که [در رحم] ریخته می شود آفریدی، سپس در تاریکی های سه گانه بین رحم و پوست و خونی [مشیمه، رحم و شکم] آفریدی که نه آفرینشم را پرآوازه کرد و نه ذره ای از کارم را به من واگذاشتی، سپس تمام و کمال و درست مرا به دنیا آوردی و در گهواره هنگامی که کودکی خردسال بودم مرا حفظ فرمودی و شیری گوارا را از میان غذاها روزیم ساختی و دل های دایه ها را نسبت به من نرم کردی و مادران مهربان را عهده دارم گرداندی و مرا از بلاهای کوبنده روزگار حفظ فرمودی و از زیاده و کمبود به سلامت داشتی، بزرگی ای پروردگار ما، ای مهربان ترین مهربانان.

ص: 402

تا این که وقتی شروع به صحبت کردم نعمتت را بر من تمام کردی و هر سال بیشتر تربیتم کردی تا این که سرشتم را کامل نمودی و نیرویم را متعادل ساختی و حجتت را بر من واجب کردی، به این صورت که شناختت را به من الهام کردی و با شگفتی های رحمت خویش مرا به حیرت وا داشتی و با آنچه در زمره آفریدگان تازه خویش در آسمان و زمینت خلق کردی، مرا [از خواب غفلت] بیدار کردی و سپاس و یاد خویش را به من یادآوری فرمودی و فرمانبرداری و پرستش خویش را بر من واجب کردی و آنچه را که فرستادگانت آورده بودند به من فهماندی و با یاری و لطف خویش، با تمام این نعمات بر من منت نهادی.

سپس - پروردگارا - مرا در گرمای زمین آفریدی و به نعمتی کمتر از این راضی نشدی - معبودا - مگر این که مرا زنده گردانی و به بخشش بزرگ و احسان دیرینه خود از انواع روزی و اقسام زینت روزیم کنی تا این که تمام نعمت ها را بر من کامل گردانی و نادانی و جسارت من بر تو مانع از آن نشد که مرا بدانچه به تو نزدیکم کند راهنماییام کنی و بدانچه موجب تقرب به درگاهت شود توفیقم دهی. اگر تو را خواندم اجابتم کردی و اگر از تو خواستم به من بخشیدی و اگر فرمانبرداریت کردم مرا سپاس گفتی و اگر سپاست را به جای آوردم بر من افزودی و اگر نافرمانیت کردم بر من پوشاندی، همه این کارها را برای کامل کردن نعمات و احسانت بود.

پس منزهی تو منزهی تو، ای آفریننده، ای ستوده و بزرگوار. نام هایت مقدس و نعماتت بزرگ است، کدام یک از نعماتت را به شماره درآورم یا آن ها را نام ببرم یا بر کدام بخششت سپاس به جای آورم ای مولا و معبود من، در صورتی که بیشتر از آن است که شمارندگان آن را بشمارند یا دانش حفظ کنندگان بدان رسد ای پروردگار من! سپس غم و اندوه و زیان و ناخوشی را که از من دور کردی، بیشتر از سلامت و خوشی ای است که بر من نمایان شده است.

و من گواهی می دهم - معبودا - بر حقیقت ایمان و یقین معرفتم و توحید خالصانه و آشکارم و باطن پنهان نهادم و پیوست های مجراهای نور چشمم و خطوط صفحه پیشانیم و آنچه لبانم بر آن جمع شود و حرکات تلفظ زبانم و آزادگیری های

پرده صماخ گوشم و محل روییدن دندان هایم و مایه گوارایی خوردن و نوشیدنم و بارگیری مغز سرم و رسایی رگهای گردنم و آنچه درون قفسه سینه ام و با رگهای قلبم و آویزه پرده دلم و پاره های گوشه و کنار جگرم و آنچه خمیدگی های دنده هایم و برآمدگیهای مفاصلم و سر انگشتانم و انقباض خمیدگی های عضلات بدنم و گوشتم و خونم و مویم و پوستم و عصبم و ساقم و استخوان هایم و مغزم و رگ هایم و تمام اعضای بیرونی و درونیم و آنچه در دوران شیر خوارگیم بر من روییده و آنچه زمین از من در خواب و بیداریم و بی حرکتی و جنبشم و حرکات رکوع و سجودم بر خود داشته، که اگر در تمام روزگار و دوران های تاریخ بکوشم و تلاش کنم، به فرض این که عمر کنم، تا ذره ای از سپاس یکی از این نعمت هایت را به جای آورم باز هم نخواهم توانست، مگر به منت تو که به واسطه آن سپاس جدید دیگر یا ستایشی تازه و حاضر بر من لازم گشته است.

آری ! اگر من و شمارندگان از میان مردمت حریص باشیم که گوشه ای از نعمت بخشی گذشته و آینده تو را به شماره درآوریم، نه شمار آن را توانیم و نه آمار دوران آن را. دور باد ! چگونه این کار ممکن است و حال آنکه تو در کتاب راستین و بیان درستت از آن خبر داده ای و اگر نعمت[های] خدا را شماره کنید، آن را نمی توانید بشمارید. خدایا کتاب تو و خبرت راست است و پیامبران و فرستادگانت آنچه را از وحی خویش بر آنان نازل فرمودی ابلاغ کردند و برای آنان و ما از دینت تشریع کردی.

اما ای خدای من، با کوشش و تلاش و سعیم و تمام توان و وسعم از روی ایمان و یقین می گویم: ستایش خدای را که نه فرزندی برگرفته که از او ارث برند و نه در جهانداری خود شریکی دارد که در آنچه آفریده با او مخالفت کند و نه سرپرستی از روی خواری دارد که در آنچه سازد او را کمک رساند. منزه است. اگر در آن دو (آسمان و زمین) معبودانی جز خدا بود، یقیناً تباه می شدند. منزه است خدای یگانه یکتا و زنده بی نیاز، نه زاده و نه زاده شده و هیچ کس همتای او نیست. ستایش خدای راست، ستایشی که با ستایش فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده او برابری می کند و درود خدا بر سرورمان محمد و خاندان پاک و پاکیزه او باد.

ص: 404

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از تو خواهم ثبات قدم در کار و یاری برای هدایت و از تو خواهم سپاس بر نعمتت و پرستش درستت را و از تو خواهم دلی فروتن و سالم و زبانی راستگو و از تو خواهم از انواع خیر، آنچه را ما می دانیم و آنچه را ما نمی دانیم و از تو خواهم آنچه را که تو می دانی که به راستی تو بر همه چیز توانایی و تو دانای به نهان و غیبی و عیب پوش و برطرف کننده زیان ایوب و اندوه یعقوب هستی.

خدایا مرا از مکر خویش ایمن نکن و عیبم را آشکار مکن و رحمتت را از من باز نگردان و خشمت را بر من فرود نیاور. خدایا مرا از راست گفتاران، نیکان، برگزیدگان و پرهیزکاران قرار ده. به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان. خدایا چنان کن که من از تو بهراسم تا جایی که گویی تو را می بینم و با تقوایت مرا سعادتمند کن و مرا به نیت خویش نگون بخت نگردان و در مقدرات خویش برایم خیر مقدر کن و در روزیت بر من برکت ده تا تأخیر آنچه را برایم به پیش انداخته ای و پیش انداختن آنچه را به تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشم. خدایا بی نیازیم را در نفسم و یقین را در قلبم و بصیرت را در دینم و روشنی را در چشمم قرار ده و مرا از اعضایم بهره مند گردان و گوش و چشمم را وارثان من قرار ده و مرا بر ضد کسی که بر من ستم روا داشته یاری کن. خدایا گرفتاریم را برطرف فرما و عیبم را بپوش و خطایم را بیامرز و شیطانم را دور کن و گرویم را آزاد کن. بار خدایا، درجه والا را در آخرت برایم قرار ده.

خدایا تو را ستایش، آنچنان که مرا آفریدی و شنوا و بینایم گردانیدی و تو را ستایش، آنچنان که مرا آفریدی و با مهرورزی خود نسبت به من، مرا انسانی درست گرداندی، با آنکه از آفریدن من بی نیاز بودی. پروردگارا ! همان طور که مرا پدید آوردی، آفرینشم را معتدل نمودی. پروردگارا ! همان طور که مرا پدید آوردی، نقشم را نیکو کشیدی. پروردگارا به خاطر نیکی ای که به من کردی و درباره خودم و سلامتیام، پروردگارا برای این که توانایم کردی و رفعتم بخشیدی، پروردگارا به خاطر نعمتی که به من ارزانی داشتی و هدایتم کردی، پروردگارا به خاطر این که پناهم دادی و از هر خیری به من بخشیدی، پروردگارا از این که غذایم دادی و

سیرابم کردی، پروردگارا از این که بی نیازم گرداندی و عزتم بخشیدی، پروردگارا از این که از پوشش حلال خویش بر من پوشیدی و بخشش و روزی کافی خویش را برایم هموار کردی، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا در پیشامدهای ناگوار روزگار و گردش روزها و شب ها یاریم فرما و مرا از هول و هراس دنیا و گرفتاری های آخرت نجات ده و از شر کردار ستمکاران در روی زمین رهایی بخش.

خدایا، از شر هر چه در مورد خودم و دینم می ترسم و از آن برحذر هستم کفایتم کن و مرا در مسافرت و در وطن از زیان ها حفظ کن و در نبودنم در خانه، جانشینم در نگهداری از خاندان و مالم باش و در هر چه روزیم کرده ای برکت ده. پروردگارا در پیش خودم خوارم کن ولی در مقابل چشمان مردم بزرگم نما و از شر جن و انس به سلامتم دار و به سبب گناهانم رسوایم نکن و به خاطر باطنم خوارم نساز و برکات و بخششی را که به من ارزانی داشته ای از من نگیر و مرا به غیر خود وامگذار.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و با خشنودی از آنچه رخ می دهد و از من سر می زند و با مشتاقانه ترین حال برای بودن در برابرت، جانم را بستان. خدایا مرا مورد نکوهش هیچ دشمن و حسودی قرار نده. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنچنان که آدم را برگزیدی و توبه او را پذیرفتی، توبه ما را بپذیر. و همان طور که بنده ات نوح را از غرق شدن نجات دادی و او را در کشتی های نجات حمل کردی، ما را نیز نجات ده. و آنچنان که هود را از باد سترون عذاب

رهایی بخشیدی ما را نیز رهایی ده. و چنانچه بدی و زشتکاری را از یوسف بازداشتی، از ما نیز بازدار. و چنانچه زیان و بلا را از ایوب برطرف کردی، زیان و بلای ما را از ما برطرف کن. و همان طور که یونس را از شکم ماهی نجات دادی و او را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آوردی و دعای او را مستجاب فرمودی و از اندوه رهانیدی، ما را نیز برهان. و همان طور که خواسته موسی و هارون را به آنان بخشیدی، درخواست ما را نیز عطا فرما. و چنانچه عیسی بن مریم را با روح القدس تأیید کردی، ما را نیز به آنچه تو دوست داری و بدان راضی هستی تأیید

فرما. و چنانچه گناهان گذشته و آینده پیامبرمان محمد را - که درودت بر او باد - آمرزیدی، گناهان ما را نیز بیامرز. و آنچنان که بنده و فرستاده خویش و خاتم فرستادگانت محمد بن عبدالله را به وسیله علی بن ابی طالب و دو فرزندش، حسن و حسین تأیید فرمودی، ما را نیز از جانب خویش به خیر و نیکی تأیید فرما و عاقبتمان را به هر چه می خواهی و اراده می کنی ختم فرما. گناهانمان را بیامرز؛ زیرا به راستی تنها تویی که گناهان را می آمرزی.

خدایا گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکار و زیاده روی ما و هر چه را که تو بدان از ما داناتری را بیامرز که تو مقدم دارنده و متأخر دارندهای! معبودی جز تو نیست. ما را بیامرز، آمرزشی که خشمی بعد از آن نباشد و خدایا در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیکی کن و خشنودی و بهشت خویش را به ما عطا فرما و ما را از عذاب آتش حفظ فرما. به مهرورزیت ای مهربان ترین مهربانان. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و با ترک همیشگی معصیت ها، تا زنده ایم به ما مرحمت فرما. به من رحم کن از اینکه خودم را برای چیزی به زحمت اندازم که برایم اهمیت و فایده ای ندارد. خوش بینی در چیزهایی که تو را از من راضی می سازد، روزی ام فرما.

خدایا ای آفریننده آسمان ها و زمین، ای باشکوه ارجمند و ای عزتمند پایدار، از تو خواهم خدایا به شکوهت و به نور ذاتت که حفظ کتابت را به قلبم الهام کنی، آنچنان که آن را به من آموختی و این سعادت را روزیم کن که از آنچه خشنودت نمی سازد دوری کنم. خدایا تویی آفریننده آسمان ها و زمین، باشکوه ارجمند و صاحب عزتی که پایدار است. از تو خواهم ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای مهربان و از تو خواهم به شکوهت و نور ذاتت که با کتاب خویش دیده ام را نورانی گردانی و زبانم را به کتابت گویا کنی و سینه ام را بگشایی و به وسیله آن اندوه را از دلم برطرف گردانی و آلودگی بدنم را بدان بشویی؛ به راستی که هیچ کس جز تو مرا از خلق بی نیاز نگرداند و هیچ کس به غیر از تو آن را به من نبخشد. هیچ نیرو و قوتی نیست جز به خداوند بلندمرتبه بزرگ.

خواندن این دعا نیز در این روز مستحب است

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و سینه مرا بر دین اسلام بگشا و مرا به نور ایمان زینت بخش و خشنود گردان و لباس پرهیزکاری بر من بپوشان و مرا از عذاب آتش حفظ فرما.

هفت بار این دعا را می خوانی و حاجتت را از خدای عزوجلّ می خواهی سپس می گویی:

خدایا، پروردگارا، تو همو هستی پروردگارا! ای پاکیزه، ای پاکیزه، ای پاکیزه، از تو می خواهم به حق اسم اعظمت - الله - که معبودی جز او نیست و او حق آشکار است. زنده پاینده ای که نه خوابی سبک تو را فرا می گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آنِ توست. {کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند. کرسیِ او آسمان ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آن ها بر او دشوار نیست و اوست والایِ بزرگ.} (1) از تو می خواهم که بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرستی در میان پیشینیان، و بر محمد و خاندان او درود فرستی در بین پسینیان، و بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرستی پیش از هر چیز، و بر محمد و خاندان او درود فرستی پس از هر چیز و به تعداد هر چیز، و بر محمد و خاندان او درود فرستی در شب چون تاریکی اش را فرو پوشد، و بر محمد و خاندان او درود فرستی در روز چون روشنی گیرد، و بر محمد و خاندان او درود فرستی در دنیا و آخرت و تمام آنچه را برای آخرت و دنیا از تو می خواهم به من ببخشی. ای زنده در آن وقت که زنده ای نبود، و ای زنده پیش از هر زنده ای و پیش از هر چیز و پیش از هر کس، و ای زنده پس از هر زنده ای، معبودی جز تو نیست، ای پاینده، به مهر و رحمتت از تو فریاد خواهم، بر محمد و خاندان او درود فرست و به فریادم برس و تمام امور و اسبابم را اصلاح فرما و مرا به قدر چشم بر هم زدنی به خود وامگذار. سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است و شریکی ندارد.



---

1- بقره / 255

- این ذکر را چهار مرتبه می گویی - پروردگارا، تو برای من هستی و نسبت به من مهربانی، ای پروردگارم، تکیه گاه و همراه من باش. پروردگارا از تو می خواهم به حق آنچه عرش تو از بزرگی و شکوهت حمل کرده، که با من آن کنی که تو شایسته آنی و نه آنچه را من شایسته آن هستم که تو سزاوار تقوی و آمرزش هستی. خدایا ستایشت کنم، ستایشی ستوده و تنها بر تو توکل کنم و از توی یگانه آمرزش خواهم و گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست، گواهی که عمرم را با آن به پایان برسانم و بدان به دیدار پروردگارم بشتابم و بدان وارد قبرم شوم و در تنهاییام با آن خلوت کنم.

خدایا به همراه چیزهایی که از تو خواستم، انجام کارهای نیک و ترک کردار ناپسند و محبت به بیچارگان را از تو می خواهم و این که مرا بیامرزی و به من رحم کنی و اگر نسبت به عده ای اراده عذاب یا فتنه ای را کردی، پیش از آن که فریفته شوم مرا از آن محافظت کنی. و عشق تو و عشق به هر که دوستت دارد و عشق به هر که تو دوستش داری و محبت به هر آنچه محبتش سبب نزدیکی به عشق تو شود و عشقی که مرا به عشق و محبت تو نزدیک می کند را از تو خواستارم. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و راه گشایشی را از گناهان برای من فراهم کن و به سوی هر کار خیری، راهی برایم قرار ده.

خدایا من یکی از آفریدگانت هستم و برخی از بندگانت بر گردن من حقوقی دارند و گناهانی از من، بین من و توست. خدایا خیری را در وجود من قرار ده که تو خود آن را دریابی و به راستی که اگر تو آن را در وجود من قرار ندهی، آن را در من نیابی. خدایا خلق خود را از من و حقوقی که بر گردن من دارند راضی گردان و گناهانی را که بین من و توست ببخش. خدایا آنچنان که اراده فرمودی مرا آفریدی، پس مرا چنان گردان که خود دوست داری. خدایا ما را ببخش و رحمت کن و از ما درگذر و از ما خشنود باش و از ما بپذیر و ما را به بهشت داخل گردان و از آتش دوزخ رهایی بخش و تمام نیات و امور ما را اصلاح گردان.

خدایا بر محمد و خاندان محمد، پیامبر مکی پاک مبارک، پیامبر رحمت صلوات فرست همان طور که به ما دستور فرمودی تا بر او درود فرستیم. خدایا بر

محمد و خاندان محمد، پیامبر مکی درود فرست به تعداد کسانی که بر او درود فرستاده اند و به تعداد کسانی که بر او درود می فرستند و به تعداد کسانی که درود نفرستاده اند، و ما را بیامرز که تویی آمرزنده مهربان. خدایا ای پروردگار بیت الحرام و رکن و مقام و پروردگار مشعر الحرام و پروردگار حل و احرام، از جانب ما بر روح محمد سلام برسان و سلام و درود و رحمت و برکات خداوند بر او و بر اهل بیت نیک و برگزیده و منتخب او باد. هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به خداوند بلندمرتبه بزرگ و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و درود و صلوات خدا بر محمد و خاندان او باد.

خدایا ای پروردگار سبع المثانی و قرآن بزرگ و پروردگار جبرییل و میکاییل و اسرافیل و پروردگار فرشتگان و همگی مخلوقات، بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و برای من چنین و چنان کن... خدایا ای پروردگار آسمان های هفتگانه و هر که در آن هاست و به آن نامت که زندگان را به آن روزی دهی و پیمانه دریاها و تعداد ماسه ها را بدان به شماره درآوری و زندگان را بدان بمیرانی و مردگان را زنده کنی و انسان خوار را بدان عزت بخشی و انسان عزتمند را بدان خوار کنی و هر چه خواهی بدان کنی و هر چه خواهی حکم فرمایی و بدان به چیز بگویی باش و می باشد.

خدایا از تو خواهم به حق نام بزرگت که وقتی درخواست کنندگان از تو بدان درخواست کنند، خواسته شان را به آن ها دهی و وقتی دعاگویان بدان دعایت کنند، اجابتشان گردانی و وقتی پناه جویان بدان نام به تو پناه جویند، پناهشان دهی و چون درماندگان تو را بدان نام خوانند، نجاتشان دهی و چون شفاعت خواهان به وسیله آن نام روی شفاعت به تو آرند، شفاعتشان را بپذیری و چون فریادخواهان بدان از تو فریادخواهی کنند، به فریادشان برسی و گرفتاریشان را برطرف سازی و چون گریختگان بدان نام تو را صدا زنند، صدایشان را بشنوی و یاریشان کنی و چون توبه پیشگان بدان نام به درگاهت روی آورند، آنان را بپذیری و توبه شان را قبول کنی. من نیز به حق این نام از تو می خواهم ای سرور و مولا و معبودم، ای زنده پاینده، ای امید و پناهم و ای گنجینه و اندوخته و ذخیره ام و ای توشه دین و دنیا و

بازگشتگاهم، تو را می خوانم به آن اسم اعظم برای گناهی که جز تو کسی آن را نیامرزد و برای گرفتاری و اندوهی که جز تو کسی برطرف نتواند کرد و برای غصه ای که جز تو کسی رفع نتواند کرد و برای گناهانی که با آن ها به مخالفت با تو برخاستم و با انجام آن ها در محضر تو بی شرمی کردم و اکنون این منم که خطاکارانه و آلوده به گناه به محضر تو آمده ام و زمین با همه فراخیاش بر من تنگ شده و عرصه بر من تنگ گشته و هیچ پناهگاهی جز به درگاهت ندارم. اینک این منم که پیش روی توام، با گناه و خطا و نداری و نیاز، شب را صبح کرده و صبح را شب کرده ام و آمرزنده ای جز تو برای گناهم نمی یابم و برای شکستگیام جبران کننده ای جز تو نمی بینم و برای زیانم برطرف کننده ای جز تو نیابم و من همان سخن را که بنده ات یونس گفت، هنگامی که در تاریکی ها زندانیاش کردی، می گویم، بدان امید که توبه ام را بپذیری و مرا از اندوه گناهان رهایی بخشی: معبودی جز تو نیست، منزهی تو و من به راستی از ستمکاران بودم.

ای سرور و مولای من، به حق نامت از تو خواهم که دعایم را مستجاب گردانی و خواسته و آرزوی من را به من ببخشی و از جانب خودت گشایشی زودهنگام به من ارزانی داری، به همراه کامل ترین نعمت و بزرگ ترین سلامتی و فراخ ترین روزی و بهترین آسایش که پیوسته بدان عادتم داده ای. خدایا از تو خواهم که سپاس را بر آنچه به من ارزانی داشته ای روزیم گردانی و تا پایان عمرم آن را برایم نگه داری و به وقت مردن از گناهان و اشتباهات و زیارهروی و بزهکاریم درگذری تا نعمت دنیایم را به نعمت آخرت متصل گردانی. خدایا مقدرات شب و روز و آسمان ها و زمین و خورشید و ماه و بدی و نیکی در دست توست، پس در دین و دنیا و آخرتم به من برکت ده و در تمام امورم - خدایا - برکتم بخش. خدایا وعده تو حق و دیدارت حق و حتمی است و چاره و گریزی از آن نیست، پس با من چنین و چنان کن...

خدایا تو مسئولیت روزی من و هر جنبنده ای را که اختیارش در دست توست بر عهده گرفته ای، ای بهترین فراخوانده شده و بهترین درخواست شده و وسیع ترین بخشنده و بهترین منبع امید! روزی من و خانواده ام را فراخ گردان. خدایا در آنچه از

دستور حتمی خود حکم و مقرر فرموده ای و در آنچه در فرمان حکیمانه ات در شب قدر از حلال و حرام خود تقسیم می کنی و از قضایی که بازگشت ندارد و تغییر ناپذیر است، از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرستی و نام مرا در زمره حاجیان بیت الله الحرام بنویسی که حجشان مقبول، سعیشان مورد سپاس، گناهشان آمرزیده، کارهای بدشان بخشوده شده، روزشان وسیع گشته، تن هایشان تندرست و از ترس در امان هستند.

[از تو خواهم] در آنچه حکم و مقدر فرموده ای، بر محمد و خاندان او درود فرستی و عمرم را دراز و زندگیم را طولانی بداری و روزیم را زیاد کنی و در جسمم و در هر چه برایم مهم است، از کار دین و دنیا و آخرتم و آینده نزدیک و دورم، به من و به هر کسی که به او توجه دارم و ملزم به انجام کارش هستم، چه آشنای نزدیک باشد و چه دور، سلامت بخشی که تویی سخاوتمند بخشنده و رئوف مهربان. ای آن که قبل از هر چیز وجود داشته ای، دیدگان به خواب روند و ستارگان تیره گردند و تو زنده و پاینده ای هستی که نه خوابی سبک تو را گیرد و نه خوابی گران و تو بر همه چیز دقیق و آگاهی.

دعای پایان روز

خدایا، از تو درخواست می کنم ای پروردگار این شب و هر شب، ای بلندمرتبه، ای بزرگ، ای بخشنده، ای آمرزنده، ای مهربان، ای شنوا، ای دانا، ای زنده، ای پاینده ! از تو خواهم به حق نام های نیکویت که چون بدان خوانده شوی اجابت فرمایی و چون بدان درخواست شوی ارزانی داری. ای عزتمندی که خوار نگردد، ای استوار و والایی که کسی نمی تواند آهنگ تو را بنماید، از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و مرا را از آتش رهایی بخشی و به رحمت خویش در بهشت خویش وارد گردانی و از فتنه های گمراه کننده و از شیطان رانده شده در پناه گیری. خدایا بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و مرا و والدینم را بیامرز و آنان را رحمت کن، چنانچه در کودکی مرا تربیت کردند و از جانب من خیری را پاداش آنان گردان. در محضر خدای بلندمرتبه بزرگ که نه اماناتش تباه گردد و نه خواهانش ناامید گردد، دین و جان و پایان عملم و فرزندان و خاندان و

مال و خانواده و نزدیکانم را به امانت می گذارم. خدایا در آغاز و پایان بر محمد و خاندان او درود فرست و پنهان و آشکارا به آنان برکت ده و مرا در سایه لطف خویش حفظ فرما و در حفظ و عزت و پناه و توجه خویش قرار ده و گناهم را بپوشان و مرا مراقبت فرما و کارم را اصلاح گردان و هدایتم فرما و توبه ام را بپذیر و نجاتم ده و مرا حفظ گردان و به دیگری وامگذار و نعمت و پوششت را از من نگیر. عزیز است آن که به تو پناه جوید و باشکوه است ستایشت و معبودی جز تو نیست. نام هایت مقدس است و منزهی تو منزهی، چه عظیم است شأنت و محکم است برهانت، ای مهربان ترین مهربانان. خدایا مرا در زمره کسانی هدایت فرما که هدایتشان کرده ای و در زمره کسانی سرپرستیم کن که سرپرستیشان کرده ای و در آنچه به من بخشیده ای برکت ده و مرا از شر آنچه مقدر فرموده ای حفظ گردان که به راستی تو حکم می کنی و کسی بر تو حکم نکند، ای مهربان ترین مهربانان ! به راستی که تو بر همه چیز توانایی.

مؤلف: این آخرین دعایی است که از بین مواردی که ذکرشان در این جا مناسب بود، از نیمه پایانی کتاب «العدد القویه» به این بخش ملحق کردیم و خداست هدایتگر به دار السلام. باید در نظر داشت که آنچه او در «العدد القویه» آورده است، به آنچه سید بن طاووس رحمه الله علیه در کتاب «الدروع الواقیه» نقل کرده نزدیک است که پیش از این نقل کردیم. به نظر میرسد که او - که خدا از او راضی باشد - این دعا را از کتاب «الدروع الواقیه» که بدان اشاره شد گرفته است، به همراه روایات و احادیث و دعاهای دیگر و نیز مواردی از این قبیل، برای فایده بیشتر که در اینجا ذکر کردیم، هر چند که شامل موارد تکراری هم بود.

سپس بدان که ... (1)



---

1- . در نسخه اصل بدون نوشته آمده است.

باب های اعمال ماه رمضان و دعاها و نمازها و غیره و دیگر مطالب مربوط به آن

اشاره

مؤلف: مباحث مربوط به غسل های ماه مبارک رمضان را در کتاب طهارت و بسیاری از مباحث نمازهای آن را در کتاب نماز ذکر کرده ایم.

باب اول : پژوهش در این که ماه رمضان در اول سال است.

مؤلف: برخی از موارد مناسب با این باب را در کتاب آسمان و جهان، در باب های سال ها و ماه ها عنوان کردیم، پس این را در نظر داشته باش. (1)

ص: 414

---

1- . ر.ک: ج 58، سه حدیث را از کتاب های «الإقبال»، «الفقیه»، «الکافی» و «التهذیب» روایت کرده و پس از آن توضیح مفیدی را در مورد آن داده است که به آن مراجعه کنید. همچنین در ج 96 در حدیثی به نقل از کتاب «العیون» ج2 ص 117 و «علل الشرایع»» ج1 ص 257 نوشته صدوق نیز آن را روایت کرده است. به اسناد او از فضل بن شاذان روایت شده که امام رضا علیه السلام فرمود: اگر بگویند: برای چه روزه مخصوص ماه رمضان قرار داده شده و نه ماه های دیگر؟ گفته شود: زیرا ماه رمضان ماهی است که خداوند تعالی قرآن را در آن نازل فرمود و در این ماه بین حق و باطل جدایی افکند، چنانچه خدای عزوجلّ فرموده است: «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدیً لِلنَّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَ الْفُرْقانِ»، { ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمّن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است. } در این ماه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر داده شد و لیله القدری که بهتر از هزار ماه [حکومت امویان] است در این ماه قرار دارد و در این شب هر گونه کاری به نحوی استوار فیصله می یابد. این شب، نخستین شب سال است و همه رویدادهای یک سال از خیر و شر یا زیان و سود یا روزی یا عمر در این شب مقدر می گردد؛ بدین روی این شب لیله القدر نامیده شده است. در ج 97 ص 11 به نقل از «امالی صدوق» ص 38 به شرح زیر آن را روایت کرده است: از عمرو شامی روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فِی کِتابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ

السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ»، {در حقیقت، شماره ماه ها نزد خدا، از روزی که آسمان ها و زمین را آفریده، در کتاب [علمِ] خدا، دوازده ماه است.} اولین ماه، ماه خدای عزوجلّ است؛ یعنی ماه رمضان و قلب ماه رمضان شب قدر است و قرآن در اولین شب ماه رمضان نازل شد، پس با قرآن به استقبال ماه رمضان برو. مؤلف: این حدیث را در الکافی ج 4 ص 65 می بینی. شیخ هم در «التهذیب» ج 1 ص 406 آن را روایت کرده است. کلینی در الکافی ج 4 ص 160 و صدوق نیز در «الخصال» ج2 ص 102 به نقل از رفاعه از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: شب قدر اول و آخر سال است. شیخ در التهذیب ج 1 ص 446 به اسناد خود از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: اگر ماه رمضان کامل باشد سال کامل است، فرمود: و آغاز سال، ماه رمضان است.

مؤلف: پاره ای از دعاهای این ماه را در باب های اعمال ماه رمضان از کتاب «روزه» و نیز دیگر کتاب ها آوردیم، پس این را در نظر داشته باش و بدان که اعمال کلی اول هر ماه در اولین باب همین جلد گذشت، پس فراموش نکن.

1. اقبال الاعمال(1): به اسناد خود به ابو محمد هارون بن موسی تلعکبری به اسناد او به امام صادق علیه السلام روایت کردیم که حضرت فرمود: چون ماه رمضان وارد شد می گویی:

ص: 415

---

1- . الإقبال : 57-47

خدایا این ماه رمضان مبارک است که در آن قرآن را نازل فرمودی و آن را راهبر مردم، و [متضمّن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل گرداندی. این ماه فرا رسیده است، پس ما را در آن به سلامت دار و آن را به ما واگذار کن و در آسانی و سلامتی از جانب خویش آن را از ما تحویل بگیر. خدایا از تو خواهم که در این ماه مرا بیامرزی و مرا رحمت فرمایی و جانم را از آتش برهانی و در آن بهترین چیزی را که به یکی از آفریدگانت بخشیده ای و بهترین آنچه را می بخشی به من ارزانی داری و آن را آخرین ماه رمضانی قرار مده که از زمانی که مرا در زمین خویش ساکن کردی تا به امروز آن را برای تو روزه گرفته ام. آن را کامل ترین نعمت و فراگیرترین تندرستی و فراخ ترین و فراوان ترین و گواراترین روزی برای من قرار ده.

خدایا من به تو و به ذات بزرگوارت و به فرمانروایی عظیمت پناه می برم از این که خورشید از این روزم غروب کند یا باقی این روز سپری شود یا در این شبم سپیده بدمد یا این ماه به پایان رسد و با این وجود از جانب من در حق تو مسئولیت یا گناه یا اشتباهی باشد که به سبب آن تو می خواهی با من روبرو شوی یا بدان مؤاخذه ام کنی یا به خاطر آن مرا در دنیا و آخرت در مقام خواری قرار دهی یا در روزی که ملاقاتت می کنم مرا بدان عذاب دهی، ای مهربان ترین مهربانان. خدایا من تو را خوانم برای اندوهی که جز تو کسی آن را برطرف نسازد و برای رحمتی که آن رحمت جز به وسیله تو دست یافتنی نیست و برای گرفتاری ای که جز تو کسی آن را رفع نسازد و برای آرزویی که تنها به قدرت تو می توان بدان دست یافت و برای خواسته ای که جز به وسیله تو برآورده نمی شود. خدایا همان طور که طبق عادتت بود، از خواسته خود بر من اراده کردی و با یاد خود به من مهر ورزیدی، پس ای سرورم، پاسخ دعاهایم و نجات از آنچه از آن به تو پناه بردم نیز جزء کارهای تو باشد.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و از گنجینه های رحمت خویش، در رحمتی را بر من بگشا که پس از آن هیچ وقت مرا در دنیا و آخرت عذاب نکنی و از لطف و بخشش گسترده خود روزی ای فراخ و حلال و پاک روزیم کنی و بعد از

آن مرا هرگز به هیچ کس جز خود نیازمند مکنی و به برکت آن، سپاسگزاریم را از خودت و فقر و نیازم را به خودت فزونی دهی تا از غیر از تو بی نیاز و خویشتن دار باشم.

خدایا به تو پناه می برم از این که پاداش نیکیات از سوی من بدی باشد. خدایا به تو پناه می برم از این که کردارم را بین خود و مردم اصلاح گردانم، اما بین خودم و تو فاسد گردانم. خدایا به تو پناه می برم از این که درونم میان من و تو حائل شود یا این که مخالف فرمانبرداری تو باشد. خدایا به تو پناه می برم از این که یکی از امور را بر فرمانبرداریت ترجیح دهم. خدایا به تو پناه می برم از این که اندکی یا بسیاری از طاعتم را برای جلب خشنودی کسی جز تو به جای آورم یا این که کاری آمیخته با ریا انجام دهم. خدایا به تو پناه می برم از هوسی که هر که مرتکب آن شود، نابودش کند. خدایا به تو پناه می برم از این که ذره ای از سپاسگزاریت را بر آنچه نعمتم بخشیدی برای دیگری قرار دهم و به وسیله آن در پی جلب خشنودی خلقت برآیم.

خدایا به تو پناه می برم از این که به یکی از حدودت تجاوز کنم و به وسیله آن خود را برای مردم بپیرایم و بر دنیا تکیه کنم. خدایا از مجازات تو به گذشتت پناه می برم و از خشم تو به خشنودیت و از نافرمانیت به فرمانبرداریت و از تو به خودت پناه می برم. ستایش ذاتت بزرگ باد. حتی اگر دوست داشته باشم هم نمی توانم ستایشم را بر تو به شماره درآورم و تو چنانی که خود را آنگونه ستایش کرده ای. منزهی تو و به ستایشت مشغولم. خدایا از تو درخواست آمرزش دارم و از ستم های بسیاری که بر بندگانت روا داشته ام به درگاهت توبه می کنم. پس هر کدام از بندگانت، مرد یا زن، که از سوی من مورد ستم واقع شده و من در مال یا جسم یا آبرویش به او ستم روا داشته ام و من نمی توانم آن را جبران کنم یا از او حلالیت بگیرم، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و خودت با هر چه خواهی و هر طور که مشیتت بر آن است او را از من راضی گردان و آن را بر من ببخش. ای آقای من تو را با عذاب من چه کار و حال آنکه رحمتت همه چیز را فرا گرفته است و برای تو چیزی نیست که با رحمت خویش گرامیام داری و با عذابت خوارم نگردانی و

ص: 417

چیزی از تو نمی کاهد پرودگارا که آنچنان که از تو خواستم با من کنی که تو همه چیز داری.

خدایا از تو آمرزش خواهم از هر گناهی که به سویت توبه کردم و دوباره آن را تکرار کردم، به درگاهت توبه می کنم برای واجباتی که ترک کردم و حق تو را به جای نیاوردم، از نماز و زکات و روزه و جهاد و حج و عمره یا کامل کردن وضو یا غسل جنابت و عبادت شبانه و ذکر بسیار و کفاره قسم و تکرار معصیت و اعراض از هر چیزی که در واجبات یا سنت کوتاهی کردم؛ از تو آمرزش خواهم و به سوی تو توبه می کنم از آن و از گناهان کبیره ای که مرتکب شدم و نافرمانی هایی که کردم و گناهانی که انجام دادم و زشتی هایی که بدان ها دست زدم و هوس هایی که در آن ها فرو افتادم و اشتباهاتی که بدان ها دست زدم، چه آن ها که از روی عمد و یا اشتباه مرتکب شدم و چه پنهان و آشکارشان، من به درگاه تو توبه می کنم از همه این ها و از خونریزی و نافرمانی پدر و مادر و قطع رحم و گریز از جنگ و بدنام کردن زنان شوهردار و خوردن اموال یتیم از روی ستم و شهادت دروغ و کتمان شهادت و از این که پیمان تو را در مورد خودم به بهایی اندک فروختم و به خاطر رباخواری و خیانت و حرام خواری و جادوگری و پیشگویی و فال بینی و شرک و ریاکاری و دزدی و شراب خواری و کم فروشی و ستیزه جویی و نفاق و پیمان شکنی و افترا و خیانت و حیله گری و عدم تعهد بر آنچه بر گردنم بود و بر سوگند و غیبت و سخن چینی و بهتان و گوشه و کنایه و دادن لقب های زشت و آزار همسایه و ورود بی اجازه به خانه ای و فخرفروشی و غرور و شرک ورزیدن به خدا و پافشاری و خود بزرگ بینی و متکبرانه بر زمین گام برداشتن و ستم در دادگری و ستم در خشم و امتناع و تعصب و پشتیبانی ستمگر و یاری برای گناه و دشمنی و کمی خاندان و مال و فرزند و بدگمانی و پیروی از هوای نفس و شهوترانی و فراخواندن به منکر و بازداشتن از معروف و فساد در زمین و انکار حق و دادن رشوه به ناحق به حاکمان و مکر و فریب و خساست و سخن در مورد آنچه نمی دانستم و خوردن مردار و خون و گوشت خوک و آنچه [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده و حسادت و تجاوز و تشویق و فراخوانی برای کار زشت و آرزوی آنچه خداوند

بخشیده (از روی استحقاق کسی) و خود بزرگ بینی و منت بر بخشش و ارتکاب ستم و انکار حق و باطل و ذلیل کردن یتیم و تشر زدن به سائل و عدم وفاداری به سوگند و هر سوگند دروغین و زشت و ستم به یکی از خلقت در اموال و پوست و مو و آبرویشان و آنچه چشمم دیده و گوشم شنیده و زبانم گفته و دستم به سوی آن دراز شده و پایم به سوی آن حرکت کرده و پوستم با آن تماس یافته و نفسم به آن سخن گفتهام، از آنچه معصیت توست و از هر قسم دروغی و از هر زشتی و دروغ و خطایی که در تاریکی شب و روشنایی روز در جمع یا در تنهایی مرتکب شدم، از کارهایی که دانستم و آن ها که ندانستم، به یاد آوردم یا به یاد نداشتم، شنیدم یا نشنیدم و در آن کار به اندازه چشم بر هم زدنی نافرمانی تو را کردم ای پروردگارم، و در سایر کارهای حلال یا حرام که در آن تجاوز کرده ام یا در آن کوتاهی کرده ام از آن روز که آفریدیام تا امروز که در این جایگاه نشسته ام، من از آن گناهان به درگاه تو توبه می کنم و تو ای بزرگوار، توبه پذیر و مهربانی.

خدایا ای صاحب عطا و بخشش و ستودگی های بی شمار، بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و توبه ام را بپذیر و به خاطر زیادی گناهانم و زیاده روی بر خودم آن را رد نفرما که دوباره به گناهی بازگردم که از آن به سوی تو توبه کرده ام و ای عزتمند، آن را توبه ای بااخلاص و ثابت و راستین و مقبول در پیشگاه تو و پذیرفته شده و بالا رفته به درگاهت و در گنجینه هایت قرار ده که آن را برای اولیای خود ذخیره فرمودی، آنگاه که توبه شان را پذیرفتی و بدان از آنان راضی گشتی. خدایا این جان، جان بنده توست و از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و آن را از گناهان حفظ داری و از لغزش بازداری و از زشتی ها محافظت کنی و آن را در دژی استوار و بلند قرار دهی که نه گناهی و نه خطایی بدان رسد و نه عیبی و نه نافرمانی ای آن را تباه سازد تا این که در روز قیامت تو را ملاقات کنم و تو از من راضی باشی و من آنچنان شادمان باشم که غبطه فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و تمام آفریدگانت را برانگیزد و مرا پذیرفته باشی و مرا توبه پیشه ای پاک و طاهر و از راستگویان گردانیده باشی.

خدایا من گناهانم را به تو اعتراف می کنم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و گناهانم را گناهانی گردان که بر هیچ یک از آفریدگانت برملا نسازی، ای آمرزنده گناهان، ای مهربان ترین مهربانان! منزهی تو خدایا و به ستایشت مشغولم. گناهی مرتکب شدم و بر خود ستم کردم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا بیامرز که به راستی تویی آمرزنده مهربان. خدایا اگر جزء بخشش و نعمت و لطفتت و در دانش و تقدیرت این باشد که توبه را روزیام گردانی، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و در باقی عمرم مرا حفظ فرما و در تلاش و کوشش و شتافتن به سوی آنچه تو می پسندی و از آن خشنود می شوی و در فعالیت و خوشحالی و تندرستی، مرا نیک یاری فرما تا در پرستش و فرمانبرداریت که برازنده توست به خشنودیت دست یابم و به رحمت خویش، آنچه را که حدود دینت را بر آن به پا دارم روزیام گردانی تا در آن به سنت پیامبرت - که درودت بر او و خاندانش باد - عمل کنم و این کار را با تمام مردان و زنان با ایمان در شرق و غرب زمین انجام ده.

خدایا تو بر اندک سپاس می گویی و بسیار را می آمرزی و تویی آمرزنده مهربان.

این دعا را سه مرتبه می خوانی و سپس می گویی:

خدایا روزیم گردان هر چه را که به وسیله آن آتش خشم هر نادان را بر من فرو می نشانی و شعله سخن هر گوینده ای را برای من خاموش می کند و هدایت از هر گونه گمراهی و بی نیازی

از هر گونه نیاز و توان بر هر ناتوانی و عزت در برابر هر خواری و شرافت از هر پستی و فرومایگی و جان سالم به در بردن از هر بلا را بر من ببخش. خدایا عملی روزیم گردان که در هر یقینی را بر من بگشاید و یقینی که در هر گونه شک و شبهه را بر من ببندد و دعایی که راه اجابت را بر من بگشاید و هراسی که به وسیله آن هر گونه رحمتی را بر من فراهم می گردانی و پاکدامنی ای که بین من و گناهان فاصله کند. به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان!

به درگاه پروردگارت زاری می کنی و می گویی:

ای کسی که مرا از معصیت باز داشت و من نافرمانیاش را کردم، ولی او به هنگام ارتکاب معصیتش پرده ام را ندرید. ای کسی که لباس عافیت بر من پوشاند، ولی من نافرمانیاش کردم و او به هنگام ارتکاب آن، سلامتش را از من نگرفت. ای کسی که نعمت هایش را بر من فراوان کرد و من نافرمانیاش کردم ولی او نعمتش را از من نگرفت. ای کسی که برایم خیرخواهی کرد، ولی من خیرخواهیاش را رها کردم و او به هنگام ترک خیرخواهیاش سنت استدراجش را بر من جاری نساخت. ای کسی که از روی دلسوزی و مهرورزی بر من توصیه های بسیار و بی شماری به من کرد، ولی من توصیه اش را ترک کردم. ای کسی که زشتیام را پوشانید و محاسنم را آشکار ساخت، تا جایی که گویی من همیشه به طاعت او عمل می کرده ام. ای کسی که من با خشمگین کردن او، بندگانش را خشنود کردم، ولی او مرا به آن ها وامگذاشت و از روزی گسترده خویش روزیم گرداند. ای کسی که مرا به بهشت خویش فرا خواند و من آتش را برگزیدم، ولی این کار او را از آن باز نداشت که در توبه اش را بر من بگشاید.

ای کسی که از لغزش های بزرگ من درگذشت و مرا به دعا امر فرمود و اجابت آن را برای من تضمین کرد. ای کسی که من نافرمانی او را می کنم و او گناهم را می پوشد و اگر به خاطر ارتکاب معصیتش سرزنش شوم او را خوش نیاید. ای کسی که خلق خویش را از هتک حرمت من باز داشت و حال آنکه من خود پیوسته حرمت او را می شکنم. ای آنکه هر چه به من بخشید را در معصیتش تباه ساختم ولی بخشش را از من قطع نکرد. ای کسی که از حمایت او بر بر نافرمانی ها نیرو یافتم، ولی او خوارم نکرد و مرا از دایره حمایت خویش بیرون نکرد. ای کسی که با خطاها به نبرد با او برخاستم ولی به هنگام جسارت من بر مبارزه با او، قدرت خویش را بر من نمایان نکرد. ای کسی که به من مهلت داد تا جایی که از خوشی ها و لذاتم بی نیاز شدم، سپس آمرزشش را در ازای ترک آن به من وعده داد. ای کسی که به هنگام نافرمانی او را خوانم و او اجابتم فرماید و به قدرت خویش حاجتم را برآورد. ای کسی که شب و روز نافرمانیاش را کردم و حال آنکه او فرشتگان خویش را مأمور طلب آمرزش برای من کرده بود. ای کسی که در جوانی و پیری

نافرمانیاش کردم و او نسبت به من تأمل و درنگ می کرد و در رحمتش را بر من می گشود.

ای کسی که عمل اندک من را سپاس گوید و از کرامت خویش بسیاری از گناهانم را فراموش کند. ای که به قدرت خویش مرا رهایی بخشید و به لطف خویش نجاتم داد. ای کسی که به من فرصت داد تا این که با محبتش همراه گشتم. ای کسی که با وجود بدی های بسیارم و ترک واجبش، اجابت خویش را بر من لازم گرداند. ای کسی که ستم و گناه و جسارت ما را می آمرزد و خود در قضاوت خود بر ما ستم روا ندارد. ای کسی که ما بر یکدیگر ستم کنیم ولی او با وجود علم خویش ما را مؤاخذه نمی کند و مهلت می دهد تا این که ستمدیده دلیل و برهان خود را ارائه دهد. ای کسی که بنده اش به او شرک ورزد و حال آنکه او بنده اش را آفریده و بر او سخت نیست که جرمش را بیامرزد. ای کسی که با توحید خویش بر من منت نهاده و گناهانم را برشمرده و امید دارم که با خواست خویش آن را بیامرزد. ای کسی که عذرخواهیام را پذیرفت و به معصیت خویش هشدار داد و من پس از قبول عذرم و هشدار دادنش به من، دوباره به گناه برگشتم. ای کسی که می داند که نیکی های من در برابر کوچکترین نعماتش ارزشی ندارد. ای کسی که عمرم را در نافرمانی او تباه کردم ولی او در توبه خویش را بر من نبست. ای وای بر من چه کم بود شرم و حیای من و چه منزه است این پروردگار و چه عظیم است هیبتش و ای وای بر من! چه گنگ است زبانم پس از عذرخواهی و چه عذری دارم و حال آنکه حجتش بر من آشکار گشته است. اینک این منم که جرمم را افشا و گناهم را به پیشگاه پروردگارم اعتراف می کنم تا بر من رحم کند و مرا در پوشش آمرزش خویش قرار دهد. ای کسی که زمین ها و آسمان ها جملگی در اختیار او هستند. ای کسی که من سزاوار مجازات او هستم. اینک این منم که به گناه خویش اعتراف می کنم. ای کسی که به رحمت خویش همه چیز را فرا گرفته است، اینک این منم، بنده درمانده و خطاکارت. خطایش را بیامرز، ای کسی که در زندگی و مرگم مرا رهایی می بخشد. ای کسی که در تاریکی و تنهایی قبر توشه من است. ای کسی که برای عذاب و فشار قبر، ابزار و مایه اطمینان و امید من است. ای کسی که فریادرس

و محل پناه من است. ای توشه من برای حساب و دقت آن. ای کسی که گذشتش بزرگ و بخششش کریمانه و عقوبتش سخت است. خدایا مرا در روز قیامت خوار نگردان که تویی توشه من برای میزان و سبکی آن. اکنون این منم که جرم خویش را آشکار و به گناهم اقرار و به خطایم اعتراف می کنم. ای معبود و آفریدگار و مولای من، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و عاقبتم را به شهادت و رحمت ختم فرما. خدایا من از تو خواهم به حق هر نامی که مخصوص توست و به سبب آن چون خوانده شدی، اجابت دعا بر تو لازم می شود و از تو خواهم به حق هر صاحب حقی بر تو و به حق تو بر تمام کسانی که فروتر از تو هستند که بر محمد بنده و رسولت و خاندان محمد، بندگان ارجمند و فرخنده او درود فرستی و هر که قصد مرا کند گوش و چشم او را از روبرو و پشت سر بگیر و به نیرو و قوت خویش او را از من بازدار. به راستی که تو بر همه چیز توانایی.

خدایا ما به تو میل داریم در حکومتی گرانقدر که به وسیله آن اسلام و اهل آن را عزیز و نفاق و اهل آن را خوار گردانی و در آن حکومت ما را از فراخوانان به طاعتت و هدایتگران به راهت قرار دهی و به واسطه آن کرامت دنیا و آخرت را روزیمان گردانی، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان !

خدایا ما از نبود پیامبرمان و بسیاری دشمنمان و کمی تعدادمان و و شدت و سختی فتنه ها و پشت کردن زمانه بر ما به تو شکایت می کنیم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را پروردگارا، با گشایشی زودهنگام از جانب خویش و یاری عزتمند و سیطره حقی که آن را آشکار سازی و رحمتی از جانب خویش که ما را تحت پوشش آن قرار دهی و سلامتی که بر ما بپوشی یاری فرما، ای مهربان ترین مهربانان !

خدایا من کار نیکی انجام نمی دهم مگر آنکه به من عطا کنی و کار زشتی نیز انجام نمی دهم، مگر پس از آنکه شیطان رانده شده آن را برایم زینت بخشیده باشد. خدایا بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و بخشش خویش را بر من تکرار کن و بیماریم را با داروی خویش مداوا فرما، به راستی که بیماری من گناهان زشت هستند و داروی تو وعده گذشت و شیرینی رحمت توست. خدایا آبرویم را نریز و

عیوبم را آشکار مکن و هراسم را ایمنی بخش و از لغزشم درگذر و در گرفتاریم گشایش فرما و دین و امانت مرا از طرف من به جا آور و دشمن خویش و خاندان محمد و دشمن من و مؤمنان را از جن و انس در شرق و غرب زمین خوار گردان.

خدایا حاجتم را حاجتم را حاجتم را دریاب که اگر آن را به من بخشی، آنچه از من بازداشته ای به من زیان نرساند و اگر آن را از من باز داری، آنچه که به من بخشیده ای به من سودی نرساند. آن حاجت، رهاییم از آتش دوزخ است، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و از من راضی باش و از من راضی باش و از من راضی باش ....و آنقدر تکرار کن تا نفس قطع شود.

خدایا با حاجتم به سوی تو رو کرده ام و بیچارگیم را نزد تو آورده ام، پس بگذار رحمتت مرا فرا گیرد، ای بخشنده بهشت، ای آمرزش بخش. هیچ نیرو و قوتی جز به تو نیست. تو را کجا جویم ای آن که در هر مکان موجود هستی؟ یک بار در بیابان ها و دیگر بار در برهوت، شاید که تو صدایم را بشنوی؛ که حقیقتاً جنایتم عظیم گشته و با وجود بی قراری قلبم و دست نیافتنی بودن خواسته ام و بیم و هراس بسیارم، کمتر شرم کرده ام. پروردگارا کدامین هراس خویش را به یاد آورم و کدام را فراموش کنم که اگر جز مرگ هراسی نبود، همان کافی بود. چگونه در حالی که آنچه بعد از مرگ ماست، بزرگتر و عظیم تر است، ای سنگینی [بار گناهان] و نابودی من و گذشته بد و کم توجهیام به خودم! تا کی و تا چه زمانی بارها و بارها به تو عرض کنم که حق مؤاخذه و سرزنش از آن توست سپس صداقت و وفایی از من بر این گفتار نیابی!

از تو خواهم به حق کسی که در تاریکی ها همدم او بودی و به حق کسانی که به روزه داری روز و رنج و سختی شب راضی نشدند تا این که سرشان بر سر نیزه ها رفت و محاسن خود را با خون رنگین کردند و چهره ها را بر خاک مالیدند، مگر این که تو از هر که ستم روا داشته و بدی کرده، گذشتی. به فریادم برس خدایا پروردگارا! به تو پناه برم از هوسی که بر من چیره گشته و از دشمنی که همچون سگان بر من عوعو کند و از دنیایی که خود را برای من آراسته و از نفسی که بسیار به بدی فرمان می دهد، مگر این که پروردگارم به من رحم کند. ای سرورم، اگر بر

کسی مثل من رحم کرده ای پس بر من رحم کن و اگر سرورم از همچون منی پذیرفته ای، از من نیز بپذیر. ای کسی که توبه ساحران را پذیرفتی پس توبه مرا نیز بپذیر. ای کسی که صبح و شام با نعمات خویش مرا طعام می دهد، می بینی که من تنها و بی کسم و چشمم به تو دوخته شده و کارم را به گردن گرفتهام و تمام خلق و پدر و مادرم و هر که برای او سعی و تلاش کرده ام از من بیزاری جسته اند.

خدای من! و کیست که مرا بپذیرد و صدایم را بشنود و چه کسی تنهاییام را به انس و الفت بدل می کند و چه کسی زبانم را گویا می کند آن هنگام که به تنهایی در خاک ناپدید گردم و پس از آن از من سؤالی کنی، از چیزی که تو خود به آن داناتر از منی، پس اگر بگویم چنین کرده ام، در این صورت از عذابت به کجا بگریزم؟ و اگر بگویم آن را انجام نداده ام، تو می گویی: آیا من تو را نظاره نمی کردم و نمی دیدم؟ خدایا ای نیکوبخشش، جز تو که را دارم؟ اگر از دیگری بخواهم به من نمی بخشد و اگر جز تو را بخوانم پاسخم نمی دهد.

پروردگارا! خشنودی تو را پیش از دیدارت می خواهم. پروردگارا! خشنودیت را پیش از نزول آتش عذاب می خواهم. پروردگارا! خشنودیت را پیش از آن می خواهم که دستانم به گردنم زنجیر شود. پروردگارا! خشنودیت را می خواهم پیش از آنکه فریاد زنم ولی پاسخی نشنوم. ای سزاوارترین کسی که گذشت و چشم پوشید، به عزتت قسم که از تو قطع امید نمی کنم؛ هر چند که جنایتم سنگین و شرم و حیایم اندک است. مرضی گریبانگیر دلم گشته که دارویی ندارد. ای کسی که پناه جویان به کسی مانند او پناه نبرده اند. ای کسی که روی آورندگان با کسی بزرگوارتر از او روبرو نگشتند و ای کسی که بارها برای کسی مانند او بسته نمی شود، بر محمد و خاندان او درود فرست و دلم را با مقام والای خویش مشغول گردان و محبت خویش را به سوی آن روانه کن تا تو را در حالی ببینم که از رگ هایم خون جاری است. ای یکتا، ای سخاوت مندترین نعمت بخشان، بزرگ منش والا! بر محمد و خاندان او درود فرست و جانم را از آتش رهایی بخش، ای مهربان ترین مهربانان!

ص: 425

خدایا سپاسم اندک بود ای سرورم، پس محرومم نکردی و خطایم بزرگ بود ای آقای من، پس رسوایم ننمودی و مرا به هنگام انجام گناهان دیده ای ای آقای من، ولی مرا [از نعمتت] محروم نکردی و آبرویم را نریختی. ای سرورم! مرا به فرمانبرداری امر فرمودی، ولی من آنچه را بدان فرمانم دادی بودی ترک کردم. ای سرورم! اگر تو مرا بی نیاز نگردانی، پس کدام فقیری از من نیازمندتر است؟ اگر به من رحم نکنی، کدام نگون بختی از من نگون بخت تر است؟ چه نیکو پروردگار و نیکو مولایی هستی تو ای آقای من و چه بد بنده ای مرا یافتی ای آقای من. ای پروردگارم!

اکنون این منم در برابر تو و به گناهانم اعتراف و به بدکرداری و ستمم بر خود اقرار می کنم. من که باشم ای پروردگارم که تو قصد عذابم را داشته باشی؟ یا چه کسی از تو بازخواست میکند، اگر تو به من رحم کنی؟ خدایا از تو خواهم آنچه را از دنیا که به وسیله آن زبانم را نگه دارم و عورتم را حفظ کنم و به وسیله آن امانتم را به جای آورم و بدان صله رحم کنم و برای آخرتم تجارت کنم و به هنگام حج و عمره یاور من باشد؛ که به راستی هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به وسیله تو. ای بزرگوار! به عزتت سوگند که من به تو اصرار ورزم و از تو درخواست کنم و به سوی تو عجز و لابه کنم و با وجود گناهانی که مرتکب گشته ام، دست نیاز به سوی تو دراز می کنم. ای سرورم! به که پناه برم و به که مأوی جویم؟ هر کسی که برای خواسته ای روی کرده و سودی از او درخواست کرده ام، مرا به تو رهنمون می شود و به سوی تو راهنماییم می کند و به آنچه نزد توست تشویقم می کند. پس از تو میخواهم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت که برپادارنده حق است، که صلواتت - پروردگارا! - بر جملگی آنان باد و به حق منزلتی که آنان در پیشگاه تو دارند که به راستی آن ها در نزد تو مقامی رفیع دارند. [از تو خواهم] که بر محمد و خاندان او درود فرستی و برایم چنین و چنان کنی... و حاجات خود را برای دنیا و آخرت درخواست کن که اگر خدا بخواهد برآورده خواهد شد.

ص: 426

سپس می گویی:

خدایا! ای پروردگار ما و پروردگار هر چیز. ای فرود آورنده تورات و انجیل و زبور و قرآن عظیم. ای شکافنده دانه و هسته! به تو پناه آرم از شر هر جنبنده ای که زمام اختیارش در دست توست. تویی آغاز و هیچ چیز پیش از تو نیست و تویی انجام و هیچ چیز پس از تو نیست و تویی آشکار و هیچ چیز در ورای تو نیست. بر محمد و خاندان او درود فرست و قرض مرا به جای آور و مرا از نداری بی نیاز گردان. ای بهترین کسی که پرستش شده و ای سپاس پذیرترین کسی که ستایش شده و ای بردبارترین کسی که چیره گشته و ای گرامی ترین کسی که مسلط شده و ای شنواترین کسی که او را صدا زنند و ای نزدیک ترین کسی که با او نجوا کنند و ای ایمن ترین کسی که به او پناه جسته شده و ای مهربان ترین کسی که از او یاری خواسته شده و ای بزرگوارترین کسی که از او درخواست شده و ای سخاوتمندترین کسی که عطا فرماید و ای مهربان ترین کسی که از او درخواست رحمت شده است، بر محمد و خاندان او درود فرست و بر بیچارگی من رحم کن و با بخشش و کرم خویش، با بهشت بر من منت گذار و به لطف خویش مرا از آتش دوزخ رهایی بخش.

خدایا من در محبوب ترین چیزها در نزد تو فرمانبرداریت کردم و آن توحید است و در ناپسندترین چیزها در نزد تو نافرمانیات نکردم و آن شرک است. پس بر محمد و خاندان او درود فرست و امر دشمنم را از من کفایت کن. خدایا تو دشمنی داری که از هیچ نابکاری در حق من کوتاهی نمی ورزد. به نقص هایم آگاه است و بر فریب من شدیداً حریص. او و طایفه اش از آنجا که من نمی بینم، مرا می بینند. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و جان و مال و خانواده و فرزندان ما و هرچه درهای خانه ما را به روی آن بسته ای و آنچه در محدوده اسرار ما قرار گرفته را از شر شیاطین جن و انس پناه ده. خدایا چنان که بهشت را بر او حرام فرموده ای، تسلط بر من را بر او حرام فرما و میان من و او دوری افکن، همچنان که بین آسمان و زمین فاصله افکندی و دورتر از آن.

خدایا به تو پناه می برم از شیطان رانده شده و از پلیدی و دوز و کلک و عیب جویی و بدگویی و دمیدن و نیرنگ و فریبکاری و جادوگری و وسوسه و فتنه گری و تبهکاری او. خدایا به تو پناه آورم از این ها در دنیا و آخرت و در زندگی و مرگ. ای کسی که خود را بدان نام نامیده که حکم فرموده، حاجت کسی که او را بخواند برآورده است. تو را بدان نام خوانم؛ چرا که شفیعی محکم تر از آن در نزد تو ندارم. [از تو خواهم] که بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرستی و برایم چنین و چنان کنی... و حاجتت را می خواهی که اگر خدا بخواهد برآورده است.

سپس می گویی:

خدایا اگر مرا وارد بهشت کنی ستوده ای و اگر عذابم کنی ستوده ای. ای کسی که در خصلت های خویش ستوده است، بر محمد و خاندان او درود فرست و هر چه می خواهی با من کن که تویی ستوده. خدیا آیا مرا عذاب می دهی و حال آنکه من گونه ام را برای تو خاک آلود کرده ام؟ آیا مرا شکنجه می دهی و حال آنکه عشق تو در دل من است؟ اگر تو این کار را با من کنی، مرا با مردمانی برابر کرده ای که در راه تو بسیار با آنان دشمنی کرده ام. خدایا از تو خواهم به حق هر اسمی که مخصوص توست و به خاطر آن، اجابت دعایی که به درگاهت کرده اند به عهده توست و از تو خواهم به حق هر صاحب حقی بر تو و به حق تو بر تمام کسان غیر از تو که بر محمد، بنده و فرستاده ات و خاندان پاک او درود فرستی و هر که نسبت به من یا یکی از برادرانم نیت سویی داشته باشد، گوش و چشم او را و از روبرو و پشت سرش بگیر و به نیرو و قوت خویش او را از من باز دار.

خدایا هر کاری که در ذهنم نیست و یا از آن آگاهم ولی آن را بر زبان نیاورده ام و سؤال من بدان نرسید، تو از من بدان داناتری، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آن را برای من اصلاح و آسان فرما، ای پروردگار جهانیان. {پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار؛ همچنان که بر [دوشِ] کسانی که پیش از ما بودند نهادی.

ص: 428

پروردگارا و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. }(1)

پروردگارا چه می شود اگر هر که را که من در مورد او مسئولیتی بر گردن دارم از من خوشند گردانی و به رحمت خویش مرا در بهشتت وارد کنی و گناهانم را بیامرزی؛ به راستی که آمرزش تو مخصوص خطاکاران است و من نیز از آنانم، پس از خطایم درگذر ای پروردگار جهانیان. خدایا تو در برابر گنهکاران بردباری می کنی و از اشتباه خطاکاران درمی گذری و من بنده خطاکار و گنهکار و درمانده و بدبخت توام که گناهانم مرا به هراس واداشته و اشتباهاتم مرا به وادی نابودی کشانده است و من بازدارنده و آمرزنده ای جز تو برای آن ها نیافته ام، ای باشکوه ارجمند.

معبودا! دنیا مرا به بندگی و خدمتگزاری کشانده و من در میان طبقات آن حیران گشته ام. پس ای کسی که [نیکی] اندک را به شمار آورده و بر آن سپاس گفته و از [گناه] بسیار درگذشته و پس از پوشیدنش آن را آمرزیده است، اندکم را در فرمانبرداریت بسیار گردان و آن را بپذیر و از [گناهان] بسیار من در نافرمانیات درگذر و آن را بیامرز؛ به راستی که تنها بزرگ، گناه بزرگ را می آمرزد، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا بر نماز شب و روزه داری روز یاری فرما و از پارسایی آنقدر روزیم فرما که مرا از نافرمانیات بازدارد و عبادتم را در طول زندگیم مخصوص خویش گردان و مرا در طول عمرم برای عملی به کار گیر که با انجام آن از من راضی باشی و از دنیا پرهیزکاری را توشه ام گردان و مرا در دیدار خود، جانشین تمام دنیا قرار ده و باقی عمرم را جبران آنچه از عمرم گذشته قرار بده.

یقین دارم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی، مهربان ترین مهربانانی و به وقت عقوبت و مجازات سخت کیفرترینی و در جایگاه بزرگی و عظمت پرجبروت ترینی. پس ستایشم را بشنو ای شنوا و دعایم را اجابت فرما ای مهربان و از لغزشم درگذر ای آمرزنده. معبودا! چه گرفتاری هایی که تو برطرف کرده ای و



---

1- . بقره / 286

غفلت و نادانی که زدوده ای و لغزشی که از آن درگذشته ای و رحمتی که گسترانده ای و زنجیره بلایی که آن را گشوده ای. {ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری نمی کرد ما خود هدایت نمی یافتیم. }(1)

خدایا من تو را گواه می گیرم و تو به عنوان گواه برایم کافی هستی. پس برایم گواهی ده که من گواهی می دهم که تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست و تو پروردگار منی و این که محمد، فرستاده و پیامبر توست و دینی که برای او تشریع کردی دین من است و این که کتابی که بر او نازل فرمودی کتاب من است و این که علی بن ابی طالب امام من است و امامان از خاندان محمد که درود تو بر آنان باد امامان من هستند. خدایا تو را گواه می گیرم و تو به عنوان گواه برایم کافی هستی. پس برایم گواهی ده که تویی خدای نعمت بخش بر من و نه غیر از تو. ستایش تو راست، به نعمت تو کارهای شایسته انجام می گیرد. معبودی جز تو نیست و خدا بزرگ تر است و منزه است خداوند و به ستایش او مشغولم و والا و بزرگ است خدا و هیچ نیرو و قوتی نیست، مگر به خداوند بلندمرتبه بزرگ و هیچ پناهگاه و محل نجاتی از خدا جز به سوی او نیست، به تعداد جفت و طاق و به شمار کلمات پاک و مبارک پروردگارم. خداوند راست گفت و فرستادگان [سخن او را] ابلاغ کردند و ما گواه بر آن بودیم.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و روشنایی را در چشمم و خیرخواهی را در دلم و یاد شبانه روزیت را بر زبانم قرار ده و از روزی حلال و بی پایان خویش روزیم گردان که نه آلوده به منت است و نه ممنوع. خدایا بهترین زندگی را از تو خواهم، زندگی ای که به برکت آن بر تمام نیازهایم قادر گردم و با همین زندگی، به آخرت دست یابم، بی آنکه مرا در آن رفاه زده کنی که بدبخت گردم و از روزی حلال خویش بر من بگستران و از بخشش و عطایت نعمتی فراوان و بخششی بی پایان ارزانیم دار و نه با زیادی این خوشی مرا از سپاسگزاری بر نعمتت غافل کن که شگفتی های خوشی آن مرا مشغول کند و زیبایی های زیور آن مرا



---

1- . اعراف / 43

بفریبد و نه چنان باشد که با کاستن آن، رنج آن باعث نقص در کارم شود و اندوه آن سینه ام را پر کند، بلکه آنچنان به من عطا فرما که مرا از بدترین مردمانت بی نیاز گرداند و کفایتی که به وسیله آن به خشنودیت دست یابم، ای مهربان ترین مهربانان !

خدایا به تو پناه آورم از شر دنیا و از شر اهل آن و از شر هر چه در آن است. دنیا را برای من زندان نگردان و جدایی از آن را مایه اندوه من قرار نده و مرا از فتنه های آن نجات ده و عملم را در آن مقبول و تلاشم را مورد سپاس قرار ده تا این که به آن، به سرای آخرت و منزل های برگزیدگان نائل گردم.

خدایا به تو پناه آورم از آغاز آن و زمین لرزه آن و از حملههای سلطنت دنیا و از شر شیاطین آن و تجاوز متجاوزان آن بر من، پس بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و مرا با آرامش حفظ فرما و زره محکم خویش را به من بپوشان و مرا در پوشش مصون دارنده خویش مستور گردان و اوضاعم را رو به راه فرما و در خانواده و فرزندان و مالم به من برکت ده. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و دل و جسمم را پاکیزه گردان و عملم را رشد ده و تلاشم را بپذیر و آنچه را که در نزد توست برای من بهترین گردان.

ای آقای من ! من گرسنه محبت توام و از آن سیر نگردم. من تشنه محبت توام و از آن سیراب نگردم. چه مشتاقم برای دیدار کسی که مرا می بیند و من او را نمی بینم. ای محبوبِ هر که به او عشق ورزد. ای روشنی چشمِ هر که به او پناه آورد و از دیگری به سوی او بریده شود. تو تنهایی و بی کسیام را در بین انسان ها می بینی، پس بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و مرا بیامرز و تنهاییم را الفت بخش و به بی کسی و غربتم رحم کن. خدایا، بی آنکه تو را از خواسته هایم آگاه گردانم، تو به آن ها آگاهی و دست رحمتت را به سوی آن ها گشوده ای و تنگ نمی گیری، پس بر محمد و خاندان او درود و رحمت فرست و در امر دنیا و آخرتم با من کن آنچه را که تو بدان آگاه تر از منی. خدایا گناه بنده ات بزرگ است، پس تو باید به نیکی از من درگذری، ای سزاوار تقوی و آمرزش.

خدایا عفو تو از گناه من و گذشتت از اشتباهم و چشم پوشیت از ستمم و پوشیدن کردار زشتم و بردباریت در برابر جنایت بسیارم، آن هنگام که از روی خطا

یا به عمد آن را مرتکب شدم، مرا به طمع انداخت تا آنچه را که شایستگی آن را ندارم از تو بخواهم، تویی که از روی رحمت خویش مرا روزی دادی و از قدرت خویش به من نشان دادی و اجابتت را به من شناساندی و من در امنیت تو را می خواندم و با الفت و آشنایی و نه ترسان و بیمناک و با اعتماد بر تو، آنچه را که می خواستم از تو درخواست می کردم. پس اگر خواسته ام دیر برآورده می شد، با نادانیم تو را نکوهش می کردم. شاید آنچه برایم به تأخیر انداخته بودی به سبب علم تو به سرانجام امور برای من بهتر بود، من هیچ مولای بزرگواری را ندیده ام که به بنده ای پست شکیباتر باشد از آنچه تو در حق من روا داشتی. پروردگارا! تو مرا می خوانی و من به تو پشت می کنم و به من محبت میکنی و من با تو دشمنی می کنم و با من دوستی می کنی و من نمی پذیرم، گویی که لطف و بخشش تو بر من واجب است و این کار تو را از مهرورزی و نیکی نسبت به من و بخشش از روی سخاوت و لطفت باز نمی دارد، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و به بنده نادانت رحم کن و با لطف و نیکی خویش بر او سخاوت کن، که به راستی تویی سخاوتمند بخشنده. [ای سخاوتمند، ای بخشنده!]

سپس می گویی:

به نام خداوند بخشاینده مهربان. به نام خدا، به نام خدا، به نام دانای به غیب، به نام آن که در یگانگی او شک و تردیدی نیست، به نام آن که چیزی از دست نمیدهد و جز به سوی او شوقی وجود ندارد. به نام معلوم نا محدود و مشهور غیر قابل وصف، به نام آن که میراند و زنده کند، به نام آن که آخرت و دنیا از آن اوست، به نام گرانقدر گرامی ترین، به نام باشکوه ترین، به نام ستوده نامحدودی که ستایش در خوشی و ناخوشی سزاوار اوست. به نام آن که در سختی و آسانی یاد می شود. به نام مراقب جبار. به نام مهربان عطابخش. به نام آن که بدون گرامی داشتن گرامی است و به نام آن که بدون قدرت بخشی قدرتمند است. به نام آن که همواره بوده و خواهد بود. به نام خدایی که معبودی جز او نیست و زنده و پاینده ای است که نه خوابی سبک او را گیرد و نه خوابی گران.

سپس می گویی:

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا پیش از مرگ اصلاح فرما و به هنگام مرگ به من رحم کن و بعد از مرگ مرا بیامرز. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و به رحمت خویش بار سنگین گناهانمان را از دوش ما بردار و کردار ناپسند ما را به سوی توبه بازگردان. خدایا گناهانم بسیار گشته و فراتر از توصیف شده است، ولی این گناهان در برابر گذشت تو ذره ای بیش نیست، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و از من درگذر. خدایا ! اگر قرار است مرا امتحان کنی، پس به من شکیبایی ده و سلامتی برای من محبوب تر است. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و گمانم را نسبت به خودت نیک گردان و آن را محقق فرما و مرا از کردارم آگاه گردان و به اندازه امیدم، از گذشت خویش به من ارزانی دار و به خاطر بدکرداریم مرا کیفر مده که هلاکم میکنی، چرا که بزرگواری تو بزرگ تر از مجازات کسی است که گناه و کوتاهی کرده و دشمنی ورزیده و با پناه به بخشش تو به سوی تو آمده و از تو به سوی خودت گریخته و به وعده ای که در مورد چشم پوشی و گذشت از کسی که به تو حسن ظن دارد داده ای، پناه جسته. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا بیامرز در حالی که پوستم سرد است و روحم در گردش و زبانم گویا و نامه ها پراکنده و قلم ها جاری و توبه پذیرفته و عجز و لابه امیدوارانه است. پیش از آنکه به هنگام پایان یافتن عمر قادر به طلب آمرزش از تو نباشم و کاری از دستم برنیاید. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و سرپرستیمان را بر عهده گیر و ما را به دیگری وامگذار. از خدا آمرزش خواهم، آمرزشی که هیچ کس اندازه آن را نداند و نهایت آن را نبیند جز خدا که از او درخواست آمرزش کرده ام و هیچ کس جز او نه ماورای آن را داند و نه ورای ماورای آن را و مقصود از آن را. خدایا از تو آمرزش خواهم برای هر چه از سوی خویش به تو قول دادم و سپس آن را زیر پا گذاشتم، و از تو آمرزش خواهم برای آنچه از آن به درگاهت توبه کردم و باز توبه شکستم، و از تو آمرزش خواهم برای هر خیری که آن را برای خشنودی ذات تو قصد کردم، ولی با نیتی آمیخته شد که

برای رضای تو نبود، و از تو آمرزش خواهم برای هر نعمتی که به من بخشیدی و من به وسیله آن بر نافرمانی تو نیرو یافتم.(1)

دعای دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده و فرموده اند: وقتی ماه رمضان فرا می رسید، رسول خدا صلی الله علیه و سلم این دعا را میخواند:

خدایا ماه رمضان فرا رسیده است. خدایا! ای پروردگار ماه رمضانی که قرآن را در آن نازل فرمودی و آن را [متضمّن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل قرار دادی. خدایا در ماه رمضان بر ما برکت بخش و ما را بر روزه و نماز آن یاری فرما و آن را از ما بپذیر.(2)

2. اقبال الاعمال:(3) دعاهای ورود ماه رمضان: این دعا به چند طریق روایت شده که من روایت ابن بابویه را از کتاب «من لا یحضره الفقیه»(4) ذکر می کنم که چنین گفته است:

از عبد صالح امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمود: این دعا را در ماه رمضان در استقبال ورود سال بخوان و فرمود که هر کس این دعا را به قصد قربت و از روی اخلاص بخواند، در آن سال هیچ فتنه و زیانی در دین و دنیا و جسمش به او نرسد و خداوند او را از شر حوادثی که در آن سال رخ می دهد حفظ فرماید:

خدایا از تو خواهم به آن نامت که همه چیز در برابر آن فروتن و مطیع گشته و به رحمتت که همه چیز را فرا گرفته است و به عزتت که بدان همه چیز را مقهور خویش ساختی و به بزرگیت که همه چیز در برابر آن تواضع کرده است و به نیرویت که همه چیز در برابر آن خاضع گشته و به سلطه و قدرتت که بر همه چیز سیطره یافته و به دانشت که همه چیز را فرا گرفته است. ای نور، ای قدوس، ای آغاز پیش



---

1- . کتاب الاقبال : 47-57
2- . کتاب الاقبال : 58
3- . الإقبال : 45

4- . الفقيه 2 : 63. همین روایت را در التهذیب ج 1 ص280 و چاپ قدیم الکافی ج 1 ص 182 و چاپ حروفی ج 4 ص 72 می بینید.

از هر چیز و ای باقی پس از هر چیز. ای خدا، ای بخشاینده، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آن گناهانی را که موجب تغییر نعمت هاست بر من بیامرز و آن گناهانی را که موجب نزول کیفرهاست بیامرز و آن گناهانی را که موجب قطع امید می گردد بیامرز و آن گناهانی را که موجب پیروزی دشمنان می شود بیامرز و آن گناهانی را که باعث رد شدن دعا می شود بیامرز و آن گناهان را که موجب فرود آمدن بلا می شود بیامرز و آن گناهانی را که مانع از باران آسمان می شود بیامرز و آن گناهانی را که پرده ها را می درند بیامرز و آن گناهانی را که موجب تعجیل در نابودی می شوند بیامرز و آن گناهانی را که پشیمانی به بار می آورند بیامرز و آن گناهانی را که پرده عصمت می درند بیامرز و زره بازدارنده ات را که هیچ گاه آسیب نبیند، بر من بپوشان و مرا در روزهای باقیمانده این سال از شر هر چه در شب و روز از آن می هراسم به سلامت دار.

خدایا ای پروردگار آسمان های هفتگانه و ای پروردگار زمین های هفتگانه و هرچه درون آن ها و میان آن هاست و ای پروردگار عرش بزرگ و پروردگار سبع المثانی و قرآن عظیم و ای پروردگار اسرافیل و میکاییل و جبرییل و ای پروردگار محمد خاتم پیامبران و سرور فرستادگان! از تو خواهم به حق خودت و به حق آن نامی که خویشتن را بدان نامیدی، ای بزرگ! تو آن کسی هستی که نعمت عظیم می بخشی و هر بلایی را برطرف می فرمایی و هر عطیه فراوانی را می بخشی و حسنات اندک را به بسیار مبدل فرمایی و هر چه بخواهی انجام دهی، ای توانا، ای خدا، ای بخشاینده! بر محمد و خاندان محمد درود و رحمت فرست و در آینده این سال، مرا در پرده حفظ خویش بپوشان و چهره ام را به نور خویش نورانی فرما و با محبت خویش به من محبت کن و مرا به خشنودی خویش و به بخشش های گرانقدر و عطای بسیارت برسان، از بهترین آنچه در نزد توست و از بهترین نعماتی که به یکی از خلقت بخشیده ای، برابر و مساوی کسی که هیچ کس در دنیا و آخرت در نزد تو با او برابری نمی کند. با وجود آن، لباس عافیتت را بر من بپوشان.

ای مرجع هر شکایت و ای ناظر بر هر نجوا و ای دانا به هر نهان و ای دفع کننده هر بلایی که خواستت بر آن تعلق بگیرد. ای نیکو گذشت، ای که به خوبی از

خطاها در می گذری، مرا بر آیین و فطرت ابراهیم و بر دین و سنت محمد صلی الله علیه و آله و بر بهترین وفات بمیران، در حالی که دوستدار دوستان تو و دشمن دشمنان تو باشم. خدایا در این سال از هر عمل یا کردار یا سخنی که مرا از تو دور می کند بازم دار و به سوی هر عمل یا کردار یا سخنی که مرا به درگاهت نزدیک می کند جلب فرما، ای مهربان ترین مهربانان! و مرا از هر کار یا کردار یا سخنی که از من سر می زند و از سرانجام بد آن و خشم تو بر خویش می ترسم، بازدار؛ زیرا بیم آن دارم که تو روی بزرگوارت را از من بازگردانی و به واسطه ارتکابش مستوجب آن گردم که بهره ام در نزد تو کاستی یابد. ای مهربان، ای رحیم.

خدایا مرا در آینده این سال در حفظ و پناه و کنف حمایت خویش و در پوشش سلامتت قرار ده و کرامت خویش را به من ببخش. عزتمند است پناهنده تو و بزرگ است ستایشت و معبودی جز تو نیست. خدایا مرا پیرو شایستگان از دوستان دوران گذشته ات قرار ده و به آنان ملحق فرما و مرا مطیع کسانی از ایشان فرما که سخنی راستین درباره تو گفته اند. ای معبود من! به تو پناه می برم از این که خطا و ستمکاری و زیاده رویم بر خویشتن و پیروی از هواس نفسم و سرگرم شدن به شهواتم چنان مرا فرا گیرد که بین من و رحمت و خشنودی تو دوری افکند و در نتیجه در نظر لطف تو فراموش شوم و در معرض خشم و انتقام تو قرار بگیرم. خدایا مرا بر هر کار شایسته ای که به وسیله آن از من خشنود می گردی، موفق گردان و مرا به سوی خود نزدیک فرما.

خدایا، همان طور که پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله را از بیم دشمنش رهانیدی و اندوهش را زدودی و گرفتاریش را برطرف نمودی و وعده خویش را بر او تحقق بخشیدی و به پیمان خویش با او وفا کردی، خدایا پس مرا نیز از هراس این سال و از زیان ها و بیماری ها و فتنه ها و آشوب ها و اندوه ها و تنگی معاش آن نجات ده و به رحمت خویش و با تمام کردن نعمت جاودانه خویش بر من، مرا تا پایان عمرم به اوج سلامتی برسان. همچون کسی که بدی و ستم کرده و به تضرع درآمده و به گناهان خویش اعتراف کرده، از تو مسئلت دارم که آن گناهان گذشته ام را که حافظانت آن را برشمرده و بزرگوارترین فرشتگانت آن را احصا کرده اند،

بیامرزی و در باقی عمرم مرا از گناهان حفظ فرمایی، ای خدای من، ای خدا، ای بخشاینده، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و تمام آنچه را از تو خواسته و به سوی تو آرزو کرده ام، به من ارزانی داری؛ چرا که تو خود مرا به دعا امر فرمودی و اجابت آن را تضمین کردی، ای مهربان ترین مهربانان!

دعایی دیگر(1):

آن را در کتابی یافتیم که گفته شده خط رضی موسوی رحمه الله است که حاوی دعاهایی است، در آن می گوید: و به هنگام دخول ماه رمضان می گوید:

خدایا! این ماه رمضان است که قرآن را در آن نازل فرمودی که مردم را راهبر و [متضمّن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است. این ماه فرا رسیده است، پروردگارا! در این ماه از شیطان رانده شده به تو پناه می برم و از مکر و حیله گری و فریبکاری و لشکریان و سواره نظام و پیاده نظام و ریسمان ها و وسوسه های او و از گمراهی پس از هدایت و از کفر بعد از ایمان و از نفاق و دورویی و جنایت ها و {از شرّ وسوسه گر نهانی؛ آن کس که در سینه های مردم وسوسه می کند، چه از جنّ و [چه از] انس.}(2) خدایا روزه داری و عبادت شبانه آن و عمل به طاعت تو و رسولت و اولی الامر را که درودت بر او و آنان باد و آنچه را که مرا به تو نزدیک و از نافرمانیات دور می سازد، روزیم فرما و توبه و بازگشت و اجابت را روزیم گردان و مرا از غیبت و سستی و شکست در پناه گیر و دعایم را مستجاب فرما و تن و عقلم را در آن سالم نگه دار و وقتم را در آن برای طاعت خویش و هر چه به تو نزدیکم می کند آزاد کن، ای بزگوار، ای بخشنده، ای بزرگوار، بر محمد و خاندان محمد - که بر او و آنان سلام باد - درود فرست و با ما نیز چنین کن، ای مهربان ترین مهربانان!

فصل: روایاتی که در مورد فضیلت سحری در ماه رمضان ذکر می کنیم.



---

1- . الاقبال : 46
2- . ناس / 4-6

3. اقبال الاعمال(1): از آن جمله موردی است که با اسناد خویش به محمد بن یعقوب کلینی و ابو جعفر بن بابویه(2) - که خدایشان رحمت کند - به اسناد آنان به امام جعفر صادق از پدرانش علیهم السلام روایت کردیم که آن بزرگواران از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرموده اند: نباید امتم سحری را رها کند هر چند به مقدار یک خرمای خشک شده.

از همان کتاب با اسنادمان به ابو جعفر بن بابویه در کتاب «من لا یحضره الفقیه» آمده است که از امیر المؤمنین علیه السلام به نقل از پیامبر روایت شده که فرمود: خدای تبارک و تعالی و فرشتگانش بر استغفار کنندگان و سحرخیزان پیوسته درود می فرستند، پس هر کدام از شما باید سحری بخورد، هر چند به مقدار یک جرعه آب و بهترین سحری سویق - حلیم - و خرما است و خوردن و نوشیدن در سحر مجاز است تا زمانی که از دمیدن سپیده یقین پیدا کنی.(3)

از آن جمله روایتی است که علی بن فضّال در کتاب «الصیام» با اسناد خویش به عمرو بن جُمیع از امام صادق علیه السلام از پدرشان به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: سحری بخورید هر چند به مقدار چند جرعه آب، آگاه باش که درود خدا بر سحرخیزان باد.

فصل: ذکر روایات مربوط به دعاها و اعمال از آداب سحری.

از آن جمله روایتی است که با اسناد خویش به یحیی صنعانی از امام صادق علیه السلام نقل کرده ایم که فرموده اند: هیچ مؤمنی نیست که روزه بگیرد و در شب قدر، به وقت سحر و افطار سوره « إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» را بخواند، مگر این که مابین این دو وقت به مانند کسی باشد که در راه خدا به خون غلطیده است.

و اما آداب سحری:

از آن جمله این است که با خداوند جل جلاله در حالتی باشی که به واسطه آن دریابی که او می خواهد تو سحری بخوری و این که با چه چیزی و به چه مقدار

1- . الاقبال : 82
2- . الكافى 4 : 95، الفقيه 2 : 86
3- . الفقيه 2 : 87

سحری بخوری، که این از بزرگترین نیک بختی های توست؛ چرا که خداوند جل جلاله به رحمت خویش، تو را از رفتار شهوانی و طبیعیات به تدبیر خودش (جلّ جلاله) در اراده تو گرایش داده است. مورد دیگر آن است که تو به این حالت شناختی نداشته باشی و آن را باور نکنی تا این که آن را از باب لطف و فضل خداوند طلب کنی، پس آنچنان سحری نخور که تو را از انجام تمام وظایف سحرگاهان و از ظرافت طاعات، هنگام برآمدن روز، سنگین و تنبل کند.

فصل: ذکر موارد مربوط به نیت روزه با سحری.

مؤلف: اما نیت روزه در سحر این است که مقصود او اجرای فرمان خداوند جل جلاله با خوردن سحری باشد و سپاس بر آنچه که او را با تدبیر خود شایسته این عبادت قرار داده و این که با آن غذا بر امر دشوار روزه نیرو بگیرد و خداوند جل جلاله را عبادت کند، که او سزاوار عبادات است.

فصل: در ذکر موارد مربوط به نیت.

در اولین شب ماه رمضان برای روزه تمام ماه یا تعریف تجدید نیت برای هر شب.

مؤلف: من در بعضی از روایات دیدم که نیت در اولین شبِ ماه رمضان می باشد و چون روزه در روز است، مقتضای آمادگی برای روزه آن است که نیت قبل از آغاز روز باشد تا در اول روزه قرار بگیری و پیش از آنکه مشغولیت های غفلت زا و رفتارهای بد پنهانی بین نیت و دخول در روزه فاصله ایجاد کند؛ و قصد برای نیت روزه این باشد که با روزه واجب خویش، پرستش خدای جل جلاله را به جای آوری؛ به این دلیل که او سزاوار پرستش است و بر این باور باشی که این روزه از بزرگ ترین منت ها بر توست؛ چرا که خداوند تو را سزاوار این سعادت قرار داده است؛ خواه قصد کرده باشی که یک نیت برای روزه کل ماه کنی یا این که برای روزه هر روز تجدید نیت کنی تا بیشتر به فضیلت آن دست یابی و اگر برایت میسر شد که برای آن نیت کنی که از هر چه انسان را از یاد خدا مشغول می کند روزه بداری، آن روزه ای است که مخلصان در مورد چنین روزه ای بر یکدیگر پیشی می گیرند.

مؤلف: بدان که کسانی که به روزه وارد می شوند بر چند قسم و نوع هستند:

عده ای تنها با ترک خوردن و آشامیدن در روز و ترک آنچه در ظاهر روایات موجب افطار می شود روزه می گیرند، ولی هیچ کدام از اعضا و جوارحشان از عادات بد و رسوایی های آن ها روزه نیست. با این شرایط، روزه این ها روزه اهل سستی است.

گروهی روزه می گیرند و برخی از اعضای خویش را در برابر صاحب روز جزا از رفتار بد حفظ می کنند، در آن روز این افراد بین روزه به خاطر آنچه حفظ کرده اند و افطار برای آنچه تباه کرده اند مردد می مانند.

عده ای هم با نوافل و دعاهای اضافه ای که به مقتضای عادت انجام می دهند وارد ماه صیام می شوند، روزه آن ها به خاطر ضعف نیات بیمارگونه است و وضعیت اعمالشان به قدر سستی آن هاست.

عده ای هم در ماه رمضان وارد سرای ضیافت خدای جل جلاله می شوند، در حالی که دل ها غافل و اراده ها سست و تن ها سنگین است. حال آن ها همچون حال کسی است که هدایایی را برای به عرضه پیشگاه پادشاهی آورده است و از بردن آن ها نزد او ناراحت است؛ زیرا نقص هایی در آنها است که مانع از پذیرش و توجه به آنها می شود.

عده ای هم وارد ماه رمضان می شوند و آنچه را که مربوط به حفظ اعضاست اصلاح نموده اند، ولی دل خود را از دل مشغولیاتی که انسان را از کار شایسته غافل می کند، حفظ نکردهاند. آن ها همچون کارگزاری هستند که به محضر پادشاه وارد شده در حالی که حال رعیت خویش را با زبان اصلاح نموده ولی در اصلاح خود کوتاهی کرده است. او مسئول آن است که اصلاح رعیت خود را بر اصلاح خود مقدم داشته است و چگونه امر مقدمی را به تأخیر انداخته و امر مؤخری را به پیش انداخته و با خدا که از اراده او آگاه بوده، خطر کرده است.

و عده ای با پاکی عقل و قلب وارد ماه رمضان شوند در حالی که علام الغیوب را مراقب خود میدانند و هر چه را که از آن ها خواسته تا حفظ کنند، حفظ می کنند و حال آن ها همچون حال بنده ای است که به خشنودی مولای خود نایل گشته است.

عده ای که با حفظ عقل و دل و اعضا از گناهان و عیوب و زشتی ها برای خدای عز و جل قانع نگشته اند، بلکه خود را با عمل برتر و شایسته ای که خدا بدان ها توفیق داده مشغول کردهاند. این ها صاحبان تجارتی سودآور و خواسته های برآورده شده هستند.

مؤلف: گاهی اوقات در نیات روزه داران اندیشه هایی وارد می شود که بعضی از آن ها روزه را تباه و برخی آن را ناقص و برخی آن را به دروازه قبول نزدیک و برخی شرافتی را که در آرزوی آن است کامل میکنند. آن ها نیز چند دسته اند: عده ای از آنان کسانی هستند که با روزه داری در پی پاداش هستند و اگر پاداش نبود نه روزه می گرفتند و نه به وسیله آن با رب الارباب معامله ای می کردند، که این افراد جزء بندگان بدی به شمار می روند که از نعمت بخشی پیشین مولای خویش و از احسانی که برای آن ها حاضر کرده، روی گردانده اند، گویی که آن ها فقط بنده پاداشِ مورد نظر هستند و در حقیقت بنده علام الغیوب نیستند، در حالی که عقل حکم می کرد که ابزارهایی را که در دست داشتند، به کار بگیرند تا صلاحیت خدمتگزاری صاحب نعمت های عظیم را پیدا کنند.

عده ای با روزه داری در پی نجات از مجازات هستند و اگر تهدید و هشدار از آتش و هول و هراس روز حساب نبود، روزه نمی گرفتند. این گروه از بنده های پستی هستند که با کرامت و بخشش مطیع نگشته اند و ارباب خویش را سزاوار خدمت نیافته اند و با او معامله و نرخ گذاری میکنند؛ اگر از بیم و هراس عذاب او آگاه نبودند، بر در مقدس او نمی ایستادند. آن ها گویی در حقیقت بندگان خودشان هستند و می خواهند خودشان را از خطر مجازات رهایی بخشند.

عده ای از ترس کفاره و تاوان هایی که باید در ازای خوردن روزه بدهند روزه می گیرند و اگر این ها نبود، مولای خویش را شایسته فرمانبرداری و محل پرستش خویش نمی یافتند. این افراد در معرض برگشت روزههایشان به خودشان هستند و خواسته خدا و رسول خویش را رها کرده اند.

عده ای هم از روی عادت و نه عبادت روزه می گیرند. آن ها همچون کسانی هستند که مقصود از روزه خود را فراموش کرده اند و از خواسته مولای خویش و از

سایه سار مقدس او بیرون آمده اند. حال آن ها همچون حال انسان فراموشکار و مشغولی است که از درگاه قبول و از ترک گناه روی گردان شده است.

گروهی از روی ترس از مسلمانان و بیم از عیبجویی مردم به خاطر ترک روزه، روزه می گیرند. این کار یا به علت تردید یا انکار یا راحت طلبی در خدمتگزاری به معبود است. این ها در باطن همچون مردگان و در ظاهر همچون زندگانند. اینان چون ناشنوایانی هستند که صدای فرا خواننده و صاحب نعمت های فراوان را نمی شنوند و همچون کورانی هستند که نمی بینند جانشان در دست مولایشان است و خوار و اسیر او هستند. چیزی نمانده که همچون چهارپایان، بلکه از آنان بدتر گردند؛ زیرا چهار پایان قدر کسی را که به مصالح آن ها و به اسبابی که احتیاج دارند می پردازد، می دانند.

گروهی روزه می دارند؛ زیرا آن ها شنیده اند که روزه در آیین محمدی صلی الله علیه و آله واجب است، در نتیجه روزه آن ها فقط با این نیت است، بی آنکه از علل واجب شدن آن آگاه باشند و نه از منتی که خداوند جل جلاله بر آنان نهاده و سعادت دنیا و روز حساب را به آنان ارزانی داشته است، آگاهند و بعید نیست که در معرض نکوهش قرار گیرند.

گروهی روزه می گیرند و همان طور که گفتیم هدفشان از روزه این است که عبادت خدا را به جای آورند زیرا که او سزاوار عبادت است و حال آنان حال سعادتمندان است.

گروهی هم روزه می گیرند و بر این باورند که روزه داری و ثبات قدمشان منتی است از جانب خداوند جل جلاله و از گرامیداشت آنها توسط خداوند و رسیدن به خواسته خود که در فرمانبرداری خدا نهفته است آگاهند. اینان کسانی هستند که به کمال عنایت و شکوه سعادتمندی دست یابند.

مؤلف: بدان که روزه داران با گذشت ساعات و در حرکت و سکون های مختلف باید مواظب رفتار خود باشند؛ آنان توجه دارند که در برابر خدا هستند و او از آنان آگاه است و آنچه آنان را به این مواظبت ملزم می کند، روی کردن آنان به سوی او و حق شناسی احسان اوست. حال آنان در درجات به اندازه تداوم

مراقبت های آن هاست و آنان بین توجه بی وقفه و مکاشفه شکوه خداوندی به وسیله آن توجه، و چنگ زدن به دامن اهمال و سستی و برخاستن از لغزش خویش، با چنگ زدن به دست رحمت و لطف او در نوسانند. هیچ کس جزییات اندازه مراقبت ها و رسیدنشان به حالات کمال را نمی داند، مگر آن که از خواسته ها و میل و رغبت های مختلف آنان آگاه باشد. پس به روح خویش رحم کن ای بنده ناتوان که تهدید و ترساندن او را فرا گرفته و گرامیداشت و تکریم و بزرگداشت به او عرضه شده است.

فصل:(1) ذکر روایات مربوط به فضیلت خلوت با زنان در اولین شب ماه رمضان، برای کسی که در توانش باشد و نیت آن.

بدان که خلوت با زنان در اول ماه رمضان از جمله عبادات است، پس به پیروی از طبع خویش آن را از عبادت خدا به عبادت شهوات بدل نکن و خلوت با زنان در آن شب تو را از مقام و منزلت نیک بختی غافل نکند و اگر سستی اراده تو را ناتوان ساخت، از خداوند یاری بجوی که بر نیرومند کردن ناتوان و سزاوار کردن تو برای مقام تکریم تواناست.

از جمله روایت ها در این مورد، روایتی است که با اسناد خود به ابن بابویه رحمه الله از کتاب «من لا یحضره الفقیه» نقل کرده ایم که این چنین گفته است: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند: برای مرد مستحب است که در اولین شب ماه رمضان نزد همسرش رود.(2)

مؤلف: شاید مقصود صاحب الآداب از این حالت و اختصاص توجه به زنان پیش از وارد شدن به ماه رمضان این است که ذهن انسان در آغاز ماه رمضان آماده اخلاص و مقام اختصاص شده و از وسوسه های شیطان پاک باشد و شاید به این دلیل است که این کار در صدر اسلام حرام بوده و از بنده خواسته می شود که به حلال شدن آن اعتراف کرده و حرام بودن آن را نسخ کند؛ یا شاید مقصود از آن، احیای سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله، با ازدواج در اولین شب ماه رمضان



---

1- . کتاب الاقبال : 84
2- . الفقیه 2 : 112، الکافی 4 : 180

باشد و ممکن است وجوهی غیر از این موارد ذکر شود، ولی شاید مواردی که ذکر کردیم به ذهنها نزدیک تر باشد.

فصل: در ذکر اذکاری که هر شب از ماه رمضان را به آن ختم می کنند.

بدان که صحبت هر مهمان با صاحب مهمانیاش و هر پناه جوینده ای با پناه دهنده اش و سخن او با در نظر گرفتن علت پناهجوییاش میباشد و همان طور که پیشتر بدان اشاره شد، وقتی انسان در ماه رمضان پناه دهنده و حمایتگری گرفته است، بهتر است که هر شب به هنگام پایان کارش با رضایت قلبی نزد پناه دهنده و میزبانش رود و عملش را بر او عرضه کند و به همراه حمایتگر و پناه دهنده و میزبانش و با هر که برای او عزیز است و با هر وسیله ای رو به سوی خدا کند تا به حمایتگر برساند که او رو به سوی خدای متعال دارد، آن هم با هر وسیله ممکنی که متولی کمال بخشیدن به کاستی عمل او گردد و بین او و خداوند جل جلاله واسطه شود تا عمل از باب قبول اهل اخلاص و امان، به خدا تسلیم شود.

مؤلف: از آداب هر شب این است که بنده در هر دعای مقبولی آغاز کند و در هر عمل مورد سپاسی آن را به پایان برساند، با یاد کسی که معتقد است که او نایب خداوند در میان بندگان و شهرهای اوست، که در حقیقت او مسئول تأمین نیازهای او از غذا و نوشیدنی و سایر خواسته های این روزه دار و دیگر اسبابی است که متعلق به نایب رب الارباب است و این روزه دار بدانچه شایسته آن است برای او دعا کند و اعتقاد داشته باشد که نعمت از آن خداوند جل جلاله و نایب او است. چگونه او را سزاوار آن کرده اند و او را به منزلت و جایگاه او ارتقا بخشیده اند.

از روایت ها برای دعا که متعلق به آن بزرگوار است - که درود خدا بر او باد- و بدان اشاره کردیم، دعایی است که گروهی از یاران ما آن را ذکر کرده اند و ما از میان آن ها دعایی را که ابن ابی قره در کتاب خود ذکر کرده، برگزیدیم که با اسناد خود به یکی از صالحین علیهم السلام آورده که فرموده است: در شب بیست و سوم ماه رمضان در حالت ایستاده و نشسته و در هر حال و در تمام ماه و هر طور که می توانی و هر وقت که در طول عمرت این ماه بر تو فرا رسید، این دعا را تکرار کن و بعد از بزرگداشت خدای تعالی و صلوات بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام بگو:

خدایا، در این لحظه و در تمام لحظات سرپرست و و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدهبان ولیّ ات حضرت محمد بن حسن مهدی، برپادارنده فرمان خویش - که بهترین درود و سلام تو بر او و بر پدرانش باد - باش، تا در حالی که همه از او فرمانبری می نمایند، او را ساکن زمین گردانیده و مدّت زمان طولانی و مفید در آن بهره مند سازی و او و نسل او را در زمره پیشوایان و وارثان قرار دهی. خدایا او را یاری کن و پیروزش گردان و پیروزی را از جانب خویش در اختیار او قرار ده و پیروزی را از آن او و گشایش را بر جهت او قرار ده و امر را به سوی دیگری هدایت نکن. خدایا دینت و سنت پیامبرت را به وسیله او آشکار گردان تا از هراس احدی، ذره ای از حق پوشیده نماند. خدایا من دولتی کریمه را از تو خواهم که به وسیله آن اسلام و مسلمانان را عزتمند و نفاق و منافقان را خوار گردانی و ما را در آن از فرا خواندگان به طاعت خویش و هدایتگران به راه خویش قرار دهی و در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار. و خیر دنیا و آخرت را برای ما فراهم کن و تمام آنچه را که در این دو سرا دوست می داری برایمان برآورده فرما و به رحمت و بخشش خود و در سلامتی، آمین ای پروردگار جهانیان، و از بخشش و از دست لبریز خویش بر ما بیفزای، که هر بخشنده ای که ببخشد از دارایی او کم شود، ولی بخشش تو به ملکت می افزاید. (1)

باب پنجم: در ذکر نحوه عمل روزه دار در روز که شامل چند فصل است.

فصل: در ذکر روایتی در مورد غسل در اولین روز ماه مبارک.

ما آن را با اسناد خویش از امام جعفر صادق از پدرش از پدرانش از امیرالمؤمنین صلوات الله علیهم روایت کرده ایم که فرموده اند: هر که اولین روز سال با آب جاری غسل کند و سی مشت بر سر خویش بریزد، این غسل درمان آن سال اوست و اول هر سال هم اولین روز ماه رمضان است.

از کتاب جعفر بن سلیمان از امام صادق علیه السلام نیز روایت کرده ام که هر کسی یک مشت گلاب به صورتش بزند، آن روز از خواری و نداری در امان بماند و

1- . كتاب الاقبال : 86

هر که گلاب را بر سرش بگذارد، آن سال از سرسام - برسام - ایمن گردد، پس آنچه را که به شما توصیه می کنیم رها نکنید.

مؤلف: شاید حکمتی که در این روایت است، برای کسانی که در آن درنگ می کنند، دور از ذهن باشد و چنین گویند که چگونه سی مشت آب، دوام سلامتی و رفع خطرات بیماری ها را در طول سال تضمین می کند؟ بدان که هر مسلمانی بر این باور است که خداوند جل جلاله به ازای هر نیکی، جاودانگی و سلامت همیشگی و کمال نعمت را در سرای باقی می بخشد، آیا احتمال ندارد که بعضی از آن بخشش را در سرای فانی نیز به این بنده ای که سر خود را شسته عطا کند که آن، سلامتی و شفاست.

فصل: در ذکر موارد مربوط به روزه اخلاص و حالت اختصاص از طریق عبرتپذیری.

بدان که اصل اعمال که جریان کارها بر اساس آن می چرخد، لازم است که دور از شایبه ها و کاستی ها باشد و از آنجا که معیار روزه ماه رمضان نیز برای علام الغیوب رفتار عقل ها و دل هاست، می بایست خواص و خالصان پیشگاه حضرت جل جلاله نیز به روزه عقل و قلب از هر چه انسان را از پروردگار غافل می کند، توجه داشته باشند.

اگر به خاطر زیادی دل مشغولی ها و غفلت ها ادامه این مراقبت در دیگر اوقات دشوار باشد، انسان حداقل باید از خداوند جل جلاله بخواهد که برای این حال به او توانایی دهد و او را به خصوصیات اهل کمال برساند و از عقب ماندن از درجات پیشتازان بهراسد، با علم به این که امکان ملحق شدن به آنان را دارد؛ زیرا او دریافته است که آن گروه از مردم که مانند او بودند، به سیاست بزرگ پیامبری رستگار شدند و به اوج منزلت والا رسیدند. در میان این افراد، غلامانی بودند که جلوی درها به اولیای خداوند جل جلاله خدمت می کردند و در تمام زمینهها همنشین و همراه و ملازم آنان نبودند. پس چه چیزی اقتضا می کند، کسانی که بعد از آنان آمده اند به کمتر از آن و به معامله زیان آور راضی شوند، در حالی که کمترین مراتب مقصود از آن این است که خداوند جل جلاله و رسولش صلوات الله علیه را به منزله یک دوست قرار دهد که دوست دارد به او نزدیک شود و از او شرم می کند

ص: 446

و از روی گرداندن هم برحذر است. پس چون بنده بگوید: من توان دست یافتن به این توفیق را ندارم و حال آنکه او با وجود یار و همراه توان آن را دارد و او خود می داند که رضایت به کم و زیان، کافی نبوده تا با خدای عزوجل و رسول او صلی الله علیه و آله با بهتان و دروغ و دشمنی دیدار کند.

فصل: ذکر ویژگیهای کمال روزه از طریق روایات.

این حدیث از گروهی از بزرگان منسوب به جماعتی از علمای پیشین روایت شده و من روایت محمد بن یعقوب کلینی را ذکر می کنم که خدا از او و جملگی آنان راضی باشد.(1) او در کتاب روزه از کتاب کافی به اسناد خود به محمد بن مسلم روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرموده اند: چون روزه گرفتی، باید گوش و چشم و مو و پوستت نیز روزه باشد. حضرت چندین عضو دیگر را نیز برشمردند و فرمودند: نباید روزی که روزه می گیری مانند روزی باشد که می خوری.

با اسناد محمد بن یعقوب در کتابش به جراح مداینی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: روزه تنها نخوردن و نیاشامیدن نیست. سپس فرمود: حضرت مریم گفت: {من برای [خدای] رحمان روزه نذر کرده ام. }(2) یعنی روزه سکوت، پس چون روزه گرفتید زبان خویش را حفظ کنید و چشمانتان را فرو نهید و با هم نزاع نکنید و به یکدیگر حسادت نورزید. فرمود: و رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که زنی روزه دار کنیز خود را دشنام می دهد، پس حضرت صلی الله علیه و آله فرمود طعامی بیاورند و به آن زن فرمود: بخور! آن زن گفت: من روزه ام، حضرت فرمود: روزه هستی در حالی که کنیز خود را دشنام داده ای؟ روزه فقط امساک از خوردن و آشامیدن نیست.

گوید: و امام صادق علیه السلام فرمود: چون روزه گرفتی، باید گوش و چشمت نیز از حرام و زشتی محفوظ باشد و جدال و آزار خدمتکار را رها کن و تو باید بردباری روزه را داشته باشی و روز روزه داریت را مانند روزی که روزه نمی گیری قرار نده.



---

1- . ر.ک: ج 4 ص 87، باب ادب روزه دار.

2- . مريم / 26

در یکی از کتاب های اصل یارانمان دیدم که گفته بود: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: دروغ و نگاه های پی در پی و ستم، چه کم و چه زیادش، روزه را باطل می کند.

از کتاب علی بن عبد الواحد نهدی رحمه الله از محمد بن عجلان روایت شده که شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: روزه فقط به امساک از خوردن و آشامیدن نیست که انسان تنها نخورد و نیاشامد، بلکه چون روزه گرفتی باید گوش و چشم و زبان و شکم و عورتت هم روزه باشد و دست و عورت خویش را حفظ گردان و بیشتر سکوت کن مگر برای خیر و نیکی و با خدمتگزار خویش مدارا کن.

باز از کتاب نهدی از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آسانترین چیزی که خدا بر روزه دار به هنگام روزه داری واجب کرده، ترک خوردن و آشامیدن است.

مؤلف: به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله بنگر که آسان ترین واجبات روزه، ترک خوردنی و آشامیدنی است و حال آنکه تو مهمترینش را ترک آن دانستی و از راه علام الغیوب دور گشتی.

روایات در این باب زیاد است و برای خردمندان شایسته است که همان طور که دریافته اند روزه اعضا و حفظ آن ها از زشتی ها از جمله امور مهم است، اعضای خود را همچون مسئولی مهربان بر رعیتش نگهداری کنند و آن ها را از هر چه باطلش می کند و از پذیرش عبادتش بیرون می کند حفظ گردانند؛ در غیر این صورت هر که به شرایط کمال روزه آگاه باشد و به کوتاهی خود راضی شود، باید بداند که روزه اش را کوچک شمرده و خود را در معرض مجازات اعمال خویش قرار داده است و باید در ذهن داشته باشد که بیماری غفلت و گناهان در گرد اعمال او می چرخد و می کوشد که بین او و صاحب اقبال او فاصله کند و در بسیاری اوقات روزه است، ولی دلش با جنایت های نادانی و غفلت روزه شکسته، و زبانش با غیبت یا با یاری بر ستمی یا ارتکاب گناه عمدی و با آنچه سزاوار مراقبت نیست روزه شکسته است، و چشمش با نگاه به آنچه برایش حلال نبوده یا با غفلت از مراعات نعمت بخشی که احسانش به او پیوسته است، افطار کرده، و گوشش با شنیدن آنچه گوش دادن به آن جایز نیست و دستش نیز با استفاده در آنچه برای آن خلق نشده و

پایش با رفتن به جایی که مانع از نزدیک شدن او به آقای خود و جای گرفتن در زیر سایهسار حمایت او می شود، روزه شکسته است. با این وجود، او شکستن روزه اعضا و تباه ساختن منافع خود و شهرتش را به رسوایی نزد خداوند جل جلاله و خواص او نمی بیند، پس بنده باید از مولای خود بترسد از این که او را به شغلی بگمارد و او آن کار را انجام دهد و سود آن شغل در دنیا و آخرت به بنده باز گردد ولی او در بیشتر شغلی که انجام داده به مولایش خیانت کند و آقایش ناظر کارهای او باشد و او هم بداند که از کار او و از تلاش های نادرست او خبر دارد.(1)

فصل: موارد مربوط به نماز در طول ماه برای حفظ جان از حوادث انسانی و نماز اولین روز ماه رمضان برای حفظ جان از بلای زمانه در کل سال.

بدان که ما در کتاب عمل ماه، دو رکعت نماز را در اول هر ماه ذکر کردیم(2) که در رکعت اول یک حمد و سی بار «قل هو الله أحد» و در رکعت دوم یک حمد و سی «إنا أنزلناه» خوانده می شود و به همراه این نماز مقداری صدقه هم داده می شود، که این نماز بلاهای تمام ماه را دفع می کند و ما اکنون بار دیگر آن را ذکر می کنیم؛ چرا که اول سال در دفع امور هراسآمیز با نماز و دعا، برای احتیاط، سزاوارتر است.

از وشاء روایت کرده ایم که گفت: وقتی ماه جدیدی فرا می رسید امام محمد باقر علیه السلام اولین روز آن دو رکعت نماز می خواند که برای هر روز ماه تا آخر آن در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره قدر را می خواند و هر چه در توان داشت صدقه می داد و بدین وسیله سلامت تمام آن ماه را می خرید.

از آن جمله است دو رکعت دیگر که خطرهای تمام سال را تا سال بعد در همان زمان دفع می کند که آن را محمد بن قره در کتاب خود در عمل اولین روز ماه رمضان به نقل از امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده است که فرمود: هر که به هنگام دخول ماه رمضان دو رکعت مستحبی بخواند که در رکعت اول فاتحه و سوره «إِنَّا فَتَحْنا لَکَ فَتْحاً مُبِیناً» و در رکعت دوم هر چه دوست داشته باشد بخواند،

1- . كتاب الاقبال : 86-87

2- . ر.ک: همین جلد ص 133، آن را از «الدروع الواقیه» از امام جواد علیه السلام نقل کرده است.

خداوند بلای آن سال را از او دفع گرداند و تا سال بعدی همان موقع همواره در پناه و حفظ خدای تعالی باشد.

فصل: موارد مربوط به دعای مخصوص اولین روز ماه رمضان.

از شیخ مفید روایت کرده ایم که گفته است: چون سپیده اولین روز ماه رمضان دمید، دعا کن و بگو: «خدایا ماه رمضان فرا رسیده و روزه آن را بر ما واجب فرمودی و قرآن را در آن نازل کردی که مردم را راهبر و [متضمّن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است. خدایا ما را بر روزه آن یاری فرما و آن را از ما بپذیر و آن را از ما تحویل بگیر و در آسانی و سلامتی آن را به ما واگذار کن که به راستی تو بر همه چیز توانایی.(1)

مؤلف: من دعاهایی را یافتم که در اولین روز رمضان ذکر شده است، به این خاطر که در این روایت گفته شده که این ماه در اول سال قرار دارد، پس آن را در دعاهای اولین شب ذکر کردم؛ زیرا این زمان، زمان ورود ماه و اول سال است و اگر خواستی، برای احتیاط در انجام اعمال نیک، هم اولین شب آن دعا را بخوان و هم اولین روز.

فصل: ذکر موارد مربوط به دعاها و تسبیح و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله که هر روز در ماه رمضان تکرار می شود.

بدان که ما پس از اشاره به برخی از امور این ماه با ذکر دعای مشهور آغاز می کنیم. و بهتر بود که با ستایش و بزرگداشت خداوند با تنزیه و سپس تکریم پیامبر و امامان علیه و علیهم السلام آغاز گردد، ولی دعا را در «مصباح کبیر» پیش از تنزیه حق تعالی و صلوات بر آن بزرگواران یافتیم، پس نظرمان این شد که این ترتیب، اقتضای روایت است، پس آن را اعمال کردیم.

مؤلف: این دعا در هر روز از ماه خوانده می شود که به این صورت است: «اگر نزول فرشتگان و روح را در این شب مقدر فرموده ای» آنچه [از ظاهر اعتقاد امامیه دریافتم این است که آن شبی که فرشتگان و روح در آن نازل می شوند](2)

شب

---

1- . همین روایت را در چاپ حروفی الکافی ج 2 ص 74 و چاپ سنگی آن ج 1 ص 83 می بینی.
2- . ما بین دو کروشه در نسخه کمپانی افتاده است.

قدر است که یکی از سه شب است، شب نوزدهم یا بیست و یکم و یا شب بیست و سوم. و احدی از امامیه را نشناختم که به امکان بودن شب قدر در هر شبی از ماه و به ویژه در شب های زوج؛ مثل شب دوم و چهارم و ششم و امثال آن معتقد باشد. عمل مخالفین (اهل تسنن) نشان میدهد که معتقدند، شب قدر در یکی از شب های فرد است و ما سخن طوسی رحمه الله را عنوان کردیم که این شب بدون اختلاف در ده شب فرد آخر قرار دارد.

مؤلف: بهتر بود در صورت امکان، ظاهر دعا تفسیر شود به این صورت که یا گفته شود: شاید مقصود در ذکر لفظ «إن کنت قضیت فی هذه اللیله إنزال الملائکه و الروح فیها» غیر از شب قدر باشد و با امری که به هر شبی اختصاص دارد، یا شاید در ظاهر بیان این لفظ در هر شب، ممکن است مقصود نزول ملائکه و روح در هر شب، آن باشد که فرشتگان در هر شبی به مکانی خاص از عروج گاه های عوالم روحانی نازل می گردند و شاید منظور اظهار آن بزرگوار علیه السلام که این دعا از او روایت شده، این مطلب باشد که او شب قدر را به علت تقیه و برای منافع دینی یا سایر تفسیرهای پسندیده مشخص نمی کند و پیش از این گفتیم که آن بزرگواران علیهم السلام به شب قدر آگاهند و روایات و تفسیرها در این مورد کافی هستند.(1)

مؤلف: اگر مقصود از این جمله، نزول فرشتگان و روح به طور خاص در شب قدر باشد، نباید کسی که معتقد است شب قدر یکی از سه شبی است که ذکر کردیم، در هر روز از این ماه این دعا را بخواند، بلکه باید دعایی را در این مضمون بخواند: «خدایا اگر برای من مقدر فرموده ای که من تا شب قدر باقی بمانم، پس برایم چنین و چنان کن» و ادامه دعایی را که ذکر شد بخواند و «اگر مقدر فرموده ای که من باقی نمانم، پس مرا تا شب قدر نگهدار و در آن شب چنین و چنان را روزیم گردان» و همین دعایی را که ذکر شد در دعای روز هجدهم و روز بیستم و بیست و دوم بخواند؛ زیرا جایز است که هر کدام از این سه شب پیش رو شب قدر باشند و در این صورت، دعا مطابق عقیده و مناسب با ارادهاش میباشد.



---

1- . سید بن طاووس این روایت را در ص 63-66 کتاب الإقبال ذکر کرده است. مراجعه کنید به باب لیله القدر از اول همین جزء.

مؤلف: اگر کسی که این دعا را می خواند از جمله افرادی باشد که به جواز بودن شب قدر در هر شب فرد این ماه یا در شب های فرد نیمه دوم یا دهه پایانی(1) معتقد هستند، میباید در زمان هایی که معتقد است شب قدر در آن هاست، به همین الفاظی که می گوید: «و إن قضیت فی هذه اللیله تَنَزُّلَ الْمَلَائِکَهِ وَ الرُّوحِ فِیهَا» بسنده کند تا بین اعتقادش و لفظ دعایش بی آنکه بخواهد تناقضی رخ ندهد.

مؤلف: این دعا و بسیاری از دعاهای ماه رمضان شامل درخواست حج نیز هستند، پس نباید جز کسی که آن را می خواهد، دعای حج را بخواند و اما کسی که به هیچ وجه حج نمی خواهد - هر چند که در توانش باشد - دعای او به سبب درخواست چیزی که قصد آن را ندارد و نمی خواهد که برآورده شود، اشتباه است و او به مانند تمسخر کننده ای است که به درخواست گذشت از خداوند نیاز دارد. بلکه وی باید چنین بگوید: خدایا آنچه را که از نعمت بخشی و گرامیداشت، روزی حاجیان خانه محترم خویش می کنی، روزیم گردان.

مؤلف: شنیده ام که کسی این دعا را با اینکه مربوط به شب قدر است، از اولین روز ماه تا آخرین روز آن می خواند و در آخرین روز که روز سی ام است می گوید: «و اگر در این شب نزول فرشتگان و روح را مقدر فرموده ای» و در این روز یقیناً یک شب از ماه رمضان باقی مانده و حتی او در شرف شب عید قرار دارد و باور ندارد که شب عید جزء شب هایی باشد که فرشتگان و روح در آن فرود می آیند، بلکه این الفاظ را با غفلت از مقصود و منظور آن ها می خواند و زبان حال عقلش



---

1- . سید در ص 66 کتاب الاقبال گفته است: از جمله موارد اختلاف نظر درباره شب قدر آن چیزی است که محمد بن ابوبکر مدینی در جزء سوم کتاب «دستور المذکرین و منشور المتعبدین» ذکر کرده و در آن از انس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرموده اند: شب قدر را در اولین شب ماه رمضان یا نهم یا چهاردهم یا بیست و یکم یا آخرین شب آن جستجو کنید. در روایتی از ابوذر به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر شده که شب قدر در دهه اول این ماه قرار دارد. در روایتی از آن بزرگوار آمده است که این شب در شب هفدهم است و در روایتی از ابو هریره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که شب و روز

بیست و یکم، شب و روز بیستم و شب و روز بیست و سوم است و در روایتی از بلال از نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که این شب، شب بیست و چهارم است و در روایت مدینی از ابو سعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده که این شب در دهه آخر قرار دارد، به آن مراجعه کنید.

مثل کسی است که از آن تعجب کرده و ایمان ندارد که خداوند جل جلاله به خاطر کوچک شمردن خداوند در دادن نسبت محال به او و همراه شدن با خداوند جل جلاله با سستی و اهمال، از او روی گردانیده است.

مؤلف: چه بسا شخص در این ماه در دعاها چیزهایی را از خدا طلب میکند که دعا کنندگان قبل از او طلب میکردند، ولی در حقیقت او آنچه را آنها طالب بودند و اراده میکردند، نمیخواهد؛ مثل این دعا: «و مرا در هر خیری که محمد و خاندان محمد را بر آن وارد کردی، وارد گردان.» از جمله امور خیری که خداوند جل جلاله آنان را در آن وارد کرد، امتحان با شهادت و زندان ها و آسیب و اسارت همسران و کشته شدن فرزندان و تحمل بسیاری از اذیت و آزار مردم است و تو ای دعا کننده! هیچ وقت نمی خواهی که به چیزی از این امور خیر امتحان گردی و از جمله امور خیری که آنان را در آن وارد گرداند امامت بود و تو می دانی که خود را سزاوار درخواست چنین خیری نمی بینی، پس دعای تو در این امور باید مشروط به مواردی باشد که با حال تو مناسبت دارند و با دل و زبان خویش ظاهر معانی لفظ مذکور را نمیخواهی، مانند این که در دعا کشته شدن در راه خشنودی های الهی را بخواهی، در حالی که تو مطلقاً نمی خواهی به این خواسته دست یابی. پس باید خواسته تو از او این باشد که به تو ببخشد آنچه را که به کسی بخشیده که در این راه شریف به شهادت رسیده و از اهل توانایی و شناخت آن تشرف است؛ هر چند که مبارز و جهادگر در راه خدا نبوده، بلکه به لطف خداوند مالک دقیق.

و مانند آن که در دعا از خدا بخواهد که روزی او را قوت روزانه اش قرار دهد و مقصودش آن مقداری باشد که رمقش را حفظ کند یا او و خانواده اش را سیر کند، ولی به اجابت این اندازه راضی نمی شود و اگر خداوند جل جلاله اجابتش کند، بسیاری از آنچه را که در اختیارش است از او پس میگیرد، پس نیت تو در چنین دعاهایی باید مطابق با مقتضای حالت در نیت های درست باشد و بر حذر باش از این که در دعاها از روی غفلت، دعا را به تمسخر و بازی بگیری!.(1)



---

1- . کتاب الاقبال : 89

مؤلف: بسیاری از روایات مربوط به این باب در کتاب نماز و در باب های روزه و باب های دعا و نیز سایر قسمت ها گذشته است. اگر خدای متعال بخواهد، بخشی از مطالب مربوط به این باب، به ویژه دعاهای آن نیز در باب اعمال شب های قدر و دیگر موارد ذکر خواهد شد.

1. اقبال الاعمال(1): فصل: در ذکر ترتیب نافله ماه رمضان بین نماز مغرب و عشا و دعاهای آن در هر شب که نافله آن بیست رکعت می شود.(2)

بدان که ما برخی از دعاهایی را که روایت کردیم، ذکر می کنیم و هر کدام را در فصلی جداگانه مطرح می کنیم و با هم ذکر نمی کنیم؛ تا بر حسب توفیقی که برای سعادت خویش حاصل می کنی عمل کنی و اگر به انجام همه آن ها تشرف یافتی مشخص می شود که خداوند جل جلاله به سبب افتخاری که برای خدمتگزاری به او و فرمانبرداری نصیب تو شده از تو راضی است و اگر عذر موجه و محظوری روشن داشته باشی، دعاهای مختصر را بخوان.

مؤلف: خلاصه ترین دعاهایی که بین رکعت های نافله ماه رمضان یافتم ذکر می کنم، شاید این دعاها برای کسانی باشد که گاهی اوقات از خواندن دعاهای بیشتر از این معذورند، یا شاید هم طبق گفته او در حدیث: «و از جمله دعاهایی که میخوانی این باشد:»، به دیگر دعاها اضافه شده اند.



---

1- . كتاب الإقبال : 32-25

2- . نافله بیست شب از ماه، در هر شب بیست رکعت است و در ده شب باقی مانده، هر شب سی رکعت است.

از رجاء بن یحیی بن سامان روایت شده که گفته است: در سال دویست و پنجاه و پنج، از منزل سرورمان ابو محمد حسن بن علی عسکری علیه السلام برای ما خارج شد و تمام رساله مقنعه را ذکر کرد. گفت: بین هر دو رکعت از نوافل ماه رمضان، باید این دعا نیز خوانده شود:

خدایا در آنچه از دستور حتمی خود حکم و مقرر فرموده ای و در آنچه از فرمان حکیمانه ات در شب قدر تقسیم می کنی، از تو خواهم که مرا در زمره حاجیان خانه محترم خویش گردانی که حجشان مقبول، سعیشان مورد سپاس و گناهانشان آمرزیده است و از تو خواهم که عمرم را در طاعت خویش طولانی گردانی و به روزیم وسعت بخشی، ای مهربان ترین مهربانان !

مؤلف: اینک ما با دعاهای متفرقه ای در بین هر دو رکعت آغاز می کنیم و آن را از خط جدم ابو جعفر طوسی که خداوند رحمت و عنایتش را بر او مستدام بدارد، نقل میکنیم.

از جمله این دعاها در«تهذیب الأحکام» و سایر کتب به نقل از امام صادق علیه السلام آن است که چون نماز مغرب و نوافل آن را خواندی، هشت رکعت نماز بعد از مغرب را بخوان. چون دو رکعت از آن را خواندی، بعد از هر دو رکعت تسبیح حضرت زهرا علیها سلام را بخوان و بگو:

خدایا تو آغازی و چیزی پیش از تو نیست و تو انجامی و چیزی پس از تو نیست. تو آشکاری و چیزی فراتر از تو نیست و تو نهانی و چیزی فرو تر از تو نیست و تویی شکست ناپذیر سنجیده کار. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا در هر خیری که محمد و خاندان محمد را در آن وارد کردی وارد گردان و مرا از هر بدی ای که محمد و خاندان محمد را از آن بیرون کردی بیرون گردان و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او و آنان باد.

اگر دوست داشته باشی که به سعادت بیشتری نائل شوی، پس از این دو رکعت، دعای مطول را از کتاب محمد بن ابی قره در عمل ماه رمضان بخوان و بگو:

خدایا این ماه رمضان است و این ماه روزه داری و ماه عبادت شبانه و ماه بازگشت و توبه و ماه رحمت است و این ماه آمرزش است و این ماه رستگاری و

نیل به بهشت است و این ماه رهایی از آتش است و این ماه رمضان است که در آن قرآن را نازل فرمودی. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر روزه و قیام آن یاری فرما و و آن را به من واگذار کن و از من تحویل بگیر و مرا در آن به سلامت دار و با بهترین یاری خود مرا بر آن یاری فرما و مرا بر طاعت خودت و طاعت رسولت که بر او و خاندانش درود باد، توفیق ده و مرا برای عبادت و دعای خویش و تلاوت کتابت فارغ فرما و برکتت را بر من عظیم فرما و سلامتی روزیم گردان و تنم را در این ماه به سلامت دار و روزیم را فراخ کن و مرا از هر چه برایم مهم است کفایت کن و دعایم را در این ماه مستجاب فرما و مرا به آرزویم برسان.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و چرت و کسالت و خستگی و سستی و سنگدلی و غفلت و غرور را از من برطرف فرما. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در این ماه مرا از بیماری و مرض و درد و مشغولیت و غم و اندوه و عوارض و امراض و اشتباهات و گناهان دور کن و بدی و زشتی و سختی و بلا و خستگی رنج را از من باز گردان که به راستی تویی شنونده دعا. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در این ماه مرا از شیطان رانده شده و از عیبجویی و خرده گیری و دمیدن و فوت کردن و تجاوز و وسوسه و بازداشتن و مکر و ریسمان ها و حیله گری و آرزوها و غرور و سواره نظام و پیاده نظام و شریکان و یاوران و برادران و همراهان و پیروان و دوستان و تمام حقه بازی های او در پناه گیر.

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و عبادت و روزه و رسیدن به آرزویم را در آن ماه و در عبادتش روزیم گردان و هر چه را که تو را از من راضی می گرداند، از شکیبایی و قصد قربت و یقین و ایمان برایم کامل گردان، سپس آن را با ثوابی چندین برابر و پاداشی عظیم از من بپذیر. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و سلامتی و آسایش و حج و عمره و تلاش و کوشش و توبه و قربت و شادابی و بازگشت به تو و اشتیاق و هراس و دلسوزی و فروتنی و درخواست حاجت و راستی نیت و بیم از خود و امیدواری به تو و توکل و اعتماد بر تو و پارسایی از محارمت را به همراه سخن شایسته و تلاش مقبول و عمل اوج گیرنده و دعای مستجاب روزیم فرما و بین من و گوشه ای از این نعمات با درد و مرض و

بیماری و غفلت و فراموشی فاصله نکن، بلکه با پایبندی و پرهیز و خویشتنداری برای تو و در راه تو و مراعات حق تو و وفای به پیمان و وعده ات، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بهترین آنچه را که به بندگان شایسته ات قسمت می کنی در این ماه به من قسمت فرما و بهترین نعمتی را که به دوستان با ایمان خود می بخشی، از هدایت و رحمت و آمرزش و نیکی و مهربانی و اجابت و یاری و غنیمت و عمر و سلامتی و تندرستی همیشگی و رهایی از آتش دوزخ و رسیدن به بهشت و خیر دنیا و آخرت را به من ارزانی دار و شر دنیا و آخرت را از من باز دار، به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و دعایم را به خویش واصل و خیرت را بر من نازل و عملم را در آن مقبول و تلاشم را در آن مورد سپاس و گناهم را در آن آمرزیده گردان تا بهره من در آن بیشتر و شانس من در آن کامل تر گردد. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و توفیق شب قدر را در این ماه در بهترین و رضایتمندانهترین حالتی که دوست داری یکی از دوستانت بر آن حالت باشد نصیبم گردان، سپس آن شب را برای من بهتر از هزار ماه قرار ده و بهترین چیزی را روزیم گردان که به یکی از کسانی روزی کردی که او را بدان شب رساندی و بدان کرامتش بخشیدی و مرا را در آن شب از رهاشدگان و آزاد شدگانت از آتش و از آن بندگان سعادتمند خویش قرار ده که بی نیازشان کردی و روزیشان را فراخ گرداندی و آنان را در بین خلق خویش حفظ کردی و دچار بلا نساختی و از کسانی که با رحمت و آمرزش و مهربانی و ترحم و اجابت و خشنودی و محبت و گذشت و سلامتی و بخشش و قدرت خویش بر آنان منت نهادی. معبودی جز تو نیست. به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا، ای پروردگار سپیده دم و شب های دهگانه و ای پروردگار ماه رمضان و آنچه در این شب از قرآن نازل فرمودی و ای پروردگار جبرییل و میکاییل و اسرافیل و ای پروردگار ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و ای پروردگار موسی و عیسی و پروردگار محمد خاتم پیامبران، بر محمد و خاندان

محمد درود فرست و آنان را امامانی قرار ده که {به حقّ هدایت می کنند و به حقّ داوری می نمایند.}(1) و آنان را یاری فرما و پیروزشان گردان و مرا از یاوران رسولت و خاندان رسولت - که بر او و آنان درود باد - و از پیروان آنان در دنیا و آخرت قرار ده و از تو خواهم به حق آنان بر تو و به حق عظیم تو بر آنان که نظر لطف و رحمت بر من افکنده که به برکت آن از من خشنود گردی، خشنودی ای که پس از آن هیچ وقت بر من خشم نگیری و تمام خواسته ها و اشتیاق و آرزوها و اراده ام را به من ببخش و تمام آنچه را که از آن بیزارم و در هراسم و بر جانم می ترسم و آنچه نمی هراسم،از خانواده و مال و نسلم دور گردان.

خدایا از گناهانم به سوی تو گریخته ام، پس پناهم ده. مرا که توبه کرده ام توبه ام بپذیر و از تو درخواست آمرزش دارم پس مرا بیامرز، و به تو پناه آورده ام پس پناهم ده و به تو مأوی جسته ام پس در پناهم گیر، و فرمانبردار تو شده ام پس خوارم نکن، و بیمناکم پس امانم ده، و به تو مشتاقم پس شفاعتم کن، و از تو درخواست می کنم پس به من ببخش، و تو را تصدیق می کنم پس از من درگذر و به درگاهت تضرّع میکنم، پس ناامیدم نکن. ای نزدیک، ای اجابتگر، گناهانم عظیم و بزرگ گشته است، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با من چنان کن که خود شایسته آنی و آنچنان که من سزاوار آنم با من رفتار نکن.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از روزی و رحمت و آرامش و محبت و ترحم و روزی فراخ و گوارا و شیرین خود بر من و پدر و مادرم و خانواده ام و بستگانی که از اندوه ایشان ناراحت می شوم و برادران با ایمانم فرود آور، آنچنان که صلاح دنیا و آخرت ما در آن باشد، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا هر خواسته ای که به درگاهت داشتم و خواستار برآورده شدن آن بودم، به آن پرداخته بودم یا نپرداخته بودم، آن را از تو خواسته بودم یا نخواسته بودم، آن را بر زبان آورده بودم یا نیاورده بودم و تو از من بدان آگاه تر بودی، از تو می خواهم به حق پیامبرت محمد و خاندانش، که مسئولیت برآوردن آن و تمام حاجاتم را،



---

1- . اعراف / 181

کوچک و بزرگش را در همین ساعت، همین ساعت بر عهده بگیری که به راستی تو بر همه چیز توانایی.

خدایا از تو خواهم به عزتت که تو سزاوار آن هستی و به رحمتت که تو شایسته آن هستی، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و تمام گناهانم را، کهنه و تازه اش را بیامرزی و هر که نسبت به من اراده خیری کند، بر او خیری را اراده فرما و هر که نیت سویی نسبت به من داشته باشد، نسبت به او امر سویی را اراده فرما و به تو پناه می برم از شر او و بر ضد او از تو یاری می جویم. خدایا مرا از روبرو و پشت سر و از راست و چپم حفظ فرما و مرا در حفظ و پناه و کنف حمایت خویش قرار ده که همسایه ات عزتمند و ثنایت بزرگ است، ای آقای من و معبودی جز تو نیست.

سپس دو رکعت نماز می گزاری و پس از آن، دعایی را که از خط جدم ابو جعفر طوسی با اسنادش به امام صادق علیه السلام نقل کرده ایم، می خوانی:

ستایش مخصوص خداوند است که بلند مرتبه است و همه موجودات مقهور و مسخّر اراده اوست و ستایش خدایی را که بر همه چیز به فرمانروایی قادر است و ستایش خدایی را که خود پنهان است و از همه چیز آگاه و ستایش مخصوص خداوندی است که مردگان را زنده می سازد و زندگان را می میراند و اوست که بر هر چیزی توانا و قادر است. ستایش خدایی را که همه چیز در برابر عظمت او فروتن گشته و ستایش خدایی را که همه چیز در برابر عزت او خوار شده و ستایش خدایی را که همه چیز تسلیم قدرت اوست و ستایش خدایی را که همه چیز در برابر مالکیت او خاضع گشته و ستایش خدایی را که هر چه خواهد انجام دهد و دیگری هر چه بخواهد نتواند کرد. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا در هر امر نیکی که محمد و خاندان محمد را در آن وارد کردی وارد فرما و مرا از هر بدی ای که محمد و خاندان محمد را از آن بیرون کردی بیرون فرما، درود و رحمت و برکات و سلام بسیار خداوند بر او و آنان باد.

اگر توان درخواست عنایت های بیشتر را داشتی، پس از این دو رکعت، دعایی را که محمد بن ابی قره در کتابش، عمل ماه رمضان گفته است بخوان:

ای محل [تمام] شکایات درخواست کنندگان و ای نهایت خواسته آرزومندان و ای فریادرس فریادخواهان و ای پناهگاه پناه جویان و ای بهترین کسی که دستان محتاجان به سوی او بلند شده و گردنهای خواهندگان به سوی او کشیده شده است. تو مولای منی و من بنده توام و سزاوارترین کسی که بنده از او درخواست می کند پروردگار اوست و بندگان از هیچ کسی بخشنده تر و سخاوتمندتر از تو درخواستی نکرده اند. تویی نهایت اشتیاق من و نگهدار من در تنهاییام و حافظ من در بی کسیام و مایه اطمینان من در خواسته ام و برآورنده حاجتم و اجابتگر دعایم و فریادرسم در گرفتاریام و پناهگاهم به هنگام بیچارگیام.

از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و گرامیام داری و یاریام فرمایی و منزلتم را بالا بری و مرا خوار نگردانی. بر فرمانبرداریت نیرویم ده و بر سخن استوار ثابتم دار و مرا به خودت نزدیک کن و دوستم داشته باش و مرا پاک و خالص گردان و مرا برخوردار کن و پرورشم ده و تربیتم کن و از نعمت و رحمت خویش روزیم گردان که به راستی کسی جز تو بر آن مالکیت ندارد و مرا با نعمتی که روزیم کرده ای بی نیاز گردان و نفسم را به سوی آنچه سزاوار آن نیستم برنگردان و از رحمت خویش مرا دو بهره عطا فرما و مرا محروم و خوار ندار و دیگری را جایگزین من نکن و بهترین خصلتها را خصلت باطنی من قرار بده و بازگشتم را بهترین بازگشت ها قرار ده و مرا به نگاهی از ذات بزرگوار خویش توفیق ده و از جامه های بهشتی بپوشانم و از حوریان بهشتی به همسریم برگزین و مرا به عهده خود گیر ای آقای من و به دیگری واگذارم نکن و از تمام گناهان گذشته ام درگذر و در باقی عمرم مرا حفظ گردان و مرا و پدر و مادرم و نزدیکانم و هر که را که در دنیا و آخرت به من بستگی دارد، در پوشش خویش قرار ده، که به راستی تمام این ها در دست توست و تو بزرگ آمرزشی. ای آقای من، مرا ناامید مکن و دستم را به گردنم باز نگردان تا زمانی که این کار را برای من انجام دهی و خواسته ام را مستجاب فرمایی و بر محمد، بنده و فرستاده ات و بر خاندان محمد درود فرست. تویی پروردگار ماه رمضانی که قرآن را در آن نازل فرمودی و روزه را در آن ماه بر بندگانت واجب کردی، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و حج خانه

محترم خویش را در این سال و در هر سال روزیم گردان و گناهان بزرگم را بیامرز که به راستی جز تو کسی آن ها را نیامرزد، ای بخشاینده، ای بسیار دانا.

سپس دو رکعت می خوانی و بعد از آن دعایی را که از خط جدم ابو جعفر طوسی رحمه الله از امام صادق علیه السلام نقل کردیم، می خوانی:

خدایا از تو خواهم به مفاهیم تمام دعاهای آن بندگانت که آنان را برای خود برگزیدی و امانتدار راز تواند و در پرده غیبت پنهان گشته اند و دین تو را پنهانی و آشکارا اعلام دارند و عظمتت را به توصیف درآورده و از نافرمانیات بری هستند و به راهت فرا خوانند و در دانشت پیشتاز و به کرامتت نائل گشته اند. تو را خوانم در جایگاه های حدودت و در کمال طاعتت و بدانچه صاحبان امرت بدان تو را می خوانند که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با من چنان کنی که تو خود شایسته آنی و کاری را که من سزاوار آن هستم با من نکنی.

سپس دعایی را که محمد بن ابی قره در کتابش ذکر کرده را بعد از این دو رکعت می خوانی:

خدایا از تو خواهم به رحمتت که همه چیز را احاطه کرده و به عزتت که بر همه چیز چیره گشته و به جبروتت که بر همه چیز غالب شده و به قدرتت که هیچ چیز نمی تواند جلوی آن را بگیرد و به بزرگیات که همه چیز را فرا گرفته است و به دانشت که بر همه چیز احاطه یافته و به روشنی ذاتت که همه چیز بدان روشن گشته است. ای دیرینه ترین دیرینه در عزت و جبروت و ای مهربان نسبت به هر که از تو طلب مهر کند و ای آرامش بخش هر اندوهگین و برطرف کننده اندوه هر دل سوخته، از تو خواهم به آن نام هایت که حاملان عرشت و هر که در گرد عرشت به سر می برد تو را بدان ها خواند و به آن نام هایت که جبرییل و میکاییل و اسرافیل تو را بدان خوانده اند که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و آنچنان از من خشنود گردی که پس از آن هیچ وقت بر من خشم نگیری و عمرم را طولانی داری و روزیم را فراخ گردانی و تنم را به سلامت داری و مرا به آرزویم برسانی و مرا بر طاعت و عبادت خویش نیرو دهی و سپاست را بر من الهام فرمایی که سپاس من در برابر نعماتت ناتوان گشته و شکیباییام بر امتحانت اندک شده و عملم از برآوردن حقت

ناتوان گشته است و ای آقای من! من کسی هستم که می دانی از ادای حقت ناتوانم و در عبادتت کوتاهی کرده و بر مرکب نافرمانیات سوار گشته ام، که اگر مرا عذاب دهی من سزاوار آنم و اگر از من بگذری تو شایسته گذشت هستی.

خدایا خدایا! بر خویشتن ستم کرده و بسیار بر آن زیاده روی کرده و تلاشم برای نافرمانی هایت بسیار گشته و گناهانم انباشته شده و زشتی هایم آشکار گشته و غفلتم از تو طولانی شده و پیرویم از شهواتم پیوسته گشته است. خدایا، خدایا، دنیا مرا با مکر و حیله خویش بفریفت و من فریب خوردم و با خواسته های خویش مرا به گمراهی فرا خواند و من پاسخش دادم و مرا از هدایتم بازداشت و من با اندک شیرینی آن به سوی نابودی روانه گشتم و برای من خود را آراست تا بر او توجه کنم و من بر او توجه کردم. خدایا، خدایا، گناهان بزرگ و نابودگری مرتکب شدم و با گناهان ویرانگر بر خویشتن جنایت کردم و پی در پی زشتی ها را مرتکب شدم و کمتر نیکی از من سر زد و گناهان عظیمی مرتکب شدم و اشتباه بزرگی کردم و در جدید و قدیم به خود بدی کردم و به هنگام نافرمانیات فراموشکار و سرگرم و غافل و به وقت فرمانبرداریت خواب آلود و فراموشکار بودم. فراموشی یادت برایم به درازا کشید و با تمام اعضایم به سوی آنچه ناپسند می داشتی شتافتم.

خدایا تو بر من نعمت داده ای و من ناسپاسی کردم و بیناییام بخشیدی، ولی من بصیرت نیافتم و عبرت ها را به من نشان دادی و من پند نگرفتم و از لغزش هایم چشم پوشیدی و من کوتاه نیامدم و زشتی هایم را پوشاندی و من نپوشاندم و مرا امتحان کردی و من شکیبایی نکردم و مرا [از گناهان] حفظ فرمودی و من خود را حفظ نکردم و مرا به نجات فرا خواندی و اجابتت نکردم. مرا از پرتگاه های نابودی بر حذر داشتی و من از آن پرهیز نکردم.

خدایا، خدایا، مرا شنوا آفریدی و بسیار چیزها که ناپسند می داشتی را گوش دادم و گویایم فرمودی و من بسیاری از گناهانت را با زبان مرتکب شدم و بینایم نمودی و دیده ام از هدایت کور گشت و مرا شنوا و بینا گرداندی و چه بسیار چیزها که گوش و چشمم مرا در آن به هلاکت رساند و مرا گیرنده و دهنده قرار دادی و داد و ستد من در آنچه مرا از آن بازداشتی، ادامه یافت و مرا کوشا و پرتحرک گرداندی

و بسیار چیزها که تلاش و حرکتم مرا در آن به نابودی کشاند و شهواتم بر من چیره گشت و با تمام اعضایم نافرمانیات کردم. نیازم به تو شدید و احتیاجم به تو بسیار و فقرم به تو افزون گشته است، پس با چه رویی به تو شکایت برم و با چه زبانی حاجاتم را از تو بخواهم و با چه دستی آرزویم را به سوی تو بالا برم و با چه نفسی احتیاجم را به پیشگاهت آورم و با چه عملی اندوه و نیازم را برایت شرح گویم؟ ای آقای من! آیا با همان رویم که از تو کمتر شرم کرد؟ یا با آن دلم که کمتر به تو توجه کرد ای سرور من؟ یا با زبانم که بسیاری از چیزهایی را که ناپسند می داشتی گفته است، ای پروردگارم؟ یا با جسمم که عشق به گناهان در آن سکنی گزیده ای معبود من؟ یا با عملم که بر خلاف محبت تو بود ای آفریدگار من؟ یا با نفسم که فرمانبرداریت را ترک گفته است، ای روزی رسان من؟ که اگر به من رحم نفرمایی من نابود هستم و اگر بر من خشم بگیری من تباه می گردم.

ای وای و ای داد بر من از گناهان و اشتباهات و زیاده رویام بر نفسم! ای سرور من اگر تو به فریادم نرسی، از که فریاد خواهم تا به فریادم رسد؟ ای آقای من! اگر تو از من روی گردانی، من به که شکایت برم تا به من رحم کند؟ ای آقای من! اگر تو روی بخشنده ات را از من برگردانی، من چه کسی را فرا خوانم تا شفاعتم کند؟ ای سرورم! اگر تو بر من خشم بگیری و پاسخم را ندهی، من دست به دامن چه کسی شوم تا پاسخم دهد؟ ای آقای من! اگر تو به من نبخشی و از من بازداری، از که بخواهم تا بر من ببخشد؟ ای آقای من! اگر تو مرا تنها بگذاری و پناهم ندهی، از که پناه خواهم تا نجاتم دهد؟ ای سرورم! اگر تو حفظم نگردانی به چه کسی چنگ زنم تا حفظم گرداند؟ ای آقای من! اگر مرا تنها بگذاری، من بر که توکل کنم تا مرا محفوظ بدارد و نجاتم دهد؟ ای سرور من! اگر تو بر من غضب کنی من از که شفاعت خواهم تا شفاعتم کند؟ ای آقای من! اگر تو بر من خشم گیری، من به که پناه برم و به کجا بگریزم؟

خدایا، خدایا، گریز من از تو تنها به سوی توست و رهاییام از تو تنها به سوی توست و پناهم به سوی توست و توسلم تنها به توست و توکلم تنها بر توست و امیدم تنها به توست و تنها رحمت و گذشت تو مرا نجات می دهد و تنها مهربانی و

آمرزش توست که مرا رهایی می بخشد. تو ای آقای من! امان من هستی از هر چه می ترسم و هر چه نمی ترسم، پس به رحمت خویش مرا ایمنی بخش و تو ای آقای من! امید من هستی از هر چه از آن بیم دارم و هر چه بیمش ندارم، پس به آمرزش خویش نجاتم ده. و تو ای سرور من! یاری رس من هستی از گناهانی که در آن فرو رفته ام، پس مرا یاری فرما. و تو ای سرورم، مرجع شکایت من هستی از آنچه به سوی تو روی زاری آورده ام، پس به من رحم کن. و تو ای سرور من! پناهگاه من از عذاب دردناک خویش هستی، پس به عزت خویش پناهم ده. و تو ای آقای من! پناه و یاور و روزی رسان من هستی، پس مرا هیچ و نابود نگردان. ای سرور من، تو نگهدار و حمایتگر منی و نسبت به من مهربانی، پس مرا گرفتار بلا نکن ای آقای من. حاجتم را از تو می خواهم پس به من ببخش ای سرورم، از تو روزی فراخ می خواهم پس محروممم نساز ای آقای من و از تو هدایت می جویم، پس هدایتم فرما و گمراهم نکن ای آقای من. از تو گذشت می خواهم، پس از لغزشم درگذر ای سرورم، از تو آمرزش خواهم، پس گناهانم را بیامرز ای آقای من، به بی نیازیات امید بسته ام پس به رحمت خویش بی نیازم فرما ای آقای من و به رحمتت امیدوارم پس به منت خویش به من رحم کن ای سرورم و به بخشش هایت امید بسته ام پس به نعمت بخشی خویش به من عطا فرما ای آقای من. به پناه دهیات چشم امید بسته ام پس به فضل خویش پناهم ده ای آقای من و به گذشتت امیدوارم، پس به بردباری خویش از من درگذر ای آقای من. به چشم پوشیات امید بسته ام، پس به مهربانی خویش از گناهانم چشم بپوش ای سرورم. به نجات بخشیات از آتش دوزخ امید بسته ام، پس مرا نجات ده ای آقای من. به داخل کردنم به بهشت امید بسته ام، پس به بخشش خویش مرا داخل گردان ای آقای من. به برآوردن امید و آرزو و خواسته ام در کار دنیا و آخرتم امیدوارم، پس به لطف و سخاوت خویش ناامیدم نگردان.

خدایا اگر من سزاوار دریافت این نعمت از تو نیستم، تو شایسته این مقام هستی و کسی را که تو را بخواند ناامید نمی کنی و به هر که بر تو اعتماد کند بی توجهی نمی کنی و هر که را که بر تو توکل کند خوار نگردانی، پس مرا ناامیدترین کسی که در این شب از تو درخواست کرده نگردانم و زیانکارترین کسی که در این

ماه از تو خواسته، قرارم مده و با اجابت و پذیرش و رهایی از آتش و رسیدن به بهشت بر من منت بگذار و خیر دنیا و آخرت را برایم گردآور و از گناهان و نقایص و بدی و ستم و زیاده رویام بر خودم درگذر و مرا از هر گناهی که از روزی تو محرومم می کند یا مانع از پذیرش دعایم از سوی تو می شود یا موجب رد درخواستم می گردد یا مرا از رسیدن به امیدم ناتوان می کند یا روی بخشنده ات را از من می گرداند، باز دار که اطمینانم به تو محکم و درخواستم از تو بسیار و زبانم به دعایت گشوده شده است ای آقای من! پس به خاطر لطفی که به من کردی و به زبان پیامبر راستگویت - که بر او و خاندانش درود باد - و در کتاب خویش به من وعده دادی، سینه ام را برای درخواستت گشاده دار و به خاطر سپاس اندکم محرومم نکن ای آقای من! و به خاطر کم صبریام از من نگیر ای سرورم و به خاطر احتیاج و نداریام به من عطا فرما.

پس ای آقای من! به خواری و ناتوانی من رحم کن و احسان و نعماتت را بر من کامل کن ای آقای من! و از گنجینه های خویش بسیار به من ببخش ای آقای من! و به رحمت خویش مرا در بهشت وارد فرما ای آقای من! و به بیم خویش مرا در زمین ساکن گردان ای آقای من! و با تعهد خویش [قرضم را] از دوش من برگیر و دوستی و محبت و مهربانی خویش و راحتی به هنگام مرگ و گذشت به وقت حساب را روزیام فرما و بی نیازی و گذشت و سلامتی و خوش اخلاقی و امانت داری را روزیام گردان و روزه و نمازم را بپذیر و دعایم را مستجاب گردان و در این سال و همیشه تا زنده ام، حج و عمره را روزیام فرما، بر بهترین خلقت محمد و خاندان محمد درود فرست... و حاجت هایت را بخواه

سپس دو رکعت نماز می گزاری و آنچه را که از دست خط جدم ابو جعفر طوسی به روایت از مولایمان امام صادق علیه السلام نقل کرده ایم می خوانی:

ای صاحب نعمتی که منتی بر تو نیست، ای بخششگری که معبودی جز تو نیست، ای پشتیبان پناه آورندگان و مأمن بیمناکان و پناه پناهجویان! اگر در ام الکتاب چنین مقدر فرموده ای که من شقاوتمند یا محروم یا تنگ روزی باشم، پس شقاوت و محرومیت و تنگی روزیم را از ام الکتاب محو گردان و مرا در پیشگاه

خویش سعادتمند و توفیق یافته بر خیر و فراخ روزی بنویس؛ چرا که تو در کتاب خویش که بر زبان پیامبر و فرستاده ات - که درودت بر او و خاندان او باد - نازل کرده ای فرمودی: «یَمْحُوا اللَّهُ ما یَشاءُ وَ یُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ.»، (1) {خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند و اصل کتاب نزد اوست. } و فرموده ای: {رحمتم همه چیز را فرا گرفته است. }(2) من هم یک چیز هستم، پس باید رحمتت مرا فرا گیرد، ای مهربان ترین مهربانان! بر محمد و خاندان او درود فرست... و هر چه به خاطرت رسد از خدای خود بخواه.

سپس دعایی را که محمد بن ابی قره در کتابش «عمل شهر رمضان» در تعقیب این دو رکعت ذکر کرده است، می خوانی:

خدایا خدایا! گناهان مرا به هراس افکنده و به کارم گرفتار و به اشتباهم دچار گشته ام. پس ای وای و ای داد بر من از آنچه بر خویش ترسیدم و از اعمالی که با اعضای خویش مرتکب شدم و ای وای و بیداد بر من! چگونه در کارهایی که به وسیله آن ها به آفریدگارم جسارت کردم، از عقوبت پروردگارم احساس امنیت کرده ام؟ ای وای و داد بر من، با تمام اعضایم نافرمانی پروردگارم را کردم و ای وای و بیداد بر من که بر نفس خویش زیاده روی کردم و بار گناه را در پشتم سنگین کردم و ای وای من، با گناهان بزرگم با آفریدگارم دشمنی کردم و ای وای بر من! چنان شدم که گویی عقلی نداشتم، بلکه عقلی نداشتم که به من سود برساند و ای وای و داد بر من! آیا در کردارم نیندیشیدم و از کرده ام نترسیدم؟ ای وای و داد بر من! از نظارت بر کارم و تفکر بر ستمم کور گشتم. ای وای و داد بر من! اگر مجازاتم برای آخرتم ذخیره شده باشد و ای وای و داد بر من اگر در روز قیامت مرا بیاورند در حالی که دستم را به گردنم بسته اند و ای وای و داد بر من اگر آتش جسمم را بر باد دهد و مفاصلم را خرد کند و ای وای بر من اگر با من کاری کنند که به خاطر گناهانم شایسته آن هستم و ای وای بر من اگر آقای من به من رحم نکند و معبودم از من درنگذرد و ای وای بر من! اگر زمین از گناهانم آگاه گردد، مرا در خود فرو



---

1- . رعد / 39

2- . اعراف / 156

برد و ای وای بر من اگر دریاها از گناهانم آگاه گردند، بی تردید مرا در خود غرق خواهند ساخت و ای وای بر من! اگر کوه ها به گناهانم پی برند، یقیناً مرا سنگباران گردانند و ای وای بر من از کار زشتم و کردار پلیدم و از گناهان رسواکننده ام و ای وای بر من! اگر گناهانم را برای زمین بگویم یقیناً مرا فرو می بلعد. ای وای بر من، ای کاش آنچه از آن می ترسیدم بر من فرود می آمد و موجب خشم معبودم نمیشدم. ای معبود من! ای وای بر من! یقیناً من در روز قیامت به خاطر گناهان عظیمم رسوا هستم و ای وای بر من! اگر در روز قیامت در محشر روسیاه گردم و ای وای بر من اگر در انظار مردم پشتم شکسته شود و ای وای بر من اگر با کردارم سنجیده شوم یا محاسبه گردم یا مجازات شوم و ای وای و مصیبت بر من اگر پروردگارم به من رحم نکند.

ای مولای من! من به تو گمان نیک دارم؛ بدین روی که عقوبتم را به تأخیر انداخته ای. ای مولای من! از من درگذر و مرا بیامرز و توبه ام را بپذیر و اصلاحم گردان. ای مولای من! روزه و نمازم را از من بپذیر و دعایم را مستجاب فرما ای مولای من و به عجز و لابه و پناه جویی و بی چیزی و بیچارگیام رحم کن ای مولای من! و مرا ناامید نگردان و امیدم را قطع نکن و خواسته ام را به صورتم نزن و بر محمد و خاندان محمد درود فرست و امسال و همیشه تا زنده ام، حج و عمره را روزیام فرما.

چون از دعا فراغت یافتی سجده می کنی و در سجده دعایی را که از دست نوشت جدم ابو جعفر طوسی رحمه الله علیه نقل می کنیم، می خوانی:

خدایا مرا با دانش بی نیاز فرما و با بردباری بپیرای و با پرهیزکاری کرامت بخش و با سلامتی زیبا کن. ای صاحب سلامتی، مرا از آتش در امان دار، در امان دار.

چون سر بلند کردی بگو:

ای خدا، ای خدا، ای خدا! از تو خواهم به این که معبودی جز تو نیست، به نامت، به نام خداوند بخشاینده مهربان، ای بخشاینده، ای خداوند، ای پروردگار، ای نزدیک، ای اجابتگر، ای پدید آورنده آسمان ها و زمین، ای باشکوه ارجمند، ای

مهربان، ای عطابخش، ای زنده، ای پاینده! به حق هر نامی که مخصوص توست و تو دوست داری تا بدان نام خوانده شوی و به هر دعایی که یکی از پیشینیان و پسینیان تو را بدان خواند و تو مستجابش گرداندی، از تو خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و قلبم را به بیم و هراس از خودت متوجه گردانی و مرا از مخلصان قرار دهی و تمام ارکانم را برای عبادت خویش تقویت گردانی و سینه ام را برای نیکی و پارسایی گشاده کنی و زبانم را برای تلاوت کتابت گویا گردانی، ای صاحب اختیار مؤمنان!

و بر محمد و خاندان محمد درود فرست و هر چه دوست داشتی از خدا بخواه، سپس نماز عشا و تعقیبات آن را بخوان.

فصل:(1) ذکر ترتیب نافله ماه رمضان پس از نماز عشا و دعاهای آن در هر شب که نافله آن هم بیست رکعتی است.

سپس دو رکعت نماز می خوانی و بعد از اتمام، دعایی را که از دست نوشت جدم ابو جعفر طوسی به روایت از امام صادق علیه السلام نقل کرده ایم، می خوانی:

خدایا از تو می خواهم به زیبایی و شکوه و جمال و بزرگی و روشنایی و فراخی رحمتت و به نام هایت و به عزت و قدرت و اراده ات و به نفوذ فرمانت و به حد نهایت خشنودیت و بزرگواری و بخششت و جاودانگی عزت و فرمانروایییات و فخر و برتری مقامت و بخشش دیرینت و نشانه های شگفتت و لطف و سخاوت و روزی فراگیرت و بخشش و نیکی و احسان و فضل و نعمت بخشی و منزلت و جبروتت و از تو خواهم به تمام مسائلت که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا از آتش نجات دهی و بهشت را به من ارزانی داری و روزی حلال و پاکت را بر من فراخ گردانی و شر بدکاران عرب و غیر عرب را از من دفع کنی و زبانم را از دروغ و دلم را از حسادت و چشمم را از خیانت باز داری که تو {نگاه های دزدانه و آنچه را که دل ها نهان می دارند}،(2)

می دانی. و در این سال و هر سال حج و عمره را

ص: 468

---

1- . کتاب الاقبال : 42-33

2- . غافر / 19

روزیام فرمایی و چشمم را فروپوشی و پاکدامنم گردانی و روزیام را فراخ و مرا از هر بدی حفظ فرمایی، ای مهربان ترین مهربانان!

سپس دعایی را که محمد بن ابی قره در تعقیب این دو رکعت روایت کرده است، می خوانی:

خدایا از تو می خواهم از درخشندگیات، به درخشنده ترین آن و همه درخشش تو روشنی بخش است. خدایا از تو خواهم به تمام مراتب درخشندگیات. خدایا از تو خواهم از زیباییات به زیباترین آن و تمام زیبایی تو زیباست. خدایا از تو خواهم به تمام مراتب زیباییات. خدایا از تو خواهم از شکوهت به باشکوه ترین آن، در صورتی که همه مراتب شکوهت پرشکوه است. خدایا از تو خواهم به تمام مراتب شکوهت. خدایا از تو خواهم از عظمتت به عظیم ترین آن و تمام مراتب بزرگی تو بزرگ است. خدایا از تو خواهم به حق جملگی بزرگیات. خدایا از تو خواهم از نورت، به حق نورانی ترین آن و تمام مراتب نورت تابنده است. خدایا از تو خواهم به حق تمام نورانیتت. خدایا از تو خواهم از رحمتت به وسیع ترینش و تمام مراتب رحمتت فراخ است. خدایا از تو خواهم به تمام مراتب رحمتت. خدایا از تو خواهم از کمالت به کامل ترین آن و تمام کمالت کامل است. خدایا از تو خواهم به تمام مراتب کمالت. خدایا از تو خواهم از کلماتت به کامل ترین آن و تمام کلماتت تامه است. خدایا از تو خواهم به تمام کلماتت. خدایا از تو خواهم از نام هایت، به بزرگ ترین آن و تمام نام هایت بزرگ است. خدایا از تو خواهم به تمام نام هایت. خدایا از تو خواهم از عزتت، به عزیزترینش و همه عزت تو عزیز است. خدایا از تو خواهم به حق تمام مراتب عزتت. خدایا از تو خواهم به حق جاری ترین مراتب خواست و مشیتت و تمام خواست تو جاری است. خدایا از تو خواهم به حق تمام مراتب مشیتت. خدایا از تو خواهم به قدرتی که بدان بر همه چیز احاطه کرده ای و همه توانایی تو فراگیر است. خدایا از تو خواهم به تمام تواناییات. خدایا از تو خواهم از دانش نافذترت و همه دانش تو نافذ است. خدایا از تو خواهم به حق همه مراتب دانشت. خدایا از تو خواهم از گفته ات به پسندیده ترین آن و همه گفتارت پسندیده است. خدایا از تو خواهم به حق تمام گفتارت. خدایا از تو خواهم از

خواستههایت به محبوب ترین آن و همه خواسته هایت دوست داشتنی است. خدایا از تو خواهم به حق تمام خواسته هایت. خدایا از تو خواهم از شرافتت به شریف ترین آن و همه شرافت تو شریف است. خدایا از تو خواهم به حق همه شرافتت. خدایا از تو خواهم از فرمانرواییات به ابدیترین آن و همه فرمانرواییات ابدی است. خدایا از تو خواهم به حق همه فرمانرواییات. خدایا از تو خواهم از مفتخرترین فرمانرواییات و همه فرمانرواییات گرانمایه است. خدایا از تو خواهم به حق تمام فرمانرواییات. خدایا از تو خواهم از مننت، به قدیم ترین آن و همه منت تو دیرینه است. خدایا از تو خواهم به همه مننت. خدایا از تو خواهم از آیاتت به شگفتترین آن و همه آیاتت شگفت است. خدایا از تو خواهم به جملگی آیاتت. خدایا از تو خواهم از فضلت به برترین آن و همه فضلت برترین است. خدایا از تو خواهم به حق تمام مراتب فضلت. خدایا از تو خواهم از فراگیرترین روزیت و روزیت همه فراگیر است. خدایا از تو خواهم به حق تمام روزیت. خدایا از تو خواهم به گواراترین بخشش هایت و همه بخشش های تو گواراست. خدایا از تو خواهم به حق تمام بخشش هایت. خدایا از تو خواهم از زودهنگام ترین نیکیات و همه نیکیات زودهنگام است. خدایا از تو خواهم به حق تمام نیکیات. خدایا از تو خواهم از بهترین احسانت و همه احسان تو نیکوست. خدایا از تو خواهم به حق تمام مراتب احسانت.

خدایا از تو خواهم بدان مقام و بزرگ منشی که تو در آنی. خدایا از تو خواهم به هر شأن به تنهایی و به هر بزرگواری به تنهایی. خدایا از تو خواهم به آنچه مرا پاسخ دهی هنگامی که از تو خواهم، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای باشکوه ارجمند ! [از تو خواهم ] که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و حج خانه محترم خویش و زیارت قبر پیامبرت صلی الله علیه و آله را امسال و هر سال روزیم فرمایی و عاقبتم را به خیر ختم فرمایی، ای مهربان ترین مهربانان ! خدایا از تو خواهم که درود فرستی بر محمد، بنده برگزیده و امین پاک و فرستاده منتخب و برگزیده آفرینشت از میان بندگانت که به او ندا دادی و پیامبر راستین و دوستت که او را بر فرستادگانت برتری دادی و از بین جهانیان برگزیدی، آن هشدار دهنده و

بشارت دهنده و آن چراغ فروزان، و بر خاندان پاک و مطهر و برگزیده او و بر آن فرشتگانت که آن ها را برای خویش برگزیدی و از بندگانت پنهان داشتی و بر پیامبرانت که به راستی از تو خبر می دادند و بر فرستادگانت که آنان را به وحی خویش مخصوص گرداندی و با رسالت های خویش بر جهانیان برتریشان دادی و بر بندگان شایسته ات که آنان را در رحمت خویش وارد فرمودی و بر جبرییل و میکاییل و اسرافیل و فرشته مرگ و مالک، خزانه دار دوزخ و رضوان، خزانه دار بهشت و روح القدس و روح الامین و حاملان مقرب عرشت و بر منکر و نکیر و بر دو فرشته ای که حافظان من هستند و بر فرشتگان بزرگوار نویسنده اعمال بندگان درودی فرست که دوست داری اهل آسمان ها و زمین ها بدان بر آنان درود فرستند، درودی بسیار و پاک و مبارک و پاکیزه و طاهر و زیاد و شریف و برجسته که به وسیله آن فضیلت های آن بزرگواران را بر پیشینیان و پسینیان نمایانگر سازی.

خدایا به محمد و اهل بیت پاک او مقام وسیله و جایگاه بلندمرتبگی و برتری و درجه والا را عطا کن و با هر نزدیکی، نزدیکی دیگری و با هر کرامت کرامتی دیگر و با هر وسیله وسیله ای دیگر و با هر فضیلت فضیلتی دیگر و با هر مقام بلند، مقام بلند دیگری به او پاداش ده تا این که به هیچ فرشته مقرب و پیامبر فرستاده ای چیزی در روز قیامت نبخشی مگر کمتر از آنچه به محمد و خاندان او می بخشی.

خدایا جایگاه محمد را نزدیک ترین فرستادگان به خویش و منزلش را فراخترین منزل در بهشت و مقام وسیله اش را از همه آنان نزدیک تر و فضیلت او را از همه روشن تر گردان و او را اولین شفاعتگر و شفاعت شده و اولین گوینده و پیروزترین درخواست کننده قرار ده و او را در جایگاهی پسندیده محشور فرما که پیشینیان و پسینیان بدان غبطه ورزند. ای مهربان ترین مهربانان! خدایا از تو می خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و صدایم را بشنوی و دعایم را مستجاب گردانی و خواسته ام را برآوری و حاجتم را برآورده سازی و توبه ام را بپذیری و به وعده خویش در مورد من عمل کنی و از لغزشم درگذری و گناهم را بیامرزی و از خطایم درگذری و از ستمم چشم بپوشی و بر جرمم گذشت کنی و به من رو کنی و از من روی نگردانی و به من رحم کنی و مجازاتم نکنی و از من

درگذری و گرفتارم نسازی و از پاک ترین و فراخ ترین روزی خویش نصیبم گردانی و محرومم نسازی و قرضم را ادا فرمایی و چشمم را روشن کنی و بارم را از دوشم برگیری و آنچه را که توانش را ندارم بر من تحمیل نکنی ای سرورم! و مرا در هر خیری که محمد و خاندان محمد را در آن وارد کردی، وارد گردانی و از هر بدی ای که محمد و خاندان محمد را از آن خارج فرمودی، خارج گردانی و من و خانواده و نسلم و برادرانم را در دنیا و آخرت با آنان قرار دهی.

خدایا، چنانچه به من امر فرموده ای، تو را می خوانم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و چنانچه وعده ام داده ای دعایم را مستجاب فرما که تویی شنوای دعا و نزدیک و اجابتگر. خدایا از تو می خواهم ای خدا، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای باشکوه ارجمند، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در این سال و هر سال مرا از حاجیان خانه محترم خویش و زائران قبر پیامبرت علیه السلام قرار دهی و عاقبتم را ختم به خیر فرمایی، ای مهربان ترین مهربانان! خدایا از تو خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در این جایگاهم، هر آرزویی را که در این ماه درباره دین و دنیایم دارم برایم گردآوری و با نعمت بیشتر خود بر من منت فرما، از جایی که فکرم بدان خطور نمی کند و بدان امید ندارم و از چیزی که کار دین و دنیایم را بدان اصلاح می فرمایی و [از تو می خواهم] تمام این ها را در سلامت قرار دهی و انواع بلا را از من دور بداری، ای مهربان ترین مهربانان....

و حاجاتت را می خواهی.

سپس دو رکعت نماز می گزاری و دعایی را که از دست نوشت جدم ابو جعفر طوسی رحمه الله به روایت از امام صادق علیه السلام نقل کرده ایم، می خوانی:

خدایا گمان نیک را بر تو و صداقت را در توکل بر تو از تو می خواهم و به تو پناه می برم از این که با چیزی امتحانم کنی که ضرورت آن مرا وادار کند که به ذره ای از گناهانت پناه برم و به تو پناه می برم از این که مرا به حالتی دچار کنی که در آن حالت در سختی و آسانی گمان کنم که نافرمانی های تو مرا بیشتر به موفقیت می رساند تا فرمانبرداریت و به تو پناه می برم از این که سخن حقی را از روی فرمانبرداری تو بگویم و به واسطه آن در پی دیگری باشم، و به تو پناه برم از این که

مرا مایه عبرت دیگری قرار دهی، و به تو پناه می برم از این که کسی با آنچه به من بخشیده ای سعادتمندتر از من باشد، و به تو پناه می برم از این که برای درخواست چیزی که به من قسمت نکرده ای به رنج افتم و آنچه را قسمت یا روزیام کرده ای، در آسانی و سلامتی، حلال و پاک به من ارزانی دار، و به تو پناه می برم از هر چه بین من و تو فاصله کرده یا ما را از هم دور ساخته یا از بهره ام نزد تو کاسته یا روی بزرگوارت را از من باز گردانده است، و به تو پناه می برم از این که خطا یا ستم یا گناه یا زیاده رویام بر نفسم و پیروی از هوای نفسم و شتابم در شهوت رانی مانع از آمرزش و خشنودی و پاداش و بخشش و برکات و ثواب نیک و زیبایت که خود وعده داده ای شود.

سپس دعای محمد بن ابی قره را در تعقیب این دو رکعت می خوانی:

خدایا از تو خواهم به ذکر «معبودی جز تو نیست» و به درخشش «معبودی جز تو نیست»، ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به شکوه ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به زیبایی ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست»، و از تو خواهم به عظمت ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به نورانیت ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به رحمت ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به کمال ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به کلمات ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به نام های ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به عزت ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به قدرت ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به سیطره ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به والایی ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به آیات ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به مشیت ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که

«معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به دانش ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به شرف ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به مالکیت ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به فضیلت ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به کرامت ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» و از تو خواهم به بلندی ذکر «معبودی جز تو نیست» ای که «معبودی جز تو نیست» که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و عمرم را دراز و روزیام را فراخ گردانی و تنم را به سلامت داری و به آرزویم برسانی. خدایا اگر در پیشگاهت از شقاوتمندان بودم، نامم را از بین شقاوتمندان محو فرما و در بین سعادتمندانم بنویس که تو خود فرموده ای: { خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند و اصل کتاب نزد اوست. }(1)...

و حاجتت را می خواهی.

سپس دو رکعت نماز می گزاری و دعایی را که از دست نوشت جدم ابو جعفر طوسی رحمه الله به روایت از امام صادق علیه السلام نقل کرده ایم، می خوانی:

خدایا به آمرزش لازم و به رحمت واجبت، سلامت از هر گناه و غنیمت یافتن از هر نیکی و رسیدن به بهشت و نجات از آتش را از تو خواهم. خدایا دعاگویان تو را خوانده اند و من نیز خوانده ام، حاجت خواهان از تو خواسته اند و من نیز از تو خواسته ام و خواستاران از تو درخواست نموده اند و من نیز به درگاهت درخواست کرده ام. خدایا مایه اطمینان و آروزی من تویی و منتهای خواسته و دعا در سختی و آسانی به سوی درگاه توست. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و یقین را در دلم و روشنایی را در دیده ام و خیرخواهی را در سینه ام و یادت را در شب و روز بر زبانم قرار ده و روزی فراخ و غیر ممنوع و بی پایان و نه محظور روزیم فرما و در روزی ای که بر من ارزانی داشته ای برکت ده و بی نیازیام را نزد خودم و خواسته ام را در نزد خودت قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان!



---

1- . رعد / 39

سپس دعایی را که محمد بن ابی قره در تعقیب این دو رکعت در کتابش ذکر کرده است، می خوانی:

ای که معبودی جز تو نیست. ای پروردگار و وارث هر چیز، ای خدا، ای معبود خدایان که شکوهش والاست. ای خدا، ای معبود ستوده در تمام کارهایش، ای خدا، ای بخشنده نسبت به همه چیز و مهرورز و مهربان به آن، ای خدا، ای پاینده ای که نه چیزی از دست او رود و نه بر او دشوار آید، ای خدای یگانه یکتا، تو پیش از هر چیز و پایان هر چیزی. ای خدای جاوید بی زوال که فرمانرواییاش فنا ناپذیر است. ای خدای بی نیاز و بی مانند که هیچ چیز مانند او نیست. ای خدای آغازگر همه چیز و هیچ چیز همتای او نیست. ای خدای بزرگی که دل ها به کنه عظمت او راه نیابند. ای خدای آغازگر نوآفرین ایجاد کننده و آفریدگار همه چیز بدون نمونه ای که در ساخت موجودات از آن الهام گرفته باشی. ای خدایی که با قداست خویش از هر آفتی پاک و طاهر است. ای خدایی که به هر چه آفریده، از بخشش و لطف خویش پاداش و روزی دهد. ای خدای پاک از هر ستمی که بدان راضی نیست و کارهایش با آن درنیامیزد. ای خدای نعمت بخش صاحب احسان و کرم که بخششش تمام خلایق را فرا گرفته است. ای خدای مهربانی که مهربانیاش به همه چیز رسیده است. ای خدایی که تمام بندگان از بیمش در برابر او خاضع گشته اند. ای خدای آفریننده هر که در آسمان ها و زمین است و بازگشت همه به سوی اوست. ای خدای بخشنده بر هر فریادخواه و گرفتار و فریادرس او. ای خدایی که زبان ها کنه شکوه و عزت او را توصیف نتوانند کرد. ای خدای آغازگر اشیا که در ایجاد آن ها از احدی از خلقش یاری نجسته است. ای خدای دانای به عالم غیب که ذره ای از آفرینش آن بر او دشوار نیاید. ای خدای بازگرداننده، برانگیزنده و ارث برنده تمام مخلوقاتش. ای خدای سنجیده کار صاحب نعمت که هیچ یک از آفریدگانش با او برابری نمی کند. ای خدایی که هر چه بخواهد می کند و لطف خویش را بر تمام خلقش از سر می گیرد.

ای خدای شکست ناپذیر والای چیره بر خلقش که چیزی از دست او نمی رود. ای خدای شکست ناپذیر و سخت کیفری که کسی تاب انتقامش را ندارد.

ای خدایی که در عین بلندی نزدیک و در عین نزدیکی والاست، کسی که همه چیز در برابر عظمت او خوار گشته است. ای خدایی که روشنی و هدایت هر چیز است که نورش تاریکی ها را شکافته است.

ای خدای قدوس پاک از هر چیز که هیچ چیز با او برابری نمی کند. ای خدای نزدیک اجابتگر و والای نزدیک که از همه چیز نزدیک تر است. ای خدای والا مقام که بلندی و رفعتش فراتر از همه چیز است. ای خدای آغازگر و بازگرداننده اشیا که گفته ها به پای منزلت او نرسند. ای خداوند بزرگ بزرگوار باگذشتی که عدالتش همه چیز را فرا گرفته است. ای خدای بزرگ عزتمند و صاحب کبریا که بزرگیاش به خواری بدل نگردد. ای خدای صاحب سلطه باشکوهی که زبان ها را یارای وصف نعمات و ستایش او نیست. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در آنچه از دستور حتمی خود حکم و مقرر فرموده ای و در آنچه از فرمان حکیمانه ات در شب قدر تقسیم کنی و در قضایی که بازگشت ندارد و تغییرناپذیر است، از تو خواهم که نام مرا در زمره حاجیان بیت الله الحرام بنویسی که حجشان مقبول، کارهای بدشان بخشوده شده، گناهانشان آمرزیده، سعیشان مورد سپاس است و [از تو خواهم] در آنچه حکم و مقدر می فرمایی، عمرم را طولانی و روزیام را فراخ گردانی و امانتم را ادا فرمایی. خدایا امسال حج خانه محترم خویش و زیارت قبر پیامبرت صلی الله علیه و آله را در آسانی از سوی خویش و سلامتی روزیام گردانی... و حاجاتت را می خواهی.

سپس دو رکعت می گزاری و دعایی را که از دست خط جدم ابو جعفر طوسی رحمه الله علیه به روایت از امام صادق علیه السلام نقل کرده ایم، می خوانی:

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا برای آنچه خلقم کرده ای فارغ کن و از آنچه مرا مسئول آن کرده ای غافل نگردان. خدایا از تو ایمانی می خواهم که باز نگردد و نعمتی که پایان نپذیرد و همراهی با پیامبرت در بالاترین مراتب بهشت جاودان که درودت بر او و خاندان او باد. خدایا روزیم را روز به روز از تو می خواهم، نه آنقدر اندک که موجب بدبختیام گردد و نه آنقدر بسیار که موجب سرکشیام شود. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از فضل خویش در

این سال روزیام فرما، آنچه را که به برکت آن حج و عمره را روزیام می گردانی و به وسیله آن مرا بر روزه و نماز توانمند می سازی، که تویی پروردگار من و مایه امید و نگهدار من. نگهدار و امیدی جز تو و راه نجاتی از تو جز به سوی تو ندارم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در دنیا به من نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا فرما و به رحمت خویش مرا از عذاب آتش حفظ فرما.

سپس دعایی را که محمد بن ابی قره در کتابش در پی این دو رکعت ذکر کرده است، می خوانی:

خدایا من حاجتم را به وسیله تو و از تو می خواهم. اگر کسی حاجتش را از دیگری بخواهد، من تنها آن را از تو می خواهم که یکتایی و شریکی نداری و از تو خواهم به فضل و رحمت و خشنودیت که بر محمد و اهل بیت او درود فرستی و در این سال، برای من راهی را به سوی خانه محترم خویش قرار دهی و حجی مقبول و پذیرفته و پاک که برای تو خالص گشته روزیام گردانی و چشمم را به وسیله آن روشن گردانی و درجه ام را به آن ارتقا دهی و زشتی هایم را بدان فرو پوشی و فروبستن چشم و پاکدامنی از تمام محرمات و نافرمانی هایت را روزیم فرمایی تا این که هیچ چیز را بر فرمانبرداری و هراس از تو و عمل به آنچه دوست داری و ترک هر چه ناپسند می داری و از آن باز داشته ای ترجیح ندهم و آن را در دین و جسم و مال و فرزندان و خانواده و برادرانم و هر چه به وسیله آن بر من نعمت بخشیده ای و عطا فرموده ای، در آسانی و رفاه و دارایی و سلامتی قرار دهی. و از تو می خواهم که مرگم را شهادت در راهت، به همراه دوستانت و در زیر پرچم پیامبرت قرار دهی و از تو می خواهم تا دشمنان خود و دشمنان رسولت را به وسیله من به قتل برسانی و از تو خواهم که با خوار کردن هر کدام از بندگانت که بخواهی مرا گرامی داری و با گرامی داشتن هیچ یک از دوستانت مرا خوار نگردانی و راهی را به سوی رسولت برای من قرار دهی. خداوند مرا بس است، هر چه خدا بخواهد، بر خدا توکل کردم و هیچ نیرو و قوتی نیست، مگر به خداوند.

سپس دو رکعت نماز می گزاری و دعایی را که از دست نوشت جدم ابو جعفر طوسی رحمه الله علیه به روایت از امام صادق علیه السلام نقل کرده ایم، می خوانی:

خدایا ستایش همه تو راست و فرمانروایی همه تو راست و تمام امور، آشکار و پنهانش به سوی تو باز می گردد و تویی نهایت هر امر و اسباب نیکی همه در دست توست. خدایا از تو خواهم از نیکی همه را و به تو پناه می برم از شر همه اش. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به تقدیر خویش راضی گردان و در تقدیر خویش به من برکت ده تا پیش انداختن آنچه را که به تأخیر انداخته ای و تأخیر انداختن آنچه را که پیش انداخته ای نخواهم. خدایا از فضل خویش بر من بگستران و برکت خویش را روزیام گردان و مرا در طاعت خویش به کار گیر و به هنگام پایان عمرم مرا در راه خود بمیران و کارم را به دیگری وامگذار و پس از آنکه هدایتم کردی، دلم را دستخوش انحراف مگردان و از جانب خود، رحمتی بر من ارزانی دار که تو خود بخشایشگری.

سپس دعایی را که محمد بن ابی قره در کتابش در تعقیب این دو رکعت گفته، می خوانی:

بار خدایا ای پروردگار ماه رمضان، که قرآن را در آن نازل فرمودی و در آن روزه را بر بندگانت واجب کردی، بر محمد و خاندان او درود فرست و حج خانه محترم خویش را در این سال و هر سال روزیم گردان و گناهان بزرگم را بیامرز؛ به راستی که جز تو کسی آن را نبخشد. ای بخشاینده، ای بسیار دانا! خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و گوش جانم را بر ذکرت بگشا و چنان کن که کتابت را تصدیق کنم و به وعده ات ایمان پیدا کنم و به عهدت وفا کنم و از بیم خویش آنقدر روزیام کن که به وسیله آن از تو به سوی تو بگریزم.

خدایا بر محمد و اهل بیت او درود فرست و به من مهر ورز، مهری که مرا فرا گیرد و مرا به سلامت دار، سلامتی که مرا بدان بپوشانی و روزی ای به من عطا فرما که مرا بی نیاز گرداند و گشایشی به من ده که مرا فراگیرد. ای سخاوتمندترین کسی که از او درخواست شده و ای بزگوارترین کسی که خوانده شده و ای مهربان ترین کسی که از او درخواست مهرورزی شده و ای رئوف ترین کسی که گذشت کرده و ای بهترین کسی که بر او تکیه شده است. تو را خوانم برای اندوهی که جز تو کسی آن را برندارد و برای گرفتاری ای که جز تو کسی آن را برطرف نسازد و برای

غصه ای که جز تو کسی آن را از میان برندارد و برای رحمتی که جز از جانب تو بدان دست نیابند و برای خواسته ای که جز به وسیله تو برآورده نمی شود. خدایا، چنانچه عادتت بر این بود که برای درخواست از خود به من اجازه دهی و با یاد خویش به من مهر ورزی، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و همین الآن در کارم گشایش ده و مرا از هر آنچه بر جان خویش بیم دارم رهایی بخش؛ به راستی که اگر تو از جانب خویش رحمتی به من نرسانی که به وسیله آن نجاتم بخشی، غیر از تو هم کسی را نخواهم یافت که مرا نجات دهد و من جز تو که را دارم؟ تو تو تو ای مولای من! نسبت به من بسیار به آمرزش عادت داری و من بسیار به معصیت و منم کسی که پیش از معصیتم از تو نترسیدم و تو را بر شهوتم ترجیح ندادم، ولی عمل بدم و کردار زشتم و جرم عظیمم تو را از اجابت من باز ندارد، بلکه با رحمت خویش به من لطف فرما و با آمرزش خویش بر من منت نه و با گذشت خویش از من درگذر و دعایم را مستجاب فرما و به رحمت خویش اجابت تمام این ها را به من بشناسان. سرورم! از تو خواهم: راستی در کارم و موفقیت در خواسته ام و درستی نفسم و رستگاری در دینم و گشایش در روزیام و روزی خانواده ام و نعمت بخشی بر من و قناعت بر آنچه قسمتم کرده ای.

خدایا از فضل خویش بسیار قسمتم فرما و خیر را در دستانم جاری کن و مرا از آنچه برایم مقدر فرموده ای خشنود گردان و عاقبتم را به هر چه خوب و نیکوست مقدّر فرما و مرا برای روزه داری و عبادت این ماه نیرو ده. به راستی که تو بر همه چیز توانایی. ای مهربان ترین مهربانان! و درود خدا بر بهترین آفریده اش محمد و خاندان محمد باد...

و حاجات خویش را از خدا بخواه.

سپس دو رکعت نماز می گزاری و دعایی را که از دست نوشت جدم ابو جعفر طوسی رحمه الله به روایت از امام محمد باقر علیه السلام(1) نقل کرده ایم و آن را دعای جامع می نامید، می خوانی:



---

1- . در منبع آمده است: از امام صادق علیه السلام.

به نام خداوند بخشاینده مهربان. گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست، او یگانه است و شریکی ندارد و گواهی می دهم که محمد، بنده و رسول اوست، به خدا و تمام فرستادگان خدا و به تمام آنچه بر جملگی فرستادگان خداوند نازل فرموده ای، ایمان پیدا کرده ام و این که وعده خداوند حق است و دیدارش حق و خداوند راست گفته و فرستادگان ابلاغ کرده اند. و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و منزه است خدا، هر بار که چیزی خداوند را تنزیه گوید و همان طور که خدا دوست می دارد که تنزیه شود و ستایش خدای را، هر بار که چیزی خدا را ستایش کند و همان طور که خدا دوست دارد ستایش شود و معبودی جز خدا نیست، هر بار که چیزی خدا را به یگانگی بستاید و همان گونه که خداوند دوست دارد به یگانگی ستوده شود و خدا بزرگتر است، هر بار که چیزی خداوند را به بزرگی بستاید و همان گونه که خداوند دوست دارد به بزرگی ستایش شود. خدایا کلیدهای نیکی و سرانجام و فراخی و سودها و برکات آن را از تو خواهم، از آنچه دانشم بدان رسیده و آنچه ذهنم از شمردن آن ناتوان شده است. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و اسباب شناخت او را بر من روشن کن و درهای آن را بر من بگشا و مرا در پوشش برکات رحمت خویش قرار ده و با جلوگیری از جدایی از دینت بر من منت فرما و دلم را از تردید پاک فرما و دلم را به جای پاداش دیر هنگام آخرتم، سرگرم دنیا و زندگی زودهنگامم نساز و دلم را به حفظ آنچه نادانیام را در مورد آن نمی پذیری مشغول کن و زبانم را به سوی هر خیری راهنمایی کن و دلم را از ریاکاری و بلندآوازگی پاک کن و آن را در مفاصلم جاری نساز و کردارم را برای خودت خالص گردان.

خدایا به تو پناه برم از بدی و همه انواع زشتی ها، آشکار و نهان آن و غفلت های آن و تمام اموری که شیطان رانده شده به وسیله آن قصد مرا کند و هر کاری که تو به آن علم داری و پادشاه ستیزه جو در مورد من میخواهد و تو به بازگرداندن آن از من توانایی. خدایا به تو پناه آورم از شب آزاران جن و انس و رئیسان جنیان و شرور و حیله گری های آنان و محل حضور بدکاران جن و انس و از

ص: 480

این که از آیینم به خطا روم و به آن آخرتم تباه گردد و از این که در زندگیام از اینان به من زیانی یا بلایی رسد که مرا گرفتار آنان سازد و توان و صبری بر تحمل آن نداشته باشم، پس ای معبود من! مرا با تحمل آن امتحان نکن که مرا از یاد تو باز دارد و از عبادتت غافل کند. تویی حافظ بازدارنده و دفع کننده و نگهدار در برابر تمام این ها.

خدایا از تو خواهم رفاه را در زندگیام، تا وقتی که زنده ام میداری، زندگی ای که به وسیله آن بر طاعت تو نیرو گیرم و بدان به خشنودی تو نائل گردم و به وسیله آن و به بخشش تو به سرای زندگی حقیقی بروم و روزی ای را که مرا به سرکشی وا می دارد روزیام نگردان و به فقری که بدان بدبخت و تنگ دست شوم، دچارم نکن. بهره ای فراوان در آخرتم و زندگی فراخ و گوارا و خوشایند در دنیایم به من عطا فرما و دنیا را زندان من قرار نده و جدایی از آن را مایه اندوه من نگردان. مرا با سلامت از فتنه آن پناه ده و عملم را در آن پذیرفته و تلاشم را در آن مورد سپاس قرار ده. خدایا، هر که نسبت به من نیت سویی دارد، تو به او اراده سوء کن و هر که قصد نیرنگ نسبت به من دارد، با او نیرنگ کن و نگرانی هر که را که نگرانیاش در وجودم رخنه کرده از من دور کن و مکر هر که را نسبت به من مکری کرده به خودش باز گردان، که تویی بهترین مکرانگیزان. و چشمان ناسپاسان و بدکاران و سرکشان و حسودان را درآور. خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و از جانب خویش آرامشی بر جانم فرود آور و زره محکم خویش را بر من بپوشان و با پوشش نگهدار خویش مرا حفظ کن و مرا زیر پوشش سلامتی سودمند خویش قرار ده و گفتار و کردارم را تأیید کن و به من خانواده و فرزندان و مالم برکت ده و آنچه از پیش فرستاده ام و آنچه به تأخیر انداخته ام و آنچه از آن غفلت کرده و آنچه قصدش را کرده و آنچه در آن کوتاهی نموده و آنچه آشکار کرده و آنچه نهان نموده ام. مرا بیامرز ای مهربان ترین مهربانان! و بر محمد و خاندان پاک و طاهر او درود فرست، چنانچه تو شایسته آنی ای صاحب اختیار مؤمنان!

سپس دعایی را که محمد بن ابی قره در تعقیب این دو رکعت در کتابش ذکر کرده است، می خوانی:

ص: 481

خدایا از تو خواهم، همچون خواستن بیچاره ای ناتوان و از تو طلب می کنم، همچون طلبیدن بینوایی بی چیز و روی زاری به درگاهت آورم، همچون زاری ستمدیده ای نابینا و دعا و زاری می کنم، همچون دعا و زاری گنهکاری خوار و ناتوان و از تو درخواست می کنم، همچون درخواست کسی که جانش در برابر تو خاضع گشته و گردنش در برابر تو خوار شده و بینیاش در برابر تو تسلیم شده و چهره اش برای تو خاک آلود گشته و پیشانیاش برای تو بر زمین افتاده و اشک هایش برای تو روان شده و راه چاره بر او بسته شده و دلیل و برهانی بر گناه خویش ندارد و توانش به تحلیل رفته و حسرتش شدت یافته و پشیمانیاش عظیم گشته است. پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به درمانده ای که نیازمند رحمت توست رحم کن. به حق عظیمت ای عظیم، ای عظیم، ای عظیم. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا و پدر و مادرم و تمام مردان و زنان با ایمان را بیامرز و در این جایگاهم برات رهایی از آتش را بر من ارزانی دار و روزی حلال و وسیع و پر از لطفت را بر من فراخ گردان و از گنجینه های خویش بر من عطا فرما و بر من و خانواده و مالم و بر تمام آنچه روزیام گردانده ای برکت ده و امسال حج و عمره را در فراوان ترین بخشش و فراخ ترین ثروت روزیام فرما و آن را پذیرفته و مقبول و خالص برای ذات بزرگوار خود قرار ده. ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، رزق و روزی خانواده و زن و فرزندانم و بدهکارانم و تجارتم و تمام آنچه از سختی آن می ترسم و روزی جملگی خلقت را کفایت فرما و مرا از شر بدکاران عرب و عجم و از شر آذرخش ها و سرما و شر هر جنبنده ای که اختیارش در کف توست نجات ده که تو بر مسیر درستی. ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، این ها را به رحمت خویش برای من انجام ده و حق خویش را بر من ببخش و به آمرزش خویش گناهانم را بپوش و پس از آنکه هدایتم کردی دلم را دستخوش انحراف مگردان و از جانب خود، رحمتی بر من ارزانی دار {که تو خود بخشایشگری.}(1) و بر محمد و خاندان محمد درود فرست... و حاجاتت را بخواه.



---

1- . آل عمران / 8

سپس به سجده برو و آنچه را که ذکر کرده بودیم و تنها بنا بر اقتضای عذری آن را تکرار کردهایم بخوان:

خدایا مرا با دانش بی نیاز فرما و با بردباری بپیرای و با پرهیزکاری کرامت بخش و با سلامتی زیبا کن. ای صاحب سلامتی، مرا از آتش در امان دار، در امان دار. سپس سر بلند کن و بگو:

ای خدا، ای خدا، ای خدا! به این که معبودی جز تو نیست، از تو خواهم به نامت: به نام خداوند بخشاینده مهربان، ای خداوند، ای پروردگار، ای نزدیک، ای اجابتگر، ای پدید آورنده آسمان ها و زمین، ای باشکوه ارجمند، ای مهربان، ای عطابخش، ای زنده، ای پاینده! به حق هر نامی که مخصوص توست و تو دوست داری تا بدان نام خوانده شوی و به هر دعایی که یکی از پیشینیان و پسینیان تو را بدان خوانده و تو مستجابش گردانده ای، از تو خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و قلبم را به بیم و هراس از خودت متوجه گردانی و مرا از مخلصان قرار دهی و تمام ارکانم را برای عبادت خویش تقویت گردانی و سینه ام را برای نیکی و پارسایی گشاده کنی و زبانم را برای تلاوت کتابت گویا گردانی، ای صاحب اختیار مؤمنان! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و برایم چنین و چنان کن... و حاجت هایت را از خدا بخواه.

بدان من نمازهای مربوط به شب های ماه رمضان را که به طریق روایت و راویان آن اطمینان نداشتم ذکر نکردم و از اثبات آنها صرف نظر کردم. (1)

4. دعائم الإسلام: از امام باقر علیه السلام روایت شده است که آن حضرت وارد مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله شدند و دیدند که ابن هشام در حال ایراد خطبه نماز جمعه ماه رمضان است و می گوید: این ماهی است که خداوند روزه آن را واجب فرمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز آن را سنت فرمود. که امام باقر عیه السلام فرمودند: ابن هشام دروغ گفت، نماز رسول خدا در ماه رمضان نبود مگر مانند نمازش در سایر اوقات.



---

1- . کتاب الاقبال : 42-33

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: روزه ماه رمضان واجب است و نماز به جماعت در شب آن بدعت است و رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب های آن نمازش را به جماعت نخوانده و اگر نیک بود آن را ترک نمی فرمود. حضرت در بعضی از شب های ماه رمضان به تنهایی نماز می خواند که عده ای هم پشت سر او به نماز ایستادند و وقتی به حضور آن ها پی برد به خانه خویش رفت. این کار را سه شب انجام داد و پس از این سه شب چون صبح کرد، بر بالای منبر رفت و پس از حمد و ستایش خداوند فرمود: ای مردم! نافله شب را نه در ماه رمضان و نه در سایر ماه ها به جماعت نخوانید، که این بدعت است و نماز چاشت نخوانید که آن بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی راهش به سوی آتش است، سپس از منبر پایین آمد در حالی که می فرمود: اندکی در سنت بهتر است از بسیاری در بدعت. نماز نافله در شب های ماه رمضان نه در زمان رسول خدا به جماعت خوانده می شد و نه در دوران ابوبکر و نه در روزهای آغازین حکومت عمر، تا این که عمر آن را پایه ریزی کرد و مردم از او پیروی کردند.(1)

5. اربعین الشهید:(2) از حارث روایت شده است که از امام علی علیه السلام درباره فضیلت ماه رمضان و فضیلت نماز در آن سؤال کرد، حضرت در پاسخ فرمود:

هر که در اولین شب ماه رمضان چهار رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک بار حمد و پانزده بار قل هو الله أحد بخواند، خداوند تعالی برابر پاداش راستگویان و شهدا را به او ببخشد و تمام گناهان او را بیامرزد و در روز قیامت از رستگاران باشد.

و هر که در شب دوم ماه رمضان چهار رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک حمد و بیست مرتبه إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَيْلَهِ الْقَدْرِ بخواند، خداوند تمام گناهان او را بیامرزد و روزی او را فراخ گرداند و بدی آن سال را از او کفایت فرماید.

هر که در شب سوم ماه رمضان ده رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک حمد و پنجاه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند، هاتفی از سوی خداوند عزوجلّ ندا دهد که آگاه

1- . دعائم الإسلام 1 : 213 با اندکی تفاوت.
2- . الأربعين : 210

باشید که فلان پسر فلان از جانب خدا از آتش دوزخ آزاد گشته و درهای آسمان ها به روی او گشوده شده است. و هر که آن شب برخیزد و آن را احیا دارد، خداوند گناهان او را بیامرزد.

و هر که در شب چهارم ماه رمضان هشت رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک حمد و بیست إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ بخواند، خداوند در آن شب عمل او را به مانند عمل هفت تن از پیامبران که رسالات پروردگار خویش را ابلاغ کرده اند، بالا می برد.

و هر که در شب پنجم دو رکعت نماز بگزارد با صد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، در هر رکعت پنجاه مرتبه و چون از نماز فارغ شد صد مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد، در روز قیامت بر در بهشت با من رقابت کند.

و هر که در شب ششم ماه رمضان چهار رکعت نماز بخواند: در هر رکعت یک حمد و تَبَارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ بخواند، گویی که با شب قدر مصادف شده است.

هر کس در شب هفتم ماه مبارک رمضان چهار رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک حمد و سیزده إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ بخواند، خداوند در بهشت عدن دو قصر زرین برای او بنا نهد و تا ماه رمضان بعدی در امان خدای تعالی باشد.

هر کس در شب هشتم ماه رمضان دو رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک مرتبه حمد و یازده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و هزار تسبیح بگوید، درهای هشتگانه بهشت بر او گشوده میشود و از هر کدام که بخواهد وارد آن شود.

هر کس در شب نهم ماه رمضان بین نماز مغرب و عشا شش رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک مرتبه حمد و هفت مرتبه آیه الکرسی بخواند و پنجاه مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد، فرشتگان عمل او را مانند عمل راستگویان و شایستگان بالا می برند.

و هر که در شب دهم ماه رمضان بیست رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک حمد و سی قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند، خداوند تعالی روزی او را فراخ گرداند و از رستگاران گردد.

هر که در شب یازدهم ماه رمضان دو رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک حمد و بیست إِنَّا أَعْطَيْنَاکَ الْکَوْثَرَ بخواند، در آن روز گناهی در پی اش نباشد؛ هر چند که شیطان تمام تلاشش را کند.

هر که در شب دوازدهم ماه رمضان هشت رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک حمد و سی إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ بخواند، خداوند تعالی ثواب شاکران را به او عطا فرماید و در روز قیامت از رستگاران باشد.

هر که در شب سیزدهم ماه رمضان چهار رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک فاتحه و بیست و پنج قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند، در روز قیامت همچون آذرخشی رباینده و سریع از صراط عبور کند.

هر که در شب چهاردهم ماه رمضان شش رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک مرتبه حمد و سی مرتبه زلزال بخواند، خداوند سختی مرگ و نکیر و منکر را بر او آسان کند.

هر کس در شب نیمه رمضان صد رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت یک حمد و ده قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و همچنین چهار رکعت نیز بخواند که در دو رکعت اول صد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در دو رکعت دوم پنجاه مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند، خداوند گناه او را سریع تر از یک چشم بر هم زدن بیامرزد؛ هر چند که به تعداد کف دریا و شن های بیابان عالج و تعداد ستارگان آسمان و برگ درختان باشد، به علاوه پاداش بیشتری که در نزد خداوند دارد.

هر که در شب شانزدهم ماه رمضان دوازده رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک حمد و دوازده أَلْهَیکُمُ التَّکَاثُرُ بخواند، از قبر خویش شاداب بیرون آید و گواهی لا اله الا الله را سر داده تا این که وارد عرصه قیامت شود و دستور داده می شود که او را بدون حساب به بهشت برند.

هر که شب هفدهم ماه رمضان دو رکعت نماز بگزارد که در رکعت اول بعد از فاتحه الکتاب هر چه خواست بخواند و در رکعت دوم صد بار قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و صد مرتبه لا إله إلا الله بگوید، خداوند ثواب یک میلیون حج و یک میلیون عمره و هزار غزوه را برایش بنویسد.

و هر که شب هجدهم ماه رمضان چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج بار إِنَّا أَعْطَیْنَاکَ الْکَوْثَرَ بخواند، از دنیا بیرون نرود تا این که فرشته مرگ به او بشارت دهد که خداوند از او خشنود است و خشمناک نیست.

و هر که شب نوزدهم ماه رمضان پنجاه رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت یک حمد و پنجاه بار إِذَا زُلْزِلَتْ بخواند، خداوند را در روز قیامت دیدار کند به مانند کسی که صد بار حج و صد بار عمره به جا آورده و خداوند سایر اعمال او را از او بپذیرد.

هر که در شب بیستم ماه رمضان هشت رکعت نماز بگزارد و هر سوره ای که می خواهد در آن بخواند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد.

هر که در شب بیست و یکم ماه رمضان هشت رکعت نماز بگزارد، هفت آسمان بر او گشوده می شود و دعایش مستجاب گردد [به علاوه پاداش بیشتری که نزد خداوند است].

هر که در شب بیست و دوم ماه رمضان هشت رکعت نماز بگزارد، هشت در بهشت بر او گشوده می شود تا از هر در که بخواهد وارد شود.

هر که در شب بیست و سوم ماه رمضان هشت رکعت نماز بگزارد، درهای آسمان های هفتگانه بر او گشوده شود و دعایش مستجاب شود.

هر که در شب بیست و چهارم این ماه هشت رکعت نماز بگزارد و هر سوره ای که بخواهد در آن بخواند، ثوابی همچون ثواب کسی که حج و عمره به جای آورده نصیبش گردد.

هر که در شب بیست و پنجم ماه رمضان هشت رکعت نماز بگزارد و در آن یک حمد و ده قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند، خداوند ثواب عبادت پیشگان را برای او بنویسد.

هر که در شب بیست و ششم ماه رمضان هشت رکعت نماز بگزارد که در هر رکعت یک حمد و صد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند، هفت آسمان به روی او گشوده می شود، به علاوه پاداش بیشتری که نزد خداوند دارد.

هر کس در شب بیست و هفتم ماه رمضان چهار رکعت نماز با فاتحه و یک تَبَارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ بخواند و اگر تبارک را حفظ نبود بیست و پنج بار قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند، خداوند او و پدر و مادرش را بیامرزد.

هر کس در شب بیست و هشتم ماه رمضان شش رکعت نماز با فاتحه و ده آیه الکرسی و ده إِنَّا أَعْطَیْنَاکَ الْکَوْثَرَ و ده قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد، خداوند او را بیامرزد.

هر کس در شب بیست و نهم ماه رمضان دو رکعت نماز با فاتحه و بیست قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند، از رحمت شدگان باشد و نامه اعمالش در علیین بالا رود.

هر کس در شب سی ام ماه رمضان دوازده رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت یک فاتحه الکتاب و بیست قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و صد مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد، خداوند عاقبت او را به رحمت ختم فرماید.

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 488

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
1.JAVA
2.ANDROID
3.EPUB
4.CHM
5.PDF
6.HTML
7.CHM
8.GHB
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
1.ANDROID
2.IOS

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109